

بسم الله الرحمن الرحيم



دوفصلنامه علمی پژوهشنامه رسانه بین الملل
سال هشتم، شماره اول، شماره پیاپی یازدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۲
معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

و دانشگاه صداوسیما

مدیر مسئول: دکتر احمد نوروزی
جانشین مدیر مسئول: دکتر احمد کاظمی
سر دبیر: دکتر محمدقلی میناوند
مدیر داخلی: دکتر محمود ترابی اقدم

ویراستاران فارسی: مریم مهاجری و بهنام خسروی
سر ویراستار انگلیسی: دکتر محمدقلی میناوند
صفحه آرا: معصومه پورحجازی
طراح گرافیک: الهه ولایتی
هماهنگی توزیع: سهیلا نعمتی

ناشر: پژوهش‌های کاربردی معاونت برون مرزی صداوسیما
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ نگارش

بر اساس ارزیابی کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) در سال ۱۳۹۹، «پژوهشنامه رسانه بین الملل» از شماره ۴ (سال ۱۳۹۸) حائز رتبه علمی «ب» گردیده است.

به موجب ماده ۱۳ قانون مطبوعات، پروانه انتشار «پژوهشنامه رسانه بین الملل» با شماره ثبت ۸۱۹۰۹ در تاریخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۷ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر گردیده است.

دوفصلنامه «پژوهشنامه رسانه بین الملل»، توسط پژوهش‌های کاربردی معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران با مشارکت دانشگاه صداوسیما و همکاری انجمن ایرانی روابط بین الملل منتشر می‌شود. فرایند و امور علمی، اجرایی، اداری و مالی این نشریه توسط پژوهش‌های کاربردی معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران انجام می‌گیرد.

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از مسجد بلال، ساختمان اداری صداوسیما، طبقه پنجم
واحد پژوهش‌های کاربردی برون مرزی

کد پستی: ۱۹۹۹۷۱۳۱۱۳ تلفن: ۲۲۱۶۷۱۵۳

نشانی پایگاه اینترنتی نشریه پژوهشنامه رسانه بین الملل: <http://imfl.arc.iriborg.ir/>
نشانی پایگاه اینترنتی پژوهش‌های کاربردی معاونت برون مرزی صداوسیما: <http://arc.irib.ir>

دوفصلنامه علمی پژوهشنامه رسانه بین الملل
سال هشتم، شماره اول، شماره پیاپی یازدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۲

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی (روابط بین الملل)	دکتر هادی آجیلی
استاد دانشکده وزارت امور خارجه (روابط بین الملل)	دکتر محمدرضا دهشیری
استاد دانشگاه تهران (مدیریت رسانه)	دکتر طاهر روشندل اربطانی
دانشیار دانشگاه صداوسیما (ارتباطات)	دکتر اردشیر زابلی زاده
استاد دانشگاه صداوسیما (مطالعات هنرهای نمایشی)	دکتر احمد ضابطی چهرمی
دانشیار دانشگاه تربیت مدرس (پژوهش هنر و مطالعات تلویزیون)	دکتر علی اصغر فهیمی فر
استاد دانشگاه تهران (مطالعات آمریکای شمالی و ادبیات انگلیسی)	دکتر سیدمحمد مرندی
استاد دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه (حقوق بین الملل عمومی)	دکتر رضا موسی زاده
دانشیار دانشگاه صداوسیما (ارتباطات)	دکتر داود نعمتی انارکی
دانشیار دانشگاه شهید بهشتی (حقوق بین الملل)	دکتر محمدحسین رضانی قوام آبادی

دوفصلنامه علمی پژوهشنامه رسانه بین الملل
سال هشتم، شماره اول، شماره پیاپی یازدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۲

اعضای هیئت مشاوران علمی (به ترتیب حروف الفبا)

رئیس سازمان صداوسیما و استادیار دانشگاه صداوسیما (ارتباطات)	دکتر پیمان جبلی
دانشیار دانشگاه شهید بهشتی (روابط بین الملل)	دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی
دانشیار دانشگاه امام صادق ^(ع) (حقوق بین الملل)	دکتر توکل حبیبزاده
استاد دانشگاه صداوسیما (مدیریت راهبردی و رادیو)	دکتر حسن خجسته باقرزاده
دانشیار دانشگاه صداوسیما (پژوهش هنر و برنامه‌های تلویزیونی)	دکتر علی رجبزاده طهماسبی
دانشیار دانشگاه صداوسیما (معارف اسلامی و تبلیغات)	دکتر مجتبی رضوی طوسی
دانشیار دانشگاه صداوسیما (مدیریت رسانه)	دکتر سیاوش صلواتیان
دانشیار دانشگاه بین المللی امام خمینی ^(ع) (علوم سیاسی)	دکتر حاکم قاسمی

راهنمای نگارش مقاله

- (۱) **عنوان و موضوع مقاله:** باید در چارچوب یکی از محورهای زیر باشد:
 - شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی برون مرزی صداوسیما ج.ا. ایران (پرس‌تی‌وی، هیسپان‌تی‌وی، العالم، الکوثر، سحر، هوساتی‌وی، آی فیلم و ...)
 - دیپلماسی رسانه‌ای ایران با کشورها و مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی
 - دیپلماسی فرهنگی، سایبری، حقوقی و هنری ایران و سایر کشورها
 - تحلیل راهبردی تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی از منظر رسانه‌ای
 - نقاط قوت و ضعف رسانه‌های بین‌المللی و برون مرزی ایران و سایر کشورها
 - جایگاه قواعد حقوق بین‌الملل ارتباطات در رسانه‌های بین‌المللی و شبکه‌های اجتماعی
 - نقش رسانه‌های بین‌المللی در ارتباطات سیاسی جهانی و روابط بین‌المللی
 - مباحثات منطقه‌ای و بین‌المللی از منظر حقوق بین‌الملل بشر و بشردوستانه با تأکید بر دیپلماسی حقوقی
 - دیوان بین‌المللی کیفری در مواجهه با جنایات بین‌المللی از منظر رسانه‌ای
 - تحولات منطقه‌ای و جهانی از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر دیپلماسی حقوقی
 - امکان‌سنجی تأسیس ائتلاف‌ها، بلوک‌ها و باشگاه‌های رسانه‌ای منطقه‌ای و جهانی
 - گام دوم انقلاب اسلامی و رسالت رسانه‌های برون مرزی و محور مقاومت
 - تولیدات هنری رسانه‌های بین‌المللی ایران و جهان از منظر دیپلماسی هنری
 - مخاطب‌شناسی رسانه‌های بین‌المللی ایران و جهان
- (۲) **حجم مقاله:** با احتساب تمامی اجزاء آن حداکثر ۸۰۰۰ کلمه و با فاصله خطوط یک سانتی‌متر باشد.
- (۳) **قلم مورد استفاده:** قلم مورد استفاده در داخل متن در عبارات فارسی BMitra با شماره ۱۳ و در عبارات انگلیسی Times New Roman با شماره ۱۱ باشد. در پاورقی فارسی و انگلیسی از دو فونت مذکور با شماره ۱۰ و ۹ استفاده شود.
- (۴) **صفحه اول:** باید شامل عنوان مقاله، چکیده، نام و نام خانوادگی نویسنده (نویسندگان) به همراه مدرک تحصیلی، درجه علمی و نشانی آدرس الکترونیکی آنان (در پاورقی) باشد.
- (۵) **چکیده:** چکیده باید به فراخور محتوای مقاله، بیانگر موضوع، مسئله، اهمیت، هدف (یا پرسش) اصلی، نظریه مورد استفاده، روش، یافته‌ها، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش باشد. چکیده نباید از ۲۵۰ کلمه تجاوز کند. به همراه چکیده فارسی، چکیده انگلیسی نیز ارسال گردد. واژگان کلیدی در انتهای چکیده به تعداد ۳ تا ۵ واژه ذکر شود.

۶ مقدمه: شامل مقدمه (موضوع) و مسئله، اهمیت و ضرورت، پیشینه، مبانی نظری، اهداف، پرسش‌ها، فرضیه‌ها و روش پژوهش است. در صورتی که هر یک از بخش‌های فوق مانند پیشینه، مبانی نظری و روش پژوهش، نیازمند شرح بیشتری باشد، مستقل آورده شود.

۷ بدنه اصلی مقاله: شامل سیر تاریخی موضوع، تحلیل راهبردی موضوع، تبیین شاخص‌های رویکردی و رفتاری بازیگران، سناریوهای محتمل درباره موضوع (با رویکرد آینده‌پژوهی) و ... است. بررسی بازنمایی رسانه‌ای پدیده مورد مطالعه در رسانه‌های برون مرزی ایران یا رسانه‌های رقیب در این بخش ضروری است.

۸ بحث و نتیجه‌گیری: در این بخش با توجه به سؤال‌ها یا فرضیه‌های مقاله، یافته‌های مهم دسته‌بندی و تبیین شود. استنتاج و استفاده از پیشینه پژوهش و مبانی نظری در این بخش ضروری است.

۹ پیشنهادها: پیشنهادهای مستخرج از مقاله که به فراخور موضوع در دو قالب پیشنهادهای رسانه‌ای و پیشنهادها برای پژوهش‌های آتی می‌تواند صورت‌بندی شود. پیشنهادهای رسانه‌ای، پیشنهادها سیاست‌گذاری و برنامه‌سازی برای شبکه‌های تلویزیونی، رادیویی و رسانه‌های مجازی برون مرزی باید باشد.

۱۰ منابع: متناسب با ماهیت موضوع مقاله، منابع باید از منابع دست اول و معتبر خارجی باشد. برای منابع فارسی نیز باید از کتب و مقالات علمی معتبر استفاده شود. از استاد به سایت‌های خبری و منابع غیرمعتبر جداً خودداری شود. ضروری است حداقل ۳۰ درصد منابع، از منابع خارجی معتبر که در ۵ سال اخیر منتشر شده‌اند، باشند.

شیوه منبع‌دهی: منابع مقاله با توجه به الگوی استاد درون متنی معرفی گردد:

در متن مقاله، هنگام استفاده از نقل قول‌ها (خواه مستقیم و خواه غیرمستقیم)، استاد به آراء و اقتباس از آثار دیگران حتماً نام مؤلف/ مؤلفان و سال انتشار و شماره صفحه اثر در داخل پرانتز آورده شود؛ مانند: (امیری، ۱۳۸۵: ۴۴).

منابع استفاده شده در متن مقاله، در پایان مقاله و بر اساس ترتیب حروف الفبایی نام خانوادگی نویسندگان (نویسندگان) به شرح زیر آورده شود:

- کتاب: نام خانوادگی، نام (نویسنده یا نویسندگان) (تاریخ انتشار)، نام کتاب، (نام مترجم)، محل نشر: نام ناشر. مثال:

یک نویسنده. امیری، حسین (۱۳۹۲). *دیپلماسی رسانه‌ای*. تهران: نشر نی.

دو نویسنده. سورین، ورنر جی، و جیمز دبلیو. تانکارد (۱۳۹۰). *نظریه‌های ارتباطات*، (ترجمه علیرضا دهقان). تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

سه نویسنده. رایف، دانیل، استفن لیس، و فریدریک جی، فیکو (۱۳۹۱). تحلیل پیام‌های رسانه‌ای: کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق، (ترجمه مهدخت بروجردی علوی)، تهران: سروش.

– مقاله:

مقاله با یک نویسنده:

Fukugawa, N. (2022). Effects of the quality of science on the initial public offering of university spinoffs: evidence from Japan. *Scientometrics*, 127(8), 4439-4455.

بنی اسدی، نازنین (۱۳۸۳). مدیریت مشارکتی معلمان و ارتباط آن با رفتار جامعه مدنی دانش‌آموزان. *روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۳۴(۲)، ۱۹۸-۱۷۵.

مقاله با دو نویسنده:

Haunschild, R., & Bornmann, L. (2022). Relevance of document types in the scores' calculation of a specific field-normalized indicator: Are the scores strongly dependent on or nearly independent of the document type handling?. *Scientometrics*, 127(8), 4419-4438.

شجاعی، حسین، و ثقیان، علی (۱۳۹۶). تاثیر شناخت تحولات تاریخی زبان عربی بر گستره‌ی پژوهش‌های ریشه‌شناسی. *مطالعات قرآن و حدیث*، ۱۱(۲۱)، ۵-۲۸.

مقاله با ۳ نویسنده:

Vakkari, P., Chang, Y. W., & Järvelin, K. (2022). Largest contribution to LIS by external disciplines as measured by the characteristics of research articles. *Scientometrics*, 127(8), 4499-4522.

وزیری، اسماعیل، نقشینه، نادر، و نوروزی چاکلی، عبدالرضا (۱۳۹۸). موانع و چالش‌های اشتراک‌گذاری داده‌های پژوهشی. *پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۹(۲)، ۵-۲۳.

مقاله با بیش از ۳ نویسنده:

Wheeler, J., Pham, N. M., Arlitsch, K., & Shanks, J. D. (2022). Impact factions: assessing the citation impact of different types of open access repositories. *Scientometrics*, 127(8), 4977-5003.

ریاحی‌نیا، نصرت، رحیمی، فروغ، لطیفی، معصومه، و الله بخشیان، لیلی (۱۳۹۴). بررسی میزان انطباق ربط سیستمی و ربط کاربردمدارانه در پایگاه‌های اطلاعات. *تعامل انسان و اطلاعات*، ۲(۱)، ۱-۱۱. ضروری است شناسه منحصر به فرد DoI یا DOR یا هر دو در انتهای ارجاعات هر مقاله به شرح زیر درج گردد.

مثال:

رجب‌زاده، محسن، الهی، شعبان، حسن‌زاده، علیرضا، و مهرآیین، محمد (۱۴۰۱). اینترنت اشیا در مدیریت زنجیره تأمین: مروری نظام مند با استفاده از رویکرد قیف پارادایمی. *پژوهشنامه پردازش و مدیریت*

اطلاعات، ۳۷(۱)، ۸۲-۵۹. doi:10.52547/jipm.37.1.59

Rajabzadeh, M., Elahi, S., Hasanzadeh, A., & Mehraeen, M. (2022). Internet of Things in Supply Chain Management: A Systematic Review Using the Paradigm Funnel Approach. *Iranian Journal of Information Processing and Management*, 37(1), 59-82. doi:10.52547/jipm.37.1.59

– در منابع مربوط به کتاب‌ها، عنوان کتاب، در منابع مربوط به مقالات، عنوان نشریه و در منابع مربوط به سایت‌ها عنوان سایت ایتالیک شود.

۱۱) تمامی اسامی و اصطلاحات لاتین، در متن، به زبان فارسی و در زیرنویس، به صورت لاتین آورده شود.

۱۲) در صورتی که اصطلاح، مفهوم یا مطلبی نیاز به توضیح دارد، در پایان مقاله به عنوان پی‌نوشت آورده شود.

۱۳) رعایت آیین نگارش فارسی در مقاله الزامی است. از به کار بردن واژه‌های مبهم، ترکیب‌های واژگانی نامعمول و جملات طولانی و پیچیده خودداری گردد.

۱۴) در کنار تاریخ هجری شمسی، ذکر تاریخ میلادی رویدادها و تحولات مورد بررسی در مقاله ضرورت دارد.

سخن مدیر مسئول

توسعه کمی و کیفی معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه اخیر، آن را تبدیل به یک نهاد رسانه‌ای عظیم و تأثیرگذار در عرصه بین‌المللی کرده است. این جبهه از رسانه ملی با اتخاذ آرایش رسانه‌ای هدفمند در حوزه‌های مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، جایگاه بی‌بدیلی در انعکاس صدای اکثریت مظلوم و خاموش جهان، شکستن انحصار خبری نظام سلطه، انعکاس دستاوردهای انقلاب اسلامی، ترویج گفتمان عدالت‌خواه انقلاب اسلامی، مقابله با اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی و پیشبرد و پشتیبانی از اهداف جبهه مقاومت کسب کرده است.

معاونت برون مرزی، مشتمل بر شبکه‌های تلویزیونی پرس‌تی‌وی، هیسپان تی‌وی، العالم، العالم، سوریه، الکوثر، آی فیلم (فارسی، انگلیسی، عربی و آی فیلم ۲)، سحر (آذری، کردی، اردو، بالکان و افغانستان)، تلویزیون‌های اینترنتی هوسا تی‌وی و پرس تی‌وی فرانسوی‌زبان، شبکه سحاب (با فعالیت در ۲۶ حوزه زبانی)، خبرگزاری تصویری بین‌المللی ایران پرس، اداره‌کل تولیدات نمایشی، اداره‌کل امور بین‌الملل، واحد پژوهش‌های کاربردی و یور مدیوم است. همچنین با هدف پویایی و رقابت در تولیدات رسانه‌ای بین‌المللی جبهه مقاومت و همراهی با هنرمندان معتقد به جهان چندقطبی، «جشنواره رسانه‌ای صبح» از سال ۱۴۰۱ آغاز به کار کرده است.

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) فرموده‌اند: «عنصر تحقیق و پژوهش در همه جا به صورت یک اصل در مجموعه کارها باید مورد توجه قرار گیرد». بر این اساس، از آغاز توسعه رسانه برون مرزی، پژوهش دارای نقش و جایگاه ویژه‌ای بوده است. طبیعتاً برای فعالیت مؤثر رسانه‌ای در حوزه بین‌الملل، نیاز به پژوهش‌های میان‌رشته‌ای راهبردی، کاربردی و رسانه‌ای است و این مهم همواره از سوی رؤسای محترم سازمان مورد تأکید قرار گرفته است.

واحد پژوهش‌های کاربردی معاونت برون مرزی که مسئولیت انتشار دوفصلنامه «پژوهشنامه رسانه بین‌الملل» را به عهده دارد، با هدف پشتیبانی علمی و سیاست‌گذاری محتوایی و ساختاری شبکه‌های رادیویی، تلویزیونی و اینترنتی برون مرزی با شعار «رسانه پژوهش‌مدار: رسانه تأثیرگذار» در حدود سه دهه فعالیت، علاوه بر پژوهش‌های مربوط به توسعه و تکمیل آرایش رسانه‌ای برون مرزی، توانسته است با انجام بیش از ۴۰۰ پژوهش برنامه‌ای، محتوای بسیاری از برنامه‌های رسانه برون مرزی را تأمین نماید. علاوه بر حفظ چارچوب‌های علمی و پژوهشی که ویژگی ذاتی فعالیت‌های تحقیقاتی است، مهم‌ترین خصیصه این پژوهش‌ها، داشتن صبغه برون مرزی، میان‌رشته‌ای بودن، کاربردی بودن در رسانه برون مرزی و بهره‌مندی از نشست‌های اندیشه‌ورزی است. به‌منظور کاهش فاصله پژوهش و برنامه‌سازی، طی پنج سال اخیر، پژوهش‌هایی که برای برنامه‌سازی نگاشته شده‌اند، بلافاصله در این واحد به مجموعه «متون برنامه‌ای چندرسانه‌ای» تبدیل شده و از طریق سامانه اینترنت در اختیار برنامه‌سازان برون مرزی و از طریق سایت اینترنتی این واحد (arc.irib.ir) در اختیار عموم قرار گرفته‌اند.

پژوهش‌ها در واحد پژوهش‌های کاربردی معاونت برون مرزی در دو قالب علمی «پژوهش‌های کاربردی» با محوریت تحقیقات میان‌مدت و «مجموعه راهبردهای پژوهشی رسانه‌ای و کاربردی» با محوریت تحقیقات کوتاه‌مدت تهیه می‌شوند. پژوهش‌های تولیدی در هر دو قالب، صرفاً معطوف به

پژوهش‌های منجر به برنامه‌سازی نیست، بلکه همسو با رهنمودهای مقام معظم رهبری در سند پیوست حکم، برای ارزیابی، تکمیل و توسعه آرایش رسانه‌ای برون‌مرزی، شامل: آسیب‌شناسی، روندسنجی، تدوین سیاست‌ها و راهبردهای اجرایی، تحلیل محتوای برنامه‌های شبکه‌های برون‌مرزی، پیشنهادهای رسانه‌ای، ایده‌های برنامه‌سازی، امکان‌سنجی تأسیس شبکه‌های جدید، مخاطب‌شناسی، شناخت نقاط ضعف و قوت رقبای رسانه‌ای، آینده‌پژوهی رسانه‌های برون‌مرزی، نشانه‌شناسی سریال‌های تولیدی برون‌مرزی و ... می‌شوند.

در این روند به‌منظور کمک به تقویت تولید فکر در زمینه دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای؛ ترویج مطالعات راهبردی در عرصه‌های ارتباطات، روابط و حقوق بین‌الملل به‌ویژه با محوریت قدرت نرم؛ بهره‌مندی حداکثری از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی؛ انتشار «پژوهشنامه رسانه بین‌الملل» از سال ۱۳۹۵ در دستور کار معاونت برون‌مرزی صداوسیما قرار گرفت و در اثر مجاهدت گروه علمی - اجرایی آن، در سال ۱۴۰۰ موفق به کسب اعتبار علمی «ب» از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری شد که این اعتبار از سال ۱۳۹۸ احتساب می‌گردد. این نشریه میان رشته‌ای، در ارزیابی وزارتخانه مذکور در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ جهش قابل‌توجهی در کسب امتیاز داشت و اعتبار علمی «ب» برای آن تمدید گردید. پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، در پایگاه‌های اطلاعاتی پرتال جامع علوم انسانی، مگیران، سیویلیکا، نورمگز، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه‌سازی شده است.

در نشست هیئت تحریریه نشریه در تیر ۱۴۰۲ تأکید شد در فرایند جدید تحول سازمان، بهره‌برداری از ظرفیت‌های علمی پژوهشنامه رسانه بین‌الملل برای پاسخ‌گویی به نیازهای علمی رسانه‌های برون‌مرزی هر چه بیشتر در دستور کار این معاونت قرار گیرد که انتشار «ویژه‌نامه بررسی جنایات رژیم صهیونیستی در غزه» در شماره‌های آتی از جمله مصادیق آن محسوب می‌شود.

امید است دوفصلنامه علمی «پژوهشنامه رسانه بین‌الملل» (به نشانی <http://imrl.arc.iriborg.ir>) برای بالندگی رسانه برون‌مرزی، بسط مرزهای کاربردی دانش‌های مرتبط با دیپلماسی (رسانه‌ای، فرهنگی، دیجیتالی، حقوقی و هنری) و تکمیل خلاء ناشی از فقدان نشریه علمی با رویکرد ارتباطاتی - رسانه‌ای به تحولات روابط و حقوق بین‌الملل، گام‌های علمی مؤثرتری بردارد.

احمد نروزی

مدیر مسئول «پژوهشنامه رسانه بین‌الملل»

دوفصلنامه علمی پژوهشنامه رسانه بین الملل
سال هشتم، شماره اول، شماره پیاپی یازده، بهار و تابستان ۱۴۰۲

داوران این شماره

دکتر مجتبی صمدی	دکتر یوسف خجیر	دکتر سیده زهرا اجاق
دکتر فاطمه عظیمی فرد	دکتر علی رجبزاده طهماسبی	دکتر کمال اکبری
دکتر شیوا علیزاده	دکتر علی اکبر رزمجو	دکتر محمد بابایی
دکتر احمد کاظمی	دکتر محمدحسین رضانی قوام آبادی	حسن بهشتی پور
دکتر سیامک کاکایی	دکتر مجید سعادت	دکتر عبدالله بیچرانلو
دکتر حسین مفیدی احمدی	دکتر مجتبی شاهسونی	دکتر محمود ترابی اقدام
دکتر داود نعمتی انارکی	دکتر داریوش صفرنژاد	دکتر حسین حسینی
	دکتر محمدعلی صفورا	دکتر مریم خالقی نژاد

فهرست

- روایت راهبردی دیپلماسی دیجیتال کاخ سفید در رسانه اجتماعی ایکس (اوباما، ترامپ و بایدن)
- ۱..... سعیده مرادی فر، عسگر صفری رسانه‌ها و کودتا: پوشش اخبار کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ایران و کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ ترکیه در روزنامه‌های ایران و ترکیه
- ۲۹..... محمد بابایی، فرشته ثابتی تکاتیبه، نیما رضایی برجسته‌سازی در عناوین خبری الجزیره نت (مطالعه موردی: حضور ایران و آمریکا در عراق)
- ۵۷..... ابوالحسن امین مقدسی، عبدالله حسینی، زهرا ایزدی «مایوس‌سازی» به مثابه ابزار عملیات روانی: مطالعه صفحه اینستاگرام ایران اینترنشنال
- ۸۳..... حسین حسینی، حسین تدین شیوه‌های مؤثر در کاربست دیپلماسی عمومی انقلاب اسلامی در رسانه‌های برون مرزی صداوسیما
- ۱۰۹..... محسن سوهانی، امیرحسام اسحاقی، حسن درزیان رستمی راهبردها و تکنیک‌های اعتمادسازی در شبکه بی‌بی‌سی فارسی: مطالعه بخش خبری ۶۰ دقیقه
- ۱۳۷..... پرویز امینی، محمود بهشتی، سید محمدرضا فیاضی تحلیلی بر خلاء بنیادین اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در بحث «به قحطی کشاندن غیرنظامیان» در مخصصات غیربین‌المللی (با ارائه پیشنهادها برای رسانه‌ای)
- ۱۶۵..... یلدا نقی‌زاده، سیدحسام‌الدین لسانی، سیدیا سر ضیایی بحران اوکراین و چشم‌انداز همگرایی و واگرایی در اروپا (با تأکید بر رویکردهای رسانه‌ای)
- ۱۸۹..... سید محمدعلی تقوی بازنمایی جنگ اوکراین در خبرگزاری اسپوتنیک فارسی
- ۲۱۹..... رسول شریفی، علیرضا پاکدهی حسینی تحلیل فنون ترجمه شفاهی همزمان در رسانه بر اساس الگوی جان پدرس، مطالعه موردی: سخنرانی سیدحسن نصرالله در یادبود شهادت سپهبد سلیمانی
- ۲۴۵..... محمدرضا سعیدی، مرتضی زارع برمی جایگاه ایران در ژئوپلیتیک کریدوری منطقه‌ای و بین‌المللی (با تأکید بر رویکردهای رسانه‌ای)
- ۲۷۵..... رحمت حاجی‌مینه و رسول محمودی یمین دیپلماسی عمومی قطر در جام جهانی ۲۰۲۲ با تأکید بر بعد رسانه‌ای
- ۳۰۳..... الهه فهیمی‌نژاد، مرتضی دوستی، معصومه کلاته‌سیفری، بهناز صبوری

روایت راهبردی دیپلماسی دیجیتال کاخ سفید در رسانه اجتماعی ایکس (اوباما، ترامپ و بایدن)

سعیده مرادی فر^۱، عسگر صفری^۲

چکیده

باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا با راه‌اندازی حساب کاربری «@POTUS» در ایکس می‌خواست به اهداف سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده در نظام بین‌الملل معنا ببخشد. پس از اوباما، ترامپ و بایدن نیز تلاش بسیاری صرف مشروعیت‌بخشی به ایده‌ها و روایت‌های خود در نظام بین‌الملل از طریق «@POTUS» بر مبنای نگرش‌های خود کردند. اما آنها چگونه با ساخت روایت‌ها و تصویرسازی از دستاوردهای خود در ایکس، اهداف و آرزوهای خود را در نظام بین‌الملل بیان کرده‌اند؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش، در این مقاله با به‌کارگیری روش تحلیل محتوای کیفی، دو مفهوم روایت راهبردی ملی و روایت راهبردی نظام بین‌الملل در سه حساب ایکس «@POTUS»، از می ۲۰۱۵ تا ژوئن ۲۰۲۳، بررسی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این حساب درصدد برساخت نقشی سازنده برای آمریکا به‌عنوان دولت بدون نقص «در داخل» و مسئولیت‌پذیر «در خارج» بوده است. روایت راهبردی ملی کاخ سفید شامل ۸ مقوله (نظام سلامت، رشد فزاینده اقتصاد، حفظ نظم اجتماعی، حامی علم، حامی ورزش، کاهش جرائم، اهمیت محیط‌زیست و مبارزات حزبی) و روایت راهبردی نظام بین‌الملل شامل ۳ مقوله (حفظ جایگاه در نظام بین‌الملل، حفظ ارزش‌های لیبرال دموکراسی و مقابله با تهدیدات ترسیم شده) است. این مقولات برای سه رئیس جمهوری آمریکا اهمیت یکسانی نداشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: روایت راهبردی، دیپلماسی دیجیتال، رسانه اجتماعی ایکس، رئیس جمهوری، کاخ سفید.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۹

۱. دکتری روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول). moradi3005@yahoo.com

۲. دکتری روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گیلان، ایران. asgar.safari2017@gmail.com

DOI: 10.22034/IMRL.2024.424432.1212

مقدمه

کاخ سفید همواره در تلاش برای بیان هویت و منافع خود در نظام بین‌الملل بوده است تا هم بر روی ادراک مخاطبان و رقبای بین‌المللی‌اش اثر گذارد و هم اهداف و عملکرد خود را به‌عنوان یک بازیگر مشروع بین‌المللی در روایت‌هایش به تصویر بکشد (Natarajan, 2014: 91-94). اما برای انتقال این روایت‌ها به مخاطبان گسترده، نیاز به یک محیط رسانه‌ای است. ظهور رسانه‌های اجتماعی و درک اوپاما به‌عنوان نخستین «رئیس جمهور دیجیتالی» کاخ سفید (Hallams, 2010: 551) موجب شد تا وی از دیپلماسی دیجیتال برای انتقال و ساخت روایت‌های راهبردی برای به تصویر کشیدن نظام بین‌المللی دلخواه و نظم مطلوب خود استفاده کند (Miskimmon et al., 2014: 3). درک اوپاما از قدرت اینترنت و دیپلماسی در برقراری ارتباطات و شکل‌گیری روایت‌ها منجر شد تا وی، حساب کاربری «@POTUS» را در ایکس برای رئیس‌جمهوری آمریکا با هدف ارتباط مستقیم با مخاطبان (عامه مردم و سایر دولت‌ها) در می ۲۰۱۵ راه‌اندازی کند (Wall, 2015).

امروزه حساب «@POTUS» اوپاما به‌عنوان یک میراث به سایر رؤسای جمهور کاخ سفید انتقال می‌یابد. اما این به معنی نابودی اطلاعات دولت‌های قبلی نیست، بلکه محتوای حساب اوپاما «@POTUS44» در ژانویه ۲۰۱۷ و حساب ترامپ «@POTUS45» در ژانویه ۲۰۲۱ برای حفظ روایت راهبردی دولت‌های آنها به دفتر ملی بایگانی و مدارک آمریکا یا «نارا»^۱ انتقال یافته و ذخیره گردید (Schulman, 2017). با این حال، پس از ورود بایدن به کاخ سفید این حساب کاربری با نام «@POTUS46» به رئیس‌جمهور فعلی انتقال یافت. امروزه این انتقال دیجیتالی در کاخ سفید تبدیل به یکی از جنبه‌های مهم انتقال قدرت برای رئیس‌جمهور آمریکا شده است (Yurieff, 2021). این روند نشان از درک اهمیت دیپلماسی دیجیتال توسط مقامات ارشد آمریکا طی تقریباً دو دهه اخیر دارد و مسئله این مقاله نیز پیرامون چگونگی روایت‌سازی راهبردی از طریق دیپلماسی دیجیتال نضج می‌گیرد و شکل می‌یابد. دغدغه پژوهشگران واکاوی روایت‌های راهبردی کاخ سفید در رسانه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) است.

بر این اساس، هدف مقاله حاضر تبیین روایت‌های راهبردی رؤسای جمهور آمریکا برای بیان اهداف خود از طریق دیپلماسی دیجیتال در بستر رسانه ایکس است. در بررسی این روایت‌سازی، باورهای ذهنی و تصویرسازی از «خود» و «دیگری» مبنا قرار داده شده است. در بخش نخست

1. National Archives and Records Administration (NARA)



مقاله پس از مطالعه پیشینه پژوهش، برای درک بهتر دیپلماسی دیجیتال کاخ سفید از تئوری تصویر و روایت راهبردی استفاده شده است. تئوری تصویر از جمله نظریاتی است که همواره سعی داشته ادراک سیاست‌مداران را در مورد هر موضوعی به تصویر بکشد. این تئوری برای فهم روابط در شرایط تعاملی بوده است و به درک رهبران جهت می‌دهد تا دانش فردی خود را از طریق تصاویر ذهنی در مورد خود و دیگری بیان کنند (Patalano, 2003). همچنین روایت راهبردی به عنوان ابزاری برای دولت‌ها، می‌تواند منافع، ارزش‌ها و آرزوهای آنها را برای نظم بین‌المللی بیان کند. بازیگران سیاسی می‌توانند فضای گفتمانی را از طریق آن تغییر دهند، انتظارات را مدیریت کنند و نفوذ خود را گسترش دهند (3: Miskimmon et al., 2014). در بخش بعدی مقاله به تحلیل محتوای سه حساب ایکس بایدن «@POTUS46»، ترامپ «@POTUS45» و اوباما «@POTUS44» پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که در رابطه با این موضوع انجام شده‌اند، بر مبنای رویکرد دولت آمریکا و احزاب آنها نسبت به سیاست‌های ایران بوده است:

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان	نویسندگان/سال	یافته اصلی
۱	دیپلماسی دیجیتال: بررسی تطبیقی مواضع احزاب جمهوری خواه و دموکرات آمریکا درباره برجام در بستر توئیتر	منصوریان و حسن خانی/۱۴۰۱	رویکرد دموکرات‌ها و جمهوری خواهان به برجام و استفاده آنها از توئیتر برای ارتباط با مخاطبان خود.
۲	مشروعیت‌زدایی گفتمانی از توافق هسته‌ای ایران در توییت‌های دونالد ترامپ	نورانی و همکاران/۲۰۲۰	استفاده ترامپ از توئیتر برای توجیه تصمیم خود با بکارگیری استراتژی‌های عقلانی برای غیرمشروع‌سازی برنامه هسته‌ای ایران و خروج از برجام.
۳	سیاست بصری معامله ۲۰۱۵ ایران: روایت، تصویر و راستی‌آزمایی	میسکیمون و اولوفلین/۲۰۲۰	روایت راهبردی ایران و آمریکا تا قبل از توافق هسته‌ای مبتنی بر دشمنی بود. اما از ۲۰۱۵ این روایت دچار تغییر شد که یکی از نتایج آن، برجام بود.
۴	بازبینی نظریه بازی دو سطحی پاتنام در عصر دیجیتال: دیپلماسی دیجیتال داخلی و توافق هسته‌ای ایران	بوجلا و مانور/۲۰۱۸	راه‌اندازی حساب ایکس «@TheIranDeal» توسط اوباما برای جلب توجه مردم آمریکا برای حمایت از تصویب توافق هسته‌ای ایران.

در مقاله پیش رو، روایت‌های راهبردی اوباما، ترامپ و بایدن از محتوای حساب ایکس آنها استخراج شده است. مهم‌ترین ویژگی و وجه تمایز این مقاله، مطالعه ساخت روایت راهبردی کاخ سفید در ایکس با برجسته‌سازی برخی از جنبه‌های تاریخی، فرهنگی، سیاسی در اقدامات رؤسای جمهور آمریکا است. همچنین در این مقاله تفاوت رویکرد دو حزب جمهوری خواه و دموکرات در جمع‌آوری مواد خام بین‌المللی و داخلی برای ساخت روایت راهبردی بر مبنای رویدادهای داخلی و خارجی مشخص شده است. از آنجا که تاکنون پژوهشی درباره مقایسه روایت راهبردی اوباما، ترامپ و بایدن در حساب ایکس «@POTUS» کاخ سفید انجام نشده است، لذا مقاله حاضر دارای نوآوری و متفاوت از پیشینه پژوهش است.

مبانی نظری

نمادها، گفتمان‌ها و داستان‌ها بخش مهمی از رفتار احزاب، سازمان‌های دولتی و همه بازیگران درگیر در فرآیندهای سیاسی را تشکیل می‌دهند. این موضوع منجر شده تا محققان توجه ویژه‌ای به روایت‌های راهبردی داشته باشند. امروزه از روایت‌های راهبردی برای توصیف داستان‌های جذاب استفاده می‌شود تا وقایع به طرز قانع‌کننده‌ای خوشایند به نظر آید (Schmitt, 2018: 3-4). این روایت‌ها بر مبنای تجربه تاریخی، ملی یا فرهنگی بازیگران شکل می‌گیرند و بازیگران سیاسی با انتخاب و برجسته‌سازی برخی از جنبه‌های تاریخی، فرهنگی، سیاسی در اقدامات خود، تفسیر و ارزیابی خاصی از خود و دیگری را در یک روایت جدید چارچوب‌بندی می‌کنند (Miskimmon et al., 2014: 7-8).

روایت‌های راهبردی ابزاری برای بازیگران سیاسی است که می‌توانند از طریق آن معنای مشترکی از گذشته، حال و آینده سیاست بین‌الملل برای شکل‌دهی به رفتار بازیگران داخلی و بین‌المللی (Miskimmon et al., 2015: 341) به‌منظور ایجاد و حفظ نفوذ در جهان ایجاد کنند. بازیگران سیاسی در ارتباطات سیاسی خود با ساخت این روایت‌ها به دنبال دستیابی به منافع و شکل‌دهی به هویت‌های خود و دیگری هستند (Antoniades et al., 2010: 5-10). این تعریف دارای پنج مؤلفه است؛

۱. **آینده‌نگر بودن.** روایت راهبردی ممکن است به گذشته یا حال اشاره داشته باشد، اما به‌عنوان ابزاری راهبردی، سودمندی آن به شکل‌گیری سیاست در آینده مرتبط است؛



۲. **ثابت نبودن محتوا.** روایت راهبردی محصول اجتماعی قابل مذاکره است که بر مبنای

تعاملات کشورها هم با جوامع آنها و هم با سایر افراد خارجی ایجاد می‌شود؛

۳. **انتظارات.** شاخص‌های روایت‌های راهبردی یک کشور ممکن است به درک و انتظارات

غالب داخلی و بین‌المللی از آن کشور محدود باشد؛

۴. **مخاطبان داخلی و خارجی.** از روایت راهبردی می‌توان برای وحدت بخشیدن به

مخاطبان داخلی از راه ادعای هویت، ترسیم و انتقال این ادعا و موقعیت در حوزه بین‌المللی استفاده کرد؛

۵. **ادعای یک هویت.** موقعیت متمایزی را در مورد یک موضوع خاص، حوزه سیاست یا

جایگاه یک کشور در نظام بین‌الملل نشان می‌دهد (Miskimmon et al., 2017: 4-5).

روایت‌ها اغلب توسط بازیگرانی نظیر حزب حاکم، نهاد یا رهبر سیاسی شکل می‌گیرند، سپس

بازیگران از طریق سخنرانی، اخبار و رسانه‌های اجتماعی، هویت و آرمان‌های خود را انتقال

می‌دهند (Miskimmon et al., 2018: 4-5). با وجود این، بازیگران برای ساخت یک روایت

جدید در روابط بین‌الملل نیاز به پنج شرط اساسی دارند؛ ۱. وجود یک محیط، ۲. حضور

شخصیت‌ها، ۳. وجود یک درگیری یا معضل و غلبه بر آن، ۴. ابزارهای لازم برای حل معضل، ۵.

ارائه راه حل (Miskimmon and O'Loughlin, 2020: 4).

رهبران سیاسی و احزاب در روایت راهبردی نقش مهمی در سانسور «گفتمان‌های هویتی»

برای تغییر نظم بین‌المللی دارند (Miskimmon et al., 2014: 12). آنها با گزینش مواد خام

بین‌المللی، روایت‌های متفاوتی در مورد نظم جهانی بر مبنای رویدادها و زمان‌بندی‌های متفاوت

ایجاد می‌کنند. این روایت‌های ساخته شده توسط مخاطبان داخلی و خارجی دریافت و تفسیر

می‌شوند و در نهایت حزب حاکم یا رهبر باید به تفسیرهای مخاطبان پاسخ دهد تا جایی که

روایت‌ها، قابل درک و قانع‌کننده باشد (Miskimmon et al., 2018: 4-6) و در نهایت به

منافع، هویت‌های بازیگر سیاسی و درک مخاطبان در مورد وقایع جهان شکل دهد

(Antoniades et al., 2010: 10). از این رو برای ساخت روایت‌های راهبردی، دو سطح تحلیل

متمایز وجود دارد؛

۱. **روایت نظامی:** این روایت‌ها، چگونگی درک یک بازیگر سیاسی از نظم بین‌المللی را نشان

می‌دهد. به‌عنوان مثال جنگ سرد یک روایت نظامی بوده که نمایانگر نظم بین‌المللی

دوقطبی است.

۲. روایت هویتی: این روایت‌ها، بیان‌کننده داستان یک بازیگر سیاسی، ارزش‌ها، شخصیت‌ها و اهداف آن است. به‌عنوان مثال آمریکا در داخل، صلح‌طلب و متعهد به دموکراسی و در خارج ابرقدرت و دنبال سلطه‌جویی است.

با این حال بازیگران سیاسی برای توجیه این دو سطح از روایت‌های خود نیاز به سطح دیگری دارند که به طور ضمنی به روایت‌های نظامی و هویتی اشاره دارد. این به‌عنوان سطح سوم توجیه می‌شود که روایت موضوعی یا سیاسی نام دارد. روایت موضوعی نشان می‌دهد چرا یک سیاست مورد نیاز و مطلوب است و چگونه می‌توان به آن دست یافت (Miskimmon et al., 2018: 6).

بازیگران سیاسی از این سطوح روایت‌های راهبردی برای ساخت تصاویر در رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. نکته حائز اهمیت این است که روایت راهبردی و نظریه تصویر دو روی یک سکه هستند. نظریه تصویر در روایت‌های راهبردی تنها فقط بر روی محتوای تصاویر متمرکز نیست، بلکه بر روی آنچه که آن محتوا نشان می‌دهد و نحوه مشاهده و تفسیر تصاویر هم تمرکز دارد. چراکه روایت‌ها زمانی تجسم می‌شوند که بازیگران سیاسی از تصاویر رویدادها برای انتقال روایت‌های راهبردی خود به مخاطبان استفاده می‌کنند (Crilley, 2015: 331-332). پس این سؤال مطرح می‌شود که نظریه تصویر چیست؟

نظریه تصویر یک تئوری تصمیم‌گیری است که در آن تصاویر نمایانگر ساختار شناختی، عاطفی و ارزیابی‌کننده یک بازیگر یا واحد سیاسی به خود و جهان است (Boulding, 1959: 12). این تئوری به سیاست‌مدار کمک می‌کند تا ادراک خود را در هر بُعدی به تصویر بکشد. عامل ادراک در شرایط ارتباطی منجر به تعریف بازیگر از «خود» و «دیگری» می‌شود. در نهایت بازیگران سیاسی بر اساس تعریف خود از واقعیت و تصاویر آنها از سایر دولت‌ها و خودشان عمل می‌کنند. این تصاویر به نوبه خود به نظام اعتقادی بازیگر وابسته بوده و این احتمال وجود دارد که بازنمایی دقیقی از واقعیت نباشد. بنابراین، می‌توان اینگونه بیان کرد که هیچ درگیری یا تضاد بین‌المللی بین دولت‌ها وجود ندارد بلکه این درگیری‌ها بین تصاویر تحریف شده دولت‌ها از یکدیگر است (Holsti, 1962: 244). هر دولتی ممکن است انگیزه‌ای برای طرح تصویر مثبت از خود با به تصویر کشیدن خود در یک موقعیت مثبت داشته باشد، درحالی که از تصویرسازی منفی از خود اجتناب می‌ورزد. تصویر از دیگری را می‌توان به‌عنوان بازنمایی ذهنی آن کشور در نظر گرفت. در واقع یک تصویر، باوری است که می‌توان درباره اهداف، مقاصد و هویت یک بازیگر در روابط بین‌الملل داشت (Bilali, 2011).



در مجموع روایت راهبردی شامل تصاویر بسیاری از گذشته، حال، آینده و متشکل از دانش انباشته شده‌ای است که یک بازیگر سیاسی درباره خود و جهان خود دارد. این روایت‌ها ممکن است به‌عنوان مجموعه از لنزها باشند که از طریق آن، اطلاعات و تصاویر مربوط به محیط فیزیکی و اجتماعی دریافت شود و سپس مخاطب را وارد فضایی کند که آن را برای او تعریف کند و ویژگی‌های برجسته‌اش را مشخص کند.

دیپلماسی دیجیتال

بازیگران سیاسی از رسانه‌های اجتماعی همانند ایکس برای ارائه روایت‌های خود، تعامل با مخاطبان خارجی و انتقال محتوا به سایر دولت‌ها و افکار عمومی استفاده می‌کنند. به بیان دیگر دیپلماسی دیجیتال ابزاری برای دولت‌ها فراهم کرده تا روایت‌های راهبردی خود را در جهت اثرگذاری بر روی افکار عمومی مخاطبان و افزایش کارکرد دیپلماسی عمومی نشر دهد (Collins et al, 2019: 78-80). دیپلمات‌ها و رهبران سیاسی با بکارگیری دیپلماسی دیجیتال و نشر روایت‌ها می‌توانند (Natarajan, 2014: 92) حمایت عمومی داخلی را برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی خود و ترویج ارزش‌های ملی بسیج کنند. همچنین آنها فرصتی برای مقابله با روایت‌های افراطی و ترویج روایت‌های مثبت، پایبندی و مشروعیت‌دهی به هنجارها و ارزش‌های مورد قبول خود در عرصه بین‌المللی، ارائه و شکل‌دهی به تصاویر خود، گسترش ارزش‌ها به خارج از کشور، مدیریت مشارکت مردم در حمایت از سیاست‌های دیپلماتیک و تضعیف روابط دیپلماتیک مثبت قبلی و بهبود بحران در روابط دیپلماتیک فعلی خواهند داشت (Bjola et al., 2019: 89).

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. البته در جاهایی که نیاز به آمار بوده و یافته‌ها به سمت اعداد سوق یافته‌اند، از رویکرد کمی در تحلیل محتوا نیز کمک گرفته شده است. تحلیل محتوا به‌عنوان یک تکنیک پژوهشی و تکرارشونده برای فشرده‌سازی بسیاری از کلمات متن به دسته‌های کمتر بر اساس قوانین صریح کدگذاری تعریف می‌شود (Stemler, 2000). در این پژوهش از سه حساب ایکس «@POTUS» رؤسای جمهور آمریکا برای ترسیم روایت‌های راهبردی آنها استفاده شده است. با توجه به اینکه حساب «@POTUS» از سال ۲۰۱۵ فعال شده است و تعداد توییت‌های او با ۳۵۲ توییت بوده است،

از این رو از حساب رسمی ترامپ و بایدن هم در فواصل زمانی مختلف ۳۵۲ توییت به صورت هدفمند انتخاب شده است. نگارندگان در مرحله اول، ۱۰۵۶ توییت از حساب‌های اوپاما، ترامپ و بایدن در ایکس از ۱۸ می ۲۰۱۵ تا ۳۰ ژوئن ۲۰۲۳ جمع‌آوری کردند، سپس در مرحله بعد با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا^۱ کدها را استخراج و مرتب کردند.

در این بخش لازم است به انجام روایی و پایایی پژوهش اشاره کرد. استفاده از برخی مفاهیم و ابزارها برای ارزیابی اعتبار تحقیق‌های کیفی لازم است که عبارتند از قابلیت اعتبار (اعتبارپذیری)، قابلیت انتقال (انتقال‌پذیری) و قابلیت تأیید (تأییدپذیری). در راستای تأییدپذیری، نگارندگان به مواردی چون مشاهده مستمر فضای موضوع تحقیق، بررسی موضوع از زوایای مختلف، تبادل نظر بین نگارندگان پژوهش با یکدیگر و سایر کارشناسان و ارتباط مستمر با محیط ایکس را مدنظر قرار داده‌اند. استفاده از تکنیک کسب اطلاعات دقیق موازی توسط هرکدام از نگارندگان و ارائه تحلیل از داده‌های مورد نظر به متخصصان نیز اقدام دیگری برای اعتبارپذیری تحقیق حاضر به شمار می‌رود. همچنین قابلیت اعتبار پژوهش با خودبازبینی نگارندگان در فرآیند جمع‌آوری توئیتهای از ایکس و مسیر تحلیل نیز تقویت شده است. علاوه بر این، ظرفیت قابلیت انتقال‌پذیری با در دسترس بودن تمامی داده‌های جمع‌آوری شده و ارائه توضیحات غنی افزایش یافته است. برای اطمینان از تأییدپذیری پژوهش نیز تمامی داده‌های خام ایکس و کلیه موارد مورد استفاده در تحلیل تحقیق، به صورت کامل نگهداری می‌شود تا برای بازبینی یا قضاوت دیگر کارشناسان موجود باشد. برای مفهوم پایایی نیز، «دقت» در انجام مراحل مختلف پژوهش، عامل اصلی پایایی تحقیقات کیفی است. برخی محققان بر این باورند که قابل اعتماد بودن داده‌های جمع‌آوری شده، صحت آنها و دقت برای بکارگیری روش صحیح اجرای تحقیق، عامل پایایی را در پژوهش تقویت می‌کند. علاوه بر این، پایبندی به این اصل در پژوهش حاضر با وجود مستندات اولیه، در دسترس بودن داده‌ها و همچنین بررسی روش اجرا توسط دو پژوهشگر دیگر، قابل اثبات است.



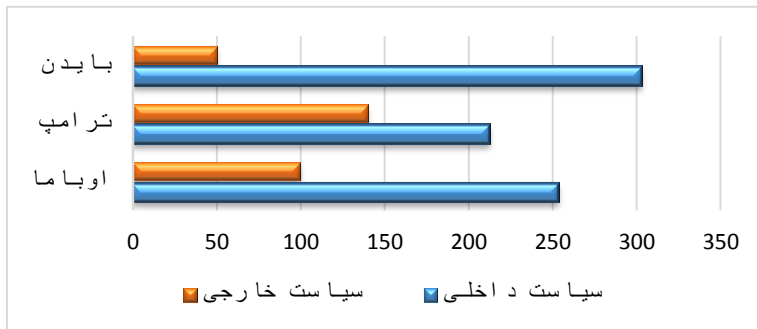
تجزیه و تحلیل توییت‌ها

جدول زیر شرح مختصات سه حساب رؤسای جمهوری آمریکا در ایکس را نشان می‌دهد.

جدول ۲. حساب‌های کاربری در ایکس

حساب ایکس	تعداد توییت‌ها	فالوورها
@POTUS44 اوباما	<۳۵۰	۱۳/۷ میلیون
@POTUS45 ترامپ	<۱۱/۰۰۰	۳۲/۵ میلیون
@POTUS46 بایدن	<۵/۰۰۰	۳۰ میلیون

در گام اول نگارندگان با دو نوع مختلف توییت در این سه حساب ایکس مواجه شدند که نمایانگر دیدگاه آنها در مورد سیاست داخلی و خارجی است. با توجه به نمودار ۱، دولت بایدن تمایل بیشتری برای نشر جزئیات سیاست داخلی خود به‌منظور ساخت روایت راهبردی ملی داشته، در حالی که وی دارای کمترین تعداد توییت برای توجیه سیاست خارجی بوده است. نکته مهم در بررسی هر سه حساب کاربری در ایکس، تمایل فزاینده هر سه دولت برای تولید و نشر توییت‌هایی در مورد سیاست داخلی آنها است. این موضوع نمایانگر فضای مشابه هر سه حساب «@POTUS» در دولت جمهوری خواهان و دموکرات‌ها برای تصویرسازی از خود بوده است.



نمودار ۱. رویکرد اوباما، ترامپ و بایدن به سیاست داخلی و خارجی

در مجموع ۱۰۵۶ توییت مورد مطالعه، ۷۶۷ توییت (۷۳٪) به‌منظور تصویرسازی از سیاست داخلی آمریکا برای مخاطبان و رقبای بین‌المللی واشنگتن بوده است که در این بین، بایدن با ۳۰۲ توییت (۱۶٪) پیش‌تاز بوده است، پس از بایدن، اوباما نیز با ۲۵۳ توییت (۲۲٪) در جایگاه دوم قرار گرفت. علاوه بر این، از مجموع کل توییت‌ها، ۲۸۹ توییت (۲۷٪) در مورد سیاست خارجی

آمریکا بوده که ترامپ با ۱۴۰ توییت (۴۰٪) تلاش کرده تا بُعد سیاست خارجی خود را بیش از پیش پررنگ کند. در حالی که پس از ترامپ، اوباما به‌عنوان یک دموکرات با ۹۹ توییت (۲۸٪) در جایگاه دوم قرار گرفت. بایدن نیز به‌عنوان یکی دیگر از نمایندگان دموکرات، کمترین میزان توجه به توییت‌های سیاست خارجی با ۵۰ توییت (۱۴٪) را داشته است. در جدول زیر به مقایسه حساب‌های کاربری هر سه رئیس‌جمهور پرداخته شده است.

جدول ۳. تحلیل حساب کاربری «@POTUS»

سیاست خارجی	سیاست داخلی	حساب‌های کاربری
۹۹	۲۵۳	@POTUS44 اوباما
۲۸٪	۷۲٪	
۱۴۰	۲۱۲	@POTUS45 ترامپ
۴۰٪	۶۰٪	
۵۰	۳۰۲	@POTUS46 بایدن
۱۴٪	۸۶٪	
۲۸۹	۷۶۷	مجموع توییت‌ها
۲۷٪	۷۳٪	

از مجموع تحلیل ۱۰۵۶ توییت سه حساب «@POTUS» رؤسای جمهوری آمریکا، ۱۴۲۴ کد بدست آمد. با تجزیه و تحلیل محتوای این سه حساب ایکس، ۱۰۶۲ کد (۷۵٪) برای روایت راهبردی ملی و ۳۶۲ کد (۲۵٪) برای روایت راهبردی نظام بین‌الملل بدست آمده است. از مجموع کدها، ترامپ با ۴۴۳ کد (۳۱٪) دارای کمترین میزان فعالیت در حساب کاربری «@POTUS45» بوده است، چراکه تمایل ترامپ در استفاده از حساب شخصی «@realDonaldTrump» بیشتر از حساب رسمی «@POTUS45» برای برقراری ارتباط با مردم بود. این در حالی بوده که بایدن با ۵۱۱ کد (۳۶٪) بیشترین فعالیت را برای نشر هر دو روایت داشته است.

کاخ سفید با استفاده از حساب «@POTUS» تلاش بسیاری برای پیشبرد روایت ملی نسبت به روایت نظام بین‌الملل به‌منظور ترسیم آمریکای بدون نقص و مسئولیت‌پذیر برای مخاطبان و رقبای داخلی و بین‌المللی کرده است. به‌عنوان مثال ۷۱٪ کدهای اوباما، ۶۵٪ کدهای ترامپ و ۸۶٪ کدهای بایدن در مورد روایت راهبردی ملی است. این در حالی بوده که تمایل کاخ



سفید برای تشریح روایت نظام بین‌الملل در هر سه دوره کم بوده است و بایدن کمترین توجه را با ۱۴٪ کد داشته است. در جدول زیر تعداد کدهای روایت ملی و نظام بین‌الملل اوپاما، ترامپ و بایدن مقایسه شده است.

جدول ۴. کدهای روایت ملی و نظام بین‌الملل اوپاما، ترامپ و بایدن

مجموع کدها	روایت نظام بین‌الملل	روایت ملی	رؤسای جمهوری
۴۷۰	۱۳۷	۳۳۳	اوپاما
٪۱۰۰	٪۲۹	٪۷۱	توییت‌های اوپاما (افقی)
٪۳۳	٪۳۸	٪۳۱	کل توییت‌ها (عمودی)
۴۴۳	۱۵۶	۲۸۷	ترامپ
٪۱۰۰	٪۳۵	٪۶۵	توییت‌های ترامپ (افقی)
٪۳۱	٪۴۳	٪۲۷	کل توییت‌ها (عمودی)
۵۱۱	۶۹	۴۴۲	بایدن
٪۱۰۰	٪۱۴	٪۸۶	توییت‌های بایدن (افقی)
٪۳۶	٪۱۹	٪۴۲	کل توییت‌ها (عمودی)
۱۴۲۴	۳۶۲	۱۰۶۲	مجموع کدها
	٪۲۵	٪۷۵	درصد کل

در نهایت با استخراج و دسته‌بندی کدها، نگارندگان به ۸ مقوله (نظام سلامت، رشد فزاینده اقتصاد، حفظ نظم اجتماعی، حامی علم، حامی ورزش، کاهش جرائم، اهمیت محیط‌زیست و مبارزات حزبی) در مفهوم روایت راهبردی ملی و سه مقوله (حفظ جایگاه در نظام بین‌الملل، حفظ ارزش‌های لیبرال دموکراسی و مقابله با تهدیدات ترسیم شده) در مفهوم روایت راهبردی نظام بین‌الملل دست یافتند.

روایت راهبردی ملی

روایت راهبردی ملی کاخ سفید نمایانگر دیدگاه اوپاما، ترامپ و بایدن بر مبنای ارزش‌های حزبی و شخصی، اهداف، منافع و چالش‌های دوره آنها بوده است. اگرچه اوپاما، ترامپ و بایدن به‌عنوان رویان اصلی در ساختار روایت خود نقشی اساسی داشته‌اند، اما نباید فراموش کرد که آنها تحت عنوان رئیس‌جمهور در تلاش برای ایجاد تصویری از آمریکای قدرتمند بر مبنای دیدگاه حزبی و فردی خود برای مخاطبان و رقبای داخلی و بین‌المللی خود هستند. نکته مهم، وجود اختلاف

نظرات شخصی، حزبی و رویدادهای تاریخی مختلف است که منجر به ایجاد تفاوت در روایت ملی این رهبران شده است. این تفاوت‌ها تا آنجایی ادامه می‌یابد که برخی از کدها در روایت آنها کمرنگ می‌شود و یا حتی نادیده گرفته می‌شود.

بیشترین تأکید اوباما در مقوله نظام سلامت را می‌توان در قانون بیمه «اوباما‌کر»^۱ یا لایحه حفاظت از بیمار و مراقبت مقرون به صرفه با ۵۰ کد مشاهده کرد. طبق این قانون همه شهروندان آمریکا باید تحت پوشش بیمه قرار می‌گرفتند. این بیمه به نفع شهروندان کم درآمد بوده و یک پیروزی بزرگ برای دولت اوباما و دموکرات‌ها به شمار می‌رفت؛ چرا که از سال ۱۹۶۵ تاکنون که قانون مدیکید^۲ برای افراد کم درآمد و مدیکر^۳ برای سالمندان تصویب شده بود، هیچ‌گونه تغییرات اساسی در نظام بیمه درمانی آمریکا انجام نشده بود. اما ترامپ به‌عنوان نماینده حزب جمهوری‌خواه، اوباما‌کر را زیر سؤال برد. وی بر این باور بود که قانون اوباما‌کر منجر به افزایش هزینه‌های بیمه و کسری بودجه می‌شود و می‌خواست بیمه خدمات درمانی خودش را جایگزین کند. با وجود این، قانون اوباما‌کر با روی کار آمدن مجدد دموکرات‌ها در ۲۰۲۱، مجدداً تبدیل به مهم‌ترین بخش روایت ملی آنها شده است. برای بایدن، احیای میراث بیمه خدمات درمانی اوباما به اندازه‌ای اهمیت داشته که در روایت وی به‌عنوان پرتکرارترین کد (۱۰۹ کد) مشاهده می‌شود. همزمان دولت بایدن از تصمیم ترامپ برای پایان دادن به بیمه سلامت میلیون‌ها آمریکایی در میانه بحران کووید ۱۹ انتقاد کرده بود. علاوه بر این، بایدن در تلاش بوده تا با افزایش بودجه مدیکر، هزینه داروهای همانند انسولین و سرطان را برای بیماران کاهش دهد. این دستاورد به‌عنوان یک معامله بزرگ در روایت ملی بایدن معرفی شده‌است که در آن جمهوری‌خواهان در کنگره همواره می‌خواستند با کاهش مالیات افراد ثروتمند و کاهش بودجه مدیکر و افزایش قیمت دارو، کسری بودجه دولت را جبران کنند. با وجود مبارزه ترامپ با بیمه خدمات درمانی اوباما، شیوع کووید ۱۹ به وی کمک کرد تا حفاظت از جان شهروندان آمریکایی را در اولویت سیاست داخلی‌اش قرار دهد. همچنین ادعای ترامپ مبنی بر ساخت و تولید واکسن کووید ۱۹ و مبارزه با آن و ویروس، موجب شد تا از رقبای دموکرات خود برای ایفای نقش منجی پیشی گیرد.

در مقوله رشد فزاینده اقتصاد، وقایع و رویدادهای روز به اوباما، ترامپ و بایدن فرصت داده تا این پیشرفت را به تصویر کشند، مثلاً بایدن از ورشکستگی بانکی و پساکووید، ترامپ از شیوع

1. Obamacare
2. Medicaid
3. Medicare



کووید-۱۹، ساخت و تولید واکسن، اوباما از بحران ۲۰۰۸ استفاده کرده است. با این حال هر سه رئیس جمهور بویژه اوباما (۱۷ کد) مدعی رهبری شهروندانش در زمان پیشرفت اقتصادی واشنگتن شده‌اند. اما به جز این دو کد مشترک، دو کد مشترک دیگر هم در شکل‌گیری روایت ملی آنها سهم داشته است؛ افزایش مشاغل و حقوق کارگران.

رویکرد مشترک اوباما، ترامپ و بایدن به این مقوله، ایجاد تصویری قدرتمند از اقتصاد آمریکا برای مخاطبان و رقبای بین‌المللی‌اش بوده است. بایدن اذعان داشته «زمانی که وارد کاخ سفید شد، اقتصاد آمریکا در حال چرخش به عقب بود و بسیاری از کسب‌وکارها تعطیل شده بودند. اما پس از گذشت یکسال با سرمایه‌گذاری دولت وی بیش از ۱۰ میلیون شغل جدید ایجاد شده است». وی به وضوح در روایت خود مطرح کرده که آمریکا پایین‌ترین نرخ بیکاری را در ۵۰ سال گذشته تجربه کرده است و رشد اقتصاد «از میانه به پایین و پایین به بالا، نه فقط از بالا به پایین» بوده است. حتی بایدن فرصت را غنیمت شمرده تا با تقویت نظام بانکی (۱۶ کد)، افزایش مالیات ثروتمندان (۱۸ کد) و حمایت از کودکان (۸ کد) روایت ملی خود را از ترامپ و اوباما متمایز کند. این‌ها، کدهایی هستند که در روایت اوباما و ترامپ دیده نشدند یا با بکارگیری واژگان متفاوت، بسیار کمرنگ شده‌اند.

با وقوع ورشکستگی بانک «سلیکون‌ولی»^۱ و بانک «سیگنیچر»^۲ در مارس ۲۰۲۳، دولت بایدن شروع به وضع مقررات جدیدی برای تقویت نظام بانکی آمریکا کرد. بایدن مدعی شده با وجود این مقررات جدید بانکی، بحران ۲۰۰۸ مجدداً اتفاق نمی‌افتد. این در حالی بوده که بایدن پیش از آن با وضع قوانین جدید مالیاتی هم درصدد بوده تا به رشد اقتصاد آمریکا کمک کند. موضوع بااهمیت برای بایدن افزایش نرخ مالیات شرکت‌ها و ثروتمندان در راستای مراقبت از حقوق کودکان و طبقه کارگران بوده است. وی به‌طور صریحی یادآور شده «که نتیجه مخالفت و بی‌توجهی جمهوری خواهان در کنگره با این تصمیم وی، فقر کودکان آمریکایی است» و با طرح نجات آمریکا می‌توان در راستای کاهش فقر کودکان، افزایش رشد شغلی و بهبود مراقبت‌های بهداشتی گام برداشت. در حالی که بایدن تلاش می‌کند تا تصویری سازنده از خود ایجاد کند، و از جمهوری خواهان به‌عنوان حزبی یاد می‌کند که به مسئولیت‌های مالی و اقتصادی اهمیت نمی‌دهند.

1. Silicon Valley Bank
2. Signature Bank

رویکرد بایدن به اقتصاد پسا کووید ۱۹ در حالی بوده که ترامپ از شیوع کووید ۱۹ و ساخت واکسن به‌عنوان فرصتی برای جهت‌دهی به روایت ملی خود برای ایجاد مشاغل جدید استفاده کرده بود. ترامپ ادعان داشته که «اقتصاد آمریکا را با ساخت و تولید واکسن کووید ۱۹ از بحران نجات داده و با پیشتازی سهام آمریکا در جهان، بیش از ۱۰/۶ میلیون شغل ایجاد کرده‌است». وی نجات آمریکا از این بحران را سریع‌ترین مورد بهبود بازار کار و اقتصاد در تاریخ آمریکا در مقابل اوباما-بایدن معرفی کرده است. با وجود انتقادهای ترامپ از دموکرات‌ها، اوباما هم خود را به‌عنوان رهبری موفق برای نجات آمریکا از بحران ۲۰۰۸ به تصویر کشید که توانست نرخ بیکاری را از ۱۰٪ به ۵/۱٪ برساند.

رویکرد مشترک اوباما، ترامپ و بایدن در روایت ملی آنها در مورد حقوق کارگران دارای جهت‌گیری‌های متفاوتی بوده است. به‌عنوان مثال در حالی که اوباما، گام‌های اولیه را برای افزایش حداقل دستمزد کارگران برمی‌داشت، ترامپ برخلاف سلف خود گام برداشت و از قدرت خود برای به حداقل رساندن حقوق آنها استفاده کرد. با اینکه ترامپ کمترین توجه را به حقوق کارگران (۳ کد) داشت، بایدن تلاش کرده تا دنباله‌روی سیاست‌های اوباما باشد. از این رو در روایت بایدن می‌توان ۲۲ کد در مورد حمایت از حقوق کارگرانی که اقتصاد آمریکا را ساخته‌اند، مشاهده کرد. علاوه بر این حمایت از صنعت خودروسازی هم در روایت ملی این سه رئیس‌جمهور بر مبنای رویکرد حزبی مشاهده می‌شود.

با وجود اینکه صنعت خودروسازی از سیاست‌های کاخ سفید تأثیرات مستقیمی می‌پذیرد اما تنها در محتوای توییت‌های بایدن و اوباما دیده می‌شود و ترامپ در خصوص این موضوع بی‌توجه بود. اما نوع نگاه اوباما و بایدن متفاوت است مثلاً اوباما مدعی بود که از ورشکستگی صنعت خودروسازی آمریکا جلوگیری کرده و بیشترین رشد شغلی را از طریق آن ایجاد کرده است. در حالی که تمرکز بایدن بر روی نجات صنعت خودروسازی آمریکا، وضع قوانین سخت‌گیرانه برای کاهش میزان آلاینده‌های خودروها و استفاده از انرژی‌های پاک بوده است. وی بر این باور بوده که «خوروهای الکتریکی آینده صنعت خودروسازی آمریکا هستند». علاقه دولت بایدن به خودروهای الکتریکی منجر شده تا وی به سمت ایجاد زیرساخت‌های داخلی برود. کد ایجاد زیرساخت‌های داخلی، کد مشترک ترامپ و بایدن است که ترامپ با ۲۳ بار تکرار در روایتش، تمرکز خود را بر روی ساخت و بهبود جاده‌ها، تونل‌ها، افزایش خدمات حمل‌ونقل گذاشته بود. در حالی که اوباما درباره این موضوع بی‌توجه بوده اما رویکرد هم حزبی‌اش بایدن نسبت به او



م تفاوت بوده است. چراکه وی تلاش بسیاری کرده تا قانون زیرساخت‌ها را به تصویب برساند. این قانون تفاوت بارز روایت بایدن و ترامپ را در محتوای این دسته از توییت‌ها برجسته کرده - است. به این دلیل که تمرکز بایدن علاوه بر موارد مذکور ترامپ، بر روی ایجاد زیرساخت انرژی پاک، دسترسی به اینترنت و خودروهای الکتریکی بوده است.

مقوله حفظ نظم اجتماعی شامل پنج کد است که تفاوت نوع نگاه بایدن و اوباما در مورد زنان در آن به تصویر کشیده است. به‌عنوان مثال؛ تاکید بایدن بر روی ارتقای نقش حقوق زنان و دختران در سیاست داخلی و خارجی آمریکا به‌عنوان یک عنصر مهم در تعریف روایتش است؛ «اینکه آمریکا چه ملتی است؟ و چه فرصت‌هایی برای زنان ایجاد می‌کند؟» همچنین وی یادآور می‌شود که «مشاغل تحت مالکیت زنان سالانه ۱/۸ تریلیون دلار به تولید ناخالص داخلی آمریکا افزوده است». در حالیکه اوباما در روایتش به نقش زنان برای شکستن موانع صندوق‌های رای و ایجاد برابری اشاره کرده و نقش فداکارانه زنان در جنگ‌ها را پررنگ کرده که توانستند آمریکا را تبدیل به یک کشور برابرطلب کنند. بی‌توجهی ترامپ به موضوع زنان در حالی بوده که وی برای تمایز روایتش به سراغ بهبود شرایط زندگی سیاه‌پوستان با ۱۳ کد رفت. این رویکرد وی همزمان با حادثه مرگ جورج فلویید و ایجاد موجی از اعتراضات در آمریکا و جهان بود. ترامپ ادعا می‌کرده که «بیشترین تغییر را در زندگی سیاه‌پوستان آمریکا بوجود آورده و درآمد آنها تحت رهبری وی بیشتر شده و کمترین نرخ بیکاری و پایین‌ترین نرخ فقر را در زمان رهبری او داشته‌اند».

بیشترین تأکید روی کد مبارزه با تبعیضات نژادی، مذهبی و جنسیتی متعلق به دولت اوباما (۳۰ کد) است که از کثرت‌گرایی مذهبی و نژادی در جامعه داخلی آمریکا حمایت کرده بود. به‌نظر می‌رسد که دولت ترامپ با این تفکر اوباما در ظاهر موافق بوده و حمایت از هرگونه رنگ، نژاد و مذهب را راهی برای دستیابی به آینده‌ای عادل توصیف می‌کرد. بایدن نیز همانند اوباما از وجود کثرت‌گرایی در جامعه داخلی آمریکا حمایت کرده است، اما یک تفاوت اساسی با رقیب جمهوری خواه و هم‌حزبی خود داشته است. وجه تمایز روایت ملی بایدن بر مبنای رویکردش به شکاف‌های جنسیتی زنان، مردان و پشتیبانی از جامعه دگرباش‌ها بوده است. در حالی که محتوای توییت‌های اوباما و ترامپ، خالی از این موضوع بوده است. همچنین بایدن از تلاش جمهوری‌خواهان برای تصویب لایحه‌های ضد‌دگرباش جنسی و ایجاد نفرت در جامعه داخلی آمریکا انتقاد کرده است. علاوه بر این، کد حمایت از پناهندگان به‌عنوان کد مشترک بین اوباما و ترامپ دارای شدت و ضعف‌های متفاوت در روایت‌های آنها بود. با وجود اینکه اوباما تأکید

بیشتری بر روی حمایت از پناهندگان و مهاجران غیرقانونی (۱۷ کد) داشت اما این موضوع در محتوای توییت‌های بایدن غایب بوده است. اواما در روایتش بر روی حمایت از پناهندگان و مهاجران تأکید کرده بود تا علاوه بر بسط ارزش‌ها و یادآوری حمایت‌های بشر دوستانه آمریکا، نقش خود را به‌عنوان رهبر به حزب جمهوری‌خواه یادآوری کند. اما ترامپ و سایر جمهوری‌خواهان با بی‌توجهی به مسئله پناهندگان مدعی شدند که ساخت دیوار مرزی مکزیک، مانع از قاچاق انسان در مرزهای جنوبی می‌شود.

در مقوله کاهش جرائم داخلی، کد مشترک در روایت ملی دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان، کد حمایت از نیروهای مسلح با رویکردهای متفاوت بوده است. مهم‌ترین بخش این مقوله، روایت رؤسای جمهور دموکرات کاخ سفید چه در زمان اواما، که بایدن معاونش بود و چه در زمان ریاست جمهوری بایدن، کاهش قوانین حمل و خرید سلاح توسط شهروندان عادی است. دموکرات‌ها نخستین قانون کنترل سلاح گرم را در سال ۱۹۹۴ به تصویب رساندند که بر پایه آن، تولید و ساخت سلاح‌هایی با خشاب پرظرفیت ممنوع شده است، اما در سال ۲۰۱۴ این قانون توسط جمهوری‌خواهان در کنگره لغو شد. بایدن معتقد است که اسلحه قاتل شماره یک شهروندان آمریکایی بوده و باید محدودیت‌هایی در خرید آن اعمال شود، موضوعی که در روایت ملی دولت ترامپ مغفول مانده است. حتی بایدن مدعی شده که توانسته مهم‌ترین قانون ایمنی اسلحه را در ۳۰ سال گذشته بتصویب رساند.

با این حال اواما برای به تصویر کشیدن کاهش جرائم داخلی در روایت ملی‌اش به سراغ دو کد مبارزه با مواد مخدر (۱۴ کد) و کد عدالت اجتماعی و کاهش تعداد زندانیان (۱۱ کد) برخلاف بایدن و ترامپ رفت. وی بر این باور بوده که «مصرف هروئین و استفاده بیش از حد از داروهای قانونی منجر به افزایش مرگ شهروندان آمریکایی گردیده که بیشتر از تصادفات جاده‌ای بوده است». یکی دیگر از دغدغه‌های اواما در این روایتش، کاهش تعداد زندانیان بوده چراکه وی معتقد بود هزینه بسیاری برای دولت آمریکا داشته است. اواما تأکید داشته که «۳۰ سال پیش ۵۰۰/۰۰۰ زندانی در آمریکا وجود داشت. اما امروز ۲/۲۰۰/۰۰۰ نفر در آمریکا زندانی هستند. آمریکا ۵٪ جمعیت جهان را دارد که ۲۵٪ زندانیان جهان در آمریکا هستند».

در مقوله حامی علم، در حالی که جمهوری‌خواهان غایب بودند، بایدن و اواما می‌خواستند تا با کاهش نرخ بهره وام دانشجویی و رایگان کردن دو سال کالج، از دانشجویان حمایت کنند. موضوعی که برای ترامپ بی‌اهمیت بود. همچنین علاقه اواما به علم موجب شد تا به دنبال



پیشرفت بیشتر فناوری‌های اطلاعاتی در دولت آمریکا و دیجیتالی کردن نهادهای دولتی برای ارتقا ارزش‌های لیبرال دموکراسی باشد. این اختلاف نظر بین بایدن، ترامپ و اوباما در کدهای یکسان هم دیده می‌شود. مثلاً در مقوله اهمیت به محیط زیست، می‌توان سطح یکسان دغدغه آنها در برخورد با خطرات زیست‌محیطی داخلی نظیر آتش‌سوزی، طوفان و گردبادها را مشاهده کرد. نکته مهم این کد، اهمیت ترامپ به محیط‌زیست داخلی ترامپ با ۲۳ کد نسبت به رقبای دموکراتش است. ترامپ برخلاف اوباما و بایدن، با بی‌توجهی به معضلات محیط زیست بین‌المللی و توافق‌نامه پاریس، تنها روی مشکلات محیط زیستی داخلی آمریکا تمرکز داشت. همچنین در مقوله حمایت از ورزش کاران هر سه رئیس‌جمهور با شدت‌های متفاوت حمایت خود را از آنها نشان دادند، اما بیشترین حمایت از ورزش با ۲۷ کد در روایت اوباما مشاهده می‌شود.

آخرین مقوله در روایت ملی دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان، زیر سؤال بردن دستاوردهای یکدیگر و مقصر دانستن یکدیگر برای توجیه سیاست‌های جدید یا وقایع ناخوشایند در آمریکا است. مثلاً بایدن به محض ورود به کاخ سفید، مسئولیت خود را با لغو تعدادی از فرمان‌های اجرایی ترامپ نظیر بیمه خدمات درمانی و قوانین حمل اسلحه شروع کرد. بایدن همانند سلف خود با انتخاب کلمات خاص بر مبنای رویکرد حزبی دموکرات‌ها تلاش کرده تا جمهوری‌خواهان را مقصر بی‌قانونی، تبعیض‌نژادی، به خطر انداختن جامعه ال.جی.بی.تی،^۱ سیاه‌پوستان و در مجموع جان شهروندان آمریکایی نشان دهد. بایدن معتقد بوده که ترامپ با افزایش هزینه‌های درمان و کاهش مالیات ثروتمندان می‌خواست کسری بودجه خود را جبران کند. در حالی که تأکید اوباما برای زیر سؤال بردن جمهوری‌خواهان، فقط بر روی قوانین حمل اسلحه بود که حزب جمهوری‌خواه سنا از آن حمایت نمی‌کرد. ترامپ هم به نوبه خود، حزب چپ را به افراط‌گرایی متهم می‌کرد، وی اذعان داشته که «زمانی که اقتصاد آمریکا در حال رشد و بازسازی بود دموکرات‌ها، پول‌ها را برای ساخت بیمارستان و مدارس نگه داشتند». جدول زیر، کدهای روایت‌های ملی اوباما، ترامپ، بایدن دسته‌بندی شده‌است.

جدول ۵. روایت راهبردی ملی

مفهوم	مقوله	کد	اوباما	ترامپ	بایدن
ارتقا نظام سلامت		بیمه خدمات درمانی (اوباماگر)	۵۰	-	۱۰۹
		بیمه خدمات درمانی (ترامپ)	-	۳۱	-
		محافظت از جان شهروندان	۱۵	۳۰	۱۷
		ساخت واکسن	-	۲۶	-
		مبارزه با کووید۱۹	-	۱۵	-
رشد فزاینده اقتصاد		رهبر مردم آمریکا	۱۷	۱۳	۷
		پیشرفت اقتصاد	۷	۲۱	۴۲
		افزایش مشاغل	۹	۱۷	۳۴
		حقوق کارگران	۸	۳	۲۲
		حمایت از صنعت خودروسازی	۸	-	۵
		حمایت از کودکان	-	-	۸
		طرح نجات آمریکا	-	-	۱۲
		تقویت نظام بانکی	-	-	۱۴
		افزایش مالیات ثروتمندان	-	-	۱۸
		ایجاد زیرساخت‌های داخلی	-	۲۳	۱۲
		حمایت از زنان	۲۳	-	۲۱
		حفظ نظم اجتماعی		مسئله پناهندگان	۱۷
مبارزه با تبعیضات «نژادی و مذهبی، جنسیتی»	۳۰			۲۰	۱۳
بهبود شرایط سیاه‌پوستان	-			۱۳	-
حق رای	۱۱			-	۵
حامی علم		حمایت از علم و فناوری	۷	-	-
		حمایت از دانشجویان	۱۶	-	۲
حامی ورزش		حمایت از ورزشکاران	۲۷	۷	۳
کاهش جرائم داخلی		حمایت از نیروهای مسلح	۱۹	۸	۱۰
		مبارزه با گسترش اسلحه	۲۷	-	۲۳
		مبارزه با مواد مخدر	۱۴	-	-
		کاهش تعداد زندانیان	۱۱	-	-
اهمیت محیط‌زیست		مقابله با خطرات زیست محیطی	۷	۲۳	۴
مبارزات حزبی		زیر سوال بردن دستاوردهای دموکرات‌ها	-	۵۰	-
		زیر سوال بردن دستاوردهای جمهوری خواهان	۱۰	-	۶۱
		مجموع کد	۳۳۳	۲۸۷	۴۴۲

روایت راهبردی ملی

روایت راهبردی نظام بین‌الملل

تحلیل نقش روایات در روابط بین‌الملل مستلزم توجه به این موضوع است که چگونه بازیگران از بین انبوهی از مواد خام بین‌الملل، تصویر و کد مورد نظر خود را برای ساخت روایت راهبردی انتخاب می‌کنند تا به معنای مورد نظر خود از گذشته، حال و آینده شکل دهند. در نتیجه این انتخاب، برخی روایت‌ها پررنگ و برخی دیگر به حاشیه رانده می‌شوند. اوباما، ترامپ و بایدن سعی داشته‌اند روایت‌های خاص خود را برای بهره‌برداری از امور بین‌الملل بسازند، و به آنها معنا بخشند. به‌عنوان مثال؛ موضوع مهم برای اوباما در توصیف نقش رهبری و حفظ جایگاه آمریکا، رهبری در اکتشافات فضایی و نقش سازنده ناسا با ۳۷ کد بود. اوباما می‌خواست تا اواسط دهه ۲۰۳۰ فضانوردان را به مدار مریخ بفرستد. اما این کد تنها تفاوت روایت اوباما با هم‌حزبی فعلی خود در کاخ سفید یعنی بایدن نیست. کد رهبری اقتصادی آمریکا با ۱۷ بار تکرار در روایت بایدن، موضوعی است که به‌نظر می‌رسد برای اوباما به نسبت کم‌رنگ بوده است. چون بایدن با ورودش به کاخ سفید می‌خواست آمریکا را تبدیل به مقصد شرکت‌های تجاری بزرگ جهان و رهبر تمام تولیدات به‌ویژه تولیدات نیمه‌هادی کند.

با وجود تفاوت بین دیدگاه بایدن و اوباما در توصیف نقش رهبری، دو کد رهبری انرژی پاک و تغییرات آب‌وهوایی برای مقابله با مشکلات جهانی بین آنها مشترک بوده است. اما رویکرد این دو هم‌حزبی به مقوله رهبری در این دو کد دارای شدت و ضعف‌هایی بوده، به‌گونه‌ای که اوباما در هر دو کد پیش‌تاز بوده است و از آن به‌عنوان «نمونه کاملی از تعریف رهبری آمریکا در جهان پیچیده یاد می‌کند». اوباما در روایتش از تلاش برای ایجاد وابستگی متقابل سخن گفته و «از دولت‌ها خواسته تا از منافع و مسئولیت‌های مشترک برای رسیدگی به مشکلات زمین استفاده کنند». وی بر این باور بوده که «تغییرات اقلیمی، نقطه عطفی برای محافظت از سیاره زمین هستند و با پیشبرد فناوری‌های انرژی پاک در راستای کربن‌زدایی، همه کشورهای جهان باید به رهبری آمریکا با یکدیگر همکاری کنند». اما پس از ورود ترامپ به کاخ سفید، آمریکا از این پیمان آب‌وهوایی خارج شد، چراکه وی معتقد بود این توافقنامه، اقتصاد آمریکا را تضعیف خواهد کرد و یک ضرر دائمی خواهد بود. ترامپ به‌دنبال این نوع رهبری نبوده بلکه در روایتش متعهد شده بود که فقط شهروندان آمریکایی، پاک‌ترین آب و هوا را روی زمین خواهند داشت. با وجود این، به محض بازگشت دموکرات‌ها به کاخ سفید، بایدن مجدداً به توافقنامه پاریس بازگشت و از جمهوری‌خواهان برای اینکه رهبری انرژی‌های پاک و مقابله با تغییرات آب‌وهوایی در جهان را



به چین واگذار کردند، انتقاد کرد. همچنین بایدن در روایتش از ساخت آمریکای جدیدی سخن گفته که مجدداً رهبری جهان را با ایجاد زیرساخت‌های لازم در مورد انرژی‌های پاک بدست خواهد گرفت.

با این حال جمهوری خواهان هم نیاز به توصیف نقش رهبری آمریکا در جهان در روایت نظام بین‌الملل خود داشتند. شیوع کووید ۱۹ این فرصت را به ترامپ داد تا خود را به‌عنوان رهبر اصلی جهان در مبارزه با کووید ۱۹ (۷۵ کد) معرفی کند و از دولت خود به‌عنوان سازنده واکسن با کمترین میزان مرگ‌ومیر یاد کند. علاوه بر این، بخش دیگری از روایت ترامپ بر مبنای ادعای وی در پیشبرد رهبری صلح در جهان تعریف می‌شود. بر همین اساس، ترامپ برای پیشبرد این نوع رهبری خود در جهان نیاز به کشورهایی با نقش منفی و تهدیدکننده داشته است.

در مقوله مقابله با تهدیدات ترسیم شده، ترامپ تلاش کرد تا نقش مثبت رهبری‌اش برای پیشبرد صلح را به تصویر کشید. وی در تعریفش از دیگری تلاش می‌کرد تا تصویری منفی از چین، کوبا، نیکاراگوئه، ونزوئلا، مراکش و در منطقه غرب آسیا به‌ویژه ایران، عراق، سوریه، افغانستان بسازد، در حالی که رژیم صهیونیستی در تعریف وی از «دیگری»، دارای نقشی سازنده و خواهان صلح در غرب آسیا بوده است. دولت ترامپ خواهان صلح در منطقه پرآشوب غرب آسیا با ایجاد سودان جدید و سوریه و عراق ایمن بوده است. ترامپ مدعی شده نقش مهمی در پذیرش توافق صلح سودان و نابودی داعش در سوریه و عراق داشته است. حتی ترامپ برای تصویرسازی بیشتر این نقش خود در روایتش تاکید داشته که «داعش را نابود کرده، و ماموریتش علیه داعش را تکمیل شده است و باید سربازان آمریکایی را از «جنگ‌های بی‌پایان» خاورمیانه به خانه بازگردند». وی تلاش کرده تا در روایتش غرب آسیایی پرآشوب را به تصویر بکشد، که تحت حمایت وی با توافقنامه‌های ابراهیم به سمت صلح در حرکت است. ترامپ معتقد بود که این توافقنامه به روند صلح‌سازی و ایجاد روابط سازنده دیپلماتیک بین رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی و بین بحرین و رژیم صهیونیستی کمک قابل توجهی می‌کند. تلاش ترامپ برای پررنگ‌سازی این نوع رهبری در روایتش تا جایی ادامه یافت که خود را نامزد دریافت جایزه صلح نوبل کرده بود.

یکی از تهدیدات ترسیم شده، ایران بود که ترامپ از آن به‌عنوان مسئول ناآرامی‌های غرب آسیا یاد کرده و ایران را متهم به حمله به منافع آمریکا در غرب آسیا کرد. بدینی ترامپ به ایران با معرفی ایران به‌عنوان جستجوگر تسلیحات هسته‌ای به اوج خود رسید، دولت ترامپ و سایر



جمهوری خواهان همواره از دموکرات‌ها به دلیل دادن امتیاز به ایران و توافق هسته‌ای انتقاد کرده‌اند، در نهایت در سال ۲۰۱۸، دولت ترامپ به صورت یک‌جانبه از توافق برجام خارج شد. در حالیکه اوباما از توافق هسته‌ای برجام در روایتش به عنوان بزرگترین توافق تاریخ و دستاوردش نام برده که علاوه بر اینکه خطر جنگی بزرگ را دور می‌کند، از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای جلوگیری می‌کند. نکته مهم این است که ایران در روایت اوباما هم به عنوان یک تهدید ترسیم شده بود. حتی چین نیز در روایت ترامپ نقشی منفی دارد و به عنوان مقصر اصلی شیوع ویروس کووید ۱۹ و طاعون در جهان به تصویر کشیده شده است. اما ایران و چین تنها کشورهایی نبودند که ترامپ نسبت به آنها رویکردی منفی در روایتش اتخاذ کرده بود، کوبا، نیکاراگوئه و ونزوئلا به عنوان دولت‌های دیکتاتور در روایت ترامپ معرفی شدند که به حقوق شهروندان خود احترام نمی‌گذارند و حتی ترامپ اذعان داشت که تمام تلاش خود را برای آزادی آنها خواهد کرد. اینها تصاویری هستند که در روایت بایدن و اوباما به حاشیه رانده شده‌اند.

عمده‌ترین تفاوت بین اوباما، ترامپ و بایدن در نوع نگاه آنها به مبارزه با تروریسم است. در حالیکه بایدن درباره این موضوع بی‌توجه بوده، تمرکز روایت ترامپ بر مبنای مبارزه با داعش با بیشترین کد (۱۴ کد) بوده است. ترامپ مدعی شده: «زمانی که من به قدرت رسیدم داعش در سراسر عراق و سوریه وجود داشت و من ۱۰۰٪ نیروهای داعش را از بین بردم». نکته حائز اهمیت در روایت ترامپ در مورد تروریسم، این است که وی در کنار داعش از ایران هم به عنوان کشور شماره یک تروریستی یاد کرده و حتی شهید قاسم سلیمانی را به عنوان تروریست معرفی کرده است. اما روایت اوباما در مبارزه با داعش بر مبنای امنیت پناهندگان سوری و عراقی و حفظ جان شهروندان آمریکا متمرکز بود. اوباما برخلاف ترامپ، بیشترین نگرانی‌اش در مورد زنان و کودکان بی‌پناه سوری و عراقی بود تا مبارزه با داعش. نکته مهم این است که تنها تهدید ترسیم شده در روایت بایدن، حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ در زمان ایفای نقش ریاست جمهوری‌اش بوده است. بایدن، روسیه را به عنوان یک تهدیدگر نظم بین‌الملل معرفی کرده که به تعهدات بین‌المللی خود پایبند نبوده است.

مقوله حفظ ارزش‌های لیبرال دموکراسی شامل سه کد مشارکت با سایر کشورها، کمک‌های بشردوستانه، گسترش دموکراسی و ارزش‌ها می‌شود. درحالی که اوباما بر روی کمک‌های بشر دوستانه به سوریه تمرکز داشت، ترامپ بر روی کمک بشر دوستانه به کشورهای درگیر در کووید ۱۹ متمرکز بود. اما این موضوع در روایت نظام بین‌الملل بایدن مغفول باقی مانده است.

چراکه تمرکز بایدن درباره این موضوع در روایت راهبردی ملی‌اش دیده می‌شد و تعریف وی از «کمک» تنها به افشار داخلی ضعیف آمریکا اعم از سالمندان، کودکان، بیماران، رنگین‌پوستان آمریکا محدود بوده است. علاوه بر این، کد مشارکت و همکاری با دیگران در روایت هر سه رئیس‌جمهور مشاهده می‌شود. اما هر اندازه که بایدن و اوباما برای توسعه برنامه‌های بین‌المللی خود در جستجوی همکاری با سایر متحدان و دولت‌ها بودند، ترامپ با چرخش در مواضع آمریکا، شکاف‌های مهمی بر مناسبات فرآتلانتیکی واشنگتن وارد ساخت تا جایی که نقش آمریکا را در همکاری‌های بین‌المللی کاهش داد. هر اندازه که بایدن و اوباما در روایت‌های خود بر روی گسترش پایه‌های دموکراسی متمرکز بوده‌اند تا ارزش‌های آمریکا را گسترش دهند، ترامپ برخلاف آنها گام بر می‌داشت. این رویکرد دموکرات‌ها به دلیل مواضع ترامپ، پس از روی کار آمدن بایدن بیش از پیش نسبت به دوره اوباما تقویت شد، به طوری که بیشترین کد را به خود اختصاص داده است، موضوعی که ترامپ درباره آن بی‌توجه بود. در جدول زیر کدهای روایت‌های راهبردی نظام بین‌الملل اوباما، ترامپ و بایدن دسته‌بندی شده است.

جدول ۶. روایت راهبردی نظام بین‌الملل

مفهوم	مقوله	کد	اوباما	ترامپ	بایدن
روایت راهبردی نظام بین‌الملل	حفظ جایگاه در نظام بین‌الملل	رهبری اکتشافات فضایی	۳۷	-	-
		رهبری مبارزه با کووید-۱۹	-	۷۵	-
		رهبری صلح (غرب آسیا و سایر)	-	۳۰	-
		رهبری اقتصاد جهان	-	-	۱۷
		رهبری مقابله با تغییرات آب و هوایی (توافق پاریس)	۳۴	-	۳
	مقابله با تهدیدات ترسیم شده	رهبری انرژی پاک	۲۰	-	۹
		حمله ایران به آمریکا	-	۶	-
		توافق هسته‌ای با ایران	۱۶	۲	-
		مبارزه با تروریسم (داعش)	۴	۱۴	-
		حمایت از شهروندان (کوبا، نیکاراگوئه، ونزوئلا)	-	۶	-
		چین منشا ویروس	-	۱۴	-
		خروج سربازان (عراق، سوریه، افغانستان)	-	۶	-



مفهوم	مقوله	کد	اوباما	ترامپ	بایدن
حفظ ارزش‌های لیبرال دموکراسی		حمله روسیه به اوکراین	-	-	۳
		مشارکت با سایر کشورها	۱۰	۲	۲۲
		کمک‌های بشردوستانه	۱۱	۳	-
		گسترش دموکراسی و ارزش‌ها	۶	-	۱۵
		مجموع کدها	۱۳۷	۱۵۶	۶۹

نتیجه‌گیری

اوباما، ترامپ و بایدن سعی کرده‌اند تا روایت‌های راهبردی خود را در یک محیط ارتباطی شکل دهند. وجود حساب ایکس «@POTUS» منجر شده تا آنها فرصتی برای ساخت و نشر داستان‌ها و تصاویر خود بیابند. هر سه رئیس‌جمهور با ساخت روایت‌های راهبردی بر مبنای وقایع داخلی و بین‌المللی و انتخاب گزینشی مواد خام خود می‌خواستند تا هم رقبای داخلی و بین‌المللی و هم مخاطبان خود را در مورد اعتبار و مشروعیت روایت‌های ملی و بین‌المللی خود متقاعد سازند. از این رو با تجزیه و تحلیل کدهای سه حساب ایکس «@POTUS»، ۱۱ مقوله و دو مفهوم روایت راهبردی ملی و روایت راهبردی نظام بین‌الملل برجسته شده است که حکایت از آمریکای بدون نقص و مسئولیت‌پذیر دارد.

هر سه رئیس‌جمهور دارای کدهای مشابه در هر دو روایت هستند تا بر درک سایر بازیگران برای تعریف تصویر و نقش خاص آمریکا به‌عنوان یک ابرقدرت در نظام بین‌المللی اثر گذارند. در نهایت با گذشت زمان، محتوای توییت‌ها در حساب ایکس می‌تواند نقش قابل‌توجهی در پذیرش روایت‌های رؤسای جمهور آمریکا توسط رقبا و مخاطبان بازی کند. با این حال ما شاهد تفاوت در انتخاب کدها و اختلاف نظر بایدن، ترامپ و اوباما به کدهای مشترک هستیم که سطح متفاوت دغدغه دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات را در کاخ سفید نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال برای توصیف مفهوم روایت ملی، بایدن بر روی ۲۱ کد، ترامپ ۱۶ کد و اوباما ۲۰ کد تمرکز داشته‌اند و برای توصیف مفهوم روایت نظام بین‌الملل بایدن بر روی ۶ کد، ترامپ ۱۰ کد و اوباما ۸ کد متمرکز بوده‌اند.

روایت راهبردی ملی کاخ سفید شامل ۸ مقوله (نظام سلامت، رشد فزاینده اقتصاد، حفظ نظم اجتماعی، حامی علم، حامی ورزش، کاهش جرائم، اهمیت محیط‌زیست و مبارزات حزبی) می‌شود که با انتخاب گزینشی مواد خام داخلی بر مبنای رویکردهای حزبی از یکدیگر متمایز شده‌اند. در

حالی که هر دو حزب، دستاوردهای یکدیگر در مورد قوانین درمانی، حمل اسلحه را زیر سؤال می‌برند، اما یک هدف اصلی داشته‌اند، آن هم محافظت از جان شهروندان آمریکایی است. نکته مهم این است که ترامپ مدعی شد، مراقبت‌های بهداشتی بسیار بهتری نسبت به دموکرات‌ها با حذف اوباما کر و با هزینه بسیار کمتر ارائه کرده است. علاوه بر این، دموکرات‌ها به‌ویژه اوباما بر روی مقوله کاهش جرایم داخلی بیشتر متمرکز بوده‌اند. مهم‌ترین مقوله برای بایدن نسبت به ترامپ و اوباما، رشد اقتصادی بوده تا هم دستاوردهای اوباما را حفظ کند و هم قدرت اقتصادی آمریکای پسا کووید ۱۹ را احیا و افزایش دهد. این در حالی بوده که اصلی‌ترین مقوله برای اوباما، کاهش جرائم داخلی بود، مقوله‌ای که ترامپ نسبت به آن بی‌اهمیت بود و پس از وی، با ورود بایدن به کاخ سفید، مجدداً دستاوردهای اوباما با حمایت از قانون حمل اسلحه در حال احیا است. همچنین دموکرات‌ها به‌ویژه اوباما از حقوق زنان و حق رای در روایت خود حمایت کرده‌اند، اما ترامپ درباره این موضوع بی‌توجه بوده است. در مجموع، رؤسای جمهور آمریکا در انتخاب کدهای روایت ملی از یکدیگر متفاوت عمل کرده‌اند، اما نوع نگاه آنها به کدهای مشابه نظیر مبارزه با تبعیضات «نژادی، مذهبی و جنسیتی» و محیط‌زیست در روایت‌های آنها مختلف بوده است، چرا که هدف جلب حمایت داخلی و بسیج افکار عمومی برای پشتیبانی از سیاست‌هایشان بوده است. به‌عنوان مثال مسئله محیط‌زیست برای ترامپ فقط محدود به حوادث داخلی نظیر طوفان، آتش‌سوزی و سیل بوده، و ترامپ با خروج از توافقنامه پاریس می‌خواست به مشکلات داخلی آمریکا در مورد محیط‌زیست اولویت دهد.

روایت راهبردی نظام بین‌الملل شامل سه مقوله (حفظ جایگاه در نظام بین‌الملل، حفظ ارزش‌های لیبرال دموکراسی و مقابله با تهدیدات ترسیم شده) می‌شود. حفظ جایگاه در نظام بین‌الملل برای کاخ سفید به معنای تعریف نقش رهبری آمریکا در نظام بین‌الملل است که اوباما، ترامپ و بایدن آن را به دلیل انتخاب گزینشی مواد خام، متفاوت به تصویر کشیده‌اند. مقوله حفظ جایگاه در نظام بین‌الملل شامل شش کد رهبری فضایی، رهبری مبارزه با کووید ۱۹، رهبری اقتصاد، رهبری صلح، رهبری مقابله با تغییرات آب و هوایی و رهبری انرژی پاک می‌شود. هر سه رئیس‌جمهور بر مبنای رویکرد، علایق و رویدادهای بین‌المللی زمان خود سعی در توصیف واژه رهبری و نقش رهبری آمریکا در روابط بین‌الملل داشته‌اند. با وجود این، بایدن تلاش کرده تا بخشی از رویکرد اوباما را در مورد رهبری تغییرات آب و هوایی و انرژی پاک دنبال کند، اما ترامپ، راه خود را به‌عنوان یک دولت مسئولیت‌پذیر در کووید ۱۹ از آنها جدا کرد. همچنین ترامپ



با ادعای رهبری صلح در غرب آسیا درصددِ بازنمایی تهدیدات ترسیم شده برای واشنگتن بود. مقوله‌ای که برای بایدن و اوباما کم‌رنگ بوده است. در حالی که روایت بین‌الملل ترامپ بر مبنای ترسیم تهدیدات بود، روایت اوباما و به‌ویژه بایدن بر اساس حفظ و گسترش ارزش‌های لیبرال دموکراسی آمریکا پیش می‌رفته و می‌رود. با این حال با وجود شباهت در رویکرد اوباما و بایدن، این دو در برخورد با موضوعات بشردوستانه، متفاوت از یکدیگر عمل کردند، در حالی که اوباما و حتی ترامپ این مسئله را بر مبنای حوادثی نظیر گسترش داعش و شیوع کووید ۱۹ تعریف کردند، بایدن با تمرکز بر کمک به اقشار ضعیف داخلی آمریکا، درباره این کد بی‌توجه بوده است.

پیشنهاد‌های کاربردی و رسانه‌ای

با توجه به اهمیت موضوع دیپلماسی دیجیتال پیشنهاد می‌شود:

- برنامه‌ای مستند در پرس‌تی‌وی بر اساس یافته‌های این پژوهش و پژوهش‌های مشابه در خصوص اهمیت دیپلماسی دیجیتال در دنیای امروز تهیه و پخش شود. در این برنامه باید از کارشناسان زبده برای تحلیل روایت‌های دیجیتالی استفاده شود.
- مرکز دیپلماسی عمومی وزارت خارجه ایران، با همکاری معاونت برون‌مرزی صداوسیما، یک اداره تخصصی همراه با دفاتر مختلف منطقه‌ای برای پیشبرد دیپلماسی دیجیتال در سطح منطقه و جهان ایجاد کند.
- یک حساب کاربری در ایکس مثلاً با عنوان «@Iran&themiddleeast» در وزارت خارجه با هدف نشر اطلاعات درست و بازنمایی تصویری مثبت از دستاوردهای ایران در منطقه غرب آسیا راه‌اندازی شود.
- حساب‌های کاربری رسمی رئیس‌جمهور در همه رسانه‌های اجتماعی داخلی و خارجی با یک عنوان یکسان مانند «@POI» راه‌اندازی شود، و پس از اتمام دوره ریاست جمهوری، تمام محتوا در یک بایگانی ملی دیجیتالی به‌منظور حفظ اطلاعات دولت و روایت راهبردی آن دولت ذخیره شود و در دسترس عموم باشد.

پیشنهاد‌های پژوهشی

- مطالعه نقش دیپلماسی دیجیتال وزارت خارجه آمریکا در مبارزه با نشر اطلاعات نادرست درباره تصویر ایالات متحده در غرب آسیا.
- تحلیل محتوای حساب‌های ایکس، اینستاگرام و یوتیوب رئیس‌جمهور آمریکا در مورد ایران.

- تحلیل روایت‌های راهبردی حزب جمهوری‌خواه و دموکرات در مورد نقش ایران در منطقه غرب آسیا.

منابع و مأخذ

منصوریان، سعید، و خانی، محمدحسن (۱۴۰۱). دیپلماسی دیجیتال: بررسی تطبیقی مواضع احزاب جمهوری‌خواه و دموکرات آمریکا درباره برجام در بستر توئیتر. *پژوهشنامه رسانه بین‌الملل*، ۷(۲).

۸۱-۱۰۸

Antoniades, A., Miskimmon, A. & O'Loughlin, B. (2010). Great power politics and strategic narratives, *Working Paper*. University of Sussex.

Bilali, R. (2011). *Image theory: The Encyclopedia of Peace Psychology*.

Bjola, C., and Manor, I. (2018). Revisiting Putnam's two-level game theory in the digital age: Domestic digital diplomacy and the Iran nuclear deal. *Cambridge review of international affairs*, 31(1), 3-32.

Bjola, C., Cassidy, J. and Manor, I. (2019). Public Diplomacy in the Digital Age. *The Hague Journal of Diplomacy*, 14. 83-101.

Boulding, K. (1959). National images and international systems. *Journal of Conflict Resolution*, 3(2). 120-131.

Collins, S. D., DeWitt, J. R., & LeFebvre, R. K. (2019). Hashtag diplomacy: twitter as a tool for engaging in public diplomacy and promoting US foreign policy. *Place Branding and Public Diplomacy*, 15(2).

Crilley, R. (2015). Seeing strategic narratives? *Critical Studies on Security*, 3(3). 331-333

Hallams, E. (2010). Digital diplomacy: The internet, the battle for ideas & US foreign policy". *CEU Political Science Journal*, 5(4). 538-574.

Holsti, O. R. (1962). The belief system and national images: A case study. *Journal of Conflict Resolution*, 6(3). 244-252.

Miskimmon, A. and O'Loughlin, B. (2020). The visual politics of the 2015 Iran deal: narrative, image and verification. *Cambridge Review of International Affairs*, 1-21.

Miskimmon, A., O'Loughlin, B. and Roselle, L. (2015). Strategic Narratives: a response. *Critical Studies on Security*, 3(3), 341-344.

Miskimmon, A., O'Loughlin, B. and Roselle, L. (2017). *Forging the World: Strategic Narratives and International Relations*. MI: University of Michigan Press.

Miskimmon, A., O'Loughlin, B., & Roselle, L. (2018). Strategic narrative: 21st century diplomatic statecraft. *Revista Mexicana de Política Exterior*, 113. 1-19.

Miskimmon, A., O'loughlin, B., and Roselle, L. (2014). *Strategic narratives: Communication power and the new world order*. Routledge.



- Natarajan, K. (2014). Digital Public Diplomacy and a Strategic Narrative for India. *Strategic Analysis*, 38:1. 91-106.
- Nourani, H., Danesh, A., Nouri, M.R., Latifi F. (2020). Discursive (De) legitimization of the Iran Nuclear Deal in Donald Trump's Tweets. *Strategic Analysis*, 44(4), 332-345.
- Patalano, R. (2003). Beyond rationality: Images as guide-lines to choice. *Department of Economics Working Paper*, (5).
- Schmitt, O. (2018). When are strategic narratives effective? The shaping of political discourse through the interaction between political myths and strategic narratives. *Contemporary Security Policy*, 39(4).1-27.
- Schulman, K. (2017, Jan). The Obama Administration Digital Transition: Moving Forward. *Obama white House*. Available at: <https://obamawhitehouse.archives.gov/blog/2017/01/17/obama-administration-digital-transition-moving-forward>
- Stemler, S. (2000). An overview of content analysis. *Practical assessment, research, and evaluation*, 7(1), 17.
- Wall, A. (2015, May). Introducing @POTUS: President Obama's Twitter Account. Available at: <https://obamawhitehouse.archives.gov/blog/2015/05/17/introducing-potus-presidents-official-twitter-account>
- Yurieff, K. (2021, Jan). Biden becomes @POTUS: How the social media transition of power unfolded. *CNN*. Available at: <https://edition.cnn.com/2021/01/20/tech/biden-potus-twitter-account/index.html>

رسانه‌ها و کودتا:

پوشش اخبار کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ایران و کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ ترکیه در روزنامه‌های ایران و ترکیه^۱

محمد بابایی^۲، فرشته ثابتی تکانتپه^۳، نیما رضایی^۴

چکیده

مطالعه الگوی رفتاری رسانه‌ها در برابر تغییرات سیاسی مهم جوامع نظیر کودتا با توجه به تأثیر آن بر افکار عمومی و کلیت جامعه مهم است. هدف مقاله تطبیق پوشش خبری مطبوعات در کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ ایران و مطبوعات ترکیه در کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ است. پرسش آن است که مطبوعات ایران و ترکیه، کودتا را چگونه و به چه میزان پوشش داده‌اند؟ روش تحقیق تحلیل محتوای کمی است. جامعه آماری پژوهش اخبار مرتبط با کودتاست که در سه روزنامه ایرانی آتش، باختر امروز و اطلاعات و نیز سه روزنامه ترکیه‌ای زمان، حریت و جمهوریت، با سه گرایش حامی دولت، منتقد دولت و بی‌طرف منتشر شده‌اند. یافته‌ها نشان داد مطبوعات منتخب در قبال رویداد موضع بی‌تفاوتی یا بی‌طرفی اتخاذ نکردند؛ بر نقش مردم و لزوم مشارکت آنها تأکید کردند و نقش عوامل خارجی در کودتا را تقبیح نمودند. در مجموع روزنامه‌ها به‌رغم اتخاذ مواضع حزبی و جناحی، اما به توجه به فضای سیاسی سنگین، برخی مواضع مشترک در حمایت از مردم و حرکتهای ضدکودتا را نیز از خود نشان دادند. در عین حال مطبوعات منتخب ترکیه بیش از مطبوعات منتخب ایران به تحلیل رویداد توجه نشان دادند. این تفاوت می‌تواند ریشه در تنوع دیدگاه‌های رسانه‌های ترکیه در مقایسه با ایران و نیز حضور رسانه‌های جدید داشته باشد که اطلاع‌رسانی در لحظه رویداد را بر عهده داشتند.

کلیدواژه‌ها: کودتای ۲۸ مرداد، کودتای ۱۵ جولای، مطبوعات، پوشش خبری، ایران، ترکیه.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۸

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه نویسنده دوم و با راهنمایی نویسنده اول و مشاوره نویسنده سوم است.
۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). mbabae48@gmail.com
۳. کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، گروه ارتباطات اجتماعی، دانشکده ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران. fereshtehsabeti122@yahoo.com
۴. استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. nima.r@khu.ac.ir

مقدمه

رسانه‌های جمعی در ذهنیت‌سازی از رویدادها، جهت‌دهی به برخی رفتارهای اجتماعی، حمایت و یا تضعیف برخی تحولات کلان سیاسی و اجتماعی نقشی کم و بیش دارند (معمدنژاد، ۱۳۹۱: ۴۹). از نگاه محققان، رسانه‌ها قادرند با پوشش خبری رویدادها در بزنگاه‌های اصلی جامعه تاثیرگذار باشند (روشه، ۱۳۸۵: ۱۸۰، مولانا، ۱۳۷۱: ۳۵). تحولاتی نظیر جنبش اجتماعی^۱، کودتا^۲، انقلاب^۳، اصلاحات^۴ و مانند آن مورد توجه رسانه‌ها قرار می‌گیرند؛ اما در این میان کودتا به واسطه ناگهانی و نیز محوریت نظامیان از دیگر انواع تحولات اجتماعی متمایز است. کودتا^۵ کسب قدرت به شکلی سریع و با اعمال قدرت فرقه‌ای سیاسی است که عموماً به دست نظامیان و با حمایت آنان صورت می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۷۴: ۲۴). در واقع نوعی براندازی ناگهانی و خشن است که با حمایت و یا به واسطه نظامیان محقق می‌شود. شرط تحقق کودتا، داشتن کنترل بر تمام یا بخشی از نیروهای مسلح است (Britanica, 2024). وقوع کودتاهای متعدد در قرن بیستم و بیست و یکم همچنان با نقش‌آفرینی رسانه‌ها در حمایت و یا در برابر آن توأم بوده است. از متاخرترین کودتاها در غرب آسیا، کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ ترکیه است که با توجه به نقش‌آفرینی چشمگیر رسانه‌ها در آن در خور بررسی است.^۶ برخی تحلیل‌گران ۱۵ جولای ۲۰۱۶ را روز آغازهای جدید در ترکیه دانسته‌اند که از مهمترین آنها، مقاومت مردم و رسانه‌ها (مطبوعات، شبکه‌های اجتماعی و) به شکلی بی‌سابقه در برابر کودتا و همچنین حمایت نکردن بخش بزرگی از ارتش و نظامیان از کودتا بود. از گذشته رسانه‌های این کشور نقشی مهم در پیشبرد کودتا و حمایت اهداف کودتاچیان داشته‌اند و این بار نیز انتظار می‌رفت همانگونه عمل کنند.^۷ اما در شب ۱۵ جولای، تقریباً اغلب رسانه‌ها پیام‌هایی را علیه کودتا منتشر کردند. حمایت

1. Social movement
2. Coup de etat
3. Revolution
4. Reform
5. Coup d'État

۶ در ساعات اولیه کودتا، اردوغان از بیرون استانبول، خبر داد با مردم سخن خواهد گفت. اما تصرف تلویزیون ملی به دست ارتش مانع شد؛ لذا از طریق اپلیکیشن face time پیامش را به مردم رساند (مجرى تلویزیون با نشان دادن صفحه نمایش گوشی، پیام اردوغان را منتقل نمود). او از مردم خواست به خیابان‌ها بیایند. در لحظه سرنوشت‌ساز، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نقشی تاثیرگذار در تعیین سرنوشت ترکیه بازی کردند؛ با حضور مردم نتیجه نهایی کودتا رقم خورد.

۷ در کودتاهای ترکیه، چهار مورد موفق بوده‌اند. در سال‌های ۱۹۶۰، ۱۹۷۱، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۷، نظامیان تلاش نمودند دولت‌ها را با تهدید به خشونت حذف کنند. هر بار رسانه‌ها متحدی برای نظامیان بودند که رهبران منتخب را بی‌اعتبار و پس از برکناری آنها، به اقدامات کودتاچیان مشروعیت می‌بخشیدند.



رسانه‌ها از دموکراسی و مردم‌ترکیه و مقاومت آنها در برابر کودتا، دلیل مهمی برای شکست کودتا شد (Serdar and Kandemir, 2016). در این میان روزنامه‌ها نیز در پوشش خبری وقایع کودتا نقش‌آفرین بودند و متناسب با منافع و سوگیری سیاسی خود در برابر آن موضع‌گیری کردند. روزنامه زمان^۱ از منتقدان اردوغان و با شمارگان بالا، با شور فراوان به پیگیری حوادث کودتا پرداخت. این روزنامه ارتباط نزدیکی با فتح‌الله گولن از مخالفان تبعیدی اردوغان داشت. روزنامه حریت^۲ با مالکیت شرکت رسانه‌ای اردوغان، کاملاً با سیاست‌های او همسو بود. اما جمهوریت^۳ معتدل‌تر به پوشش این رویداد پرداخت. این روزنامه تریبونی برای نیروهای لاییک و طرفدار آتاتورک است.

در این پژوهش به منظور نزدیک شدن به الگویی مشخص از رابطه مطبوعات و کودتا، مطالعه تطبیقی انجام شده است؛ لذا پوشش اخبار کودتای ترکیه را با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ایران که در آن نیز مطبوعات نقش بارزی ایفا کردند، مقایسه می‌کنیم. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ فی‌نفسه از همین نظر هم قابل مطالعه است. پیش از کودتا، فضای مناسبی برای فعالیت مطبوعات فراهم شده بود و آنها نیز در عموم رویدادها نقش‌آفرینی می‌کردند. افزون بر آنکه نبود فناوری امروزین و شبکه‌های مجازی، نقش‌آفرینی آنها را برجسته‌تر ساخته بود. نیمه اول دهه ۳۰ را اوج آزادی و «عصر آزادی مطبوعات ایران» (قاسمی، ۱۳۸۰: ۹۵) خوانده‌اند. فضایی مطبوعاتی که با وقوع قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ شکل گرفت و در دوران نخست‌وزیری مصدق شدت یافت. این اوضاع پس از کودتا ادامه پیدا کرد اما با شکل‌گیری دستگاه‌ها و نهادهای امنیتی و نظارتی، محدودیت بر مطبوعات وارد مرحله جدیدی شد (قاسمی، ۱۳۸۰: ۹۴). در جریان کودتای ۲۸ مرداد نیز روزنامه «آتش» به مدیریت میراشرافی و مخالف دولت تلاش می‌کرد مصدق را تخریب کند. روزنامه «باختر امروز» به سردبیری حسین فاطمی پایگاه غیررسمی جبهه ملی و حامی دولت مصدق بود. «اطلاعات» روزنامه عصر تهران در جریان کودتا، بی‌طرفانه و نرم‌تیر می‌زد. مسعودی سردبیر آن در دوران نخست‌وزیری مصدق نهایت تلاشش را کرد تا اطلاعات منبع خبری بی‌طرفی باشد و از منازعات و مجادلات سیاسی پرهیز کند (سلیمان نوری، ۱۳۳۲: ۶۹).

اهمیت و ضرورت این مطالعه تطبیقی برگرفته از اهمیت استخراج الگوهای رفتاری مشترک مطبوعات در قبال کودتا است. با وجود تفاوت در سطح و حجم دو کودتا و نیز تفاوت در سرانجام

1. Zeman
2. Hürriyet
3. Cumhuriyet

آنها، توجه به چند نکته این مقایسه را همچنان معنادار می‌سازد. ایران و ترکیه در زمره مهمترین دولت‌های اسلامی منطقه‌اند که سنت دموکراسی و انتخابات و ملزومات آن از جمله رسانه و مطبوعات در آنها ریشه‌دار و نهادینه است؛ دو کشور به فاصله چند سال حرکت به سوی توسعه سیاسی و اقتصادی را آغاز کردند و داعیه الگودهی برای سایر کشورهای منطقه را دارند. افزون بر آن، برنامه توسعه را با محوریت دولتی نظامی و تقریباً در یک بازه زمانی پیش گرفتند و ترکیه از برخی وجوه نیز به الگویی برای پیشرفت ایران در عصر رضا شاه تبدیل شده بود. از سویی در مقایسه با کودتاهای گذشته ترکیه، در کودتای ۱۵ جولای، نقش عامل خارجی در کودتا برجسته‌تر است (Caragul, 2016) و از این نظر به کودتای ۲۸ مرداد شباهت بیشتری دارد. با توجه به احتمال تکرار چنین رویدادی در کشورهای منطقه، مطالعات این‌چنینی زمینه درک بهتر مسئولان رسانه‌ای کشور از نقش رسانه‌ها را در این تحولات فراهم می‌کند. یافته‌های پژوهش همچنین به درک درست دست‌اندرکاران مطبوعات، خبرگزاری‌ها و صداوسیما از عملکرد رسانه‌های محل وقوع کودتا کمک می‌کند. مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای در مورد عملکرد رسانه‌ها در کودتاها کمیاب است. مطالعه حاضر بر آن است دریابد مطبوعات منتخب در پوشش اخبار کودتا چه واکنشی به وقوع کودتا در ایران و ترکیه، عوامل خارجی موثر بر آن و نقش مردم در کودتا نشان دادند و به لحاظ تکنیکی نیز کدام ارزش و قالب خبری برای آنها کاربرد بیشتری داشته است؟

مبانی نظری

با توجه به پرسش‌های پژوهش که در صدد شناسایی محورها و موارد برجسته شده در روزنامه‌های منتخب در قبال دو کودتاست، به نظر می‌رسد دیدگاه‌های نظری ذیل مناسب باشند.

برجسته‌سازی

بر اساس این نظریه (۱۹۷۲) رسانه‌ها در انتقال پیام نوعی اولویت یا برجسته‌سازی را در نظر می‌گیرند. این نظریه تأثیر رسانه‌ها را در رفتار محدود می‌کند، اما بیان می‌کند که رسانه‌ها قادرند تعیین کنند مخاطبان درباره چه بیندیشند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۰: ۳۷-۳۶). در فرآیند برجسته‌سازی «دروازه‌بانان» و «پردازشگران» رسانه‌ای توجه خود را بر «گزینش» بعضی موضوعات و رویدادهای خبری متمرکز می‌کنند، سپس رویدادهای خبری را متناسب با «چارچوب» معنایی خاص «پردازش» می‌نمایند. «چارچوب‌گذاری»، «گزینش» نامحسوس وجوه خاص یک موضوع توسط رسانه است (دیرینگ و راجرز، ۱۳۸۵: ۱۲۲). در نتیجه این عمل، رسانه‌ها برای تأثیرگذاری



بر مخاطب و تغییر در معیارهای ارزیابی او «زمینه‌سازی» می‌کنند (سورین و تانکار، ۱۳۸۸: ۳۳۸). گلا دیس انگل لنگ^۱ و کورت لنگ (۱۹۸۳) این فرایند را در شش مرحله ترسیم کردند: ۱. مهم جلوه دادن برخی موضوعات ۲. نوع و میزان متفاوت پوشش خبری ۳. چارچوب‌بندی موضوعات، یعنی اختصاص دادن حوزه‌ای از معانی برای قابل فهم‌سازی موضوع ۴. ادبیات و زبان مورد استفاده رسانه‌ها (بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی موضوع) ۵. ربط دادن موضوعات به نمادهای ثانویه مهم برای مردم ۶ بهره‌گیری از اشخاص معروف و معتبر برای برجسته‌سازی (سورین و تانکار، ۱۳۸۸: ۳۴۸-۹).

در این مطالعه از این نظریه برای استخراج روش‌ها و تکنیک‌های برجسته‌سازی اخبار در مطبوعات مورد بررسی استفاده خواهد شد. بر این اساس شاخص‌هایی همچون جهت‌گیری، مهم‌ترین مفاهیم و محورها، محل درج اخبار، مفاهیم و محورهای برجسته شده، مهم‌ترین اسامی افراد و نهادهای داخلی و خارجی، مهم‌ترین شواهد و مستندات، مهم‌ترین علل بیان شده در حمایت یا مخالفت با کودتا، شیوه‌های بهره‌گیری از کنشگران سیاسی، ارزش‌های خبری و قالب خبر را بکار خواهیم گرفت.

پوشش خبری

پوشش خبری مجموعه‌ای از روش‌ها، تکنیک‌ها و فعالیت‌هایی است که بر روی خبر صورت می‌گیرد تا جایگاه یک خبر بالاتر یا پایین‌تر رود و ارزش آن در مجاورت مطالب دیگر کمتر یا بیشتر شود. چامسکی و هرمن معتقدند در بحران‌های سیاسی، نقش اول را تاکتیک‌های اطلاع‌رسانی ایفا می‌کنند. در نگاه آنها ماهیت حقیقی تاکتیک‌های خبری، دستکاری در اطلاعات و اخبار است و پیش از آنکه اطلاعات به رسانه‌ها برسد، اعمال می‌شود (چامسکی و هرمن، ۱۳۹۱). تاکتیک‌های خبری با وجود اختلاف در شیوه ارائه و نیز بکارگیری ترکیبی، از نوعی جهت‌دهی و همگرایی حکایت می‌کنند تا افکار عمومی را به سمت مورد نظر هدایت کنند (سلطانی‌فر، ۱۳۸۲: ۵-۱۴). تکنیک‌هایی همانند نشت هدایت شونده (برخی اخبار و اسرار حفظ و برخی دیگر با اهداف خاص و به گونه‌ای زمان‌بندی شده و در چند مقطع زمانی منتشر می‌شوند)؛ حذف (قسمت‌های مهمی از خبر متناسب با اهداف تعیین شده، از چرخه انتشار خارج می‌شود)؛ کلی‌بافی (با پرداختن به حاشیه‌های بی‌ضرر، ضمن القای تأمین نیاز خبری

مخاطب، ذهن او از اصل ماجرا و ریشه و عمق آن دور نگه داشته می‌شود؛ زمان‌بندی (با تأخیر در انتشار خبر، التهاب و اشتیاق را در مخاطب ایجاد می‌کنند)؛ دشمن‌تراشی (با دشمن‌تراشی و مظلوم‌نمایی اقدامات و تصمیمات، موجه شمرده شوند و بر وحدت بیشتر تأکید می‌شود)؛ و تبخیر خبر (به جای منتشر نکردن و حذف خبر، با انتشار خبر از عنصر شایعه بهره‌برداری می‌شود تا مخاطبان در تشخیص و تفکیک خبر و شایعه سردرگم شوند) از جمله کاربردی‌ترین‌ها هستند (نصراللهی، ۱۳۹۴: ۱۲۷-۱۲۱). شاخص‌های یاد شده که برگرفته از نظریه پوشش خبری است از استخراج تکنیک‌های خبری مطبوعات منتخب و نیز در تجزیه و تحلیل آنها بکار خواهند رفت.

زمینه وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و عملکرد مطبوعات

با وجود تصویب لایحه ملی شدن نفت (اردیبهشت ۱۳۳۰)، انگلستان تا اواخر تیر از پذیرش آن خودداری و در مقابل، طرح‌های نظامی برای اشغال آبادان تهیه نمود (رادمرد و حجازی، ۱۳۹۵: ۵۵-۴۰) و همزمان سعی بر بایکوت مصدق مگر در موارد ضروری داشت (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۰-۱۰۲). مقدمات کودتا را عوامل انگلستان و شرکت نفت و هواداران داخلی طراحی کردند (کولایی، ۱۳۸۹: ۳۵) و آمریکا نیز که دریافت منافعش تهدید شده، مخفیانه به آن پیوست (ویلبر، ۱۳۸۰: ۳۶). اجرای عملیات در ایران به‌وسیله مخالفین مصدق (محافظه‌کاران، دربار و نیروهایی که با سفارت انگلستان ارتباط داشتند) ممکن شد (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۸: ۱۳۳). با موفقیت کودتا، مذاکرات میان شرکت سابق نفت ایران و انگلستان با شرکت‌های نفتی خارجی (نظیر استاندارد نیوجرسی^۱، تگزاس^۲ و گلف^۳، رویال داچ شل^۴ و فرانس دوپترول^۵ فرانسه) آغاز شد (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۸: ۱۳۳).

از سویی متعاقب فضای آزاد بعد از دوره دیکتاتوری، شمار نشریات و احزاب افزایش یافت اما بخش زیادی از مطالب آنها را رقابت و کشمکش در حمایت و یا له دولت‌ها شکل می‌داد؛ گاه خود نیز عامل رقابت‌ها بودند (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱۲۰-۱۰۰). مطبوعات وابسته به شرکت نفت انگلیس و مخالفان جبهه ملی برای بی‌اعتبارکردن جبهه ملی تلاش کردند؛ نشریات حزب توده، شکل‌گیری جبهه ملی را مغایر منافع خود می‌دانستند. با تشکیل دولت جبهه ملی، بسیاری از

1. Standard new jersey
2. Texas Oil
3. Gulf Oil
4. Royal Dutch Shell
5. France production de petrole



مطبوعات با استفاده از این فضا تشنج‌آفرینی کردند (سفری، ۱۳۷۱: ۴۵-۱۵). در این مقطع دو روزنامه مهم جبهه ملی «باختر امروز» و «شاهد»، محبوبیت و اعتبار داشتند. اطلاعات و کیهان در رقابت با باختر امروز، طیفی از مواضع مثبت، جانبدارانه و گاه فرصت‌طلبانه داشتند (سفری، ۱۳۷۱: ۴۵-۱۵). مطبوعات حزب توده در کنار مطبوعات دربار و بیگانگان، برای تضعیف دولت اخبار تحریک‌کننده منتشر می‌کردند (نجاتی، ۱۳۶۶: ۶۶-۱۳). در این بین برخی مطبوعات کشمکش دولت و مجلس بر سر تصویب اعتبارنامه‌ها را نیز به افکار عمومی می‌کشاندند (جهرمی، ۱۳۹۴: ۴۳۶). همزمان برپایی تظاهرات علیه مصدق از موضع دفاع از شاه، و نحوه بازتاب آن، بر دامنه اختلافات و تشنجات افزود (افشار، ۱۳۸۱: ۹۵-۸۸). متعاقب تصمیم دولت برای نظرخواهی درباره رژیم و اعلامیه حزب توده مبنی بر درخواست تغییر رژیم در ۲۷ مرداد، مطبوعات مصدقی مانند باختر امروز، ضمن حمله به شاه، دربار، مجلس و مخالفان، تقاضای جمهوریت نمودند (سفری، ۱۳۷۱: ۴۵-۱۵). روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خیابان‌های تهران و مراکز مهم، با حمایت ارادلی، کامیون‌ها و تانک‌ها به تصرف کودتاچیان درآمد و دفتر روزنامه باختر امروز به آتش کشیده شد (جیمز، ۱۳۷۱: ۶۵-۳۰).

زمینه کودتای ۱۵ جولای سال ۲۰۱۶ ترکیه و عملکرد مطبوعات

کودتای ۱۵ جولای ترکیه بر بستر دو واقعیت سیاسی - نظامی این کشور رخ داد: جایگاه نظامیان در ساخت سیاسی و اجتماعی ترکیه که ظهور ترکیه نوین را مدیریت کردند (یزدانی، ۱۳۹۵: ۲) و قدرت‌یابی جریان نوعثمانی که داعیه بازگشت به خلافت عثمانی را دارد (فلاح‌پیشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۳). در سال‌های اخیر نیز رهبران حزب عدالت و توسعه (اردوغان و داود اوغلو) تلاش کردند با گسترش روابط با شرق، مناسبات با اتحادیه اروپا و آمریکا را متوازن کنند (یزدانی، ۱۳۹۵: ۵). گرچه این کار به معنای کنار گذاشتن غرب نیست (حیدری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۳). این گرایش از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ به اوج رسید، اما بعد از ۲۰۱۰ و همزمان با مواضع این کشور در قبال تحولات مصر و تونس و سوریه منحرف شد (بهرامی، ۱۳۹۵: ۶۶) و حسب برخی تحلیل‌ها انتقادهای جدی به خط مشی‌های سیاسی این کشور وارد نمود. اما برخی نیز با نظر به جایگاه ارتش به‌عنوان حافظ لائیسیتته و سکولاریسم و اسلام‌گرا بودن اردوغان، کودتا را علیه او توصیف می‌کنند. بدیهی است این نگرش مقابله با اقتدارگرایی اردوغان را در بطن خود دارد (فاراتاب، ۱۴۰۲/۱۲/۲۳).

البته ترکیه را در زمره کشورهای دانیسته‌اند که شمار زیادی از روزنامه‌نگاران در آن زندانی‌اند (خبرگزاری جمهوری، ۱۳۹۶). این دولت پیش از کودتا عموماً به بهانه برخورد با جریان گولنیست‌ها دست به بازداشت و اخراج گسترده و اعمال محدودیت در سازمان‌های دولتی و نظامی زده بود که انتقادهای داخلی و خارجی را در پی داشت. به همین دلیل پیش از کودتا رسانه‌های منتقد نیز دولت را به مقابله با آزادی بیان متهم می‌کردند. حکم دادگاه در مورد انتقال مدیریت و سرپرستی روزنامه «زمان» (که پس از کودتا نیز بسیاری از روزنامه‌نگاران آن تحت تعقیب قرار گرفتند) چند ماه پیش از کودتا صادر شد. سال قبل از کودتا نیز ماموران امنیتی به دفاتر دو شبکه تلویزیونی گولن حمله کردند و مانع ادامه پخش آنها شدند. مجموعه تلویزیونی گروه فتح الله گولن موسوم به گروه خدمت دارای چندین کانال تلویزیونی و نیز خبرگزاری بود که برخی از آنها از آمریکا و اروپا برنامه پخش می‌کردند (قائم مقامی، ۱۳۹۶). حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان نیز چند کانال رادیو و تلویزیون خصوصی در اختیار دارد. حتی برخی طریقت‌ها مانند نقش‌بندی و قادری رسانه دارند. شماری کانال خصوصی ترکیه هم از کشورهای اروپایی پخش می‌شوند. تا پیش از کودتا آرایش رسانه‌ای ترکیه چنین بود:

- ۱- رسانه‌های موافق اردوغان نظیر TRT، Kanal7، Ulike، Net tv
- ۲- رسانه‌های مخالف دولت که روزنامه زمان در رأس آنان قرار دارد
- ۳- رسانه‌های بی‌طرف تقریباً شامل روزنامه حیات و البته برخی رسانه‌های متعلق به فرقه‌ها مانند طریقت و قادری. پاکسازی رسانه‌ای ترکیه پس از کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ نیز منجر به تعطیلی دستکم ۱۳۱ رسانه و بازداشت ۱۱۷ روزنامه‌نگار شد (Platform24, 2016). دولت همچنین شرکت‌های رسانه‌ای مرتبط با فتح الله گولن و حزب او را تعطیل و پروانه فعالیت دست کم ۶۲۰ روزنامه‌نگار را لغو نمود. بیش از دو هزار و ۳۰۰ کارمند رسانه و روزنامه‌نگار شغل خود را از دست داده‌اند (Letsch, 2016).

تقابل رسانه‌های نوین با رسانه‌های سنتی از خصلت‌های رسانه‌ای کودتای ترکیه بود به نحوی که رسانه‌های نوین از همان ساعات اولیه شب کودتا، باعث بسیج گسترده مردم در مخالفت با کودتا و موفق شدند با برقراری تماس اینترنتی با اردوغان نقشی چشمگیر در خنثی‌سازی براندازی ایفا کنند. کودتا در چنین فضایی محقق شد و لذا رسانه‌های مختلف از جمله مطبوعات متناسب با پیشینه خود و نیز وضعیت جدید، مواضع خاصی را در برابر کودتا و پس از آن اتخاذ کردند.

روش پژوهش

با توجه به پرسش‌های این مطالعه، پژوهش به روش تحلیل محتوای کمی انجام شده است. داده‌های پژوهش نیز با تکنیک کدگذاری گردآوری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده‌اند. به لحاظ رویکرد نیز پژوهش توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش محتوای روزنامه‌های آتش، باختر امروز و روزنامه اطلاعات درباره کودتای ۲۸ مرداد؛ و روزنامه‌های جمهوری، زمان و حریت درباره کودتای ۱۵ جولای ترکیه است که از دو روز قبل از کودتا تا یک هفته پس از آن را در بر می‌گیرد. با توجه به قابل احصاء بودن نمونه‌های مورد بررسی در بازه اعلام شده، کل خبرهای منتشر شده درباره کودتا تمام شماری شده است. به عبارت دیگر حجم نمونه در این پژوهش با جامعه آماری یکسان است. واحد تحلیل در این پژوهش مطلب است. یعنی هر مطلبی که مرتبط با رویداد کودتا و در قالب‌های مختلف خبری منتشر شده است. در پایان نیز با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی یافته‌های بدست آمده ابتدا توصیف و پس از آن تحلیل و معنادار شدند.

در مورد حجم نمونه برای محاسبه ضریب قابلیت اعتماد، حسب نظر عموم محققان (ویمر و دومینیک، ۱۳۹۲؛ و نیز رایف، ۱۳۸۲) ضریب ۷۰ درصد در نظر گرفته شده است. در این مطالعه ضریب قابلیت اعتماد با فرمول اسکات سنجیده شده است. ضمن آنکه این فرمول توافق‌های تصادفی در محاسبه را نیز اصلاح می‌کند. فرمول Pi اسکات به صورت زیر می‌باشد:

OA: درصد توافق مشاهده شده، و EA: درصد توافق مورد انتظار است (هیز، ۲۰۰۵، ۸۷)

به منظور تعیین ضریب پایایی نیز، ابتدا کل متن روزنامه‌های مورد نظر با استفاده از تکنیک نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد؛ سپس نمونه‌های منتخب همراه با تعریف عملیاتی هر مقوله و دستورالعمل کدگذاری، به دو کارشناس دیگر برای کدگذاری مجدد داده شد و با استفاده از فرمول ویلیام اسکات، ضریب پایایی آزمون محاسبه گردید.

جدول ۱. مقولات تحلیل تکنیکی

مقوله	زیر مقوله
تعداد خبرهای مرتبط با کودتا	شمار خبرها
عناصر خبری برجسته	چه کسی، چرایی، چه زمانی، چه مکانی، چیستی؟، چگونه؟
ارزش‌های خبری برجسته	تازگی، دربرگیری، شگفتی، برخورد، شهرت، بزرگی و فراوانی، مجاورت
قالب‌های خبری	گزارش، مصاحبه، سرمقاله، یادداشت، خبر، تحلیل، عکس، گرافیک، کاریکاتور
جهت‌گیری مطلب یا تصاویر	حمایت از کودتا، انتقاد از کودتا، بی‌طرف



مقوله	زیر مقوله
تاکتیک‌های خبری	تاکتیک حذف، کلی‌بافی، زمان‌بندی، قطره‌چکانی، تبخیر، سانسور، بزرگنمایی
نگاه به مردم در کودتا	ضرورت توجه به مردم و نقش آنها در تحولات جامعه، مردم هیچ نقشی ندارند، خود را کنار کشیده‌اند، کنار گذاشته شده‌اند.
نقش عوامل خارجی در کودتا	تحریک کشورهای خارجی و حمایت از کودتا، حمایت خارجی از دولت و اعلام مخالفت با کودتا، اعلام بی‌طرفی و تلقی کودتا به‌عنوان مسئله داخلی، سایر
اهداف کنش‌گران سیاسی	تهییج افکار عمومی در جهت دامن زدن به کودتا، دعوت از مردم برای حضور در صحنه و حمایت از دولت، نظاره‌گر بودن و اعلام بی‌طرفی

در جدول ۱، مقولات و زیرمقولات مستخرج از مبانی نظری ذکر شده است. در جدول ۲، ضریب پایایی مقوله‌های مستخرج از نظریه برجسته‌سازی محاسبه شده است.

جدول ۲. ضریب پایایی مقوله‌های نظریه برجسته‌سازی

مقولات		ضریب پایایی
مقوله عناصر خبری	فراوانی مشاهده شده	17
	درصد توافق مشاهده شده	0.14
	درصد توافق مورد انتظار از ۵۰	43
مقوله ارزش‌های خبری	فراوانی مشاهده شده	19
	درصد توافق مشاهده شده	0.16
	درصد توافق مورد انتظار از ۵۰	39
قالب‌های خبری	فراوانی مشاهده شده	25
	درصد توافق مشاهده شده	0.21
	درصد توافق مورد انتظار از ۵۰	40
مقوله جهت‌گیری (حمایتی، انتقادی، بی‌طرف) تصاویر	فراوانی مشاهده شده	16
	درصد توافق مشاهده شده	0.13
	درصد توافق مورد انتظار از ۵۰	39
جایگاه مردم	فراوانی مشاهده شده	22
	درصد توافق مشاهده شده	0.18
	درصد توافق مورد انتظار از ۵۰	41
جایگاه عوامل خارجی در کودتا	فراوانی مشاهده شده	20
	درصد توافق مشاهده شده	0.17
	درصد توافق مورد انتظار از ۵۰	38
جمع کل	فراوانی مشاهده شده	119
	درصد توافق مشاهده شده	0.99

۱. منظور از این شاخص، سنجش درصد مشابهت بین کدگذاری‌های کدگذار اول با کدگذار دوم و سوم در پایان مطالعه متون است که در اینجا بیش از هفتاد درصد مشابه گزارش شده است و نشان دهنده پایایی یافته‌هاست.



در جدول ۳، ضریب پایایی مقوله پوشش خبری ذکر شده است.

جدول ۳. ضریب پایایی مقوله پوشش خبری^۱

مقولات		ضریب پایایی
مقوله تاکتیک‌های خبری	فراوانی مشاهده شده	26
	درصد توافق مشاهده شده	0.57
	درصد توافق مورد انتظار از ۵۰	46
		0.84

میزان هر یک از مقوله‌ها در ستون آخر گزارش شده است که با توجه به مقدار اعداد محاسبه شده و میزان بالاتر از ۰/۷ هر یک از مقولات، کدگذاری‌های دارای پایایی مطلوبی است. بدیهی است که اعتبار، مقوله‌ای مرتبط با ابزار است و پژوهشگر درصد است بداند ابزار مورد نظر واقعاً آن چیزی را اندازه‌گیری می‌کند که وی قصد آن را دارد (نقیب‌السادات، ۱۳۹۱: ۴۹). لذا در این پژوهش به منظور برآورد اعتبار محتوای پیام‌ها نیز از اعتبار صوری و اعتبار سازه استفاده شده است. برخی محققان (هولستی^۲، ۱۴۰۰ و کریپندورف^۳، ۱۹۸۰) گونه‌های مختلفی از اعتبارسنجی را مطرح کرده‌اند. بر همین اساس طرح پژوهش در اختیار کارشناسان این حوزه قرار گرفت و تأیید نمودند که پژوهش واجد اعتبار صوری است. به لحاظ اعتبار مبتنی بر سازه نیز ملاحظه می‌شود که بافت نظری پژوهش که سنجه‌ها و شاخص‌ها از آنها اخذ می‌گردد مناسب سنجش موضوع مورد مطالعه پژوهش و تبیین کننده روابط علی آنهاست.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در ادامه جداول داده‌ها به صورت توصیفی ارائه می‌شوند.

جدول ۴. فراوانی و درصد تعداد خبر مرتبط با کودتای ایران

کشور	روزنامه‌ها	فراوانی	درصد
ایران	آتش	۱۵	۲۱,۱
	باختر امروز	۲۴	۳۳,۸
	اطلاعات	۳۲	۴۵,۱
	جمع کل	۷۱	۱۰۰

۱. باتوجه به تنوع و تکثر تاکتیک‌های پوشش خبری از احصاء تمامی آنها خودداری شد و تنها به شمار نمونه‌های گردآوری شده از متن خبرها بسنده گردید.

2. Halstie
3. Cripendorf

بر اساس جدول ۴ روزنامه آتش با ۲۱,۱ درصد (۱۵ خبر)، باختر امروز با ۳۳,۸ درصد (۲۴ خبر) و اطلاعات با ۴۵,۱ درصد (۳۲ خبر) اخبار مربوط به کودتا را منتشر نموده‌اند. روزنامه اطلاعات با ۴۵,۱ درصد بیشترین سهم و روزنامه آتش با ۲۱,۱ درصد کمترین سهم در ارائه اخبار مرتبط به کودتا را داشته است.

جدول ۵. فراوانی و درصد تعداد خبر مرتبط با کودتای ترکیه

کشور	روزنامه‌ها	فراوانی	درصد
ترکیه	جمهوریت	۴۹	۳۱,۲
	زمان	۶۷	۴۲,۷
	حریت	۴۱	۲۶,۱
	جمع کل	۱۵۷	۱۰۰

حسب جدول ۵ روزنامه جمهوریت با ۳۱,۲ درصد (۴۹ خبر)، زمان با ۴۲,۷ درصد (۶۷ خبر) و حریت با ۲۶,۱ درصد (۴۱ خبر) اخبار کودتا را منتشر نموده‌اند که روزنامه زمان با ۴۲,۷ درصد بیشترین سهم و روزنامه حریت با ۲۶,۱ درصد کمترین سهم را کودتا داشته‌اند.

جدول ۶. فراوانی و درصد ارزش خبری مرتبط با کودتای ایران

روزنامه		تازگی	درب‌گیری	شگفتی و تعجب	تضاد و برخورد	شهرت	مجاورت	جمع
آتش	فراوانی	۲	۲	۴	۳	۳	۱	۱۵
	درصد	۲,۸	۲,۸	۵,۶	۴,۲	۴,۲	۱,۴	۲۱,۱
باختر امروز	فراوانی	۳	۲	۵	۵	۴	۵	۲۴
	درصد	۴,۲	۲,۸	۷,۰	۷,۰	۵,۶	۷,۰	۳۳,۸
اطلاعات	فراوانی	۴	۵	۹	۴	۸	۲	۳۲
	درصد	۵,۶	۷,۰	۱۲,۷	۵,۶	۱۱,۳	۲,۸	۴۵,۱
جمع کل	فراوانی	۹	۹	۱۸	۱۲	۱۵	۸	۷۱
	درصد	۱۲,۷	۱۲,۷	۲۵,۴	۱۶,۹	۲۱,۱	۱۱,۳	۱۰۰

مطابق جدول فوق بیشترین ارزش خبری استفاده شده در این سه روزنامه ارزش شگفتی و تعجب با ۲۵,۴ درصد و کمترین ارزش خبری ارزش خبری مجاورت با ۱۱,۳ درصد بوده است، بیشترین ارزش خبری مورد استفاده، ارزش شگفتی و تعجب در روزنامه اطلاعات و کمترین ارزش، مجاورت در روزنامه آتش بوده است.



جدول ۷. فراوانی و درصد ارزش خبری مرتبط با کودتای ترکیه

روزنامه	تازگی	درب‌گیری	شگفتی و تعجب	تضاد و برخورد	شهرت	مجاورت	جمع		
								جمهوریت	زمانه
فراوانی	۹	۷	۸	۱۱	۹	۵	۴۹	جمهوریت	درصد
درصد	۵,۷	۴,۵	۵,۱	۷,۰	۵,۷	۳,۲	۳۱,۲		
فراوانی	۱۴	۷	۱۰	۱۷	۱۳	۶	۶۷	زمانه	درصد
درصد	۸,۹	۴,۵	۶,۴	۱۰,۸	۸,۳	۳,۸	۴۲,۷		
فراوانی	۶	۱۲	۴	۷	۸	۴	۴۱	حریت	درصد
درصد	۳,۸	۷,۶	۲,۵	۴,۵	۵,۱	۲,۵	۲۶,۱		
فراوانی	۲۹	۲۶	۲۲	۳۵	۳۰	۱۵	۱۵۷	جمع کل	درصد
درصد	۱۸,۵	۱۶,۶	۱۴,۰	۲۲,۳	۱۹,۱	۹,۶	۱۰۰		

جدول ۷ بیانگر آن است که بیشترین ارزش خبری در سه روزنامه منتخب، تضاد و برخورد با ۲۲,۳ درصد و کمترین ارزش خبری مجاورت با ۹,۶ درصد بوده است، بیشترین ارزش خبری مورد استفاده، تضاد و برخورد در روزنامه زمان و کمترین ارزش خبری، مجاورت و شگفتی و تعجب در روزنامه حریت بوده است.

جدول ۸. فراوانی و درصد قالب‌های خبری مرتبط با کودتای ایران

روزنامه	گزارش و خبر	مصاحبه	سرمقاله	پادداشت	تحلیل	عکس	گرافیک	کاریکاتور	جمع
فراوانی	۳	۲	۱	۱	۴	۲	۱	۱	۱۵
درصد	۴,۲	۲,۸	۱,۴	۱,۴	۵,۶	۲,۸	۱,۴	۱,۴	۲۱,۱
فراوانی	۳	۴	۱	۲	۵	۵	۳	۱	۲۴
درصد	۴,۲	۵,۶	۱,۴	۲,۸	۷,۰	۷,۰	۴,۲	۱,۴	۳۳,۸
فراوانی	۳	۵	۴	۴	۶	۵	۳	۲	۳۲
درصد	۴,۲	۷,۰	۵,۶	۵,۶	۸,۵	۷,۰	۴,۲	۲,۸	۴۵,۱
فراوانی	۹	۱۱	۶	۷	۱۵	۱۲	۷	۴	۷۱
درصد	۱۲,۷	۱۵,۵	۸,۵	۹,۹	۲۱,۱	۱۶,۹	۹,۹	۵,۶	۱۰۰

بر اساس جدول ۸ بیشترین قالب خبری در سه روزنامه، قالب خبری تحلیل با ۲۱/۱ درصد و کمترین آن کاریکاتور با ۵/۶ درصد بوده است. بیشترین قالب خبری تحلیل و عکس در روزنامه باختر امروز و مصاحبه و عکس در روزنامه اطلاعات و کمترین قالب گرافیک و کاریکاتور در روزنامه آتش و کاریکاتور باختر امروز بوده است.

جدول ۹. فراوانی و درصد قالب‌های خبری مرتبط با کودتای ترکیه

روزنامه	آتش و باختر	مصاحبه	سرمقاله	یادداشت	تحلیل	عکس	گرافیک	کاریکاتور	جمع		
										فراوانی	درصد
جمهوریت	۸	۱۰	۳	۴	۱۰	۶	۵	۳	۴۹	فراوانی	
	۵,۱	۶,۴	۱,۹	۲,۵	۶,۴	۳,۸	۳,۲	۱,۹	۳۱,۲	درصد	
زمان	۱۱	۱۰	۶	۷	۱۱	۹	۸	۵	۶۷	فراوانی	
	۷,۰	۶,۴	۳,۸	۴,۵	۷,۰	۵,۷	۵,۱	۳,۲	۴۲,۷	درصد	
حریت	۶	۷	۴	۴	۸	۵	۳	۴	۴۱	فراوانی	
	۳,۸	۴,۵	۲,۵	۲,۵	۵,۱	۳,۲	۱,۹	۲,۵	۲۶,۱	درصد	
جمع کل	۲۵	۲۷	۱۳	۱۵	۲۹	۲۰	۱۶	۱۲	۱۵۷	فراوانی	
	۱۵,۹	۱۷,۲	۸,۳	۹,۶	۱۸,۵	۱۲,۷	۱۰,۲	۷,۶	۱۰۰	درصد	

جدول ۹ اما نشان می‌دهد بیشترین قالب خبری مورد استفاده در این سه روزنامه قالب خبری تحلیل با ۱۸/۵ درصد و کمترین قالب خبری کاریکاتور با ۷/۶ درصد بوده است، بیشترین قالب خبری مورد استفاده، قالب تحلیل و گزارش در روزنامه زمان و کمترین قالب خبری، سرمقاله و کاریکاتور در روزنامه جمهوریت و گرافیک در حریت بوده است.



جدول ۱۰. فراوانی و درصد تاکتیک‌های خبری مورد استفاده مرتبط با کودتای ایران

روزنامه	حذف	کلی باقی	زمان بندی	قطره چکانی	تبخیر	دشمن تراشی	سانسور	دستچین کردن	درشت نمایی	تحریف	جمع	آتش	
												فراوانی	درصد
	۳	-	-	۳	-	-	۵	۲	-	۲	۱۵	فراوانی	۴,۲
	۴,۲	۰,۰	۰,۰	۴,۲	۰,۰	۰,۰	۷,۰	۲,۸	۰,۰	۲,۸	۲۱,۱	درصد	۴,۲
	-	۳	۲	۵	۲	۲	۱	۳	۵	۱	۲۴	فراوانی	-
	۰,۰	۴,۲	۲,۸	۷,۰	۲,۸	۲,۸	۱,۴	۴,۲	۷,۰	۱,۴	۳۳,۸	درصد	۰,۰
	۲	۴	۵	۷	۲	۳	۱	۴	۳	۱	۳۲	فراوانی	۲,۸
	۲,۸	۵,۶	۷,۰	۹,۹	۲,۸	۴,۲	۱,۴	۵,۶	۴,۲	۱,۴	۴۵,۱	درصد	۲,۸
	۵	۷	۷	۱۵	۴	۵	۷	۹	۸	۴	۷۱	فراوانی	۵
	۷,۰	۹,۹	۹,۹	۲۱,۱	۵,۶	۷,۰	۹,۹	۱۲,۷	۱۱,۳	۵,۶	۱۰۰	درصد	۷,۰

بر اساس جدول ۱۰ بیشترین تاکتیک اطلاع‌رسانی در سه روزنامه ایران، قطره‌چکانی با ۲۱/۱ درصد و کمترین مشاهده مربوط به تاکتیک تبخیر و تحریف با ۵/۶ درصد بوده است، بیشترین تاکتیک قطره‌چکانی در روزنامه اطلاعات و کمترین، تاکتیک‌های سانسور و تحریف در روزنامه‌های باختر امروز و اطلاعات بوده است.

جدول ۱۱. فراوانی و درصد تاکتیک‌های خبری مورد استفاده مرتبط با کودتای ترکیه

روزنامه	حذف	کلی باقی	زمان بندی	قطره چکانی	تبخیر	دشمن تراشی	سانسور	دستچین کردن	درشت نمایی	تحریف	جمع	جمهوریت	
												فراوانی	درصد
	۱	۴	۶	۱۱	-	۷	۲	۹	۸	۱	۴۹	فراوانی	۱
	۰,۶	۲,۵	۳,۸	۷,۰	۰,۰	۴,۵	۱,۳	۵,۷	۵,۱	۰,۶	۳۱,۲	درصد	۰,۶
	۵	۹	۷	۱۲	۳	۸	۴	۷	۹	۳	۶۷	فراوانی	۵
	۳,۲	۵,۷	۴,۵	۷,۶	۱,۹	۵,۱	۲,۵	۴,۵	۵,۷	۱,۹	۴۲,۷	درصد	۳,۲

روزنامه		حذف	کل باقی	زمان بندی	قطره چکانی	تبخیر	دشمن تراشی	سانسور	دستچین کردن	درشت نمایی	تحریف	جمع
حریت	فراوانی	۴	۵	۳	۷	۲	۶	۳	۴	۵	۲	۴۱
	درصد	۲,۵	۳,۲	۱,۹	۴,۵	۱,۳	۳,۸	۱,۹	۲,۵	۳,۲	۱,۳	۲۶,۱
جمع کل	فراوانی	۱۰	۱۸	۱۶	۳۰	۵	۲۱	۹	۲۰	۲۲	۶	۱۵۷
	درصد	۶,۴	۱۱,۵	۱۰,۲	۱۹,۱	۳,۲	۱۳,۴	۵,۷	۱۲,۷	۱۴,۰	۳,۸	۱۰۰

مطابق جدول ۱۱ بیشترین تاکتیک خبری در این سه روزنامه تاکتیک قطره چکانی با ۱۹/۱ درصد و کمترین، تاکتیک تبخیر با ۳/۲ درصد بوده است؛ بیشترین تاکتیک مورد استفاده، تکنیک قطره چکانی روزنامه زمان و کمترین، تکنیک های حذف و تحریف روزنامه جمهوری است.

جدول ۱۲. فراوانی و درصد جهت گیری (حمایتی، انتقادی، بی طرف) مطالب مرتبط با کودتای ایران

روزنامه		حمایتی	انتقادی	بی طرف	جمع
آتش	فراوانی	۱۱	۱	۳	۱۵
	درصد	۱۵,۵	۱,۴	۴,۲	۲۱,۱
اطلاعات	فراوانی	-	۲۲	۲	۲۴
	درصد	۰,۰	۳۱,۰	۲,۸	۳۳,۸
باختر امروز	فراوانی	۲	۲۶	۴	۳۲
	درصد	۲,۸	۳۶,۶	۵,۶	۴۵,۱
جمع کل	فراوانی	۱۳	۴۹	۹	۷۱
	درصد	۱۸,۳	۶۹,۰	۱۲,۷	۱۰۰

مطابق جدول ۱۲ بیشترین جهت گیری خبری استفاده شده، جهت گیری انتقادی با ۶۹ درصد و کمترین جهت گیری خبری، بی طرفی با ۱۲/۷ درصد بوده است. بیشترین جهت گیری، مربوط به جهت گیری انتقادی روزنامه باختر امروز و کمترین جهت گیری انتقادی روزنامه آتش بوده است.



جدول ۱۳. فراوانی و درصد جهت‌گیری (حمایتی، انتقادی، بی‌طرف) مطالب مرتبط با کودتای ترکیه

روزنامه		حمایتی	انتقادی	بی‌طرف	جمع
جمهوریت	فراوانی	۱	۴۵	۳	۴۹
	درصد	۰٫۶	۲۸٫۷	۱٫۹	۳۱٫۲
حریت	فراوانی	۴	۵۵	۸	۶۷
	درصد	۲٫۵	۳۵٫۰	۵٫۱	۴۲٫۷
زمان	فراوانی	۳	۳۲	۶	۴۱
	درصد	۱٫۹	۲۰٫۴	۳٫۸	۲۶٫۱
جمع کل	فراوانی	۸	۱۳۲	۱۷	۱۵۷
	درصد	۵٫۱	۸۴٫۰	۱۰٫۸	۱۰۰

بر اساس جدول فوق بیشترین جهت‌گیری خبری در این سه روزنامه جهت‌گیری انتقادی با ۸۴ درصد و کمترین جهت‌گیری خبری جهت‌گیری حمایتی با ۱۰/۸ درصد بوده است، بیشترین جهت‌گیری، مربوط به جهت‌گیری انتقادی روزنامه حریت و کمترین جهت‌گیری حمایتی روزنامه جمهوریت بوده است.

جدول ۱۴. فراوانی و درصد نقش و جایگاه مردم در فرایند کودتای ایران

روزنامه		ضرورت توجه به مردم و نقش آنان در تحولات جامعه	مردم در تحولات جامعه هیچ نقشی ندارند	مردم خود را کنار کشیده‌اند	مردم را گذاشته‌اند	جمع
آتش	فراوانی	۱	۶	۸	-	۱۵
	درصد	۱٫۴	۸٫۵	۱۱٫۳	۰٫۰	۲۱٫۱
باختر امروز	فراوانی	۱۴	-	۱	۹	۲۴
	درصد	۱۹٫۷	۰٫۰	۱٫۴	۱۲٫۷	۳۳٫۸
اطلاعات	فراوانی	۱۸	۱	۲	۱۱	۳۲
	درصد	۲۵٫۴	۱٫۴	۲٫۸	۱۵٫۵	۴۵٫۱
جمع کل	فراوانی	۳۳	۷	۱۱	۲۰	۷۱
	درصد	۴۶٫۵	۹٫۹	۱۵٫۵	۲۸٫۲	۱۰۰

مطابق جدول ۱۴ بیشترین نقش و جایگاه مردم در این سه روزنامه تحت عنوان ضرورت توجه به مردم و نقش آنان در تحولات جامعه با ۴۶/۵ درصد و کمترین جهت‌گیری خبری در این سه روزنامه مربوط به گزینه مردم در تحولات جامعه هیچ نقشی ندارند با ۹/۹ درصد بوده است؛ بیشترین نقش و جایگاه مردم در روزنامه اطلاعات با مضمون مردم را کنار گذاشته‌اند و کمترین مربوط به روزنامه‌های اطلاعات با مضمون مردم در تحولات جامعه هیچ نقشی ندارند، باختر امروز با مضمون مردم خود را کنار کشیده‌اند و آتش با مضمون ضرورت توجه به مردم و نقش آنان در تحولات جامعه بوده است.

جدول ۱۵. فراوانی و درصد نقش و جایگاه مردم در فرایند کودتای ترکیه

روزنامه	ضرورت توجه به مردم و نقش آنان در تحولات جامعه		مردم در تحولات جامعه هیچ نقشی ندارند	مردم خود را کنار کشیده‌اند	مردم را کنار گذاشته‌اند	جمع
	فراوانی	درصد				
جمهوریت	فراوانی	۳۱	-	۱	۱۷	۴۹
	درصد	۱۹,۷	۰,۰	۰,۶	۱۰,۸	۳۱,۲
زمان	فراوانی	۳۴	۶	۷	۲۰	۶۷
	درصد	۲۱,۷	۳,۸	۴,۵	۱۲,۷	۴۲,۷
حریت	فراوانی	۲۱	۵	۵	۱۰	۴۱
	درصد	۱۳,۴	۳,۲	۳,۲	۶,۴	۲۶,۱
جمع کل	فراوانی	۸۶	۱۱	۱۳	۴۷	۱۵۷
	درصد	۵۴,۸	۷,۰	۸,۳	۲۹,۹	۱۰۰

مطابق داده‌های جدول ۱۵، بیشترین نقش و جایگاه مردم در این سه روزنامه تحت عنوان ضرورت توجه به مردم و نقش آنان در تحولات جامعه با ۵۴/۸ درصد و کمترین جهت‌گیری خبری مربوط به گزینه مردم در تحولات جامعه هیچ نقشی ندارند با ۷ درصد بوده است. بیشترین نقش و جایگاه مردم در روزنامه جمهورییت با مضمون ضرورت توجه به مردم و نقش آنان در تحولات جامعه و کمترین مربوط به روزنامه جمهورییت با مضمون مردم خود را کنار کشیده‌اند، بوده است.

جدول ۱۶. فراوانی و درصد نقش عوامل خارجی در فرایند کودتای ایران

روزنامه	تحریک کشورهای خارجی و حمایت از کودتا		حمایت کشورهای خارجی از دولت و مخالفت با کودتا	اعلام بی‌طرفی و تلقی کودتا به‌عنوان مساله داخلی	جمع
	فراوانی	درصد			
آتش	۱	۱,۴	۱۳	۰	۱۵
	فراوانی	درصد	۱۸,۳	۰,۰	۲۱,۱
باختر	۱۹	۲۶,۸	-	۵	۲۴
	فراوانی	درصد	۰,۰	۷,۰	۳۳,۸
امروز	۲۱	۲۹,۶	۲	۹	۳۲
	فراوانی	درصد	۰,۰	۷,۰	۴۵,۱
اطلاعات	۴۱	۵۷,۷	۱۵	۱۵	۷۱
	فراوانی	درصد	۲۱,۱	۲۰,۱	۱۰۰
جمع کل	۵۷,۷	۷۷,۱	۲۱,۱	۲۰,۱	۱۰۰
	درصد	درصد	۲۱,۱	۲۰,۱	۱۰۰

جدول ۱۶ نشان می‌دهد بیشترین توجه به نقش و جایگاه عوامل خارجی در این سه روزنامه تحت عنوان تحریک کشورهای خارجی با ۵۷/۷ درصد و کمترین در این سه روزنامه مربوط به حمایت کشورهای خارجی از دولت و مخالفت با کودتا و اعلام بی‌طرفی و تلقی کودتا به‌عنوان مساله داخلی با بیش از ۲۰ درصد بوده است، بیشترین نقش و جایگاه عوامل خارجی مربوط به روزنامه اطلاعات با مضمون تحریک کشورهای خارجی و حمایت از کودتا و کمترین مربوط به روزنامه آتش با مضامین تحریک کشورهای خارجی و حمایت از کودتا و اعلام بی‌طرفی و تلقی کودتا به‌عنوان مساله داخلی بوده است.

جدول ۱۷. فراوانی و درصد نقش و جایگاه عوامل خارجی در فرایند کودتای ترکیه

روزنامه	تحریک کشورهای خارجی و حمایت از کودتا		حمایت کشورهای خارجی از دولت و مخالفت با کودتا	اعلام بی‌طرفی و تلقی کودتا به‌عنوان مساله داخلی	جمع
	فراوانی	درصد			
جمهوریت	۴۳	۲۷,۴	-	۶	۴۹
	فراوانی	درصد	۰,۰	۳,۸	۳۱,۲
زمان	۴۹	۳۱,۲	۳	۱۵	۶۷
	فراوانی	درصد	۱,۹	۹,۶	۴۲,۷
حریت	۲۹	۱۸,۵	۴	۸	۴۱
	فراوانی	درصد	۲,۵	۵,۱	۲۶,۱
جمع کل	۷۷,۱	۷۷,۱	۷	۲۹	۱۵۷
	درصد	درصد	۴,۵	۱۸,۵	۱۰۰

بر اساس جدول ۱۷، در این سه روزنامه نقش و جایگاه مردم تحت عنوان تحریک کشورهای خارجی با ۷۷/۱ درصد و کمترین در این سه روزنامه مربوط حمایت کشورهای خارجی با ۴/۵ درصد بوده است. بیشترین نقش و جایگاه عوامل خارجی مربوط به روزنامه زمان با مضمون تحریک کشورهای خارجی و حمایت از کودتا و کمترین مربوط به روزنامه حریت با مضمون حمایت کشورهای خارجی از دولت و اعلام مخالفت با کودتا بوده است.

نتیجه‌گیری

- حسب داده‌های جداول ۴ و ۵ بیشترین انعکاس اخبار کودتا در ۲۸ مرداد را روزنامه میانه‌رو اطلاعات اما در ترکیه روزنامه منتقد زمان داشته است. به نظر می‌رسد فضای سیاسی حاکم در ایام هر دو کودتا سبب شده است در یکی روزنامه میانه‌رو و دیگری روزنامه منتقد دولت اخبار بیشتری را بازنمایی کند.
- طبق داده‌های جداول ۶ و ۷ بیشترین ارزش خبری در بین سه روزنامه ایرانی شگفتی و در بین سه روزنامه منتخب ترکیه تضاد و برخورد بوده است. به نظر می‌رسد با توجه به کم سابقه بودن نوع کودتا در ایران روزنامه‌های منتخب توجه خود را به تبیین آن معطوف داشتند. در حالی که حسب داده‌های همین جداول، روزنامه‌های منتخب ترکیه با توجه به پیشینه کودتا در این کشور، بیشترین توجه خود را بر تبیین وجوه تقابل و برخورد و نیروهای درگیر متمرکز کرده‌اند. روزنامه باختر امروز حامی دولت مصدق بیشترین مطالب را به ارزش خبری شگفتی اختصاص داده است در حالی که حریت روزنامه همسو با دولت در ترکیه بیش از همه بر ارزش شهرت تمرکز نمود که بیانگر نقش و اهمیت افراد از نگاه این روزنامه است.
- مطابق یافته‌های جدول ۸ و ۹ روزنامه‌های منتخب در هر دو کودتا بیشترین استفاده را از قالب خبری تحلیل داشته‌اند. در کودتای ایران روزنامه باختر امروز حامی دولت و در ترکیه روزنامه زمان منتقد دولت بیشترین استفاده را از این قالب داشته است. به نظر می‌رسد نیاز جامعه به تحلیل سبب شده است روزنامه‌ها با هر نوع گرایشی به این قالب نوشتاری بیشتر توجه کنند. نکته دیگر آن است که در کودتای ایران تفاوت زیادی (حدود یک درصد) بین قالب گزارش و خبر با قالب تحلیل دیده نمی‌شود اما در کودتای ترکیه تفاوت بیشتری بین درصد گزارش و خبر با تحلیل دیده می‌شود. می‌توان این تفاوت را به حضور رسانه‌های رقیب به‌ویژه رسانه‌های نوین و رسانه‌های متعارف مربوط دانست که جزئیات رویداد را در لحظه منتشر می‌کنند



اما مطبوعات تمرکز خود را روی تحلیل قرار داده‌اند. در مورد کودتای ایران چنین برداشتی البته صادق نیست.

- در خصوص تاکتیک‌های خبری، مهمترین روند غالب مشاهده شده در متن خبرها، تاکتیک اطلاع‌رسانی هوشمندانه تحت عنوان قطره‌چکانی (بیش از ۲۰ درصد) بوده است که با توجه به ماهیت رویداد و بحرانی بودن شرایط و قرار داشتن در شرایط عدم قطعیت و نیز نظارت شدید حکومت، پذیرفتنی به نظر می‌رسد. البته این تاکتیک را بیش از همه روزنامه اطلاعات به عنوان میانه‌رو و روزنامه باختر امروز (حامی دولت مصدق) به کار گرفته‌اند. در حالی که روزنامه آتش (منتقد دولت) از تکنیک حذف و سانسور بیشترین بهره را برده است. در واقع روزنامه آتش بیشتر تکنیک سکوت را اختیار نموده و کمترین حضور اطلاع‌رسانی را از این نظر داشته است.

- در خصوص مطبوعات منتخب ترکیه نیز الگوی مشابه، بیشترین بهره‌گیری مربوط به تکنیک اطلاع‌رسانی قطره‌چکانی بوده است. از سویی روزنامه منتقد دولت (زمان) از دو تکنیک کلی‌گویی و بزرگ‌نمایی رویداد بیشترین بهره را برده است. روزنامه حریت حامی دولت نیز ضمن بیشترین بهره‌گیری از تکنیک اطلاع‌رسانی قطره‌چکانی، و روزنامه جمهوریت بیشترین بهره را نیز از تکنیک دشمن‌تراشی به عمل آورده است که نشان دهنده تلاش برای ترسیم دشمنی با دولت در بیرون مرزهاست.

- داده‌های جداول ۱۲ و ۱۳ نیز نشان داد در بزنگاه‌هایی همچون کودتا انتظار موضع‌گیری بی‌طرفانه از رسانه‌ها بسیار دشوار است. در این دو رویداد نیز رسانه‌ها یا موضع حمایتی و یا موضع انتقادی اتخاذ کردند. در هر دو کشور روزنامه حامی دولت بیشترین موضع انتقادی به وقوع کودتا را اتخاذ نموده است. نکته قابل ذکر دیگر این است در حالی که روزنامه آتش به‌عنوان منتقد دولت بیشترین مواضع حمایتی را از کودتا به عمل آورده اما در ترکیه به واسطه بسترهایی که پیشتر به آن اشاره شد، مطبوعات (منتقد، حامی و یابی طرف) چندان مواضع حمایتی اتخاذ نمودند.

- در خصوص جایگاه مردم از نگاه این روزنامه‌ها نکته قابل ذکر آن است که تقریباً همه آنها در این باره اقدام به موضع‌گیری کرده‌اند. اطلاعات به عنوان روزنامه‌ای میانه‌رو و نیز باختر امروز بیشترین درخواست را برای لزوم حضور مردم مطرح نمودند و همزمان بیشترین تأکید را داشته‌اند که مردم از تحولات جامعه کنار گذاشته شده‌اند. در حالی که آتش روزنامه منتقد دولت و حامی دربار کمترین تأکید را بر لزوم نقش‌آفرینی مردم داشته و بر آن است که مردم نه فقط کنار گذاشته نشده‌اند بلکه خود تصمیم گرفته‌اند که نقش‌آفرینی نکنند. این در حالی

- است که در چنین بزنگاهی اساساً موضوع توجه به مردم (۴۶/۵ درصد) به روند غالب روزنامه‌های منتخب تبدیل شده است.
- تقریباً مشابه همین وضعیت یعنی غالب شدن توجه به مردم در روزنامه‌های ترکیه نیز مشاهده شد. با این تفاوت که حتی روزنامه‌های منتقد دولت نیز با درصد بیشتری بر لزوم مشارکت دادن مردم در تحولات جامعه تاکید کرده‌اند (زمان با بیش از ۲۱ درصد) و همین منتقدان نیز بیشترین تاکید را بر این محور قرار داده‌اند که مردم از تحولات جامعه کنار گذاشته شده‌اند. این تفاوت می‌تواند ریشه در نهادینه‌تر بودن روندهای مردم‌گرایانه در نهادهای رسانه‌ای ترکیه باشد.
- در خصوص نقش عوامل خارجی در کودتای ایران (جدول ۱۴) داده‌ها نشان داد روزنامه‌های میانه‌رو نظیر اطلاعات و باختر امروز بیشترین تاکید را بر نقش عوامل خارجی در اجرای کودتا داشته‌اند. برای نمونه اطلاعات در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ با این تیتیر «سرهنگ نصیری عامل کودتا پس از دستگیری گفت: دو دقیقه تاخیر سرهنگ خسروپناه نقشه کودتا را برهم زد» نشان داد که عوامل داخلی کودتا دست نشانده عوامل خارجی بودند که با هوشیاری خشی شد. همچنین باختر امروز روزنامه حامی دولت نیز در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ با درج مطلبی با عنوان «شاه فراری با یک هواپیمای انگلیسی به طرف لندن پرواز کرد» از نقش دولت انگلیس در طراحی و اجرای کودتا پرده برداشت. همین روزنامه‌ها نیز بیشترین تاکید را داشتند که موضوع کاملاً داخلی است و باید داخلی برطرف شود. در حالی که آتش روزنامه منتقد و مخالف دولت و حامی دربار در ۲۹ مرداد ۱۳۳۲ با درج عنوان «دیروز انقلاب خونین مردم و سربازان رشید تهران بساط حکومت سیاه مصدق خائن را به آتش کشیدند» تاکید داشت که در کودتا عوامل خارجی کمترین نقش را بر عهده داشته‌اند.
- همین موضوع در بین روزنامه‌های منتخب ترکیه با شدت بیشتری به چشم می‌خورد (جدول ۱۵). یعنی غلظت تاکید بر حمایت و تحریکات خارجی در وقوع کودتا بیشترین مطالب را به خود اختصاص داد. با این حال روزنامه زمان منتقد دولت بیشترین تاکید را داشت که تحولات کودتا امری داخلی است و نباید کاملاً به بیرون مرزها ارتباط داده شود (زمان ۱۶ جولای: خائین کودتاگر اعدام شوند) البته روزنامه‌های جمهوری (جمهوریت ۱۶ جولای: راهکار، دموکراسی است... با هر نوع کودتا مخالفیم... چه نظامی چه مدنی... ترکیه در بحران) و حریت (حریت ۱۶ جولای: سیلی اراده مردم به کودتاگران فتوچی^۱) نیز تقریباً همین موضع‌گیری‌ها را

۱. عبارتی تحقیرآمیز که در اینجا برای اشاره به فتح الله گولن‌چی‌ها استفاده شده است.



با شدتی کم و بیش نمایان ساختند. در مجموع در بین روزنامه‌های منتخب ترکیه یکدستی بیشتری از نظر تلقی تحولات به عنوان مسئله‌ای داخلی و بیرونی بودن ریشه‌های کودتا با حمایت خارجی به چشم می‌خورد.

پیشنهاد‌های کاربردی و رسانه‌ای

- ارسال یافته‌های مقاله برای سردبیران معاونت سیاسی و برون‌مرزی از طریق سازوکاری مشخص؛ مطالعه واکنش مطبوعات به رویداد کودتا، الگویی مطلوب در درک خلاءهای احتمالی موجود در مدیریت‌های رسانه‌ای است. کارشناسان رسانه ملی با مطالعه یافته‌های این پژوهش به میزانی قادر خواهند بود به چرایی این واکنش‌ها پی ببرند و در جهت رفع خلاءهای مدیریتی با هدف بهره‌گیری بهتر در بزنگاه‌های خاص اقدام نمایند.
- مطالعات تطبیقی در این حوزه به‌شدت کارآمد و سودمند است. به توجه به محدودیت دسترسی به روزنامه‌های ایام کودتای ۲۸ مرداد و نیز روزنامه ایام کودتای ۱۵ جولای ترکیه و البته ترجمه آنها، ضرورت تدوین بانک اطلاعات روزنامه‌ها در چنین بزنگاه‌هایی به‌ویژه در سازمان‌های رسانه‌ای از جمله صدا و سیما احساس می‌شود.
- یافته‌های پژوهش (جدول ۴ و ۵ و ۶ و ۷) بیانگر آن است که روزنامه‌ها در کنار اطلاع‌رسانی، بیشتر به تبیین رویداد می‌پردازند. در حالی که رسانه‌های نوین (حسب مورد ترکیه) بیشتر نقش اطلاع‌رسانی لحظه‌ای را برعهده می‌گیرند. به نظر می‌رسد تامین فضای مناسب برای روزنامه‌ها از سوی دست‌اندرکاران، به تامین بهتر کارویژه تعمیق بینش سیاسی کمک خواهد کرد.

پیشنهاد‌های پژوهشی

- با توجه به روش تحلیل محتوای کمی این پژوهش، جای مطالعه نقش و عملکرد رسانه‌ها در چنین بزنگاه‌هایی با روش‌های کیفی به‌شدت خالی است. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران با رویکردهای کیفی به چنین مطالعاتی اقدام کنند.
- مطالعات مقایسه‌ای در کشورهای منطقه غرب آسیا و کشورهای مشابه آن پیشنهاد می‌شود. در این بین یافتن الگوهای مشابه در کودتاهای پاکستان و مقایسه آن با کودتاهای کشور ترکیه سودمند خواهد بود.
- با توجه به نقش آفرینی رسانه‌های نوین، مطالعه موردی و البته مقایسه‌ای نقش این رسانه‌ها در تحولات مهم نظیر کودتا و یا اعتراضات جمعی پیشنهاد می‌شود.

منابع و مأخذ

- اشرف، احمد، و بنوعیزی، علی (۱۳۸۸). *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب ایران*. ترجمه: سهیلا ترابی، تهران، نشر نیلوفر.
- افشار، ایرج (۱۳۸۱). *خاطرات و تالمات مصدق*. تهران، انتشارات علمی.
- بروجردی علوی، مهدخت (۱۳۸۷). *دروازه‌بانی خبر چیست و دروازه‌بانان کیستند؟ در: روزنامه‌نگاری حرفه ای، مجموعه مقالات*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- بصیری، محمدعلی، مجیدی‌نژاد، سید علی، و عالی‌شاه، عبدالرضا (۱۳۹۶). *علت کاوی کودتای نافرجام ۲۰۱۶ ارتش ترکیه علیه حزب عدالت و توسعه*. فصلنامه *مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۰ (۳۷)، ۳۹-۶۴.
- بهجتی‌فرد، هادی (۱۳۹۱). *مقایسه‌گفتمان خبری سایت‌های فارسی زبان شبکه‌های العالم، العربیه و بی.بی.سی در مورد اعتراضات عمومی در بحرین در بازه زمانی ۱۴ بهمن ۱۳۸۹ تا پایان تیر ۱۳۹۱*. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه صدا و سیما، تهران.
- بهرامی، سیامک (۱۳۹۵). *انحراف از نو عثمانی‌گرایی و کودتا در ترکیه*. فصلنامه *مطالعات راهبردی*، ۷۳، ۴۲-۶۶.
- بیل، جیمز (۱۳۷۱). *شیر و عقاب*. ترجمه: فروزنده برلیان، تهران، نشر فاخته.
- چامسکی، نوام و هرمن ادوارد اس. (۱۳۹۱). *فیلترهای خبری*. تهران: انتشارات روزنامه ایران.
- حیدری، محمدعلی، و رهنورد، حمید (۱۳۹۰). *نوعثمانی‌گرایی و سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ترکیه (با تکیه بر بهار عربی)*. فصلنامه *رهنامه سیاست‌گذاری*، ۲، ۴۱-۲۳.
- رادمرد، محمد، و حجازی، سید نصرالله (۱۳۹۵). *بررسی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر اساس نظریه والراشتاین*. *نشریه جامعه‌شناسی تاریخی*، ۸ (۲)، ۵۵-۴۰.
- رایف، دانیل (۱۳۸۲). *تحلیل پیام‌های رسانه‌ای: کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق*. ترجمه مهدخت بروجردی. تهران، نشر سروش.
- رستم‌پور، صابر (۱۳۹۷). *تأثیر تضعیف ارتش ترکیه به واسطه کودتای ۲۰۱۶ بر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران*. فصلنامه *علوم و فنون نظامی*، ۱۳ (۱۱)، ۲۳-۵.
- روشه، گی (۲۰۰۰). *تغییرات اجتماعی*. تهران، نشر نی.
- ساجدی، امیر (۱۳۹۹). *واکاوی علل و انگیزه‌های تغییر ساختار سیاسی ترکیه*. فصلنامه *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۱۰ (۲)، ۲۳۳-۲۵۱.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۴). *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*. تهران، چاپ مؤسسه کیهان.
- سفری، محمد علی (۱۳۷۱). *قلم و سیاست (از استعفای شاه تا سقوط مصدق)*. تهران، نشر نارمک.



سلیمان نوری، رضا (۱۳۳۲). *روزگار جزایید در دهه پایانی مرداد ۳۲*. قابل دسترسی در:

<http://iran-newspaper.com> بازبایی ۱۴۰۲/۸/۳۰.

سمیعی اصفهانی، علیرضا، و فرحمند، صغری (۱۳۹۵). کودتای ۲۰۱۶ ترکیه و آینده سیاسی حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه؛ با تأکید بر روش سناریونویسی. *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۷ (۴۵)، ۱۵۶-۱۲۲.

سورین، ورنو، وتانکار، جیمز (۱۳۸۸). *نظریه‌های ارتباطات*. ترجمه: علیرضا دهقان. تهران: دانشگاه تهران. سیفی، عبدالحسین و پورحسن، ناصر (۱۳۹۸). ترکیه پساکودتا و گذار به دولت آنوکراتیک. *فصلنامه دولت‌پژوهی*. ۱۹، ۱۷۵-۱.

فاضلی، محمود (۱۳۹۷). *دلایل وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲*. *تاریخ شفاهی ایران*. تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگ و ادب پایداری.

فراتاب (۱۴۰۲/۱۲/۲۳). *نگاهی به تئوری توهم توطئه در کودتای ترکیه*، قابل دسترسی در:

<https://www.faratab.com/news>

فلاح‌پیشه، حشمت‌الله، شربت‌ی، وحید، و مظفری، محمدمهدی (۱۳۹۴). *سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و منافع ایران و روسیه*، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۱۲، ۴۳-۲۲.

قائم مقامی، سید علی (۱۳۹۶). *تنوع، نقش و قدرت رسانه‌ای ترکیه*. در www.iiwfs.com به روز رسانی در ۱۳۹۶/۸/۱۲.

قاسمی، فرید (۱۳۸۰). *مطبوعات ایران در قرن بیستم*. تهران، نشر قصه.

کاتوزیان، همایون (۱۳۷۱). *مصدق و نبرد قدرت*. تهران، انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. کارگر جهرمی، وحید (۱۳۹۴). *آیت‌الله کاشانی و ملی شدن صنعت نفت*. چاپ اول. سازمان انتشارات پژوهش و اندیشه اسلامی.

کرپیندورف، کلوس (۱۳۸۹). *تحلیل محتوا*. ترجمه هوشنگ نایینی. نشر نی.

کولایی، الهه (۱۳۸۹). *اتحاد جماهیر شوروی و انقلاب اسلامی ایران*. تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

گودرزی، محسن (۱۳۹۱). *بازنمایی ایدئولوژی انقلاب اسلامی در روزنامه واشنگتن‌پست*. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه صداوسیما، تهران.

مسعودنیا، حسین، و عالی‌شاهی، عبدالرضا (۱۳۹۶). کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ ترکیه بر اساس نظریه شکاف‌های اجتماعی. *فصلنامه دولت‌پژوهی*، ۴ (۱۶)، ۱۷۵-۲۱۰.

معمدنژاد، کاظم (۱۳۹۱). *روزنامه‌نگاری*. تهران، نشر سپر.

خبرگزاری جمهور (۱۳۹۶). *مقام اولی ترکیه در روزنامه نگاران زندانی*. قابل دسترسی در:

<https://www.jomhornews.com/fa/news/43351> (بازبایی ۲۰ دی ۱۴۰۲)

- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰). تحولات سیاسی اجتماعی ایران (۵۷-۱۳۳۰). تهران، نشر روزنه.
- مولانا، حمید (۱۳۷۱). گذر از نوگرایی. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- لازار، ژودیت (۱۳۸۵). افکار عمومی. ترجمه مرتضی کتبی. تهران، نشر نی.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۸۴). تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران. تهران، نشر رسا.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۶۶). جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد. تهران، شرکت انتشار.
- نصراللهی، اکبر (۱۳۹۴). مدیریت پوشش خبری بحران در رسانه‌های حرفه‌ای. تهران، همشهری.
- نقیب‌السادات، سیدرضا (۱۳۹۱). روش تحقیق در ارتباطات. نشر: علم.
- ویلبر، دونالد نیوتن (۱۳۸۰). عملیات آژاکس. ترجمه: ابوالقاسم چمنی، تهران، موسسه ابرار معاصر.
- ویمر، راجر دی و جوزف آردومینیک (۱۳۹۶). تحقیق در وسایل ارتباط جمعی. ترجمه کاووس سید امامی. تهران، انتشارات سروش.
- هولستی، رادولف ال (۱۴۰۰). تحلیل محتوا در علوم انسانی و اجتماعی. ترجمه نادر سالارزاده امیری. تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- یزدانی، پیمان (۱۳۹۵). آمریکا در کودتای نافرجام ترکیه خواهان سقوط «اردوغان» نبود. سایت خبری MehrNews.ir (۹۶/۶/۳) بازیابی (۱۳۹۷/۱۰/۲۹).

- Esen, Berk and Sebnem Gumuscu (2017). Turkey: How the Coup Failed. *Journal of Democracy*. January. National Endowment for Democracy and Johns Hopkins University Press, 28(1), 59-73.
- Caragul, Ibrahim (2016). US tried to kill Erdoğan: Karagül. Retrieved from: <https://www.yenisafak.com/en/news/>. Accessed in 16/3/2024.
- Clark VL, Creswell JW. (2007) Understanding research: a consumer's guide. 2nd ed: Pearson Education: Inc.2015.
- Encyclopædia Britannica. Retrieved 06, 2024, from Encyclopædia Britannica Online: <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/140445/coup-detat>
- Tol.Gunul, Matt Mainzer, Zeynab Ekmekci (2016). *Unpacking Turkey, s Faled Coup: Causes and Consequences*. Retrieved from: <https://www.mei.edu/publications/unpacking-turkeys-failed-coup-causes-and-consequences>.
- Bulut, Ergin and Can, Basak (2018). Turkey's failed coup as an 'ongoing media event' and the formation of public affect. *Media, Culture and Society*. 14(1), 149-157.
- Karagoz, Serdar and Kandemr, Pinar (2016). The Role that the Media Played in the Failure of the July 15 Coup Attempt. *Insightturkey.com*. Commentaries, Summer 2016 / Volume 18, Number 3. Retrieved from: <https://www.insightturkey.com/commentaries/the-role-that-the-media-played-in-the-failure-of-the-july-15-coup-attempt>.

platform 24 (2016). Journalists in State of Emergency. Retrieved from: <http://platform24.org/en/articles/395/journalists-in-state-of-emergency---17>(Retrieved 2023-10-05)

Letsch, Constanze (2016-09-11). *Brothers critical of Turkish government arrested after TV programme*. The Guardian. ISSN 0261-3077. Retrieved 2016-10-05.

Lucas, Scott (2016). *How Turkey's President used social media to save himself*. Retrieved from: <https://www.birmingham.ac.uk/research/perspective/turkey-coup.aspx> (Retreived 2023-06-14)

روزنامه‌ها

آتش (۲۹ مرداد ۱۳۳۲). *دیروز انقلاب خونین مردم و سربازان رشید تهران بساط حکومت سیاه مصدق خائن را به آتش کشیدند*. آرشیو روزنامه آتش.

اطلاعات (۲۷ مرداد ۱۳۳۲). *سرهنگ نصیری عامل کودتا پس از دستگیری گفت: دو دقیقه تاخیر سرهنگ خسروپناه نقشه کودتا را برهم زد*. آرشیو روزنامه اطلاعات.

باختر امروز (۲۷ مرداد ۱۳۳۲). *شاه فراری با یک هواپیمایی خارجی به لندن فرار کرد*. آرشیو روزنامه باختر امروز.

لینک و تیتر روزنامه‌های ترکیه (شامل زمان، جمهوریت و حریت) در ۱۶ جولای ۲۰۱۷:

https://www.ntv.com.tr/galeri/turkiye/gunun-gazete-mansetleri-16-temmuz-2016,mSIJ94UrK0eoJ5yAQvwu5A/XTS5Zwo_Oki9QSIbcRZWcw

لینک و تیتر روزنامه‌های ترکیه (شامل زمان، جمهوریت و حریت) در ۱۷ جولانی ۲۰۱۷:

https://www.ntv.com.tr/galeri/turkiye/17-07-2016-gunun-gazete-mansetleri,eEy7zbQVzku00tImO3OxqQ/ZuVnCD_FakWeS52o0diYZw

لینک هایی که سایر شماره‌های روزنامه‌های منتخب در آنها یافت شدند.

https://www.ntv.com.tr/galeri/turkiye/17-07-2016-gunun-gazete-mansetleri,eEy7zbQVzku00tImO3OxqQ/ul4S2jBUfECZsDXcLu1_WA

https://www.ntv.com.tr/galeri/turkiye/gazete-mansetleri,K2B2kWI02kGCr_zIcE81aw/TFPsiIxp0kGHMuMZx4YxyQ

<https://www.ntv.com.tr/galeri/turkiye/gazete-mansetleri,Oyfx0hOhM0qkDE9wwW3DFQ/Mz1IWIiv-UyrG3vAvLQ4Cg>

<https://www.ntv.com.tr/galeri/turkiye/gazete-mansetleri,iLJ6ixPSSUmsuFHhPUYpzw/FoiMPpMfT0--sfqr14TUmg>

<https://www.ntv.com.tr/galeri/turkiye/gazete-mansetleri,yS13yGkKA0WA-90vHVuREQ/j0gdcuLn02cpg-tXVgnbg>

<https://www.ntv.com.tr/galeri/turkiye/gazete-mansetleri,E4J0uclIXpUSnGuu63F9MvA/Assm7qIXRUCzmSyMYhNQTQ>

<https://www.ntv.com.tr/galeri/turkiye/23-07-2016-gunun-gazete-mansetleri,hJcL7cz-7UWVG2FBrH9v-g>

<https://www.ntv.com.tr/galeri/turkiye/24-07-2016-gunun-gazete-mansetle>

برجسته‌سازی در عناوین خبری الجزیره نت (مطالعه موردی: حضور ایران و آمریکا در عراق)

ابوالحسن امین مقدسی^۱، عبدالله حسینی^۲، زهرا ایزدی^۳

چکیده

برجسته‌سازی خبری به معنای اولویت‌گذاری بر اخباری خاص به قصد تعیین و یا تغییر نگرش مخاطبان است. این تکنیک در شبکه الجزیره نیز به کار گرفته و بررسی آن علاوه بر آشکار کردن اهداف ایدئولوژیک این شبکه، به معرفی سبک‌های نوشتاری آن کمک می‌کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نحوه برجسته‌سازی اخبار در الجزیره نت طراحی شده و با روش تحلیل محتوا به بررسی عناوین خبری پرداخته است. بررسی‌های کمی نشان می‌دهد در سطح اول برجسته‌سازی، سه دسته خبر در اولویت‌های خبری الجزیره تکرار می‌شوند. این موضوعات عبارتند از: درگیری‌های سیاسی، فساد اقتصادی و حضور نیروهای ایرانی و آمریکایی در عراق. کدگذاری باز و محوری اخبار مربوط به حضور نیروهای ایران و آمریکا در عراق در بازه زمانی ۵ ساله (۲۰۱۹-۲۰۲۳) نشان می‌دهد که این شبکه در جهت توجیه حضور نیروهای آمریکایی در عراق حرکت کرده است. همچنین الجزیره برای برجسته‌سازی شیوه‌های متفاوتی را در تنظیم اخبار به کار گرفته است. آمار حاکی از آن است که واژگان منفی با ۳۱٫۶٪، بیشترین فراوانی را در میان تکنیک‌های زبانی داشته و بعد از آن به ترتیب ساختار سؤالی با ۲۲٫۴٪، نقل قول با ۱۱٫۲٪، استعاره مفهومی با ۹٫۶٪ و ارجاع و مرور تاریخی با ۳٫۲٪ قرار داشته‌اند و در این میان ۸٫۸٪ اخبار تکرار شده است.

کلیدواژه‌ها: الجزیره نت، برجسته‌سازی، ایران، آمریکا، عراق.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۶

۱. استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
abamin@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
dr.abd.hoseini@khu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
std_zahraIzadi@khu.ac.ir

DOI: 10.22034/IMRL.2024.444653.1229

مقدمه

برجسته‌سازی و اقناع دو مفهوم به هم مرتبط هستند. اقناع مستلزم بروز تغییر در ذهن آدمی، پذیرش خودخواسته و اندیشمندانه و درونی پیام است (ساروخانی، ۱۳۹۲: ۸۰). این پذیرش زمانی صورت می‌گیرد که رسانه با تکنیک‌های خاص، اخبار مدنظر خود را در معرض توجه مخاطبان قرار دهد. شبکه الجزیره هم به‌عنوان یک رسانه سعی در برجسته‌سازی اخبار در جهت اقناع مخاطبان خود دارد. عملکرد این شبکه خبری که مرکز آن در شهر دوحه قطر است (علامه فلسفی، ۱۳۹۷: ۲۱)، با شبکه سی ان ان قابل مقایسه است.

الجزیره واکنش جوامع عربی را درباره اخبار انتقادی متحول ساخته که به اثر الجزیره شناخته می‌شود و مشابه اثر CNN در بین مخاطبان غربی است (Cooper & Momani, 2011). (122) بنابراین پرداختن به موضوع برجسته‌سازی و شیوه‌های آن راهکارهای جدیدی را برای تنظیم اخبار در جهت اقناع مخاطبان پیش روی اصحاب رسانه قرار می‌دهد. الجزیره در بین شبکه‌های عربی، کمترین خطای نوشتاری را در تنظیم اخبار دارد و بررسی شیوه‌های برجسته‌سازی اخبار، علاوه بر بالا بردن سواد رسانه‌ای مخاطب، نمونه‌ای کاربردی را برای دانشجویان ارتباطات و خبرنگاری فراهم می‌سازد. همچنین این بررسی به آشکار کردن راهبرد رسانه‌ای قطر در قبال کشورهای منطقه از جمله ایران و عراق کمک خواهد کرد. یکی از چالش‌های مهم دو کشور ایران و آمریکا بعد از موضوع فناوری هسته‌ای، مربوط به حضور نیروهای نظامی هر دو کشور در عراق است. به نظر می‌رسد این شبکه با بازنمایی عملکرد ایران و آمریکا در عراق بیش از هر چیز از تکنیک‌های زبانی برای برجسته‌سازی در مرحله دوم (چارچوب‌بندی) و سوم (شبکه‌سازی مفهومی) بهره برده تا نگرش مخاطب را در دراز مدت درباره حضور نظامی آمریکا در عراق تحت تأثیر قرار دهد.

در این راستا، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤالات است:

۱. مصادیق برجسته‌سازی در عناوین خبری الجزیره نت کدام است؟
۲. چرا شبکه الجزیره به برجسته‌سازی اخبار مربوط به حضور ایران و آمریکا در عراق پرداخته است؟
۳. شبکه الجزیره از چه شیوه‌های زبانی برای برجسته‌سازی اخبار مذکور استفاده کرده است؟

پیشینه پژوهش

موضوع برجسته‌سازی در رسانه در پژوهش‌های متعدد مورد بررسی واقع شده است که در ادامه به برخی از آنها که بیشترین تناسب را با تحقیق حاضر دارند، اشاره می‌شود.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان	نویسندگان/سال	یافته‌های اصلی
۱	به حاشیه راندن اخبار جنگ روسیه و اوکراین در شبکه الجزیره نت، تحلیل انتقادی گفتمان	رینی غالوه کارتیگا ۲۰۲۳/	مواردی چون محدودیت خدمات عمومی، غصب منابع اقتصادی و محدودیت محاسبه آماری از موضوعاتی است که در اخبار به حاشیه رانده شده است.
۲	نقش تکرار در اغراق معانی و هدایت گیرنده پیام بر اساس نظریه ون دایک؛ مطالعه موردی تحولات فضایی ایران	قاسمی نسب و همکاران ۱۴۰۱/	به تحلیل گفتمان موجود در اخبار مربوط به پیشرفت‌های علمی ایران در زمینه هوافضا در شبکه‌های عربی پرداخته و تکرار کلمات مثبت را در برجسته‌سازی موفقیت ایران به اثبات رسانده‌اند.
۳	نقش واژگان در بزرگنمایی معنا و به حاشیه راندن آن براساس نظریه ون دایک	قاسمی نسب و همکاران ۲۰۲۲/	به بررسی گفتمان‌های موجود در اخبار چهار رسانه عربی زبان از جمله العربیه، الجزیره، المیادین و العالم براساس نظریه ون دایک پرداخته‌اند و عبارات به کار رفته در اخبار حمله به پایگاه عین الاسد را در این شبکه‌ها مقایسه کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش بر نقش کلمات در برجسته‌سازی اخبار صحنه می‌گذارد.
۴	وب سایت‌های الجزیره عربی و الجزیره انگلیسی؛ برجسته‌سازی به عنوان ابزاری برای تجزیه و تحلیل مقایسه ای اخبار آنلاین	محمد ساتی/ ۲۰۲۰	نوع برجسته‌سازی خبر در الجزیره عربی را متفاوت با الجزیره انگلیسی دانسته و علت این امر را در پیش زمینه فکری مخاطبان ارزیابی کرده است.
۵	تأثیر برجسته‌سازی شبکه‌ای رسانه‌ها و ارتباطات بین فردی بر نگرش مردم ایران به	قنبری باغستان و جبارپور/ ۱۴۰۱/	نتایج نشان می‌دهد که نگرش مخاطبان ایرانی نسبت به آمریکا براساس پیش زمینه‌های فکری آنان متغیر است و اغلب آنان به صورت متضاد به رمزگشایی اخبار پرداخته‌اند. همچنین این





ردیف	عنوان	نویسندگان/سال	یافته‌های اصلی
	مردم و دولت آمریکا		پژوهش بر نقش مؤثر مرحله سوم برجسته‌سازی یا شبکه‌سازی مفاهیم تأکید دارد.
۶	نقش ساز و کار برجسته‌سازی در کنترل افکار عمومی اروپا در برابر موج تحریم رژیم صهیونیستی	عقیلی و حاج محمدی/۱۳۹۶	به بررسی تأثیر اقناعی رسانه‌های اروپایی بر کنترل اسرائیل‌ستیزی مردم اروپا در حوزه اقتصاد پرداخته‌اند و برجسته‌سازی اخبار را در جهت انحراف افکار عمومی از شهرک‌سازی صهیونیست‌ها ارزیابی کرده‌اند.
۷	برجسته‌سازی اخبار افغانستان در مطبوعات ایران	مهدی‌زاده و اکبری/۱۳۹۱	این جستار در مطالعات هم‌زمانی، اولویت‌بازنمایی امور نظامی و مسئله جنگ در افغانستان را در روزنامه‌های مذکور آشکار کرده است در حالی که پژوهش در زمانی حاکی از کمرنگ شدن برجسته‌سازی این اخبار از گذشته تاکنون است.
۸	فرآیند برجسته‌سازی در بی‌بی‌سی؛ تحلیل روایت برنامه‌های کوک، صفحه دو، آپارات	سلیمانی ساسانی و همکاران/۱۳۹۱	این مطالعه اخبار را به منزله داستان در نظر گرفته و تکنیک‌های روایی مختلف را در آن بررسی کرده است و عواملی چون تحریف، جابه‌جایی و وارد کردن عناصر خارجی در داستان را در برجسته‌سازی اخبار مؤثر دانسته است.
۹	برجسته‌سازی اخبار انرژی هسته‌ای ایران در بخش فارسی سایت‌های بی‌بی‌سی و صدای آمریکا طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۸۵	رضا قلی‌زاده و گیویان/۱۳۸۹	نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که غنی‌سازی اورانیوم در قالب کاربرد غیرصلح آمیز مطرح شده و وجهه صلح‌آمیز این فرآیند به حاشیه رانده شده است به گونه‌ای که این برجسته‌سازی، به سیاسی‌سازی پرونده هسته‌ای ایران انجامیده و جنبه حقوقی آن را کمرنگ ساخته است.

بنابر آنچه ذکر شد، موضوع پژوهش حاضر تاکنون مورد بررسی واقع نشده است. برجسته‌سازی در تحقیقات ذکر شده از عوامل متعدد همچون سیاست برون‌سازمانی، رسانه و زبان آن و یا مخاطبان رسانه تأثیر پذیرفته است. جستار حاضر نیز با آن دسته از تحقیقاتی که به نقش کلمات و یا تکرار آنها در برجسته‌سازی اخبار توجه داشته، همسو است با این تفاوت که تحقیق حاضر نقش زبان را در برجسته‌سازی اخبار، به مرحله دوم برجسته‌سازی محدود نمی‌کند.



مبانی نظری: نظریه برجسته‌سازی

رسانه‌ها براساس فرهنگ و هنجارهای حاکم بر آن و نیز ارتباطی که با ساخت قدرت دارند با برجسته‌سازی^۱ و چارچوب‌گذاری^۲ اخبار، به بازنمایی رویدادها می‌پردازند (مهدی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۶). به طور کلی برجسته‌سازی در رسانه به معنای جلب توجه مردم و مخاطبان به موضوعات محدود و معین و چشم‌پوشی کردن از دیگر موضوعات است (سولیوان و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۶). نظریه برجسته‌سازی توسط مک کومبز و شاول^۳ مطرح شد که در آن تأثیر رسانه بر درک مخاطبان از واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی و غیره مورد بررسی قرار می‌گیرد. این نظریه در سه سطح به واکاوی شیوه‌های برجسته‌سازی رسانه‌ای می‌پردازد.

در سطح اول تأکید بر آن است که رسانه‌ها ذهن مخاطبان را به سوی چه موضوعاتی هدایت می‌کنند. بررسی آمار تکرار اخبار از ویژگی‌های پژوهش در این مرحله است. در سطح دوم رسانه‌ها چگونه تفکر در مورد موضوعات مطرح شده را به مخاطبان خود القا می‌کنند. به عبارت دیگر، رسانه‌ها موضوعات خاصی را به اولویت فکری مخاطبان خود تبدیل می‌کنند (McCombes & Shaw, 1972: 182) به گونه‌ای که «این موضوعات به مرور زمان در نظر افکار عمومی مهم تلقی می‌شوند» (McCombs, 2004: 4). همچنین در این سطح که مکمل چارچوب‌گذاری است (ترابی اقدم و اخگری، ۱۳۹۷: ۳۵)، ممکن است شیوه‌های زبانی خاص به کار رود و یا از نقل قول افراد معروف و مشهور استفاده شود (سورین و تانکار، ۱۳۹۰: ۳۴۸-۳۴۹). به طوری که چگونه فکر کردن را در مخاطب تحت تأثیر قرار دهد (McCombs & Reynolds, 2002: 7). این کنش مخاطب از طریق ساختارهای شناختی (چارچوب‌ها) امکان پذیر می‌شود به این ترتیب که نحوه ادراک واقعیت را تعیین کرده و به فرد کمک می‌کند تا بتواند دنیای اطراف خود را تفسیر کند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۱: ۸۱).

استفاده از سیاق نقل قول مستقیم، یکی از تکنیک‌های زبانی و یکی از مستدل‌ترین انواع گواه‌نماها^۴ است که بیشتر در متون علمی و خبری و نیز متون مذهبی مشاهده می‌شود. درجه اعتبار و اطمینان نقل قول‌های مستقیم از نقل قول‌های غیرمستقیم و گزارش‌ها بیشتر است؛ زیرا

1. Agenda-Setting

2. Framing

3. Maxwell McCombs & Donald Lewis Shaw

۴. گواه‌نمایی به شیوه رمزگذاری زبان برای مشخص کردن منبع خبر و نیز عملکرد گوینده به منظور صحیح جلوه

دادن سخنان اطلاق می‌شود (امیدواری و گلفام، ۱۳۹۶: ۷۹).

در نقل قول غیرمستقیم گاهی اصل و محتوای کلام از سوی واسطه کلام به درستی برداشت نمی‌شود و سبب عدم تطبیق کامل میان آنچه گفته شده و آنچه گزارش شده، می‌شود. با استفاده از چنین ساخت‌هایی گوینده می‌تواند فاصله خود را از خبری که می‌دهد، حفظ کند و مسئولیتی در قبال صحت آن بر عهده نگیرد (امیدواری و گلغام، ۱۳۹۶: ۹۳-۹۵). علاوه بر این، رسانه‌ها در جایگاه میانجی یا واسطه قرار دارند. آنها می‌توانند در چنین شرایطی رویدادهای دارای گزارش خبری را برحسب عقل سلیم به مخاطبان انتقال دهند. به عبارت دیگر، مشروعیت دادن و بازتولید روابط نامتوازن قدرت به وسیله طرح و ارائه صدای صاحبان قدرت به عنوان صدای عقل سلیم صورت می‌گیرد (فرکلاف، ۱۳۹۹: ۷۴). بنابر آنچه ذکر شد، نقل قول مستقیم می‌تواند راهکاری کاربردی برای ارائه ایدئولوژی رسانه در قالب عقل سلیم باشد.

سطح سوم نظریه برجسته‌سازی که به شبکه‌سازی مفاهیم توجه دارد «به جنبه‌ها یا ویژگی‌های مختلف یک موضوع می‌پردازد» (قنبری باغستان و جبارپور، ۱۴۰۱: ۴۱) به طوری که مخاطبان با ایجاد ارتباط مفهومی میان این شبکه از اطلاعات، به تصویر کلی از موضوع مطرح شده دست می‌یابند. مک کومبز از این تصویر کلی با نام نقشه شناختی یاد می‌کند (McCombs & Gue, 2014: 261). برخی نیز سطح سوم برجسته‌سازی را موضوعی میان رسانه‌ای تلقی می‌کنند که به تأثیر رسانه‌های نوین بر رسانه‌های سنتی می‌پردازد (زائر امیرانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۹). بسیاری از رسانه‌ها با کمک استعاره‌های مفهومی و یا استعاره‌های چندوجهی که ترکیبی از تصاویر و نوشته هستند، به بازنمایی اخبار می‌پردازند که ساختار جملات را نشان‌دار می‌سازد و بر ارزش خبری می‌افزاید. جورج لیکاف و مارک جانسون^۱ در کتاب *استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم*، نقش استعاره در زندگی روزمره را اینگونه توضیح می‌دهند: «اکثر مردم استعاره را صنعتی ادبی می‌دانند که به زبان نامعمول شعر مربوط است. همچنین، استعاره را فقط مختص کلمات و زبان می‌دانند. این درحالی است که استعاره حضوری فراگیر در زندگی روزمره دارد (Lakoff & Johanson, 1980: 3). به این معنا که استعاره مفهومی نه تنها در حیطه مباحث زبانی است، بلکه با حوزه اندیشه نیز در ارتباط است. به عبارت دیگر، استعاره صرفاً ابزاری زبانی برای بیان اندیشه نیست بلکه راهی برای اندیشیدن درباره چیزهاست (راسخ مهند، ۱۳۹۸: ۵۹-۶۰). همچنین، لیکاف و جانسون، بر این باورند که استعاره حیطه عمل را نیز دربرگرفته است. ویژگی دیگر استعاره‌ها کارکرد اشاری آنها است که با مقوله‌بندی خاص، واقعیت را توصیف

1. George Lakoff & Mark Johnson



می‌کند. امروزه، دانشمندان علوم ارتباطات دریافته‌اند که استعاره نقش تعیین کننده‌ای در بسیاری از رفتارهای نمادین دارد (آسابرگر، ۱۳۹۸: ۵۶). همچنین استعاره به دلیل توانایی زیادی که در برانگیختن احساسات دارد، در تحقق هدف اصلی گوینده برای اقناع شنونده بسیار مؤثر است (چارتریس بلک، ۱۳۹۸: ۲۰).

لیکاف و جانسون، استعاره‌های مفهومی را به سه دسته اصلی ساختاری، جهت‌یابانه و وجودی تقسیم می‌کنند. در استعاره ساختاری، یک مفهوم بر اساس مفهوم دیگر ساختار می‌یابد. استعاره جهت‌یابانه به کمک جهات فیزیکی فهمیده می‌شوند. به این دلیل به آنها استعاره‌های جهتی نیز می‌گویند که با تجربه بدنی انسان ارتباط دارد البته گزینش یک جهت خاص در فرهنگ انسان ریشه دارد (قائمی‌نیا، ۱۴۰۱: ۷۱). نوع سوم از استعاره‌های مفهومی، استعاره وجودی نام دارد که در این استعاره یک شیء به عنوان یک شخص لحاظ می‌شود. این امر این امکان را ایجاد می‌کند که تعداد زیادی از هویت‌های غیربشری در قالب انگیزه‌ها، اوصاف و فعالیت‌های بشری شناخته شوند. گاهی استعاره وجودی به شکل شخصیت‌بخشی نگاشت می‌شود. الجزیره با شخصیت‌بخشی به کشورها یا سازمان‌ها، از ویژگی‌های بدنمند ساختن آن برای استخدام استعاره وجودی بهره برده است. به کار بردن تمام عباراتی که به نوعی به افعال انسانی شبیه هستند، از ایران، آمریکا، عراق و بقیه کشورها استعاره وجودی می‌سازد. این موضوع درباره مفاهیم انتزاعی نیز صادق است.

روش پژوهش

برای پاسخ به سؤالات تحقیق حاضر، از روش تحلیل محتوای ترکیبی استفاده شده است؛ زیرا از یکسو پاسخ به سؤال اول که با مرحله اول برجسته‌سازی ارتباط دارد، نیازمند روش تحلیل محتوای کمی است و از سوی دیگر، ماهیت سؤال دوم و سوم تحقیق که چرایی و چگونگی برجسته‌سازی را مورد پرسش قرار داده‌اند، پژوهش را به سمت تحلیل محتوای کیفی سوق می‌دهد. بر این اساس، تحقیق از دو بخش کمی و کیفی تشکیل شده است. بخش اول به اولویت‌های خبری شبکه الجزیره اختصاص داشت که با محاسبه میزان فراوانی اخبار در بازه زمانی ۵ سال (۲۰۱۹-۲۰۲۳) و با روش کمی بررسی شد. به این منظور ۵۰۰ خبر (۱۰۰ خبر از هر سال) به صورت تصادفی انتخاب شدند که با محاسبه آمار آنها، اخبار برجسته‌سازی شده بر اساس معیار تکرار در این مدت مشخص شدند. طبق جدول ۲، نتایج نشان داد که سه موضوع کلی

بیشتر از بقیه در این مدت پوشش داده شده‌اند. این سه موضوع عبارتند از: درگیری‌های میان نیروهای شیعه، فساد اقتصادی و حضور نیروهای ایرانی و آمریکایی در عراق از آن جمله هستند. از آنجا که مجال بررسی هر سه موضوع میسر نیست، تحقیق حاضر در ادامه، موضوع ایران و آمریکا را با حجم نمونه ۱۰۰ خبر، برای بررسی انتخاب کرد تا بررسی مرحله دوم و سوم برجسته‌سازی بر روی این تعداد متمرکز شود. این حجم نمونه حاصل تمام شماری اخبار مربوط به حوزه مذکور در بازه زمانی مورد پژوهش است و بررسی آن بر اساس روش تحقیق کیفی طراحی شده است؛ زیرا «سوالات کیفی مجموعه‌ای از رویه‌های تفسیری و مادی است که جهان مادی را مرئی و آشکار می‌سازد» (فریمن، ۱۴۰۰: ۲۷) و بر مشخصات زبان به منزله وسیله ارتباطی برای به دست آوردن معنا و محتوای متن تأکید می‌کند (سرافینلی، ۱۳۹۹: ۹۸). این امر تحلیل را واجد مراحل می‌سازد که آشنایی با داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه، جستجوی مضمون‌ها، بازبینی مضمون‌ها، تعریف و نامگذاری مضمون‌ها و تهیه گزارش از مراحل آن به شمار می‌رود (Braun & Clarke, 2006: 16-23). پس از آن برای کدگذاری باز، محوری و انتخابی اخبار اقدام شد. لازم به ذکر است واحد تحلیل در این پژوهش مضمون یا مفهوم و واحد زمینه شامل یک خبر کامل به همراه عناوین اصلی و فرعی، لید و متن خبر است. همچنین در پژوهش حاضر در جهت تأمین اعتبار یا روایی، پژوهشگران با بررسی داده‌ها در فواصل زمانی متفاوت و بازبینی نتایج، سعی در بالا بردن فاکتور دقت در پردازش داده‌ها و افزایش اعتماد و اعتبار آن داشته‌اند. علاوه بر این، از روش توافق درون موضوعی نیز برای محاسبه پایایی کدگذاری‌ها استفاده شده است که درصد آن از حاصل تقسیم تعداد کدها بر تعداد توافق حاصل از مقایسه کدگذاری دو پژوهشگر به دست می‌آید و با فرمول زیر محاسبه می‌شود:

درصد توافق درون موضوعی = تعداد توافق ÷ تعداد کل کدها

$$100 \div 86 \cong 1/16\%$$

از آنجایی که درصد به دست آمده از ۰/۶ بیشتر است، پس تحقیق از پایایی بالایی برخوردار است.

۳. یافته‌های تحقیق

۳-۱. سطح اول برجسته‌سازی

سطح اول برجسته‌سازی با بررسی تکرار اخبار در بازه زمانی خاص معنا می‌یابد. بنابراین برای پاسخ به پرسش اول تحقیق که ناظر به سطح اول برجسته‌سازی است، باید مصادیق برجسته‌سازی در الجزیره شناسائی شوند. بدین منظور ۵۰۰ خبر از الجزیره نت در بازه زمانی ۵



ساله (۲۰۱۹-۲۰۲۳) به طور تصادفی انتخاب شد و میزان تکرار در آنها محاسبه شد که نتایج آن در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۲. اخبار برجسته‌سازی شده در شبکه الجزیره در بازه زمانی (۲۰۱۹-۲۰۲۳)

ردیف	موضوع خبر	فراوانی	درصد
۱	حضور ایران و آمریکا در خاک عراق	۱۰۰	۲۰٪
۲	درگیری‌های گروه‌های سیاسی	۱۶۰	۳۲٪
۳	فساد اقتصادی	۸۷	۱۷,۴٪
۴	سایر	۱۵۳	۳۰,۶٪
۵	مجموع	۵۰۰	۱۰۰٪

آمار نشان می‌دهد از ۵۰۰ خبرمنتخب این شبکه (۱۰۰ خبر برای هر سال)، ۲۰٪ به اخبار حضور ایران و آمریکا در عراق مربوط بوده است. بنابراین موضوع مذکور در کنار اخبار مربوط به فساد اقتصادی و درگیری گروه‌های سیاسی، بازنمایی وسیعی در اخبار الجزیره داشته است. بر این اساس، با بررسی میزان تکرار اخبار، سؤال اول پژوهش که در مورد مصادیق برجسته‌سازی بود پاسخ داده می‌شود.

۲-۳. سطح دوم برجسته‌سازی

سطح دوم برجسته‌سازی چگونگی تفکر در مورد موضوعات مطرح شده در سطح اول را به مخاطبان خود القا می‌کند. برای بررسی این سطح، از میان اخبار جدول ۱، اخبار حضور نیروهای ایران و آمریکا در عراق انتخاب شد و کدگذاری عناوین اخبار با حجم نمونه ۱۰۰ خبر صورت گرفت. در ادامه پس از کدگذاری باز اخبار مربوط به حضور ایران و آمریکا در عراق، کدهای محوری اخبار توضیح داده می‌شود.

جدول ۳. نمونه‌های منتخب کدگذاری اخبار مربوط به حضور ایران و آمریکا در عراق

کد انتخابی: توجیه حضور نظامی آمریکا در عراق		
کدگذاری محوری	کدگذاری باز	ردیف
تأثیرات حضور همزمان ایران و آمریکا	تهدید آمریکا توسط ایران منافع آمریکا در عراق در تیررس ایران قرار دارد.	۱
	هدف قرار گرفتن عین الاسد سپاه پاسداران جزئیات حمله به «عین الاسد» را فاش کرد و به اقدامات پیش رو اشاره کرد.	۲
	هدف قرار گرفتن الحشد الشعبی درگیری بر سر کشته شدن یک رهبر دیگر... حمله جدید آمریکایی‌ها به نیروهای الحشد الشعبی در عراق.	۳
	تهدید ایران توسط آمریکا واشنگتن تهدید می‌کند که حملات پیشگیرانه را علیه گروه‌های عراقی وفادار به ایران انجام خواهد داد.	۴
تأثیرات حضور ایران	ایران تنها برنده در خاک عراق گزارش تکان دهنده ارتش آمریکا: ایران تنها برنده حمله به عراق است.	۵
	ایران و دخالت مذهبی در عراق نجف... مقصد ایران برای گسترش نفوذ مذهبی خود در عراق	۶
	تعیین تکلیف برای عراق خامنه‌ای از عراق می‌خواهد که سریعاً نیروهای آمریکایی را خارج کند.	۷
	ایران عامل در دسر عراق پس از ترور (سردار) سلیمانی... عراق در لبه پرتگاه قرار گرفته است.	۸
	عراق بازیچه دست ایران نشال اینترست: سلیمانی مسئول امور عراق بود، نه آمریکا.	۹
	تشدید درگیری‌های درون شیعه جنجال و اختلاف عراق بر سر کشته شدن المهندس و سلیمانی.	۱۰
	ایران عامل قطع گاز عراق احزاب عراق برای مقابله با مشکل قطعی برق خواستار پرداخت عوارض گاز به تهران هستند.	۱۱
	رابطه ایران و الحشد الشعبی پس از حملات اخیر علیه نیروهای الحشد الشعبی، عراق بین دو تحصن قرار گرفته است.	۱۲



کد انتخابی: توجیه حضور نظامی آمریکا در عراق		
ردیف	کدگذاری باز	کدگذاری محوری
۱۳	ضرر عدم حضور آمریکا گزارش آمریکایی: خروج نیروهای خارجی به عراق آسیب خواهد رساند.	تأثیرات حضور آمریکا
۱۴	تصمیمات منطقی آمریکا با وجود تحریم ها، آمریکا بار دیگر به عراق اجازه خرید برق از ایران را داد.	
۱۵	حضور مفید آمریکا در اقتصاد عراق واشنگتن متعهد شد از پروژه اتصال برق بین عراق و کشورهای خلیج فارس حمایت کند.	
۱۶	احترام به دموکراسی و توافق متقابل از سوی آمریکایی ها مفاد توافقنامه امنیتی عراق و آمریکا.	
۱۷	اقدام آمریکا در جهت سود مردم عراق آمریکا به عراق اجازه می دهد هزینه برق ایران را از طریق بانک های غیر عراقی پرداخت کند.	
۱۸	تبعات عدم حضور آمریکا در اقتصاد عراق مقاله ای در نیویورک تایمز: این وضعیت عراق ۲۰ سال پس از حمله آمریکاست.	
۱۹	ضررهای جنگ عراق برای آمریکا جنگ عراق برای آمریکا بدتر از جنگ ویتنام است.	
۲۰	وعده حمایت اقتصادی آمریکا تماس تلفنی بین بایدن و السودانی و حمایت از اقتصاد عراق در رأس موضوعات قرار دارد.	

جدول شماره ۲ در برگزیده نمونه اخبار مربوط به حضور ایران و آمریکا در عراق است که از بررسی ۱۰۰ نمونه مربوط به این موضوع به دست آمده است. محتوای کدهای باز پس از تحلیل، به ۳ کدمحوری تقلیل می‌یابد. این کدهای محوری عبارتند از: تأثیر حضور هر دو کشور در عراق، تأثیر حضور ایران و تأثیر حضور آمریکا. کد اول این مطلب را خاطر نشان می‌سازد که حضور همزمان ایران و آمریکا در عراق همواره برای این کشور دردسرساز بوده و در نهایت باید توجیهی برای حضور آنها وجود داشته باشد. از آنجا که ایجاد دوگانه‌های متضاد یکی از راه‌های تولید معنا است، پرداختن به نتایج حضور و فعالیت این دو کشور راهبرد مناسبی برای الجزیره نت برای پیشبرد اهداف خود در عراق و منطقه محسوب می‌شود. یکی از موضوعاتی که خصومت و

تضاد این دو کشور را به حداکثر رساند، ترور سردار سلیمانی بود که الجزیره در عناوین زیر به بازنمایی آنها پرداخت:

«واشنگتن تهدید می‌کند که حملات پیشگیرانه را علیه گروه‌های عراقی وفادار به ایران انجام خواهد داد» (الجزیره نت، ۲۰۲۰/۱/۲).

«انتقام ایران به خاطر سلیمانی... تهران از کشته شدن ۸۰ سرباز آمریکایی می‌گوید و ۱۰۰ هدف را در منطقه برای حمله زیرنظر دارد» (الجزیره نت، ۲۰۲۰/۱/۸).

کد دوم که نمایانگر حضور دردرساز ایران برای عراق است، از جمع‌بندی اخباری که نمونه‌هایی از آن در ادامه ذکر می‌شود به دست آمده است. به عنوان مثال به نظر می‌رسد الجزیره در خبری که از دیدار روحانی و مسئولان عراقی در تاریخ ۳/۱۲/۲۰۱۹ منتشر ساخت، درصدد بازنمایی نگاه منفعت‌طلبانه ایران به عراق است. زمانی که این خبر با عنوان «روحانی در بغداد: مقابله با تحریم‌های آمریکا اولویت اصلی است»، در کنار خبری که درباره مکالمه سیاستمداران آمریکایی با مسئولان عراق قرار می‌گیرد، عمق بیشتری پیدا می‌کند. الجزیره در تاریخ ۲۰۲۳/۲/۳ خبری با این عنوان منتشر کرد: «تماس تلفنی بین بایدن و السودانی .. حمایت از اقتصاد عراق در رأس موضوعات قرار دارد». در این خبر دغدغه اصلی آمریکایی‌ها حل مشکلات عراق عنوان شده است.

کد سوم نشان دهنده حضور مفید آمریکا برای عراق است و از جمع‌بندی عناوین خبری در موضوعات متنوع سیاسی و اقتصادی و غیره بدست آمده است. بخش نیرو از جمله برق و گاز یکی از حوزه‌هایی است که این شبکه به آن توجه داشته و به بازنمایی مواضع ایران و آمریکا در قبال آن پرداخته است. در ادامه دو خبر بررسی خواهد شد که موضع ایران و آمریکا را در حوزه انرژی در عراق بازنمایی می‌کنند.

- «احزاب عراقی برای مقابله با مشکل قطعی برق خواستار پرداخت عوارض گاز به تهران هستند» (الجزیره نت، ۲۰۲۳/۷/۹).

- «با وجود تحریم‌ها، آمریکا باردیگر به عراق اجازه خرید برق از ایران را داد» (الجزیره نت، ۲۰۲۳/۱۱/۱۵).

مقایسه این دو خبر چهره‌ای منفی از ایران به نمایش می‌گذارد در حالی که مواضع آمریکا را جوانمردانه و منطقی منعکس می‌کند. به عبارت دیگر آمریکا را ناجی عراق در مقابل دردرسهای ایجاد شده از سوی ایران برای عراق جلوه می‌دهد. البته گاه این شبکه به صراحت حضور آمریکا



را برای عراق مفید معرفی کرده است. مثلاً در عنوان خبری «گزارش آمریکایی: خروج نیروهای خارجی به عراق آسیب خواهد رساند» (الجزیره نت، ۲۰۱۹/۲/۲۳)، به ضرورت وجود آمریکائی‌ها اشاره کرده است.

کدگذاری اخبار الجزیره نشان می‌دهد که این شبکه به خوبی از روابط دو کشور متخصص ایران و آمریکا و تداخل منافع آنها در عراق در ایجاد جریان‌سازی و تولید بحران بهره برده است. بحران‌سازی رسانه‌ای یک واقعیت رسانه‌ای است که می‌تواند ریشه در واقعیت خارجی داشته باشد و یا یک ایده ذهنی و جعلی باشد (بشیر، ۱۳۹۰: ۱۴۴). بحران از هیچ آغاز نمی‌شود و در نوعی از عدم تعادل در سیستم‌های جامعه اعم از حکومتی و غیرحکومتی ریشه دارد (بشیر، ۱۳۹۰: ۱۴۳). این راهبرد در شبکه الجزیره نیز دنبال می‌شود. بازنمایی عدم امنیت در عراق، مسئله حضور نیروهایی که ضامن امنیت هستند را ضروری ساخته است. این توجیه در حالی صورت می‌گیرد که همزمان نیروهای ایران در دسرساز و نیروهای آمریکایی برطرف کننده در دسر معرفی شوند. بدین ترتیب سؤال دوم پژوهش که چرایی و علت برجسته‌سازی را مورد پرسش قرار داده بود، پاسخ داده شد. علاوه بر این، ایجاد چنین چارچوبی با کمک ادبیات خاص صورت گرفته است. به عبارت دیگر، سطح دوم برجسته‌سازی که مکمل چارچوب‌گذاری است، ممکن است شیوه‌های زبانی خاص را به کارگیرد و یا از نقل قول افراد معروف و مشهور استفاده کند (سورین و تانکار، ۱۳۹۰: ۳۴۸-۳۴۹). در ادامه به برخی از این روش‌ها اشاره می‌شود.

۱-۲-۳. واژگان منفی

تلاش برای جهت‌دهی نگرش مخاطب به جنبه‌های خاص از یک موضوع و پنهان کردن جنبه‌های دیگر آن از کوچکترین واحدهای کلام یعنی واژگان آغاز می‌شود. توجه به واژه‌هایی که بر اوضاع نامناسب و بحرانی دلالت دارند، می‌تواند قسمتی از تلاش‌های الجزیره نت را در بازنمایی ناامنی عراق نشان دهد. استخدام کلماتی چون «آزمه -الدمار-التصعید-صراع-العقوبات-دمار و قتل- خلاف- الإرهاب-اغتيال-الإشتباک- الحرب-تحدیات-جدل-انشقاق-نزاعات-السلبیات-العنف-تدمیر -اعتصام-معضله-اشکالات- ترهیب-تهدید و غیره»^۱، در سطح واژگان می‌تواند زمینه را برای گسترش اخبار بحران آفرین فراهم سازد. به عنوان مثال این شبکه در

۱. بحران - تخریب - تشدید - درگیری - تحریم - ویرانی و مرگ - اختلاف - ترور/بسم - ترور - درگیری - جنگ - چالش‌ها - جنجال - تفرقه - اختلاف - منفی - خشونت - تخریب - تحسن - معضل - مشکلات - ارعاب - تهدید و غیره.

عنوان خبری «شبه نظامیان طرفدار ایران عراق را به وسیله آمریکا به سختی می‌اندازند» (الجزیره نت، ۲۰۱۹/۵/۸)، به ایجاد مزاحمت نیروهای ایرانی در عراق اشاره دارد و یا با عنوان «تشدید تنش پس از سلیمانی... عرب‌های غایب بازنده هستند!» (الجزیره نت، ۲۰۲۰/۱/۸)، تهدید ایران را برای جهان عرب گوشزد می‌کند.

۲-۳. سیاق نقل قول

بسیاری از اخبار الجزیره درباره عراق، در قالب نقل قول‌های مستقیم و غیرمستقیم از افراد صاحب منصب و مسئولان عراقی در موضوعات مختلف بازگو شده‌اند. این درحالی است که نقل قول کارشناسان و مقامات سیاسی خارجی نیز به فراوانی در قسمت‌های مختلف واحد زمینه که شامل عنوان اصلی یا متن است، وجود دارد. حتی بسیاری از تصاویر خبری و عکس‌نوشته‌های مربوط به آن، از یک خبرگزاری خارجی نقل شده است. به طوری که می‌توان نام‌های مشهوری چون آسوشیتدپرس، آناتولی، فرانسه، رویترز و غیره را در میان آنها مشاهده کرد. نکته جالب، وجود اخباری است که به طور کامل از یک گزارش و یا مصاحبه یا متن قرارداد خارجی نقل قول شده است. ذکر نقل قول در عنوان خبری به نوعی نشان‌دار کردن آن محسوب می‌شود و به معنای بار ایدئولوژیک آن است. می‌توان گفت، ذکر نقل قول‌های متعدد علاوه بر مستندسازی و گواه‌نمایی رسانه، نوعی خاصیت پنهان‌سازی را در بطن خود دارد؛ یعنی استفاده از ساختار نقل قول به شکل‌های مختلف و یا ذکر نام خبرگزاری‌های بزرگ دنیا، یکی از شگردهای الجزیره برای بازنمایی مسائلی است که خود نمی‌خواهد مسئولیت انتشار آنها را بپذیرد. این تکنیک رسانه‌ای برای مفصل‌بندی مفاهیم به ظاهر بی‌طرفانه و جهت‌دهی به آنها برای اقناع و خوانش معطوف به سلطه در مخاطبان به کارگرفته شده است. بر این اساس، الجزیره مسائل مربوط به ایران یا آمریکا را در قالب نقل قول از افراد مهم یا خبرگزاری‌های بزرگ آورده است تا علاوه بر اعتباربخشی به خبر خود با اعلام بی‌طرفی، مسئولیت اخبار مذکور را متوجه منبع خبری دیگر سازد؛ به عنوان مثال الجزیره در تاریخ ۲۰۲۱/۷/۱۴ به نقل از رویترز آورده است: «یک هیئت ایرانی از گروه‌های مسلح خواست تا از نیروهای آمریکایی انتقام بگیرند» و یا در تاریخ ۲۰۲۱/۱۱/۳ به نقل از فارین پالیسی^۱ مجله نام‌آشنای آمریکایی در حوزه روابط بین‌الملل آورده است که: «عراقی‌ها به دور از نفوذ تهران و واشنگتن و «شبه نظامیان سایه» خواهان کشوری



قدرتمند هستند». این خبر چندین معنی را در بردارد. اول آنکه به نفوذ ایران و آمریکا در عراق اشاره کرده و عراق را تحت سلطه آنان معرفی کرده است و از سوی دیگر ایران و آمریکا را مسبب عملکرد ضعیف دولت عراق دانسته است و در نهایت الجزیره با نقل قول این خبر از یک مجله آمریکایی دو هدف را دنبال کرده است اول اینکه خود را از صحنه اتهام خارج ساخته و دوم اینکه چهره آمریکایی‌ها را بهتر از ایرانی‌ها به تصویر کشیده است؛ زیرا انتقاد یک مجله آمریکایی از کشور خود، نشان دهنده آزادی بیان و روح حق طلبی در آن کشور است.

۳-۲-۳. ساختار سؤالی

یکی از ساختارهای نشاندار که الجزیره به آن در اخبار خود توجه داشته، ساختار سؤالی عناوین اصلی است. این شبکه در بازنمایی موضوعات مختلف از این ساختار بهره برده و همواره در پی درگیر کردن مخاطب و جذب او برای پیگیری محتوای خبری بوده است. این شبکه در تاریخ ۲۰۲۰/۱/۲۲ خبری را با عنوان «میان ایران و آمریکا.. چرا عراق از بحران‌های سیاسی خود خارج نمی شود؟» منتشر ساخته است. به نظر می‌رسد الجزیره با این عنوان و شکل سؤالی آن درصدد بی طرف نشان دادن خود در مقام یک تحلیل گر است. اما عناوین فرعی این خبر مانند عبارت «دلایل کاهش نفوذ ایران در عراق» (همان)، بردست داشتن ایران در ایجاد بحران‌های داخلی عراق و عدم محبوبیت ایران دلالت می‌کند. همچنین یکی از مزیت‌های ساختار سؤالی وسعت بخشیدن به گزینه‌های احتمالی برای وقوع حوادث از طریق به کارگیری نیروی خیال خوانندگان و دانش زمینه‌ای آنها است. مثلاً این شبکه در خبری با عنوان «ایران در انتقام سلیمانی چگونه و از کجا به منافع آمریکا ضربه خواهد زد؟» (الجزیره نت، ۲۰۲۰/۱/۴) در پی درگیر کردن حس تخیل مخاطبان در خلق احتمالات مختلف برای این موضوع بوده است.

۳-۳. سطح سوم برجسته‌سازی

سطح سوم برجسته‌سازی یا شبکه‌سازی مفاهیم، با ایجاد ارتباط مفهومی میان اطلاعات، به تصویرکلی از موضوع مطرح شده می‌انجامد. مک کومبز از این تصویر کلی با نام نقشه شناختی یاد می‌کند (McCombs & Gue, 2014: 261). شبکه‌سازی با کمک بافت خبر و ایجاد ارتباط میان مفاهیم صورت می‌گیرد. اکثر جملات به نوعی ساخت‌های ایدئولوژیک هستند. حتی بیشتر ساخت‌های نحوی بی‌نشان نیز که در مرحله توصیف زبانی و کنش بیانی و معناشناختی ایدئولوژیک نیستند، در مرحله تفسیر و تحلیل و هنگام قرارگرفتن در بافت، ایدئولوژیک می‌شوند.

ساخت‌های ایدئولوژیک به لحاظ معناشناسی از طریق حذف و اظهار، ترادف، هم‌آوایی، هم‌نویسی و تضاد، استعاره، مجاز و فنون بلاغت معنایی، به‌دنبال فعال کردن دانش پیش‌زمینه‌ای خاصی در ذهن خواننده یا شنونده هستند و این کار را با کمک استعاره‌های ذهنی، طرحواره‌ها و قالب‌های ذهنی انجام می‌دهند و معنای خاصی را تداعی و یا ایجاد می‌کنند (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۹۸). مطابق این دیدگاه، نویسنده یا گوینده می‌تواند به طور تلویحی و غیرمستقیم ذهن خواننده را چنان هدایت و مدیریت کند که به سوی معنا و پیام نانوشته مورد نظر سوق دهد. یکی از کاربردهای استعاره مفهومی، ایجاد معانی جدید از طریق برقراری ارتباط میان حوزه مفهومی مبدأ و مقصد است. به عبارتی قدرت استعاره‌ها را باید در این نکته دانست که مقوله‌بندی و توصیفی جدیدی از واقعیت را ارائه می‌دهند (قائمی‌نیا، ۱۳۹۹: ۱۷۵). این ویژگی استعاره‌های مفهومی، کاربرد آنها را در تولید و انتشار اخبار در رسانه‌ها فراگیر ساخته است.

۱-۳-۳. استعاره مفهومی

بررسی‌ها نشان می‌دهد که رسانه الجزیره در موضوعات مختلف خبری از استعاره‌های مفهومی با حوزه خاص استفاده کرده است. به عنوان مثال بیشترین استعاره مفهومی در اخبار سیاسی مشاهده می‌شود که در اخبار مربوط به ایران و آمریکا نیز حضور دارند. این استعاره‌ها با توجه به سختی و نرمی خبرها، حوزه مفهومی جنگ و نزاع و یا بازی را مورد توجه قرار داده‌اند و مفاهیمی چون هدف‌گیری، برد و باخت، آتش‌افروزی و سقوط را منتقل می‌کنند.

استعاره ساختاری در اخبار سیاسی الجزیره به فراوانی یافت می‌شود. به عنوان مثال، الجزیره درباره درگیری منافع ایران و آمریکا در عراق در تیتراژ اصلی خود عبارت «منافع آمریکا در عراق در تیررس هدف ایران» را درج کرده است (الجزیره نت، ۲۰۱۹/۵/۹). واژه هدف‌گیری، سیاست را به مانند ورزش تیراندازی و فعالان این حوزه را بسان بازیگرانی مفهوم‌سازی کرده است که به طور مستمر در حال رقابت هستند. بدیهی است با این دیدگاه، نتیجه بازی می‌تواند برد یا باخت باشد. مشابه این مفهوم‌سازی در تیتراژ دیگری از الجزیره در تاریخ ۲۰۱۹/۱/۳۱ آمده است. جمله «ایران تنها برنده حمله به عراق است»، به نگاهی استعاره در حوزه معنایی بازی مرتبط است. همچنین در عنوانی که در تاریخ ۲۰۲۰/۹/۱۴ منتشر شده، علاوه بر برجسته‌سازی اختلاف‌های داخلی شیعیان، مخاطب را درگیر این پرسش می‌سازد که «برای چه ممکن است که ایران بازنده حقیقی درگیری شیعه در عراق باشد؟». بدین ترتیب استعاره ساختاری (سیاست بازی است) مفهوم‌سازی می‌شود. این استعاره بیشتر برای برانگیختن احساسات ملی عراقی‌ها برضد همسایه



خود، ایران به کار رفته است و با بازیچه نشان دادن عراق، این کشور را محل نزاع دیگر کشورها دانسته است. لازم به ذکر است که استعاره‌های مربوط به سیاست تنها به موارد ذکر شده محدود نمی‌شوند. الجزیره در خبری دیگر، استعاره (سیاست معامله است) را به کار برده است. این خبر در تاریخ ۲۰۲۰/۱/۱ و با این عنوان ذکر شده است: «الحشدالشعبی محاصره سفارت آمریکا در ایران را یادآوری کرد. واشنگتن تهران را به پرداخت بهای آن و ارسال نیروهای کمکی نظامی تهدید کرد». در این خبر، پرداختن بها و پول، سیاست را در حوزه معنایی معامله نگاشت می‌کند. علاوه بر این، معانی دیگری را نیز به مخاطب القا می‌کند. به عنوان مثال با ذکر جمله‌ای از الحشد الشعبی، به دخالت ایران در امور عراق اشاره کرده و وابستگی الحشدالشعبی به ایران را برجسته ساخته است.

الجزیره در بسیاری از اخبار خود استعاره‌های جهتی را نیز به کار گرفته است و کشورها را همچون مکانی مجسم کرده است که واجد ویژگی‌های مکانمندی مانند جهت و یا اجزا هستند. به عنوان مثال این شبکه در تاریخ ۲۰۲۰/۱/۳ وضعیت عراق را بعد از ترور سردار سلیمانی اینگونه توصیف کرده است: «پس از ترور سلیمانی، عراق در لبه پرتگاه قرار گرفته است». هابویه در لغت به معنای حفره عمیق و همچنین یکی از نام‌های جهنم است که در قرآن نیز آمده است. این تیتر خبری، استعاره جهتی را در بردارد که مسیر حرکت عراق را از بالا به پایین ترسیم می‌کند. نگاشت این استعاره به این صورت است که عراق همچون فردی که در جای بلندی قرار دارد، بعد از یک حادثه که در اینجا ترور یکی از سرداران بزرگ ایرانی است، در حال افتادن در پرتگاه است. اگرچه حقیقت این است که آمریکائی‌ها مسبب این ترور بوده و مسئولیت آن را نیز به عهده گرفته‌اند، اما این عنوان خبری، در پی القا این معنا است که حضور ایران در عراق، علت سقوط این کشور به وضعیت جهنمی است.

استعاره‌های وجودی نیز در اخبار الجزیره قابل مشاهده هستند. به عنوان مثال این شبکه در خبری با عنوان «نشنال اینترست: سلیمانی زمام امور عراق را به دست گرفته بود نه آمریکا» (الجزیره نت، ۲۰۲۰/۱/۴)، علاوه بر استفاده از سیاق نقل قول، با نسبت دادن صفات انسانی به دو کشور آمریکا و عراق در قالب استعاره مفهومی وجودی، سعی در اقناع مخاطب داشته است. مزیت دیگر استعاره پنهان‌سازی نیت گوینده است. استعاره نه تنها گزاره‌ها را از گفتمان مستقیم پنهان می‌کند، بلکه دو معنا به همراه دارد که اولاً گوینده را نمی‌توان مسئول پیام دانست. ثانیاً در اینجا پیامی در حال انتقال است که نمی‌توان به طور صریح و روشن درباره آن بحث کرد

(Cameron & Low, 1999: 86). بنابراین شبکه الجزیره با به کار بردن استعاره‌های مفهومی، مخاطب را به کنشگری و اقناع درباره گفتمان پنهان شده در اخبار دعوت می‌کند.

۲-۳-۳. ارجاع و مرور تاریخی

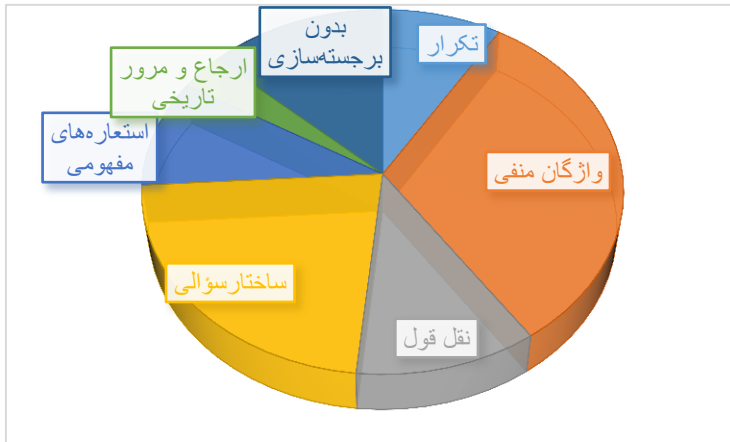
رسانه با یادآوری تاریخ و پیشینه یک ملت و برقراری ارتباط بین اخبار مختلف، این قابلیت را دارد که حافظه تاریخی را با اخبار گذشته و زمان حاضر درگیر کند و بر ساخت معانی جدید اقدام کند. بنابراین، اخبار الجزیره درباره عراق با تاریخ سیاسی این کشور ارتباط برقرار می‌کند و زمینه آشکار ساختن هژمونی پنهان در این اخبار را فراهم می‌سازد. ترومای جنگ یکی از مواردی است که الجزیره از آن برای برقراری رابطه میان اخبار کنونی شبکه و اطلاعاتی که قبلاً ارائه نموده، استفاده کرده است. اشاره به حمله نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ در ناخودآگاه هر عراقی یکی از بدترین خاطرات به شمار می‌رود. بنابراین، الجزیره با عبارت (الغزو الأمريكية) یعنی حمله آمریکایی‌ها و یا عبارات مشابهی که به این تاریخ بازمی‌گردد، به طور مستمر آن را یادآوری می‌کند. این شبکه در مسائل مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره با ذکر حمله آمریکایی‌ها، به نوعی مبتکر مبدأ تاریخی نوینی در بازنمایی اخبار عراق است. همچنین، این شبکه از این اصطلاح برای بازنمایی حضور نیروهای ایران و آمریکا در عراق نیز بهره برده است. الجزیره در خبری با عنوان «۲۰ سال از حمله آمریکا به عراق... چگونه سرزمین‌های این کشور به عرصه درگیری واشنگتن و تهران تبدیل شد؟» (الجزیره نت، ۲۰۲۳/۳/۲۰)، با اشاره به حمله آمریکا به عراق به بررسی حضور نیروهای آمریکایی و ایرانی در عراق پرداخته است. این یادآوری تاریخی در خبری دیگر از این شبکه با عنوان «گاه شماری از حضور نیروهای آمریکایی در عراق از سال ۲۰۰۳» (همان) تکرار شده که نشان از نوعی سبک خبرنگاری دارد. همانطور که ذکر شد، الجزیره با استفاده از استعاره‌های مفهومی از یک سو در پی تصویرسازی از حضور نیروهای ایرانی و آمریکایی در عراق برای مخاطبان داشته و از سوی دیگر با ارجاع تاریخی رابطه‌ای شبکه‌گون را در میان اخبار خود ایجاد کرده است. به طور کلی، این شبکه هر سه سطح برجسته‌سازی یعنی تکرار، چارچوب‌بندی و شبکه‌سازی مفاهیم را در خدمت ایجاد تصویر یک کشور بحران‌زده درآورده است. کشوری که نیروهای ایرانی و آمریکایی در آن حضور فعال دارند و همواره لازم است نیروهای بین‌المللی از جمله آمریکایی‌ها در آن حاضر باشند تا از بروز یک بحران منطقه‌ای و جهانی پیشگیری کنند. همچنین الجزیره با مرور تاریخی اخبار در جهت ایجاد شبکه معنایی در ذهن مخاطب اقدام کرده است. به عنوان مثال الجزیره در تاریخ ۲۰۲۰/۱/۴



مقاله‌ای مروری را منتشر ساخت که به طور مفصل به تاریخچه روابط ایران و آمریکا پرداخته است. به نظر می‌رسد محتوای این مقاله با عنوان «روابط ایران و آمریکا از کودتای ۱۹۵۳ تا کشته شدن سلیمانی»، نوعی جمع‌بندی مطالب مربوط به مناسبات بین این دو کشور باشد. همچنین در تاریخ ۲۰۲۰/۱/۲۲ مقاله‌ای با عنوان «۴۰ سال درگیری .. رابطه ایران و آمریکا در عرصه عراق» در این شبکه منتشر شد و این ادعا را مطرح ساخته که عراق میدان جنگی برای تسویه حساب‌های میان ایران و آمریکا محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد الجزیره با این سبک مقالات، نوعی سفر در زمان در بین اخبار خود داشته است که در جهت‌دهی افکار عمومی درباره آنچه در آینده درباره عراق در این شبکه بازنمایی خواهد شد، تأثیرگذار است. پیروی از الگوی مرور تصویری اخبار نیز در شبکه الجزیره دنبال می‌شود. به عنوان مثال، این شبکه در تاریخ ۲۰۱۹/۱۲/۳۱ در مقاله‌ای با عنوان «بارزترین رویدادهای سال ۲۰۱۹ در عراق»، تنها به درج تصاویر و عکس نوشته‌های آنها درباره وقایع سال ۲۰۱۹ اقدام کرده است که نوعی برجسته‌سازی و زنده کردن وقایع این سال در اذهان مخاطبان این شبکه است. لازم به ذکر است اگر چه مقالات مروری نوعی تکرار اخبار محسوب می‌شوند اما هدف از این مقالات با تکرار اخبار در سطح اول متفاوت است. رسانه در سطح اول برجسته‌سازی به تکرار برخی اخبار پرداخته تا آنها را مهم جلوه دهد اما مقالات مروری در جهت عمق بخشیدن به مفاهیم تکرار شده در سطح اول منتشر شده‌اند.

جدول ۴. فراوانی شیوه‌های برجسته‌سازی در شبکه الجزیره

ردیف	شیوه‌های برجسته‌سازی	فراوانی	درصد
۱	تکرار	۴۴	۸٫۸٪
۲	واژگان منفی	۱۵۸	۳۱٫۶٪
۳	نقل قول	۵۶	۱۱٫۲٪
۴	ساختارسؤالی	۱۱۲	۲۲٫۴٪
۵	استعاره‌های مفهومی	۴۸	۹٫۶٪
۶	ارجاع و مرور تاریخی	۱۶	۳٫۲٪
۷	بدون برجسته‌سازی	۶۶	۱۳٫۲٪
۸	مجموع	۵۰۰	۱۰۰٪



نمودار ۵. فراوانی تطبیقی شیوه‌های برجسته‌سازی در شبکه الجزیره

جدول شماره ۳، فراوانی شیوه‌های برجسته‌سازی در شبکه الجزیره را ارائه داده که مطابق اطلاعات به دست آمده واژگان منفی با ۳۱٫۶٪، بیشترین فراوانی را در میان تکنیک‌های زبانی داشته و بعد از آن به ترتیب ساختار سؤالی با ۲۲٫۴٪، نقل قول با ۱۱٫۲٪، استعاره مفهومی با ۹٫۶٪ و ارجاع تاریخی با ۳٫۲٪ قرار داشته‌اند. در این میان ۸٫۸٪ اخبار تکرار شده و ۱۳٫۲٪ از اخبار نیز بدون برجسته‌سازی بوده است. نمودار شماره ۴ نیز به ارائه نمایی کلی از تکنیک‌های برجسته‌سازی به کار رفته در الجزیره پرداخته است. به این ترتیب سؤال سوم تحقیق که درباره شیوه‌های برجسته‌سازی در الجزیره نت بود، پاسخ داده شد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق برجسته‌سازی اخبار الجزیره نت را در بازه زمانی (۲۰۱۹-۲۰۲۳)، در سه سطح به نمایش می‌گذارد:

– **سطح اول برجسته‌سازی:** این سطح که شامل تکرار اخبار است، با روش تحلیل کمی بررسی شد. پس از انتخاب ۵۰۰ خبر از این شبکه در بازه زمانی (۲۰۱۹-۲۰۲۳)، سه دسته خبر که حاکی از موضوعات برجسته‌سازی شده در الجزیره بود، مشخص شدند. این سه موضوع عبارتند از: حضور نیروهای ایران و آمریکا در خاک عراق با فراوانی ۲۰٪، درگیری نیروهای سیاسی به ویژه شیعیان به میزان ۳۲٪ و فساد اقتصادی به مقدار ۱۷٫۴٪. با



مشخص شدن موضوعات برجسته‌سازی شده در الجزیره نت در بازه زمانی پژوهش، سؤال اول تحقیق که مصادیق برجسته‌سازی در این شبکه را مورد پرسش قرار داده است، پاسخ داده شد. می‌توان نتایج سطح اول برجسته‌سازی را بر اولویت‌های این شبکه برای مدیریت افکار عمومی منطبق دانست.

– **سطح دوم برجسته‌سازی:** در این سطح که چارچوب‌گذاری است و مکمل برجسته‌سازی به شمار می‌رود، نحوه به کارگیری تکنیک‌های زبانی همچون استفاده از واژگان منفی، ساختار سؤالی عناوین و سیاق نقل قول در نگارش عناوین مورد بررسی قرار گرفت. به عبارت دیگر، این مرحله از برجسته‌سازی، نحوه مدیریت افکار عمومی به واسطه ادبیات خاص را نشان می‌دهد. از آنجا که سؤال دوم پژوهش بر چرایی انتخاب موضوعات برجسته‌سازی شده تمرکز دارد، از میان سه اولویت خبری الجزیره نت، موضوعی که به مسائل ایران مرتبط است یعنی حضور نیروهای ایرانی و آمریکا در عراق معیار بررسی قرار گرفت و از دو موضوع دیگر یعنی درگیری گروه‌های سیاسی و فساد اقتصادی صرف نظر شد. برای این مرحله از تحقیق ۱۰۰ خبر مربوط به حضور نیروهای ایرانی و آمریکایی مورد بررسی کیفی قرار گرفت. به این معنا که کدگذاری باز و محوری بر اساس مضامین این خبرها انجام شد. تحلیل کدهای مذکور، پژوهش را به این فرضیه (کد انتخابی) رساند که شبکه الجزیره در پی ارائه توجیه منطقی برای حضور نیروهای آمریکایی در عراق است. بدین ترتیب سؤال دوم پژوهش که چرایی و دلیل برجسته‌سازی را مورد پرسش قرار داده بود، پاسخ داده شد. همچنین پایایی کدگذاری‌ها از روش توافق درون موضوعی و با ۱۶ درصد مورد تأیید واقع شد.

– **سطح سوم برجسته‌سازی:** هدف از این مرحله، ایجاد یک شبکه مفهومی و تصویر ذهنی از موضوع است و در این راستا الجزیره نت از روش‌هایی چون استفاده از استعاره مفهومی به همراه ارجاع و مرور تاریخی استفاده کرده است. بنابراین بررسی عناوین خبری این شبکه، طیف متفاوتی از تکنیک‌های نوشتاری را به نمایش می‌گذارد که همگی در جهت برجسته‌سازی بحران موجود در عراق مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این بحران‌سازی در ذهن مخاطب نیاز به یک ناجی و پایان دهنده را ضروری می‌سازد و به این ترتیب حضور نیروهای آمریکایی برای مقابله با این بحران توجیه می‌شود. به عبارت دیگر، شبکه الجزیره از روش‌های مختلف مثل تکرار، واژگان منفی، نقل قول، جملات سؤالی، استعاره‌های مفهومی و ارجاعات تاریخی برای تحقق اهداف ایدئولوژیک خود بهره برده است.

نتایج آماری نشان می‌دهد که ۸,۸٪ اخبار تکرار شده است همچنین واژگان منفی با ۳۱,۶٪، بیشترین فراوانی را در میان تکنیک‌های زبانی داشته و بعد از آن به ترتیب ساختارسؤالی با ۲۲,۴٪، نقل قول با ۱۱,۲٪، استعاره مفهومی با ۹,۶٪ و ارجاع تاریخی با ۳,۲٪ قرار داشته‌اند. علاوه بر این، این نکته از یافته‌های تحقیق به دست آمد که برجسته‌سازی زبانی برخلاف پژوهش‌های مشابه، منحصر به سطح دوم برجسته‌سازی نیست و استفاده از فنون نگارشی در تمامی سطوح برجسته‌سازی مؤثر است.

پیشنهاد‌های کاربردی و رسانه‌ای

- بر اساس یافته‌های این مقاله، رویکرد شبکه الجزیره در جهت ایجاد و بازنمایی بحران در عراق بوده است و از آنجا که یکی از اخباری که برای بازنمایی ناامنی در این کشور برجسته شده مربوط به حضور نیروهای ایرانی است، پیشنهاد می‌شود در معاونت برون مرزی صدا و سیما، برنامه‌هایی در جهت آگاه‌سازی مخاطبان عرب تولید و پخش شود.
- برطبق نتایج این مقاله، الجزیره نت برای برجسته‌سازی اخبار از تکنیک‌های زبانی مختلفی بهره برده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود شبکه‌های برون مرزی مانند پرس تی وی و العالم نیز از تکنیک‌های مشابه در خبرنگاری در جهت ایجاد تصویر درست از حضور ایران در منطقه استفاده کنند.
- از آنجا که پیش زمینه فکری مخاطبان در کدگشایی اخبار مؤثر است، پیشنهاد می‌شود از سوی صدا و سیما برنامه‌هایی برای جهان عرب ساخته شود که به واکاوی مناسبات تاریخی ایران و آمریکا بپردازند؛ زیرا بسیاری از مخاطبان عرب از اصطلاح «وجهان لعمله واحده» یعنی دو روی یک سکه، برای مناسبات بین ایران و آمریکا استفاده می‌کنند.
- برگزاری مسابقات و یا برنامه‌هایی با حضور مخاطبان عرب در استودیو شبکه‌های عربی برون مرزی می‌تواند به ایجاد یک تصویر جدید و صحیح از ایران کمک کند. برخی از مخاطبان عرب به دلیل عدم شناخت صحیح از سیاست‌های ایران، با آنها همسو نیستند. بنابراین تهیه برنامه‌های تعاملی می‌تواند به تصحیح تصویری که رسانه‌های دیگر از ایران ساخته‌اند، کمک کند.
- پیشنهاد می‌شود از جذابیت‌های ایران و همچنین خدمات ایرانیان به اسلام نیز برنامه تهیه شود تا مخاطبان عرب از اصطلاحاتی نظیر «مجوس» یعنی زرتشتی برای شیعیان استفاده نکنند.



- از منظر افکار عمومی عراق، در حالی که حضور ایرانی در عراق مشروع است اما حضور نظامیان امریکایی مداخله محسوب می‌شود. اهمیت دارد این موضوع در رسانه‌های برون مرزی تاکید شود.

- تاکید شود گروه‌های مقاومت در عراق مانند حشدالشعبی و النجبا مستقل هستند و به لحاظ دفاعی و نظامی ایران را نمایندگی نمی‌کنند.

پیشنهادهای پژوهشی

تحقیق حاضر طیف وسیعی از بازنمایی اخبار را توسط شبکه الجزیره مورد بررسی قرار داده است. از آنجا که تحقیق درباره این شبکه کمتر صورت گرفته است، واکاوی هر یک از جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره می‌تواند نتایج جدیدی را درباره راهبردهای این شبکه آشکار سازد. همچنین تحقیقات مشابه درباره بازنمایی اخبار دیگر کشورها نیز در این شبکه قابل اجرا است.

منابع و مأخذ

آسابرگر، آرتور (۱۳۹۸). *تحلیل گفتمان کاربردی*. ترجمه حسین پاینده. چاپ دوم، تهران: مروارید. آفاکل زاده، فردوس (۱۳۹۴). *زبان شناسی کاربردی و مسائل میان رشته ای زبان*. تهران: نشر علمی. امیدواری، آرزو، گلفام، ارسلان (۱۳۹۶). بررسی گواه‌نمایی در زبان فارسی، رویکردی شناختی. *جستارهای زبانی*، ۸ (۳۶)، ۷۹-۹۹.

بشیر، حسن (۱۳۹۰). *رسانه‌های بیگانه: قرائتی با تحلیل گفتمان*. تهران: سیمای شرق. ترابی اقدم، محمود، اخگری، محمد (۱۳۹۷). نقش رادیو برون مرزی آذری در تبیین تاریخ مشترک ایران و جمهوری آذربایجان. *مطالعات تاریخ فرهنگی*، ۹ (۳۵)، ۲۷-۵۰.

چارتریس بلک، جانانان (۱۳۹۸). *تحلیل انتقادی استعاره*. ترجمه یکتا پناه پور. قم: لوگوس. راسخ مهند، محمد (۱۳۹۸). *درآمدی بر زبان شناسی شناختی*. چاپ هفتم، تهران: سمت. رضا قلی‌زاده، بهنام، گیویان، عبدالله (۱۳۸۹). برجسته سازی اخبار انرژی هسته‌ای ایران در بخش فارسی سایت‌های بی‌بی‌سی و صدای آمریکا طی سالهای ۱۳۸۳ الی ۱۳۸۵. *مجله جهانی رسانه*، ۵ (۱)، ۱-۱۸.

زائرامیرانی، سحر، عسگری نیا، فرشاد، و خجیر، یوسف (۱۴۰۰). چگونگی بازنمایی مردم افغانستان در سینمای ایران براساس آرای استوارت هال. *رهپویه هنرهای نمایشی*، ۱ (۱)، ۵۵-۶۲. ساروخانی، باقر (۱۳۹۲). *جامعه شناسی ارتباطات*. تهران: انتشارات اطلاعات.

- سرافینلی، الیزا (۱۳۹۹). *ارتباطات اجتماعی جدید در عکاسی زندگی دیجیتال در اینستاگرام*. مترجم مجید سلیمانی ساسانی. تهران: سوره مهر.
- سلیمانی ساسانی، مجید، اسکندری، علی، و چابکی، رامین (۱۳۹۱). فرآیند برجسته سازی در بی بی سی فارسی تحلیل روایت برنامه‌های کوک، صفحه دو و آپارات. *مطالعات قدرت نرم*، ۲(۶)، ۸۳-۱۱۲.
- سورین، ورنر، جیمز، تانکارد (۱۳۹۰). *نظریه‌های ارتباطات*. ترجمه علیرضا دهقان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سولیوان، تام، ساندرز، دنی، فیسک، جان، هارتلی، جان (۱۳۸۵). *مفاهیم کلیدی ارتباطات*. ترجمه میر حسن رئیس زاده. تهران: فصل نو.
- عقیلی، وحید، حاج محمدی، علی (۱۳۹۶). نقش ساز و کار برجسته سازی در کنترل افکار عمومی اروپا در برابر موج تحریم رژیم صهیونیستی. *رسانه*، ۲۸(۲)، ۷۵-۹۹.
- علامه فلسفی، احمد (۱۳۹۷). *قطر*. تهران: فراروان شناسی.
- غالوه کارتیگا، رینی (۲۰۲۳). *صوره التهمیش فی أخبار الحرب بین روسيا و أوكرانيا علی قناه الجزیره نت*. بحث الجامعی لدرجه البكالوريوس، مالانج: جامعه مولانا مالک ابراهیم الإسلامیه الحکومیه.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۹۹). *تحلیل گفتمان انتقادی*. ترجمه روح الله قاسمی. چاپ دوم، تهران: اندیشه احسان.
- فریمن، ملیسا (۱۴۰۰). *شیوه‌های تفکر برای تحلیل داده‌های کیفی*. مترجم نیما حق شنو. تهران: پژوهشگاه دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- قائم‌نیا، علیرضا (۱۴۰۱). *استعاره‌های مفهومی و فضاهای قرآنی*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قائم‌نیا، علیرضا (۱۳۹۹). *معنی‌شناسی ۲*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قاسمی نسب، رضاعلی، ضیغمی، علی، و میراحمدی، رضا (۱۴۰۱). دور التکرار فی مغالاه المعانی و توجیه علی أساس نظریه فان دایک (تطورات ایران الفضائیه فی قناتی العالم و العربیه أنموذجاً). *زبان و ادبیات عربی*، ۱۴(۱)، ۷۷-۹۲.
- قاسمی نسب، رضاعلی، ضیغمی، علی، و میراحمدی، رضا (۲۰۲۲). دور المفردات فی مغالاه المعنی و تهمیشه علی أساس نظریه فان دایک (قصف قاعده عین الأسد فی القنوات العربیه و الجزیره و المیادین و العالم أنموذجاً). *اللغه العربیه و آدابها*، ۱۷(۱۴)، ۵۴۶-۵۲۷.
- قنبری باغستان، عباس، جبارپور، فائزه (۱۴۰۱). تأثیر برجسته‌سازی شبکه‌ای رسانه‌ها و ارتباطات بین فردی بر نگرش مردم ایران به مردم و دولت آمریکا. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۲۳(۵۸)، ۳۵-۵۵.



مهدی‌زاده، محمد، ذکایی، محمد سعید، فرقانی، محمد مهدی، و عزیزاده عبدالرحمان (۱۳۹۴). رمزگذاری و رمزگشایی خبر تلویزیونی، مقایسه اخبار تلویزیون ج.ا.ا و بی بی سی فارسی. فصلنامه رادیو تلویزیون، ۱۱ (۲۶)، ۱۹۶-۱۷۱.

مهدی‌زاده، محمد (۱۳۹۱). نظریه‌های رسانه؛ اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی. تهران: همشهری.

مهدی‌زاده، محمد، یاور اکبری، علی (۱۳۹۱). برجسته‌سازی اخبار افغانستان در مطبوعات ایران. علوم اجتماعی، ۱۹ (۵۷)، ۲۲۲-۱۸۵.

منابع انگلیسی

- Braun, Virginia and Clarke, Victoria (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Cameron, L. and G.Low. (1999). Metaphor. *Language Traching*, 32, 77-96.
- Cooper, Andrew, F and Momani, Bessma, (2011). Qatar and expanded contours of small state diplomacy, *The International Spectato. Italian Journal of International Affairs*, 46(3), 113-128.
- Lakaf, George and Mark Johanson (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago: University of Chicago Press.
- McCombs, Maxwell E, Gue, Lei (2014). Agenda-Setting: Past, Present and Future. *Journalism Studies*, 251-268.
- McCombs, Maxwell, E (2004). *Setting the agenda(the mass media and public opinion)*. Malden: Blackwell Publishing Inc.
- McCombs, Maxwell, E and Reynolds, A (2002). *News influence on our pictures of the world*. in J.Bryant and D.Zillman,(Eds), *Media effects:Advances in theory and research*, Mahwah, NJ:Erlbaum.
- McCombs, Maxwell E, and Shaw, Donald (1972). Agenda-Setting Function of Mass Media. *Public Opinion Quarterly* 36(2), 176-187.
- Satti, M.A (2020). Al Jazeera Arabic and Al Jazeera English Websites: Agenda-Setting as a Means to Comparatively Analyze Online News Stories. *Communication & Society*, 33(1), 1 – 13.

«مأیوس‌سازی» به مثابه ابزار عملیات روانی: مطالعه صفحه اینستاگرام ایران اینترنت‌نشال

حسین حسنی^۱، حسین تدین^۲

چکیده

هدف این مقاله تحلیل موضوعاتی است که شبکه ایران اینترنت‌نشال با هدف مأیوس‌سازی کاربران خود در رسانه اجتماعی اینستاگرام به آنها متوسل شده است. مأیوس‌سازی یکی از روش‌های اصلی عملیات روانی محسوب می‌شود و رسانه‌های مخالف نظام سیاسی ایران تلاش می‌کنند با توسل به آن شهروندان ایران را از امید به پیشرفت ناامید کنند. به عبارت دیگر، هدف این رسانه‌ها ایجاد تردید در افکار عمومی درباره کارآمدی نظام سیاسی کنونی ایران است. در این مطالعه، رسانه ایران اینترنت‌نشال مطالعه شده است که می‌توان ادعا کرد یکی از دلایل تأسیس این شبکه کاربرد آن به مثابه مجرای رسانه‌ای عملیات روانی بوده است. برای این منظور، مطالب منتشر شده در صفحه این رسانه در اینستاگرام در بازه زمانی ۹ تا ۳۰ آوریل سال ۲۰۲۳ مطالعه شدند. برای تحلیل یافته‌ها از روش تحلیل مضمون و الگوی براون و کلارک (۲۰۰۶) استفاده شده است. نتایج تحلیل نشان داد، در این رسانه برای مأیوس‌سازی بر شرایط اقتصادی به‌ویژه تورم و تولید، مهاجرت، مسائل محیط زیستی، بزرگ‌نمایی ناکارآمدی برخی از مدیران و فساد اقتصادی تأکید شده است. پیشنهاد این مقاله برای مقابله با این رویکرد، کاربرد رویکرد تبیینی است که با توجه به ویژگی‌های مخاطبان هدف رسانه‌های برون‌مرزی باید بیشتر استفاده شود.

کلیدواژه‌ها: مأیوس‌سازی، عملیات روانی، ایران اینترنت‌نشال، اینستاگرام، رسانه‌های برون‌مرزی
صداوسیما.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۹

۱. استادیار مطالعات فضای مجازی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Hassani@ricac.ac.ir

Hosseini.tadaion@yahoo.com

۲. پژوهشگر، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران، ایران

DOI: 10.22034/IMRL.2024.422110.1210

مقدمه

یکی از جنبه‌های عملیات روانی علیه نظام سیاسی و شهروندان ایران مایوس‌سازی است. مقامات نظام سیاسی و نیز شهروندان ایران طی چهار دهه گذشته به طور مداوم در معرض علمیات روانی قرار داشته‌اند. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی این جنگ روانی آغاز شده است و به نتیجه نرسیدن مجموعه‌ای از اقدامات جنگ سخت از کودتا گرفته تا جنگ نظامی علیه ایران، سبب شد تا شکل تقابل به عرصه اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای تسری پیدا کند. حاصل این تقابل شکل‌گیری یک جنگ فرهنگی و رسانه‌ای است. در این نبرد به دلیل اینکه به جای عناصر ملموس و عینی، جنبه‌های معنوی و ذهنی زیست فردی انسانی و فرهنگ جمعی همانند ارزش‌ها، هنجارها، باورها، اخلاقیات، سبک زندگی دینی و اعتماد شهروندان به نظام حکمرانی اسلامی هدف قرار گرفته است، از آن با عنوان جنگ نرم توصیف می‌شود. به گفته جلال پور و همکاران (۱۳۹۵) در جنگ نرم اهداف مختلفی دنبال می‌شود که از جمله آنها می‌توان به بازتعریف خواسته‌های شهروندان و تردیدافکنی در خصوص کارایی نظام سیاسی و به‌طور خاص ناامید کردن آنها از آینده اشاره کرد.

طی حدود چهار دهه گذشته، در برهه‌های گوناگون از جمله نقدهای عمومی به رویدادهای سیاسی و یا اقتصادی، جنگ نرم رسانه‌های غربی و ضدانقلاب به طور خاص تشدید شده است. راه‌اندازی دو شبکه خبری حرفه‌ای و پرمخاطب تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی در سال ۱۳۸۸ و ایران اینترنت‌نشال در سال ۱۳۹۶ را می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد. یکی از نمودهای عینی جنگ نرم طی سال‌های اخیر، در نیمه دوم سال ۱۴۰۱ روی داد که در آن من و تو (در بهمن ۱۴۰۲ تعطیل شد)، بی‌بی‌سی و ایران اینترنت‌نشال به رسانه‌های اصلی انتشار خبر و اطلاع‌رسانی تبدیل شدند. این رسانه‌ها، تلاش بسیاری برای تغییر نگرش، تغییر رفتار و حتی براندازی نظام جمهوری اسلامی در ایران انجام دهند. با وجود آنکه ایران اینترنت‌نشال، خود را یک رسانه خصوصی و مستقل و متعهد به کار بی‌طرفانه، عینی و متوازن معرفی کرده است (وبسایت ایران اینترنت‌نشال، ۱۴۰۲)، اما مطالعاتی که درباره شیوه بازنمایی اخبار و رویدادها، به‌ویژه درباره ایران در آن، انجام شده است، نشان می‌دهد که این معیارها چندان مورد توجه خبرنگاران و سیاست‌گذاران این رسانه نبوده است. برخی از این مطالعات پیش از رویدادهای پاییز ۱۴۰۱ و اوج‌گیری فعالیت‌های تبلیغاتی این شبکه انجام شده‌اند. از جمله مطالعه هوشیار و گودرزی (۱۳۹۹) نشان می‌دهد شیوه پوشش اخبار مربوط به ایران حاکی از تلاش این شبکه برای القاء ایران‌هراسی بوده



است. مطالعه غلامی و همکاران (۱۴۰۱) در مورد گفتمان شبکه ایران اینترنت‌نشال در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که دال مرکزی این رسانه «تحریم انتخابات» بوده است. این شبکه تلاش کرده است از طریق القای بی‌فایده بودن انتخابات، بی‌اهمیت نشان دادن مجلس، خودکامگی حکومت و غیررقابتی نشان دادن انتخابات سبب کاهش مشارکت عمومی در انتخابات شود.

یکی از شیوه‌هایی که برای اثرگذاری بر افکار عمومی به کار می‌رود مأیوس‌سازی و ناامیدسازی درباره کارآمدی نظام سیاسی است. آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم ایران، ناامید کردن مردم را از نظام اسلامی از اهداف اصلی رسانه‌های مخالف بیان کرده‌اند. ایشان در بیانیه گام دوم که در بهمن سال ۱۳۹۷ (فوریه ۲۰۱۹) به‌عنوان نقشه راه آینده جمهوری اسلامی منتشر شد، در ذیل بحث «امید و نگاه خوشبینانه به آینده» می‌نویسند: «در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مأیوس‌سازی مردم و حتی مدیران ما از آینده است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۹).

از سوی دیگر باید توجه که رسانه‌های برون‌مرزی همواره نقش مهمی در جهت مقابله با جنگ روانی داشته‌اند. بسیاری از دولت‌ها و سازمان‌های رسانه‌ای دولتی در سطح جهان، از دهه‌های گذشته اقدام به راه‌اندازی ایستگاه‌های رادیویی و شبکه‌های تلویزیونی برای مخاطبانی خارج از قلمروهای مرزهای ملی کرده‌اند. این رسانه‌ها اهداف و کارکردهای مختلفی را دنبال می‌کنند که طیفی از اطلاع‌رسانی و دیپلماسی رسانه‌ای تا واسطه‌گری انجام عملیات روانی علیه دولت‌ها، افراد و حتی شرکت‌ها را دربرمی‌گیرد. این رسانه‌ها گاهی نقش مهمی در رویدادهای سیاسی و اجتماعی ایفا می‌کنند. نمونه آن نقش آفرینی رادیوی بی.بی.سی. فارسی وابسته به دولت انگلستان در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران است. هرچند نباید فراموش کرد که تحولات فناورانه و همگرایی رسانه‌های جدید را در راستای این اهداف نیز به خدمت گرفته است.

این نوع رسانه‌ها نقش مهمی در دیپلماسی عمومی، رسانه‌ای و فرهنگی ایفا می‌کنند و امروزه هیچ دولتی بدون ابزارهای رسانه‌ای و ارتباطی مؤثر برای اقناع افکار عمومی در سطح جهان، قادر نخواهد بود تا اهداف و منافع ملی خود را در سطح بین‌الملل دنبال کند و جایگاه خود را در سطح جهان ارتقاء دهد (ساداتی، ۱۳۹۳).

این نوع رسانه‌ها در ایران اصطلاحاً رسانه‌های برون‌مرزی نامیده می‌شوند و شامل انواع ایستگاه‌های رادیویی و شبکه‌های تلویزیونی به زبان‌های مختلف برای مخاطبان فارسی‌زبان و

نیز شهروندان کشورهای دیگر است. یکی از کارکردهای مهم این نوع رسانه‌ها می‌تواند مقابله با عملیاتی روانی رسانه‌های خارجی و نیز بهبود و ارتقاء تصویر ایران در میان اذهان مخاطبان ایرانی و غیرایرانی خارج از ایران باشد. در همین راستا، امین فرد (۱۳۹۹) نشان داده است که رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما می‌توانند برای بهبود و ارتقاء دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران به کار روند.

در مجموع باید گفت با وجود توسعه شکل‌های نوین عملیات روانی و پروپاگاندا، رایانشی^۱ (وولی^۲، ۲۰۲۰)، بخش اعظم مایوس‌سازی از طریق شبکه‌های اجتماعی ماهواره‌ای انجام می‌شود که مخاطبان زیادی دارند. این رسانه‌ها تلاش می‌کنند با حضور در رسانه‌های اجتماعی که امروزه به مجراهای عمده دریافت خبر تبدیل شده‌اند، گروه‌های مختلف اجتماعی از جمله جوانان را در معرض پیام‌های رسانه‌ای خود قرار دهند. این موضوع در مورد ایران اینترنت‌شنال نیز مصداق دارد. بنابراین، سؤال اصلی این مقاله تبیین این است که رسانه ایران اینترنت‌شنال از چه شیوه‌هایی برای مایوس‌سازی شهروندان ایران استفاده می‌کند؟ این مقاله بر صفحه اینستاگرام شبکه تلویزیونی ایران اینترنت‌شنال و پست‌ها (فرسته‌ها)ی منتشر شده در آن تمرکز داد.

۱. ادبیات نظری و مفهومی

در این مقاله در ابتدا به تعریف و مفهوم‌سازی عملیات روانی و پروپاگاندا خواهیم پرداخت. سپس در بخش دوم، مفهوم مایوس‌سازی را مورد توجه قرار خواهیم داد.

۱-۱. رسانه‌های اجتماعی و کارکرد خبری

امروزه رسانه‌های اجتماعی رفته رفته به عمده‌ترین شکل مصرف رسانه‌ای کاربران در ایران و سایر کشورها تبدیل می‌شوند. رسانه‌های اجتماعی دوره‌های مختلف را سپری کرده‌اند. باچر^۳ (۲۰۲۱) می‌نویسد که ما طی دو دهه گذشته شاهد گذار از سایت‌های شبکه اجتماعی به رسانه‌های اجتماعی و اکنون پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی هستیم. از منظری دیگر رسانه‌های اجتماعی تقسیم‌بندی شده‌اند. سوچون^۴ (۲۰۲۱) معتقد است که رسانه‌های اجتماعی دارای چهار مرحله هستند: مرحله اول) پیشاتاریخ (دهه ۱۹۸۰ میلادی تا دهه ۱۹۹۰)؛ مرحله دوم) توسعه

1. Computational Propaganda
2. Wolley
3. Butcher
4. Sujon



اولیه (دهه ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۶): مرحله سوم) استحکام و رشد (۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲): مرحله چهارم) بلوغ رسانه‌های اجتماعی (۲۰۱۳ تاکنون). این مرحله بیانگر تداوم رشد و نیز بالغ شدن فناوری‌های اجتماعی به‌عنوان شبکه‌های انبوه و سایت‌های تثبیت شده و نیز بازار و پلتفرم (سکو) هستند.

پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی امروزه به یک زیرساخت بنیادی رایانش تبدیل شده‌اند که ابعاد گوناگون تعامل، مصرف و ارتباط و حتی نحوه آگاهی ما از جهان و نحوه نگرش ما را به جهان شکل می‌دهند. به‌طوریکه «امروزه، افراد بیشتری نسبت به هر سازمان خبری دیگری در طول تاریخ بشر، اخبار را از طریق فیس‌بوک و گوگل کسب می‌کنند» (نیلسن و گانتر^۱، ۲۰۲۲). علاوه بر این توئیتر و نیز رسانه‌های اجتماعی دیگر نیز بسته به اینکه در هر زمینه اجتماعی چه میزان محبوبیت دارند، به منبع اصلی کسب خبر تبدیل شده‌اند.

بر اساس آمار، رسانه‌های اجتماعی به‌ویژه در میان گروه‌های سنی جوانان منبع اصلی کسب خبر هستند. در ماه اوت ۲۰۲۲، در حدود نیمی از جوانان آمریکایی برای کسب خبر از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کردند اما کمتر از ده درصد آنها شبکه‌های خبری را به‌عنوان منبع اصلی معرفی کرده بودند (واتسون^۲، ۲۰۲۴). مطالعه مرکز پیو نیز نشان می‌دهد که مراجعه آمریکاییان برای کسب خبر به پلتفرم تیک‌تاک که در اصل یک پلتفرم ویدئو-محور است رو به افزایش است و یک‌سوم بزرگسالان آمریکایی از این رسانه اجتماعی برای آگاهی از اخبار استفاده می‌کنند (ماتسا^۳، ۲۰۲۳).

فراگیری تدریجی سلطه رسانه‌های اجتماعی سبب شده است تا رسانه‌های دیگر به ناگزیر بخشی از محتواهای خود را در انواع پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی به اشتراک بگذارند تا تعداد مصرف‌کنندگان آن محتواها افزایش یابد. بسیاری از شبکه‌های خبری بزرگ تلویزیونی، پایگاه‌های خبری، شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، خبرگزاری‌ها و رسانه‌های دیگر صفحه‌هایی را در رسانه‌های اجتماعی ایجاد کرده‌اند و به انتشار خبر می‌پردازند. طی سال‌های اخیر در ایران، در نبود یک شبکه اجتماعی بومی فراگیر، ایستاگرام اصلی‌ترین رسانه اجتماعی بوده است. به همین دلیل شبکه‌های خبری همانند ایران اینترنشنال از این قابلیت و فرصت برای ارتباط با مخاطبان گسترده‌تر استفاده کرده‌اند.

1. Nielsen & Ganter
2. Watson
3. Matsa

اینستاگرام یکی از محبوب‌ترین پلتفرم‌های اشتراک‌گذاری تصویر است که توانسته است دنبال‌کنندگان بی‌شماری به خود جذب کند. اینستاگرام به بخش مهمی از زندگی ایرانیان در فضای مجازی تبدیل شده است. این رسانه دیگر فضایی برای بازنمایی زندگی شخصی نیست بلکه به محلی برای بیان دیدگاه‌های مذهبی و سیاسی تبدیل شده است. از طرف دیگر این رسانه توانسته است به بازتاب‌دهنده تحولات افکار عمومی تبدیل شود (حسنی، ۱۳۹۸) و حتی به آنها شکل دهد. به همین جهت و به دلیل آنکه بسیاری از رسانه‌های خبری، محتواهای خود را در آن به اشتراک می‌گذارند، مطالعه آن اهمیت زیادی دارد.

با آنکه عملیات روانی و پروپاگاندا ارتباط نزدیکی با هم دارند اما عموماً پروپاگاندا بخشی از عملیات روانی تلقی می‌شود. در بخش بعدی این مفهوم را به اجمال توضیح می‌دهیم.

۱-۲. عملیات روانی و جنگ روانی

عملیات روانی^۱ و جنگ روانی^۲ ارتباط نزدیکی با هم دارند و هدف آنها نفوذ و دستکاری نگرش‌های جامعه هدف است. در دانشنامه بریتانیکا (۲۰۱۵) جنگ روانی به معنای استفاده از پروپاگاندا علیه دشمن با پشتیبانی اقدامات نظامی، اقتصادی و سیاسی ضروری تعریف شده است. همچنین به طور کلی هدف پروپاگاندا مایوس کردن دشمن برای ایجاد تصور در اراده وی برای جنگ یا مقاومت و نیز گاهی مستعد کردن او به شکل دلخواه برای پذیرش دیدگاه‌های مورد نظر بیان شده است.

اندیشکده رند^۳ در صفحه ویژه این بحث در وبسایت خود، اصطلاح جنگ روانی را به‌عنوان مفهومی فراگیر به کار گرفته است و این مفهوم را به شکل «استفاده برنامه‌ریزی‌شده از پروپاگاندا و سایر عملیات روانی برای نفوذ و تأثیرگذاری بر عقاید، عواطف نگرش‌ها و رفتار گروم متخاصم» تعریف می‌کند (اندیشکده رند، ۲۰۲۲). این نوع جنگ به‌وسیله استفاده از پروپاگاندا، تهدید و سایر شکل‌های روان‌شناختی با هدف گمراه کردن، مرعوب کردن و نیز مایوس کردن انجام می‌شود (کانجی^۴، ۲۰۱۸). لانگی (۲۰۱۹) نیز جنگ روانی را به‌منزله استفاده تاکتیکی برنامه‌ریزی شده از پروپاگاندا، تهدیدها و سایر تکنیک‌های غیرجنگی در طول جنگ‌ها، تهدید به

-
1. Psychological operation
 2. Psychological warfare
 3. Rand
 4. Kanji



جنگ و یا دوره‌های ناآرامی ژئوپلیتیک برای گمراه‌سازی، ارباب، تضعیف روحیه (مأیوس‌سازی) و تأثیرگذاری بر طرز فکر یا رفتار دشمن تعریف کرده است.

۱-۲-۱. پروپاگاندا

پروپاگاندا یا در تعریف کلی تبلیغ سیاسی علیه یک فرد، گروه، جامعه، ایدئولوژی، فرهنگ و ارزش‌های جمعی یک ملت و یا نظام سیاسی حاکم بر یک کشور است و قدمتی طولانی دارد. می‌توان ادعا کرد پروپاگاندا در معنای سنتی آن تاریخی طولانی به قدمت تمدن بشری دارد. همانطور که وولی (۲۰۲۰: ۲۳) می‌نویسد: «پروپاگاندا یقیناً چیز تازه‌ای نیست و ایده دستکاری نحوه تفکر افراد و اینکه به چه چیزی فکر کنند به یونان باستان می‌رسد اما طی دوران اخیر پروپاگاندا نقش مهمی در شکل دادن به رفتار و باورها داشته است». کاربرد اصطلاح پروپاگاندا همانطور که ویلکه^۱ (۲۰۰۹) گفته است، به قرن هفدهم و سال ۱۶۲۲ برمی‌گردد. این اصطلاح در اصل توسط کلیسای کاتولیک برای ترویج مأموریت خود یعنی ترویج ایمان و باورهای مذهبی به کار رفته است.

هارولد لاسول، نظریه‌پرداز ارتباطات، در سال ۱۹۲۷ اصطلاح پروپاگاندا را به معنای «مدیریت نگرش‌های جمعی به‌وسیله دستکاری نمادهای مهم» تعریف کرد که یکی از اولین تعریف‌های علمی این اصطلاح به کار می‌رود (نقل شده در ویلکه، ۲۰۰۹: ۳۹۱۵). به گفته گروگور و ملینکووا^۲ (۲۰۲۱: ۵) دستکاری زیرساخت پروپاگاندا است که به شکل‌های مختلف و به وسیله استفاده از تکنیک‌های مختلف صورت می‌گیرد که انتشار اطلاعات نادرست و کذب یکی از آنها است.

ازجمله هدف از دستکاری اذهان افراد، ارائه اطلاعات نادرست یا کذب و آمیخته با دروغ برای بدبین‌سازی شهروندان در خصوص یک منبع مقتدر، نظام باورها و فرهنگ جمعی است. پروپاگاندا اگر به کنش مقابله‌ای منجر نشود، دست‌کم سبب شکل‌گیری نگرش‌های منفی یا خصمانه در میان شهروندان می‌شود که نتیجه کاهش اعتماد متقابل میان دولت و ملت و ناکارآمدی نظام سیاسی برای ارائه خدمات به شهروندان تحت حاکمیت خود است.

همانطور که در تعاریف مذکور مشخص است، یکی از نتایج پروپاگاندا که در قالب جنگ روانی صورت می‌گیرد مأیوس‌سازی است. در بخش بعدی مقاله به مفهوم‌سازی و توضیح ابعاد مختلف مأیوس‌سازی می‌پردازیم.

1. Wilke

2. Gregor & Mlejnková

۱-۲-۲. مایوس‌سازی

انجمن روان‌شناسی آمریکا، مایوس‌سازی را به‌منزله احساس تهدید نسبت به ارزش‌ها، استانداردها و اخلاقیات و یا فروپاشی آنها در یک فرد یا گروه تعریف کرده است که می‌تواند در دوره‌های زمانی تغییرات سریع اجتماعی، بحران‌های دنباله‌دار (همانند جنگ، رکود اقتصادی و غیره) یا ضربه‌های روحی روی دهد. شخص مایوس ممکن است دلسرد شود و احساس بی‌پناهی، سردرگمی و ناامنی کند (آبرامز^۱، ۲۰۲۲). البته مقصود ما احساس یأس جمعی است که در میان یکایک افراد جامعه روی می‌دهد و امری جمعی است.

برای درک جامع‌تر اهمیت مایوس‌سازی یا تضعیف روحیه در براندازی نظام‌های سیاسی و جنگ نرم مراجعه به اندیشه‌های یکی از چهره‌های مشهور پروپاگاندا در شوروی، یوری بزمنوف^۲، می‌تواند راهگشا باشد. بزمنوف (۱۹۸۴) مایوس‌سازی را به‌منزله یکی از مراحل براندازی ایدئولوژیک مورد بحث قرار داده است. براندازی ایدئولوژیک، فرآیندی بسیار آهسته برای شست‌وشوی مغزی افراد کشور هدف برای تغییر در درک واقعیت است؛ که طی آن با وجود فور اطلاعات زیاد، هیچ کس قادر نیست به‌منظور دفاع از خود، خانواده، جامعه و کشورش به نتیجه‌ای معقول دست یابد. بزمنوف اعتقاد دارد براندازی ایدئولوژیک چهار مرحله دارد که در طول هم قرار دارند و مایوس‌سازی اولین مرحله آن را تشکیل می‌دهد. مراحل دیگر آن شامل بی‌ثبات‌سازی، بحران و عادی‌سازی است.

همان‌طور که بزمنوف (۱۹۸۴: ۲۳) می‌نویسد: «مایوس‌سازی برای براندازان بسیار ضروری است، چرا که به واسطه فرآیند مایوس‌سازی هرگونه اثر و تعادل ارزش‌ها و ایدئولوژی اساسی کشور هدف حذف می‌شود و قاعداً در فقدان هرگونه ایدئولوژی ملی منسجم و یکپارچه، کار نیروهای برانداز ساده‌تر می‌شود. اینکه ما در کنار ایدئولوژی اصلی و اولیه خود ایدئولوژی‌ها و نظرات دیگر را مطرح و پررنگ کنیم و از ایدئولوژی اصلی و بومی خود دور شویم، جزئی از خواسته‌های براندازان است». به گفته بزمنوف (۱۹۸۴: ۲۶) مایوس‌سازی در سه سطح و به‌طور همزمان انجام می‌شود: سطح اندیشه‌ها (ادراک)؛ سطح ساختارها (مجموعه سیاسی-اجتماعی یک ملت)؛ و سطح زیستی (که شامل تمام زمینه‌های وجود مادی یک ملت و به عبارتی زندگی روزمره یک ملت). موضوع مورد توجه ما سطح نخست است. زیرا سطح اندیشه‌ها، بالاترین سطح

1. Abrams
2. Yuri Bezmenov



براندازی است، چرا که به حوزه‌های حیاتی دین، آموزش، رسانه و فرهنگ عمومی مربوط می‌شود. جایگزین کردن ارزش‌ها و اعتقادات برانداز به جای اعتقادات کشور هدف، یکی از اصول اساسی براندازی در مرحله مأیوس‌سازی است که بالاترین اثر را در سطح اندیشه و ادراک دارد. همه براندازان با مطالعه مناطق و بخش‌های مختلف اندیشه‌های ملت هدف، بخش‌های قابل تخریب و جایگزین را شناسایی و سپس با ارسال عوامل نفوذی، نفوذ برای تزریق اندیشه‌های جدید را به آرامی اما پیوسته بر آن مناطق و بخش‌ها وارد می‌کنند و لذا به ترویج ادبیات تبلیغاتی خویش و تشویق گرایش‌های خود ویرانگر می‌پردازند (بزمونوف، ۱۹۸۴: ۲۶).

بزمونوف رسانه‌ها را یکی از اصلی‌ترین عرصه‌ها برای مأیوس‌سازی تلقی می‌کند. همانطور که بزمونوف (۱۹۸۴: ۳-۳۲) بحث می‌کند، یکی از مخرب‌ترین روش‌های براندازی در مرحله مأیوس‌سازی، بی‌اعتبار کردن افراد، سازمان‌ها، تفکرات و غیره کشور هدف در رسانه است. از دیگر روش‌های قدرتمند برای مأیوس‌سازی در سطح اندیشه، «مسئله‌سازی دروغین» است. مسئله‌سازی یعنی اینکه موضوعی که مسئله کشور هدف نیست، به‌عنوان مسئله کشور هدف مطرح شود و شهروندان و مسئولان کشور هدف به گونه‌ای هدایت شوند تا به آن موضوع به‌عنوان مسئله اصلی توجه کنند. مثال ساده و ابتدایی آن این است که مثلاً مسئله کشور هدف تنگناهای اقتصادی است، ولی متولیان رسانه برانداز، آزادی را به‌عنوان مسئله اصلی مردم مطرح می‌کنند و به جامعه می‌قبولانند که مسئله آنها آزادی است نه وضعیت اقتصادی مردم.

مأیوس‌سازی تکنیک‌های مختلفی دارد؛ از جمله تبلیغات آشکار و پنهان و ایجاد شرکت‌ها و سازمان‌های خبری برای ایجاد مشروعیت و احترام به ملتی که قصد براندازی دارد؛ تحریک و دستکاری تظاهرات و تجمعات توده‌ای؛ انتشار شایعات و اطلاعات موثق برای کشور برانداز؛ انتشار روایت‌های ساختگی در رسانه‌های محلی، ایجاد روزنامه حمایتی و پرداخت یارانه‌های تبلیغاتی به‌منظور تأمین مالی جریان نفوذ و نیز استفاده از کارشکنی؛ ترور شخصیت کسانی که مخالف کشور برانداز هستند؛ و غیره (بزمونوف، ۱۹۸۴: ۲۳). رهبر انقلاب نیز در بیانیه گام دوم، انتشار خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسّنات بزرگ را به‌عنوان برخی از روش‌های مأیوس‌سازی ملت ایران برشمرده است (آیت‌الله خامنه‌ای، بهمن ۱۳۹۷).

در کل منظور ما از مأیوس‌سازی کاربرد انواع رسانه‌ها و محتواهای رسانه‌ای برای دستکاری در ذهنیات افراد جامعه هدف، جهت تغییر نگرش‌ها و ارزش‌ها و ایجاد احساس ناکارآمدی درباره

نظام سیاسی حاکم و ایجاد زمینه لازم برای دستیابی به اهداف دلخواه است. وقتی یأس در خصوص کارآمدی نظام سیاسی و امید به آینده در اذهان شهروندان نهادینه شود، نتیجه آن می‌تواند در نهایت به شکل‌های مختلف خشم جمعی، از شورش و اعتراض گرفته تا انقلاب فراگیر اجتماعی، بروز کند.

مایوس‌سازی در این مقاله مفهومی محوری و هدایتگر انجام این تحلیل است. همانطور که گفته شد این مفهوم از مدتها پیش در مطالعات عملیات روانی برای فهم تضعیف روحیه و نیز ایجاد احساس ناامیدی به کار رفته است. این مفهوم برگرفته از مطالعات روان‌شناختی است و پژوهشگران زیادی در مورد ابعاد و اثرات آن مطالعاتی انجام داده‌اند (برای مثال: کلارک و کیسان، ۱، ۲۰۰۲؛ کاستانزا ۲ و همکاران، ۲۰۲۲). با این‌همه، باید خاطر نشان کرد که اقدامات روانی برای مایوس‌سازی لزوماً به نتایج دلخواه ارسال‌کنندگان این نوع پیام‌ها منجر نمی‌شود؛ بلکه طیفی از عوامل گوناگون از جمله ویژگی‌های شخصیتی و باورهای سیاسی مخاطبان بر میزان تأثیرگذاری این نوع پیام‌ها دخیل است.

روش‌شناسی

این مقاله به روش کیفی انجام شده است. در این مطالعه کیفی برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون و مدل براون و کلارک (۲۰۰۶) استفاده شده است. براون و کلارک (۲۰۰۶) معتقدند که مضمون‌ها بیانگر اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و پرسش‌های پژوهش است و معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد.

جامعه آماری این مطالعه شامل پست‌ها (فرسته‌ها)ی منتشر شده در صفحه شبکه تلویزیونی ایران اینترنشنال در اینستاگرام است. داده‌های گردآوری شده برای این پژوهش، شامل ۱۲۰۰ پست است که طی فاصله زمانی ۹ تا ۳۰ آوریل سال ۲۰۲۳ (۲۰ فروردین تا ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۲) منتشر شده بودند. از آنجا که این مطالعه کیفی است، گردآوری نمونه به‌شکل هدفمند صورت گرفته است (لیندلف و تیلور، ۱۳۸۸). در این نوع نمونه‌گیری انتخاب نمونه‌ها بر مبنای دارا بودن ویژگی‌هایی انجام می‌شود که وجود آنها الزامی است (کمپبل و همکاران، ۲۰۲۰). در این مطالعه، انتخاب جمعیت نمونه در اصل با این معیار انجام شد که به نحوی در پی مایوس‌سازی کاربران باشند. شبکه ایران اینترنشنال در زمان نگارش مقاله در اینستاگرام بیش از ده میلیون و

1. Clarke & Kissane
2. Costanza



چهار هزار دنبال‌کننده داشته است که احتمالاً تعدادی از آنها بات و جعلی هستند. اما با وجود این، رقم قابل توجهی است و تعداد زیادی از کاربران پرتعدادترین رسانه اجتماعی در ایران را در معرض پیام‌های ایران اینترنشنال قرار می‌دهد. انتخاب ایران اینترنشنال به چند دلیل بوده است. نخست اینکه به نظر می‌رسد یکی از اهداف راه‌اندازی این شبکه عملیات روانی علیه دولت و شهروندان ایران بوده است. دوم، این شبکه طی سال‌های اخیر و به‌ویژه طی رویدادهای پاییز ۱۴۰۱ در جهت‌دهی به افکار عمومی، گفتگو با سرکردگان معترضان و اغتشاشگران و انتشار انواع محتوای خبری و بازنمایی رویدادها نقش داشته است؛ و سوم اینکه این شبکه خبری به یکی از مراجع اصلی خبرگیری در مورد امور ایران تبدیل شده است. ایران اینترنشنال یک شبکه چندپلتفرمی است و علاوه بر انتشار از طریق شبکه ماهواره‌ای، در صفحه‌های اجتماعی نیز به شکلی هدفمند و منظم فعالیت دارد؛ از جمله در توئیتر و اینستاگرام. برخلاف توئیتر، اینستاگرام تا پیش از فیلترینگ در اوایل نیمه دوم ۱۴۰۱ محبوب‌ترین رسانه اجتماعی در ایران بوده است. شهروندان زیادی کاربر اینستاگرام بوده‌اند. بنابراین، انتشار محتوای خبری در این رسانه اهمیت زیادی دارد. به همین دلیل تعداد کثیری از شهروندان ایرانی، چه افرادی که در فهرست دنبال‌کنندگان صفحه آن قرار دارند و چه کسانی که رسماً دنبال‌کننده صفحه اینستاگرام ایران اینترنشنال نیستند - به دلایلی از جمله تمایل به گمنامی - در معرض محتوای خبری این رسانه قرار دارند.

تعداد نمونه‌های گردآوری شده برای تحلیل شامل حدود ۱۲۰۰ پست اینستاگرامی است که عمدتاً ماهیت خبری دارند. به‌طور کلی پست‌ها به‌شکل یک عکس‌نوشته و یک متن توضیحی کوتاه هستند. بنابراین، در این مقاله تمرکز اصلی بر تحلیل مضامین این نوشته‌ها و نیز مطالب توضیحی است که در ذیل هر عکس‌نوشته ذکر شده است.

بنابراین، مجموعه پست‌های شبکه ایران اینترنشنال در یک دوره زمانی که یک رویداد اجتماعی فراگیر روی نداده است - اواخر فروردین و اوایل اردیبهشت ۱۴۰۲، به روش دستی یعنی گرفتن عکس از صفحه گردآوری شدند. همچنین از نسخه دسکتاپ نیز برای دسترسی ساده‌تر به زیرنوشته هر کدام از پست‌ها استفاده شد. از آنجا که تمرکز این پژوهش بر استخراج و مقوله‌بندی محتوای مأیوس‌کننده است، از میان جمعیت نمونه، نمونه‌هایی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند که بر اساس ادبیات نظری این مقوله این هدف را دنبال کرده‌اند و می‌توانند در این حوزه مضمونی قرار

گیرند. به عبارت دیگر، نمونه‌گیری به شکل هدفمند صورت می‌گیرد تا مضامین مرتبط با مایوس‌سازی استخراج شوند.

برای تحلیل داده‌ها متناسب با هدف و مسئله این مطالعه از رویکرد براون و کلارک (۲۰۰۶) استفاده شده است. رویکرد آنها یکی از پرطرفدارترین روش‌های انجام تحلیل مضمون است و مطالعات بسیاری بر مبنای آن انجام شده است. مراحل تحلیل مضمون از نظر آنها شامل (۱) آشنایی با داده‌ها، (۲) ایجاد کدهای اولیه، (۳) جستجوی مضامین، (۴) بازنگری در مضامین، (۵) تعریف و نامگذاری مضامین و (۶) تدوین گزارش است. همانطور که شیخ زاده و بنی‌اسد (۱۳۹۹) این رویکرد را توضیح داده‌اند، این رویکرد به شکل بازتابی است و طی شش مرحله انجام می‌شود و با وجود متوالی بودن که طی آن هر مرحله مبتنی بر مرحله قبلی شکل می‌گیرد، تحلیل فرایندی تکراری است و مستلزم رفت و برگشت میان مراحل مختلف است. مرحل آشنایی با داده‌ها مستلزم مطالعه و بازخوانی داده‌هاست تا با محتوای آنها آشنایی دقیق‌تری صورت گیرد. مرحله کدگذاری مستلزم ایجاد برچسب‌های کوتاه و مختصر به نام کد (رمز) برای شناسایی ویژگی‌های هم داده‌ها است. ایجاد کدهای اولیه مستلزم بررسی کدها و داده‌های مرتب شده برای شناسایی الگوهای مهم و گسترده‌تر از معانی یا مضامین بالقوه است. مرحله چهارم مرحله بررسی مضامین است که طی آن مضامین بالقوه با مجموعه داده‌ها واری می‌شوند. این مرحله گاهی شامل تفکیک، ترکیب یا حذف برخی مضامین است. مرحله پنجم شامل تعریف و نامگذاری مضامین است که طی آن حوزه تمرکز هر مضمون و روایت آن مشخص می‌شود و طی آن یک نام مناسب برای مضمون انتخاب می‌شود. در نهایت مرحله ششم، شامل گزارش تحقیق است که با توجه به مضامین مستخرج از داده‌ها، روایت تحلیل و مرتبط ساختن تحلیل با ادبیات نظری انجام می‌شود.

نمونه‌ها در این مقاله بر اساس این رویکرد تحلیل شده است. راهبرد کلی در این پژوهش قیاسی است و بر اساس مفهوم مایوس‌سازی، داده‌های مرتبط بررسی، کدگذاری و سپس مضامین عمده استخراج شده‌اند. همانطور که کالفیلد (۲۰۲۳) می‌گوید، تحلیل مضمون می‌تواند به شکل قیاسی و یا استقرایی انجام شود. وقتی ما بر اساس مجموعه‌ای از مضامین از پیش تعیین شده - در اینجا مایوس‌سازی - که انتظار داریم در داده‌ها منعکس شده باشند، آنها را تحلیل می‌کنیم، ما به روش قیاسی تحلیل مضمون انجام می‌دهیم.

تحلیل یافته‌ها

موضوعات مورد تأکید ایران اینترنشنال برای مایوس‌سازی در بازه زمانی مورد مطالعه در اینجا ذکر شده‌اند. در این مطالعه در مرحله اولیه کدگذاری تعداد ۱۱۵ کد استخراج شدند. سپس مراحل گوناگون استخراج مضامین بر اساس روش تحلیل مضمون با الگوی براون و کلارک (۲۰۰۶) پیگیری شد. در نهایت پنج مضمون اصلی (۱) ناامیدسازی از بهبود شرایط اقتصادی؛ (۲) القاء ناکارآمدی؛ (۳) القاء ناتوانی در حفاظت از محیط زیست؛ (۴) مهاجرت به‌منزله ابزاری برای نوامیدی از تغییر شرایط؛ و (۵) برجسته کردن فساد و مسائل مالی نهادهای انقلابی و دینی شناسایی شدند که در ادامه آنها را توضیح می‌دهیم.

مضمون اصلی (۱) ناامیدسازی از بهبود شرایط اقتصادی

یکی از موضوعات محوری افزایش تورم است. سال ۱۴۰۲ توسط رهبر معظم انقلاب به‌عنوان سال مهار تولد و رشد تولید نامگذاری شده است. آیت‌الله خامنه‌ای در پیام نوروزی خود فرمود: «مسئله اصلی و محوری کشور در سال جاری نیز، اقتصاد است... من با در نظر گرفتن همه این جهات به‌خصوص موضوع تورم به‌عنوان مشکل اصلی و همچنین تولید به‌عنوان یکی از کلیدهای نجات کشور از مشکلات اقتصادی، شعار سال ۱۴۰۲ را «مهارتورم و رشدتولید» اعلام می‌کنم» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۲).

با وجود این، یکی از مضامین اصلی و پرتکرار اخبار شبکه ایران اینترنشنال توجه به بحث افزایش تورم و برجسته کردن آن است (جدول ۱).

جدول ۱) مضمون اصلی و مضمون‌های فرعی ۱

مضمون اصلی	مضمون‌های فرعی
ناامیدسازی از بهبود شرایط اقتصادی	افزایش تورم
	برجسته کردن اعتصابات کاری
	بی‌توجهی به پرداخت مطالبات کارکنان دولت
	کیفیت نامطلوب تولیدات ایرانی

این شبکه برای افزایش سندیت اخبار خود، محتواهای مرتبط با تورم را در قالب محتوای ویدئویی و تحت عنوان «روایت شما» منتشر می‌کند. این نوع محتواها با این هدف نیز انجام



می‌شود که این رسانه به‌منزله صدای مردم ایران به تصویر کشیده شود. هر چند اغلب این محتواها محتوای توهین‌آمیز دارند.

برجسته کردن اعتصابات کارگری یکی دیگر از محورهای مهم ناامیدسازی از شرایط اقتصادی است. بخش دوم، شعار سال ۱۴۰۲ رشد تولید است. به نظر می‌رسد در همین راستا برجسته‌سازی اعتراضات کوچک کارگری و یا تولید اخبار جعلی از اعتصابات به‌ویژه در صنایع مهم تولید مورد توجه ویژه ایران اینترنشنال قرار دارد. محتواهای مرتبط با اعتصابات نیز از زبان مخاطبان با تیتیر قرمز و در قالب «اعتراض شما» به تصویر کشیده شده است.

به نظر می‌رسد تمرکز بر اعتصاب در اصل با هدف پیشین یعنی بزرگنمایی تورم یک هدف کلان را دنبال می‌کنند. *ناتوانی در پرداخت حقوق کارکنان از جمله بازنشستگان در همین راستا قابل توجه است.* به تصویر کشیدن اعتراضات گروه‌های مختلف اجتماعی همانند بازنشستگان و کارکنان یک بخش مهم از مضامین اخبار رسانه ایران اینترنشنال است. به‌ویژه این موضوع در مورد بازنشستگان مصداق دارد که طی سال‌های اخیر درباره کاهش توان اقتصادی خود معترض بوده‌اند. این اعتراض‌ها اغلب در ارتباط با افزایش تورم هستند که به اعتراضات خیابانی این گروه‌ها منجر شده است. ایران اینترنشنال با تمرکز بر این موضوع و ذکر تاریخ طولانی اعتراض این دسته از شهروندان تلاش می‌کند این گروه اجتماعی را از احقاق حق‌شان ناامید سازد.

کیفیت اتومبیل‌های تولیدی یکی از موارد مورد تأکید در پست‌های اینستاگرامی ایران اینترنشنال است. صنعت خودروسازی یک بخش کلیدی از تولید است و به‌دلیل آنکه تقریباً همه شهروندان به شکل‌های گوناگون با آن درگیر هستند، اهمیت فراوانی دارد. صنایع خودروسازی به‌دلیل کیفیت پایین، انحصارگری، افزایش قیمت و سوانح فراوان منجر به جرح و مرگ مورد انتقاد شهروندان هستند. این وضعیت خود به دستاویزی برای مایوس‌سازی ایران اینترنشنال از بهبود وضعیت این صنعت تبدیل شده است. «خودروی ملی یعنی افتضاح ملی»، «با پراید ۴۰۰ میلیونی جوانان چه امیدی به خرید خودرو داشته باشند» و «حدود ۱۰۰۰ نفر در سفرهای نروزی امسال کشته شدند»-به‌عنوان نمونه‌ای از کدهای استخراج شده، اهدافی همانند مایوس‌سازی در خصوص تولیدات بومی و ملی، مایوس‌سازی از توان تهیه وسیله نقلیه و نمایش یک بخش مهم از صنعت ایران به‌منزله یک تهدید جانی است.



مضمون اصلی (۲) القای ناکارآمدی

ناکارآمدنمایی یکی از محورهای عمده القاء یأس از ایجاد تغییر است. این تکنیک به شیوه‌های گوناگون توسط ایران اینترنت‌شنال دنبال می‌شود. برای نمونه، از زبان یکی از مخاطبان با بیان کیفیت پایین نان این ایده القاء می‌شود که مسئولان توجهی به اعتراضات مردم ندارند و در حال این مشکل نیز ناتوان هستند (جدول ۲).

جدول ۲) مضمون اصلی و مضمون‌های فرعی ۲

مضمون اصلی	مضمون‌های فرعی
القای ناکارآمدی	ناتوانی در رفع مشکلات
	کارآمدنمایی حکومت پهلوی
	نسبت دادن ناکارآمدی به گروه‌های مذهبی
	ناتوانی در تأمین خدمات

همچنین بازتاب شعاری که مبتنی بر گرمی‌داشت شاه اول پهلوی است، به طور کنایه‌وار در پی کارآمد نشان دادن وی و بزرگنمایی ضعف (تعدادی از) مقامات کنونی برای اداره امور جاری کشور است. در این موارد بیشتر روحانیون هدف هجمه قرار می‌گیرند و ناکارآمدی به ناتوانی این گروه در حل مسائل اصلی نسبت داده می‌شود.

ناتوانی در تأمین خدمات. ناتوانی در ارائه خدمات ارتباط نزدیکی با ناکارآمدی اجرایی دارد اما تأکید در اینجا بیشتر بر ضعف مدیریتی است. عموماً این ضعف مدیریتی در زمینه وقوع رویدادهای بحرانی بیشتر جلوه‌گر می‌شود و کمتر به روال عادی اداره امور مرتبط است. برای مثال، «قدرت اول خاورمیانه نمی‌توانه از شرایط بارندگی خودش رو نجات بده»، و «با یه بارون کوچیک، خیابونا رو آب گرفته باز بچسبین به حجاب». اشاره‌ای کنایه‌وار دارد به طغیان رودخانه‌ها در موارد بارندگی شدید و یا جاری شدن فاضلاب در سطح شهر. تعمیم نادرست و یا خلط مباحث یکی از شیوه‌های اساسی در این نوع محتواها برای پروپاگاندا علیه کلیت نظام سیاسی ایران به شمار می‌رود.

مضمون اصلی (۳) القاء ناتوانی در حفاظت از محیط زیست

حفاظت از محیط زیست طی سال‌های اخیر بیش از پیش برجسته شده است. شرایط حاد محیط‌زیستی همانند خشکسالی، خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها و نیز تخریب جنگل‌ها و منابع طبیعی سبب افزایش توجه افکار عمومی به ضرورت حفظ و صیانت از محیط زیست شده است. اما از سوی دیگر، به یک موضوع سیاسی و امنیتی نیز تبدیل شده است. طی سالیان اخیر، نمونه‌های فراوانی از جاسوسی و اقدامات ضدامنیتی در پوشش محیط زیست افشاء شده است. از طرف دیگر، همانطور که کاویانی‌راد (۱۳۹۰) بیان می‌کند نظر به مخاطراتی که تخریب محیط زیست دارد، رابطه میان امنیت و محیط زیست بیش از پیش برجسته می‌شود. رسانه‌های بیگانه به‌ویژه در حوزه مسائل محیط‌زیستی می‌کوشند مخاطبان القاء‌کنند که در این حوزه کشور دچار سوءمدیریت است و ناکارآمدی در یک بخش را به کل دولت و نظام نسبت بدهند (جام جم آنلاین، ۱۴۰۱). این موضوع در محتواهای ایران اینترنشنال نیز برجسته شده است (جدول ۳).

جدول ۳) مضمون اصلی و مضمون‌های فرعی ۳

مضمون اصلی	مضمون‌های فرعی
القاء ناتوانی در حفاظت از محیط زیست	ناتوانی در حفاظت از منابع آبی
	ناتوانی در حفاظت از منابع طبیعی
	پیوند زدن معضلات زیست‌محیطی به نهادهای مذهبی

به‌ویژه نسبت دادن مسائل محیط‌زیستی به ناکارآمدی نظام سیاسی در ایران یک تاکتیک تکرارشونده است. «طوفان نمک در دریاچه ارومیه» به طور تلویحی بر کم‌کاری دولت برای جلوگیری از خشک شدن این دریاچه اشاره دارد. همچنین «وقوع آتش‌سوزی در تالاب میقان اراک» که بنا بر گزارش‌ها بر اساس اصابت صاعقه به وقوع پیوسته است، به قصور و ناتوانی دولت در حفاظت از آن نسبت داده می‌شود. در بخش اظهارنظر که طی آن دنبال‌کنندگان صفحه ایران اینترنشنال نظرات خود را بیان می‌کنند، این امر برجسته شده است. همچنین در کد «زباله‌ها در جنگل‌های کلاردشت؛ وقتی بودجه حوزه علمیه بیشتر از بودجه محیط زیست باشد»، به طور تلویحی تلاش می‌شود چنین القاء شود که معضل محیط زیست در نهایت ناشی از توجه ویژه به نهادهای دینی است و در سطحی بالاتر دین و باورهای دینی در تعارض با محیط زیست



است. همچنین عبارت «آتش در پارک گلستان لانه پرندگان را سوزاند» نیز در نهایت در خدمت عملیات روانی علیه کارآمد نظامی سیاسی برای حفظ محیط زیست است.

مضمون اصلی (۴) مهاجرت به منزله ابزاری برای نومی‌دی از تغییر شرایط

مسئله مهاجرت طی دوره اخیر بیش از پیش برجسته شده است. گرچه مهاجرت به‌طور ذاتی امر مذمومی و یا بهنجاری نیست و انسان‌ها در طول تاریخ به دلایل اقتصادی، سیاسی و مذهبی از موطن خود را ترک کرده و زندگی جدیدی را آغاز کرده است. اما در هر صورت پدیده مهاجرت، مهاجرفرستی و مهاجرپذیری یک امر مورد منازعه است.

در دوران پس از انقلاب اسلامی مهاجرت و ابستگان نظام سیاسی سابق، برخی چهره‌های هنری و مردم عادی که سبک زندگی جدید دینی را نمی‌پسندیدند یک روال عادی بود. اما پس از مدتی موضوع فرار مغزها و یا به عبارتی افراد تحصیل کرده و نخبه به یک نگرانی عمده تبدیل شد. پس از رویدادها و ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱، گفته می‌شود، روند مهاجرت شتاب گرفته است. بنابر برخی آمارها در سال ۱۴۰۱ بیش از ۶۵ هزار نفر از ایران مهاجرت کرده‌اند. موج مهاجرت از تحصیل‌کردگان و نخبگان به سوی عموم متخصصان تغییر جهت داده است. به عبارت دیگر، اگر مهاجرت بیشتر میان دانشجویان و نخبگان رواج داشت اما اکنون به گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی رسیده است (خبرآنلاین، ۱۴۰۱). بنا بر گزارش رصدخانه مهاجرت ایرانیان (۱۴۰۱) کاهش امید اجتماعی، کاهش ثبات اقتصادی و کاهش آزادی‌های اساسی مثل دسترسی به اینترنت آزاد، وضعیت وخیم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، سبب مهاجرت عام و توده‌وار ایرانی‌ها شده است (نقل شده در سایت قطب‌نما، ۱۴۰۱).

گرچه افزایش میل به مهاجرت را نمی‌توان انکار کرد اما نوع تصویرسازی ایران اینترنشنال حاکی از کارکرد پروپاگاندايي این پدیده اجتماعی است (جدول ۴).

جدول (۴) مضمون اصلی و مضمون‌های فرعی ۴

مضمون اصلی	مضمون‌های فرعی
مهاجرت به منزله ابزاری برای نومی‌دی از تغییر شرایط	برجسته کردن پناهندگی برخی از ایرانیان
	سرمایه‌گذاری در خارج از ایران

برای نمونه، در یکی از پست‌های ایران اینترنشنال، «المپین پرافتخار اسکی ایران به نروژ پناهنده شد»، مؤید همین بحث است. برجسته کردن یک ورزشکار و پناهندگی با هدف ایجاد یأس در اذهان عامه مردم انجام می‌شود. به عبارت دیگر، این رسانه خبری سعی دارد اینگونه القا کند که وقتی یک قهرمان ملی که نسبت به عموم مردم وضعیت اقتصادی و اجتماعی بهتری دارد، مجبور می‌شود به یک کشور دیگر پناهنده شود، در این صورت عامه مردم که شرایط اقتصادی دشواری سپری می‌کنند، چه امیدی به تغییر شرایط می‌توانند داشته باشند.

به‌عنوان یک نمونه دیگر باید به خرید املاک در کشورهای دیگر توسط ایرانی‌ها اشاره کرد. موضوعی که طی سالیان اخیر موجب خروج بخش عظیمی از سرمایه ایرانیان از کشور شده است. خبر «شهروندان روسیه و ایران بیشترین تعداد خانه در ترکیه را خریده‌اند»، به طور ناخودآگاه بر یک جریان گسترده مهاجرتی دلالت دارد. نوعی بزرگنمایی در مورد خرید ملک در کشور دیگر توسط شهروندانی ایرانی که در کنار یک کشور مورد تهاجم دیگر، یعنی روسیه، با هدف ایجاد خشم نسبت به روسیه و نیز مایوس‌سازی حتی از زندگی در کشور ایران، برجسته شده است. به عبارت دیگر، این پست‌های اینستاگرامی با القاء گریز از میهن تلاش می‌کنند تصویر بهتری از جهان خارج از ایران ترسیم کنند. امارات و ترکیه از این منظر کانون توجه هستند. ایران اینترنشنال سعی دارد اینگونه القاء کند که ایران یک ویران‌شهر است که امیدی به زیست خودمان و فرزندانمان در آن وجود ندارد و باید به هر طریق ممکن به سرزمین‌های رویایی و آرمانی کوچ کنیم.

مضمون اصلی (۵) برجسته کردن فساد و مسائل مالی نهادهای انقلابی و دینی

در نهایت یک موضوع اساسی دیگر، تمرکز و برجسته‌سازی فساد در میان (تعداد محدود و اندکی از) مقامات و نیز نهادهای دینی و انقلابی است. در ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۲ دین و نهادهای دینی یکی از اهداف اصلی برخی از معترضان و اغتشاشگران بوده است. تهاجم و تعرض به اماکن مذهبی همانند مساجد در اصل با هدف نسبت دادن ناکارآمدی‌ها و مشکلات به اصل دین انجام شده است. در همین راستا عموماً روحانیون و اعضای نهادهای انقلابی همانند سپاه مورد تعرض قرار گرفتند و حتی برخی از آنها نیز به شهادت رسیدند.



در پست‌های اینستاگرامی ایران اینترنشنال تلاش می‌شود با ایجاد تداوی میان مسائل اقتصادی و فساد، ذهنیت عمومی نسبت به نهادهای انقلابی و اشخاص وابسته به آنها محدودش شود؛ موضوعی که درنهایت به ناامیدی از سلامت و کارکرد مثبت آنها منجر می‌شود (شکل ۵).

جدول ۳) مضمون اصلی و مضمون‌های فرعی ۵

مضمون اصلی	مضمون‌های فرعی
برجسته کردن فساد و مسائل مالی نهادهای انقلابی و دینی	برجسته کردن فساد فرزندان مسئولان
	برجسته‌سازی حمایت مالی نظام جمهوری اسلامی از محور مقاومت
	پیوند زدن ریشه فساد به نهادهای مذهبی

به طور مثال، موضوع مسائل مالی و بودجه نهاد حوزه علمیه از مواردی است که ایران اینترنشنال به آن نگاهی پروپاگاندایی دارد. پیشتر به نسبت دادن مسائل محیطزیستی به بودجه حوزه علمیه قم اشاره شد. برای نمونه، این رسانه مطلبی را به نقل از دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه بیان کرده است که ایشان گفته‌اند: «وقتی سراغ بودجه مراکز دینی را می‌گیریم، گویا خبری نیست». این مطلب در یک زمینه کلی‌تر، کارکرد تبلیغی دارد. به این معنا که در پست‌های اینستاگرامی دیگر، به بودجه کلان این نهاد به منزله یکی از عوامل مشکلات دیگر و فقر برخی از افراد اشاره شده است، اما این مطلب برای برانگیختن خشم و تنش عمومی برجسته می‌شود.

همچنین در قالب یک گزارش ویدئویی ادعا می‌شود که فرزندان یکی از مقامات کشور که ارتباط نزدیکی با نظام دارد، درگیر فساد مالی است. این گزارش‌ها بیش از هرچیز در خدمات مأیوس‌سازی افکار عمومی از توان جمهوری اسلامی برای حل مسائل و ناامیدسازی از امید به تغییر و بهبود هرچه بیشتر امور کشور است.

از سوی دیگر، یک رشته موضوعات در همین راستا، برانگیختن مخالفت عمومی نسبت به سیاست‌های منطقه‌ای نظام جمهوری اسلامی در حمایت از محور مقاومت است؛ به‌گونه‌ای که یکی از دلایل اصلی مشکلات اقتصادی و فقر به کمک‌های مالی ایران به برخی گروه‌ها و کشورها واقع در منطقه نسبت داده می‌شود.

نتیجه‌گیری

رسانه‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران از روش‌ها و تکنیک‌های مختلفی برای نفوذ و تأثیرگذاری بر مخاطبان هدف استفاده می‌کنند که از جمله آنها بزرگنمایی، توسل به آمار و کاربرد اخبار جعلی است. جدای از تکنیک‌ها این رسانه‌ها بر برخی موضوعات یا مسائل اجتماعی و سیاسی و فرهنگی نیز تکیه می‌کنند که عموماً در شهروندان به طور معمول با آن مواجه هستند و در در دستورکار افکار عمومی قرار می‌گیرد.

با توجه به اینکه هدف اصلی این پژوهش توجه به موضوعاتی بوده است که در ایران اینترنت‌شنال برجسته شده‌اند، از تکنیک‌ها صرف نظر شده است. به‌طور کلی پنج مضمون اصلی استخراج شده یعنی نامیدسازی از بهبود شرایط اقتصادی؛ القاء ناکارآمدی؛ القاء ناتوانی در حفاظت از محیط زیست؛ مهاجرت به‌منزله ابزاری برای نومی‌دی از تغییر شرایط؛ و برجسته کردن فساد و مسائل مالی، موضوعاتی هستند که دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هستند. برجسته کردن این موضوعات در پست‌های اینستاگرامی این شبکه همراه با برخی تکنیک‌هایی همچون اغراق و دروغ‌گویی نیز بوده است. به‌طور کلی مسائل اقتصادی و فساد دو محور عمده محتواهای پروپاگاندايي ایران اینترنت‌شنال برای تبلیغ علیه جمهوری اسلامی ایران است. با ملاحظه اینکه سال ۱۴۰۲ به‌عنوان مهار تورم و رشد تولید نامگذاری شده است، بخش قابل ملاحظه محتواهای تبلیغاتی ایران اینترنت‌شنال با هدف نامیدسازی افکار عمومی از بهبود شرایط اقتصادی معطوف شده است. انتشار گزارش‌هایی که محتوای آنها افزایش تورم و کاهش توان شهروندان برای تهیه مایحتاج خود است با هدف بزرگنمایی تورم و ناتوانی دولت برای مقاله با آن به اشتراک گذاشته می‌شود. هدف دیگر نیز مقابله با تولید است. عمده محتواهایی که در این راستا تولید می‌شوند بر اعتصابات در برخی از صنایع متمرکز شده‌اند.

علاوه بر مضمون‌های کلی که ایران اینترنت‌شنال بر آنها برای ایجاد یأس از آینده متمرکز شده است، از برخی شیوه‌های تبلیغی نیز برای افزایش تأثیرگذاری بر افکار عمومی استفاده می‌شود. با آنکه تحلیل این تکنیک‌ها هدف اصلی مقاله است اما به شکل گذرا به آنها اشاره می‌شود. مهمترین این تکنیک‌ها یک‌سویگی انتشار اخبار است؛ به این معنا که صرفاً اخباری که به اصطلاح منفی هستند منتشر می‌شوند و هیچ نوع اخبار نویدبخشی در صفحه ایران اینترنت‌شنال منتشر نمی‌شود. توسل به زبان مردم یکی از دیگر از تاکتیک‌های افزایش تأثیرگذاری است. برای بیان افزایش تورم بخشی با عنوان روایت شما وجود دارد. در این ویدئوها از زبان مخاطبان بر



افزایش فزاینده تورم و اعتراض عمومی به آن اشاره می‌شود. همچنین برای بیان اعتصابات از عبارت اعتراض شما استفاده می‌شود که مجدداً هدف آن سندیت‌بخشی و نیز بازنمایی این رسانه به‌عنوان صدای مردم است. همچنین تردیدی نیست که اخبار جعلی و یا اطلاعات نادرست و گمراه‌کننده بخش عمده محتواهای ایران اینترنشنال را تشکیل می‌دهد. این شبکه از نوعی چارچوب‌بندی برای دستکاری در ذهنیت مخاطبان خود در مورد مسائل و معضلات ایران استفاده می‌کند که در پس نمایندگی صدای مردم پنهان شده است. چارچوب‌بندی‌ای که مبتنی بر توازن در انتشار اخبار یعنی جهت‌گیری عمده به سوی اخبار منفی و عدم رعایت بی‌طرفی و عینیت در انتشار اخبار بوده است.

پیشنهاد‌های کاربردی و رسانه‌ای

- رسانه‌های برون‌مرزی رویکرد تبیینی را در پیش بگیرند. البته با توجه به مخاطبان هدف هر رسانه این رویکرد متفاوت است.
- به شکل طبیعی بخش قابل ملاحظه‌ای از مشکلات ماهیت خارجی دارند و لزوماً به نحوه مدیریت و کارآمدی نظام سیاسی ربط پیدا می‌کنند. بنابراین، بر اساس یافته‌های این مقاله پیشنهاد می‌شود تا ذهنیت مخاطبان ایرانی و غیرایرانی خارج از کشور از این منظر اصلاح شود.
- رسانه‌های انگلیسی و عرب‌زبان وابسته به صداوسیما باید با برجسته کردن این موضوع توجه افکار عمومی جهانی و نیز سازمان‌های بین‌المللی را به پیامدهای غیرانسانی تحریم‌ها جلب کنند تا یا از میزان این فشارها کاسته شود و یا اینکه دست‌کم از ایجاد مشکلات جدید از جمله به شکل تحریم خودداری شود.
- رسانه‌های برون‌مرزی همانند العالم و الکوثر برای تولید و انتشار برنامه‌هایی درباره دستاوردهای ایران طی چند دهه گذشته، بیش از پیش اقدام کنند. این دستاوردها می‌تواند در زمینه‌های علمی، اقتصادی و فرهنگی باشد. به‌ویژه باید بر دستاوردهایی تمرکز شود که افکار عمومی در خصوص آنها باور دارند. مثلاً دستاوردهای حوزه‌های پزشکی، درمانی و دفاعی.
- پیشنهاد دیگر، تولید و پخش برنامه‌های افزایش سواد رسانه‌ای به‌ویژه برای مخاطبان کشورهای منطقه است. این برنامه‌ها باید با تمرکز بر افزایش رویکرد انتقادی مخاطبان درباره تکنیک‌های پروپاگاندا، عملیات روانی و یا توانایی تشخیص اخبار جعلی و اطلاعات نادرست باشد. همچنین می‌توان برای تولید و پخش مجموعه‌های مستند درباره معرفی زمینه‌ها، ابعاد

- و اهداف گوناگون جنگ نرم اقدام کرد که این اقدام می‌تواند بر تغییر ذهنیت مخاطبان شبکه‌های برون‌مرزی نقش مؤثری داشته باشد.
- بر اساس یافته‌های این مقاله، در برنامه‌ای میزگردی در العالم یا پرس تی وی، مضامین کاذب و تکنیک‌ها و شگردهای ایران اینترنشنال برای سیاه‌نمایی وضعیت ایران با حضور کارشناسان زبده بررسی شود.
- با توجه به رشد کاربران شبکه‌های اجتماعی توانمندسازی شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما برای حضور قدرتمندتر در شبکه‌های اجتماعی ضرورت دارد.

پیشنهاد‌های پژوهشی

- ۱) مطالعه انواع تکنیک‌های پروپاگاندایی که توسط رسانه‌های مخالف نظام سیاسی ایران در برنامه‌سازی پیگیری می‌شود.
- ۲) ارزیابی برنامه‌های رسانه‌های فارسی‌های زبان از منظر توجه به دیپلماسی رسانه‌ای و نشر ابعاد فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۳) مطالعه چندپلتفرمی شدن انتشار محتواهای رسانه‌ای و نحوه کاربرد متناسب و هدفمند آنها توسط رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما.

منابع و مأخذ

- امین فرد، احمد (۱۳۹۹). راهبردهای ارتقای دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران برای برون‌مرزی صداوسیما. *پژوهشنامه رسانه بین‌الملل*، ۵(۲)، ۸۹-۱۱۰.
- ایران اینترنشنال (۱۴۰۲). اصول راهنما. وبسایت ایران اینترنشنال. قابل دسترسی در: <https://www.iranintl.com/guidelines>
- ایران اینترنشنال (۱۴۰۲). درباره ما. وبسایت ایران اینترنشنال. قابل دسترسی در: <https://www.iranintl.com/about>
- جام جم آنلاین (۱۴۰۱). در برنامه امواج شبهه بررسی شد؛ چرا محیط زیست برای نفوذ و جاسوسی انتخاب می‌شود؟ *جام جم آنلاین*. قابل دسترسی در: <https://jamejamonline.ir/fa/news/1366069>
- جلال پور، شهره، پای فرد، کیانوش، و فلاح، محمد (۱۳۹۵). واکاوی سازوکارها و اهداف جنگ نرم. *مطالعات قدرت نرم*، ۶(۱۴)، ۱۲۹-۱۵۱.
- حسینی، حسین (۱۳۹۸). *رسانه اجتماعی اینستاگرام: زندگی روزمره و فرهنگ دیداری*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران. وبسایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. تاریخ انتشار: ۲۲ بهمن ۱۳۹۷. <https://idc0cdn0.khamenei.ir/ndata/news/41673>
- خبرآنلاین (۱۴۰۱). آخرین آمار مهاجرت ایرانی‌ها، ۶۵ هزار نفر/ کوچ هر ایرانی یعنی خروج ۱۲۰ هزار دلار از کشور است. *خبرآنلاین*. قابل دسترسی در: <https://www.khabaronline.ir/news/1709288/>
- ستاد حقوق بشر (۱۴۰۱). گزارش شماره ۲ در خصوص تحریک، ترویج و هدایت خشونت، نفرت و هرج و مرج توسط شبکه تلویزیونی ایران اینترنشنال. وبسایت ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران. تاریخ انتشار: ۲۸ آذر ۱۴۰۱. قابل دسترسی در: <https://bern.mfa.ir/portal/newsview/704525>
- ساداتی، سید نصراله (۱۳۹۳). نقش رسانه‌های برون‌مرزی رسانه ملی در دیپلماسی رسانه‌ای با تأکید بر شبکه‌های العام و پرس تی‌وی. *پژوهش‌های ارتباطی*، ۲۱(۳)، ۹۹-۱۲۰.
- غلامی، مصطفی، فتحی، ابراهیم، و امیری، جهاندار (۱۴۰۱). کاوشی بر گفتمانهای خبرگزاری صداوسیما و شبکه ایران اینترنشنال در انتخابات مجلس یازدهم ایران. *مطالعات رسانه‌ای*، ۱۶، ۸۷-۱۰۷.
- قطب‌نما (۱۴۰۱). تب تند مهاجرت ایرانی‌ها به دهک‌های پایین جامعه رسید. آمار مهاجرت ایرانیان در سال ۱۴۰۰ + اینفوگرافیک. سایت قطب‌نما. قابل دسترسی در: <https://www.qotbnama.com/management-development/management-and-individual-growth/iran-migration>



کاوینی راد، مراد (۱۳۹۰). پردازش مفهوم امنیت زیست محیطی (رابطه امنیت و اکولوژی). فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک. ۷(۳)، ۸۰

لیندلف، تامس، و تیلور، برایان (۱۳۸۸). روش‌های تحقیق کیفی در ارتباطات. تهران: همشهری.

نصراللهی، اکبر (۱۴۰۱). شیوه‌های جنگ نرم دشمن در کارزار آشوب‌های خیابانی. روزنامه کیهان، دوشنبه ۱۱ مهر ۱۴۰۱، شماره ۲۳۱۳۲، ۵.

هوشیار، مهدی، و گوردزی، محسن (۱۳۹۹). شیوه پوشش اخبار تشکیل ائتلاف دریایی آمریکا در خلیج فارس و دریای عمان (تحلیل گفتمان اخبار سایتهای ایران اینترنشنال و دویچه وله فارسی). علوم خبری، ۳۳، ۶۳-۹۹.

- Abrams, Z. (2022). The Role of Psychological Warfare in The Battle for Ukraine . *American Psychological Association* .Available at: <https://www.apa.org/monitor/2022/06/news-psychological-warfare>
- Bezmenov, Y. (1984). *Love Letter to America*. Los Angeles: Almanac Panorama.
- Braun, V., & Clarke, V. (2019). Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology* 3(2), 77-101.
- Britannica, T. Editors of Encyclopedia (2015, November 30). Psychological warfare. *Encyclopedia Britannica*. Available at: <https://www.britannica.com/topic/psychological-warfare>
- Campbell, S. et al (2020). Purposive Sampling: complex or simple? Research case examples. *J Res Nurs*. 2020 Dec; 25(8):652-661.
- Caulfield, J. (2023). How to Do Thematic Analysis: Step-by-Step Guide & Examples. Available at: <https://www.scribbr.com/methodology/thematic-analysis/>
- Clarke DM, Kissane DW. (2002). Demoralization: Its Phenomenology and Importance. *Australian & New Zealand Journal of Psychiatry*. 36(6):733-742
- Costanza, A et al. (2022). Demoralization in Suicide: A systematic Review. *Journal of Psychosomatic Research*. Vol. 157, 110788. Pp.1-14.
- Gregor, M. & Mlejnková, P. (2021). Explaining the Challenge: From Persuasion to Relativisation. in *Challenging Online Propaganda and Disinformation in the 21st Century*. edited by Miloš Gregor & Petra Mlejnková. Switzerland: Pgrave Macmillan.
- Kanji, (2018). Manik Sarkar: *Real And The Virtual*. India: Prabhat Prakashan.
- Longley, R. (2019). An Introduction to Psychological Warfare. Available at: <https://www.jstor.org/stable/48602562>
- Matsa, K. E. (2023). More Americans are getting news on TikTok, bucking the trend seen on most other social media sites. Available at: www.pewresearch.org <https://www.pewresearch.org/short-reads/2023/11/15/more-americans-are->

getting-news-on-tiktok-bucking-the-trend-seen-on-most-other-social-media-sites/

Nielsen, R. K. & Ganter, S. A. (2022). *The Power of Platforms: Shaping Media and Society*. Oxford: Oxford University Press.

Rand (2022). Psychological Warfare, Rand, Available at:
<https://www.rand.org/topics/psychological-warfare.html>

Sujon, Z. (2021). *The Social Media Age*. Los Angeles & London: Sage.

Watson, A. (2024). Frequency of Using Selected News Sources Among Millennials in the United States as of August 2022. Available at:
<https://www.statista.com/statistics/1010456/united-states-millennials-news-consumption>.

Wilke, J. (2009). Propaganda. in *International Encyclopedia of Communication*. edited by Wolfgang Donsbach, Malden Blackwell Publishing.

Woolly, S. (2020). *The Reality Game: How The Next Wave of Technology will Break The Truth*. New York: Public Affairs.



شیوه‌های مؤثر در کاربست دیپلماسی عمومی انقلاب اسلامی

در رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما*

محسن سوهانی^۱، امیرحسام اسحاقی^۲، حسن درزیان رستمی^۳

چکیده

امروزه کشورهای قدرتمند در پوشش رسانه به تأمین منافع خود و پیشبرد سیاست خارجی از رهگذر تبلیغات سیاسی و شکل‌دهی به افکار عمومی می‌پردازند. ایران نیز از طریق رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما این سیاست را در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پیگیری می‌کند. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر تبیین دل‌های گفتمان‌سازی و شیوه‌های مؤثر در کاربست دیپلماسی عمومی انقلاب اسلامی در رسانه‌های برون‌مرزی سازمان صداوسیماست. روش پژوهش، آمیخته (کیفی-کمی) است. ابزار پژوهش در بخش کیفی مصاحبه نیمه‌ساختار یافته و در بخش کمی، تحلیل معادلات ساختاری بوده است. بدین منظور، داده‌های حاصل از تکمیل پرسشنامه توسط ۲۵ صاحب‌نظر، در نرم‌افزار SPSS و PLS به‌منظور مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل شده است. صاحب‌نظران به روش نمونه‌گیری هدفمند از میان خبرگان حوزه‌های دیپلماسی و رسانه که بر مفاهیم نظری انقلاب اسلامی نیز مسلط بودند، انتخاب شدند. تعداد آنها بر اساس معیار اشباع نظری یافته‌ها حاصل شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که عوامل غیریت‌سازی، اسطوره‌سازی، هژمونی‌کردن، هم‌ارزی، ساختارشکنی، حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی از شیوه‌های مؤثر در کاربست دیپلماسی عمومی در رادیو و تلویزیون‌های معاونت برون‌مرزی سازمان صداوسیما و سبک زندگی اسلامی، وحدت‌بخشی، رأفت اسلامی و خردورزی، استکبارستیزی، اندیشه‌های ضدسکولاریستی و جهل‌زدایی از دل‌های گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی ایران در سطح بین‌المللی هستند. نتایج تحلیل معادلات ساختاری مؤید کاربست توأمان این عوامل و مؤلفه‌هاست.

کلیدواژه‌ها: رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی رسانه‌ای، گفتمان انقلاب اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲

*. این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم است.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت رسانه، گروه مطالعات فرهنگی و رسانه، دانشکده علوم ارتباطات و مطالعات رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Sohaniirib@gmail.com
۲. استادیار گروه مطالعات فرهنگی و رسانه، دانشکده علوم ارتباطات و مطالعات رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Eamirhesam@yahoo.com
۳. استادیار گروه مطالعات فرهنگی و رسانه، دانشکده علوم ارتباطات و مطالعات رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Rostamiuk@yahoo.co.uk

مقدمه

امروزه، گفتمان‌ها با رسانه‌های وابسته به نهادهای متولی آن گفتمان‌ها، پیوند عمیقی پیدا کرده‌اند. به گونه‌ای که نظام‌های سیاسی و فکری مختلف درصدد ترویج و تثبیت گفتمان خود از طریق رسانه‌های دیداری و شنیداری در سطح ملی و برون‌مرزی هستند. جمهوری اسلامی ایران، هویت گفتمانی متفاوتی است که در اثر یک دگرگونی سیاسی بنیادین به نام «انقلاب اسلامی» وارد مناسبات نظام بین‌المللی شد و طی چهار دهه، بسیاری از معادلات و مراودات منطقه‌ای و حتی جهانی را متأثر ساخت. این انقلاب با طرح گفتمانی جدید و ارائه خوانش‌های نوین از سیاست خارجی، منافع ملی، نظم بین‌المللی و ثبات جهانی، واکنشی به‌شدت اعتراضی به توزیع ناعادلانه قدرت در سطح روابط بین‌الملل داشته و از این رو، خواهان توزیع دوباره قدرت و برقراری توازن جدیدی از نیروها در سطح بین‌المللی شده است. در این راستا، توجه به گفتمان‌سازی در رسانه، یکی از شیوه‌های مهمی است که می‌تواند ایران را در نیل به اهداف خود در سطح بین‌الملل یاری رساند. به بیان مقام معظم رهبری، هدف از گفتمان‌سازی «این است که اندیشه دینی، معرفت دینی در مخاطبان، در مردم، رشد پیدا کند. اندیشه دینی که رشد پیدا کرد، وقتی همراه با احساس مسئولیت و تعهد باشد، عمل به وجود می‌آورد و همان می‌شود که پیغمبران دنبال آن بودند» (سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۹/۲۲). بنابراین، می‌توان تأکید کرد که رسانه ملی و به طور خاص، شبکه‌های برون‌مرزی به‌عنوان قرارگاه مقدم جنگ نرم در سطح بین‌المللی نقش اساسی در اثرگذاری دیپلماسی رسانه‌ای کشور، معرفی هویت ملی و گفتمان انقلاب اسلامی و درواقع، تصویر بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران دارند. درواقع دغدغه و مسئله پژوهشگران از تلاقی شناسایی و رتبه‌بندی مؤلفه‌های اثرگذار برای گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی ایران و شیوه‌های مؤثر کاربست دیپلماسی عمومی این گفتمان در رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما حاصل می‌شود.

یکی از ضرورت‌های اصلی کاربست دیپلماسی عمومی را باید ائتلاف‌سازی در قالب گفتمان‌های مشخص و تعریف شده دانست. به همان‌گونه‌ای که ائتلاف در رسانه‌ها در راستای هدف خاصی انجام می‌گیرد، طبیعی است که در نگرش گفتمانی نیز ضرورت گفتمان‌سازی امری اجتناب‌ناپذیر بر اساس قالب‌های نظری است. هر گفتمان انقلابی می‌تواند شکل خاصی از روابط را بین افراد و هویت آنان به‌وجود آورد. در گفتمانی که ماهیت فرهنگی، سیاسی و همچنین راهبردی داشته باشد، نیاز همه‌جانبه به ارائه مدل جامع وجود خواهد داشت. برای اجراسازی



گفتمان تغییر وضع موجود، جمهوری اسلامی ایران توانسته است روابط و همچنین معادله رسانه‌ای را بر اساس قالب‌های هویتی سازمان‌دهی نماید. هویت ایدئولوژیک می‌تواند پیامدهای راهبردی را نیز ایجاد کند. کشورهایی که نتوانند قالب‌های گفتمانی مناسب و مطلوبی طراحی و سازمان‌دهی نمایند، طبیعی است که در زمان محدودی قابلیت‌های هماهنگ‌کننده و انسجام‌بخش خود را از دست می‌دهند و در آوردگاه رسانه‌ای امروز، در رقابت با رقبای، نمی‌توانند نقش حداکثری ایفاء کنند.

کشورهای قدرتمند با استفاده از دیپلماسی عمومی با اشاعه و ترویج ایدئولوژی، ارزش و هنجارهای خود درصدد صدور پیام و فرهنگ خویش هم‌چنین کسب برتری بوده‌اند. این بستر با همکاری رسانه‌ها شکل می‌گیرد. بر این اساس کشورهای قدرتمند نفوذ خود را مدیون رسانه‌های بین‌المللی هستند که در پوشش اطلاع‌رسانی به تأمین منافع کشور و پیشبرد سیاست خارجی از رهگذر تبلیغات سیاسی، اطلاع‌رسانی و شکل‌دهی به افکار عمومی می‌پردازند. از این رو بررسی دال‌های گفتمان‌سازی و شیوه‌های مؤثر ترویج آنها در معاونت برون‌مرزی سازمان صداوسیما در توسعه دیپلماسی عمومی گفتمان انقلاب اسلامی ضروری به نظر می‌رسد.

بر اساس مقدمه مذکور، سوالات مقاله را می‌توان به صورت زیر تبویب کرد:

از نظر صاحب‌نظران کدامین عوامل و شیوه‌های مؤثر در کاربست دیپلماسی عمومی گفتمان انقلاب اسلامی در رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما می‌توانند اثرگذار باشد؟

از نظر صاحب‌نظران کدامین دال‌های انقلاب اسلامی ایران برای گفتمان‌سازی در سطح بین‌المللی در رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما می‌توانند اثرگذار باشد؟

کدام شاخص (عامل) در ارتباط با شیوه‌های مؤثر کاربست دیپلماسی عمومی در رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما بیشترین ضریب معناداری را داراست؟

کدام شاخص (عامل) در ارتباط با دال‌های انقلاب اسلامی ایران برای گفتمان‌سازی در سطح بین‌المللی در رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما بیشترین ضریب معناداری را داراست؟

پیشینه پژوهش

با توجه به میان‌رشته‌ای بودن این مقاله، پژوهش‌های مختلفی انجام شده‌اند که به‌طور غیرمستقیم با موضوع این پژوهش مرتبط هستند. اما برای اختصار و بهره‌گیری بیشتر از ادبیات تجربی موضوع، در ادامه صرفاً چند پژوهش جدید که ارتباط بیشتر با موضوع این مقاله دارند، ذکر می‌شوند.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان	نویسندگان / سال	یافته‌ها و نتیجه اصلی
۱	آسیب‌شناسی ساختاری دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران	خادم‌زاده و همکاران (۱۳۹۹)	جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های ساختاری، نهادی، مدیریتی و رویکردی در زمینه دیپلماسی عمومی دچار ضعف است و بر همین اساس نتوانسته است از ظرفیت‌های بالقوه فرهنگی، مذهبی و سیاسی در دیپلماسی عمومی خود به‌طور شایسته بهره‌مند شود.
۲	راهبردهای ارتقای دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران برای برون‌مرزی صداوسیما	امین‌فرد (۱۳۹۹)	راهبردهای رقابتی مناسب‌ترین راهبردها برای شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برون‌مرزی در راستای ارتقای دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران هستند. مهمترین راهبرد به دست آمده «ایجاد گروه اندیشه‌ورزی مدیریت ادراک و تشکیل تیم سردبیران ویژه خبری دانشی و با تجربه در شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برون‌مرزی» بوده است.
۳	سیاست‌های مطلوب رسانه‌های شبکه هیسپان‌تی‌وی برون‌مرزی «با رویکرد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»	غفاری‌قدیر و همکاران (۱۳۹۷)	هیسپان‌تی‌وی برای اینکه بتواند نقشی مؤثرتر در دیپلماسی فرهنگی ایفا کند، باید سیاست‌های محتوایی خود را براساس اهداف و اولویت‌های رسانه و با در نظر گرفتن شرایط محیطی مخاطب تدوین کند و راهبردهای ساختاری، مدیریتی و توزیعی مطلوب و متناسبی را در برنامه‌ها و محیط درون رسانه در پیش بگیرد.
۴	نقش شبکه‌های برون‌مرزی رسانه ملی جمهوری اسلامی ایران در بیداری اسلامی	محمدی (۱۳۹۴)	در مقایسه با شبکه‌های بی‌بی‌سی و الجزیره که امکان حضور مستقیم و نصب تجهیزات رسانه‌ای حرفه‌ای و گسترده در مکان‌های متعدد به خصوص میادین را داشتند در اکثر مواقع رسانه ملی چه در حوزه شبکه‌های برون‌مرزی و چه در پوشش اخبار برای مخاطبان داخلی به‌عنوان یک شبکه مصرف‌کننده محسوب و کمتر امکان مخابره اخبار دست اول برای آن میسر شد.
۵	دیپلماسی عمومی جدید؛ بسترساز قدرت دیپلماسی رسانه‌ای	خسروی و همکاران (۱۳۹۴)	الگوی ارتباط دیپلماسی عمومی، به لحاظ هدف، ابزار، متدولوژی و دوره‌ی زمانی بستر نفوذ رسانه‌ها بر ساختارهای مدل دیپلماسی و سیاست خارجی را فراهم کرده است. دیپلماسی رسانه مهم‌ترین بخش

ردیف	عنوان	نویسندگان / سال	یافته‌ها و نتیجه اصلی
			دیپلماسی عمومی جدید محسوب می‌شود و استراتژی ضروری و محوری برای قرن ۲۱ است.
۶	نقش شبکه‌های برون مرزی رسانه ملی در دیپلماسی رسانه‌ای با تأکید بر شبکه‌های العالم و پرس‌تی‌وی»	ساداتی (۱۳۹۳)	رسانه ملی و به طور خاص، شبکه‌های برون مرزی در موضوعات حساس بین‌المللی و داخلی همچون انرژی هسته‌ای، بحران گروگان‌گیری ملوانان انگلیسی و ماجرای غزه موفق عمل کرده است.

همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود اکثر پژوهش‌های انجام شده، ضمن تأکید بر جایگاه ویژه رسانه‌ها در دیپلماسی عمومی، در خصوص وضعیت دیپلماسی عمومی در رسانه‌های بین‌المللی صداوسیما ضمن بیان نقاط قوت، کاستی‌ها را نیز بیان می‌کنند که این کاستی‌ها بر لزوم بازاندیشی در خصوص کاربری دیپلماسی عمومی انقلاب اسلامی در رسانه‌های برون مرزی صداوسیما صحه می‌گذارد. بر این اساس، پژوهش پیش رو، ضمن بدیع بودن می‌تواند مکمل پژوهش‌های پیشین در ارائه دال‌های گفتمان‌سازی و شیوه‌های مؤثر ترویج آنها در رسانه‌های برون مرزی صداوسیما باشد.

۱. مبانی نظری

۱-۱. دیپلماسی عمومی

دیپلماسی، مهمترین ابزار و راه نیل به منافع ملی و اهداف سیاست خارجی کشورها محسوب می‌شود. در حقیقت وظایف دیپلماسی دربرگیرنده مدیریت روابط خارجی در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، مالی، اقتصادی و فرهنگی، برای تأمین منافع ملی و اهداف کشور در عرصه خارجی است (Barston, 2006: 87). امروزه در کنار دیپلماسی سنتی که بر مذاکرات رسمی و دیپلماتیک واحدهای سیاسی استوار است، دیپلماسی عمومی نیز توسعه چشم‌گیری داشته است.

دیپلماسی عمومی یکی از مؤلفه‌ها و روش‌های جنگ نرم است (McClory, 2011). جوزف نای^۱ معتقد است اگر قدرت نرم از فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست خارجی ملتی ناشی می‌شود، پس

1. Joseph Nye

دیپلماسی عمومی ابزاری است که حکومت‌ها از بسیج منابع (قدرت نرم) برای ارتباط و جذب مردم کشورهای دیگر و نه صرفاً حکومت‌ها از آنها استفاده می‌کنند (نای، ۱۳۸۹: ۹۵). این روش و ابزار، به معنای کاربرد ابزارهای فرهنگی و ارتباطات بین‌الملل در سیاست خارجی است و به گونه‌ای فراگیر شامل دیپلماسی فرهنگی و ارتباطی می‌شد (گیلبوا، ۱۳۸۸: ۱۵). دیپلماسی عمومی، ابزاری است که ما از طریق همکاری با توده‌های مردم در خارج از کشور برای دستیابی به اولویت‌های بین‌المللی راهبردی خویش از آن بهره می‌جوییم (Fisher, 2009: 252). دیپلماسی عمومی، تعامل با شهروندان خارجی به قصد اعمال نفوذ بر افکار آن‌ها به‌جای ارتباطات سنتی، مذاکره و نمایندگی بین حکومت‌ها است (Melissen, 2005: 5).

دیپلماسی عمومی به دو گونه سنتی و نوین دسته‌بندی می‌شود. شاخص‌ترین تفاوت میان دیپلماسی عمومی سنتی و دیپلماسی عمومی نوین در رویکرد ارتباطی آنها نهفته است، به این معنا که دیپلماسی عمومی سنتی، سلسله‌مراتبی و توده‌محور است، در حالی که دیپلماسی عمومی نوین شبکه‌محور است. الگوی سلسله‌مراتبی که عمدتاً طی جنگ سرد توسط ایالات متحده آمریکا توسعه یافت به‌لحاظ مفهومی به تبلیغات نزدیکتر بوده و از «دیپلماسی عمومی راهبردی» برای انتقال جریان‌های اطلاعات بالا به پایین به مخاطبان هدف استفاده می‌کند (Hocking, 2005: 36-37). یکی از گونه‌های مهم دیپلماسی عمومی نوین، دیپلماسی رسانه‌ای است.

۱-۱-۱. دیپلماسی رسانه‌ای

اکنون فناوری‌های نوین ارتباطاتی و اطلاعاتی، گستره دیپلماسی و سیاست خارجی را به روزنامه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی کشانده‌اند؛ حتی تصمیم‌گیران سیاسی در دولت‌ها و دیپلمات‌ها هم نمی‌توانند به‌طور مستقیم از مسائل جهانی مطلع شوند. بنابراین، آنها هم با رجوع به رسانه‌های جمعی تصویری کلی از جهان به دست می‌آورند (Zhang, 2010: 236). گیلبوا^۱ بین سه کاربرد رسانه در دیپلماسی تمایز قایل است: «دیپلماسی عمومی»، که در آن بازیگران دولتی و غیردولتی از رسانه‌ها و سایر کانال‌های ارتباطی برای تأثیرگذاری بر نظرات مردم کشورهای دیگر بهره می‌برند؛ «دیپلماسی رسانه‌ای» که در آن مقامات رسمی از رسانه بهره می‌گیرند تا از این طریق به منافع مشترک مثل راه حل منازعات دست پیدا کنند و «دیپلماسی میانجی‌گرایانه»

1. Gilboa
2. Media-broker Diplomacy



که در آن روزنامه‌نگاران موقتاً نقش دیپلمات را عهده‌دار می‌شوند و در تعاملات بین‌المللی نقش میانجی‌گر را ایفاء می‌کنند (Gilboa, 2000: 6).

دیپلماسی رسانه‌ای با حضور در قلب دیپلماسی عمومی، دیپلماسی ایده‌آلی را برای ارائه و دستیابی به اهداف و منافع ملی فراهم می‌کند. این دیپلماسی، در کنش‌های متقابل بین‌المللی، توانایی و قابلیت مساوی را به همه دولت‌ها می‌دهد. پیشبرد سیاست خارجی و دیپلماسی بیش از پیش به میزان تأثیرگذاری تاکتیک‌های خبری و رسانه‌ای وابسته شده است. فضایی که سیاست‌مداران را بر آن داشته است که پیش از هر عمل سیاسی به سنجش اخبار رسانه‌ها پردازد و با جلب افکار عمومی بر قدرت عمل سیاسی خود بیفزایند. گسترش فناوری ارتباطات و به‌ویژه تلویزیون جهانی، تغییرات زیادی را در فضای جدید دیپلماتیک ایجاد کرده است، به این صورت که بیشترین تعامل دیپلماتیک با مخاطبان جهانی است. در این نوع از دیپلماسی، افکار عمومی کشور یا کشورهای دیگر مورد هدف و مخاطب سیاست‌گذاری دستگاه سیاست خارجی و دیپلماسی هستند (دعاگویان، ۱۳۸۸: ۱۳). دیپلماسی رسانه‌ای در واقع اغلب با ایجاد روابطی هماهنگ، دوستانه و نزدیک با کشورها و به‌ویژه مردم آنها، تولید نیرو و هم‌افزایی می‌کند.

گیلبوآ، دیپلماسی رسانه‌ای را به معنای استفاده از رسانه‌های جمعی، برای برقراری با بازیگران دولتی و غیردولتی، برای اعتمادسازی، پیشرفت مذاکرات و بسیج حمایت عمومی از توافقات تعریف می‌کند. دیپلماسی رسانه‌ای از طریق فعالیت‌های معمول یا ویژه متعددی شامل کنفرانس‌های مطبوعاتی، مصاحبه و افشاء، به علاوه دیدار سران کشورها و واسطه‌ها در کشورهای متخاصم، و رویدادهای رسانه‌ای تأثیرگذاری پی‌گیری می‌شود که برای ورود به دورانی جدید ترتیب داده شده‌اند (گیلبوآ، ۱۳۸۸: ۵).

۲-۱. گفتمان

گفتمان یک سیستم مترتب بر پراکندگی است که دال مرکزی موجب انسجام آن می‌شود. دال مرکزی، دال برتر و نیروی جاذب سایر نشانه‌ها و عناصر است که حول آن، مفصل‌بندی می‌شوند (یورگسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۴۷؛ حقیقت و حسینی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۰۸). فوکو گفتمان‌ها را اعمالی می‌داند که به طور نظام‌مند موضوعاتی را شکل می‌دهند که خود سخن می‌گویند. گفتمان‌ها درباره موضوعات صحبت نمی‌کنند و تعیین‌کننده هویت موضوعات نیستند، بلکه خود سازنده موضوعات هستند و در فرایند این سازندگی مداخله خود را پنهان می‌سازند (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۷-۱۸). در نظر

فوکو، گفتمان را صرفاً نباید مجموعه‌ای از گزاره‌های منسجم تلقی کرد، بلکه باید وجود آن را وابسته به مجموعه‌ای از دو نوع روال دانست: یکی روال‌هایی که می‌کوشند آن گزاره‌ها را رواج دهند، و دیگری روال‌هایی که می‌کوشند تا میان آن گزاره‌ها و گزاره‌های دیگر مرزی بنا کنند و از رواج یافتن گزاره‌های دیگر ممانعت به عمل آورند (فوکو، به نقل از میلز، ۱۳۹۹: ۹۱). گزاره کوچکترین واحد گفتمان است (فوکو، ۱۳۹۲: ۱۱۹) و فوکو، گفتمان را بر حسب آن تعریف می‌کند. با مفصل‌بندی، عناصر پراکنده در درون یک گفتمان با هم ارتباط می‌گیرند، به گونه‌ای که این عناصر هویت جدیدی می‌یابند (مارش و استوکر، ۱۳۹۹: ۲۰۲). طی مفصل‌بندی، دال‌های اصلی در زنجیره هم‌ارزی با یکدیگر ترکیب می‌شوند و در برابر یک غیر که تهدید می‌کند قرار می‌گیرند (منوچهری، ۱۳۸۴: ۱۱۴). از ویژگی‌های ذاتی گفتمان‌ها، ضدیت و غیریت است. بر این اساس، گفتمان‌ها با غیر، هویت یافته و نظام معنایی خود را تنظیم می‌کنند. در واقع، بررسی نظام معنایی یک گفتمان مستلزم تعریف آن در تقابل آن با گفتمان رقیب و دستیابی به نقاط تفاوت‌ها و تعارض‌های معنایی میانشان است (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۶۸)

۱-۲-۱. تحلیل گفتمان لاکلا و موف

نظریه تحلیل گفتمان^۲ لاکلا^۳ و موف^۴ نخستین بار در سال ۱۹۸۵ در کتاب *هژمونی و راهبرد سوسیالیستی: به سوی سیاست رادیکال دموکراسی*^۵، مطرح شد. آنچه تحلیل گفتمانی لاکلا و موف را از سایر نظریه‌های گفتمانی متمایز می‌کند تسری گفتمان از حوزه فرهنگ و فلسفه به جامعه و سیاست و همچنین رسانه است. آنان بنا بر مبانی پسا‌ساختارگرایانه و زبان‌شناسانه خود نگرشی جدید و بحث‌برانگیز را در علوم اجتماعی مطرح می‌کنند و مقوله‌های زبانی و گفتمانی را به همه حوزه‌های اجتماعی سرایت می‌دهند.

تحلیل گفتمان متشکل از مفاهیم متکثر و درهم پیچیده است. هرچند این مفاهیم وجوه و پیچیدگی‌هایی دارند، ارتباطی شبکه‌ای و زنجیروار با هم دارند. غیریت‌سازی، اسطوره‌سازی، هژمونی کردن، هم‌ارزی، ساختار شکنی، حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی از مفاهیم اساسی تحلیل گفتمان لاکلا و موف هستند. در ادامه به تعریف مختصر هر یک پرداخته می‌شود.

1. Statement
2. Analysis Discourse Theory
3. Ernesto Laclau
4. Chantal Mouffe
5. Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics

غیریت‌سازی

بسیاری از ایدئولوژی‌های تضاد اجتماعی، سلطه و نابرابری را حفظ و بازتولید می‌کنند. این تضاد ممکن است هر نوع منافی را شامل و به‌صورت قطب‌بندی شده سازماندهی شود یعنی «ما/خود» را در برابر «آنها/دیگران» قرار دهد (ون‌دایک، ۱۳۸۶: ۱۱۷). در فرایند «غیرسازی» همواره «خود» بودن برتر از «دیگر» بودن است (Isherwood and Harris, 2014: 46).

اسطوره‌سازی

گفتمانی می‌تواند به شرایط ظهور و بروز برسد که بتواند به اسطوره تبدیل شود؛ چراکه همیشه گفتمان‌ها با بحران‌ها و مشکلات اجتماعی همراه‌اند و گفتمان حاکم سعی دارد از این فضا و شرایط و با توانمند نشان دادن خود در برون رفت از این شرایط، برای هژمونیک کردن خود بهره ببرد. بدین جهت گفتمان‌های دیگر تصویر روشنی از آینده حضور خویش به سوژه‌ها ارائه می‌دهند که در آن شرایط، دیگر خبری از مشکلات نیست. لاکلا این تصویر آرمان‌گرایانه را اسطوره نام می‌نهد. درواقع گفتمان‌ها به دنبال رهایی از بی‌قراری و ایجاد یک عینیت جدیدند. لاکلا برای تبدیل این وجه اسطوره‌ای به یک تصویر اجتماعی و در قالب یک فرهنگ عمومی از استعاره کمک می‌گیرد که در آن اسطوره‌ها با ایجاد یک فضای بازنمایی شده و استعاره‌ای سوژه‌ها را به سمت و سوی آن ترغیب می‌کنند. بدین ترتیب، خلأ میان واقعیت و تصویر اجتماعی یا به عبارت دیگر میان واقعیت و اسطوره را وجه استعاره‌ای گفتمان پر می‌کند. این خلأ امکان پیدایش گفتمان‌ها و اسطوره‌های جدید را ممکن می‌سازد (Mouffe and Laclau, 1985:105).

هژمون شدن

مفهوم هژمونی در تبیین نظریه گفتمانی لاکلا و موف از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. هژمونی در نگاه گرامشی ناشی از قدرت اقناع طبقات محکوم توسط طبقه حاکم و در راستای منافع آنها است (سلطانی، ۱۳۸۴: ۸۲-۸۳). اما در رویکرد لاکلابی هژمونی در سرتاسر جامعه وجود دارد و با آن درهم تنیده است. لاکلا و موف معنای بسیار عام‌تری از هژمونی را در مقایسه با گرامشی به کار می‌برند. «این مفهوم ناظر به این است که در ساحت سیاست و اجتماع چه کسی برتر است. به عبارت دیگر، کدام نیروی سیاسی درباره شکل‌های مسلط رفتاری در جامعه تصمیم خواهد گرفت» (مارش و استوکر، ۱۳۹۹: ۲۰۹).



هم‌ارزی

گفتمان‌ها از طریق زنجیره هم‌ارزی^۱، تفاوت‌های موجود در میان عناصر را از بین می‌برند و به نوعی وحدت و انسجام میان آنها کمک می‌کنند. در این معنا، عناصر خصلت‌های متفاوت و معناهای رقیب را از دست می‌دهند و در معنایی که گفتمان ایجاد می‌کند، منحل می‌شوند. منطق هم‌ارزی منطق ساده‌سازی فضای سیاسی است. اما در واقع هیچ‌گاه هم‌ارزی نمی‌تواند به حذف کامل این تفاوت‌ها بینجامد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳). زنجیره هم‌ارزی بر این قاعده تأکید دارد که اگر عناصر یک گفتمان در دوره‌ای کنار گذاشته شود، تهدید بالقوه‌ای برای گفتمان جدید تلقی می‌گردد و عناصر حذف شده در وضعیت دیگری امکان بازنمایی خواهند داشت (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۶۱).

ساختار شکنی

ساختار شکنی یا «واسازی» مفهومی است که از دریدا به عاریت گرفته شده است. این مفهوم، نقطه مقابل انسداد و توقف است و بر این امر تأکید دارد که برای از بین بردن هژمونی و سلطه یک گفتمان باید ثبات معنایی آن را از بین برد تا زمینه تغییر «وقته» به دال شناور فراهم آید و گفتمان‌های رقیب بتوانند در این فضای ناآرام و ملتهد پدید آمده مدلول خاص خود را به دال مرکزی مورد نظر الصاق و نظام معنایی خویش را تثبیت کنند (کسرای و شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۵۱).

حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی

این دو مفهوم با مفهوم تخصیص و غیریت سازی ارتباط دارد. در منازعات گفتمانی هر گفتمان با برجسته کردن نقاط قوت خود و نقاط ضعف رقیب و با به حاشیه راندن نقاط ضعف خود و نقاط قوت رقیب، سعی در کشیدن هاله ای از قدرت دست نیافتنی به اطراف خود است. برجسته سازی و حاشیه رانی، شیوه ای برای حفظ و استمرار قدرت و دوام هژمونیک گفتمان است (مقدمی، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

۳-۲. گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر بُعد فراملی

گفتمان انقلاب اسلامی حاصل مفصل‌بندی نشانه‌های اسلامی و مدرن حول دال مرکزی جمهوری اسلامی با ابتدائی بر ولایت فقیه است که در قالب پارادایم اسلام سیاسی قابل فهم است. در این گفتمان، مفاهیمی چون ولایت فقیه، حکومت اسلامی (مردم‌سالاری دینی)، اشتغال دین بر سیاست (تقابل با سکولاریسم)، اجرای شریعت در جامعه، امت‌گرایی اسلامی (وحدت

1. Chain of Equivalence



اسلامی)، دفاع از آرمان فلسطین و مبارزه با استکبار جهانی، به تدریج برجسته گردید و منظومه گفتمانی در غیریت‌سازی با سلطه غرب را شکل داد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۷۳). گفتمان انقلاب اسلامی با مفصل‌بندی مفاهیم فوق حول حکومت اسلامی (ولایت فقیه) غیرهای خود را از صحنه رقابت‌پرد کرد و مسلط شد. نکته شایان ذکر اینکه گفتمان انقلاب اسلامی در صدد نفی مظاهر تجدد نبوده، بلکه از دستاوردهای آن بهره می‌برد؛ اما با تأکید بر مفاهیمی نظیر جامعیت دین، حکومت اسلامی، اشتغال دین بر سیاست و اجرای شریعت در جامعه، از گفتمان‌های مدرن سکولار متمایز می‌شود. در ادامه دال‌های گفتمان انقلاب اسلامی را بررسی می‌کنیم.

۱. دال مرکزی: عمود خیمه هر گفتمانی است که همه دال‌ها با آن مفصل‌بندی شده و در پیوند با آن معنا پیدا می‌کنند. دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی، حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه است. نخستین و مهمترین آرمان انقلاب اسلامی تأسیس حکومت اسلامی بود که امام خمینی (ره) نه سال پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌عنوان نظام جایگزین سلطنت استبدادی وابسته معرفی نمودند و آن را به سان قلمرو حکومت پیامبر (ص) و ائمه (ع) و تنها نظام سیاسی مشروع در عصر غیبت قلمداد کردند.

۲. دال‌های شناور: دال‌هایی هستند که هر گفتمان می‌کوشد با معنادگی آنها در چارچوب منظومه گفتمانی خود، حول دال مرکزی مفصل‌بندی کند. دال‌های شناور مهم گفتمان انقلاب اسلامی عبارت است از:

اشتغال دین بر سیاست، از دال‌های مهم گفتمان انقلاب اسلامی است و آن را از گفتمان‌های سکولار متمایز می‌کند، بلکه هویت آن را در تقابل با سکولاریسم شکل می‌دهد. بر این اساس، اسلام جامعیت داشته و همه وجوه دنیوی و اخروی حیات انسان را دربرمی‌گیرد و به دلیل اتکای بر وحی الهی، از گفتمان‌های متکی بر خرد انسانی صرف، برتر است (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۷). بنابراین، حوزه عمومی و جامعه در دایره دین و تعالیم آن تعریف می‌شود، به طوری که به دلیل وجوه اجتماعی اسلام، تفکیک آن از جامعه امکان‌پذیر نیست (شجاعی‌زند، ۱۳۸۶: ۳۹). هدف امام خمینی (ره) از آغاز نهضت اسلامی، وحدت مسلمانان و اتکای بر امت اسلامی بودند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۴: ۱۴۲؛ ج ۱۱: ۱۴۸؛ ج ۱۳: ۱۶۳؛ ج ۱۸: ۹۰) و پس از پیروزی انقلاب، فاصله دو روایت شیعی و سنی از تاریخ میلاد پیامبر اسلام را هفته وحدت نام‌گذاری کردند. با این وصف، در گفتمان انقلاب اسلامی، به اقتضای زمانه، مرزهای ملی به رسمیت شناخته شده و ضمن پذیرش ملیت به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی و سیاسی، آنها را به‌عنوان

کثراتی می‌بیند که باید ذیل مفهوم توحید به وحدت برسند: اسلام در عین حالی که وطن را آنجایی که زادگاه است احترام می‌گذارد، لکن مقابل اسلام قرار نمی‌دهد. اساس، اسلام است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۱: ۱۶۸).

گفتمان انقلاب اسلامی هویت خویش را در غیریت‌سازی با استکبار و سلطه غرب تعریف کرد و با آرمان‌رهایی ملت‌ها از ستم و سلطه استکبار به جذب نیروهای اجتماعی پرداخت (نباتیان، ۱۳۹۷ الف: ۲۳۹). این دال به‌عنوان یک سیاست مهم و بنیادی در نظام جمهوری اسلامی اتخاذ شده است (قانون اساسی، اصل سوم و نهم؛ دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۲۵-۲۷). از دال‌های مهمی که با دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی مفصل‌بندی شده، عدالت‌خواهی است. اساساً اندیشه سیاسی شیعه بر مدار عدالت تکوین یافته و در آن، هر نظم اجتماعی و نظام سیاسی منهای عدالت، نامشروع تلقی شده است. در گفتمان انقلاب اسلامی، با تأکید بر عدالت و عدالت‌خواهی، میان عدالت و سیاست رابطه‌ای منطقی تعریف شده است. در این راستا امام خمینی (ره) مشارکت به‌عنوان یک حق را یکی از شاخص‌های عدالت سیاسی فرض نموده است (میراحمدی و شیرینی، ۱۳۸۸: ۸۳۹).

دال مهم دیگر گفتمان انقلاب اسلامی، عقل‌گرایی و جهل‌زدایی است. این گفتمان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های اسلام شیعی و اجتهاد، برای عقل جایگاه ویژه‌ای قائل است. عقل اجتهادی با به دست آوردن ملاک‌های مصالح و مفساد قوانین، نسبت به ثبات و تغییر احکام شرعی و نقش مقتضیات زمان نظر می‌دهد و با اثبات تغییر ملاک حکمی، حکم نیز دچار تغییر می‌شود (شیرینی، ۱۳۹۰: ۸۵). گفتمان انقلاب اسلامی با استمداد از عقل‌گرایی، متغیرات را براساس ثبوتات بررسی و احکام آنها را استنباط می‌کند. به همین دلیل، در برابر مسائل نوپیدا متوقف نمی‌شود و در مسیر حرکت انقلابی و نظام‌سازی، در مواجهه با مسائل مختلف، ملاحظات عقلی و مصالح جامعه اسلامی و مقتضیات زمان را مدنظر قرار می‌دهد.

نقطه‌قوت انقلاب اسلامی ماهیت جمهوری و اسلامی آن است که ضمن بسیج نیروهای اجتماعی در طرد و فروپاشی گفتمان پهلویسم و نیز خرده‌گفتمان‌های سکولار پس از انقلاب در داخل، جمهوری‌یتی مبتنی بر دین اسلام را در غیریت‌سازی با سکولاریسم مسلط بر نظام بین‌الملل تاسیس کرد و آن را به چالش فراخواند. در اثر این تحول فرهنگی در ایران، گفتمان جدیدی ایجاد شد که با بازنمایی غرب و تولید ادبیات و زبان سیاسی و فرهنگی جدید ارتباط یکسویه فرهنگی با غرب را که کارکرد آن تحکیم هژمونی فرهنگی غرب بود، برهم زد. این گفتمان با



بازتولید نظام معنایی جدید مبتنی بر اسلام با هویت‌بخشی به مسلمانان و غیریت‌سازی غرب و استکبار، گفتمان فرهنگی خود را در بین ملت‌های دیگر توسعه بخشید (نوربخش و سلطانیان، ۱۳۸۹). در دهه‌های اخیر، گفتمان انقلاب اسلامی در بعد منطقه‌ای در قالب محور مقاومت اسلامی و در بعد بین‌المللی در قالب گفتمان مقاومت تجسم یافته است. بسیاری از ابعاد و مؤلفه‌های این گفتمان همسو با اصول سیاست خارجی ایران است. «نشانه‌هایی را که در گفتمان مقاومت مفصل‌بندی می‌شوند، می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی کرد؛ یک بخش سلبی است و بخش دیگر اثباتی و ایجابی. در مرکز بُعد سلبی گفتمان مقاومت، سلطه‌ستیزی و دوم، نفی استکبار و استبدادستیزی قرار دارد اما مهم‌ترین وجوه اثباتی و ایجابی گفتمان مقاومت، عبارتند از عدالت‌خواهی، حق‌طلبی، اسلام‌خواهی، صلح‌طلبی، عزت‌طلبی، اقتدار، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی، معنویت‌گرایی، حکمت و عقلانیت‌گرایی، مصلحت‌گرایی، آرمان‌گرایی و واقع‌بینی» (رضاخواه، ۱۳۹۲: ۳۳).

روش پژوهش

روش پژوهش، آمیخته (کیفی-کمی) است. ابزار پژوهش در بخش کیفی مصاحبه نیمه‌ساختار یافته و در بخش کمی، مدل معادلات ساختاری^۱ بوده است. این مدل (الگو) برای بررسی روابط میان متغیرهای پنهان است که همزمان متغیرهای مشاهده‌پذیر را نیز در نظر می‌گیرد. متغیرهای پنهان همان عوامل اصلی هستند که در یک مدل مفهومی نمایش داده می‌شوند. متغیرهای مشاهده‌پذیر نیز همان گویه‌ها یا سؤالات مربوط به سنجش عوامل اصلی هستند. معادلات ساختاری برای ساخت مدل استفاده نمی‌شود بلکه برای ارزیابی و اعتبارسنجی مدل کاربرد دارد. در واقع پژوهشگر باید یک مدل اولیه را ترسیم کند سپس با استفاده از این روش به اعتبارسنجی مدل بپردازد. برای ترسیم مدل اولیه از مصاحبه ساختار یافته با صاحب‌نظران استفاده شده است. گویه‌ها یا سؤالات محوری این مصاحبه از مبانی نظری حاصل شده است. در واقع با استفاده از نظرات صاحب‌نظران، مؤلفه‌های تأثیرگذار متناظر با سؤالات مقاله شناسایی شدند و تحلیل داده‌ها با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام گرفت.

جامعه و حجم نمونه پژوهش حاضر، کارشناسان و خبرگان حوزه دیپلماسی و رسانه به ویژه مدیران و کارشناسان رادیو و تلویزیون‌های داخلی و برون‌مرزی سازمان صداوسیما هستند. معیار

قضاوت در مورد زمان متوقف کردن نمونه‌برداری نظری «کفایت نظری^۱» مقوله یا نظریه است. در تحقیق کنونی تعداد نمونه‌های انتخاب شده برابر ۲۵ نفر و با انجام این تعداد مصاحبه، تشخیص محقق این بود که اطلاعات گردآوری شده به اشباع رسیده است و نیازی به انجام دادن مصاحبه‌های بیشتر نیست. برای انتخاب نمونه‌های تحقیق از روش نمونه‌گیری هدفمند^۲ استفاده شد. در مدل علی (مفهومی) پژوهش حاضر، رسانه‌های معاونت برون‌مرزی سازمان صداوسیما به‌عنوان متغیر مستقل و عوامل غیریت‌سازی، اسطوره‌سازی، هژمونی کردن، هم‌ارزی، ساختارشکنی، حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی به‌عنوان متغیر وابسته، در نظر گرفته شده‌اند. همچنین گفتمان انقلاب اسلامی در سطح بین‌المللی به‌عنوان متغیر مستقل دیگر و سبک زندگی اسلامی، وحدت‌بخشی، رأفت اسلامی و خردورزی، استکبارستیزی، اندیشه‌های ضدسکولاریستی و جهل‌زدایی به‌عنوان دال‌های متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

در این پژوهش از پرسشنامه برای جمع‌آوری داده و از نرم‌افزار SPSS و PLS به‌منظور مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. پرسشنامه محقق ساخته طبق اطلاعات حاصل از مبانی نظری دارای ۲ بعد و ۱۳ گویه است. همچنین چندین سؤال نیز برای کسب اطلاعات توصیفی پاسخگو نظیر جنسیت، سن، سمت و تحصیلات در پرسشنامه طرح شده است. برای تدوین پاسخ‌ها از طیف لیکرت پنج درجه‌ای (دامنه مقیاس ۱ برای کاملاً مخالف و ۵ برای کاملاً موافق) که یکی از رایج‌ترین مقایسه‌های اندازه‌گیری پاسخ‌های بسته به شمار می‌رود، استفاده شده است.

در روایی کمی و تجربی غالباً از روش‌های آزمون بارتلت^۳ و ضریب KMO^۴ استفاده شده است. برای بررسی روایی پرسشنامه مورد نظر در این تحقیق از دو روش بارتلت و اعتبار صوری استفاده شد. ابتدا نسخه‌ای از پرسشنامه در اختیار اساتید و صاحب‌نظران قرار گرفت تا اعتبار صوری پرسشنامه سنجیده شود و نظرات پیشنهادی ایشان در مورد پرسشنامه اعمال گردد. نتایج آزمون بارتلت در جدول ۲ آمده است.

-
1. Theoretical Saturation
 2. Purposive Sampling
 3. Bartlet
 4. Kaiser-Meyer-Olkin

جدول ۲. تایید روایی

مقدار		شاخص آماری
۰/۸۸۶		شاخص KMO
۱۰۱۸/۹۸۷	آماره	آزمون بارتلت
۳۰۰	درجه آزادی	
۰,۰۰۰	احتمال (Sig.)	

چنانکه از این جدول مشخص می‌شود، مقدار KMO برابر با ۰/۸۸۶ است که چون بالاتر از ۰/۷ است. بنابراین، روایی مطلوب است. آزمون بارتلت حتی در سطح معنی‌داری ۰/۹۹ (sig= 0.000) رد می‌شود. فرضیه‌های آماری اینگونه هستند.

$$H_0 = \text{داده‌ها روایی ندارند}$$

$$H_1 = \text{داده‌ها روایی دارند}$$

از آنجا که فرض صفر رد می‌شود در نتیجه فرض یک تایید می‌شود. برای محاسبه پایایی پرسشنامه نیز از ضریب آلفا کرونباخ استفاده شد.

جدول ۳. محاسبه پایایی متغیرهای تحقیق با ضریب آلفا کرونباخ

ضریب آلفا کرونباخ	تعداد سوالات	متغیر
۰/۹۷۵	۷	شیوه‌های مؤثر در کاربست دیپلماسی عمومی در رادیو و تلویزیون‌های معاونت برون‌مرزی سازمان صداوسیما
۰/۹۲۵	۶	دال‌های گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی ایران در سطح بین‌المللی

	Cronbach's alpha
دال‌ها	0.925
روشن‌های مؤثر	0.975

جدول ۳ و خروجی نرم‌افزار Smart PLS نشان می‌دهد که همبستگی درونی بین سؤالات بالاست و برداشت پاسخگویان از سؤالات یکسان بوده است در نتیجه تحقیق پایایی کافی دارد. همچنین نتایج حاصل از نرم‌افزار Smart PLS ضرایب همبستگی بین گویه‌های پرسشنامه را به شکل زیر نشان می‌دهد.

	D2	D3	D4	D5	D6	D7	S1	S2	S3	S4	S5	S6	D1
D2	1.000	0.948	0.928	0.865	0.931	0.678	0.731	0.931	0.963	0.385	0.943	0.855	0.951
D3	0.948	1.000	0.923	0.857	0.914	0.605	0.763	0.915	0.923	0.367	0.924	0.860	0.926
D4	0.928	0.923	1.000	0.916	0.911	0.681	0.789	0.935	0.923	0.324	0.886	0.855	0.883
D5	0.865	0.857	0.916	1.000	0.927	0.686	0.869	0.917	0.895	0.188	0.911	0.914	0.896
D6	0.931	0.914	0.911	0.927	1.000	0.695	0.858	0.965	0.930	0.278	0.952	0.912	0.958
D7	0.678	0.605	0.681	0.686	0.695	1.000	0.528	0.686	0.731	0.264	0.600	0.598	0.743
S1	0.731	0.763	0.789	0.869	0.858	0.528	1.000	0.833	0.741	0.187	0.849	0.883	0.804
S2	0.931	0.915	0.935	0.917	0.965	0.686	0.833	1.000	0.942	0.251	0.924	0.891	0.927
S3	0.963	0.923	0.923	0.895	0.930	0.731	0.741	0.942	1.000	0.353	0.916	0.839	0.952
S4	0.385	0.367	0.324	0.188	0.278	0.264	0.187	0.251	0.353	1.000	0.309	0.220	0.321
S5	0.943	0.924	0.886	0.911	0.952	0.600	0.849	0.924	0.916	0.309	1.000	0.929	0.962
S6	0.855	0.860	0.855	0.914	0.912	0.598	0.883	0.891	0.839	0.220	0.929	1.000	0.875
D1	0.951	0.926	0.883	0.896	0.958	0.743	0.804	0.927	0.952	0.321	0.962	0.875	1.000

شکل ۱. ضرایب همبستگی بین گویه‌های پرسشنامه

یافته‌های پژوهش

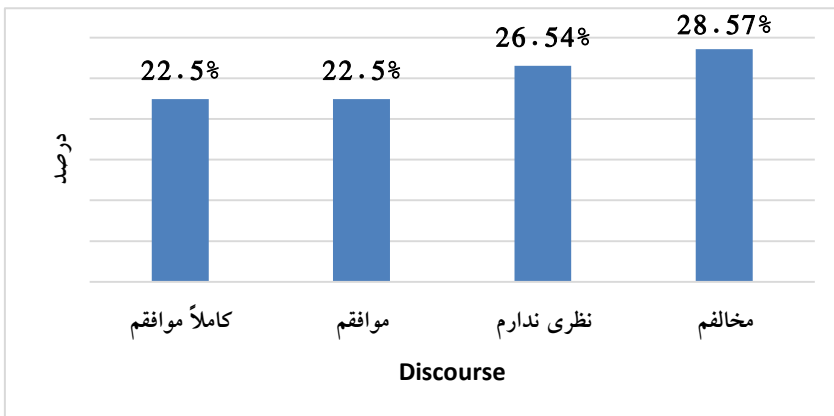
یافته‌های توصیفی پژوهش در جداول و نمودارهای بعدی مشاهده می‌شود.

جدول ۴. یافته‌های توصیفی جامعه آماری پژوهش

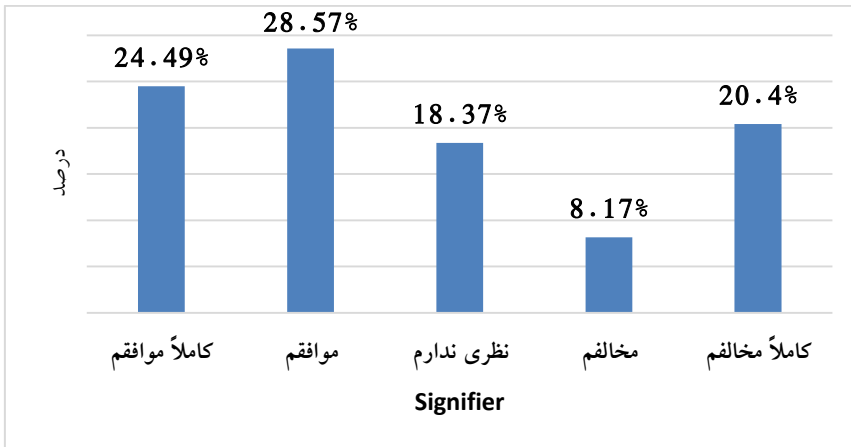
سمت		درصد	تعداد
هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی	استاد دانشگاه رشته علوم ارتباطات و رسانه	۴	۱
هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی	مشاور معاونت صدا و کارشناس ارشد صداوسیما	۴	۱
هیئت علمی دانشگاه صداوسیما	کارشناس ارشد و مدیر ارشد سابق صداوسیما	۱۲	۳
مدیر ارشد	مدیر و تصمیم‌ساز معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما	۱۲	۳
مدیر میانی	مدیر و کارشناس معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما	۲۰	۵
کارشناسان رادیو و تلویزیون سحر بالکان	اتباع فعال در معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما	۲۰	۵
مدیر	سرمدیر اخبار معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما	۴	۱
برنامه‌ساز	کارشناس تامین برنامه معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما	۴	۱
تهیه کننده ارشد	تهیه کننده ارشد تولیدات معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما	۲۰	۵

جدول ۵. یافته‌های نظرسنجی

متغیر	گویه‌ها	پاسخ			
		کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم کاملاً
شیوه‌های مؤثر در کاربست دیپلماسی عمومی در رادیو و تلویزیون‌های معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما	غیربیت‌سازی	۱۲	۶	۵	۲
	اسطوره‌سازی	۷	۵	۶	۴
	هژمونی کردن	۵	۷	۸	۲
	هم‌ارزی	۶	۹	۷	۱
	ساختار شکنی	۱۴	۸	۲	۰
	حاشیه‌رانی	۱۱	۶	۵	۲
	برجسته‌سازی	۱۶	۹	۰	۰
دال‌های گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی ایران در سطح بین‌المللی	سبک زندگی اسلامی	۱۹	۳	۱	۱
	وحدت‌بخشی	۹	۷	۶	۱
	رأفت اسلامی و خردورزی	۸	۶	۴	۵
	استکبارستیزی	۱۶	۹	۰	۰
	اندیشه‌های ضدسکولاریستی	۱۲	۷	۳	۳
	جهل‌زدایی	۱۳	۸	۰	۱



نمودار ۱. شیوه‌های مؤثر در کاربست دیپلماسی عمومی در رادیو و تلویزیون‌های معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما



نمودار ۲. دال‌های گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی ایران در سطح بین‌المللی

یافته‌های توصیفی شیوه‌های مؤثر در کاربست دیپلماسی عمومی در رادیو و تلویزیون‌های معاونت برون‌مرزی سازمان صداوسیما در جدول ۵ و نمودار ۱ نشان داده شده است. طبق یافته‌ها حدود ۴۵٪ پاسخگویان، عوامل غیریت‌سازی، اسطوره‌سازی، هژمونی کردن، هم‌ارزی، ساختارشکنی، حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی را از شیوه‌های مؤثر در کاربست دیپلماسی عمومی در رادیو و تلویزیون‌های معاونت برون‌مرزی سازمان صداوسیما دانسته‌اند و ۲۶٫۵٪ نظری نداشته‌اند و ۲۸٫۵٪ نیز مخالف بوده‌اند.

یافته‌های توصیفی دال‌های گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی ایران در سطح بین‌المللی در جدول ۵ و نمودار ۲ نشان می‌دهد. حدود ۵۳٪ سبک زندگی اسلامی، وحدت‌بخشی، رأفت اسلامی و خردورزی، استکبارستیزی، اندیشه‌های ضدسکولاریستی و جهل‌زدایی را از دال‌های گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی ایران در سطح بین‌المللی دانسته‌اند و ۱۸٪ نظری نداشته‌اند و ۲۸٫۵٪ نیز مخالف بوده‌اند.

آمار استنباطی مدل معادلات ساختاری

پژوهش حاضر، از نوع همبستگی است و برای تحلیل داده‌ها از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شده است. آزمون‌ها با استفاده از نسخه ۲۴ نرم‌افزارهای Smart PLS و SPSS با تکیه بر مدل‌یابی معادلات ساختاری مورد تحلیل قرار گرفتند. فرض نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولمونگروف - اسمیرنوف مورد بررسی قرار گرفت. به دلیل اینکه سطح معناداری تمام متغیرهای تحقیق بزرگتر از ۰/۰۵ است نیز مقدار آماره کولمونگروف-اسمیرنوف که



بین $+1/96$ و $-1/96$ قرار دارد، فرض نرمال بودن توزیع متغیرها پذیرفته می‌شود. قبل از وارد شدن به مرحله آزمون مدل مفهومی تحقیق مدل اندازه‌گیری اعتبارسنجی شد. برای ارزیابی برازندگی الگوی مدل سازه از شاخص‌های برازش استفاده شد که تمامی متغیرها بعد از اصلاح در محدوده مجاز قرار گرفتند. مدل ۴-۵ تمامی معادلات اندازه‌گیری (بارهای عاملی) و معادلات ساختاری را با استفاده از آمار t آزمون می‌کند. بر طبق این مدل، ضریب مسیر و بار عاملی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است اگر مقدار آماره t خارج بازه $-1/96$ و $+1/96$ قرار گیرد. سپس برازش مدل با استفاده از نرم‌افزار Smart PLS مورد بررسی قرار گرفت. شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری در جدول ۵ نمایش داده شده است. از آنجا که شاخص‌ها برازش مناسب را نشان می‌دهند، می‌توان گفت مدل از برازش مناسبی برخوردار است.

جدول ۶. شاخص‌های توصیفی برای همه متغیرهای کمی پژوهش

سازه	ابعاد	اندازه نمونه	میانگین	میانه	انحراف معیار	شاخص‌های نرمال	
						چولگی	کشیدگی
شیوه‌های مؤثر در کاربست دیپلماسی عمومی در رادیو و تلویزیون‌های معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما	غیربیت‌سازی	۲۵	۳,۰۰	۳,۰۹	۰,۵۹۸	۰,۲۰۱	۰,۲۶۵
	اسطوره‌سازی	۲۵	۳,۱۱	۳,۰۱	۰,۶۰۸	-۰,۰۰۹	-۰,۰۰۳
	هژمونی کردن	۲۵	۳,۳۸	۳,۳۳	۰,۶۴۸	-۰,۱۰۰	-۰,۱۹۴
	هم‌ارزی	۲۵	۳,۰۱	۳,۲۲	۰,۷۰۲	-۰,۰۷۴	-۰,۱۸۹
	ساختار شکنی	۲۵	۳,۸۳	۳,۳۳	۰,۶۹۱	-۰,۲۰۹	-۰,۲۳۶
	حاشیه‌رانی	۲۵	۳,۰۹	۳,۰۶	۰,۷۲۵	-۰,۱۰۶	-۰,۱۱۴
	برجسته‌سازی	۲۵	۳,۳۵	۳,۴۷	۰,۵۸۱	-۰,۰۰۶	-۰,۰۱۸
دال‌های گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی ایران در سطح بین‌المللی	سبک زندگی اسلامی	۲۵	۳,۲۱	۳,۱۹	۰,۷۹۵	-۰,۰۵۸	-۰,۱۵۹
	وحدت‌بخشی	۲۵	۳,۴۰	۳,۳۸	۰,۶۶۲	۰,۱۲۵	۰,۱۴۶
	رافت اسلامی و خردورزی	۲۵	۳,۵۶	۳,۶۳	۰,۷۱۴	-۰,۳۵۷	-۰,۲۸۷
	استکبارستیزی	۲۵	۳,۰۵	۳,۱۷	۰,۶۸۳	-۰,۲۰۴	-۰,۲۴۴
	اندیشه‌های ضدسکولاریستی	۲۵	۳,۸۹	۳,۰۰	۰,۵۳۳	-۰,۱۱۹	-۰,۱۲۷
چهل‌زدایی	۲۵	۳,۱۶	۳,۲۹	۰,۶۰۱	۰,۳۱۱	۰,۱۱۵	

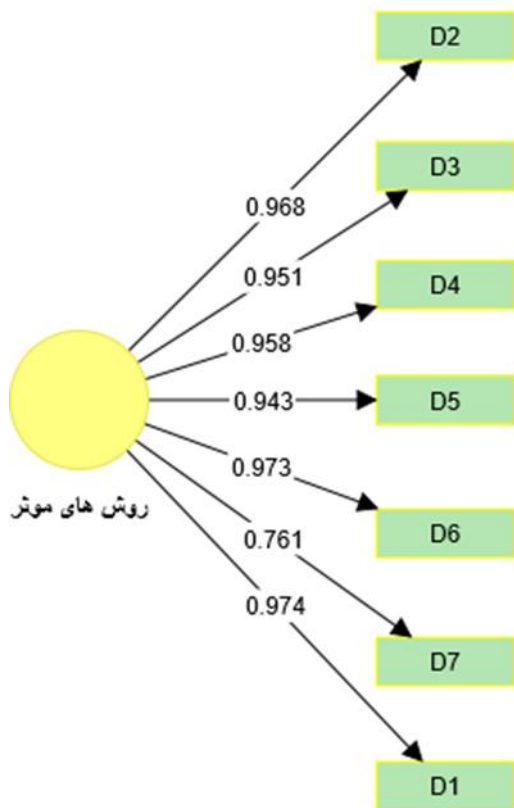
جدول ۷ نرمال بودن داده‌ها از طریق شاخص‌های توصیفی میانگین و میانه، میزان چولگی و کشیدگی آنها را نشان می‌دهد. همچنین توصیف آماری متغیرهای پژوهش در این جدول ارائه شده است. متغیرهای پژوهش همگی میانگین بالاتر از حد متوسط داشته‌اند (بیشتر از ۳) که نشان می‌دهد ارزیابی این متغیرها در وضعیت مطلوب و رضایت‌بخشی قرار داشته است. از آن جایی که میزان چولگی و کشیدگی توزیع نرمال برابر با صفر است، چولگی و کشیدگی نزدیک به صفر، نرمال بودن توزیع داده‌ها را بیان می‌کند. همچنین اگر چولگی و کشیدگی متغیری از ۲- کوچکتر و از ۲ بزرگتر باشد، آن توزیع متغیر مطلقاً نرمال نخواهد بود. نتایج نشان می‌دهد تمامی متغیرها را می‌توان نرمال در نظر گرفت. با توجه به مقادیر جدول، مقدار میانگین و میانه نزدیک به هم است. بنابراین، توزیع متغیرها را می‌توان متقارن و نرمال در نظر گرفت.

جدول ۷. نتایج آزمون نرمال بودن

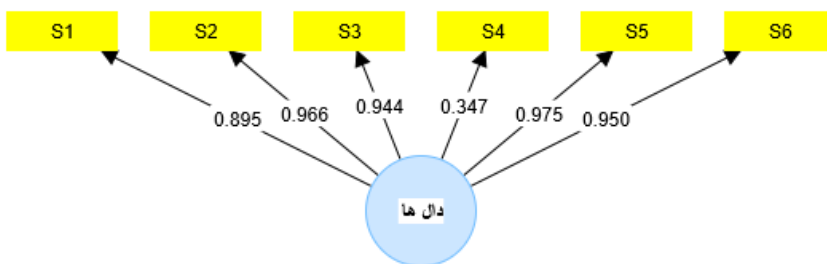
متغیر	آماره K-S	سطح معنی داری	فرض نرمال
غیرپیت‌سازی	۰,۰۴۳	۰,۹	نرمال است
اسطوره‌سازی	۰,۰۵۵	۰,۹۴	نرمال است
هژمونی کردن	۰,۰۲۶	۰,۹۴	نرمال است
هم‌ارزی	۰,۰۷۱	۰,۹۵	نرمال است
ساختار شکنی	۰,۰۹۱	۰,۹۱	نرمال است
حاشیه‌رانی	۰,۰۳۹	۰,۹۲	نرمال است
برجسته‌سازی	۰,۰۸۹	۰,۹۱	نرمال است
سبک زندگی اسلامی	۰,۰۵۱	۰,۹۳	نرمال است
وحدت‌بخشی	۰,۱۰	۰,۹۴	نرمال است
رأفت اسلامی و خوردوری	۰,۰۶۲	۰,۹۵	نرمال است
استکبارستیزی	۰,۰۹۱	۰,۹۴	نرمال است
اندیشه‌های ضدسکولاریستی	۰,۰۲۸	۰,۹۳	نرمال است
چهل‌زدایی	۰,۰۳۷	۰,۹۶	نرمال است

یافته‌های حاصل از برازش مدل معادلات ساختاری

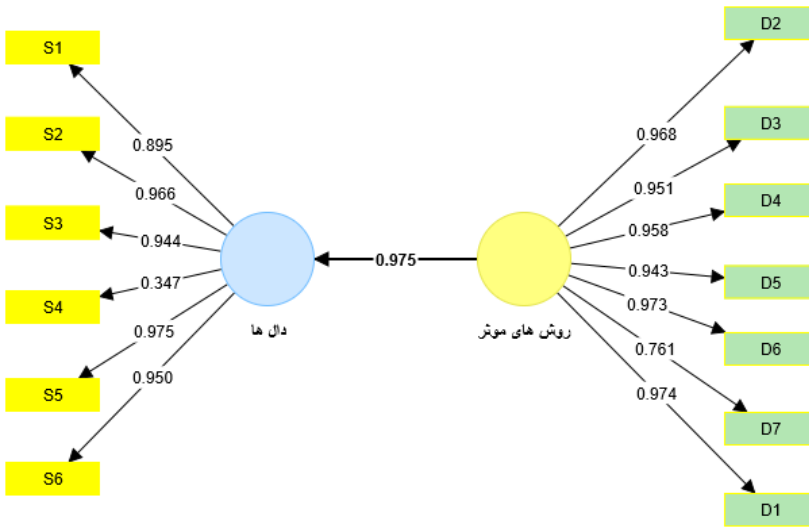
نتایج حاصل از خروجی نرم‌افزار Smart PLS و بارهای عاملی مدل معادلات ساختاری در شکل‌های ۲ و ۳ مشاهده می‌شود.



شکل ۲. مدل معادلات ساختاری شیوه‌های مؤثر در کاربست دیپلماسی عمومی



شکل ۳. مدل معادلات ساختاری شیوه‌های مؤثر در دال‌های گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی ایران در سطح بین‌المللی



شکل ۴. مدل معادلات ساختاری

شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری در جدول ۸ نمایش داده شده است. از آنجا که اغلب شاخص‌ها برازش مناسب را نشان می‌دهند، می‌توان گفت مدل از برازش مناسبی برخوردار است.

جدول ۸. شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری

حد مجاز	مقدار	شاخص
< ۳	۲,۳۱	مربع کای بر درجه آزادی (CMIN/DF)
> ۰,۸	۰,۸۵	نیکویی برازش (GFI)
> ۰,۸	۰,۹۱	نیکویی برازش تعدیل‌شده (AGFI)
< ۰,۱	۰,۰۸۲	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)
> ۰,۹	۱,۰۴	تعدیل‌یافته (CFI)
> ۰,۹	۰,۹۷	برازندگی نرم‌شده (NFI)
> ۰,۹	۰,۹۳	برازندگی فزاینده (IFI)
> ۰,۹	۱,۰۶	توکر لوییس (TLI)
> ۰,۶	۰,۸۳	شاخص برازش نسبی (RFI)
> ۰,۶	۰,۶۴	شاخص برازش تطبیقی مقصد (PCFI)
> ۰,۶	۰,۶۸	شاخص برازش هنجار شده مقصد (PNFI)

نتیجه‌گیری

در آوردگاه رسانه‌ای امروز جهان، بازیگران مختلف درصدد هستند که گفتمان مطلوب خود را از طریق دیپلماسی عمومی با محوریت رسانه‌های بین‌المللی ترویج دهند. جمهوری اسلامی ایران نیز با محوریت رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما درصدد تبیین گفتمان انقلاب اسلامی برای افکار عمومی منطقه پیرامونی و فراپیرامونی خود است. بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین عوامل (شیوه‌های) مؤثر و دال‌های گفتمان‌سازی در کاربست دیپلماسی عمومی انقلاب اسلامی در رسانه‌های برون‌مرزی سازمان صداوسیما بر اساس مصاحبه با صاحب‌نظران و تحلیل توسط معادلات ساختاری انجام شد.

در پاسخ به سؤال اول و سوم باید گفت که عوامل غیریت‌سازی، اسطوره‌سازی، هژمونی کردن، هم‌ارزی، ساختارشکنی، حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی از شیوه‌های مؤثر در کاربست دیپلماسی عمومی در رادیو و تلویزیون‌های معاونت برون‌مرزی سازمان صداوسیما هستند. سطح معناداری این عوامل تقریباً نزدیک به همدیگر است که نشان از اهمیت نسبتاً یکسان آنها دارد. البته سطح معناداری سه عامل اسطوره‌سازی، هژمونی کردن و هم‌ارزی از بقیه بیشتر است.

همچنین در پاسخ به سؤالات دوم و چهارم باید گفت که عوامل سبک زندگی اسلامی، وحدت‌بخشی، رأفت اسلامی و خردورزی، استکبارستیزی، اندیشه‌های ضدسکولاریستی و جهل‌زدایی از دال‌های گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی ایران در سطح بین‌المللی هستند. سطح معناداری این عوامل تقریباً نزدیک به همدیگر است. البته در میان این عوامل ضریب معناداری رأفت اسلامی و خردورزی، و جهل‌زدایی از بقیه بیشتر است. کاربست این دال‌ها از طریق شیوه‌های مذکور در شبکه‌های بین‌المللی و برون‌مرزی صداوسیما، در ترویج گفتمان انقلاب اسلامی مؤثر خواهد بود. دال‌های مذکور برگرفته از گفتمان انقلاب اسلامی و شیوه‌های مذکور برخاسته از روش تحلیل گفتمان (با مدل لاکالا و موف) است.

این یافته با یافته‌های پژوهش‌های دیگری مانند امین‌فرد (۱۳۹۹)، غفاری قدیر و همکاران (۱۳۹۷) و ساداتی (۱۳۹۳) ضمن داشتن تفاوت‌هایی همسویی دارد. هر کدام از مطالعات پیشینه پژوهش نقش دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در راستای گفتمان انقلاب اسلامی را بررسی کرده‌اند اما هیچ‌کدام به کاربست دیپلماسی عمومی گفتمان انقلاب اسلامی در شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برون‌مرزی نپرداخته‌اند. در پژوهش حاضر تلاش شد از این زاویه به موضوع



پرداخته شود و با استفاده از نظریه تحلیل گفتمان، مصاحبه با صاحب‌نظران و مدل معادلات ساختاری شیوه‌های مؤثر شناسایی و دل‌های گفتمان انقلاب اسلامی معرفی شود. در مجموع می‌توان گفت بر اساس یافته‌های این مقاله، عوامل شناسایی شده در کنار یکدیگر ترکیب مناسبی برای ترویج گفتمان انقلاب اسلامی در رسانه‌های برون‌مرزی را شکل می‌دهند. با توجه به نتایج تحلیل معادلات ساختاری کاربست توأمان آنها یاری‌رسان سازمان صداوسیما برای نیل به دیپلماسی رسانه‌ای کارآمد در تعمیق گفتمان انقلاب اسلامی میان سطوح و لایه‌های مختلف مخاطبان و کنشگران مدنی و غیرمدنی حوزه‌های مخاطب خواهد بود. در واقع اتکا بر تعداد محدودی از این عوامل و مؤلفه‌ها و چشم‌پوشی از بقیه، مناسب نخواهد بود.

پیشنهاد‌های کاربردی و رسانه‌ای

- امروزه به دلیل بهره‌گیری از قابلیت‌های رسانه‌های نوین جمعی از جمله رسانه‌های اجتماعی به نظر می‌رسد سایر رسانه‌های دیداری و شنیداری کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند، از جمله پیشنهاد‌های عملی پژوهش این است که از قابلیت‌های آنها در حوزه فعالیت رسانه‌ای بهره‌برداری شود. تشکیل کارگروه گفتمان انقلاب اسلامی می‌تواند در بستر رسانه‌های اجتماعی و در تعامل با کاربران انجام شود. این ایده سبب ارتباط بدون واسطه با جامعه هدف می‌شود.
- بکارگیری متخصصانی از جوامع هدف برای شناسایی سلايق مخاطبان جهت تهیه برنامه‌های فرهنگی می‌تواند تبیین و صدور گفتمان انقلاب اسلامی را تسهیل و تسریع نمایند.
- تعامل و همکاری با رسانه‌های مستقل در سایر نقاط دنیا به منظور معرفی ایران به‌عنوان کشوری صلح‌طلب جهت تصحیح نگرش‌ها و تصویر کاذب از ایران که ساخته و پرداخته رسانه‌های غربی است.
- رصد، انعکاس و تفسیر تخصصی اخبار و رویدادهای جوامع هدف به‌عنوان یک منبع معتبر.
- بهره‌گیری از ظرفیت سایر نهادها از جمله دانشگاه‌های برتر کشور در عرصه دیپلماسی عمومی و تشکیل کارگروه‌ها و اتاق‌های فکر جهت تقویت رسانه در عرصه دیپلماسی.
- ساخت آثار سینمایی، موسیقی، هنری و فرهنگی با تلفیق فرهنگ ایرانی و فرهنگ جامعه هدف.



پیشنهاد‌های پژوهشی

- در این پژوهش از روش معادلات ساختاری استفاده شد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های دیگری از روش‌هایی مانند تحلیل مضمون، دلفی یا سوات استفاده شود.
- نظرسنجی از جوامع هدف و بررسی میزان اثرگذاری برنامه‌های معاونت برون‌مرزی سازمان صداوسیما بر هویت افراد جوامع هدف نیز موضوعی است که پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به آن پرداخته شود.
- پیشنهاد می‌شود پژوهشی در مورد فرصت‌ها و چالش‌های هم‌افزایی معاونت برون‌مرزی صداوسیما با سایر ارگان‌های مرتبط با دیپلماسی عمومی انجام گیرد.

منابع و مأخذ

- امین‌فرد، احمد (۱۳۹۹). راهبردهای ارتقای دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران برای برون‌مرزی صداوسیما. *پژوهشنامه رسانه بین‌الملل*، ۵(۶)، ۸۹-۱۱۰.
- حسینی‌زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۳). نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی. *علوم سیاسی*، ۷(۲۸)، ۲۱۲-۱۸۱.
- حسینی‌زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۶). گفتمان به‌مثابه نظریه و روش. *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۲، ۱۳۵-۱۱۳.
- خادم‌زاده، جواد، ایزدی، جهانبخش، و سلطانی، علیرضا (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی ساختاری دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۹(۳۴)، ۱۴۱-۱۰۷.
- خسروی، افسانه، عنایتی شبکلائی، علی، و رزمجو، علی‌اکبر (۱۳۹۴). دیپلماسی عمومی جدید؛ بسترساز قدرت دیپلماسی رسانه‌ای. *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۷(۲۲)، ۱۴۸-۱۲۵.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۹). *اسلام ناب در اندیشه امام خمینی (س)*. ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- دعاگویان، داود (۱۳۸۸). نقش تلویزیون جهانی در دیپلماسی رسانه‌ای و سیاست خارجی. *مطالعات عملیات روانی*، ۲۲، ۱۷۳-۱۵۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال‌الدین (۱۳۹۳). گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *سیاست خارجی*، ۲۸(۱)، ۳۳-۱.
- رضاخواه، علیرضا (۱۳۹۲). بیداری اسلامی و آینده محور مقاومت. *زمان*، ۳۲، ۳۳-۳۲.
- ساداتی، سیدنصرالله (۱۳۹۳). نقش شبکه‌های برون‌مرزی رسانه ملی در دیپلماسی رسانه‌ای با تأکید بر شبکه‌های العالم و پرس‌تی‌وی. *پژوهش‌های ارتباطی*، ۲۱(۳)، ۹۹-۱۲۰.

سلطانی، سیدعلی‌اصغر (۱۳۸۳). تحلیل گفتمان به‌مثابه نظریه و روش. نشریه علوم سیاسی، ۷(۲۸)، ۱۵۳-۱۸۰.

سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان. تهران: نشر نی.

شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۶). بررسی امکان همزیستی دین و مدرنیته. نامه علوم اجتماعی، ۳۰، ۳۳-۶۲. عضدانلو، حمید (۱۳۸۰). گفتمان و جامعه. تهران: نشر نی.

غفاری قدیر، جلال، حسینی، جمال‌الدین، و مرادجانی، معصومه (۱۳۹۷). سیاست‌های مطلوب رسانه‌ای شبکه هیسپان تی‌وی برون‌مرزی «با رویکرد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران». پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، ۳(۱)، ۷۶-۴۹.

فوکو، میشل (۱۳۹۲). دیرینه‌شناسی دانش. ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. تهران: نشر نی. کسرای، محمدسالار، و پوزش شیرازی، علی (۱۳۸۸). نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی. سیاست، ۳۹(۳)، ۳۶۰-۳۳۹.

گیل‌بوا، ایتان (۱۳۸۸). ارتباطات جهانی و سیاست خارجی. ترجمه حسام‌الدین آشنا و محمدصادق اسماعیلی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

مارش، دیوید، و استوکر، جری (۱۳۹۹). روش و نظریه در علوم سیاسی. ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

میلز، سارا (۱۳۹۹). میشل فوکو (اندیشه‌گران انتقادی). ترجمه داریوش نوری. تهران: انتشارات آگاه. محمدی، مصطفی (۱۳۹۴). نقش شبکه‌های برون‌مرزی رسانه ملی جمهوری اسلامی ایران در بیداری اسلامی، پانزده خرداد، ۵، ۲۰۴-۱۷۹.

مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰). نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن. معرفت فرهنگی اجتماعی، ۲(۲)، ۹۱-۱۲۴.

مقام معظم رهبری (۱۳۸۸/۰۹/۲۲). گفتمان یعنی یک مفهوم و یک معرفت در برهه‌ای از زمان در یک جامعه همه‌گیر بشود. قابل دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart/index?id=8513&nt=2&year=1388&tid=1090>

منوچهری، عباس (۱۳۸۴). رهیافت و روش در علوم سیاسی. تهران: انتشارات سمت. نای، جوزف (۱۳۸۹). قدرت نرم (ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل). ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

میراحمدی، منصور، و شیرینی، مریم (۱۳۸۸). عدالت سیاسی در گفتمان اسلام سیاسی فقه‌تبی. علوم سیاسی، ۱۲(۴۸)، ۸۹-۶۳.

نباتیان، محمداسماعیل (۱۳۹۷). حوزه و راهبردهای اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی. حوزه، ۲، ۶۶-۷۳.



نوربخش، یونس، و سلطانیان، صدیقه (۱۳۸۹). جهانی شدن و چالش‌های دینی و ملی حاصل از آن. روابط خارجی، ۲ (۷)، ۳۹-۷۱.

ون‌دایک، تتون ای (۱۳۸۶). نظرات و ایدئولوژی‌ها در مطبوعات. ترجمه زهرا حداد و کوثر شهینی. رسانه، ۱۸ (۴)، ۸۵-۱۱۸.

یورگنسن، ماریان، و فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

Barston, R. P. (2006). *Modern Diplomacy and International Relations*. London: Pearson Education LKO.

Fisher, Ali (2009). *Four Seasons in One Day*. In: *Routledge Handbook of Public Diplomacy*, Ed. N. Snow and Ph. M. Taylor. New York: Routledge.

Gilboa, E. (2000). Mass communication and diplomacy: A theoretical framework. *Communication Theory*, 10, 275-309.

Hocking, Brian (2005). Rethinking the 'New' Public Diplomacy, In the *New Public Diplomacy*, edited by Jan Melissen. New York: Palgrave

Isherwood, Lisa, and Harris, David (2014). *Radical Otherness: Sociological and Theological Approaches*. Routledge.

McClory, J. (2011). *The New Persuaders II. A 2011 Global Ranking of Soft Power*. Institute for Government.

Melissen, Jan (2005). *The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relation*. New York Palgrave Mac Millan.

Mouffe, Chantal and Laclau, Ernesto (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Toward a Radical Democratic Politics*. United Kingdom: Verso (New Left).

Zhang, Li (2010). The Rise of China: media perception and implication for international politics. *Journal of Contemporary China*, 19(64), 233-254.

راهبردها و تکنیک‌های اعتمادسازی در شبکه بی‌بی‌سی فارسی: مطالعه بخش خبری ۶۰ دقیقه

پرویز امینی^۱، محمود بهشتی^۲، سید محمدرضا فیاضی^۳

چکیده

گرانینگاه رسانه برای ادراک‌سازی و تصویرسازی موفق، کسب اعتماد مخاطب درباره مطالب و پیام‌های رسانه‌ای آن است. پژوهش حاضر می‌کوشد تا مشخص کند خبر ۶۰ دقیقه بی‌بی‌سی فارسی به‌عنوان اصلی‌ترین بخش خبری این شبکه از چه راهبردها و تکنیک‌هایی برای اعتمادسازی استفاده کرده است. این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی و با استفاده از نظریه‌های انگاره‌سازی خبری و متقاعدسازی به‌عنوان راهنما انجام شده است. حجم نمونه برنامه ۶۰ دقیقه، دو ماه آبان و آذر سال ۱۳۹۷ بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که برنامه ۶۰ دقیقه از راهبردهای اثبات اشراف خبری در فضای رسانه‌ای، مرجعیت‌سازی اخبار، توسعه سید مخاطبان و ارتقاء کیفیت ارتباط، تثبیت وجه تخصصی، توسعه ارزش‌های خبری، تثبیت وجه حق‌جو و منصف در برنامه و قرار گرفتن در موضع رسانه افکار عمومی استفاده کرده است. بر اساس نظریه متقاعدسازی، برنامه ۶۰ دقیقه در راستای مرجعیت‌سازی خبری با نگاه خاص به اعتبار منبع و وجه تخصص‌گری، کارشناسان و مهمانانش از مرحله روزنامه‌نگاری عینی عبور کرده و تلاش می‌کند سبک خود را در روزنامه‌نگاری تحقیقی نیز بازتولید کند. همچنین بر اساس نظریه انگاره‌سازی شبکه بی‌بی‌سی فارسی تلاش می‌کند خود را رسانه‌ای پیگیر و دیده‌بان افکار عمومی برساخت کند.

کلیدواژه‌ها: اعتمادسازی، شبکه بی‌بی‌سی فارسی، تحلیل محتوای کیفی، برنامه ۶۰ دقیقه.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۹

۱. استادیار گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
Amini1300@gmail.com (نویسنده مسئول).
۲. کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، گروه ارتباطات و رسانه، دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران.
Mahmoud.beh21@gmail.com
۳. دانشجوی دکتری مدیریت رسانه، گروه مدیریت رسانه، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Seiedmrf@gmail.com

مقدمه

در عصر حاضر که در هم تنیدگی نظام‌های ارتباطی و اطلاعاتی یکی از مقولات مهم در زمینه‌ی جهانی شدن محسوب می‌شود و نظام ارتباطی به یکی از ضروریات زندگی تبدیل شده، بحث درباره مخاطبان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است (پارسائیان، ۱۳۹۳: ۲۸۸). در واقع اقتضای شرایط فعلی مستلزم آن است تا رسانه‌ها از طریق کسب سطح قابل قبولی از اعتماد مخاطب، امکان تعامل با مخاطب را پیدا کنند تا در شرایط رقابت میان رسانه‌ای، دچار ریزش مخاطب و میرایی رسانه نشوند. لذا، به نظر می‌رسد گرانیگاه رسانه برای ادراک‌سازی و تصویرسازی موفق، کسب اعتماد مخاطب نسبت به مطالب و پیام‌های رسانه‌ای است. رسانه به صورت ابزار قدرتمند ایجادکننده‌ی عقاید عمومی عمل می‌کند (Anastasio Chapman, 2000: 153). بنابراین، رسانه‌ها نمی‌توانند در فضای فارغ از اعتماد مخاطبان دوام و قوام داشته باشند. اگر نسبت اعتماد وجود داشته باشد، نفس رسانه و نفس برقراری ارتباط یعنی توزیع ارتباط و اگر اعتمادی وجود نداشته باشد، هر چقدر رسانه گسترش یابد، هر قدر تنوع داشته باشد در واقع توزیع بی‌اعتمادی خواهد بود (حقیقی، ۱۳۷۶: ۵). در صنعت ارتباطات هیچ‌چیز مهم‌تر از کسب اعتماد مخاطبان و ایجاد اعتماد به رسانه‌ها نیست. اگر سازمان‌ها و مؤسسات ارائه‌کننده‌ی اطلاعات و آراء و حتی سازمان‌های عرضه‌کننده‌ی تفریح و سرگرمی‌ها، فاقد باورپذیری باشند یا نتوانند اعتماد و حمایت توده‌ی مردم را به دست آورند، ادامه بقایشان با دشواری مواجه خواهد شد (محمدی، ۱۳۷۹: ۸). در میان رسانه‌های ارتباط جمعی، تلویزیون به سبب بهره‌گیری هم‌زمان از صوت و تصویر از جایگاه خاصی برخوردار است. تلویزیون به دلیل راحتی در دسترس قرار گرفتن و سهولت استفاده و همچنین لذت سرگرم شدن و زیستن در جهان خیالی برای افراد، باعث می‌شود تا بیننده به‌طور مستقیم خود را در ماجراها شریک بداند و از این طریق بیش از سایر رسانه‌ها به تلویزیون اعتماد کند (آذری، ۱۳۷۱: ۱۳). همچنین تلویزیون وسیله‌ای زنده است و به‌روشنی می‌توان ادعا کرد که در جهان امروز تلویزیون مهم‌ترین منبع کسب خبر توسط مردم است. این که بیننده را به محل واقعه می‌برد و لحظه‌به‌لحظه حادثه را - شاید بهتر از وقتی که خودش ناظر آن باشد- به وی نشان می‌دهد از رسانه تلویزیون ابزاری قابل اعتماد ساخته است (تیرل، ۱۳۹۱: ۱۲). پیام رسانه برای آن که به مخاطب برسد و مخاطب بدان توجه کند و در گام بعدی برای آن که اثرگذار باشد باید دربردارنده یکسری پارامترهایی برای اعتمادسازی باشد تا بتواند اثرگذاری لازم را داشته باشد چون بدون اثرگذاری، پیام صرفاً در فضا پراکنده می‌شود بدون آن که هدف فرستنده پیام را جلب



کند. اثرگذاری مطلوب اهداف رسانه‌ای شبکه‌های تلویزیونی، مستلزم اعتمادآفرینی و کسب اعتماد در نزد مخاطب است؛ چراکه تا مخاطب به پیام‌های رسانه‌ای اعتماد نداشته باشد؛ کارکردهای رسانه قطعاً با اختلال روبه‌رو می‌شود. از سویی اگر رسانه‌ها نتوانند باور و اعتماد عمومی را در مورد صحت و دقت اطلاعات ارائه‌شده و رعایت مسئولیت‌های حرفه‌ای جلب کنند به سرعت، اعتبار و در نتیجه مخاطبان خود را از دست می‌دهند و این در حالی است که اعتبار یک رسانه و اعتماد مخاطب به آن، بزرگ‌ترین سرمایه آن برای ادامه حیات، تأثیرگذاری بر افکار عمومی و مشارکت در بسط و تأمین حقوق شهروندی است (فرقانی، ۱۳۹۶: ۲۲۸).

بنگاه سخن‌پراکنی بریتانیا (بی‌بی‌سی) در سال ۱۹۲۷ تأسیس شد و انحصار برنامه‌های رادیو و سپس تلویزیون را در سراسر انگلستان به دست آورد. این انحصار (در مورد تلویزیون) در سال ۱۹۵۲ و (در مورد رادیو) در سال ۱۹۷۰ از بین رفت اما این بنگاه با توان بالایی به ترویج دیدگاه‌های دولت انگلستان در تمام جهان ادامه داد و هرگز رقیبی در داخل انگلستان برای آن پیدا نشد (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۱). سرویس جهانی بی‌بی‌سی در سال ۱۳۸۵ پیشنهاد تأسیس یک شبکه تلویزیونی به زبان فارسی را به وزارت امور خارجه انگلیس ارائه کرد. این پیشنهاد سپس در سال ۱۳۸۶ پذیرفته شده و پس از تهیه مقدمات و تعیین بودجه سالیانه، این شبکه در دی‌ماه ۱۳۸۷ ایجاد گردید (کاردان و شوشتری‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۴). اهداف اعلامی تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی بدین صورت است: پخش برنامه‌های خبری، تحلیلی، فرهنگی، اجتماعی و سرگرم‌کننده (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۹: ۱۶۴). با توجه به تمرکز بی‌بی‌سی فارسی بر جامعه ایران و رویکرد خبری بیشتر آن، این شبکه به‌عنوان نمونه تحلیل در این مقاله انتخاب شد. این پژوهش درصدد است با تحلیل محتوای کیفی بخش خبری ۶۰ دقیقه از شبکه بی‌بی‌سی فارسی به مهم‌ترین راهبردها و تکنیک‌های این شبکه در قالب مقولات اصلی و زیر مقوله‌ها برای اعتمادسازی دست یابد. به عبارتی سؤال اصلی این پژوهش آن است که بخش خبری ۶۰ دقیقه بی‌بی‌سی فارسی از چه راهبردها و تکنیک‌هایی برای اعتمادسازی استفاده می‌کند؟

پیشینه پژوهش

عمده پژوهش‌هایی که در ارتباط با موضوع این مقاله انجام گرفته‌اند از نگاه و منظر مخاطب به عوامل مؤثر بر اعتماد مخاطبان به رسانه پرداخته‌اند که در جدول زیر به موارد مهم و جدید اشاره می‌شود.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان	نویسندگان / سال	یافته اصلی
۱	تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی و بازنمایی تحولات داخلی ایران در سال ۱۳۸۸	مجیدی و همکاران / ۱۳۹۰	دو نشانه اصلی شبکه، القای بحران مشروعیت در ایران و نیز القای تهدید بودن ایران برای صلح و امنیت بین‌الملل می‌باشد. مهم‌ترین محورهای جریان‌سازی رسانه‌های بی‌بی‌سی فارسی عبارت‌اند از: القای نقض حقوق بشر و آزادی‌های مدنی در ایران، القای ناکارآمدی دولت و نظام، تقویت جریان‌های مخالف و تعمیق شکاف سیاسی در ایران.
۲	عوامل اعتمادسازی مخاطبان به برنامه‌های خبری در سیمای جمهوری اسلامی ایران	مسعودی / ۱۳۹۶	با انجام روش فرا تحلیل از چهار تحقیق مرتبط با اعتماد به اخبار سیمما، شاخص‌های متعددی برای سنجش اعتماد مخاطبان نظیر جامعیت خبر، بی‌طرفی، احساس تعلق اجتماعی، توجه به نخبگان و ارائه جذاب ارائه دادند.
۳	از گفتمان‌سازی تا جریان‌سازی بی‌بی‌سی فارسی بر محور پرونده‌های حقوق بشری	فرقانی و همکاران / ۱۳۹۸	این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد قیاسی - استقرایی پرونده‌های حقوق بشری را ۵۳ مقوله اصلی دسته‌بندی کرد. شش تکنیک جریان‌سازی نیز در این پژوهش شناسایی شد که عبارت‌اند از: برجسته‌سازی اظهارات نامتعارف، افزایش اعتبار منابع همسو، راوی همجنس، برچسب‌های اقتضایی، اسطوره‌سازی، طرح ادعای بدون پشتوانه.
۴	مطالعه اسلوب‌های اختصاصی شبکه‌ی خبری بی‌بی‌سی فارسی برای جلب اعتماد مخاطبان به بررسی برنامه خبر ۶۰ دقیقه	هرمزی‌زاده و همکاران / ۱۳۹۸	خصوصیت اصلی برنامه خبری ۶۰ دقیقه، نشان دادن ملموس معیارهای جلب اعتماد به مخاطب است و این خود نشان‌دهنده‌ی این موضوع است که این برنامه به‌خوبی اهمیت خبر تلویزیونی را که اساس آن بر تصویر است، درک کرده و می‌کوشد به انحای گوناگون هر رویدادی را به‌طور ضمنی و مستقیم به نمایش بگذارد.
۵	رادیو، سیاست‌ها و اعتماد در افغانستان ^۱	اسکوزه / ۲۰۰۲	این پژوهش بر اهمیت تلقی مخاطبان از اعتبار یک رسانه و تأثیر آن بر میزان اعتماد مخاطبان، تأکید و

1. Radio, politics and Trust in Afghanistan
2. Skuse

ردیف	عنوان	نویسندگان / سال	یافته اصلی
			نقش سابقه ذهنی مخاطبان درباره رسانه را که ناشی از عملکرد آن در دوره‌های تاریخی مختلف بوده برجسته می‌کند.
۶	آیا مردم آنچه را که به آن اعتماد ندارند، تماشا می‌کنند؟	تسفاتی و کاپلا ^۲ ۲۰۰۳/	این پژوهش، مهم‌ترین مؤلفه‌های اعتماد رسانه‌ای را صحت، بی‌طرفی، عدم سوگیری و جامعیت می‌داند و بر ارتباط تنگاتنگ این مؤلفه‌ها با یکدیگر تأکید می‌کند.

پژوهش حاضر کوشیده است ضمن استفاده از تجربیات تحقیقات پیشین در زمینه اعتماد رسانه‌ای، بتواند راهبردها و تکنیک‌های اعتمادسازی در برنامه خبر ۶۰ دقیقه از شبکه بی‌بی‌سی فارسی را با روش کیفی صورت‌بندی نماید.

۱. مبانی نظری

۱-۱. انگاره‌سازی خبری

ارائه انگاره‌هایی از شخصیت‌ها، مکان‌ها، اشیا و رویدادها به مخاطب «انگاره‌سازی خبری» نام دارد. در انگاره‌سازی، با بازتاب واقعیت‌ها سر و کار داریم. واقعیت‌ها دست‌کاری می‌شوند و توأم با تفسیر پنهان ارائه می‌شوند. انگاره‌سازی تکنیک و کلید کارگشای معنی‌سازی در جهان خبر است (شعارغفاری، ۱۳۷۴: ۲۰).

۱-۲. نظریه متقاعدسازی (اقناع)^۳

بر طبق این نظریه، برای آنکه نوشته یا سخنی تا آنجا که ممکن است اقناعی و ترغیبی باشد، رسانه آن را به‌گونه‌ای ساماندهی می‌کند که مخاطب استنباط کند که به بهترین نحو در خدمت منافع اوست تا در نهایت آن را بپذیرد. مخاطب باید اخبار، رسانه را در جهت منافع خود تفسیر کند تا به آن اعتماد داشته باشد (هاشم‌زهی، ۱۳۹۱: ۱۸۳). در واقع متقاعدسازی با اعتمادسازی در رسانه عجین شده است.

-
1. Do People Watch what they Do Not Trust?
 2. Tsfati and Cappella
 3. Persuasion theory

۳-۱. مفهوم اعتماد در سپهر رسانه‌ای و ارتباطی

در فرهنگ انگلیسی آکسفورد، اعتماد را به‌عنوان اتکا یا اطمینان به‌نوعی کیفیت یا صفت یک شخص یا یک چیز، یا اطمینان به حقیقت یک گفته توصیف می‌کنند (وئوقی و آرام، ۱۳۸۸: ۱۳۷). چارلتون اعتماد را فرایند یادگیری مستمر غیرقابل مذاکره در هر رابطه، مانند اعتماد کردن به بچه در قبول و تفویض مسئولیت می‌پندارد (پناهی، ۱۳۸۹: ۸۳). اعتماد در کتاب «رسانش نوآوری و رهیافتی میان فرهنگی» این‌چنین تعریف شده است: «میزان اطمینان و ارزشی است که گیرنده برای یک منبع و یا کانال ارتباطی قائل است» (راجرز و شومیکر، ۱۳۶۹: ۲۶۲). اعتماد در وسیع‌ترین سطح یک مفهوم است که به رابطه بین رسانه‌های خبری (اعتماد کننده)^۱ و شهروندان (اعتماد شونده)^۲ اشاره دارد که در آن شهروندان در شرایط ریسک در معرض خطر قرار دارند و از رسانه‌های خبری انتظار دارد تا رسانه‌ها به‌جای ضرر، به سود مخاطب عمل کنند (Prochazka and Schweiger, 2019). اعتماد خبری ناشی از قابلیت داشتن اطمینان و باور به این است که منابع خبری، اطلاعات را به‌طور صادقانه و بدون دست‌کاری تهیه می‌کنند و به مردم ارائه می‌دهند (Fiser and Kutaja, 2014: 1). اعتماد ما به روزنامه‌نگاران و دست‌اندرکاران رسانه‌ها نیز بر پایه باور مخاطبان، به کارکردهای حرفه‌ای روزنامه‌نگاری خلاصه می‌شود. لذا باورپذیری نسبت به اخبار رسانه، تنها شامل اصل صحت و درستی خبر نمی‌شود که مهم‌تر از آن شامل ارزیابی مخاطبان از بی‌نظری و بی‌طرفی رسانه نیز می‌شود که اساس رسالت خبری است (فرهنگی و نعمتی انارکی، ۱۳۹۴: ۱۷۳).

۴-۱. نسبت اعتماد و اعتبار رسانه‌ای

هر دو مفهوم (اعتبار و اعتماد) ارتباط نزدیکی با هم دارند و برای نشان دادن ساختارهای یکسان استفاده می‌شوند. بر اساس نیازهای خبری معتبر، انتخاب‌های پر ریسکی نظیر سرمایه‌گذاری و رأی‌دهی سیاسی انجام می‌شود و در حقیقت این انتخاب‌های مخاطره‌آمیز به اعتماد ما به رسانه‌های خبر و وابسته است (Prochazka and Schweiger, 2019).

پژوهش‌گران ارتباطات غالباً واژه اعتبار را به اعتماد ترجیح می‌دهند. هرچند این قضیه به آن معنی نیست که واژه‌های اعتماد و اعتبار در موضعی متضاد قرار گرفته‌اند و این مفاهیم منحصرأ در تقابل با یکدیگر هستند (Tsfati, 2003: 182). ریمیر و ویور نشان دادند که بین استفاده و

1. Trustee
2. Truster



اعتماد بر یک رسانه تفاوت وجود دارد. استفاده از رسانه به تعداد مراجعه مخاطب بر پایه مقیاس رفتاری است، حال آنکه اعتماد به رسانه به ترجیح آن نسبت به رسانه‌های دیگر گفته می‌شود. پژوهش‌های متعددی به سنجش اثر اعتماد به رسانه بر درک اعتبار رسانه پرداختند. نتایج برخی از این پژوهش‌ها نشان داد که اعتبار رسانه یا منبع اطلاعاتی به میزان زیادی با اعتماد به آن مرتبط است (افشانی، ۱۳۹۳: ۱۷).

۵-۱. فرآیند اعتمادسازی رسانه‌ای

به اعتقاد ژوهوی سو^۱ و همکاران (۲۰۲۱) اعتمادسازی نیازمند یک فرآیند زمانی است. به اعتقاد آن‌ها به هیچ‌وجه اعتمادسازی در مورد یک رسانه با حرکت‌های خلق‌الساعه‌ای ایجاد نمی‌شود. بلکه اعتمادسازی، یک امر دوسویه است که می‌تواند رسانه را به یک ساختار اعتمادکننده، اعتماد دهنده و اعتماد سازنده تبدیل کند. در این رابطه هم مردم باید به رسانه اعتماد کنند و هم رسانه باید به مردم اعتماد کند. این اعتمادسازی دوسویه است که بخش مهمی از مرجعیت رسانه‌ای را تأمین می‌کند (ژوهوی سو و همکاران، ۲۰۲۱ به نقل از حسنی دخت و همکاران، ۱۴۰۲: ۹۸).

شیوه‌های اعتمادسازی در سه سطح بررسی می‌شود که نخست اعتماد مبتنی بر خصیصه‌های شخصی است که از راه ویژگی‌های شخصی مانند نژاد و جنسیت و پیشینه خانوادگی ایجاد می‌شود. در سطح دوم اعتماد مبتنی بر فرآیند است که این به جای خصیصه‌های اسنادی از طریق مبادله‌های مکرر ایجاد می‌شود و بدین ترتیب در گذر زمان ظهور می‌کند. در سطح سوم اعتماد نهادی قرار دارد که از راه نهادهایی ایجاد می‌شود که به واقعیت‌های اجتماعی پذیرفته شده‌اند و بنابراین به ندرت زیر سؤال می‌روند (پناهی، ۱۳۸۷: ۱۰۲). پس اعتماد به رسانه از جنس اعتماد نهادی است. برای اعتمادسازی راهبردها و تکنیک‌های شناسایی شده که می‌توان از تکنیک‌های ذیل در راستای تسهیل فرآیند اعتمادسازی در رسانه استفاده نمود:

- ۱- زمینه‌سازی روانی: زمانی که مخاطب نمود عینی خبرهای پخش شده از رسانه را در زندگی شخصی و اجتماعی خود ببیند، اعتماد وی به رسانه نیز افزایش می‌یابد.
- ۲- پخش اخباری که چالش برانگیز نبوده و از سوی رسانه‌های دیگر نیز پوشش داده شود: هر چه میزان پخش رسانه‌های خارجی و مستقل توسط رسانه بیشتر باشد، اعتماد مخاطب به رسانه (حتی در بخش خبرهای داخلی نیز) تقویت می‌شود.

- ۳- تلاش برای تأثیرگذاری بر ساختار سیاسی به‌جای تلاش برای تأثیرگذاری بر مردم: رسانه می‌تواند با انتقاد سازنده از مسئولان و قدرت سیاسی و مطرح کردن مشکلات مردم به‌جای توجیه اقدامات قدرت سیاسی و تبدیل‌شدن به روابط عمومی قدرت سیاسی، اعتماد مخاطبان را به خود بازسازی کند.
- ۴- پرهیز از کوچک جلوه داده مشکلات هواداران و بزرگ جلوه دادن مشکلات مخالفان: بزرگنمایی غیرواقعی چالش‌های فراروی مخالفان و کوچک‌نمایی مشکلات موافقان، باعث کاهش اعتماد شهروندان به رسانه می‌شود و تأثیر معکوس خواهد داشت.
- ۵- عدم جهت‌گیری رسانه به هنگام ارائه اخبار: رسانه‌ها می‌توانند در مواقع لزوم، بدون جهت‌گیری رسمی و پخش موضع افرادی که به رسانه وابسته‌اند و در مقابل استفاده از نظرات افراد مستقل که موقعیت شغلی و منزلت اجتماعی آن‌ها برای مخاطب روشن است، نظرات خود را به‌طور مستقیم اعلام کنند.
- ۶- پرهیز از اسطوره‌سازی: تلاش برای معرفی نخبگان سیاسی به‌عنوان بهترین گزینه، بزرگ کردن حُسن‌ها و عیب پوشانی اشتباهات آن‌ها باعث آن می‌شود که در زمان انحراف این افراد، رسانه هم شریک جرم آن‌ها تلقی شده و مخاطبان خود را با بی‌اعتمادی روبه‌رو کند (شفیعی، ۱۳۸۴: ۱۶۵-۱۶۴).

روش پژوهش

در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. فیلیپ مایرینگ تعریف زیر را از تحلیل محتوای کیفی ارائه کرده است: «رویکردی برای تحلیل تجربی و روشمند و کنترل‌شده محتواها با استفاده از قواعد تحلیل محتوا و مراحل آن بدون کمی‌سازی عجولانه» (مایرینگ، ۲۰۰۰). تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روشی پژوهشی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از طریق فرآیندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست (سیه و شانون^۱، ۲۰۰۵). تحلیل محتوا (رویکرد استقرایی) بیشتر به دنبال کاستن اطلاعات و ارائه توصیفی دقیق پیرامون یک موضوع است. در اینجا هدف تحقیق استقرایی، کمک به پدید آمدن یافته‌های پژوهش از طریق توجه به مضامین مسلط و متداول در

1. May ring
2. Hsieh &Shanon



داده‌هاست (توماس^۱، ۲۰۰۶). رویکرد این پژوهش تحلیل محتوای کیفی استقرایی است. از مبانی نظری و نظریه‌هایی مطروحه نیز به‌عنوان راهنما استفاده شده است.

شیوه‌نامه عملیاتی پژوهش حاضر به شرح ذیل است:

۱- نخست برنامه خبر ۶۰ دقیقه از ۱ آبان تا ۳۰ آذر ماه ۱۳۹۷ (۲۳ اکتبر تا ۲۱ دسامبر ۲۰۱۸) (۴۲ برنامه) به‌طور کامل (اعم از خبر، مصاحبه، گزارش و ...) به‌صورت تمام شماری مورد بررسی قرار گرفت (از شیوه نمونه‌گیری استفاده نشد) و در گام ابتدایی، متن ویدئوها پیاده شد.

۲- واحد تحلیل در اینجا مضمون یا تم است که شامل تمامی گزارش‌ها و اخبار، شرح صحنه، صحبت‌های گویندگان خبر و به‌نوعی هر آنچه در رابطه با اعتمادسازی است، مشخص و کدگذاری شده است.

۳- در هر بخش کدهایی که حاوی مضامینی مرتبط با اعتمادسازی بودند احصا شدند و در مرحله بعد در تحلیلی کوتاه علت انتخاب این کدها طرح شد به عبارتی کدگذاری اولیه صورت گرفت. در مرحله بسط کدها، حین بررسی مطالعات و تحقیقات پیشین و چارچوب نظری، تعدادی از تکنیک‌ها از آنجا استخراج و در متن خبر ۶۰ دقیقه مورد بررسی قرار گرفت و از سویی در حین بررسی متن تعدادی تکنیک‌ها احصا شد که در مطالعات پیشین کسی بدین شکل صورت‌بندی نکرده بود. در مرحله بعد نیز این مفاهیم ذیل یک مقوله کلی‌تر و جامع‌تر بر اساس جامعیت و مانعیت دسته‌بندی شدند.

۴- در مرحله بعد برای پایایی میانی پس از انتخاب چند برنامه به‌طور تصادفی کدگذاری و مفهوم‌سازی روی آن‌ها صورت گرفت و این کدگذاری‌ها به کارشناسان عرضه شد که مشخص شد در برخی موارد از جمله مفهوم‌سازی اختلاف‌نظر وجود دارد. در این قسمت دوباره با حضور دو کارشناس کدگذاری اولیه مورد بازبینی قرار گرفت و نقاط اختلاف مشخص شد که در نهایت اجماع به حد قابل قبولی رسید.

۵- مفاهیم استخراج‌شده از کدها ذیل یک چتر جامع‌تر و کلی با نام راهبردها که مبانی تحلیل‌اند، دسته‌بندی شدند. تمام برنامه‌ها مورد بررسی قرار گرفت و موارد تکراری حذف شدند و در نهایت برنامه‌هایی که به شکل روشن‌تری حاوی راهبردهای اعتمادسازی بود که شامل ۴۰ تکنیک بود که در نهایت ذیل ۷ راهبرد طبقه‌بندی شد.

۶- پس از کدگذاری تمام متن، دوباره روند انجام کار و کدگذاری‌های پایانی به متخصصان و کارشناسان ارشد حوزه ارتباطات عرضه شد تا پایایی نهایی حاصل آید. در این مرحله پس از کدگذاری تمام متن، دوباره این کدگذاری‌ها و مقوله‌ها به کارشناسان عرضه شد و مشخص شد که در مقوله سازی در برخی موارد اختلاف نظر وجود دارد. در نهایت تعدادی از مقوله‌ها در هم ادغام شد تا دسته‌بندی جامع‌تری ترسیم شود. در نهایت با انجام مراحل بالا، پایایی نهایی به حد قابل قبولی رسید.

۷- در پایان بر اساس مبانی نظری و یافته‌های پژوهش نتیجه‌گیری منطبق با یافته‌ها و نتایج ارائه شد.

۲. یافته‌های پژوهش

با بررسی تحلیلی برنامه‌های ۶۰ دقیقه در بازه زمانی پژوهش درباره مؤلفه‌های اعتمادسازی این شبکه در مجموع ۴۰ کد و مصداق که در مرحله اول ذیل ۳۶ تکنیک دسته‌بندی شدند و در گام بعدی این ۳۶ مفهوم ذیل ۷ مقوله اصلی انسجام یافت. این مقوله‌ها بر اساس فضای برنامه ۶۰ دقیقه که مرکب از اجزای جزئی‌تری است؛ تقسیم‌بندی شدند و لذا صورت‌بندی بحث بر اساس این کدها و مفاهیم صورت پذیرفته است. در پایان این بخش نیز جدولی از یافته‌های پژوهش ارائه شده است.

۲-۱. اثبات اشرف خبری فضای رسانه‌ای

رسانه‌ای که بتواند اشرف اطلاعاتی خود را ذیل سوژه‌های مختلف و در بازه زمانی بلندمدتی اثبات کند؛ به احتمال زیاد می‌تواند سطح اعتماد به خود را نزد مخاطبانش افزایش دهد. این راهبرد از طریق تکنیک‌های ذیل دنبال می‌شود:

۲-۱-۱. اشرف خبری در زمینه مطبوعات فضای رسانه‌ای ایران

بی‌بی‌سی با ارجاعات مختلف خود به رسانه‌های داخلی ایران، تلاش می‌کند تا جامع‌نگری و اشرف خود را به مخاطب نشان دهد.

مثال: در گزارش علی امینی درباره‌ی گروگان‌گیری مرزبانان ایرانی توسط گروه جند الله. از تصاویر این گروهک، خبرگزاری تسنیم و شبکه یک و مستند استفاده شده است. (۹۷/۰۸/۲۶)



۲-۱-۲. رصد بخش‌های مختلف سازمان صداوسیما به‌عنوان رسانه رقیب

برنامه ۶۰ دقیقه با ارجاع به برخی برنامه‌ها و اخبار سازمان صداوسیما به‌عنوان رسانه رقیب می‌کوشد تا این گزاره را به مخاطب برساند که بی‌بی‌سی نسبت به رسانه‌های رقیب نیز دارای اشراف خبری است.

مثال: در گزارش مهرزاد کهن روز؛ از قسمتی از برنامه دورهمی و برنامه حالا خورشید استفاده شده است. (۹۷/۸/۱)

۳-۱-۲. ادعای مانیتورینگ جامع شبکه‌های اجتماعی

برنامه ۶۰ دقیقه با استفاده هدفمند از کنش‌های مسئولان رسمی و سلبریتی‌های سیاسی و هنری در بستر شبکه‌های اجتماعی، ضمن اثبات اشراف خبری خود، روایتی از این بستر ارتباطی ارائه دهد که در راستای خط روایت اصلی خود قرار دارد.

مثال: در گزارش گزارشگر ژیار گل؛ درباره دور دوم تحریم‌ها به توثیق‌های محمدجواد ظریف و احمد امیرآبادی فراهانی استناد شده و در قالب تصویر پخش شد. (۹۷/۸/۱۵)

۴-۱-۲. ورود به جزئیات و واکاوی ابعاد و زوایای مختلف خبر

واکاوی زوایای مختلف سوژه‌های خبری در حین ارتباط مستقیم علاوه بر نمایش اشراف عوامل شبکه بر وجوه مختلف خبر، منجر به افزایش احتمال باورپذیری روایت خبری و ارتقا اعتماد به خط روایی شبکه می‌شود.

مثال: در ارتباط‌های زنده و مستقیم با کحال زاده (پژوهشگر اقتصادی) و حقیقت نژاد (تحلیل‌گر مسائل سیاسی)، گوینده زن (نگین شیر آقایی) همه می‌دانیم که اسمش چیست؟ حقیقت نژاد (تحلیل‌گر مسائل سیاسی)؛ ... ولی آن نهاد را همان‌طور که وب‌سایت مشرق نیوز که نزدیک به سپاه هم هست و ... (۹۷/۸/۲۳)

۵-۱-۲. نمایش اشراف خبری گوینده درباره اخبار

بی‌بی‌سی فارسی تلاش می‌کند تا اشراف اطلاعاتی گوینده خود را ناظر به جوانب مختلف سوژه به مخاطب نشان داده و با قرار دادن گوینده در مقام کارشناس، از این طریق اعتماد او را جلب کند.

مثال: گوینده (نگین شیر آقایی)؛ آقای آخوندی وزیر مستعفی راه و شهرسازی همین دو روز پیش یکی در روزنامه دنیای اقتصاد و یکی در خبرگزاری ایرنا از این می‌گویند... آقای مطهری اصلاً امروز از این هیئت به‌عنوان شورای نگهبان دوم نام می‌برد. (۹۷/۸/۱)

۶-۱-۲. حضور در مکان‌های خبرساز با بهره‌گیری از خبرنگاران مقیم
برنامه ۶۰ دقیقه با این کار می‌کوشد تا سرعت خبری و حضور میدانی خبرنگارانش را برای مخاطب ملموس کند.

مثال: گوینده زن (نگین شیرآقایی)؛ خبرنگار ما به‌رنگ تاج‌دین در مقابل دفتر نخست‌وزیری از دونینگ استریت از انجا با ماست. (۹۷/۰۸/۲۳)

۷-۱-۲. اطلاع‌رسانی در لحظه وقوع خبر و تحلیل زنده رویداد
برنامه ۶۰ دقیقه می‌کوشد تا اشراف خبری فرستنده پیام برای مخاطبان مشخص شود.
مثال: گوینده مرد (جمال‌الدین موسوی)؛ جلسه بررسی رأی اعتماد به وزرای پیشنهادی حسن روحانی تمام شده است و ... (۹۷/۸/۵)

مثال: گزارشگر (ژیار گل)؛ وزیر امور خارجه ایران هم ساعاتی پیش در پیامی ویدئویی تحریم‌های آمریکا را جنگ اقتصادی خواند و ... (۹۷/۸/۱۵)

۸-۱-۲. مصاحبه‌های اختصاصی با عوامل درگیر در خبر
برنامه ۶۰ دقیقه از مصاحبه اختصاصی در راستای اعتمادسازی به مخاطب بهره‌گیر.
مثال: گوینده مرد (جمال‌الدین موسوی)؛ خدیجه چنگیز، در مصاحبه با سیلین گریت خبرنگار بی‌بی‌سی در استامبول از ماجرای ربایش و قتل این روزنامه‌نگار منتقد سعودی گفته است [و بعد مصاحبه خبرنگار زن بی‌بی‌سی با نامزد جمال خاشقجی] (۹۷/۸/۷)

۲-۲. مرجعیت‌سازی اخبار
شبکه بی‌بی‌سی همواره تلاش می‌کند تا با استفاده از مؤلفه‌های مختلف به مرجعیت‌سازی خودش در ذهن مخاطبان بپردازد. این مرجعیت که در سطح مطلع شدن از مهم‌ترین اخبار و مرجعیت ارائه تحلیل و جمع‌بندی از سوژه‌ها قابل تقسیم‌بندی است به شرط تثبیت می‌تواند منجر به افزایش اعتماد مخاطبان به شبکه و رویکردهای خبری آن بشود. آنچه گفته شد عمدتاً از طریق یکی از روش‌های زیر دنبال می‌شود.



۲-۲-۱. استناد به شاهد مثال‌ها و منابع معتبر تأییدی

بی‌بی‌سی برای باورپذیرتر شدن خط خبری خود معمولاً تلاش می‌کند تا از شاهد مثال‌ها و منابع معتبری استفاده کند.

مثال: گزارش ژیار گل؛ ... خبرگزاری رویترز مدعی شده، او به مأموران گفته است، سر این سگ را برایم بیاورید و ... (۹۷/۸/۱)

مثال: برقراری ارتباط مستقیم با مایکل هرش (خبرنگار ارشد نشریه فارن پالیسی) درباره انتخابات آمریکا از واشنگتن. (۹۷/۸/۱۵)

۲-۲-۲. استفاده از افراد مرتبط یا آشنا به موضوع

انتخاب هدفمندانه مهمانان و کارشناسان با توجه به عنوان شغلی و نیز مجاورت با مخاطب ایرانی و سوژه موجب می‌شود تا میزان اعتماد مخاطب به رویکرد خبری-تحلیلی افزایش یابد.

مثال: در گزارش حنان رزاق (خبرنگار بخش عربی بی‌بی‌سی) با ایاد حاجی (فیلم‌سازی که می‌خواست قبلاً قتل خاشقجی درباره‌اش فیلم بسازد) و عظیم تمیمی (روزنامه‌نگار و دوست خاشقجی) گفتگو شد. (۹۷/۸/۱)

۲-۲-۳. افزایش مرجعیت از طریق استنادات تصویری و آماری

استناد به آمارها و گرافها علاوه بر ساده‌سازی مفاهیم برای مخاطب عام و تخصصی‌نمایی رویکرد خود، زمینه پذیرش راحت‌تر مطالب را فراهم کرده است.

مثال: گوینده زن (نگین شیر آقایی)؛ آقای کحال زاده می‌خواهم برگردم به شما، سازمان شفافیت بین‌الملل آماری منتشر می‌کند... از نمودارهایی هست که بررسی می‌کند همکاران ما تهیه کردند و ... (۹۷/۸/۲۳)

۲-۲-۴. برند سازی تخصصی برای عوامل شبکه، کارشناسان و مهمانان

بی‌بی‌سی در جهت تقویت وجه باورپذیری و مرجعیت خبری-تحلیلی خود تلاش می‌کند تا از افراد خبره و آشنا به سوژه خبری استفاده کند.

مثال: در گزارش شهریار صیامی، درباره تجارت ایران با روسیه و چین، در قسمتی از گزارش از خبرنگاران ارشد روسی استفاده می‌شود مثل یوری مالوویان که خبرنگار ارشد بی‌بی‌سی روسی است. (۹۷/۸/۷)

۵-۲-۲. برند سازی برای سایر برنامه‌های تخصصی بی‌بی‌سی فارسی

برنامه ۶۰ دقیقه با ارجاع درون‌شبکه‌ای علاوه بر پروموشن موضوعی برنامه‌ها؛ وجه تخصصی اخبار خود را به بیننده منتقل می‌کند.

مثال: گوینده زن (نگین شیر آقایی)؛... نازنین معتمدی از برنامه ۳۷ درجه به یکی از بزرگ‌ترین نمایشگاه‌های خال کوبی لندن رفته تا اطلاعاتی در این زمینه تهیه کند. (۹۷/۸/۲)

۶-۲-۲. پرداختن به موارد مغفول سایر رسانه‌ها

پرداخت به موارد مغفول علاوه بر تثبیت دقت نظر و وجه تخصصی و اشراف خبری بی‌بی‌سی منجر به متمایز شدن مرجعیت این شبکه در ذهن مخاطب می‌شود.

مثال: گوینده زن (رعنا رحیم‌پور)؛ در ارتباط زنده از یان بلک می‌پرسد: چیزی که گزارش نیویورک تایمز به آن نپرداخته است که آیا این رایزنی‌ها به نتیجه رسیده و ... (۹۷/۸/۲۱)

۷-۲-۲. تخصصی سازی وجه خبری از طریق استناد به روزنامه‌نگاری تحقیقی^۱

برنامه ۶۰ دقیقه معمولاً تلاش می‌کند تا با استناد تحقیقاتی که مدعی انجام آن‌هاست؛ خود را حامی روزنامه‌نگاری تحقیقی نشان دهد.

مثال: گوینده زن (نگین شیر آقایی)؛ بی‌بی‌سی مطلع شده است... چنانکه جوئل نائم گزارش می‌دهد قتل جمال خاشقجی اولین قتل نبوده است. (۹۷/۸/۱۶)

۸-۲-۲. ادعای دسترسی و استناد به منابع دست‌اول

این شبکه عمدتاً تلاش می‌کند تا ضمن پیگیری خط خبری خود از طریق بیان جزئیات و ریز ماجرا با همراه کردن گزارش خود با این گزاره ثابت که «بی‌بی‌سی نمی‌تواند صحت این اطلاعات را مستقلاً راستی آزمایی کند»؛ زیر بار مسئولیت طرح این اطلاعات قرار نگیرد. با این حال در مواردی این اقرار به عدم امکان راستی‌آزمایی در کنار استفاده از منابع دست‌اول می‌تواند نهایتاً منجر به افزایش سطح اعتماد به شبکه بی‌بی‌سی بشود.

۱. روزنامه‌نگاری تحقیقی در عین اینکه از حیث وسعت گزارش‌ها و نیز توجه به عمق رویدادها به روزنامه‌نگاری تشریحی و نیز شیوه روزنامه‌نگاری عمقی شباهت دارد، از جهت نوع برداشت و نگرش اجتماعی با آن‌ها متفاوت است. به بیان دیگر، به سبب عدم اعتماد و اطمینان خبرنگار به اخبار و اطلاعات مندرج در اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌های رسمی دولتی، کوشش‌های پیاپی در جهت کشف واقعیت‌ها انجام می‌دهد تا امکان دسترسی به اطلاعاتی فراهم شود که عمداً از دسترس آن‌ها مخفی نگاه داشته شده است.



مثال: گزارشگر (جوئل نایم)؛ ... یک منبع آگاه در عربستان که نخواست نامش فاش شود... ما نمی‌توانیم این روایت را مستقلاً راستی آزمایی کنیم ولی دست‌کم دو منبع دیگر نیز آن را نقل کرده‌اند و [در ادامه صدای یک منبع که مرگ وی را از زبان زندانبان وی روایت می‌کند] و ... (۹۷/۸/۱۶)

۲-۳. توسعه سبب مخاطبان و ارتقا کیفیت ارتباط

شبکه بی‌بی‌سی تلاش می‌کند تا از طریق تکنیک‌های مختلف، به توسعه سبب مخاطبان خود پرداخته و در عین حال سطح ارتباط خود با مخاطبانش را از جهت کمی و کیفی ارتقا دهد. این افزایش سطح درگیری مخاطب از جریان‌های مختلف سیاسی یا سطوح متفاوت نخبگانی و همچنین ارتباط بیش‌تر با مخاطب معمولاً از یکی از تکنیک‌های زیر محقق می‌شوند:

۱-۲-۳. نمایش وجه انسانی و نرم عوامل برنامه

ارتباط با مخاطب خبری فراتر از جنبه منطقی صرف، سبب اعتمادسازی می‌شود. مثال: دو مجری برنامه (نگین شیر آقایی و باران عباسی)؛ پس از خواندن سرخط خبرها با لبخند و خوش‌ویش وارد فضای خبر می‌شوند. (۹۷/۸/۱)

۲-۲-۳. برقراری مجاورت قومی و جنسیتی توسط گوینده

برنامه ۶۰ دقیقه می‌کوشد تا سطح ارتباط خود با مخاطب را ارتقا داده و نهایتاً اعتماد مخاطب را جلب کند.

مثال: گوینده مرد (جمال‌الدین موسوی)؛ اخباری را که درباره حمله طالبان به افغانستان مرکزی است را می‌خواند. (۹۷/۸/۲۱)

۲-۳-۳. استفاده از تجربه‌های زیسته در فضای بحث توسط گویندگان

استنادات مصداقی اگر مرتبط با زندگی روزمره مخاطبان باشد؛ باورپذیری و اعتماد به موضع شبکه را نزد مخاطبان افزایش خواهد داد.

مثال: گوینده مرد (جمال‌الدین موسوی)؛ آقای دادپی بگذارید بحث رو این‌طور ادامه بدیم من زمانی به یاد دارم که خودم در ترکیه در رستورانی به خاطر خرید یک ماست مثلاً سه میلیون لیره پرداختم و... (۹۷/۸/۲۷)

۴-۳-۲. توجه به نیازهای اطلاعاتی بر مبنای رویدادهای آتی مهم و مؤثر
انتخاب سوژه‌هایی که مسائل مرتبط با آن‌ها زندگی عموم مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ می‌تواند شمولیت مخاطبان این شبکه و همچنین سطح اعتماد به بی‌بی‌سی را افزایش دهد.
مثال: گوینده زن (ناجیه غلامی)؛ آمریکا تحریم‌های هسته‌ای ایران را در دو بخش به اجرا می‌گذارد که بخش دوم آن ۵ نوامبر یعنی دوشنبه هفته آینده آغاز می‌شود این بخش دوم تحریم‌ها شامل ۶ دسته تحریم است و ... [با استفاده از گرافیک خبری ۶ دسته را بیان می‌کند] (۹۷/۸/۵)

۵-۳-۲. استفاده همگرا از مدیوم‌های مختلف برودکست و برودبند
فراگیری همگرا در مدیوم‌های مختلف علاوه بر اینکه می‌تواند سید مخاطبان بی‌بی‌سی را افزایش دهد به شرط عملکرد یکپارچه خبری منجر به تثبیت روایت این شبکه در ذهن مخاطب خواهد شد.

مثال: [پس از پایان ارتباط مستقیم زنده با دو کارشناس] گوینده مرد (جمال‌الدین موسوی)؛ در آستانه بازگشت تحریم‌های آمریکا علیه ایران سایت فارسی بی‌بی‌سی هم صفحه ویژه‌ای به این موضوع اختصاص داده است. اگر مایلید خبر و گزارش و تحلیل بیشتر را درباره بازگشت تحریم‌ها بخوانید. می‌توانید به سایت ما سر بزنید. (۹۷/۸/۱۲)

۶-۳-۲. استفاده از نمادهای تصویری مرتبط با فضای خبری برای ارتقا کیفیت ارتباط

تلاش این شبکه برای بصری‌سازی روایت خود می‌تواند منجر به افزایش باورپذیری و در نتیجه افزایش سطح اعتماد به بی‌بی‌سی شود.

مثال: در حین ارتباط زنده با نیما راشداندان و حمزه قالبی پشت سر گوینده مرد (جمال‌الدین موسوی)؛ عکس ریال ایران بود که با استفاده از گرافیک برجسته می‌شد. پس از ارتباط زنده نیز حین صحبت گوینده مرتبط با صحبت‌های وی درباره نفت و دلار اِلمان‌های تصویری مرتبط پخش شد. (۹۷/۸/۱۴)

۷-۳-۲. قرار گرفتن در موضع مخاطب

برنامه ۶۰ دقیقه معمولاً تلاش می‌کند تا در بخش مقدمه اخبار و گفتگوهای تحلیلی در موضع وکیل مدافع افکار عمومی قرار گرفته و سؤالات خود را از جانب عموم مردم مطرح کند.



مثال: گوینده زن (باران عباسی)؛ برنامه ۹۰ دیشب هم پخش نشد... این برنامه هفته بعد هم به خاطر اربعین پخش نمی‌شود. هواداران می‌پرسند چه شده است؟ مهرزاد کهن روز گزارش می‌دهد. (۹۷/۸/۱)

۸-۳-۲. سهیم کردن مخاطب در چرایی انتخاب سوژه

اقتناع مخاطب در فرایند دروازه‌بانی خبر می‌تواند منجر به ارتقا کیفیت ارتباط یک شبکه خبری با مخاطب و نهایتاً افزایش سطح اعتماد به آن شبکه بشود.

مثال: گوینده مرد (جمال‌الدین موسوی)؛ ۲۰ درصد از اعضای کنگره آمریکا زن هستند. و... گوینده زن (رعنا رحیم‌پور): انتخابات کنگره آمریکا که سه‌شنبه هفته آینده برگزار می‌شود... (۹۷/۸/۷)

۹-۳-۲. استفاده از تصاویر و صداهای پشتیبان

پخش تصاویر و صداهایی که به‌عنوان شاهد مثال‌هایی واقعی خط روایی و تحلیلی سبب می‌شود تا سطح باورپذیری و اعتماد به خود را نزد مخاطبان افزایش دهد.

مثال: پیش از اعلام سرخط خبرها، تصاویری از خبر با صدای طبیعی آن پخش می‌شود. (۹۷/۸/۱۲)

مثال: صدا و تصویر حناچی (شهردار تهران) که می‌گوید؛ یک نفر ممکن است ده‌ها واحد مسکونی خالی در سطح شهر نگه دارد و هیچ‌کس هم سراغش نرود...؟ (۹۷/۰۸/۲۲)

۴-۲. تثبیت وجه تخصصی

نمایش غیرمستقیم تلاش جمع‌کثیری از افراد دخیل در خبر علاوه بر نمایش اینکه تولید خبر پیچیدگی و تعداد بالای عوامل درگیر را دارد می‌کوشد تا نشان دهد چیزی برای پنهان کردن از مخاطب نداشته و از این طریق نیز بتواند به جلب اعتماد بیش‌تر مخاطبان خود بپردازد.

مثال: پشت‌صحنه دکور اصلی برنامه، اتاق خبر اصلی بی‌بی‌سی فارسی را نشان می‌دهد. [این فضا در تمام برنامه‌های موردبررسی مشترک و مشهود بود] (۹۷/۸/۱)

۵-۲. توسعه ارزش‌های خبری

استفاده هدفمند و توأمان از ارزش‌های خبری^۱ برای دروازه‌بانی خبر^۲ از جمله مواردی است که بی‌بی‌سی تلاش دارد تا با اتکا به آن به جلب اعتماد مخاطبان و اثبات وجه تخصصی خود بپردازد. این توجه به ارزش‌های خبری عمدتاً ذیل دو زیر مقوله اصلی اتفاق می‌افتد:

۱-۵-۲. توجه به ارزش‌های خبری و نیاز مخاطب با تمرکز بر پیشینه خبر

بی‌بی‌سی با پخش گزارش خبری با نگاه سلسله‌وار درباره رخدادها، می‌کوشد تا علاوه بر دادن چارچوب خبری مدنظر خود به مخاطب، نیاز وی پیرامون مطلع شدن از جوانب مختلف موضوع را پاسخ دهد.

مثال: گوینده زن (نگین شیر آقایی)؛ اما اول آنچه تا اینجا کار روی داده در گزارشی از ژبار گل و ... (۹۷/۸/۱)

مثال: گوینده مرد (کسری ناجی)؛ سازمان ملل متحد می‌گوید جهان در آستانه اپیدمی سوءاستفاده از داروهای مسکن قوی مثل ترامادول و فنتانیل است... [قسمت‌های بعدی آن در برنامه ۴ آذر و ۵ آذر و ۶ آذر] (۹۷/۰۹/۰۳)

۲-۵-۲. توجه به نیاز خبری روز مخاطب

پاسخ به‌موقع به نیاز مخاطب سبب جلب اعتماد می‌شود.

مثال: گوینده زن (نگین شیر آقایی)؛ به ۶۰ دقیقه خوش آمدید. سرخط خبرها: اردوغان می‌گوید قتل خاشقجی برنامه‌ریزی شده بود. سود و زیان ماجرا برای ترکیه و عربستان چیست؟ (۹۷/۸/۱)

۱. ارزش‌های خبری، معیار گزینش رویداد است که در دل رویدادها قرار دارند. هفت ارزش خبری مهم عبارت‌اند از: دربرگیری، شهرت، مجاورت، تازگی، استثنا و شگفتی، برخورد و درگیری و فراوانی تعداد و مقدار (شکرخواه، ۱۳۹۰: ۲۸)
۲. یک برنامه تلویزیونی حاصل چندین انتخاب است که توسط طیفی از دروازه‌بانان (گزینشگران) (keepers-gate) صورت گرفته است. این دروازه‌بانان شامل این افراد می‌شوند: دبیری که موضوع مورد پوشش را تعیین می‌کند، سازماندهنده‌ای که عکاسان و گزارشگران را برای تهیه موضوع توجیه می‌کند، تدوین‌کننده فیلم که دست به انتخاب می‌زند، سازنده نهایی که مقولات را از نوارها استخراج می‌کند، معاون فردی که مسئول سوژه است و مسئول طرح که شکل نهایی کار را تأیید می‌کند (شکرخواه، ۱۳۹۰: ۱۴۴)



۲-۶. قرار گرفتن در موضع رسانه افکار عمومی

بی‌بی‌سی از یکسو به دنبال شناس شدن به‌عنوان رسانه‌ای است که دغدغه پیگیری مطالبات عمومی را دارد تا از این طریق به کسب اعتبار برای خود و جذب مخاطب بپردازد و از سوی دیگر تلاش می‌کند تا با استفاده هدفمند از مطالب و نظراتی که آن‌ها را نماینده افکار عمومی می‌داند؛ تحلیل‌ها و خط خبری خود را به‌عنوان نمودی برآمده یا منطبق با جمع‌بندی افکار عمومی ارائه دهد. بی‌بی‌سی برای تحقق آنچه گفته شد معمولاً از یکی از تکنیک‌های زیر استفاده می‌کند. این راهبرد از طریق یکی از تکنیک‌های ذیل دنبال می‌شود:

۲-۶-۱. قرار گرفتن در موضع نماینده افکار عمومی

مثال: گوینده مرد (جمال‌الدین موسوی)؛ نظر برخی از مخاطبان بی‌بی‌سی فارسی را درباره تحریم‌ها و اثرشان می‌شنویم. در ادامه صدای چند مخاطب پخش شد و ... (۹۷/۸/۱۲).

۲-۶-۲. ارجاعات تأییدی به سخنان مردم

مثال: گوینده مرد (جمال‌الدین موسوی)؛ ... تصاویری ببینید از اعتراض‌های امروز درشوش [ویدئوی کارگران و سخنانشان پخش می‌شود]. (۹۷/۸/۲۷)

۲-۶-۳. مشارکت مخاطب در فرایند تولید خبر

مثال: در گزارش مجید خیام دار درباره روز کوروش؛ از ویدئوها و تصاویری استفاده می‌شود که مردم ارسال کرده‌اند. (۹۷/۸/۷)

۲-۶-۴. بیان اثر خبر بر افکار عمومی ایرانی

تحقق کارکرد نظارتی یک رسانه در حوزه‌های نظیر خبر می‌تواند منجر به افزایش سطح اعتماد به آن شبکه بشود.

مثال: سرخط خبرهای امشب برنامه ۶۰ دقیقاً درباره تحریم‌های امریکا علیه ایران است
سرخط خبری نخست: دور تازه تحریم‌ها علیه ایران
سرخط خبری دوم: واکنش ایران به برگشت تحریم‌ها
سرخط خبری سوم: تأثیر تحریم‌ها بر زندگی مردم
سرخط خبری چهارم: حمله سایبری به زیرساخت‌های ارتباطی ایران. (۹۷/۸/۱۴)

۷-۲. تثبیت وجهه حق جو و منصف در برنامه

نمایش بی‌طرفی و القای انصاف خبری به مخاطب سبب می‌شود تا اعتمادسازی به اخبار و گزاره‌های مطروحه توسط برنامه ۶۰ دقیقه افزایش یابد. این القای بی‌طرفی از طریق موارد خاصی صورت می‌پذیرد. از سویی در این میان نقش گوینده به‌مثابه نماینده شبکه در مسیر نمایش وجهه حق جو و منصف شبکه حائز اهمیت است. این راهبرد از طریق تکنیک‌های ذیل دنبال می‌شود:

۱-۷-۲. فرصت دادن و ارجاع به رقیب و جریانات مختلف

این فرصت دادن سبب نمایش موضع انصاف و اعتمادبه‌نفس رسانه است که نهایتاً اعتماد را به دنبال دارد.

مثال: پخش سخنان زهرا ارشادی (نماینده جمهوری اسلامی ایران) در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد؛ ما گزارش‌های گزارشگر ویژه آزادی بیان را در نظر داریم و... (۹۷/۸/۲)

۲-۷-۲. اذعان به اشتباه برای اثبات صداقت و تلاش برای جبران

احترام به مخاطب و بیان علت اشکال و عذرخواهی بابت آن در بلندمدت سطح اعتماد به شبکه را افزایش دهد.

مثال: گوینده زن (نگین شیر آقایی)؛ عذرخواهی می‌کنیم که گزارش مجید خیام‌دار درباره بن‌بست سیاسی در لبنان نیمه‌کاره، رها شد و... (۹۷/۸/۲۳)

۳-۷-۲. قرار دادن گوینده خبر در جایگاه داور و عنصر تعادل‌بخش

گوینده ضمن نمایش تسلط خود می‌کوشد تا از یک‌طرفه شدن بحث و یک‌سویه نگری کارشناسان جلوگیری کرده و به نحوی تعدیل‌کننده بحث باشد.

مثال: گوینده مرد (جمال‌الدین موسوی)؛ آقای سید عسکری (تحلیل‌گر مسائل اقتصادی از اسلو)، طرف دیگر سکه هم این است که بعضی کشورها نتوانستند کنترل کنند تورم را، نمونه‌اش زیмбаوه نمونه‌اش ونزوئلا آیا واقعاً می‌شود ایران راهی غیر راه آن‌ها را برود. (۹۷/۸/۲۷)

۴-۷-۲. ایجاد و افزایش چالش در گفتگوهای کارشناسی

این نمایش تلاش گوینده در راستای حق‌جویی و اثبات تسلطش روی موضوعات سبب می‌شود تا اعتماد مخاطب جلب شود.



مثال: گوینده مرد (جمال‌الدین موسوی)؛ آقای جوادی مشکل، مشکل جهانی است مربوط به یک قسمت نیست اگر نگاه کنیم به جهان توسعه یافته تا چه حد مبارزه با این مشکل یا حل آن در سیاست‌گذاری‌ها لحاظ شده است؟ کارشناس (مصطفی جوادی)؛ بحث از ... [مکت مصاحبه‌شونده] (صدای گوینده مرد که می‌گوید پاریس) خارج شد.

جدول یافته‌های پژوهش: راهبردها و تکنیک‌های اعتمادسازی در برنامه خبری ۶۰ دقیقه

یافته‌های پژوهش در قالب جدول ۲ به‌طور خلاصه صورت‌بندی شده است که در این مقاله زیر مقوله‌ها به‌عنوان تکنیک‌های اعتمادسازی و مقوله‌های اصلی که جامع‌تر و گویاتر زیر مقوله‌ها را صورت‌بندی کردند به‌عنوان راهبرد کلی در نظر گرفته شدند:

جدول ۲. یافته‌های پژوهش: راهبردها و تکنیک‌های اعتمادسازی در برنامه خبری ۶۰ دقیقه

ردیف	مقوله‌های اصلی (راهبردها)	زیر مقوله‌ها (تکنیک‌ها)
۱.	اثبات اشراف خبری فضای رسانه‌ای	(۱) اشراف خبری در زمینه مطبوعات فضای رسانه‌ای ایران (۲) ادعای مانیتورینگ جامع شبکه‌های اجتماعی (۳) رصد بخش‌های مختلف سازمان صداوسیما به‌عنوان رسانه رقیب (۴) ورود به جزئیات و واکاوی ابعاد و زوایای مختلف خبر (۵) نمایش اشراف خبری گوینده درباره اخبار (۶) حضور در مکان‌های خبرساز با بهره‌گیری از خبرنگاران مقیم (۷) اطلاع‌رسانی در لحظه وقوع خبر و تحلیل زنده رویداد (۸) مصاحبه‌های اختصاصی با عوامل درگیر در خبر
۲.	مرجعیت سازی اخبار	(۱) استناد به شاهد مثال‌ها و منابع معتبر تأییدی (۲) استفاده از افراد مرتبط یا آشنا به موضوع (۳) افزایش مرجعیت از طریق استنادات تصویری و آماری (۴) برندسازی تخصصی برای عوامل شبکه، کارشناسان و مهمانان (۵) برندسازی برای سایر برنامه‌های تخصصی بی‌بی‌سی فارسی (۶) پرداختن به موارد مغفول سایر رسانه‌ها (۷) تخصصی سازی وجه خبری از طریق استناد به روزنامه‌نگاری تحقیقی (۸) ادعای دسترسی و استناد به منابع دست‌اول

ردیف	مقوله‌های اصلی (راهبردها)	زیر مقوله‌ها (تکنیک‌ها)
۳	توسعه سبب مخاطبان و ارتقا کیفیت ارتباط	(۱) نمایش وجه انسانی و نرم عوامل برنامه (۲) برقراری مجاورت قومی و جنسیتی توسط گوینده (۳) استفاده از تجربه‌های زیسته در فضای بحث توسط گویندگان (۴) توجه به نیازهای اطلاعاتی بر مبنای رویدادهای آتی مهم و مؤثر (۵) استفاده همگرا از مدیوم‌های مختلف برودکست و بروبند (۶) استفاده از نمادهای تصویری مرتبط با فضای خبری برای ارتقا کیفیت ارتباط (۷) قرار گرفتن در موضع مخاطب (۸) سهیم کردن مخاطب در چرایی انتخاب سوژه (۹) استفاده از تصاویر و صداها پشتیبان
۴	تشبیت وجه تخصصی	(۱) نمایش غیرمستقیم تلاش جمع کثیری از افراد دخیل در خبر
۵	توسعه ارزش‌های خبری	(۱) توجه به ارزش‌های خبری و نیاز مخاطب با تمرکز بر پیشینه خبر (۲) توجه به نیاز خبری روز مخاطب
۶	قرار گرفتن در موضع رسانه افکار عمومی	(۱) قرار گرفتن در موضع نماینده افکار عمومی (۲) ارجاعات تأییدی به سخنان مردم (۳) مشارکت مخاطب در فرایند تولید خبر (۴) بیان اثر خبر بر افکار عمومی ایرانی
۷	تشبیت وجهه حق جو و منصف در برنامه	(۱) فرصت دادن و ارجاع به رقیب و جریان‌های مختلف (۲) اذعان به اشتباه برای اثبات صداقت و تلاش برای جبران (۳) قرار دادن گوینده خبر در جایگاه داور و عنصر تعادل‌بخش (۴) ایجاد و افزایش چالش در گفتگوهای کارشناسی

نتیجه‌گیری

در مجموع بر اساس یافته‌ها ۳۶ تکنیک در ۷ راهبرد کلی صورت‌بندی شدند که در این بخش با تکیه بر مفاهیم نظری طرح‌شده در ابتدای مقاله تحلیل صورت می‌گیرد. راهبرد اثبات اشراف خبری روی سوژه‌های مختلف با استفاده از تکنیک‌های رصدگری فضای رسانه‌های جریان اصلی و رقیب، رصدگری رسانه‌های اجتماعی و نیز نمایش اشراف خبری عوامل خبری نیز از گزاره‌هایی است که بی‌بی‌سی با اتکا به آن‌ها اشراف اطلاعاتی‌اش را برای مخاطب نمایان می‌سازد. نمایش زنده رویدادهای مهم و وابسته‌های پخش زنده و نیز مصاحبه‌های اختصاصی با عوامل خبری نیز



از موارد مهم در بحث اشراف خبری بی‌بی‌سی است که اعتماد مخاطب به اخبار را ارتقا می‌دهد. راهبرد مرجعیت‌سازی بی‌بی‌سی با اتکا به استنادات مکرر و استفاده از منابع متخصص و پر اعتبار برای تشریح موضوعات دنبال می‌شود و در مرحله بعد تلاش بی‌بی‌سی آن است که دست‌اندرکاران و خبرنگاران خودش و برنامه‌های تخصصی خودش را به‌عنوان برند و محل رجوع برای بیان روایت اول و درست در ذهن مخاطب برجسته سازد. توجه به افزایش کمی و کیفی سطح ارتباط با مخاطبان نیز مورد توجه ۶۰ دقیقه است و در این راستا سطح ارتباطی گوینده خبر را از جایگاه یک خبرخوان صورت‌سنگی به فردی مطلع و دارای اشراف روی محورهای خبری و بعضاً حتی کارشناسی با وجه ای نرم و انسان‌گونه نمایش می‌دهد. توجه به ارتباطات غیرکلامی گویندگان خبری نیز با توجه به خوانش خبرهای متعدد نیز از مواردی است که سبب ارتقا سطح کیفی گوینده با مخاطب برنامه می‌شود. یکی از کار ویژه‌های مهم برنامه ۶۰ دقیقه توسعه سبب مخاطبان برنامه‌اش و در این راستا از ظرفیت‌های مختلف ارتباط‌گیری و همراهی با مخاطب برای برآورده‌سازی نیازهای خبری بهره می‌گیرد. راهبرد توسعه سبب مخاطبان با استفاده همگرا از بسترهای متفاوت نشر اطلاعات نیز منجر به نمایان شدن عملکرد یکپارچه خبری در راستای رفع نیاز خبری مخاطب و شکل‌گیری روایت خاص شبکه در ذهن مخاطب برنامه می‌شود. از سویی متقاعدسازی مخاطب در فرآیند دروازه‌بانی خبری با استفاده از بیان چرایی پرداخت به اخبار نیز از مواردی است که سبب افزایش سبب مخاطبان شبکه می‌شود. برنامه ۶۰ دقیقه با استفاده از مشارکت مخاطب در تولید خبر با استفاده از تصاویر و مطالب در دسترس عموم و حتی در مرحله‌ای بالاتر پرسش از کارشناس برنامه با اتکا به این مطالب، جایگاه خود را به رسانه‌ای همخوان با افکار عمومی ارتقا می‌دهد و از سویی خلأ حضور میدانی در فضای رسانه‌ای ایران را جبران نماید. بر اساس فرآیند اعتمادسازی، خبر ۶۰ دقیقه می‌کوشد با بیان اثر خبر مخاطب ایرانی و قرار گرفتن در موضع رسانه افکار عمومی زمینه‌سازی روانی را انجام دهد و از سویی با عدم سوگیری رسمی و استفاده از کارشناسان برای بیان جهت‌گیری غیررسمی می‌کوشد تا اعتمادسازی به اخبار صورت‌پذیرد و سیاست خبری خود را دنبال کند.

بر اساس نظریه انگاره‌سازی، شبکه بی‌بی‌سی فارسی تلاش دارد خود را رسانه‌ای پیگیر و نماینده افکار عمومی معرفی نماید تا بتواند کارکرد دیده‌بانی خویش را به‌عنوان مدافع افکار عمومی پر رنگ سازد و همچنین با اتکا به این شیوه، استقرای ناقص خویش را درباره مسائل و محورهای خبر به عموم مخاطبان تعمیم دهد. بر اساس نظریه متقاعدسازی، برنامه ۶۰ دقیقه

می‌کوشد تا از پوسته یک خبردهنده صرف خارج‌شده و خود را به‌مثابه یک مرجع خبری معرفی نماید و در راستای مرجعیت‌سازی خبری با نگاه خاص به اعتبار منبع و وجه تخصص‌گری کارشناسان و مهمانانش از مرحله روزنامه‌نگاری عینی عبور کرده و با حفظ این‌گونه روزنامه‌نگاری خود را در روزنامه‌نگاری تحقیقی بازتولید سازد. با این حجم زیاد اطلاعات و اخبار در دسترس مخاطبان، نمایش و اثبات اشراف خبری برنامه ۶۰ روی سپهر رسانه‌ای می‌تواند به‌صورت ویژه‌تری روایت خبری شبکه را قابل‌اعتماد سازد. برنامه ۶۰ دقیقه دروازه‌بانی اخبارش را منطبق با شاخص‌های عمومی دروازه‌بانی اخبار نظیر ارزش‌های هفتگانه خبری و نیز شاخص‌های اختصاصی از جمله توجه به رویدادهای آتی و تدارک خبری برای پاسخ‌دهی به آن‌ها و نیز واقعی‌سازی اهمیت خبری با تکرار بصری و محتوایی در طول برنامه انجام می‌دهد. نگاه به نیاز خبری روز مخاطب از امکان‌هایی است که برنامه ۶۰ دقیقه با اتکا به آن تلاش دارد تا به واقعیت زندگی مردم نزدیک‌تر شود و با بیان دغدغه‌های روزانه و ملموس مردم از این مهم در راستای تقویت یک ارتباط باورپذیر و اعتمادساز بهره‌برداری نماید. گوینده به‌عنوان نماینده برنامه که عهده‌دار چندین وظیفه مختلف در برنامه است تلاش دارد تا با استفاده از استنادات و بهره‌گیری از منابع خبری مختلف علاوه بر نمایش وجه اشراف اطلاعاتی‌اش و القای بی‌طرفی شبکه، عهده‌دار رفع اشتباهات احتمالی برای نمایش وجه حق‌جو شبکه نیز هست که این موارد خود سبب افزایش سطح اعتمادسازی شبکه می‌شود. راهبرد تثبیت وجه حق‌جو منصف در خبر ۶۰ دقیقه با تکنیک‌های مختلف در راستای اعتمادسازی دنبال می‌شود از جمله میدان دادن به عناصر مختلف از داخل ایران، ایجاد فضای چالشی و تضاد در ارتباط‌های زنده، نگاه موشکافانه به اخبار، نمایش عدم نفع‌بری شبکه در اخبار. ورود شبکه به شیوه حق‌جویی و دفاع از انصاف خبری از طریق نقد درون‌شبکه‌ای و عوامل برنامه و اذعان به اشتباهات احتمالی نیز نمود می‌یابد و با نگاه تحقیقی و اکتشافانه به رویدادها این شیوه خودنمایی بیشتری می‌کند. بر اساس نظریه متقاعدسازی، شبکه بی‌بی‌سی تلاش می‌کند تا از طریق قرار گرفتن در موضع رسانه‌ای که پیگیر و نماینده افکار عمومی است؛ اولاً به‌صورت ملموسی به ایفای نقش نظارتی رسانه برای مخاطبان خود بپردازد و در این مسیر اعتماد آن‌ها را جلب کند. ثانیاً با رویکردی ابزاری، از وجهه یک رسانه عمومی و برخی استنادات تأییدی افراد خاص استفاده کرده تا تحلیل‌ها و مواضع خود را از طریق استقرایی ناقص به برآیند افکار عمومی ایران تعمیم دهد. این رسانه، طبق نظریه انگاره‌سازی خبری می‌کوشد تا خود را رسانه‌ای در موضع مخاطب معرفی نماید و می‌کوشد تا با تکنیک‌های



مختلف مسائل و اخبار را طوری ساماندهی نماید که مخاطب استنباط نماید که از جانب او این سخنان گفته می‌شود. برنامه ۶۰ دقیقه از راهبردهای اعتمادسازی در غایت آن با سبک و سیاق خودش استفاده می‌کند. فرآیند اعتمادسازی یک امر دوسویه و مستلزم زمان است و قادر است نهاد رسانه را به‌عنوان یک ساختار اعتمادساز معرفی نماید که این خود مرجعیت خبری را به دنبال دارد.

پیشنهاد‌های کاربردی و رسانه‌ای

- پیشنهاد می‌شود برحسب نتایج به دست آمده در این پژوهش، برنامه‌ها و تولیدات خبری شبکه‌های معاونت برون‌مرزی هر چه بیشتر به روزنامه‌نگاری تحقیقی و تخصصی‌سازی خبری ورود کنند تا در بلندمدت بتوانند مرجعیت رسانه‌ای خود را حفظ و تقویت کنند.
- توجه به برندسازی برنامه‌ها و تولیدات رسانه‌ای و نیز عوامل و دست‌اندرکاران برنامه‌ها هر چه بیشتر در دستور کار عوامل خبر در رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما قرار گیرد.
- پیشنهاد می‌شود توجه به عبور از فضای سخت خبر در قالب ارتقا کیفیت ارتباط در توجه به توسعه سبک مخاطبان شبکه‌های برون‌مرزی در دستور کار قرار گیرد تا از این رهگذر بتوان اعتمادسازی در اخبار معاونت برون‌مرزی را ارتقاء داد.
- قرار گرفتن در موضع رسانه افکار عمومی و توجه به تکنیک‌های آن و به روزآوری این تکنیک‌ها همانند آنچه در برنامه «ایران تک» پرس تی وی تجربه شده، یکی از مواردی است که بایسته است هر چه بیشتر در دستور کار رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما قرار گیرد.
- از آنجا که گرانیگاه رسانه برای ادراک‌سازی و تصویرسازی موفق مبتنی بر اعتمادسازی است؛ شبکه‌های مختلف برون‌مرزی صداوسیما درباره استفاده از این راهبردها و تکنیک‌های اعتمادسازی در برنامه‌های خبری‌شان اهتمام بیشتری داشته باشند.
- از آنجا که لازمه‌ی تبدیل شدن به مرجعیت رسانه‌ای اعتمادسازی است، بایسته است این مهم به‌عنوان یکی از اولویت‌های شبکه‌های معاونت برون‌مرزی در نظر گرفته شود.
- پیشنهاد می‌شود تا شبکه‌های برون‌مرزی به آموزش تکنیک‌های اعتمادسازی در قالب ارتقای دانش رسانه‌ای در برنامه‌هایشان با حضور کارشناسان بپردازند تا از این رهگذر مخاطبان را با تکنیک‌های شبکه‌های رقیب آشنا سازند.
- پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های خبری شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما، اثر خبر بر مخاطب و نیازهای وی در نگارش خبر در اولویت قرار گیرد.

- لازم است تا از رسانه‌های اجتماعی در مرحله جمع‌آوری داده‌ها برای شناسایی نبض افکار عمومی و استفاده از ظرفیت این رسانه‌ها در ابعاد مختلف در برنامه‌ها استفاده شود.

پیشنهاد‌های پژوهشی

- پیشنهاد می‌شود راهبردهای و تکنیک‌های اعتمادسازی سایر شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی از جمله ایران اینترنشنال نیز مورد مطالعه قرار گیرد تا شمایی کلی از این راهبردها در میدان رقابت رسانه‌ای به دست آید.
- پیشنهاد می‌شود پژوهش مشابه درباره راهبردهای اعتمادسازی پرس تی‌وی و هیسپان تی‌وی نیز صورت گیرد تا علاوه بر مقایسه آن با شبکه‌های ماهواره‌ای، با شناسایی نقاط ضعف بتوان نقاط قوت را ارتقا داد.
- پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه در این پژوهش فقط برنامه ۶۰ دقیقه مورد بررسی قرار گرفت، سایر برنامه‌های تولیدی شبکه بی‌بی‌سی نیز مطالعه شود.
- پیشنهاد می‌شود از روش‌های کمی نیز در تحلیل شبکه بی‌بی‌سی برای بررسی تعدد و حجم استفاده از تکنیک‌ها و راهبردها استفاده شود تا بتوان نگاه جامع‌تری به این موارد داشت.

منابع و مأخذ

- آذری، سعید (۱۳۷۱). *اثر تلویزیون بر کودکان و نوجوانان*. تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صداوسیما.
- افشانی، فریده (۱۳۹۳). بررسی میزان اعتبار تبلیغات ماهواره‌ای و اعتماد مخاطب به آن. *مطالعات ماهواره و رسانه‌های جدید*، ۵(۲۹)، ۳۶-۴۹.
- پارسائیان، مریم (۱۳۹۳). مخاطب‌شناسی در نظریه ارتباطات. *گفتمان علم و فناوری*، ۱(۶).
- پناهی، جلال (۱۳۸۹). *اعتماد و اعتمادسازی در سازمان*. پیک نور.
- تیرل، رابرت (۱۳۹۱). *ژورنالیسم تلویزیونی*. ترجمه مهدی رحیمیان. تهران: نشر سروش.
- حقیقی، ابراهیم (۱۳۷۶). *میزگرد پژوهش و سنجش*. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش و سنجش، ۴(۱۲)، ۲۸-۴۱.
- حسینی‌دخت، سوسن، زرگر، سید محمد، نعمتی انارکی، داود و رشیدی، احتشام (۱۴۰۲). ارائه مدل رسانه خبری اعتماد ساز در شرایط بحران با استفاده از نظریه داده بنیاد و مدل یابی معادلات ساختاری (مورد مطالعه: بحران کووید۱۹). *رسانه و فرهنگ*، ۱۳(۲۵)، ۹۰-۱۱۳.



- راجر، اورت ام، و شومیکر، فلویید (۱۳۶۹). رسانش نوآوری‌ها: رهیافتی میان فرهنگی. ترجمه ابوطالب فتایی و عزت‌الله کرمی. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). *جامعه‌شناسی ارتباطات*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- شکرخواه، یونس (۱۳۹۰). خیر. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- شفیعی، حسن (۱۳۸۴). *تکنیک‌های نوین در داده‌پردازی خبری اصول خبررسانی و برنامه‌سازی در رسانه ملی*. تهران: دبیرخانه جشنواره خبر و برنامه‌های سیاسی صداوسیما.
- شعار غفاری، پیروز (۱۳۷۴). تبلیغ سیاه، سفید و خاکستری. *فصلنامه رسانه*، ۱(۵)، ۳۲-۲۱.
- کاردان، عباس، و شوشتری‌زاده، الهام (۱۳۸۹). *بولتن جنگ رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران - تحلیل و بررسی بی‌بی‌سی فارسی*. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- مسعودی، امیدعلی (۱۳۹۶). بررسی عوامل اعتمادسازی مخاطبان به برنامه‌های خبری در سیمای جمهوری اسلامی، *علوم خبری*، ۶(۲۱)، ۴۸-۳۲.
- محمدی، مهدی (۱۳۸۹). *ارزیابی و تحلیل عملیات رسانه‌ای غرب علیه جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- محمدی، مجید (۱۳۷۹). *اخلاق رسانه‌ها*. تهران: انتشارات نقش و نگار.
- مجیدی، حسن، و نوری‌زاده، جواد (۱۳۹۰). *تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی و بازنمایی تحولات داخلی ایران در سال ۱۳۸۸*. *مطالعات فرهنگ - رسانه*، ۱۵(۱۲)، ۲۲۱-۱۹۰.
- فرقانی، محمدمهدی (۱۳۹۶). *مجموعه مقالات روزنامه‌نگاری ارتباطات و جامعه*. تهران: نشر اطلاعات.
- فرقانی، محمدمهدی، و تقوی‌پور، محمدرضا (۱۳۹۸). از گفتمان‌سازی تا جریان‌سازی بی‌بی‌سی فارسی بر محور پرونده‌های حقوق بشری. *پژوهش‌های ارتباطی*، ۱(۲۶)، ۱۱۰-۷۷.
- فرهنگی، علی اکبر، و نعمتی انارکی، داود (۱۳۹۴). *رسانه و خیر برخی دیدگاه‌های غالب و انتقادی*، تهران: انتشارات دانشگاه صداوسیما.
- وثوقی، منصور، و آرام، هاشمی (۱۳۸۸). *بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر خلخال*. *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، ۱۱(۱۷)، ۱۵۳-۱۳۳.
- هاشم‌زهی، نوروز، و مهدوی، سمیه السادات (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر اعتماد شهروندان کرمانی به اخبار شبکه یک تلویزیون. *مطالعات رسانه‌ای*، ۷(۱۸)، ۱۹۴-۱۷۸.
- هرمزی‌زاده، محمدعلی، بهشتی، محمود، و زابلی‌زاده، اردشیر (۱۳۹۸). *مطالعه اسلوب‌های اختصاصی شبکه خبری بی‌بی‌سی فارسی برای جلب اعتماد مخاطبان*. *رسانه‌های دیداری و شنیداری*، ۱۳(۳۱)، ۸۷-۱۱۵.

- Anastasio, P. A., C. K., and Chapman, R. (2000). *Can the Media Create Public Opinion? A Social-Identity Approach*. *Current Directions in Psychological Science*, 152-155.
- Fiser, Suzana Milic and Kutaja, Udir Mistic (2014). *Trust in Media and Perception of the Role of Media in Society among the Students of the University of Maribor*, *Public Relations Review*.
- Tsfati, yariv. Cappella, joseph (2003). Why do people watch news they do not trust? The need for cognition as a Moderator in the Association Between News media skepticism and exposure. *Media psychology*, 7, 251-271.
- Thomas, David R (2006). A General inductive approach for qualitative data analysis. *American Journal of Evaluation*, 27(10).
- Mayring, ph (2000). Qualitative content Analysis, *forum Qualitative social research*, 1 (20), 1-10
- Skuse, Andrew (2002). Radio, politics and Trust in Afghanistan: A Social History of Broadcasting. *International Communication Gazette*, 3, 267-279.
- McCracken, B (2011). Are new media credible? A Multidimensional approach to measuring news consumers' credibility and bias perceptions and the frequency of news consumption. Rochester Institute of Technology.
- Prochazka, F. and Schweiger, W (2019). How to measure generalized trust in news media? An adaptation and test of scales. *Communication Methods and Measures*, 13(1), 26-42. <https://doi.org/10.1080/19312458.2018.1506021>

تحلیلی بر خلاء بنیادین اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در بحث «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» در مخاصمات غیر بین‌المللی (با ارائه پیشنهاد های رسانه‌ای)*

یلدا نقی‌زاده^۱، سیدحسام‌الدین لسانی^۲، سیدیاسر ضیایی^۳

چکیده

در چند دهه اخیر، ایجاد نامنی غذایی و «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» در مخاصمات مسلحانه به‌عنوان یک راهبرد جنگی، شکل نگران‌کننده‌ای به خود گرفته است. در این خصوص، دیوان بین‌المللی کیفری صلاحیت خود در رسیدگی به جرم «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» را بر اساس مفاد اساسنامه رم در حوزه مخاصمات مسلحانه بین‌المللی احراز نمود، لیکن از این مهم در حوزه مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی غفلت ورزید. به‌منظور ترمیم این شکاف حقوقی و بر اساس مفاد ماده ۱۲۳ اساسنامه دیوان مبنی بر امکان بازنگری در متن اساسنامه، پیشنهاد های کشور سوئیس برای درج مقرره‌ای مرتبط و با اجماع متعهدین به اساسنامه در سال ۲۰۱۹ مورد پذیرش واقع شد. این مقاله با اتخاذ رویکرد توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخ به این پرسش است که توجیهات حقوقی در لحاظ نمودن این جرم به‌عنوان یک جنایت جنگی در حوزه مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی و درج آن در اساسنامه دیوان چیست؟ مهمترین یافته پژوهش حاکی از آن است که با تأکید بر انسجام حقوقی در قواعد حقوق بین‌الملل کیفری و لزوم توسعه پوشش حمایتی از غیر نظامیان، درج این مقرره در اساسنامه دیوان امری اجتناب‌ناپذیر و گاهی برای مرتفع نمودن خلاء هنجاری موجود است. در این میان قدرت مؤثر رسانه‌ها در بازتاب واقعیت‌ها و راستی‌آزمایی آنچه در فضای مخاصمات در جریان است، بالاخص در حمایت از غیر نظامیان انکارناپذیر است. بدون شک رسانه‌ها و شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما نیز نقش مهمی در انعکاس بحران‌ها و وضعیت‌های انسانی وخیم در منطقه ایفا می‌کنند. پیشنهاد های رسانه‌ای در انتهای مقاله برای تقویت کارکرد شبکه‌های برون‌مرزی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: به قحطی کشاندن، دیوان بین‌المللی کیفری، مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، پیشنهاد های رسانه‌ای.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱۴

*. این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم است.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. yaldanaghizadeh@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران (نویسنده مسئول). h.lesani@hmu.ac.ir

۳. دانشیار گروه حقوق بین‌الملل و عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. yaserziaee@gmail.com

DOI: 10.22034/IMRL.2024.406705.1185

**مقدمه**

به قحطی کشاندن به معنی قرار دادن اشخاص یا گروهی در وضعیت بی‌غذایی و یا کمبود شدید مواد غذایی و یا محروم کردن افراد از اقلام ضروری برای ادامه حیات است (ICRC Commentary, 1987: para.4791). در گذشته به قحطی کشاندن جمعیت غیرنظامی همواره به‌عنوان راهبردی تفکیک‌ناپذیر از یک مخاصمه و به‌عنوان یک شیوه قانونی برای به تسلیم واداشتن دشمن محسوب می‌شد. به‌رحال این واقعیتی انکارناپذیر است که امروز در نقطه‌ای از تاریخ ایستاده‌ایم که هنوز شاهد وقوع این جنایت در بسیاری از مخاصمات به‌ویژه در مخاصمات داخلی در جریان در کشورهای غرب آسیا و جنوب صحرای آفریقا نظیر سوریه، یمن، کنگو و در تیگری^۱ اتیوپی و ... می‌باشیم (FAO, 2019: 10).

از این رو با توجه به آثار جبران‌ناپذیر این اقدام بر غیرنظامیان، به تدریج جریان‌سازنده‌ای علیه این پدیده مذموم شکل گرفت. با تدوین کنوانسیون‌های ژنو در میانه قرن بیستم و تأثیر آن بر حقوق بین‌المللی بشردوستانه، ممنوعیت صریحی در خصوص به قحطی کشاندن جمعیت غیرنظامی به‌عنوان یک شیوه جنگی در هر دو نوع مخاصمه مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی مطرح گردید. لیکن به‌هنگام تهیه پیش‌نویس اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، این مهم به‌عنوان جنایت جنگی در فهرست اقدامات ممنوع شده در حوزه مخاصمات غیربین‌المللی منظور نشد. این خلاء هنجاری در حالی خودنمایی می‌کرد که به قحطی کشاندن در یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی به همان اندازه فاجعه‌بار و ویران‌کننده است که در یک مخاصمه مسلحانه از نوع بین‌المللی متصور است.

در این راستا، در سال ۲۰۱۸ پیشنهاد اعمال اصلاحاتی در اساسنامه دیوان توسط کشور سوئیس به دبیرکل سازمان ملل متحد ارائه گردید (Netherlands International Crimes Act, 2003: Art.6 (3)). گروه کاری مورد نظر بر اساس قطعنامه^۲ (۶) مجمع دیوان^۳ و طبق بند (۱) ماده (۱۲۱) اساسنامه جهت بررسی مورد پیشنهادی تشکیل گردید^۴ و در هجدهمین جلسه مجمع در سال ۲۰۱۹ به تصویب رسید (ICC, 2002: Art. 121). این گام، تحول بسیار مهمی در جرم‌انگاری «به

1. Tigray Region, Ethiopia

2. Resolution ICC-ASP/8/Res.6

۳. طبق بند (۱) و (۲) ماده (۱۲۱) اساسنامه رم دیوان بین‌المللی کیفری، مجمع کشورهای عضو اساسنامه مجاز است هرگونه اصلاحات پیشنهادی در خصوص اساسنامه را پس از سپری شدن ۷ سال از اجرای اساسنامه تصویب نماید.



قحطی کشاندن غیرنظامیان» در شرایط مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی و تعقیب و پیگرد کیفری افراد مرتکب به شمار می‌آید. همگام با کشور سوئیس، انجمن‌ها و مؤسسات دیگری نظیر «بنیاد جهانی صلح»^۱ از این اصلاحیه حمایت کردند. همچنین در بسیاری از دادگاه‌های ملی، این نقص شناسایی شد و کشورها درباره جرم‌انگاری «به قحطی کشاندن غیرنظامیان» در قوانین کیفری خود در هر دو نوع مخاصمات بین‌المللی و غیر بین‌المللی اقدام نمودند.^۲

با توجه به مطالب فوق، سؤال اصلی و اساسی این است که چه توجیهاات حقوقی در رابطه با اصلاح اساسنامه دیوان در خصوص «به قحطی کشاندن غیرنظامیان» در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی مطرح می‌باشد؟ به عبارتی دلایل ارائه شده در این خصوص اقدام به اصلاح اساسنامه را توجیه می‌نماید؟ پژوهش حاضر بر این فرض استوار است که با توجه به قواعد عرفی حقوق بین‌الملل، احراز عناصر مادی و معنوی تشکیل‌دهنده جرم در مخاصمات غیر بین‌المللی، اصول بنیادین حقوق بین‌المللی بشردوستانه و در راستای حمایت گسترده و همه جانبه از غیرنظامیان و لزوم جلوگیری از بی‌کیفرمانی بزه‌کاران؛ ادله لازم و کافی برای درج این مقرر در اساسنامه دیوان فراهم و از منظر حقوقی برخوردار است. نویسندگان این مقاله از شیوه توصیفی-تحلیلی برای پاسخ به سؤال مطرح شده، استفاده کردند.

پیشینه پژوهش

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان	نویسندگان	محور اصلی	سال تألیف
۱	«به قحطی کشاندن غیر نظامیان» به مثابه جنایت جنگی	محمد هادی ذاکر حسین	بررسی عناصر تشکیل‌دهنده جرم به قحطی کشاندن در مخاصمات مسلحانه	۱۴۰۰
۲	حق دسترسی به غذا از منظر موازین حقوق بین‌الملل	چنگیز اسفندیاری و سید باقر میر عباسی	تبیین موضوع گرسنگی با محوریت «حق بر غذا» از منظر ۲ رژیم حقوقی یعنی حقوق بشر و حقوق بین‌المللی بشردوستانه	۱۳۹۳

1. World Peace Foundation (WPF)

۲. حدود نه (۹) حوزه قضائی به قحطی کشاندن غیر نظامیان را در هر دو نوع مخاصمه مسلحانه ملی و بین‌المللی جرم‌انگاری نموده‌اند، به طور مثال: کرواسی (ماده ۹ قوانین جزایی)، هلند (قسمت (۹) از بند (۵) ماده (۵) قانون جرائم بین‌المللی)، کره، آلمان و ...

ردیف	عنوان	نویسندگان	محور اصلی	سال تألیف
۳	«به قحطی کشاندن غیر نظامیان» از منظر حقوق بین‌الملل (پایان‌نامه)	ندا منتظری	موضوع حق بر غذا و بحث قحطی کشاندن در زمان مخاصمات مسلحانه به صورت توأمان	۱۳۸۸

در حوزه منابع فارسی، حدوداً ۲ مقاله پژوهشی و یک پایان‌نامه به شرح جدول فوق تألیف شده که رویکرد هیچ‌کدام به طور مشخص مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی و بالخصوص ضعف اساسنامه‌ای دیوان نبوده است و این امر توجه کافی را برای نویسندگان برای نگارش مقاله میسر نمود.

ادبیات مفهومی

در حقوق بین‌الملل تعریف صریح و واحدی از مفهوم «به قحطی کشاندن» از منظر حقوقی وجود ندارد. در واقع در چارچوب معاهدات موجود تعریف مشخصی از این عبارت ارائه نشده است. به طور کلی به قحطی کشاندن، یک «نتیجه» و در عین حال یک «فرآیند» است. به عنوان یک نتیجه، به معنای محرومیت از غذا تا رسیدن به وضعیت مرگ و به عبارتی دیگر ایجاد رنج انسانی ناشی از کمبود یا فقدان مواد غذایی است (De Waal, 2018: 18). حال آنکه در مفهوم یک «فرآیند»، به معنای اقدامی است که عاملان آن مانع از دسترسی جمعیت غیرنظامی مورد هدف به ملزومات ضروری برای ادامه حیات می‌شوند. از مشخصه‌های اصلی به قحطی کشاندن، محروم کردن انسان‌ها از توانایی‌شان برای به دست آوردن مواد غذایی است که نه تنها شامل دریغ و تخریب کردن اسباب لازم برای تهیه غذا شده (نظیر زمین‌های کشاورزی، فروشگاه‌های مواد غذایی و غیره) بلکه سبب جلوگیری یا ممانعت از فعالیت‌هایی مانند اشتغال و تجارت می‌شود. سایر محرومیت‌ها با مواردی نظیر تنزل دادن سطح سلامت عمومی مانند مختل کردن دسترسی به آب آشامیدنی پاکیزه، تخریب تجهیزات بهداشتی و غیره محقق می‌شود (Colney and De Waal, 2019: 700). این برداشت از مفهوم «به قحطی کشاندن» در طول مذاکرات برای تدوین اساسنامه رم، پررنگ‌تر شد. چنانچه در مذاکرات انجام شده، اجماع بر این قرار گرفت که در متن اساسنامه از واژه «محروم نمودن» استفاده نمایند که علاوه بر آب و مواد غذایی، امکانات پزشکی و رفاهی را نیز در برمی‌گیرد (سیدزاده ثانی و فرهادی آلاشتی، ۱۳۹۳: ۵۵). در



مجموع، موثق‌ترین تعریف از «به قحطی کشاندن» در تفسیرهای ارائه شده توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از ماده‌های (۵۴) و (۱۴) پروتکل‌های اول و دوم الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، ارائه شده است.

علاوه بر واژه «Starvation» از واژه‌های متعدد دیگری موازی با واژه مذکور در خصوص «به قحطی کشاندن» استفاده شده است همچون: «Famine» و «Hunger» که هر دو در معنای «به قحطی کشاندن» مورد استفاده قرار می‌گیرند. لیکن در اسناد رسمی بین‌المللی نظیر معاهدات، قطعنامه‌ها و غیره مرتبط با حوزه جنگ، از واژه «Starvation» استفاده شده است. واژه‌های Famine و Hunger بیشتر در حوزه اسناد حقوق بشری مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به هرحال رابطه بین این سه واژه نه در پروتکل‌های الحاقی و نه در هیچ سند دیگری مشخص نشده است (ICRC, 1987: para. 2083).

نکته مهم دیگر در رابطه با واژه به قحطی کشاندن «Starvation»، تفاوت دامنه معنایی این واژه در ماده (۵۴) پروتکل اول و ماده (۱۴) پروتکل دوم الحاقی است. بدین معنا که در ماده (۱۴) «به قحطی کشاندن» شامل محرومیت از غذا، آب و امکانات پزشکی است (APII, 1977: Art. 14)، حال آن که در ماده (۵۴) از دامنه معنایی گسترده‌تری برخوردار بوده و شامل لباس، جای خواب، پناهگاه و هر آن چه که برای ادامه حیات غیر نظامیان ضروری و حیاتی است، می‌شود (API, 1977: Art. 54). در مجموع تعریف ارائه شده از «به قحطی کشاندن»، به‌عنوان یک جنایت جنگی، از دامنه مفهومی مضیق و موسع معنایی برخوردار است که با توجه به اوضاع و احوال و شرایط بایستی تفسیر گردد. در بخش بعدی به قواعد و ضوابط حاکم بر جرم «به قحطی کشاندن» در فضای مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی می‌پردازیم.

۱. قواعد معاهده‌ای و عرفی مرتبط با «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی

در بررسی قواعد معاهده‌ای حاکم بر مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، این واقعیت کاملاً مشهود است که به دلیل بیم و واهمه دولت‌ها از رسمیت بخشیدن به گروه‌های متخاصم غیر دولتی در قلمرو حاکمیتی خود، قواعد مرتبط با این نوع مخاصمات در مقایسه با مخاصمات بین‌المللی بسیار اندک می‌باشند. علی‌ای‌حال، از آنجایی که ماده (۳) مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، پروتکل دوم الحاقی (۱۹۷۷) به کنوانسیون‌های مذکور و اصول حقوق بین‌المللی

بشردوستانه عرفی، منابع اصلی این نوع مخاصمات محسوب می‌شوند، در ذیل به بررسی مختصر هر یک در رابطه با موضوع «به قحطی کشاندن» می‌پردازیم.

۱-۱. قواعد معاهده‌ای

۱-۱-۱. ماده (۳) مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو

یکی از مهم‌ترین منابع حقوقی حاکم بر مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی ماده (۳) مشترک است که رویکردی کلی به موضوع حمایت از جمعیت غیر نظامی دارد که قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی نیز هست. صرفنظر از ابهاماتی که در این ماده در خصوص ابعاد مختلف حمایت از غیر نظامیان وجود دارد و به‌طور مستقیم به بحث حمایت از امنیت غذایی و «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» نمی‌پردازد، لیکن فحواى کلی ماده دال بر حمایت از جمعیت غیر نظامی، به‌ویژه افراد بیمار، مجروحین، اسرا و ... در شرایط مخاصمات مسلحانه دارد. طبق تفسیر سال ۲۰۲۰ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از بخش (الف) از بند (۱) ماده (۳) مشترک: «هر فعل و ترک فعلی چنانچه سبب قصور در تأمین غذا یا مراقبت پزشکی کافی در رابطه با افرادی که تحت حمایت این ماده قرار دارند شود و منجر به مرگ آن‌ها بر اثر گرسنگی گردد، ممنوع تلقی می‌شود» (ICRC Commentary, 2020: para.635).

۱-۱-۲. پروتکل دوم الحاقی (۱۹۷۷)

پروتکل دوم الحاقی (۱۹۷۷) به کنوانسیون‌های ژنو به‌طور مشخص قواعد ناظر بر مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی و بحث حمایت از قربانیان این نوع مخاصمات را تبیین می‌نماید. ماده (۱۳) پروتکل به قاعده کلی حمایت از جمعیت غیر نظامی در برابر اقدامات نظامی اشاره می‌نماید که سبب ایجاد خطر برای غیرنظامیان می‌شود (APII, 1977: Art.13). در ادامه ماده (۱۴) پروتکل بیان ملموس و مشخصی از قاعده کلی حمایت از غیر نظامیان که در ماده قبلی ذکر شد، ارائه می‌دهد. طبق ماده (۱۴): «حمله، تخریب و از کار انداختن امکانات ضروری برای بقای غیر نظامیان، نظیر مواد غذایی، مناطق کشاورزی برای تولید مواد غذایی، محصولات زراعی، دام، تاسیسات و تجهیزات آب آشامیدنی و امور آبیاری ممنوع است» (APII, 1977: Art.14). ماده (۱۴) به نوعی ساده‌سازی شده ماده (۵۴) پروتکل اول الحاقی است (API, 1977: Art.54). اگرچه با مقایسه ۲ ماده فوق ملاحظه می‌گردد که ماده (۵۴) جزئیات بیشتری را در این رابطه عنوان نموده است. تفاوت دیگری که در مقایسه این ۲ ماده ملاحظه می‌گردد در عبارت «به-



عنوان یک روش جنگی» است که در پروتکل اول الحاقی عبارت «method of warfare» و در پروتکل دوم عبارت «method of combat» ذکر شده است. شاید تلقی این بوده است که انتخاب واژه مذکور برای سند تنظیم شده در رابطه با مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، مناسب‌تر می‌باشد. ماده (۱۴) همچنین با عبارتی گویا به قاعده کلی تصریح شده در ماده (۱۳) پروتکل دوم الحاقی در خصوص حمایت از جمعیت غیرنظامی که طبق آن «غیرنظامیان و افراد غیرنظامی از حمایت عمومی در برابر خطرات ناشی از اقدامات نظامی برخوردار خواهند بود؛ شفافیت بخشیده است (Mazo, 2020: 190).

ماده (۱۸) پروتکل دوم نیز به عبور و مرور بدون مانع امدادهای بشردوستانه به جمعیت غیر نظامی تحت مزیقه در خصوص اقلام ضروری برای ادامه حیات نظیر مواد غذایی و تجهیزات پزشکی اشاره نموده است و در خصوص همکاری با سازمان‌های بشردوستانه مثل صلیب سرخ، هلال احمر و ... تأکید می‌نماید (APII, 1977: Art.18). در بند (۲) این ماده ملاحظه می‌شود که رضایت به اقدامات امدادی را به رضایت کشورهای معظم متعاقد منوط نموده است. در این جا ابهامی که مطرح می‌شود این است که چطور ممکن است گروه‌های مسلح غیر دولتی دارای تعهداتی مبنی بر تسهیل نمودن عملیات امدادی برای کمک به غیر نظامیان را داشته ولی ظرفیت حقوقی برای رضایت به چنین اقداماتی را نداشته باشند؟ به خصوص که گروه‌های مذکور در یک مخاصمه غیربین‌المللی به‌هرحال کنترل بخشی از سرزمین یک دولت را در اختیار دارند (Vanhullebusch, 2020: 325). حتی شورای امنیت نیز به این قضیه، یعنی داشتن حق برابر طرفین مخاصمه برای رضایت به کمک‌های بشردوستانه، در قضیه امدادهای بشردوستانه در سوریه صحه گذاشته است (S/pv.7216: 2014)^۱. این موضوع نشأت گرفته از اصل برابری طرفین مخاصمه در مخاصمات مسلحانه است، علیرغم آن که نگاه سنتی دولت‌ها به گروه‌های مسلح همواره عدم رسمیت بخشیدن به این بازیگران غیردولتی بوده است.

در رابطه با قواعد معاهده‌ای فوق‌الذکر ملاحظه می‌گردد که ماده (۳) مشترک و پروتکل دوم الحاقی ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. درحالی‌که ماده (۳) مشترک صرفاً دربرگیرنده

۱. در سال‌های اخیر با توجه به مؤلفه کنترل موثر بر قلمرو بخشی از یک سرزمین توسط گروه‌های مسلح غیر دولتی، در بحث مسئولیت‌پذیری و عهده‌دار شدن حقوق و تکالیف گروه مذکور به ویژه تحت حقوق بین‌المللی بشردوستانه نگاه دیگری حاکم شده است. شورای امنیت در این خصوص مبادرت به صدور قطعنامه‌هایی نموده است نظیر قطعنامه ۱۵۷۴ (۲۰۰۴)، قطعنامه ۱۳۷۶ (۲۰۰۱) و ... (Akande, Chiara Gillard, 2016: 487).

حمایت‌های کلی در خلال مخاصمات مسلحانه بوده است، پروتکل دوم الحاقی جزئیات بیشتری را مد نظر قرار می‌دهد. در واقع هدف از تدوین پروتکل دوم، توسعه و تکمیل ماده (۳) مشترک بوده است تا در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی از نظامیان و جمعیت غیر نظامی حمایت جامع‌تری صورت پذیرد.^۱

۱-۲. قواعد عرفی حقوق بین‌المللی بشردوستانه

در قواعد حقوق بشردوستانه به صورت مستقیم اشاره‌ای به «حق بر غذا» و «امنیت غذایی» نشده است، لیکن بسیاری از قواعد و مقررات آن در جهت تضمین دستیابی غیرنظامیان به منابع غذایی در مخاصمات مسلحانه می‌باشد. برخی از این مقررات دربرگیرنده اقدامات پیشگیرانه هستند، درحالی‌که برخی دیگر به منظور کمک‌های بشردوستانه و امدادی پس از شکست اقدامات پیشگیرانه اعمال می‌شود. اقدامات مذکور شامل منع «به قحطی کشاندن غیرنظامیان» به‌عنوان یک روش جنگی، ممنوعیت از بین‌بردن مواد غذایی، محصولات کشاورزی، دام، تأسیسات آب آشامیدنی و سایر کالاهای ضروری برای بقای غیر نظامیان، ممنوعیت جابجایی-های اجباری و ممنوعیت حمله به محیط زیست طبیعی است. این قواعد در مخاصمات مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیربین‌المللی قابل اعمال هستند. در این راستا کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به تبیین قواعد عرفی حقوق بین‌المللی بشردوستانه در رابطه با موضوع «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» پرداخته است. قواعد مربوطه عبارتند از:

– **قاعده عرفی شماره ۵۳.** قاعده عرفی شماره ۵۳ گرسنگی دادن به غیر نظامیان را به‌عنوان یک روش جنگی ممنوع اعلام نموده است. در تفسیر بعمل آمده از قاعده اخیر، «به قحطی کشاندن جمعیت غیر نظامی» در اوضاع و احوال یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی جنایت جنگی محسوب شده است و این تفسیر به‌عنوان یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی شناخته می‌شود (Henckaerts and Doswald-Beck, 2007: 207-211). در ادامه قواعد

۱. ماده (۳) مشترک و پروتکل دوم الحاقی (۱۹۷۷) ضوابط و مولفه‌های اجرایی متفاوتی را اعمال می‌نمایند. رابطه این ۲ سند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود هنگامی که یکی را بر دیگری غالب و حاکم بدانیم. مطابق با اصول کلی حقوق بین‌الملل و تفسیر دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه، ماده (۳) مشترک بعنوان قانون و قاعده عام و مشتعل بر اصول جهانی است که ملاحظات اساسی انسانی را مد نظر قرار می‌دهد و پروتکل دوم الحاقی به عنوان قانون خاص (lex specialis) ماده (۳) مشترک محسوب می‌شود (Quenivet, 2014: 36).



(۵۴) تا (۵۶) از لحاظ موضوعی و پشتیبانی به نوعی زیرمجموعه قاعده (۵۳) به شمار می‌روند. قاعده (۵۴) در خصوص ممنوعیت حمله، نابود کردن، خارج کردن یا غیرقابل استفاده کردن اموالی است که برای حیات جمعیت غیر نظامی ضروری است. قاعده (۵۵) تصریح می‌نماید که طرفین مخاصمه بایستی ضمن حفظ حق خود برای اعمال کنترل، با بی‌طرفی همه‌گونه تسریع و تسهیلی را برای رسیدن کمک‌های بشردوستانه به غیر نظامیان به عمل آورند. قاعده (۵۶) نیز تأکید می‌کند طرف‌های درگیر بایستی آزادی حرکت کارکنان مجاز به ارائه کمک‌های بشردوستانه را (به غیر از وضعیت ضرورت نظامی) تضمین نمایند (Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: 186-202).

– قواعد ۳۱ و ۳۲. قواعد ۳۱ و ۳۲ مبتنی بر حمایت از کارکنان امدادهای بشردوستانه و حمایت از اموال مورد استفاده در عملیات‌های بشردوستانه است (Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: 105-111).

– قاعده ۱۵۶. قاعده ۱۵۶ به‌عنوان یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل نقض جدی حقوق بین‌المللی بشردوستانه را جنایت جنگی تلقی می‌نماید که شامل جرم «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» در مخاصمات غیر بین‌المللی نیز می‌شود (Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: 568). رویه دولت‌ها مبین این است که قواعد فوق به‌عنوان قواعد عرفی قابل اعمال در هر دو نوع مخاصمه بین‌المللی و غیر بین‌المللی می‌باشند. ممنوعیت «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» به‌عنوان یک روش جنگی، یک قاعده حقوق بین‌المللی بشردوستانه است که هم در حقوق معاهدات حاضر و هم در حقوق بین‌الملل عرفی ریشه دارد.

۱-۳. قواعد و هنجارهای حقوق نرم

یادداشت تفاهم‌ها، دستورالعمل‌های نظامی، بیانه‌های رسمی دولت‌ها و قطعنامه‌های صادره شده از ارکان مختلف سازمان‌های بین‌المللی که در زمره منابع حقوق نرم قرار می‌گیرند، در روند قاعده‌سازی با اهمیت تلقی می‌گردند. در رابطه با ممنوعیت «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» در شرایط یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی، یادداشت تفاهم‌هایی میان دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیردولتی منعقد شده که در طول زمان در رویه دولت‌ها و ایجاد عرف منشأ اثر گردیده است. در این زمینه می‌توان به انعقاد تفاهم‌نامه میان طرف‌های مخاصمه در جنگ هرزه‌گوین نام برد. دولت‌ها نیز در بیانه‌های رسمی خود معمولاً «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» به‌عنوان

یک روش جنگی را در مخاصمات غیر بین‌المللی محکوم کرده‌اند. به‌عنوان مثال دولت‌های بلژیک و آلمان در جنگ‌های داخلی سودان و نیجریه اقدام به صدور بیانیه‌هایی در محکومیت این عمل نمودند (Rudra, 2021: 2785).

قطعنامه‌های اعلامی و صادره توسط ارکان سازمان‌های بین‌المللی نیز نقش مهمی را در این زمینه ایفا می‌نمایند. در ماه می سال ۲۰۱۸، قطعنامه ۲۴۱۷ شورای امنیت با حمایت هلند و به اتفاق آراء، در عکس‌العمل به شکل‌گیری مجدد قحطی و ظهور بحران‌های بشردوستانه تصویب شد.^۱ شورای امنیت در این قطعنامه، ضمن تأکید بر «به قحطی‌کشاندن جمعیت غیرنظامی» به‌عنوان یک جنایت جنگی بدون توجه به نوع مخاصمه، از کشورهای عضو سازمان ملل درخواست نمود اهتمام لازم را در این خصوص به عمل آورند. در واقع صدور این قطعنامه را می‌توان مهم‌ترین مقدمه برای اهتمام به اصلاح اساسنامه دیوان به شمار آورد (S/RES: 2018: 2417).

۲. مبانی حقوقی طرح پیشنهادی دولت سوئیس در اصلاح اساسنامه دیوان

همانگونه که در مقدمه اشاره شد، قبل از اصلاح اساسنامه و مطابق با مفاد بند (ب) از ماده (۸) اساسنامه رم، دیوان صلاحیت خود را صرفاً در رسیدگی به جرم «به قحطی‌کشاندن غیرنظامیان» در شرایط مخاصمات مسلحانه بین‌المللی به‌عنوان یک جنایت جنگی به رسمیت شناخت (ICC Statute, Art. (8)(2)(b)). به‌رحال مشخص نیست که در جریان تهیه پیش‌نویس اساسنامه دیوان به چه دلیل بحث «به قحطی‌کشاندن جمعیت غیر نظامی» در شرایط مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی از قسمت (هـ) از بند (۲) ماده (۸) مربوط به مصادیق جنایات جنگی حذف شده است. این در حالی است که در پیش‌نویس اولیه اساسنامه دیوان، این ممنوعیت در حوزه مخاصمات غیر بین‌المللی لحاظ شده بود (Bartels, 2015: 283). در راستای ترمیم این شکاف حقوقی و صرف نظر از اشتباهات عمدی یا سهوی در گنجاندن بندی در خصوص «به قحطی‌کشاندن غیر نظامیان» در شرایط مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی در اساسنامه، دولت سوئیس بندی را به منظور گنجاندن در قسمت مربوط به فهرست جنایات جنگی در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی پیشنهاد داد. متن بند پیشنهادی بدین شرح است: «استفاده عامدانه و با قصد قبلی» «به قحطی‌کشاندن غیر نظامیان» به‌عنوان یک روش جنگی از طریق محروم کردن آن‌ها از اقلام ضروری

۱. پس از صدور قطعنامه ۲۴۱۷ شورای امنیت، هلند نسبت به اصلاح قوانین داخلی خود مبنی بر جرم‌انگاری «به قحطی‌کشاندن غیر نظامیان» در مخاصمات داخلی اقدام نمود.



برای ادامهٔ حیات که شامل جلوگیری عامدانه از کمک‌های امدادی می‌شود». بند پیشنهادی به صورت جزئی با آنچه در قسمت (۲۵) از بخش (ب) بند (۲) مادهٔ (۸) ذکر شده، متفاوت است و آن حذف عبارت «همان‌طور که تحت کنوانسیون‌های ژنو مقرر شده^۱» می‌باشد (D'Alessandra and Gillett, 2019: 17). این بدان سبب است که ممنوعیت جرم یاد شده در مخاصمات مسلحانهٔ غیر بین‌المللی بر اساس آنچه که در پروتکل دوم الحاقی و حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی قید گردیده، شکل گرفته و استاد آن تحت کنوانسیون‌های ژنو بی‌معنی است. در ذیل به بررسی مبانی حقوقی در تأیید طرح پیشنهادی سوئیس جهت اصلاح اساسنامه می‌پردازیم:

۲-۱. اصول اساسی حقوق بین‌المللی بشردوستانهٔ عرفی

حقوق بین‌المللی بشردوستانه بر اصول بنیادین متعددی استوار است از جمله اصل تفکیک، اصل احتیاط در حملات و ضرورت نظامی، اصل تناسب، اصل برابری طرفین مخاصمه و ... که به واسطهٔ آن طرفین مخاصمه بایستی ملاحظات متعددی را در رابطه با جمعیت غیر نظامی در نظر بگیرند. در واقع یکی از اصلی‌ترین رسالت‌های حقوق بین‌المللی بشردوستانه، حمایت از حیات، سلامت و کرامت غیرنظامیان و رزمندگانی است که صحنهٔ درگیری را ترک نموده‌اند. در این میان زنان و کودکان از پوشش حمایتی ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. این مهم صرف‌نظر از ماهیت و نوع مخاصمه در جریان (بین‌المللی و غیر بین‌المللی) بوده و رعایت آن در هر مخاصمه‌ای بسیار ضروری است. به طور مثال طبق اصل تفکیک^۲، جمعیت غیر نظامی از رزمنده‌ها و اهداف نظامی از غیر نظامی^۳ باید تفکیک شود به نحوی که حملات مستقیم تنها متوجه اهداف نظامی - باشد (ICRC, 2005: Rule 1). در بحث "به قحطی کشاندن"، صرف‌نظر از ماهیت مخاصمه، بایستی با تفکیک جمعیت غیرنظامی از نظامیان از گرسنگی دادن به‌عنوان یک راهبرد نظامی به

1. as provided for under the Geneva Conventions

۲. معنای لغوی واژگان «تفکیک» و «تمایز» مشابه‌اند لیکن در دو نظام حقوق بشر و حقوق بین‌المللی بشردوستانه دارای تفاوت‌هایی با یکدیگر می‌باشند. واژهٔ تمایز در نظام حقوق بشر به معنای رفتار و برخورد دولت‌ها یا دیگر نهادها در ارتباط با ویژگی‌ها و خصوصیات اشخاص است. این ویژگی‌ها افراد را با مشخصه‌هایی چون نژاد، رنگ، جنسیت، مذهب و دیگر خصوصیات از یکدیگر متمایز می‌سازد. در حوزهٔ حقوق بشردوستانه واژهٔ «تفکیک» به طور اعم به اختلاف‌گذاری کلی میان نظامیان و جمعیت غیر نظامی، اهداف نظامی و غیر نظامی دلالت می‌نماید. از واژهٔ تمایز به طور اخص می‌توان به ایجاد تفاوت در میان جمعیت غیرنظامی اعم از بیماران، سالمندان، زنان و خردسالان استفاده نمود که هر کدام دارای قواعد و مقررات حمایتی خاص خود می‌باشند.

3. civilian population and combatants and between civilian objects and military objectives

طور جد خودداری بعمل آید. ضرورت نظامی نمی‌تواند توجیهی برای این اقدام غیرقانونی باشد. با استناد به اصول مذکور، واضح و مبرهن است که بحث مغفول ماندن این جرم در خصوص مخاصمات غیر بین‌المللی در اساسنامه دیوان که از قضا غیرنظامیان در مقایسه با مخاصمات بین‌المللی در مخاصمات داخلی از بابت ملزومات غذایی در تنگنای بیشتری قرار دارند، دور از منطق حقوقی بنظر می‌رسد.

۲-۲. تحقق عنصر مادی و معنوی جرم «به قحطی کشاندن» در مخاصمات غیر بین‌المللی

وقوع جرم در یک مخاصمه مسلحانه مستلزم تحقق عناصر معنوی (قصد و اراده) و مادی (رفتار مجرمانه) فارغ از نوع و طبقه‌بندی مخاصمه است. ماده (۹) اساسنامه دیوان در اعمال اصلاحات پیشنهادی بسیار راهگشا می‌باشد. طبق ماده مذکور عناصر تشکیل‌دهنده جرائم به دیوان کمک خواهد کرد تا مواد (۶)، (۷) و (۸) را تفسیر و اجرا نماید (ICC Statute, 2002: Art.9). عنصر مادی و معنوی مربوط به جرم «به قحطی کشاندن» در کلیت خود ارتباطی با نوع مخاصمه در جریان ندارد و اصولاً هرآنچه در خصوص قصد و نیت قبلی، اقدامات عمدی و از پیش برنامه‌ریزی شده در رابطه با مخاصمات مسلحانه بین‌المللی مطرح می‌باشد در مخاصمات از نوع غیر بین‌المللی نیز ساری و جاری است؛ چه این قصد و اراده و یا اقدام از جانب نیروهای نظامی یک دولت باشد یا یک گروه مسلح غیر دولتی (Ventura, 2019: 786).

در ماده (۱۴) پروتکل دوم الحاقی که به نوعی متناظر با ماده (۵۴) پروتکل اول الحاقی است، حمله، تخریب، بی مصرف نمودن اشیاء یا اموال ضروری برای ادامه حیات غیرنظامیان مصداق بارزی از رفتار مجرمانه در فضای مخاصمات غیر بین‌المللی و در رابطه با «به قحطی کشاندن غیرنظامیان» محسوب می‌شود. موضوع حائز اهمیت این است که اقدامات ذکر شده تا زمانی ممنوع است که تعمداً و با هدف «به قحطی کشاندن غیرنظامیان» صورت پذیرد که البته اثبات آن ممکن است دشوار باشد. در این رابطه، آلمانزا بیوز^۱ معتقد است که این قصد را می‌توان از اظهارات صریح طرف مخاصمه یا از شرایط واقعی حمله استنباط نمود. به قحطی کشاندن گروهی از غیر نظامیان به صورت گسترده و نظام‌مند (نه به شکل پراکنده) نیز به‌عنوان رفتاری برای اثبات جرم محسوب می‌شود (Graham, 2021: 412). همچنین سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا طرف



مخاصمه تلاش می‌کند تا میان اهداف غیرنظامی و نظامی تفکیک قائل شود و یا اینکه به دسترسی کاروان‌های امدادی به جمعیت آسیب دیده رضایت می‌دهد؟ (Mazo, 2020: 189). نیازی به اثبات نیست که غیر نظامیان حتماً باید تلف شده و یا رنج مضاعفی را متحمل شده باشند. صرفاً لازم است اثبات شود که مرتکب جرم، غیر نظامیان را از دسترسی به اقلام ضروری برای ادامه بقایشان محروم نموده است (ICC Statute, 2002: Art.8). در واقع بحثِ قصور محض و اقدامات تصادفی کاملاً منتفی است.^۱ «به گرسنگی کشاندن» یک فرآیند محسوب می‌شود نه لزوماً یک نتیجه، صرفاً لازم است که مرتکب جرم از «به قحطی کشاندن» به‌عنوان یک روش جنگی بدون نائل شدن به اثر و نتیجه‌ای قطعی استفاده کرده باشد. علی‌ای‌حال مواردی نظیر محاصره، حملات برنامه‌ریزی شده و مکرر به امکانات ضروری شامل زیرساخت‌های حمل‌ونقل، زمین‌های زراعی، شیلات و مناطق ماهیگیری، تجهیزات پزشکی و فروشگاه‌های مواد غذایی از عناصر مادی جرم محسوب می‌شوند. اثبات این قصد همچنین با اقداماتی نظیر محاصره سرزمینی و محاصره امدادگران بشردوستانه صورت می‌پذیرد که می‌توان مصداق آن را در وقایعی که در یمن، سودان-جنوبی و سوریه رخ داد، نام برد (Digney, 2022: 4).

در مادهٔ پیشنهادی دولت سوئیس به اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی کیفری عناصر جرم مطابق با موارد ذیل قابل احراز هستند:

۱) مرتکب غیر نظامیان را از اقلام ضروری برای ادامهٔ حیات محروم نماید (عنصر مادی). ۲) مرتکب قصد «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» را به‌عنوان یک روش جنگی مد نظر داشته باشد (عنصر معنوی). ۳) رفتار و عمل موردنظر در شرایط یک مخصوصهٔ مسلحانهٔ غیر بین‌المللی صورت گرفته باشد. ۴) برای مرتکب وجود یک مخصوصهٔ مسلحانه و در جریان داشتن آن قطعی شده باشد.

۳-۲. رویهٔ قضائی دادگاه‌های بین‌المللی کیفری

متأسفانه رویهٔ قضائی مشخصی در خصوص «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» در شرایط مخصوصهٔ مسلحانهٔ غیر بین‌المللی قابل استناد نمی‌باشد. لیکن در سال ۱۹۹۵ شعبه استیناف دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ^۲ در یکی از بندهای رأی صادره

۱. شرایط احراز قصد و نیت مرتکب جرم طبق مادهٔ (۳۰) اساسنامهٔ رم اینگونه عنوان شده است: «زمانی قصد و نیت برای انجام عملی احراز می‌شود که شخص مورد نظر اراده نماید نتایج مشخصی را از یک رفتار اخذ نماید و نسبت به این امر آگاه باشد» (ICC Statute, 2002, Art.30).

2. Tadic Case

خاطرنشان کرد: «رویه و عملکردی که غیرانسانی محسوب شده و متعاقباً در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی ممنوع گردیده است، در جنگ‌های داخلی نیز غیرانسانی و ناپسند تلقی می‌گردد» (ICTY, 1995: Case No.: IT-94-1-A: para.119). در واقع تأکید دادگاه بر این موضوع بود که نقض‌های فاحش و عدول از مقررات حقوق بین‌المللی بشردوستانه جنایت جنگی محسوب می‌شود حتی اگر در یک مخاصمه داخلی اتفاق افتاده باشد. شعبه دادگاه اعلام کرد برای این که نقض قوانین حقوق بشردوستانه از ویژگی جنایت جنگی برخوردار باشد، چهار شرط باید در نظر گرفته شود. الف) نقض قاعده باید تخطی از یک قاعده حقوق بین‌المللی بشردوستانه باشد. ب) قاعده باید ماهیت عرفی داشته باشد یا اگر به حقوق معاهدات تعلق دارد، شروط لازم باید رعایت شود. ج) نقض صورت‌گرفته باید «جدی» باشد، به عبارت دیگر، نقض یک قاعده حفاظت از ارزش‌های مهم باشد و عواقب سنگینی برای قربانی داشته باشد و د) نقض قاعده بر اساس حقوق عرفی و قراردادی بایستی مسئولیت کیفری فرد نقض‌کننده حقوق را به دنبال داشته باشد (ICTY, 1995: para.94). لذا، تحقق این شروط در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی جرم «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» جنایت جنگی را موجب می‌شود. چنانچه در جنگ داخلی سومالی، شورای امنیت به سبب مانع تراشی عمدی از دسترسی غیر نظامیان به مواد غذایی و امکانات پزشکی قطعنامه ۷۹۴ را در محکومیت این اقدام صادر نمود (S/RES:1992: 794).^۱ همچنین توجه به این نکته ضروری است که اگر قاعده‌ای خاص تحت صلاحیت موضوعی دیوان یا هر نهاد قضائی دیگر قرار نگیرد و یا رویه‌ای خاص در خصوص آن شکل نگیرد؛ به این معنا نیست که نقض یک تخلف فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب نشود (Mazo, 2020: 199).

۲-۴. انسجام و پیوستگی حقوقی

صرف‌نظر از بحث حمایت از جمعیت غیر نظامی، انسجام و پیوستگی حقوقی از دیگر نقاط عطف اعمال اصلاحات در اساسنامه دیوان است. طرح پیشنهادی ارائه شده توسط کشور سوئیس با ایجاد هماهنگی در میان مواد اساسنامه دیوان، موجبات انسجام و پیوستگی حقوقی در کل اساسنامه این رکن قضائی را فراهم می‌آورد. همچنین در رابطه با کارکرد آن در انسجام سایر اسناد حقوقی، خاطرنشان می‌گردد از ۱۶۸ کشور متعاقد به پروتکل دوم الحاقی که در آن صریحاً استفاده از گرسنگی

۱. سایر قطعنامه‌های شورای امنیت در این خصوص عبارتند از: قطعنامه ۲۴۰۱ (۲۰۱۸)، ۲۱۳۹ (۲۰۱۴)، ۱۸۹۴ (۲۰۰۹) و ۱۲۹۶ (۲۰۰۰).



در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی را ممنوع نموده، ۱۲۲ کشور نیز اساسنامه رم را تصویب نموده‌اند. لذا این مهم دلیل موجهی برای انسجام حقوقی میان ممنوعیت‌ها، بایدها و نبایدهای دو سند مهم بین‌المللی و تصریح ممنوعیت «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» بدون توجه به ماهیت مخاصمات محسوب می‌شود. همچنین هماهنگی صلاحیت موضوعی نهادهای قضائی بین‌المللی در مورد جرم «به قحطی کشاندن» با اصلاح اساسنامه قابل پیش‌بینی است و این امکان را به تمام دادگاه‌ها می‌دهد تا با تأسی از اساسنامه دیوان در خصوص جرم مذکور، در انواع مخاصمات مسلحانه صلاحیت موضوعی خود را اعمال نمایند (Amnesty International, 2019: 2).

۲-۵. تناظر مواد مربوط به جنایات جنگی در اساسنامه دیوان

اکثر نقض‌های فاحش قوانین و عرف‌های قابل اجرا در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی در بخش «ب» بند (۲) ماده (۸) اساسنامه دیوان و همین موارد عیناً در بخش «ه» بند (۲) ماده (۸) مربوط به مخاصمات غیر بین‌المللی در اساسنامه به استثنای جرم «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» فهرست‌وار قید شده است. به طور مثال در خصوص ۴ جنایت جنگی یعنی (۱) حمله مستقیم به اهداف غیر نظامی (۲) حملات نامتناسب (۳) حمله به اماکن بی‌دفاع و (۴) استفاده از سپرهای انسانی، بدون تغییر متن ماده و تنها با جایگزین کردن عبارت «مخاصمه مسلحانه از نوع غیر بین‌المللی» به جای عبارت «مخاصمه مسلحانه بین‌المللی»، موارد به حوزه مخاصمات غیر بین‌المللی تسری داده شده است. این گواهی بر این واقعیت است که به احتمال زیاد حذف جرم «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» به‌عنوان یک روش جنگی در زمان مخاصمات غیربین‌المللی سبباً از متن اساسنامه دیوان حذف شده است (Dannenbaum, 2021: 378). این اقدام قبلاً نیز با اصلاح بخش (ه) از بند (۲) ماده (۸) اساسنامه در سال ۲۰۱۰ سابقه داشته است و در آن ممنوعیت استفاده از سلاح‌ها و گازهای سمی و همچنین گلوله‌های منبسط شونده به ماده مذکور اضافه شد (Webb & Alamuddin, 2010: 1225). اگرچه طبق بند (۲) ماده (۲۲) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، هر جرمی بایستی به صورت دقیق تفسیر شود و صرفاً بر اساس قیاس نمی‌توان آن را اضافه نمود (ICC Statute, 2002: Art.22).

با توجه به موارد برشمرده شده فوق، می‌توان قانع شد که طرح پیشنهادی کشور سوئیس به منظور اصلاح اساسنامه دیوان از مبنای حقوقی برخوردار بوده است. گزارشگر ویژه کمیته

بین‌المللی صلیب سرخ، دکتر متیو ژیلت^۱، در این مورد اظهار می‌نماید: «از آنجایی که مخاصمات مسلحانه همچنان بسیاری از مناطق جهان را تحت تأثیر خود قرار داده است، حفاظت و حمایت از غیرنظامیان ضروری می‌باشد. اصلاحیه اخیر دیوان بین‌المللی کیفری با لحاظ نمودن جرم «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، گامی کوچک اما مهم برای پایان دادن به معافیت از مجازات برای این عمل قبیح است» (Rudra, 2021: 2783).

۳. لزوم ضمانت اجرای ماده (۳) مشترک کنوانسیون‌های ژنو

ماده (۳) مشترک یکی از مهمترین منابع حاکم بر مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی است که نقض اصول و قواعد آن امنیت غیرنظامیان را به شدت تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. قواعد و هنجارهای عرفی نشأت‌گرفته از ماده مذکور و مهمترین آن یعنی اصول کلی انسانیت مبتنی بر حمایت جدی و همه جانبه از بیماران، مجروحان و در مجموع جمعیت غیرنظامی است. با این حال از آنجایی که سازوکار منسجمی در رابطه با نقض مقررات ماده (۳) مشترک و پروتکل دوم الحاقی، نه در نظام مقابله با جرم آن کنوانسیون‌ها و نه در پروتکل مذکور (صرف نظر از ماده یک مشترک کنوانسیون‌های ژنو) به جزئیات پیش‌بینی نشده است؛ جرم‌انگاری نقض هنجارهای بشردوستانه مربوط به آن ضروری تلقی می‌شود. در این راستا تشکیل دادگاه‌های ویژه کیفری با اختیارات شورای امنیت و پس از آن تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری و اساسنامه رم، فضای نامنی برای ناقضین قواعد بشردوستانه و تعقیب کیفری متهمین فراهم نمود. لذا مرتفع نمودن خلاءهای هنجاری اساسنامه در حمایت از غیر نظامیان و در پی آن تضمین اجرای اصول مندرج در ماده (۳) مشترک و پروتکل دوم الحاقی حائز اهمیت می‌باشد.

نتیجه‌گیری

فراگیر شدن مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی در عصر حاضر، بدین معناست که توسعه قوانین کیفری و اقدامات تنبیهی مرتبط با آن و بالخصوص حمایت از جمعیت غیر نظامی متأثر از این نوع مخاصمات، بایستی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردد. امروزه یکی از اقدامات تاکتیکی و راهبردی در مخاصمات، «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» است که یک امر ناخوشایند و در عین حال از مشخصه‌های شایع اکثر مخاصمات مسلحانه به‌ویژه از نوع غیربین‌المللی محسوب می‌شود.

1. Dr. Matthew Gillet



قواعد و هنجارهای مربوط به ممنوعیت «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» به‌عنوان جنایت جنگی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی صراحتاً توسط اساسنامه رم دیوان بین‌المللی کیفری مورد توجه قرار گرفت، درحالی‌که هیچ اشاره‌ای به این امر مذموم در حوزه مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی نشده است. حقیقت انکارناپذیر این است که تبعات متحمل شده توسط غیرنظامیان از باب قحطی و گرسنگی، بحث تفکیک ابزارهای حمایتی و طبقه‌بندی مخاصمات مسلحانه در این خصوص را کاملاً غیر منطقی و غیر قابل توجیه می‌نماید. در واقع رفتار ناهمگون دیوان بین‌المللی کیفری در این خصوص علاوه بر ایجاد موجی از نگرانی برای جامعه جهانی در خصوص بی‌کیفرمانی مرتکبین این جنایت، نیاز و انتظار منطقی به بازنگری جدی در اساسنامه را مطرح نمود.

با توجه به ممنوعیت صریح «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» در چارچوب پروتکل دوم الحاقی و بر اساس قواعد حقوق بین‌المللی بشردوستانه، کشور سوئیس با در نظر گرفتن جوانب حقوقی و ارائه طرح پیشنهادی جهت اصلاح اساسنامه در این موضوع پیش قدم گردید. از این‌رو در جریان برگزاری هجدهمین مجمع کشورهای عضو اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در سال ۲۰۱۹، پیشنهاد دولت سوئیس به اتفاق آراء کشورهای حاضر در مجمع، به تصویب رسید. به طور قطع این رویداد مهم، نقطه عطفی در ایجاد انسجام حقوقی در هنجارها و قواعد بین‌المللی و حقوق بین‌الملل کیفری محسوب می‌شود. همچنین این مهم سبب تقویت قوانین کیفری کشورها (به‌ویژه کشورهای عضو اساسنامه) در سطح ملی شده و در نتیجه زمینه‌ساز تقویت نظام قضایی بین‌المللی برای پایان دادن به بی‌کیفرمانی این جرم در سطح جامعه بین‌المللی خواهد گردید. البته این موضوع که صلاحیت دیوان صرفاً در رابطه با کشورهایی اعمال می‌شود که اصلاحات اخیر اساسنامه را مورد پذیرش قرار داده‌اند، سبب ایجاد فرصتی برای «به قحطی کشاندن» شهروندان توسط آن دسته از کشورهایی می‌شود که از پذیرش اصلاحات اساسنامه استقبال نکرده‌اند. لذا ضروری است جهت برطرف کردن این خلاء قانونی نیز تمهیداتی اندیشیده شود. از دیگر مزیت‌های لحاظ کردن این مقرر در اساسنامه دیوان این است که آن دسته از دادگاه‌های ترکیبی، خاص و منطقه‌ای که بعد از سال ۲۰۱۹ تأسیس شده‌اند، هم اکنون بیشتر احتمال می‌رود که جرم «به قحطی کشاندن» را در هر دو نوع مخاصمه مدنظر قراردادده و سیاست‌های اصلاحی شبیه آنچه در اساسنامه دیوان صورت گرفت، اتخاذ نمایند. همچنین همسو شدن اساسنامه دیوان با رویکردهای حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بین‌الملل عرفی که «به قحطی کشاندن» را در هر دو نوع مخاصمه تقبیح و ممنوع نموده‌اند، دستاورد شایان توجهی محسوب می‌شود.

در پایان بایستی از نقش بی‌بدیل رسانه‌های ارتباط جمعی و پلتفرم‌های ارتباطی-اجتماعی در انعکاس به موقع وقایع بشردوستانه در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای غافل نماند. موضع کم‌رنگ رسانه‌های بی‌طرف در خصوص رویدادهای تلخی نظیر آنچه که در فاجعه انسانی یمن و سودان جنوبی و ... در خصوص «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» رقم خورد، فرصت را برای اقدامات جنایتکارانه طرف‌های متخاصم ناقض حقوق بیش از پیش مهیا نمود. شکی نیست که امروزه هر موجودیتی اعم از دولتی و غیردولتی (گروه‌های مسلح غیردولتی) دارای رسانه‌های مختص به خود و قادر به بازتاب اخبار به نفع خود می‌باشند. از این رو تقویت عملکرد رسانه‌ها همراه با مرتفع نمودن شکاف‌های هنجاری در ساختارهای کیفری مراجع قضائی بین‌المللی می‌تواند راه را بر هرگونه کتمان حقایق و در نتیجه بی‌عدالتی و بی‌کیفرانی مسدود نماید. پر واضح است رسالت رسانه‌های برون‌مرزی شبکه صداوسیما جمهوری اسلامی ایران با توجه به منطقه پرتنش خاورمیانه بسیار سنگین است و با تقویت کارکرد خود در همه ابعاد اجتماعی، فرهنگی و بالاخص حقوقی می‌توانند در این زمینه بسیار مثمر ثمر باشند.

پیشنهادهای کاربردی و رسانه‌ای

در عصر ارتباطات و به نوعی رسانه محوری، وسایل ارتباط جمعی نقش بسیار مهمی در افزایش واقعیت ایفا می‌نمایند. در این میان موضع‌گیری حقوقی دولت‌ها از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های برون‌مرزی در برابر رویدادها و انعکاس آنچه که در جامعه بین‌المللی در جریان است، مهم و حائز اهمیت می‌باشد. شکی نیست که نقش منفعلانه رسانه‌های برون‌مرزی در بازتاب اخبار مربوط به نقض‌های فاحش حقوق بشر و حقوق بین‌المللی بشردوستانه در جوامع انسانی و به‌ویژه در مخاصمات مسلحانه، فرصت را برای قدرت‌نمایی رسانه‌های متعلق به حاکمیت‌های خودکامه^۱ برای وارونه‌نمایی حقایق مهیا می‌سازد. خوشبختانه علیرغم کارشکنی‌های رسانه‌ای، حضور خبرنگاران شبکه‌های برون‌مرزی رسانه‌ها در مناطق جنگی از جمله در جریان حمله ائتلاف سعودی-اماراتی به یمن و انعکاس تصاویر کودکان قحطی‌زده یمن به سبب عدم دسترسی به آب

۱. این امر به روشنی در فاجعه انسانی یمن و «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» مشهود بود. چنانکه کشور عربستان سعودی به عنوان صاحب یکی از رسانه‌های قدرتمند، افکار عمومی را به نفع خود جهت‌دهی نمود. در واقع رسانه یکی از ابزارهای اصلی سیاست‌ خارجی عربستان محسوب می‌شود. از سوی مسدودسازی حساب‌های اجتماعی شبکه‌های برون‌مرزی ایران نظیر پرس‌تی‌وی، ایران‌پرس و غیره توسط ایالات متحده آمریکا در جلوگیری از انعکاس رسانه‌ای واقعیات منطقه، دلیل دیگری بر تأیید کارکرد و قدرت رسانه‌های برون‌مرزی است.



آشامیدنی و مواد غذایی، سبب تنویر افکار عمومی شد. بازتاب خبری ممانعت از ارسال دارو و غذا توسط رژیم صهیونیستی به مردم غزه از جمله شفاف‌سازی‌های خبرنگاران بین‌المللی در حوزه جنگ است. همچنین در دوران استیلای دولت اسلامی عراق-شام (داعش) بر بخش‌هایی از سوریه و عراق، به تصویر کشاندن جنایات داعش در خصوص «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» و ایجاد ناامنی غذایی در استان‌های نینوا، الانبار و ... از دیگر کارکردهای بارز رسانه‌های برون‌مرزی و خبرنگاران حوزه جنگی محسوب می‌شود.

بدون شک بازتاب صحیح واقعیت‌های در جریان و ایجاد پشتوانه رسانه‌ای در مخصصات مسلحانه که لاجرم با حقوق غیرنظامیان گره خورده است، برای روشن شدن افکار عمومی ضروری است. در این راستا، نقش رسانه‌ها در بازتاب فجایعی نظیر «به قحطی کشاندن غیر نظامیان» در درگیری‌های غیربین‌المللی در جهان، جزئیات بیشتری بایستی مد نظر قرار گیرد و رویکرد جامع‌تری اتخاذ گردد. اعتبارسنجی آمار و اطلاعات کسب‌شده در خصوص وضعیت و شرایط بحرانی جمعیت غیرنظامی منطقه درگیری و نیازسنجی معتبر در رابطه با کمک‌های بشردوستانه امر بسیار مهمی می‌باشد. کسب اطلاعات در خصوص جغرافیا، مردم منطقه و آشنایی مختصر با زبان منطقه محل مأموریت حائز اهمیت است. لذا پشتیبانی اطلاعاتی بایستی قبل از اعزام خبرنگاران به منطقه جنگی مدنظر قرار گیرد.

افزایش اثربخشی رسانه بدون شک مستلزم تقویت همه‌جانبه کارکرد رسانه‌ها اعم از ابعاد آموزشی، تخصصی و ... است. در ذیل پیشنهادهایی در این راستا ارائه می‌گردد:

- پوشش رسانه‌ای و تولید مستند، گزارش و تفسیر از وقایع اتفاق‌افتاده در مناطق جنگی به‌ویژه در ارتباط با نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه نسبت به قشر آسیب‌پذیر نظیر کودکان، زنان و سالم‌خوردگان.
- مهیا نمودن بستر و زمینه‌های آموزشی برای کارشناسان تولید محتوا در رسانه‌های برون-مرزی به منظور آشنایی با مفاهیم حقوق بشر و حقوق بین‌المللی بشردوستانه جهت تجزیه و تحلیل وقایع بین‌المللی و انعکاس دقیق رویدادها.
- جذب نیروهای متخصص در حوزه حقوق بین‌الملل در رسانه‌های برون‌مرزی و اعزام آن‌ها به جلسات دادرسی نهادهای قضائی نظیر دیوان بین‌المللی کیفری و به ویژه کنفرانس‌های مطبوعاتی مربوط به نهادهای مذکور. جلسات دادرسی دیوان عموماً برای همگان آزاد است، مگر اینکه شعبه دیوان دستور جلسه غیرعلنی بدهد.

- تشکیل کمیته‌ای متشکل از کارشناسان متخصص در حقوق بین‌المللی بشردوستانه در بخش رسانه‌های برون‌مرزی به منظور ارتباط‌گیری موثر با سازمان‌های مردم‌نهاد نظیر سازمان ندای ژنو، کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ، هلال احمر و انعکاس اخبار مربوط به فجایع انسانی و همچنین ارتباط مستمر با سازمان‌های بین‌المللی نظیر فائو و یونیسف و به ویژه سازمان‌های منطقه‌ای.
- ایجاد پلتفرم توسط رسانه‌های برون‌مرزی در فضای مجازی برای انعکاس و بازتاب مستمر اخبار مربوط به بحران‌های بشردوستانه.
- تولید محتوا توسط رسانه‌های برون‌مرزی در خصوص فرهنگ‌سازی، ارتقاء بینش و آگاهی غیرنظامیان در خصوص حقوق مسلم خود در اوضاع و احوال جنگی و مخاصمات مسلحانه و استفاده از امکانات بشردوستانه.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- اسفندیاری، چنگیز و میرعباسی، سیدباقر (۱۳۹۳). حق دسترسی به غذا در مخاصمات از منظر موازین حقوق بین‌الملل. *حقوقی دادگستری*، ۷۸(۸۸)، ۳۶-۷.
- ذاکر حسین، محمد هادی (۱۴۰۰). گرسنگی‌دادن غیرنظامیان به‌مثابه جنایت جنگی. *پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ۹(۱۸)، ۲۲۷-۲۵۲.
- سیدزاده ثانی، سید مهدی و فرهادی آلاشتی، زهرا (۱۳۹۳). جنایات جنگی در منازعه‌های داخلی و بین‌المللی. *پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۳(۱)، ۷۱-۴۴.

منابع انگلیسی

- Akande, D. & Gillard E. (2016). Arbitrary Withholding of Consent to Humanitarian Relief Operations in Armed Conflict. *International Law Studies*, 92, 482-511.
- Bartels, R. (2015). Denying Humanitarian Access an International Crime in Times of Non-International Armed Conflict: The Challenges to Prosecute and Some Proposals for the Future, *Israel Law Review*, 48(3), 281-307.
- Conley, B. & Waal, A. (2019). The Purposes of Starvation-Historical and Contemporary Uses. *Journal of International Criminal Justice*, 17(4), 699-722.
- De Waal, A. (2018). *Mass Starvation: the history and future of famine*. Cambridge: Polity Press.
- Dannenbaum, T. (2021). Siege Starvation: A War Crime of Societal Torture. *Chicago Journal of International Law*, 22(2), 367-442.
- D'Alessandra F. & Gillett M. (2019). The War Crime of Starvation in non-International Armed Conflict, *BSG Working Paper Series*, University of Oxford, 1-29.
- Digney, L. (2022). The Rome Statute and Hunger as a Weapon of War-The Journey Towards Ending Impunity for Starvation Tactics, *The Institute of International and European Affairs*. 1-9.
- Graham, L. (2021). Pathways to Accountability for Starvation Crimes in Yemen. *Case Western Reserve Journal of International Law*, 53(1), 400-439
- Henckaerts, J. & Doswald-Beck, L. (2005). *Customary International Humanitarian Law*. Vol 1&2: Practice, Cambridge University Press.
- Mazo, A. (2020). The Protection of Access to Food for Civilians Under International Humanitarian Law: Acts Constituting War Crimes. *The Age of Human Rights Journal*, 181-209.
- Quenivet, N. (2014). Applicability Test of Additional Protocol II and Common Article 3 for Crimes in Internal Armed Conflict., *ResearchGate*, 30-60.
- Rudra, R. (2021). Starvation in Non-International Armed Conflict Applicable International Humanitarian Law Practice and Options for Deve.lopment. *International Journal of Law Management & Humanities*, 4(4). 2775-2789



- Vanhullebusch, M. (2020). Do Non-State Armed Groups Have a legal Right to Consent to Offers of International Humanitarian Relief? *Journal of Conflict and Security Law*, Vol. 25, Issue2, 317-341
- Ventura, M. J. (2019). Prosecuting Starvation under International Criminal Law: Exploring the Legal Possibilities, *Journal of International Criminal Justice*, 17(4), 781-814.
- Webb, P. & Alamuddin A. (2010). Expanding Jurisdiction Over War Crimes under Article 8 of the ICC Statute. *King'S College London Research Portal*.

اسناد و سایت‌های اینترنتی

- Amnesty International (2019). " Proposed Amendment to Article 8 (2)(e) of the Rome Statute to Include the Intentional Starvation of Civilians as a War Crime in Non-International Armed Conflicts", visited at 25 June 2023, available at: <file:///D:/Proposed%20Amendment.pdf>.
- FAO (2019). "The State of Food Security and Nutrition in the World 2019, Safeguarding against economic slowdowns and downturns", visited 20 June 2023, available at: <https://www.fao.org/3/ca5162en/ca5162en.pdf>
- ICC Assembly of State Parties (2018). 'Report of the Working Group on Amendments' ICC-ASP/17/35, at 12-13; UN Doc C.N.399.2019.TREATIES-XVIII.10, Switzerland: Proposal of Amendment, 30 August 2019.
- ICRC (International Committee Of The Red Cross) (2020). Updated Commentary brings fresh insights on continued relevance of Geneva Conventions for treatment of prisoners of war, available at: <https://www.icrc.org/en/document/updated-commentary-third-geneva-convention>
- ICRC (International Humanitarian Law Databases) (1987). Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts, available at: <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/apii-1977/article-14/commentary/1987>
- ICRC.Org, Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949 (1977). and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), available at: <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/apii-1977>
- ICTY.Org. Case No.: IT-94-1-A, (1995). Prosecutor v. Du[Ko Tadi], Decision on the defence motion for interlocutory appeal on jurisdiction, para.94.
- ICTY.org (1995). Decision on Interlocutory Appeal Challenging Jurisdiction, Tadić (IT-94-1-A) Appeals Chamber, available at: <https://www.icty.org/x/cases/tadic/acdec/en/51002.htm>
- netherlands International Crimes Act (2003). visited 2 June 2023, Available at: https://documents.law.yale.edu/sites/default/files/netherlands_-_international_crimes_act_english_.pdf



Monitoring Food Security in Countries with Conflict Situations', FAO and WFP, (Joint FAO/WFP Update for the United Nations Security Council, August 2018). visited 7 March 2018, available at

<http://www.fao.org/3/CA1315EN/ca1315en.pdf>.

Rome Statute of the International Criminal Court (2002).

United Nations Security Council, S/RES/2417 (2018). available at: visited 18 March 2023, [https://undocs.org/S/RES/2417\(2018\)](https://undocs.org/S/RES/2417(2018)).

United Nations Digital Library, Security Council Sixty-ninth year, fSecurity Council Sixty-ninth year 7216th meeting Monday, 14 July 2014, noon New York, visited 22 May 2023, available at: <https://digitallibrary.un.org/record/774877>

بحران اوکراین و چشم‌انداز همگرایی و واگرایی در اروپا (با تأکید بر رویکردهای رسانه‌ای)

سید محمدعلی تقوی^۱

چکیده

جنگ روسیه و اوکراین سیاست بین‌الملل و به‌ویژه مناسبات قدرت در اروپا را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است. روسیه بار دیگر یک تهدید جدی امنیتی برای اروپا قلمداد شده و کشورهای اروپایی در چارچوب ناتو و اتحادیه اروپا، اقدامات و راهبردهای دفاعی و امنیتی مشترکی را پی گرفته‌اند. اما به‌سرعت میان کشورهای اروپایی در زمینه چگونگی مواجهه با روسیه اختلافاتی نیز پدید آمد. پرسش این پژوهش آن است که تهاجم روسیه به اوکراین چه تأثیری بر فرایند همگرایی یا واگرایی در اروپا داشته است. برای پاسخگویی به این پرسش، از میان نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای، رویکرد اقتصادی- کارکردی، که تعامل کارکردی و همکاری‌های سودمند میان کشورها را اساس همگرایی می‌داند به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش انتخاب شده و روش پژوهش نیز تاریخی است که به تجزیه و تحلیل و استنباط از رویدادها و وقایع می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان دهنده آن است که بحران اوکراین سبب تمایل بیشتر کشورهای عضو اتحادیه اروپا به همگرایی، آن هم در حوزه امنیت دفاعی شده و اتحادیه اروپا جدیت بیشتری برای پیگیری برنامه‌های امنیتی و دفاعی مشترک از خود نشان داده است. با این حال، تداوم جنگ روسیه با اوکراین ممکن است سبب برخی واگرایی‌ها در اتحادیه اروپا شود، چنان که در تنش میان اوکراین و همسایگانش در اروپای شرقی بر سر صدور غلات چنین وضعیتی رخ داد. پیشنهاد می‌شود رسانه‌های برون‌مرزی ضمن پرداختن به ابعاد مختلف بحران اوکراین، به دوگانگی‌های موجود در سیاست اتحادیه اروپا در قبال دو بحران جاری اوکراین و فلسطین تأکید کنند.

کلیدواژه‌ها: جنگ اوکراین، همگرایی امنیتی و دفاعی، اتحادیه اروپا، ناتو، روسیه.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۶

۱. دانشیار علوم سیاسی، پژوهشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

sma.taghavi@atu.ac.ir

DOI: 10.22034/IMRL.2024.427365.1216

مقدمه

حمله روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ (۵ اسفند ۱۴۰۰) جنگی را سبب شد که تا به امروز ادامه دارد. این جنگ تا کنون پیامدهای مهمی در عرصه سیاست بین‌الملل داشته است و نتیجه آن نیز چشم‌انداز مناسبات جهانی در آینده نزدیک را رقم خواهد زد. بیشترین تأثیر این جنگ بر معادلات قدرت در اروپا بوده است. با وقوع این حمله، روسیه که تا آن زمان می‌کوشید خود را به‌عنوان یک شریک صلح، امنیت و پیشرفت اقتصادی در اروپا نشان دهد، به صورت یک تهدید جدی امنیتی برای اروپا مطرح شد. در مواجهه با این تهدید، کشورهای اروپایی به صورت دسته‌جمعی، هم در قالب ناتو و هم در چارچوب اتحادیه اروپا، به تمهیدات دفاعی و امنیتی مشترک مبادرت ورزیدند. با این حال، از همان ابتدا اختلافاتی میان برخی کشورهای اروپایی در این زمینه بروز یافت. برای نمونه بر سر خرید یا تحریم گاز و نفت صادراتی روسیه دیدگاه‌های متفاوتی وجود داشت و آلمان با اکرهه به جمع تحریم‌کنندگان پیوست. از اواخر تابستان ۲۰۲۳ نیز اختلاف نظرهای شدیدی میان اوکراین و همسایگان غربی آن در اروپا، یعنی لهستان، اسلواکی و مجارستان بر سر صدور غلات اوکراین از خاک آن‌ها، بروز کرده و مناقشاتی را درون اتحادیه اروپا و نیز ناتو سبب شده است. این پژوهش به صورت مشخص تأثیر بحران اوکراین بر همبستگی کشورهای اروپایی را بررسی می‌کند. پرسش پژوهش آن است که تهاجم روسیه به اوکراین چه تأثیری بر فرایند همگرایی یا واگرایی در اروپا داشته است. مسئله آن است که آیا حمله روسیه به اوکراین به‌عنوان منجی همگرایی اروپایی عمل خواهد کرد و اتحادیه اروپا را که پس از برگزیت دستخوش ضعف شده و ناتو را که از دوران ترامپ با کم‌توجهی آمریکا مواجه شده بود احیاء خواهد کرد یا آن که گام دیگری برای تضعیف هر دوی این نهادها خواهد بود.

روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش، کتابخانه‌ای و اسنادی است که با رجوع به آثار منتشر شده، شامل کتاب‌ها، مقالات و نیز سایت‌های مراکز پژوهشی و دانشگاهی، اعم از فارسی و انگلیسی، انجام می‌گیرد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از روش تاریخی استفاده می‌شود که به تجزیه و تحلیل و استنباط از رویدادها و وقایع می‌پردازد. روش پژوهش تاریخی عبارت است از: «بازسازی روشمند و عینی گذشته، که از طریق گردآوری، ارزیابی، تعیین صحت و سقم و ترکیب حوادث به منظور اثبات وقایع و تحصیل نتیجه‌ای قابل دفاع صورت می‌گیرد و غالباً مبتنی بر فرضیه‌ای معین است» (ایمان، ۱۳۹۱: ۱۳۵). از این روش برای کشف فرایندهای علی تاریخی استفاده می‌شود (بشیریه، ۱۳۸۴: ۸۱-۸۲).



در این پژوهش ابتدا چارچوب نظری و پیشینه پژوهش بیان خواهد شد. سپس مختصری در مورد پیشینه منازعه گفته خواهد شد. در قسمت بعد، عملکرد اتحادیه اروپا در مواجهه با بحران اوکراین در پنج قسمت بررسی می‌شود: کمک‌های اعطایی به اوکراین، بسته‌های تحریمی علیه روسیه، اقدامات مشترک در حوزه امنیت دفاعی، نامزدی اوکراین برای عضویت در اتحادیه، و بروز تنش میان اوکراین و همسایگانش در اتحادیه.

پیشینه پژوهش

چند نمونه از پژوهش‌های انجام شده در موضوع مقاله در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان	نویسندگان و سال	محور اصلی
۱	بحران اوکراین و اولویت‌یابی حوزه دفاع و امنیت در اروپا	مصطفی جوکار / ۱۴۰۱	بررسی تاثیر جنگ اوکراین بر رویکرد امنیتی اتحادیه اروپا
۲	راهبرد قدرت هوشمند سیاست خارجی اتحادیه اروپا مقابل روسیه	محمدی و عسگریان / ۱۴۰۱	مطالعه تاثیر جنگ اوکراین بر سیاست خارجی اتحادیه اروپا
۳	علل جنگ روسیه و اوکراین (۲۰۲۲) و پیامدهای بین‌المللی آن	بهرامی نصر / ۱۴۰۲	ریشه‌یابی جنگ روسیه و اوکراین و بررسی عواقب آن در عرصه جهانی
۴	نتایج جنگ روسیه و اوکراین در شکل‌گیری نظم نوین جهانی	کلانتری و محمدی منفرد / ۱۴۰۲	بررسی پیامدهای جنگ روسیه و اوکراین در آینده نظام بین‌المللی
۵	بحران اوکراین در پرتو هژمونی گرایی لیبرال آمریکا	وطنی و استوار / ۱۴۰۲	کنکاش در باره چگونگی واکنش واشنگتن به حمله روسیه به اوکراین و به چالش کشیده شدن هژمونی آمریکا
۶	واکاوی جنگ روسیه و اوکراین از منظر امنیت هستی‌شناختی	نوروزی، هلالات و مقومی / ۱۴۰۱	بررسی تهدیدات امنیتی نسبت به موجودیت طرف‌های درگیر در بحران روسیه و اوکراین
۷	جنگ اوکراین و تاثیر سیاست‌های ناتو بر آن	مددی / ۱۴۰۱	مطالعه پیامد سیاست‌های ناتو بر آغاز و چگونگی ادامه جنگ روسیه و اوکراین
۸	بحران اوکراین و تاثیر تحریم‌ها بر کشمکش روسیه و غرب	بهمن / ۱۴۰۱	بررسی چگونگی تاثیر بحران‌های وضع شده علیه روسیه پس از بحران اوکراین بر روابط غرب و روسیه

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که موضوع جنگ روسیه و اوکراین یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد پژوهش در ادبیات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و سایر رشته‌های علوم اجتماعی از فوریه ۲۰۲۲ تا کنون بوده است و محققان ایرانی نیز توجه بسیاری به آن مبذول داشته و از جوانب مختلف آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. آنچه پژوهش جاری به آن می‌پردازد به‌طور مشخص تأثیر جنگ مزبور بر روند همگرایی و واگرایی در اروپا و به‌ویژه در قالب اتحادیه اروپاست که تحقیقی درباره آن به زبان فارسی انجام نشده است و پژوهش‌های انجام شده به زبان انگلیسی هم همچنان در حال شکل‌گیری هستند.

چارچوب نظری

چارچوب‌های نظری مختلفی را می‌توان برای پژوهشی که با همگرایی مرتبط است مورد استفاده قرار داد. برخی از این نظریات جنبه تبیینی داشته و برخی در کنار جنبه تبیینی، وجه تجویزی نیز دارند. در میان نظریات برخوردار از هر دو جنبه تبیینی و تجویزی، سه رویکرد قابل مشاهده است. یکی از این رویکردها، سیاسی- نهادی است که طبق آن همگرایی از طریق اراده سیاسی طرف‌های ذی‌نفع انجام می‌شود، بدین ترتیب که دولت‌ها با ایجاد نهادهای فراملی موجب همگرایی می‌شوند و خود صلاحیت خویش را محدود می‌کنند. رویکرد دوم کارکردگرایی^۱ است که یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان آن دیوید میترانی است و همکاری‌های سودمند میان کشورها را اساس همگرایی می‌داند. این همکاری‌ها به ایجاد نهادهای جدید فراملی برای رفع نیازهای کارکردی منجر می‌شوند (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۴: ۱۷۸-۱۷۹). این سودمندی ممکن است در هر حوزه‌ای، مانند حوزه اقتصادی، تکنولوژیک یا دفاعی، رخ دهد و در صورت موفقیت، امکان سرایت آن به سایر حوزه‌ها وجود دارد (قوام، ۱۳۷۰: ۲۲۴). میترانی معتقد بود در غیاب نهادهایی که دارای منافع متقابل برای مردم کشورها باشند، صرف وجود نهادهای بین‌حکومتی مانع بروز جنگ نخواهد شد، چنان که جامعه ملل مانع بروز جنگ جهانی دوم نشد (Alexandrescu, 2007: 30). او جهانی را به تصویر می‌کشد که بر اساس روابط کارکردی سازمان یافته است، جهانی که اهمیت فعالیت‌های مشترک جهانی و سازمان‌های مشترک هماهنگ‌کننده آن‌ها بر اهمیت مرزها غلبه دارد (Alexandrescu, 2007: 24-25). رویکرد سوم، نوکارکردگرایی^۲ است که گاهی نیز رویکرد تجربی-ارتباطاتی خوانده می‌شود و همه حوزه‌های همکاری، اعم از

1. Functionalism
2. Neo-functionalism



مبادلات ورزشی و توریسم گرفته تا تعامل میان واحدهای سیاسی و توسعه ارتباطات و به‌ویژه اقتصاد را برای آغاز همگرایی پیشنهاد می‌کند. در عین حال، نوکارکردگرایی فرایندهای دیپلماتیک برای همگرایی را ضروری می‌شمارد و تحقق همگرایی را امری خودبه‌خودی نمی‌شمارد. در این رویکرد که توسط کسانی مانند ارنست هاس مطرح شده است، شرایط و زمینه‌های لازم برای همکاری عبارتند از الف) پیش‌زمینه‌ها (یعنی مشابهت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی)، ب) علل بلاواسطه همگرایی (سازگاری انگیزه‌ها) و ج) عوامل تداوم همگرایی (افزایش کارآمدی سیاسی و اقتصادی، گسترش ارتباطات میان گروه‌های اجتماعی در واحدهای ادغام‌شده، امکان پیش‌بینی رفتارها، رفتار برابر و در عین حال، پذیرش تفاوت‌ها) (Kowalski: 2020, 1-17).

این سه رویکرد در تعارض با یکدیگر نیستند، بلکه یکی پس از دیگری به منظور تبیین بهتر فرایند تکوین شکل‌گیری نهادهای فراملی بین‌المللی و منطقه‌ای، به ویژه همگرایی اروپایی، شکل گرفته‌اند. رویکرد اول با این نقد مواجه شده است که توجه آن به نقش نهادهای سیاسی محدود شده و همین امر سبب شکنندگی همگرایی ناشی از اراده سیاسی شده است. کارکردگرایی این نقطه ضعف را برطرف کرده و نقش سودمندی‌های ناشی از همگرایی را برجسته کرده، اما از نقش اراده سیاسی غفلت ورزیده است. نوکارکردگرایی با تمرکز ویژه بر همگرایی منطقه‌ای، سعی کرده است که نقش همه عوامل دخیل در فرایند همگرایی، اعم از سیاسی یا غیرسیاسی را با دقت مورد لحاظ قرار دهد.

پیشینه منازعه

پیشینه جنگ روسیه و اوکراین به استقلال این کشور در ۱۹۹۱، در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، بازمی‌گردد، زمانی که بیش از ۹۰ درصد مردم به جدایی از شوروی رأی دادند (کریمی فرد، ۱۴۰۱: ۱۸۳). با به قدرت رسیدن نیروهای متمایل به غرب در اوکراین طی انقلاب نارنجی^۱ (۲۰۰۴) و سپس انقلاب کرامت^۲ (۲۰۱۴)، روابط کیف و مسکو وارد تنش بی‌سابقه‌ای شد. روسیه در همین سال شبه جزیره کریمه را متصرف شد و به خاک خود الحاق کرد و شورشیان حامی روسیه در ناحیه دونباس^۳ برخی مناطق را تصرف کرده و به جنگ با نیروهای دولت مرکزی در

1. The Orange Revolution
2. The Revolution of Dignity

۳. شامل دو استان دونتسک و لوهانسک که در آن روس تبار اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند.

کی‌یف پرداختند. انتخاب ولادیمیر زلنسکی به‌عنوان رئیس‌جمهور در ۲۰۱۹ و برنامه استراتژیک اوکراین برای عضویت در اتحادیه اروپا و ناتو، نارضایتی روسیه از اوکراین را به اوج خود رسانید (کریمی فرد، ۱۴۰۱: ۱۹۴).

طی دو دهه گذشته و به ویژه پس از رویدادهای ۲۰۱۴، اوکراین وارد مناسبات نزدیکی با اتحادیه اروپا و ناتو و مخصوصاً آمریکا شد. اتحادیه اروپا مهم‌ترین منبع وام‌ها و کمک‌های مالی به اوکراین بوده، به طوری که از ۲۰۱۴ تا آغاز جنگ، مبلغ ۱۵ میلیارد یورو به صورت وام یا کمک‌های بلاعوض به این کشور اعطا کرده و توافقنامه‌های تجاری چندی با این کشور داشته است (محمدی و عسگریان، ۱۴۰۱: ۱۰۰ و ۱۰۱). اتحادیه در ۲۰۱۷، ضرورت اخذ ویزا را برای اتباع اوکراین لغو کرد (کریمی فرد، ۱۴۰۱: ۱۹۲-۱۹۸). همین موارد در سیاست خارجی اوکراین و به ویژه تقاضای آن برای عضویت در ناتو بود که سرانجام ماشه حمله روسیه به خاک این کشور را چکاند. «در واقع مسکو با تلقی کشورهای شرق اروپا به‌عنوان بخشی از حوزه نفوذ سنتی در «خارج نزدیک» خود، روابط کشورهای مذکور با اتحادیه اروپا و به طور کلی غرب را تهدیدی برای منافع خود می‌داند. به همین سبب روسیه فعالیت‌های جنگ ترکیبی از کمپین‌های تقابل رسانه‌ای تا تهاجم مستقیم نظامی همچون نمونه اوکراین را انجام داده ... است» (محمدی و عسگریان، ۱۴۰۱: ۱۰۲-۱۰۳). به‌علاوه، اوکراین با داشتن نزدیک به ۲۰۰۰ کیلومتر مرز مشترک با روسیه، همواره نقش دولت حائل میان روسیه و کشورهای اروپایی را ایفا کرده و اهمیت دفاعی ویژه‌ای برای این کشور در برابر هجوم ناپلئون و هیتلر داشته است. الحاق اوکراین به ناتو، نه فقط این حائل را از بین می‌برد، بلکه می‌توانست این کشور را به سکویی برای هجوم به روسیه تبدیل کند. واکنش کم اثر غرب در جریان جدا کردن شبه جزیره کریمه سبب شد تا روسیه تصور کند واکنش آن‌ها در برابر حمله سراسری به اوکراین هم از همان نوع خواهد بود (Sasse, 2023).

۱. اتحادیه اروپا و بحران اوکراین

اتحادیه اروپا بلافاصله پس از حمله روسیه به اوکراین از خود واکنش نشان داد و رسماً اعلام کرد: «اتحادیه اروپا و شرکای بین‌المللی‌اش در محکوم کردن تجاوز روسیه به اوکراین متحدند؛ ما از کسانی که در جستجوی پناهگاه [در خارج از اوکراین] هستند حمایت می‌کنیم و به یاری کسانی خواهیم شتافت که راه امنی را برای بازگشت به کشور خود می‌جویند. ما حمایت قدرتمندانه سیاسی، مالی و بشردوستانه خود از اوکراین را ادامه خواهیم داد و تحریم‌های سختی را بر روسیه و همدستانش در این جنگ تحمیل خواهیم کرد» (European Commission,)



October 8, 2023). بحران اوکراین برخلاف سایر بحران‌های بین‌المللی که اتحادیه در سال‌های اخیر با آن‌ها روبرو بوده است، مانند بحران یوگسلاوی، عراق یا سوریه، مستلزم واکنش جمعی اتحادیه بود. این بحران از جهات متعددی (مانند امنیت، اقتصاد، تجارت و موضوع پناهندگان) اتحادیه را تحت تأثیر قرار داده بود (Maurer and others, 2023). وزرای خارجه اتحادیه در جلسه ۲ اکتبر ۲۰۲۳ که در پایتخت اوکراین برگزار کردند بر تعهد خود مبنی بر حمایت دراز مدت از اوکراین در جنگ با روسیه تأکید ورزیدند. در ادامه این مقاله به ترتیب تأثیرات هم‌گرایی و واگرایی بحران اوکراین بر اتحادیه اروپا بررسی خواهند شد.

۱-۱. کمک به اوکراین

واکنش اتحادیه به جنگ از یک سو به صورت محکوم کردن روسیه و وضع تحریم‌های گسترده علیه این کشور، و از سوی دیگر به صورت حمایت سیاسی و نیز ارائه کمک‌های انسان‌دوستانه، نظامی و اقتصادی از اوکراین به مبلغی بیش از ۸۲ میلیارد یورو (تا آخر سپتامبر ۲۰۲۳)، بروز یافت. از این مبلغ ۳۹٫۵ میلیارد یورو به صورت کمک اقتصادی، ۲۵ میلیارد یورو کمک نظامی، ۱۷ میلیارد یورو در حمایت از آوران اوکراینی در داخل اتحادیه و ۷۹۶ میلیون یورو به صورت مکانیزم حمایت مدنی (شامل تهیه وسایل حمل و نقل، ژنراتورهای برق، وسایل پزشکی و دارویی، پناهگاه و ابزارهای لازم برای محافظت از مردم در برابر تهدیدات شیمیایی، بیولوژیک و هسته‌ای) هزینه شده است (European Council, October 20, 2023). در اول فوریه ۲۰۲۴، اتحادیه اروپا پس از دوره‌ای از مذاکرات طولانی و پرتنش، با یک بسته ۵۰ میلیارد یورویی دیگر برای کمک به اوکراین موافقت کرد. تقریباً همه نهادهای اصلی اتحادیه اروپا، شامل کمیسیون اروپایی، پارلمان اروپایی، شورای اروپایی، بانک مرکزی اروپا، سرویس اقدامات خارجی اروپا، کمیته اقتصادی و اجتماعی اروپا، کمیته مناطق اروپایی و بانک سرمایه‌گذاری اروپا، در اقداماتی به نفع اوکراین در جریان حمله روسیه به این کشور مشارکت داشته‌اند.

در حال حاضر، ۴٫۲ میلیون آواره اوکراینی در کشورهای اتحادیه اروپا به سر می‌برند و تحت پوشش برنامه‌های امدادی این اتحادیه هستند (European Council, February 2, 2024). به صورت کلی، مسئله مهاجرین همواره یکی از مهم‌ترین عوامل اختلاف و واگرایی در میان کشورهای عضو اتحادیه بوده است (دانش و تقوی، ۱۴۰۰: ۲۷-۳۰)، اما وقتی به مسئله مهاجرین اوکراینی می‌رسیم، درمی‌یابیم که این مسئله، دستکم تا به امروز، بیشتر عامل همبستگی در اتحادیه بوده است (Dempsey, 2022). در مارس ۲۰۲۲، شورای اروپا اعضا را فراخواند تا با

تقویت روح همبستگی و اتحاد، تلاش‌های خود را در پذیرش اوکراینی‌هایی که از جنگ گریخته‌اند تشدید کنند و برنامه‌ای ۱۰ ماده‌ای را برای هماهنگی بیشتر و حمایت از اعضای خود در پذیرایی از آوارگان ارائه کرد (European Commission, March 28, 2022). همچنین در ۲۰ ژوئن ۲۰۲۳، کمیسیون اروپایی ایجاد «تسهیلات اوکراین»^۱ را پیشنهاد کرد که طی آن تا سال ۲۰۲۷، مبلغ ۵۰ میلیارد یورو برای احیاء، بازسازی و مدرنیزه کردن اوکراین هزینه خواهد شد (European Commission, November 23, 2023).

یکی از مهم‌ترین اقدامات حمایتی اتحادیه از اوکراین برداشتن همه تعرفه‌های گمرکی، سهمیه‌بندی‌ها و موانع تجاری در برابر صادرات این کشور^۲ بود که از ۴ ژوئن ۲۰۲۲ برای مدت یک سال به مرحله اجرا درآمد و در سال ۲۰۲۳ برای یک سال دیگر تمدید شد (European Commission, February 23, 2023). این امتیاز تجاری یک‌جانبه که تا کنون اتحادیه برای هیچ کشور دیگری ملحوظ نداشته در شرایطی که صادرات اوکراین به جهان کاهش یافته و راه‌های آن توسط روسیه مسدود شده بسیار حائز اهمیت است و این امکان را فراهم می‌آورد که چرخ‌های اقتصاد این کشور به حرکت ادامه دهد و موقعیت خود را در بازار جهانی حفظ کرده و نیز روابط بازرگانی خود با اتحادیه را تعمیق بخشد.

بنا به اذعان یکی از محققان مرکز سیاست اروپایی^۳، حمایت بی‌سابقه اتحادیه اروپا از اوکراین از طریق آزادسازی بازرگانی و برداشتن تعرفه‌های گمرکی برای محصولات این کشور سبب تقویت ظرفیت صادراتی و تاب‌آوری اقتصاد جنگی آن شده است. اتحادیه در واکنش به مسدود ساختن دریای سیاه توسط روسیه، خطوط همبستگی اتحادیه-اوکراین^۴ را ایجاد کرد تا کشور مزبور بتواند کالاهای خود را از طریق اروپا صادر کند. اقدام اتحادیه موجب شد که تولید کنندگان اوکراینی درآمد خود از صادرات را حفظ کنند و نیز در زنجیره تامین نیازهای اتحادیه بیشتر ادغام گردند. با این حال، چنان که در ادامه خواهیم دید، فقدان همکاری و هماهنگی کافی و نیز کمبود ظرفیت لجستیکی سبب بروز تنش‌هایی میان اوکراین و همسایگانش در شرق اروپا شد و این همسایگان با نقض تعهدات اتحادیه، در آوریل ۲۰۲۳، به طور یک جانبه مانع ورود محصولات کشاورزی اوکراین شدند و دسترسی این کشور به بازارهای جهانی را محدود کردند، مشکلی که

1. Ukraine Facility

Autonomous Trade Measures (ATMs)

۲. این برنامه با عنوان زیر شناخته می‌شود:

3. European Policy Centre

4. EU-Ukraine Solidarity Lane



نهایتاً با پادرمیانی کمیسیون اروپایی برطرف شد (Taran, 2023). کمک‌های کلان مالی اتحادیه به اوکراین به بودجه این کشور در تامین نیازهای اجتماعی و انسانی اولیه یاری رسانیده و سبب بهبود کارکرد دستگاه‌های عمومی آن متناسب با نیازهای دوران جنگ شده است. به علاوه، یادداشت تفاهم بین اتحادیه و اوکراین موجب تعدیل سیاست مالی و تعهد این کشور به اتخاذ مکانیزم‌های ضدفساد و نیز برنامه ریزی، کارآمدی و شفافیت در مصرف بودجه شده است. در سال ۲۰۲۴، احتمالاً کمک‌های غیربودجه‌ای برای احیای اقتصادی اوکراین افزایش خواهند یافت (Zhalilo and others, 2023).

بسیج یکپارچه نهادهای اتحادیه اروپا در ارائه کمک‌های گوناگون به اوکراین، اعم از مالی و تسلیحاتی و نیز تسهیلات تجاری و یاری رسانی به آوارگان اوکراینی نشان می‌دهد که بحران مزبور به همگرایی در اتحادیه اروپا مدد رسانیده است. مجموعه کشورهای عضو اتحادیه که پیش از این از سایر کارکردهای اتحادیه بهره جسته‌اند، مطابق با نظریه نوکارکردگرایی، تردید چندانی در همکاری در این زمینه نیز روا نداشته‌اند.

۲-۱. بسته‌های تحریمی علیه روسیه

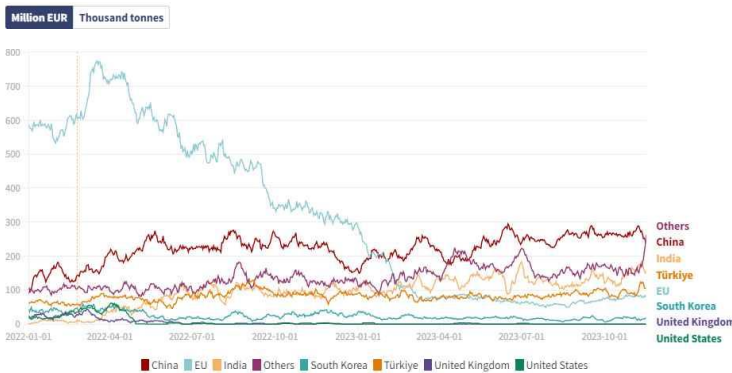
اتحادیه اروپا از زمان اشغال کریمه توسط روسیه در ۲۰۱۴ تحریم‌هایی را علیه این کشور وضع کرد. این تحریم‌ها شش بخش مالی، انرژی، فناوری، بازرگانی، حمل و نقل و امور دفاعی را در برمی‌گرفت و هر شش ماه تمدید می‌شدند. پس از حمله ۲۰۲۲، تحریم‌های فراگیرتری به این موارد افزوده شدند. در ماه‌های نخست جنگ، فشار شدیدی از سوی کشورهای خط مقدم بر اتحادیه وارد می‌آمد که تحریم‌های هرچه بیشتری بر روسیه تحمیل کند و همین امر سبب شد که، در مقایسه با سایر نهادهای اتحادیه، کمیسیون اروپایی نقش برجسته‌تری در این زمینه بر عهده بگیرد (Håkansson, 2024). تحریم‌ها تا کنون شامل یازده بسته شده و با هدف تضعیف توان مالی روسیه برای تأمین هزینه‌های جنگ وضع شده‌اند. این تحریم‌ها تا کنون ۱۵۵۱ نفر و ۲۴۵ شرکت یا نهاد را در برمی‌گیرند. اموال این افراد و نهادها بلوکه شده و هیچ پولی در اختیار آن‌ها قرار نمی‌گیرد. افراد مزبور به کشورهای اتحادیه نیز نمی‌توانند مسافرت کنند. این تحریم‌ها هم به صورت دوره‌ای هر شش ماه تمدید می‌شوند و مواد غذایی، کشاورزی، دارویی و بهداشتی از آن مستثنی هستند. واردات از روسیه تحریم شده و صدور برخی کالاها و تکنولوژی‌ها و خدمات مشاوره‌ای نیز منع شده است. اجلاس دوره‌ای میان روسیه و اتحادیه اروپا تعلیق شده و روسیه دیگر به اجلاس گروه جی ۸ دعوت نمی‌شود. تجار و دیپلمات‌های روسی از تسهیلات مورد توافق قبلی

نمی‌توانند استفاده کنند و تسهیلات ویزایی میان اتحادیه و روسیه به حال تعلیق درآمده است. همچنین فعالیت برخی از رسانه‌های روسی در اتحادیه محدود شده است. سرمایه‌گذاری در روسیه به شدت محدود شده و بانک سرمایه‌گذاری اروپایی و بانک اروپایی بازسازی و توسعه دیگر وامی را در اختیار روسیه قرار نمی‌دهند (European Council, October 9, 2023). تحریم‌های تحمیل شده بر روسیه در تاریخ معاصر بی‌سابقه‌اند (Laffan, 2023).

یکی از مهم‌ترین تحریم‌ها متوجه صادرات روسیه مانند محصولات فولادی، سوخت‌های فسیلی جامد مثل ذغال سنگ و غیرجامد مثل نفت و گاز روسیه بوده است که بخش مهمی از درآمد ارزی روسیه را تشکیل می‌دهند. برای نمونه، در ششمین بسته تحریمی، خرید نفت خام و محصولات نفتی تصفیه شده از روسیه منع شد (European Council, August 7, 2023). در اثر این تحریم‌ها درآمد روسیه از صادرات سوخت‌های فسیلی در ماه‌های ژانویه و فوریه ۲۰۲۳ در مقایسه با دو ماه مشابه در ۲۰۲۲ به میزان ۲۶،۹ و ۴۱،۷ درصد کاسته شد. مبلغ ۳۰۰ میلیارد یورو از ذخایر بانک مرکزی روسیه در بانک‌های جهان بلوکه شدند که ۲۰۰ میلیارد یورو آن در بانک‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا هستند. بیست میلیارد یورو از اموال افراد تحت تحریم نیز بلوکه شده‌اند (European Council, October 12, 2023).

نمودار زیر نشان می‌دهد که واردات سوخت‌های فسیلی (ذغال سنگ، گاز و نفت خام) توسط اتحادیه اروپا از ۶۰۷ میلیون یورو به ۸۳ میلیون یورو برای هر دو هفته کاهش یافته است. البته خریداران دیگر مانند چین، هند و ترکیه واردات خود از روسیه را افزایش داده‌اند.

Daily flows by geography
14-day running average



Source: CREA analysis. • The dotted line represents the beginning of the invasion.

CREA

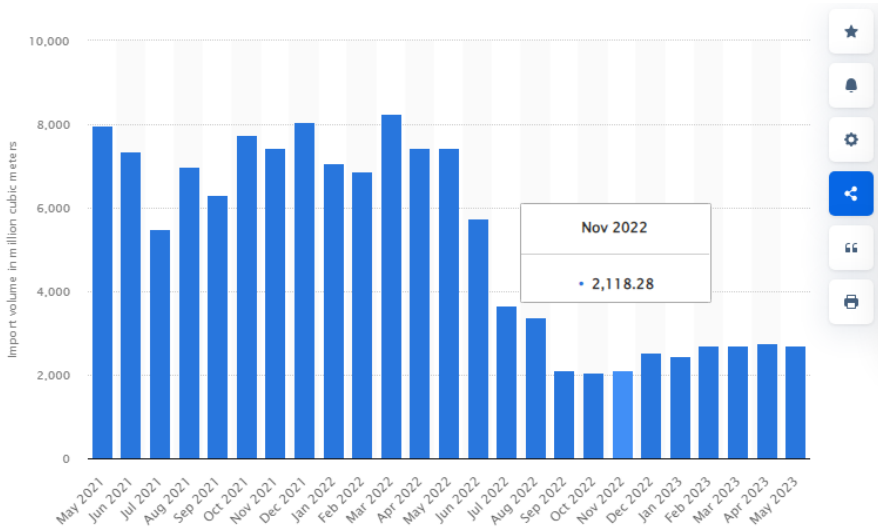
نمودار ۱. صادرات روزانه سوخت‌های فسیلی از روسیه به کشورهای مختلف، برحسب میلیون یورو (خط نقطه چین عمودی زمان حمله روسیه به اوکراین را نشان می‌دهد)

بحران اوکراین و چشم‌انداز همکاری و واگرایی در اروپا... ۱۹۹



سال هشتم / شماره اول / شماره پیاپی یازدهم / بهار و تابستان ۱۴۰۲

نمودار زیر میزان گاز وارداتی ماهیانه از روسیه به اتحادیه از یک سال قبل از تهاجم تا یک سال پس از آن را نشان می‌دهد. این میزان از ۸۰۰۰ میلیون متر مکعب در ماه می ۲۰۲۱ به ۲۷۰۰ میلیون متر مکعب در ماه می ۲۰۲۳ رسیده است.



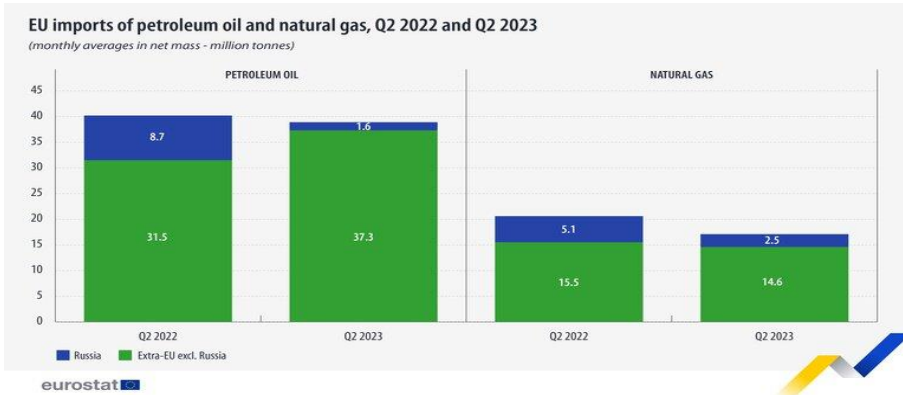
© Statista 2023

[Additional Information](#)

[Show source](#)

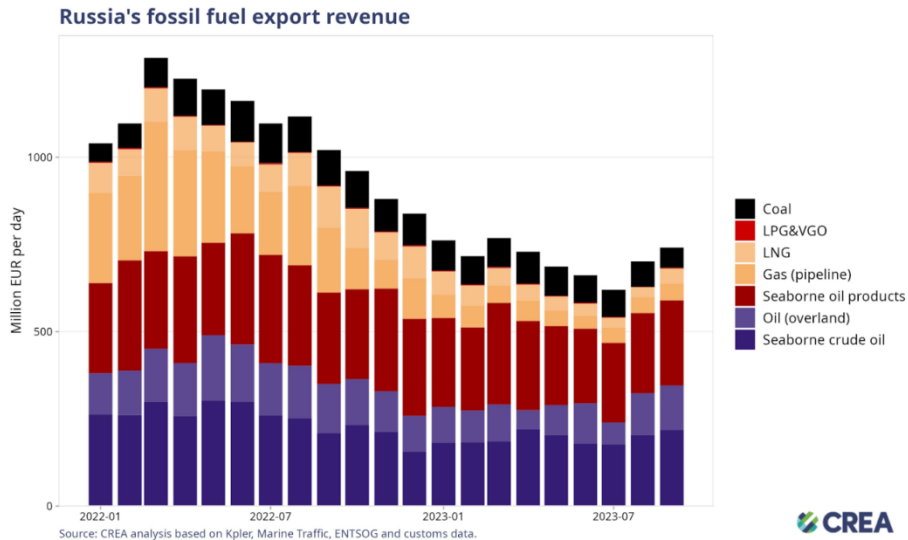
نمودار ۲. واردات ماهیانه گاز از روسیه به اتحادیه اروپا بر حسب میلیون متر مکعب

نمودار صفحه بعد نیز درصد واردات گاز و نفت خام توسط اتحادیه اروپا از روسیه در مقایسه با سایر کشورها و کاهش آن طی یک سال پس از جنگ را نشان می‌دهد.



نمودار ۳. مقایسه واردات ماهیانه نفت خام و گاز طبیعی اتحادیه از روسیه و سایر مناطق در ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳

چنان که در نمودار زیر مشاهده می‌شود، درآمد روسیه از صدور سوخت‌های فسیلی کاهش یافته است.



نمودار ۴. درآمد روسیه از صدور گونه‌های مختلف سوخت فسیلی

می‌توان گفت که اتحادیه اروپا در زمینه تحریم سوخت‌های فسیلی صادراتی روسیه بسیار با احتیاط عمل کرده و به دلیل وابستگی خود به این صادرات به صورت گام به گام کوشیده است تا



از یک سو، خود دچار بحران سوخت نشود و از سوی دیگر، درآمد روسیه از این ناحیه را کاهش بدهد. به همین دلیل شاید بتوان گفت که اروپا و سایر کشورهای غربی توفیق چندانی در این زمینه کسب نکرده‌اند و فقط ۲,۱ تا ۲,۵ درصد از تولید ناخالص ملی روسیه در اثر این تحریم‌ها کاسته شده است (European Council, October 12, 2023).

یکی از مسائلی که پس از تحریم نفتی و گاز روسیه توسط اتحادیه اروپا رخ داد این بود که برخی از کشورهای عضو اتحادیه کوشیدند تا برای تهیه نیازهای سوختی مبرم خود، نفت روسیه را از مسیرهای تحریم نشده، مثلاً از طریق کشورهای ثالث، وارد کنند. ورود تک تک کشورهای اتحادیه به مذاکره با روسیه در این مورد، سبب ایجاد اختلاف میان این کشورها و کاهش قدرت چانه‌زنی آن‌ها و نیز افزایش قیمت نفت روسیه شد. اتحادیه برای این که از یک سو، مانع بروز اختلاف میان اعضا در فرایند چانه زنی با روسیه شده، و از سوی دیگر، نیازهای سوختی خود را تأمین کند، در هشتمین بسته تحریمی خود سقفی را برای قیمت خرید نفت خام روسیه از طریق دول ثالث معین کرد که ۵ درصد کمتر از قیمت نفت در بازار است (Strupczewski and Abnett, December 2, 2022). بدین ترتیب، مسئله‌ای که می‌توانست سبب واگرایی در اتحادیه شود، همکاری میان اعضای آن را موجب شد.

اتحادیه اروپا همچنین برنامه‌هایی را برای پیگرد حقوقی روسیه در حمله به اوکراین دنبال کرده است. یکی از این موارد تاسیس «مرکز بین‌المللی پیگیری تجاوز به اوکراین»^۱ بوده است. این مرکز به کاوش، گردآوری، نگهداری و تحلیل اسناد و مدارک مربوط به جنایات جنگی در مناقشه روسیه و اوکراین پرداخته و زمینه را برای تشکیل دادگاه ویژه‌ای برای رسیدگی به آن‌ها، پس از جنگ، فراهم خواهد آورد (European Commission, October 8, 2023).

هرچند در میان کشور عضو اتحادیه اروپا تردیدهایی در مورد اعمال تحریم علیه روسیه پس از حمله به اوکراین وجود داشته است، اما اعضای اتحادیه نهایتاً درجه بالایی از همبستگی را در میان خود در مورد اعمال تحریم علیه روسیه نشان داده‌اند. این امر نشان می‌دهد که طبق نظریه نوکارکردگرایی، تسری همکاری میان اعضا به این حوزه از سیاست خارجی کشورهای عضو به آسانی صورت گرفته است.



۳-۱. اقدامات مشترک در حوزه امنیت دفاعی

تقریباً بلافاصله پس از حمله روسیه به اوکراین، کشورهای اروپایی تدابیر و برنامه‌های دفاعی ویژه‌ای را، چه به صورت دسته‌جمعی و چه انفرادی، تدارک دیدند. بودجه نظامی اکثر کشورهای اروپایی افزایش یافت. تقریباً همه کشورهای اروپایی، شامل آلمان، فرانسه، انگلستان، اسپانیا، هلند، بلژیک، ایتالیا، لهستان، لتونی، لیتوانی، استونی، نروژ، سوئد و فنلاند به طور وسیعی به تقویت و بازسازی نیروهای نظامی یا افزایش بودجه دفاعی خود پرداختند. اورسولا فون درلاین^۱، رئیس کمیسیون اروپا، اعلام کرد به سبب بروز جنگ اوکراین، اعضای اتحادیه اروپا ۲۰۰ میلیارد یورو اضافی برای هزینه‌های نظامی در سال‌های آینده اختصاص داده‌اند (مصطفی جوکار، ۱۴۰۱: ۷).

برنامه‌های دسته‌جمعی کشورهای اروپایی در وهله نخست در چارچوب ناتو دنبال شد. ناتو به‌عنوان محور همگرایی دفاعی کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، تقویت شد. سوئد و فنلاند سیاست بی‌طرفی را کنار گذاشته و متقاضی پیوستن به ناتو شدند. ناتو به تجدید سازمان دفاع جمعی خود پرداخت، ساختار فرماندهی‌اش را اصلاح کرد، برنامه‌های دفاع منطقه‌ای جدیدی را طراحی نمود و آمادگی رزمی نیروهایش را افزایش داد (Dempsey, May 25, 2023).

از سوی دیگر، اتحادیه اروپا نیز که اساساً اتحادیه اقتصادی است و وجوه دفاعی یا سیاست خارجی اندکی دارد، گام‌های بلندی به سمت همگرایی و همکاری دفاعی میان کشورهای عضو برداشته است. «اتحادیه اروپا تا پیش از جنگ ۲۰۲۲ اوکراین، به دلیل فقدان رویکرد امنیتی مستقل، تمرکز صرف آن بر راهبردهای قدرت نرم و نیز وابستگی به انرژی، نتوانسته [بود] تا مانع از نفوذ منطقه‌ای روسیه در شرق اروپا و دفع تهدیدات امنیتی از سوی آن شود و همواره تابعی از سیاست‌های نظامی-امنیتی ایالات متحده آمریکا بوده است.» با اقدام نظامی روسیه علیه اوکراین اکنون به نظر می‌رسد که «معادله امنیتی در شرق اروپا در آستانه یک تغییر اساسی قرار گرفته است و سران اتحادیه اروپا متحدتر از پیش به دنبال اتخاذ راهبرد قدرت جدید هوشمند در سیاست‌های این اتحادیه می‌باشند» (محمدی و عسگریان، ۱۴۰۱: ۹۰-۹۲).

پس از حمله روسیه، اتحادیه اروپا از یک سو به ارسال کمک‌های مالی و تسلیحاتی به اوکراین پرداخت؛ و از سوی دیگر، برنامه‌های مشترک چندی را برای تقویت توان نظامی خود تدارک دید. کمک‌های نظامی اتحادیه اروپا به اوکراین در قالب برنامه «ماموریت کمک نظامی

1. Ursula von der Leyen



اتحادیه اروپا^۱ و کمک‌های مالی آن برای تامین نیازهای نظامی اوکراین در قالب «تسهیلات صلح اروپا»^۲ ارائه شده‌اند (Dempsey, May 25, 2023).

والدیس دومبروفسکی^۳، معاون اجرایی کمیسیون اتحادیه اروپا در امور اقتصادی^۴، جنگ روسیه و اوکراین را مبین ضرورت پیوندهای قوی‌تر و مستحکم‌تر در زمینه امنیت و دفاع خواند و افزایش سرمایه‌گذاری بیشتر و هماهنگ‌تر در حوزه دفاع اروپایی را لازم دانست (مصطفی جوکار، ۱۴۰۱: ۵). امانوئل مکرون، رئیس جمهوری فرانسه، از این فراتر رفت و اظهار داشت که جنگ در اوکراین این فرصت را برای اروپاییان فراهم آورده است که قدرت امنیتی و دفاعی خود را طی آنچه او «استقلال استراتژیک» می‌خواند، تحقق بخشند (Dempsey, July 20, 2023). واقعیت آن است که در پی بحران اوکراین، نهادهای اتحادیه اروپا، مانند کمیسیون اروپایی، در مقیاس بالایی درگیر امور دفاعی شده‌اند، بسیار فراتر از آنچه برنامه «بودجه دفاعی اروپا»^۵ طالب آن است (Dempsey, May 25, 2023).

دیک زندی^۶ و آجا استوتمن^۷ رئیس و پژوهشگر واحد امنیت در انستیتوی هلندی روابط بین‌الملل^۸ معتقدند حمله روسیه به اوکراین تأثیرات خود را بر ساختار امنیت در اروپا خواهد نهاد و اهمیت دفاع جمعی را که در قالب ناتو سازمان یافته است دوچندان خواهد کرد. از سوی دیگر، این حمله اراده سیاسی اروپاییان را برای گسترش کارکرد دفاعی و امنیتی اتحادیه و تشدید تلاش‌ها در راستای «سیاست مشترک امنیتی و دفاعی اتحادیه اروپا» (CSDP) تقویت کرد. آن‌ها تأکید می‌ورزند که ماهیت ترکیبی تهدیدات جدید مانند روسیه کنونی، مستلزم توجه به هر دو نوع مولفه نظامی و مدنی است. توجه کنونی اتحادیه به تهدیدات امنیتی از ناحیه شرق نباید آن را از بی‌ثباتی‌های موجود در همسایگان جنوبی آن غافل سازد. سرمایه‌گذاری برای افزایش قابلیت‌های دفاعی مانند تجهیزات نظامی و مهمات و مدرنیزه کردن تسلیحات کشورهای عضو یکی دیگر از ضرورت‌هایی است که از آن غفلت شده است. اتحادیه باید بر افزایش بودجه دفاعی و امنیتی و نیز آموزش نیروهای مسلح خود و ایجاد آمادگی در آن‌ها برای مواجهه با تهدیدات

1. EU Military Assistance Mission (EUMAM)
2. European Peace Facility
3. Valdis Dombrovskis
4. European Commission Executive Vice-President
5. European Defence Fund
6. Dick Zandee
7. Adája Stoetman
8. Clingendael: Netherlands Institute of International Relations

مشابه همت گمارد. به طور مشخص این پژوهشگران از هلند می‌خواهند که فرانسه و آلمان را به گشودن برنامه مدرن سازی تانک‌های خود^۱ به روی سایر کشورهای اتحادیه و تقویت برنامه «پایه صنعتی و تکنولوژیک دفاع اروپایی»^۲ ترغیب نموده، و نیز شرکای خود در اتحادیه را به بازسازی دفاعی اوکراین پس از جنگ در قالب سیاست مشترک امنیتی و دفاعی (CSDP) تشویق کنند (Zandee and Stoetman, 2023).

حمله روسیه به اوکراین نشان داد که کم توجهی به همگرایی امنیتی و سرریز نشدن همکاری‌ها از حوزه اقتصادی به حوزه امنیتی و دفاعی می‌تواند برای اتحادیه اروپا خطرناک باشد و آن را در معرض تهدید رقبای منطقه‌ای یا جهانی قرار دهد. بدین ترتیب، بحران اوکراین توجه اتحادیه اروپا را به برنامه‌های مشترک نظامی و دفاعی معطوف ساخت. گسترش همکاری کشورهای اروپایی به سمت امور دفاعی و امنیتی با نوکارکردگاری، که به‌عنوان چارچوب نظری این پژوهش است قابل تبیین است. رویکرد مزبور همکاری‌های سودمند و کارکردی میان کشورها را موتور محرکه همگرایی می‌داند. در مارس ۲۰۲۲، اتحادیه روی برنامه‌ای با عنوان «قطب نمای استراتژیک» به منظور تقویت سیاست امنیتی و دفاعی مشترک تا سال ۲۰۳۰ به توافق رسید. این برنامه از دو سال قبل در دست بررسی بود، اما بحران اوکراین سبب تسریع رسیدگی به آن شد. ایجاد یک نیروی واکنش سریع پنج هزار نفری بخشی از این برنامه است. بدین ترتیب اتحادیه اروپا خواهد توانست به مثابه یک بازیگر نظامی در عرصه بین‌المللی ایفای نقش کند (مصطفی جوکار، ۱۴۰۱: ۸-۹). بر این اساس، گفته شده که بحران اوکراین سبب همگرایی بیشتر در اتحادیه اروپا شده است: «بحران اوکراین و پیامدهای چندمنظوره آن برای معماری امنیتی اروپا، کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا را به سمت تغییر در رویکرد نظامی و تقویت حوزه دفاعی خود سوق داد. وقتی درک مشترکی از تهدید وجود دارد، مفهوم دفاع اروپا مشخص و مؤثر می‌شود و به نظر می‌رسد اکنون اروپا به درکی مشترک از تهدید رسیده و درصدد تقویت توان نظامی خود برآمده است» (مصطفی جوکار، ۱۴۰۱، ۱۴).

۱. موسوم به Main Ground Combat System

2. European Defence Technological and Industrial Base

هدف از این برنامه گسترش همکاری میان کشورهای عضو به منظور اجتناب از دوباره کاری در زمینه تجهیزات نظامی و امکان کاربست این تجهیزات توسط یکدیگر است.



با همه تلاش‌های اتحادیه اروپا برای ایفای نقشی نظامی در جنگ اوکراین، گفته می‌شود که این جنگ سبب اتکای بیشتر اروپاییان به ناتو (به رهبری آمریکا) شده است. پژوهشگران بنیاد هریتیج^۱ با این ادعا که حمله روسیه به اوکراین مشخص کرد روسیه تهدید اصلی برای امنیت اروپاست، می‌نویسند: تلاش‌های مکرر آمریکا برای واگذار کردن تأمین صلح در اروپا به خود اروپائیان، خطا بوده است، چنان که عدم پایداری اروپائیان به انجام تعهداتشان در تأمین مالی ناتو و مطرح کردن مترسک «ارتش اتحادیه اروپا» و دل‌بستگی‌شان به چندجانبه‌گرایی موهوم زمینه را برای حمله روسیه فراهم آورد. با تهاجم روسیه به اوکراین، امروزه چالشی بزرگ در برابر غرب خودنمایی می‌کند. این پژوهشگران معتقدند مسئله امنیت اروپا بزرگ‌تر از آن است که فقط به خود اروپائیان سپرده شود. آمریکا و متحدان اروپایی‌اش باید سیاست‌های اشتباه پیشین خود را اصلاح کنند و متحداً بنیادی را برای استقرار امنیت در اروپا فراهم آوردند (Bromund and Kochis, April 7, 2022). همین مولفان در مقاله دیگری می‌نویسند: «ناتو باید برنامه‌های نظامی منطقه‌ای خود را، که اعضای اروپایی‌اش به حمایت سیاسی، مالی و نظامی از آن‌ها می‌پردازند، عملی سازد... آمریکا باید با جدیت برنامه‌ای را در اروپا برای مقابله با تهدیدات مشترک چین و روسیه دنبال کند و از تمام توان جامعه دوسوی آتلانتیک بهره جوید (Bromund and Kochis, July 7, 2023).

کارل هینز کمپ^۲، نماینده ویژه سابق مدیرکل سیاسی وزارت دفاع آلمان، نیز می‌گوید: بحران اوکراین، یک بار و برای همیشه، به بحث طولانی اما بیهوده «استقلال استراتژیک» اروپا خاتمه بخشید و برنامه کلان «اتحادیه دفاعی» برای همیشه دفن شد، زیرا هیچ کشوری، حتی فرانسه، حاضر به تأمین بودجه آن نیست. کشورهای اروپای شرقی این توهم را کنار گذاشته‌اند، زیرا یک اتحادیه اروپایی تحت رهبری فرانسه و آلمان، که از نظر دفاعی «مستقل» از آمریکا باشد، آخرین چیزی است که طالب آنند. «برلین هم دارد بتدریج این نکته را درک می‌کند، ولی درک آن برای پاریس ممکن است زمان بیشتری ببرد» (Dempsey, May 25, 2023). واقعیت آن است که جنگ اوکراین هرچند موجب برخی همگرایی‌ها در حوزه دفاعی و امنیتی شده، اما سبب نشده است که اتحادیه قدم جدی و مهمی در مسیر سیاست خارجی و امنیتی مشترک بردارد (Dempsey, July 20, 2023).

1. The Heritage Foundation

2. Karl-Heinz Kampformer Special Envoy to The Political Director In The German Ministry Of Defence

جمع‌بندی تاثیر جنگ روسیه و اوکراین بر همگرایی اروپا در حوزه دفاعی و امنیتی، را در پاسخ‌هایی می‌توان دید که نخبگان سیاسی و امنیت اروپا و آمریکا به این پرسش یکی از پژوهشگران بنیاد کارنگی^۱ داده‌اند که آیا اوکراین در زمینه دفاعی اروپا، بازی را تغییر داده است؟ تقریباً تمامی پاسخ‌دهندگان گفته‌اند از زمان حمله روسیه به اوکراین، اعضا و نهادهای اتحادیه اروپا مسئله دفاع را جدی‌تر گرفته‌اند. با این حال، امنیت اروپا همچنان به ناتو و ایالات متحده آمریکا وابسته است. در پی بحران اوکراین، آمریکا و به ویژه اروپا به بازبینی برنامه‌ها، استراتژی و بودجه دفاعی خود پرداخته‌اند (Dempsey, May 25, 2023).

سیاست‌ها و تصمیمات کشورهای اتحادیه اروپا مشخص می‌کند که هرچند این کشورها مایلند تا همکاری‌های خود را به حوزه امنیتی و دفاعی نیز گسترش دهند، اما در راستای منطق نوکارکردگرایی، اعتماد بسیار بیشتری به ناتو دارند که فلسفه وجود آن دفاعی بوده و سابقه‌ای هفتاد ساله در این زمینه دارد.

۴-۱. پذیرش نامزدی اوکراین برای عضویت در اتحادیه اروپا

اوکراین تنها چهار روز پس از حمله تمام عیار روسیه تقاضای عضویت خود در اتحادیه اروپا را رسماً ارسال کرد و این تقاضا در ۲۳ ژوئن ۲۰۲۲ با رای همه اعضا در شورای اروپا مورد تایید قرار گرفت (European Council, June 23, 2022). پت کاکس^۲، رئیس سابق پارلمان اروپایی، در وب سایت انستیتوی امور بین‌المللی و اروپایی^۳ می‌نویسد: جنگ پوتین علیه اوکراین مناقشه را به قاره اروپا بازگردانید و اکنون در کنار چالش سنگین چگونگی خاتمه جنگ، وظیفه برقراری صلح عادلانه و پایدار از اهمیت برخوردار است. او معتقد است منافع اتحادیه اروپا و اوکراین به هم گره خورده‌اند. اگر حاصل جنگ یک اوکراین فقیر، منزوی و درگیر کشمکشی حل نشده باشد منبعی برای بی‌ثباتی خواهد آفرید. چنین وضعیتی نه به سود اوکراین خواهد بود و نه به سود اتحادیه اروپا یا اعضای شرقی آن که در خط مقدم قرار دارند. تمایل اوکراین به پیوستن به اتحادیه از اهمیتی استراتژیک برای اتحادیه برخوردار است و البته چالش‌های خود را نیز به همراه دارد. اوکراین کشوری بزرگ و عمدتاً کشاورزی است که در مقایسه با سایر کشورهای اتحادیه فقیر به

1. Carnegie Endowment for International Peace

2. Pat Cox

3. The Institute of International & European Affairs



شمار می‌آید. بنابراین، باید میان تمایل اوکراین به الحاق سریع به اتحادیه و ضرورت پیوستن صحیح به اتحادیه تعادلی برقرار شود (Cox, 2023).

پذیرش نامزدی اوکراین برای عضویت در اتحادیه اروپا و آغاز فرایند بررسی مربوط به عضویت آن که با انتقاد فقط یک عضو این اتحادیه، یعنی مجارستان مواجه بوده است دال بر هم‌نظری کشورهای عضو در این زمینه است. این در حالی است که برخی کشورها مانند ترکیه سال‌هاست پشت درهای بسته اتحادیه منتظرند.

۵-۱. واگرایی و تنش میان اوکراین و همسایگان غربی‌اش در اتحادیه اروپا

با طولانی شدن جنگ، به تدریج نشانه‌هایی از واگرایی نیز در اتحادیه اروپا دیدار شده‌اند. این امر در تنش میان اوکراین و همسایگان غربی‌اش که عضو اتحادیه‌اند، قابل مشاهده است. متعاقب انقضای مجوز یک ساله روسیه برای صادرات غلات اوکراین از طریق دریا، در اتحادیه اروپا این ایده مطرح شد که امتیاز تجاری یک‌جانبه اتحادیه به اوکراین مبنی بر برداشتن همه تعرفه‌های گمرکی، سهمیه‌بندی‌ها و موانع تجاری در برابر صادرات این کشور (ATMs) برای یک سال دیگر تمدید شود. اما این ایده بلافاصله با مخالفت جناح شرقی اتحادیه، یعنی اسلواکی، مجارستان و به‌ویژه لهستان مواجه شد که از سرازیر شدن محصولات کشاورزی ارزان اوکراین به کشورشان و نتیجتاً زیان وارده به کشاورزان خود ناراضی بودند. لهستان بیش از دو کشور دیگر به اعتراض برخاست و همین سبب تنش لفظی با رئیس‌جمهور اوکراین شد. با وساطت اتحادیه، اوکراین متعهد شده است که از سرریز غلات خود به این کشورها ممانعت به عمل آورد و کشورهای مزبور متقابلاً امکان عبور محموله‌های غلات اوکراین از کشور خود را بدهند. بدین ترتیب مناقشه مزبور فعلاً حل شده است، اما نشان‌دهنده تنش‌هایی است که در صورت تداوم بحران اوکراین ممکن است درون اتحادیه اروپا بروز یابد (Grove and Norman, 2023).

یکی از پژوهشگران بنیاد کارنگی در باره اختلافات لهستان و اوکراین معتقد است که یک جنبه از اختلافات تاریخی دو کشور به عملیات پاکسازی قومی لهستانی‌ها توسط ارتش اوکراین در حمایت از آلمان نازی در جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد. نویسنده علت اختلافات میان دو کشور را به تصمیم اتحادیه در سال ۲۰۲۲ برای گشودن بازار داخلی خود بر غلات اوکراین بدون هیچ‌گونه تعرفه گمرکی می‌داند. چنین اقدامی تا پیش از این برای هیچ کشور غیرعضو اتحادیه سابقه نداشت. با اعتراض کشورهای همسایه اوکراین، یعنی لهستان، بلغارستان، اسلواکی، مجارستان و رومانی، که کشاورزان‌شان از ورود غلات ارزان اوکراینی متضرر شده بودند، اتحادیه

ورود بیشتر غلات اوکراینی را ممنوع کرد. اما در پی مسدود کردن مسیر صدور غلات اوکراین توسط روسیه در اواسط جولای ۲۰۲۲، اتحادیه در ۱۵ سپتامبر همان سال ممنوعیت مزبور را برداشت. کشورهای یادشده به اعتراض برخاستند و به صورت یکجانبه ممنوعیت را اعمال کردند که سبب اعتراض اوکراین شد. رومانی و بلغارستان از طریق توافق‌های دوجانبه با اوکراین، مسئله را حل کردند، اما در لهستان که مواجه با انتخاباتی قریب الوقوع بود، هم دولت و هم احزاب مخالف هر دو بر ادامه ممنوعیت ورود غلات اوکراین پای فشرده‌اند. سخنرانی ولادیمیر زلنسکی در سازمان ملل که تلویحاً لهستان را به همدستی با روس‌ها متهم می‌کرد، شرایط را بدتر کرد. رئیس‌جمهور لهستان این سخنان را اهانت تلقی کرده و احزاب اپوزیسیون آن را احمقانه خواندند (Konończuk, 2023).

با این حال، به اعتقاد نویسنده بنیاد کارنگی، لهستان و اوکراین علی‌رغم تنش‌های موجود راهی جز همکاری با هم ندارند و قرابت‌های آن‌ها زمینه غلبه بر اختلافات کنونی را فراهم می‌آورد. به گفته نویسنده، لهستانی‌ها در یک سال و نیم اخیر ۲,۳ میلیون پناهنده اوکراینی را در کشور خود اسکان داده و کمک‌های نظامی و غیرنظامی فراوانی بالغ بر ۲۰,۷ میلیارد دلار به این کشور کرده‌اند که ۳,۲ درصد تولید ناخالص ملی این کشور را شامل می‌شود. از این مقدار دست‌کم ۳,۱ میلیارد دلار آن کمک‌های نظامی، شامل ۳۴۰ تانک تی ۷۲ و لئوپارد، ۷۰ عراده توپ، ۱۰۰ نفربر، ۱۴ هواپیمای میگ ۲۹ و ۱۲ هلیکوپتر جنگی و ده‌ها تن مهمات بوده است. امنیت پایه روابط اوکراین و لهستان را تشکیل می‌دهد و از همین رو، هرگونه تغییر استراتژیک، به خصوص به دلیل جنگ جاری، در آن غیرمحمتمل است. طبق نظرسنجی‌های موجود، ۹۴ درصد اوکراینی‌ها لهستان را یک کشور دوست می‌دانند و نیز ۷۲ درصد لهستانی‌ها اوکراینی‌ها را دوست می‌دارند، در حالی که این رقم در میان آلمانی‌ها و رومانیایی‌ها به ترتیب ۴۹ و ۵۵ درصد است (Konończuk, 2023).

در اسلواکی نیز طی انتخابات پارلمانی در ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۳، حزب چپ‌گرای اسمر^۱، که متعهد شده بود حمایت نظامی از اوکراین را فوراً متوقف سازد، با کسب ۲۴ درصد آرا در انتخابات این کشور در صدر قرار گرفت. در مقابل، حزب لیبرال حاکم تنها ۱۸ درصد از آرا را از آن خود ساخت. در دوران حکومت این حزب، اسلواکی با ارسال سلاح، از جمله جت‌های جنگنده میگ ۲۹ و سامانه دفاع هوایی اس ۳۳۰ و نیز پناه دادن به آوارگان به حمایت جدی از اوکراین پرداخته

1. Smer-SMER – slovenská sociálna demokracia (Smer-SSD)



بود. روبرت فیتسو^۱، رئیس حزب اسمر، تورم ۱۲ درصدی سال گذشته و افزایش بی‌سابقه بهای سوخت در اسلواکی را به این کمک‌ها نسبت می‌دهد (Smith, 2023). او همچنین با اعمال تحریم علیه روسیه مخالفت کرده و معتقد است آمریکا و اتحادیه اروپا به جای ارسال سلاح به اوکراین باید بر کی‌یف و مسکو اعمال نفوذ کنند تا به مصالحه دست یابند. اسلواکی هم عضو اتحادیه اروپا و هم عضو ناتو است و پیروزی حزب اسمر خطر ایجاد شکاف در این دو نهاد در قبال بحران اوکراین را مطرح می‌سازد (Bellamy, 2023).

لنا کوژکو^۲، پژوهشگر گروه انگلیج^۳ می‌نویسد مهاجرت و جنگ اوکراین دو موضوع مهم در مناظرات انتخاباتی اسلواکی بودند. حزب حاکم ته‌اجم روسیه به اوکراین را نقض حقوق بین‌الملل و مخاطره‌آمیز برای اسلواکی دانسته و سقوط اوکراین را تهدیدی برای ثبات، امنیت و آینده اقتصادی این کشور اعلام می‌کرد. از سوی دیگر، احزاب ناسیونالیستی که با حزب اسمر متحدند، جنگ اوکراین را جنگ خود نمی‌دانند و غرب را به سبب بی‌توجهی نسبت به علائق امنیتی روسیه و برانگیختن این کشور مقصر می‌شمارند. نظرسنجی GLOBSEC Trends 2023 نشان می‌دهند که فقط ۴۰ درصد اسلواک‌ها، روسیه را عامل بروز جنگ می‌دانند؛ ۳۴ درصد غرب را در تحریک روسیه مقصر دانسته و ۱۷ درصد اوکراین را به دلیل سرکوب اقلیت روس زبان مقصر می‌دانند. نظرسنجی «فشارسنج اروپا»^۴ ماه جون ۲۰۲۳ نشان دادند که ۵۴ درصد اسلواک‌ها روسیه را تهدیدی امنیتی برای کشورشان می‌دانند؛ ۵۴ درصد موافق با اعطای کمک‌های مالی به اوکراین هستند و ۴۵ درصد موافق پیوستن آن به اتحادیه اروپا می‌باشند. در همه این ارقام، جانبداری افکار عمومی اسلواکی از اوکراین خیلی پایین‌تر از متوسط نظرات جمعیت در اتحادیه یا حتی بخش مرکزی و شرقی اروپاست. اگر حزب برنده بر نظرات خود در مورد جنگ اوکراین تأکید ورزد، و از تاکتیک‌هایی مانند وتو کردن یا طولانی کردن مذاکرات بهره جوید، اتحادیه اروپا و ناتو نخواهند توانست موضع متحدی در قبال جنگ روسیه و اوکراین اتخاذ کنند. از ابتدای جنگ روسیه و

1. Robert Fico
2. Alena Kudzko
3. ENGAGE

پروژه‌ای است که چالش‌های موجود در برابر حکمرانی جهانی و اقدامات خارجی اتحادیه اروپا را بررسی می‌کند. کنسرسیومی متشکل از سیزده موسسه دانشگاهی و اتاق‌های فکر می‌کوشند تا توانایی اتحادیه در استفاده از ابزارهای سیاست خارجی را بررسی کرده و راه‌های تقویت قدرت اتحادیه به عنوان یک بازیگر جهانی را مشخص کند.

4. Eurobarometer

اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ تا کنون، نرخ کسانی که روسیه را مقصر در آغاز جنگ می‌دانستند از ۵۱ درصد به ۴۰ درصد و میزان حمایت از عضویت در ناتو از ۷۲ درصد به ۵۸ درصد و نیز حمایت از عضویت در اتحادیه اروپا از ۷۷ درصد به ۶۴ درصد رسیده است. همه این موارد نشان می‌دهند که تغییر جهت افکار عمومی در اسلواکی است (Kudzko, 2023).

از سوی دیگر، در نوامبر ۲۰۲۳، ویکتور اوربان^۱، نخست وزیر مجارستان، با ارسال نامه‌ای برای رئیس شورای اروپایی اعلام کرده است که از آغاز مذاکرات اتحادیه با اوکراین برای عضویت این کشور حمایت نمی‌کند و آن کشور را «سال‌های نوری» از معیارهای لازم برای عضویت در اتحادیه دور می‌بیند. نامه اوربان دارای این پیام است که کشورش ممکن عضویت اوکراین در اتحادیه را وتو کند. او به طور مشخص متعرض استراتژی اتحادیه در قبال جنگ اوکراین شده و می‌نویسد: «شورای اروپایی باید بحث صریح و شفاف در باره امکان تحقق اهداف استراتژیک خود در اوکراین داشته باشد... آیا ما هنوز این اهداف را واقع‌بینانه می‌دانیم؟ آیا این استراتژی بدون حمایت قاطع آمریکا قابل دوام است؟» (Vinocur, November 22, 2023). این موارد نشان‌دهنده آن است که تداوم جنگ بحران قابلیت ایجاد شکاف میان متحدان اروپایی را دارد. نکته آن است که در بحران اوکراین، برخی از کشورهای اتحادیه بیشتر بر اساس نفع و زیان خاص خود عمل کردند تا بر اساس اقتضات همبستگی اروپایی (Anghel and Jones, 2023). به سخن دیگر، از نظر بیشتر اعضای اتحادیه، دفاع و امنیت همچنان باید در حیطه حاکمیت کشورها بوده و نهادهای فوق دولتی اتحادیه (مانند کمیسیون اروپایی) نقش محدودی در آن بازی کنند (Fiott, 2023).

بروز تنش میان اوکراین و همسایگان غربی‌اش بر سر مسئله صدور غلات، در صورت تداوم می‌تواند همگرایی اروپایی را مخدوش کند و طولانی شدن جنگ این احتمال را افزایش می‌بخشد. طبق نظریه نوکارکردگرایی این احتمال زمانی قوت خواهد یافت که زبان‌های ناشی از تداوم جنگ مزبور بر منافع کارکردی همگرایی غلبه یابند، امری که در شرایط کنونی چندان محتمل الوقوع نیست.

1. Viktor Orbán

نتیجه‌گیری

شوک حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ سبب تشدید همبستگی میان کشورهای غربی و به‌ویژه در سطح اروپا شد. برای نمونه کشورهایمانند سوئد و به‌ویژه فنلاند که برای دهه‌های طولانی، سیاست بی‌طرفی را پیشه کرده بودند، متقاضی پیوستن به ناتو شدند. از سوی دیگر، روند همگرایی اروپایی که در پی خروج بریتانیا و بروز تمایلات اروپاگریزانه در برخی دیگر از کشورهای این اتحادیه تضعیف شده بود، یک بار دیگر قوت گرفت. اعضای اتحادیه به تحریم یکپارچه روسیه مبادرت ورزیدند و زمانی که این کشور کوشید تا با اهرم صادرات سوخت‌های فسیلی (نفت و گاز) در میان آن‌ها شکاف ایجاد کند با اتخاذ سیاستی یکپارچه با برنامه روسیه مقابله کردند. آن‌ها یکپارچه به کمک اوکراین آمدند و بسته‌های کمک‌های مالی، نظامی و تسلیحاتی در اختیار این کشور گذارند و آوارگان اوکراینی را چه در کشور خود و چه در کشورهای اتحادیه مورد حمایت ویژه قرار دادند. تا پیش از بحران اوکراین، اتحادیه اروپا برنامه‌های دفاعی و امنیتی مشترک محدودی را آن هم با تاخیر و تردید بسیار دنبال می‌کرد. بحران مزبور سبب شد که اتحادیه با جدیت بیشتری به این برنامه‌ها توجه کند. تسری همکاری کشورهای اروپایی از حوزه اقتصادی به حوزه دفاعی و امنیتی با «نظریه نوکارکردگرایی»، که به‌عنوان چارچوب نظری این پژوهش انتخاب شده است و همکاری‌های سودآور میان کشورها را اساس همگرایی می‌داند، قابل تبیین است. کشورهای اروپایی که مدت‌ها از منافع همگرایی اقتصادی بهره برده بودند، در مواجهه با تصویر یک تهدید مشترک بر آن شدند که همگرایی میان خود را جنبه‌ای دیگر ببخشند و آن را به حوزه امنیت دفاعی نیز گسترش دهند. با این حال، متعاقب حمله روسیه به اوکراین، بخش عمده همگرایی امنیتی و دفاعی کشورهای اروپایی در قالب ناتو بروز یافته است. علی‌رغم جدیت اتحادیه اروپا برای پیگیری برنامه‌های امنیتی و دفاعی مشترک، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های آن در مقایسه با ناتو هنوز ناچیز است و کمتر کشورهای اروپایی آن را جایگزینی برای ناتو می‌شمارد.

در عین حال، جنگ روسیه و اوکراین موجب بروز مناقشاتی در داخل اتحادیه اروپا نیز شده است. اولین مناقشه در زمینه انرژی و نیاز اروپاییان به نفت و گاز روسیه ظاهر شد و دومین مناقشه میان اوکراین و همسایگان غربی‌اش در اتحادیه، یعنی لهستان، اسلواکی و مجارستان، بر سر عبور غلات صادراتی اوکراین از خاک این کشورها به سمت سایر کشورهای عضو اتحادیه بروز یافت. اتحادیه توانست این مناقشات را تا حدی مدیریت کند، اما مناقشه لفظی شدید رهبران



لهستان و اوکراین، کسب اکثریت نسبی آراء توسط حزب هوادار روسیه در انتخابات اسلواکی و مخالفت مجارستان با کاندیداتوری اوکراین جهت عضویت در اتحادیه نشان می‌دهد. استمرار جنگ اوکراین می‌تواند زمینه‌ساز بروز واگرایی‌های جدی در اتحادیه اروپا شود. نوکارکردگرایی مبین آن است که اگر به سبب بحران اوکراین، اعضای اتحادیه اروپا، به صورت انفرادی یا گروهی، همکاری در یک یا چند زمینه، مانند سیاست تجاری یا مهاجرتی را به زیان خود یابند، اتحادیه با احتمال واگرایی در حوزه سیاست خارجی و امنیتی مواجه می‌شود. فرسایشی شدن جنگ روسیه و اوکراین حتی اگر به چنین وضعیتی منجر شود سبب گسترش دامنه واگرایی به سایر حوزه‌ها نخواهد شد.

پیشنهاد‌های کاربردی و رسانه‌ای

- بررسی‌ها و تجزیه و تحلیل‌های مربوط به چگونگی تاثیرگذاری بحران اوکراین بر فرایند همگرایی و واگرایی اروپایی پیشنهاد‌های زیر را در حوزه فعالیت‌های رسانه‌ای قابل طرح می‌سازند:
- در مواردی که سیاست خارجی و به ویژه سیاست خاورمیانه‌ای (غرب آسیا) اتحادیه اروپا نقد می‌شود، اگر آن سیاست به سابقه استعماری یا مداخله‌گری کشورهای اروپایی در بحران غرب آسیا (خاورمیانه) مرتبط باشد، لازم است که این سوابق یادآوری شوند.
 - در مورد رویدادهای ناشی از جنگ اوکراین و روسیه، تفاوت غیرقابل توجیه سیاست اتحادیه در قبال اشغال‌گری روسیه در اوکراین و اشغال‌گری رژیم اسرائیل در فلسطین بیان شود.
 - در اخبار، گزارش‌ها و تحلیل‌های مربوطه به اتحادیه اروپا، جز در مواردی که اتحادیه موضع صریحی علیه ایران و منافع کشورمان اتخاذ کرده است، ضرورت ندارد که شبکه‌های برون مرزی صداوسیما تصویری تحقیرآمیز و منفی، فراتر از آنچه به واقع در اتحادیه جریان دارد، ارائه کنند.
 - باید توجه داشت که اتحادیه اروپا در مجموع تصویری منفی نزد جهانیان ندارد و احتمالاً برخی از مخاطبان برون مرزی صداوسیما نیز چنین تصویری از اتحادیه ندارند.
 - جهت‌گیری مثبت به نفع اتحادیه اروپا نیز ضرورت ندارد، چرا که در مجموع، اتحادیه سیاست دوستانه‌ای در قبال ایران دنبال نمی‌کند.
 - در بحث‌های مربوط به اتحادیه اروپا، برگزیت و سایر موارد اروپاگرایی در داخل اتحادیه مورد توجه قرار گیرد.



- تفاوت غیرقابل توجه سیاست اتحادیه در قبال اشغال‌گری روسیه در اوکراین و اشغال‌گری رژیم اسرائیل در فلسطین بیان شود.
- دوگانگی‌های موجود در سیاست اتحادیه در قبال کشتار غیرنظامیان اوکراینی توسط روسیه و کشتار غیرنظامیان فلسطینی توسط رژیم صهیونیستی بیان شود.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

- سناریوهای مختلف چگونگی ادامه یا خاتمه جنگ روسیه و اوکراین ترسیم شده و تأثیرات هر یک بر وضعیت اروپا در ابعاد امنیتی، اقتصادی و مهاجرت بررسی شود و نهایتاً مشخص گردد که هر کدام به تفکیک چه تأثیراتی بر همبستگی یا انشقاق در میان کشورهای اروپایی خواهند داشت.
- تأثیرات سناریوهای مختلف خاتمه جنگ بر نظام بین‌الملل و نیز معادلات قدرت در خاورمیانه مورد بررسی قرار گیرد. وضعیت‌های احتمالی اروپا می‌تواند به‌عنوان متغیر میانجی که خود سبب تغییراتی در نظام بین‌المللی و منطقه‌ای خواهد شد در نظر گرفته شود.
- جنگ روسیه و اوکراین تأثیرات فوری‌تری بر منطقه قفقاز و از جمله جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان خواهد گذاشت. ارمنستان از هم‌اکنون، از جمهوری آذربایجان، در جهت دوری از روسیه و نزدیکی به اروپا حرکت می‌کند. کاوش پیامدهای احتمالی چنین وضعیتی برای سیاست همسایگی ایران در منطقه قفقاز حائز اهمیت بسیار است.

منابع و مأخذ منابع فارسی

- ایمان، محمد تقی (۱۳۹۱). روش‌شناسی تحقیقات کیفی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۴). آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی، تهران: نگاه معاصر.
- بهرامی نصر، بهروز (۱۴۰۲). علل جنگ روسیه و اوکراین (۲۰۲۲) و پیامدهای بین‌المللی آن. *مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، ۹(۳)، ۴۱-۱۸.
- بهمن، شعیب (۱۴۰۱). بحران اوکراین و تاثیر تحریم‌ها بر کشمکش روسیه و غرب. *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ۹۰، ۱۳۵-۱۵۴.
- جکسون، رابرت و سورنسون، گئورگ (۱۳۹۴). درآمدی بر روابط بین‌الملل (ترجمه حسن سعید کلاهی خیابان، احمد تقی‌زاده و مهدی ذاکریان). تهران: نشر میزان.
- دانش، افسانه و تقوی، سید محمدعلی (۱۴۰۰). بریتانیا عرصه‌ای برای اروپاگریزی؛ مطالعه موردی برگزیت. *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، سال ۱۱ (۲)، ۷-۴۰.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۰). اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: سمت.
- کریمی فرد، حسین (۱۴۰۱). هویت و ژئوپولیتیک؛ شرق‌گرایی و غرب‌گرایی در سیاست خارجی اوکراین. *فصلنامه سیاست خارجی*، ۳۶ (۳)، ۱۸۱-۲۰۲.
- کلانتری، فتح‌الله و محمدی منفرد، حسن (۱۴۰۲). نتایج جنگ روسیه و اوکراین در شکل‌گیری نظم نوین جهانی. *مطالعات دفاعی استراتژیک*، ۹۲، ۱۸۷-۲۱۰.
- محمدی، محمد صادق و عسگریان، عباسقلی (۱۴۰۱). راهبرد قدرت هوشمند سیاست خارجی اتحادیه اروپا مقابل روسیه. *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۲۸ (۱۱۹)، ۸۹-۱۲۴.
- مددی، جواد (۱۴۰۱). جنگ اوکراین و تاثیر سیاست‌های ناتو بر آن. *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ۹۱، ۱۳۳-۱۵۴.
- مصطفی جوکار، فرزانه (۱۴۰۱). بحران اوکراین و اولویت‌یابی حوزه دفاع و امنیت در اروپا. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش ۱۸۳۲۱.
- نوروزی، پژمان، هاللات، عماد و مقومی، امیررضا (۱۴۰۱). واکاوی جنگ روسیه و اوکراین از منظر امنیت هستی‌شناختی. *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۱۲۰، ۱۱۳-۱۳۵.
- وطنی، مهرداد و استوار، مجید (۱۴۰۲). بحران اوکراین در پرتو هژمونی‌گرایی لیبرال آمریکا. *سیاست جهانی*، ۴۴، ۹۳-۱۲۴.

منابع انگلیسی

- Alexandrescu, Mihai (2007). David Mitrany: From Federalism to Functionalism. *Transylvanian Review*, vol. Xvi, no. 1, pp. 20-33.
- Anghel, Veronica and Jones, Erik (2023). Is Europe really forged through crisis? Pandemic EU and the Russia – Ukraine war. *Journal of European Public Policy*, 30(4), 766-786.
- Bellamy, Daniel (2023/10/01). Pro-Russian party wins Slovakia's election, but not outright. *Euronews*, available at: <https://www.euronews.com/2023/10/01/pro-russian-party-wins-slovakias-election-but-not-outright>
- Bromund, Ted and Kochis, Daniel (April 7, 2022). The Top Five U.S. Priorities for European Policy After Russia's Invasion of Ukraine. *The Heritage Foundation*, available at: <https://www.heritage.org/europe/report/the-top-five-us-priorities-european-policy-after-russias-invasion-ukraine>
- Bromund, Ted and Kochis, Daniel (July 7, 2023). Ahead of 2023 NATO Summit, U.S. Policy in Europe Must Advance Prosperity and Security. *The Heritage Foundation*, available at: <https://www.heritage.org/europe/report/ahead-2023-nato-summit-us-policy-europe-must-advance-prosperity-and-security>
- Cox, Pat (2023). Reflections on Russia's Invasion of Ukraine: One Year On. *The Institute of International & European Affairs*, available at: <https://www.iiea.com/publications/reflections-on-russias-invasion-of-ukraine-one-year-on>
- Dempsey, Judy (2022). Judy Asks: Is Migration Europe's Achilles Heel? *Carnegie Europe*, available at: <https://carnegieeurope.eu/strategieurope/88486>
- Dempsey, Judy (July 20, 2023). Ukraine Has Not Transformed EU Foreign Policy. *Carnegie Europe*, available at: <https://carnegieeurope.eu/strategieurope/90234>
- Dempsey, Judy (May 25, 2023). Judy Asks: Is Ukraine a Game Changer for European Defense? *Carnegie Europe*, available at: <https://carnegieeurope.eu/strategieurope/89832>
- European Commission (March 28, 2022). Home Affairs Council: 10-Point Plan on stronger European coordination on welcoming people fleeing the war against Ukraine. available at: https://ec.europa.eu/commission/presscorner/detail/en/IP_22_2152
- European Commission (February 23, 2023). Commission proposes to renew trade benefits for Ukraine for a year. available at: https://ec.europa.eu/commission/presscorner/detail/en/ip_23_1023
- European Commission (accessed on: October 8, 2023). EU Solidarity with Ukraine. available at: https://eu-solidarity-ukraine.ec.europa.eu/index_en
- European Commission (accessed on: November 23, 2023). "Application for EU membership," available at: https://neighbourhood-enlargement.ec.europa.eu/european-neighbourhood-policy/countries-region/ukraine_en
- European Council (June 23, 2022). European Council conclusions on Ukraine, the



- membership applications of Ukraine, the Republic of Moldova and Georgia, Western Balkans and external relations, 23 June 2022. available at: <https://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2022/06/23/european-council-conclusions-on-ukraine-the-membership-applications-of-ukraine-the-republic-of-moldova-and-georgia-western-balkans-and-external-relations-23-june-2022/>
- European Council (accessed on: August 7, 2023). "EU response to Russia's invasion of Ukraine," available at: <https://www.consilium.europa.eu/en/policies/eu-response-ukraine-invasion/#sanctions>
- European Council (accessed on: October 9, 2023). "Infographic - EU sanctions against Russia over Ukraine (since 2014)," available at: <https://www.consilium.europa.eu/en/infographics/eu-sanctions-against-russia-over-ukraine/>
- European Council (accessed on: October 12, 2023). "Infographic - Impact of sanctions on the Russian economy," available at: <https://www.consilium.europa.eu/en/infographics/impact-sanctions-russian-economy/>
- European Council (accessed on: October 20, 2023). "EU solidarity with Ukraine," available at: <https://www.consilium.europa.eu/en/policies/eu-response-ukraine-invasion/eu-solidarity-ukraine/#reconstruction>
- European Council (February 2, 2024). "Infographic - Refugees from Ukraine in the EU," available at: <https://www.consilium.europa.eu/en/infographics/ukraine-refugees-eu/>
- Daniel, Fiott (2023). "In every crisis an opportunity? European Union integration in defence and the War on Ukraine," *Journal of European Integration*, 45(3), 447-462.
- Grove, Thomas and Norman, Laurence (2023/09/15). "Tensions Over Ukrainian Grain Split European Union," *The Wall Street Journal*, available at: <https://www.wsj.com/world/europe/tension-between-ukraine-and-ally-poland-over-grain-exports-vexes-eu-b350a479>
- Håkansson, Calle (2024). "The Ukraine war and the emergence of the European commission as a geopolitical actor," *Journal of European Integration*, vol. 46, no. 1, pp. 25-45
- Konończuk, Wojciech (October 03, 2023). "The Polish-Ukrainian Bond Is Here to Stay," *Carnegie Europe*, available at: <https://carnegieeurope.eu/strategieurope/90686>
- Kowalski, A. M. (2020). "Theoretical Aspects of Regional Disintegration and Its Consequences for International Competitiveness," in Kowalski, A. M. (ed), *Brexit and the Consequences for International Competitiveness*, Switzerland: Palgrave Macmillan.
- Kudzko, Alena (September 14, 2023). "The Slovak Election and Its Ramifications for European Foreign Policy," *ENGAGE*, available at: <https://carnegieeurope.eu/strategieurope/90555>

- Laffan, Brigid (2023). "Collective Power Europe? (The Government and Opposition/Leonard Schapiro Lecture 2022)," *Government and Opposition*, 58(1), 623–640.
- Maurer, Heidi, Whitman, Richard G. and Wright, Nicholas (2023). The EU and the invasion of Ukraine: a collective responsibility to act? *International Affairs*, 99(1) 219–238.
- Sasse, Gwendolyn (2023). *Russia's War against Ukraine*. New Jersey: John Wiley & Sons.
- Smith, Patrick (2023/10/03). A pro-Putin populist's success adds to fears of cracks in support for Ukraine. *NBC News*, available at: <https://www.nbcnews.com/news/world/slovakia-election-win-fico-ukraine-support-putin-rcna118532>
- Strupczewski, Jan and Abnett, Kate (December 2, 2022). EU tentatively agrees \$60 price cap on Russian seaborne oil. *Reuters*, available at: <https://www.reuters.com/business/energy/eu-agrees-60-barrel-price-cap-russian-seaborne-oil-eu-diplomat-2022-12-01/>
- Taran, Svitlana (2023). EU-Ukraine wartime trade: Overcoming difficulties, forging a European path. European Policy Centre, available at: https://www.epc.eu/content/PDF/2023/EU_Ukraine_wartime_trade_DP_Svitlana_Taran.pdf
- Vinocur, Nicholas (November 22, 2023). "Hungary's Viktor Orbán threatens to blow up EU's Ukraine policy," available at: <https://www.politico.eu/article/hungary-viktor-orban-threatens-to-blow-up-eu-ukraine-policy-european-union/>
- Zandee, Dick and Stoetman, Adája (2023). The war in Ukraine: Adapting the EU's security and defence policy," *Clingendael: Netherlands Institute of International Relations*, available at: chrome-extension://efaidnbmnnnibpcajpcgiclfndmkaj/https://www.clingendael.org/sites/default/files/2023-07/Policy_brief_The_war_in_Ukraine.pdf
- Zhalilo, Yaroslav, Kolosova, Viktoria and Deshko, Antonina (2023). EU Economic Assistance to Ukraine After the Full Scale Russian Invasion: Scope, Impact and Ways for Improvement. *Stockholm Centre for Eastern European Studies*, available at: <chrome-extension://efaidnbmnnnibpcajpcgiclfndmkaj/https://www.ui.se/globalassets/ui.se-eng/publications/sceeus/eu-economic-assistance-to-ukraine-after-full-scale-russian-invasion-scope-impact-and-ways-for-improvement.pdf>

بازنمایی جنگ اوکراین در خبرگزاری اسپوتنیک فارسی

رسول شریفی^۱، علیرضا پاکدهی حسینی^۲

چکیده

جنگ روسیه و اوکراین در ۲۴ فوریه سال ۲۰۲۲ آغاز شد و جهان را در مقابل واقعیت‌های جدیدی قرار داد. از پایان جنگ جهانی دوم، هیچ جنگی به شدت و حدت این جنگ، بین دو همسایه در اروپا رخ نداده است. دیدگاه‌ها و تحلیل‌های متفاوتی در مورد جنگ روسیه و اوکراین از سوی رسانه‌های هر دو کشور مطرح است و هر دو کشور سعی در بازنمایی گفتمان خود در مورد جنگ دارند. هدف از پژوهش حاضر، شناخت نحوه بازنمایی خبرگزاری اسپوتنیک فارسی از جنگ روسیه و اوکراین در بازه زمانی یک ماه نخست وقوع این جنگ (یعنی ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ تا ۲۳ مارس ۲۰۲۲) با روش تحلیل گفتمان انتقادی ون‌دایک و فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که گفتمان غالب در متون خبرگزاری اسپوتنیک فارسی، «گفتمان دفاعی» است. این خبرگزاری با طرح دال‌هایی چون هسته‌ای شدن اوکراین، توطئه آمریکا و غرب برای تضعیف روسیه، نسل‌کشی روس‌ها در مناطق دونباس و تهدید ملی‌گرایان افراطی و نئونازی‌ها برای روسیه، چنین بازنمایی کرده که امنیت روسیه در معرض تهدید قرار گرفته و روسیه به رهبری پوتین برای تأمین منافع و امنیت ملی خود و به عبارتی دیگر برای «دفاع از خود»، عملیات ویژه نظامی را آغاز کرده است.

کلیدواژه‌ها: جنگ روسیه-اوکراین، تحلیل گفتمان انتقادی، خبرگزاری اسپوتنیک، بازنمایی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۲

۱. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، گروه ارتباطات، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
sharifi1824@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
a.hosseini@atu.ac.ir

DOI: 10.22034/IMRL.2024.434330.1223

مقدمه

رسانه‌ها جریان غالب (یا یکی از جریان‌های غالب) اجتماعی را بازتاب می‌دهند و اگر به گفتمان‌های غالب و نه به صداها یا مخالف یا فردی علاقه داشته باشیم، خبرگزاری‌ها، روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های مطرح، منابعی روشن برای بررسی این گفتمان‌ها هستند. «با تکیه بر برداشت شناخته شده تحلیل گفتمان انتقادی از گفتمان به منزله سازنده و نیز برساخته اجتماع، مووتنر^۱ معتقد است که دیالکتیک گفتمان و جامعه در عرصه رسانه‌های جمعی اهمیتی ویژه دارد، زیرا انتشار آن برای جمع گسترده‌ای از مخاطبان اثر سازندگی گفتمان، یعنی قدرت آن در برساخت واقعیت را افزایش می‌دهد» (مووتنر، به نقل از خسروی‌نیک، ۱۳۹۷: ۹۱). فوکو گفتمان‌ها را اعمالی می‌داند که به‌طور نظام‌مند و موضوعاتی را شکل می‌دهند که خود سخن می‌گویند. گفتمان‌ها درباره موضوعات صحبت نمی‌کنند و تعیین کننده هویت موضوعات نیستند، بلکه خود سازنده موضوعات‌اند و در فرایند این سازندگی مداخله خود را پنهان می‌سازند (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۷-۱۸).

یکی از گسترده‌ترین و فراگیرترین گفتمان‌هایی که مردم با هر سابقه و پیشینه‌ای در معرض آن قرار دارند، زبانی است که در رسانه‌ها و اخبار استفاده می‌شود (خسروی‌نیک، ۱۳۹۷: ۸۹). اصلی‌ترین کارکرد رسانه‌ها پاسخ‌دهی به نیازهای اطلاعاتی جوامع است. آنچه در قالب اخبار در رسانه‌ها منتشر می‌شود حاصل انتخاب‌ها و تصمیم‌های بی‌هدف و تصادفی نیست، بلکه تحت تأثیر عوامل درون سازمانی و برون سازمانی است. خبر خنثی نیست و در چارچوب گفتمان و ایدئولوژی حاکم بر هر رسانه عمل می‌کند. خبر در رسانه دارای معانی آشکاری است که همان معانی واژگان پیام است؛ اما همزمان دارای معانی پوشیده‌ای نیز هست که به شرایط زمانی، مکانی، نشانه‌ای، زبان و استعاره‌های نهفته در خبر و تجارب فرستنده و گیرنده آن بستگی دارد. شناخت این معانی ضمنی به ما کمک می‌کند تا صحنه‌های آشکار و پنهان سیاست خبری رسانه‌ها را بشناسیم (رضی و خلیلی، ۱۳۹۲: ۴).

امروزه رسانه‌های بین‌المللی نقش قابل ملاحظه‌ای در رقابت‌ها، جنگ‌ها، محوربندی‌ها و صف‌بندی‌های بین‌المللی دارند. جنگ روسیه و اوکراین از جمله مواردی است که رسانه‌های بین‌المللی نقش مهمی در آن ایفا کرده‌اند. این جنگ در ۲۴ فوریه سال ۲۰۲۲ آغاز شد و جهان را در مقابل واقعیت‌های جدیدی قرار داد. از پایان جنگ جهانی دوم، هیچ جنگ بزرگی بین دو همسایه در اروپا رخ نداده است. تلاش روسیه این است که کی‌یف را از ناتو دور نگه دارد و از



پیوندهای تاریخی و فرهنگی خود با این کشور محافظت کند. این دو کشور مرزهای جغرافیایی طولانی، اشتراک‌های گسترده فرهنگی اسلاو و اقتصادهای به شدت وابسته‌ای با هم دارند. برای نمونه، اوکراین محل ترانزیت بیش از ۸۰ درصد گاز وارداتی اروپا از روسیه است (Tsygankov, 2015:11). از همین رو، اوکراین برای روسیه فقط همسایه‌ای مانند دیگر همسایه‌ها نیست و اهمیت ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک ویژه‌ای دارد. دیدگاه‌ها و تحلیل‌های متفاوتی در مورد جنگ روسیه و اوکراین از سوی رسانه‌های هر دو کشور مطرح شده است. رسانه‌های روسیه از عملیات ویژه نظامی صحبت می‌کنند؛ در حالی که رسانه‌های اوکراین اصطلاح تجاوز نظامی را به کار می‌برند. در این نوشتار می‌خواهیم گفتمان رسانه‌های بین‌المللی روسیه در مورد جنگ اوکراین را بررسی نماییم. از همین رو هدف از پژوهش حاضر، دستیابی به نحوه بازنمایی جنگ روسیه و اوکراین توسط خبرگزاری اسپوتنیک فارسی در بازه زمانی یک ماه نخست وقوع این جنگ (یعنی ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ تا ۲۳ مارس ۲۰۲۲) است. سؤال اصلی پژوهش این است که نحوه بازنمایی جنگ اوکراین در اخبار خبرگزاری اسپوتنیک فارسی چگونه است؟ این پژوهش به دنبال آن است که اخبار خبرگزاری اسپوتنیک فارسی را از حیث چارچوب‌های به کار رفته، مفاهیم برجسته شده و به حاشیه رانده شده و گفتمان مسلط در خصوص جنگ اوکراین بررسی کند. شناخت گفتمان رسانه‌های روسیه در رابطه با جنگ اوکراین، در فهم راهبردها و رویکردهای روسیه در این جنگ نقش بسزایی دارد. بدون فهم دقیق ابعاد این گفتمان، درک انگیزه‌ها و علل آغاز این جنگ دشوار خواهد بود.

پیشینه پژوهش

تحقیقات خارجی در مورد بازنمایی جنگ روسیه و اوکراین در رسانه‌ها انجام شده است اما در سطح داخلی، مقالاتی که در رابطه با جنگ روسیه و اوکراین انجام گرفته‌اند، به موضوعات غیرگفتمانی و غیررسانه‌ای مانند ملی‌گرایی و ژئوپلیتیک روسی، شخصیت پوتین و امنیت پرداخته‌اند. در جدول زیر به موارد مهم و جدید این تحقیقات اشاره می‌شود.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان	نویسندگان/سال	یافته اصلی
۱	بازنمایی جنگ روسیه و اوکراین در اخبار تلویزیونی هند	روی ^۱ و پائول ^۲ /۲۰۲۲	بازنمایی جنگ روسیه و اوکراین در اخبار تلویزیونی هند، بیش از حد احساسی و بیهوده بوده و نشان دهنده موضع غیرمتعهد هند در نظم نوین جهانی است.
۲	تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی جنگ روسیه و اوکراین در مطبوعات ملی پاکستان	طارق ^۳ و لوبنا ^۴ /۲۰۲۳	یافته‌های این تحقیق نشان داد که مطبوعات ملی پاکستان در بازنمایی جنگ روسیه و اوکراین، از قواعد حل و فصل منازعه پیروی نمی‌کنند. این مطبوعات دیدگاه‌های کلی درباره جنگ را بازنمایی می‌کنند.
۳	سوء برداشت‌های پوتین و جنگ ۲۰۲۲ اوکراین	سعید شکوهی/۱۴۰۱	پوتین در سه بعد بنیادین دچار سوء برداشت شده است. این سوء برداشت‌ها همراه با دو عامل پررنگ در فرهنگ راهبردی روسیه یعنی غرور و ترس موجب تسریع و توجیه جنگ با اوکراین شد. این سه دسته سوء برداشت از این قرارند: ۱- سوء برداشت در برآورد میزان قدرت خود و دشمن؛ ۲- سوء برداشت در زمینه نیت‌های خصمانه دشمن و ۳- سوء برداشت در زمینه واکنش طرف‌های سوم
۴	واکاوی جنگ روسیه و اوکراین از نظر امنیت هستی‌شناختی	پژمان نوری، عماد هلالات و امیررضا مقومی/۱۴۰۱	جنگ روسیه و اوکراین در چارچوب تئوریک امنیت هستی‌شناختی مبتنی بر مؤلفه‌های اوراسیاگرایی، ملی‌گرایی و ژئوپلیتیک روسی که روایت بیوگرافیک روسیه را شکل می‌دهند به وجود آمده

1. Roy
2. Paul
3. Tarique
4. Lubna



ردیف	عنوان	نویسندگان/سال	یافته اصلی
			است و حمله به اوکراین اتخاذ کنشی شرافتمندانه برای پرهیز از شرم توسط روسیه تلقی می‌شود.
۵	تبیین چرایی و چگونگی شکل‌گیری جنگ روسیه و اوکراین بر پایه نظریه موازنه تهدید	علیرضا سمیعی اصفهانی و سارا فرحمند/۱۴۰۱	درک تهدید و خطرات ناشی از تحرکات و اقدامات آمریکا و ناتو در اروپای شرقی و به‌ویژه اوکراین باعث شده است که عزم پوتین برای مقابله با پیشروی ناتو، حالت تهاجمی به خود بگیرد و در نهایت باعث تهاجم روسیه به اوکراین شود.

پژوهش‌های داخلی عمدتاً متمرکز بر نظریه‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نگاشته شده‌اند، حال آنکه در پژوهش حاضر، به بعد رسانه‌ای و گفتمانی این جنگ توجه شده و وجه گفتمانی آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد. در مقاله حاضر، بازنمایی جنگ اوکراین توسط یکی از رسانه‌های مهم روسیه یعنی خبرگزاری اسپوتنیک فارسی، بررسی می‌شود.

ادبیات نظری

به طور کلی در بازنمایی رسانه‌ای ما با دو رویکرد نشانه‌شناختی و گفتمانی مواجهیم که در این پژوهش از رویکرد گفتمانی (ون‌دایک و فرکلایف) برای مطالعه گفتمان خبرگزاری اسپوتنیک فارسی کمک گرفته‌ایم. نظریه بازنمایی از برجسته‌ترین نظریه‌هایی است که برای تحلیل‌های گفتمانی سودمند است؛ زیرا مبتنی بر پیوندی نزدیک میان زبان، ایدئولوژی و قدرت است. همان‌طور که در تشریح این نظریه گفته شد رسانه برای جلب و جذب خواننده، شنونده یا بیننده، پاره‌ای از رویداد یا مسئله را بازگو می‌نماید و در حقیقت قسمت‌هایی را برجسته می‌سازد و بخشی دیگر را نیز پنهان می‌کند و به این شیوه، موضوع و رویداد مورد نظر را شکل و چارچوبی متناسب با سیاست‌های رسانه‌ای خود می‌بخشد.

در این بخش لازم است موارد مهم از نظریه گفتمان و نظریه بازنمایی استوارت هال تبیین شوند، تا اصول واکاوی اخبار خبرگزاری اسپوتنیک فارسی در این پژوهش معلوم باشند.

گفتمان؛ کردار اجتماعی زبان

فرکلاف رویکرد خود را مطالعه انتقادی زبان می‌نامد. در رهیافت وی زبان کرداری اجتماعی است و این تفکر دارای چند مفهوم ضمنی است: ۱- زبان بخشی از جامعه است و خارج از آن نیست ۲- زبان فرایندی اجتماعی است ۳- زبان یک فرایند مشروط اجتماعی است؛ یعنی مشروط به سایر بخش‌های غیرزبانی جامعه است (Fairclough, 1989: 22).

فرکلاف برای مفهوم گفتمان سه معنای متفاوت در نظر می‌گیرد. نخست گفتمان در انتزاعی‌ترین شکل خود به کاربرد زبان به‌مثابه رویه اجتماعی اشاره دارد و در معنای دوم نوعی کاربرد زبان در حوزه‌ای خاص است، نظیر گفتمان سیاسی یا علمی و در معنای سوم، گفتمان اسمی قابل شمارش است (یک گفتمان، آن گفتمان، گفتمان‌ها) که به روش سخن گفتنی اطلاق می‌شود و به تجربیات برآمده از منظری خاص معنا می‌دهد (Jorgensen & Phillips, 2002: 119). در الگوی فرکلاف، هر رویداد گفتمانی به طور همزمان یک قطعه متن، یک نمونه کردار گفتمانی و یک نمونه کردار اجتماعی تلقی می‌شود. بعد متنی به تحلیل زبانی متون مرتبط است. بعد کردار گفتمانی ماهیت فرایندهای تولید و تفسیر متن را نمایان می‌کند. بعد کردار اجتماعی به مسئله تحلیل اجتماعی نظیر موقعیت‌های سازمانی و نهادی رویداد گفتمان و اینکه آنها چگونه ماهیت کردار گفتمانی را شکل می‌بخشند و نیز اثرات سازنده گفتمان متمرکز است. الگوی وی در بعد کردار گفتمانی بر مفهوم بینامتنیت و در بعد کردار اجتماعی بر مفهوم ایدئولوژی به ویژه هژمونی توجه دارد. در این رویکرد، ترکیب بینامتنیت و هژمونی است که چارچوبی کارآمد را برای مطالعه تغییر گفتمانی مرتبط با تغییر فرهنگی اجتماعی ایجاد می‌کند (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۸۸-۸۷).

بر مبنای سه لایه بالا، فرکلاف سه جنبه یا سه سطح نیز برای گفتمان کاوی انتقادی تشریح می‌کند: سطح اول توصیف است که با ویژگی‌های صوری متن ارتباط دارد. سطح دوم تفسیر است که به ارتباط میان متن و تعامل می‌پردازد - این که متن را حاصل فرایند تولید و منبع فرایند تفسیر بدانیم. سطح سوم تبیین است که به بیان ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی می‌پردازد - این که چگونه فرایندهای تولید و تفسیر تحت تأثیر اجتماع قرار دارند (فرکلاف، ۱۹۸۹: ۲۷-۲۶).

بازنمایی

در ابتدا باید بیان کرد که واژه بازنمایی به معنای نماینده و جانشین به کار می‌رود. بازنمایی با محاکات نسبتی درهم تنیده دارد. اصطلاح محاکات را افلاطون و شاگردش ارسطو به کار بردند.



ارسطو بر این اعتقاد بود که تمام هنرها، چه گفتاری و چه بصری و چه موسیقایی، حالت‌های گوناگون بازنمایی هستند. او که بازنمایی را امری غریزی و فطری می‌دانست، بر آن بود که نشانه‌های انکارناپذیر آن از دوران کودکی آشکار می‌شود و به اعتبار همین خصیصه هم هست که انسان را از حیوان متمایز می‌کنند. تمایل انسان به تقلیدگری بیش از هر حیوان دیگر است و نخستین درس‌های خود را از طریق تقلیدگری و بازنمایی می‌آموزد (قره‌باغی، ۱۳۸۳: ۳۷).

بازنمایی از جمله مسائلی بود که هال به آن پرداخت. طبق دیدگاه هال، بازنمایی ساخت معنا طبق چارچوب‌های گفتمانی است و هرگونه بازنمایی در درون گفتمان صورت می‌گیرد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶). هال معتقد بود که بازنمایی امری معنادار است و بر جهان و همچنین افراد موجود در آن تاثیر می‌گذارد. او بیان می‌کند که بازنمایی افراد یا چیزهای مختلف یک معنی ثابت ندارند، بلکه بیشتر تفسیر دارند (Brayant, 2021: 2). بدون شک جهان مستقل از بازنمایی‌هایی که از آن صورت می‌گیرد وجود دارد، اما معنادار شدن جهان در گرو بازنمایی آن است. بنابراین، بازنمایی شیوه‌ای است که ما به واسطه آن واقعیت را معنادار می‌کنیم. همچنین معناهایی را که درباره خودمان و دیگران و جهان ایجاد می‌کنیم از طریق بازنمایی با یکدیگر سهیم می‌شویم یا درباره‌شان مجادله می‌کنیم (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶-۱۵). هال در مورد رابطه معنا و بازنمایی می‌گوید: «معنا در شی یا شخص یا چیز است، نه در واژه. ما هستیم که معنا را چنان تعیین و تثبیت می‌کنیم که پس از مدتی طبیعی و قطعی به نظر می‌رسد. معنا از طریق نظام بازنمایی ساخته می‌شود. معنا از طریق رمز ساخته و تثبیت می‌شود» (Hall, S, 1997: 144). گفتمان رسانه‌ها از طریق بازنمایی رسانه‌ای بروز و ظهور می‌یابد. به تعبیر ریچارد دایر، در بازنمایی رسانه‌ای، رسانه‌ها ساحتی را از جنبه‌های مختلف واقعیت مانند مکان‌ها، اشیاء و هویت‌های فرهنگی می‌گیرند و ایجاد می‌کنند (Stafford and Amp, 2010: 106).

همچنین رسانه هیچ‌گاه ابزاری خنثی و میانجی‌ای بی‌طرف برای بیان واقعیت به شمار نمی‌آید، زیرا به زبان و معنا متکی است و زبان و معنا نیز در چارچوب گفتمان، همواره به قدرت تکیه دارند. بازنمایی رویدادها در رسانه‌ها فارغ از اخلاقی و غیراخلاقی بودن آن، دارای سوگیری ایدئولوژیک و برای تضعیف یا تثبیت قدرت و گفتمانی ویژه است. (کاظمی و ناظر فصیحی، ۱۳۸۶: ۱۴۱). بنابراین، از رهگذر نظام بازنمایی، گفتمان مستقر در معنادهی به رویدادهای خبری طبق ایدئولوژی شناختی خود عمل می‌کند و به این ترتیب گفتمان خود را بازتولید می‌کند و استمرار می‌بخشد.



ریشه‌های تاریخی شکل‌گیری جنگ روسیه و اوکراین

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و ایجاد روسیه و کشورهای مشترک‌المنافع (CIS)، اوکراین نیز به‌عنوان یک کشور مستقل شکل گرفت (Miller, 2017). تا قرن نهم میلادی، کی‌یف پایتخت اوکراین بخشی از خاک روسیه بود (Kuzio, 2019) و شبه جزیره کریمه نیز در سال ۱۹۵۴ میلادی توسط خروشچف به اوکراین داده شد. (Chatterjee, 2014). روسیه توانست در دهه ۹۰ میلادی، غرب را از شرق اروپا خارج کند و خود بر این منطقه مسلط شود. همچنین مسکو از سال ۱۹۹۱ به بعد، شروع به حمایت از جناح‌های طرفدار خود در داخل اوکراین کرد. این کشور توانست در سال ۲۰۱۴، شبه جزیره کریمه را به خاک خود ملحق نماید و از آن زمان به تلاش برای حمایت از جنبش‌های طرفدار روسیه در استان‌های لوهانسک و دونتسک ادامه داده است (Kuzio, 2019). از زمان حمله روسیه به کریمه در سال ۲۰۱۴، درگیری در سراسر مناطق شرقی اوکراین شایع بوده است (Gorbach, 2021). اما بحران زمانی اوج گرفت که اوکراین درخواست عضویت در پیمان نظامی ناتو داد. مسکو در سال ۲۰۲۱، دو پیش‌نویس توافقنامه ارائه کرد تا از گسترش ناتو در مرزهای خود جلوگیری نماید. روسیه از ناتو خواست که به بیانیه اجلاس سال ۲۰۰۸ که بر عدم پیوستن گرجستان و اوکراین به ناتو تأکید می‌کرد، پایبند بماند اما غرب این خواست روسیه را رد کرد و از مسکو خواست نیروهای خود را از مرز اوکراین خارج کند. روسیه که گسترش ناتو و پیوستن اوکراین به آن را تهدید آشکار برای خود می‌دید، تصمیم گرفت در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ به اوکراین حمله کند (Kibry, 2022).

روش تحقیق

در انتخاب روش برای هر پژوهش باید به مؤلفه‌هایی نظیر هدف، چستی پژوهش و نوع مطالعه و ارزیابی (تحلیل در پژوهش‌های کیفی) توجه کرد. با توجه به موضوع مطالعه، روش انتخاب شده، ترکیبی از روش تحلیل گفتمان انتقادی ون دایک و فرکلاف است. تحلیل گفتمان انتقادی روشی کیفی است و نیازی به انتخاب نمونه‌های زیاد نیست چرا که در مسیر تحلیل، آنچه مهم است، جزئیات موجود در نمونه‌ها و دستیابی به آنهاست (Ekshi, 2011: 112).

این پژوهش روی خبرگزاری اسپوتنیک متمرکز است. اسپوتنیک یک آژانس خبری و رادیویی است که در ده‌ها کشور، به‌ویژه در ایالات متحده آمریکا، چین، فرانسه، آلمان، مصر و همچنین در انگلیس فعالیت می‌کند. این آژانس خبری، اخبار سیاسی و اقتصادی جهانی را برای



مخاطبان گسترده خود در سراسر جهان پوشش می‌دهد. اسپوتنیک در ۱۰ نوامبر ۲۰۱۴ به‌عنوان بخش مهمی از خبرگزاری بین‌المللی «روسیا سیگودنیا»^۱ فعالیت خود را در زمینه رسانه‌های جهانی آغاز کرد. این آژانس دارای وبسایت‌های متعددی است و به بیش از ۳۰ زبان فعالیت می‌کند و اسپوتنیک فارسی یکی از آنها است. ایستگاه رادیویی اسپوتنیک به‌صورت شبانه‌روزی به زبان‌های انگلیسی، عربی، اسپانیایی، چینی و سایر زبان‌ها پخش می‌شود. اسپوتنیک دارای مرکزی برای مطالعه افکار عمومی است. در چارچوب پروژه «اسپوتنیک - نظرات»، افکار عمومی در ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی به‌طور دوره‌ای مورد سنجش قرار می‌گیرد. اسپوتنیک جایگزین آژانس بین‌المللی «ریا نووستی» و ایستگاه رادیویی «صدای روسیه» شد که در سال ۲۰۱۳ بسته شدند (sputnikarabic.ae, 2023).

در این پژوهش، جامعه مورد مطالعه، تمام اخبار خبرگزاری اسپوتنیک فارسی در مورد جنگ روسیه و اوکراین در یک ماهه نخست این جنگ یعنی ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ تا ۲۳ مارس ۲۰۲۲ است و از شیوه نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند استفاده شده است. انتخاب ماه نخست جنگ به‌عنوان نمونه به این دلیل است که همراه با شروع جنگ و در هفته‌های اول آن، هر دو کشور درگیر جنگ، یعنی روسیه و اوکراین، فعالیت‌های رسانه‌ای گسترده‌ای به‌منظور پیشبرد گفتمان خود انجام داده‌اند. پژوهشگران نمونه‌ها را به‌صورت هدفمند و با هدف قبلی انتخاب کرده و این انتخاب نه به‌دلیل سهولت که بر اساس اطلاعات قبلی است. بر همین اساس، تمامی اخبار منتشر شده از خبرگزاری مذکور ثبت شده تا از میان آنها خبرهایی که با هدف پژوهش مطابقت دارند، انتخاب شوند. بنابراین، با نمونه هدفمند، ابتدا تمامی اخباری که در بازه زمانی یک ماه نخست وقوع این جنگ منتشر شده بود، مورد بررسی قرار گرفت و سپس با هدف انتخاب نمونه خاصی که بازتاب دهنده و بازتولیدکننده انگاره‌ها و ایماژهای مرتبط با این جنگ باشد، تعداد ۱۴ خبر به‌عنوان شواهد مباحث نظری انتخاب شد تا تمهیدات گفتمانی آنها تحلیل انتقادی شود. حجم نمونه در مطالعات کیفی مرتبط با اشیاع نظری است. در واقع قاعده نمونه‌گیری در پژوهش کیفی این است که محقق به نمونه‌گیری تا آنجا ادامه می‌دهد که اطلاعات جدیدی به‌دست نیامده یا دیدگاه جدیدی قابل دستیابی نباشد (Elmusharaf, 2012). از این رو در پژوهش حاضر نمونه‌گیری را تا آنجا ادامه دادیم که اطلاعات یا دیدگاه جدیدی ظهور نکند و به همین دلیل ۱۴ خبر را به‌عنوان نمونه انتخاب کردیم.



عملیاتی کردن و مقوله‌سازی

ون دایک، از متغیرهای متنوعی استفاده می‌کند که بسته به موضوع می‌تواند تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته باشند. براساس موضوع خبری جنگ اوکراین، هشت متغیر واژگان، افراد و نهادهای مطرح شده در متن، قطب‌بندی، استناد یا ذکر شواهد در متن، پیش‌فرض‌ها، دلالت‌های ضمنی، مولفه‌های اجماع و توافق و گزاره‌های اساسی مورد استفاده قرار گرفت. همچنین روش فرکلاف، دارای سه مرحله توصیف، تفسیر و تبیین و هر حوزه، دارای فرایند ارتباطی (تعامل) است. این تعاملات شامل متن (گزارش خبری)، کنش گفتمانی (مرحله تولید و مصرف) و کنش اجتماعی (ساختارهای فرهنگی) می‌شود که چارچوب تحلیلی یک فرایند ارتباطی را تشکیل می‌دهند. در واقع مدل سه بعدی فرکلاف، چارچوب تحلیلی برای تحقیق تجربی درباره ارتباطات و جامعه است و هر نوع تحلیل گفتمان رخدادهای ارتباطی، باید ابعاد سه گانه فوق را دربرگیرد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۶). در سطح توصیف، مشخصات صوری مانند واژگان قرار دارد. در سطح تفسیر، متون بر اساس فرضیات عقل سلیمی که ویژگی‌های متن را دارای ارزش می‌کنند، تفسیر می‌شوند و تفسیر غالباً ترکیبی از متن و ذهنیت مفسر است که بر اساس دانش زمینه‌ای مفسر به کار گرفته می‌شود. سطح تبیین، ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی را بیان می‌کند و هدف از تبیین، نشان دادن گفتمان به عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است.

ون دایک در تحلیل گفتمان انتقادی، به شیوه‌ای نظام‌مند، راهبردها و ساختارهای متنوع متن و گفتار را در ارتباط با بافتار اجتماعی و سیاسی مطالعه می‌کند (Van Dijk, 2000: 35). بر این اساس، در این پژوهش ابتدا از کارویژه‌های ون دایک استفاده شده و سپس با استفاده از رویکرد فرکلاف، تحلیل اخبار خبرگزاری اسپوتنیک فارسی در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین انجام شده است. در ادامه، تعریف مختصر و کاربردی کارویژه‌های ون دایک ارائه می‌شود.

نظام واژگانی: به لحاظ سنتی شناخته شده‌ترین راه مطالعه ایدئولوژی و زبان، تحلیل اقلام واژگانی است. کلمات ممکن است طوری انتخاب شوند که عموماً واجد ارزش‌ها و هنجارهای خاصی باشند و بنابراین ممکن است برای بیان یک قضاوت ارزشی (مثلاً نژادپرست) به کار روند. هرچند گزاره‌های زیادی (مثل زیبا، کثیف و ...) وجود دارند که در حالت طبیعی برای بیان یک نظر به کار می‌روند اما گزاره‌های دیگری (مثل آلوده، دموکراتیک و ...) هم وجود دارند که بسته به اینکه یک سیستم ارزشی یا معرفتی چه پیش‌فرضی از آنها دارد، می‌توانند واقع‌گرایانه یا ارزیابانه باشند (ون دایک، ۱۳۸۶: ۹۳ به نقل از تراپی اقدام و بختیاری، ۱۴۰۱: ۱۳۶).



افراد و نهادهای مطرح شده در متن: بر اساس این مقوله، می‌توان پی برد که نهادهای ارگان‌ها یا مؤسساتی که در خبرها نام برده شده‌اند، به صورت مثبت مطرح شده یا در جایگاه منفی قرار گرفته‌اند. این مقوله یا کارویژه حاوی داوری متن و کنشگر آن در مورد افراد و نهادهای ذکر شده در متن خبر است و در نهایت، به تحلیل مرزبندی‌های متن یاری می‌رساند (فرقانی، ۱۳۸۲: ۵۰)

قطب‌بندی یا غیرسازی (ارزش‌های متناسب به خود یا دیگری): بسیاری از ایدئولوژی‌های تضاد اجتماعی، سلطه و نابرابری را حفظ و بازتولید می‌کنند. این تضاد ممکن است هر نوع منافی را شامل و به‌صورت قطب‌بندی شده سازماندهی شود؛ یعنی «ما/خود» را در برابر «آنها/دیگران» قرار دهد (ون‌دایک، ۱۳۸۶: ۱۱۷). در فرایند «غیرسازی» همواره «خود» بودن برتر از «دیگر» بودن است (Isherwood and Harris, 2014: 46).

استناد یا ذکر شواهد در متن: شناخت و بررسی استنادها یا شواهد در متن خبر می‌تواند در تحلیل اینکه خبر بر آن است تا به چه ادله‌ای و یا چه ارزیابی مثبت و منفی‌ای واقعیتی را به ذهن مخاطبان خود منتقل کند، حائز اهمیت است. معمولاً، خبرها دارای یک سری نقل‌قول‌ها، منابع اطلاعاتی، کارشناسان، رهبران و مسئولانی هستند که نوعاً این مقوله آنها را شامل می‌شود (فرقانی، ۱۳۸۲: ۵۲-۵۱).

پیش‌فرض‌ها: پیش‌فرض‌ها، افکار قالبی و پیش‌داوری‌ها، زیرساخت استدلال و استنتاج نویسنده یا گوینده را شکل می‌دهد. بنابراین، شناخت پیش‌فرض‌ها، تحلیلگر را قادر می‌سازد به لایه‌های زیرین یا اهداف واقعی صاحب اثر پی ببرد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۵۳).

دلالت‌های ضمنی متن (تلقین و تداعی): در این حوزه، تلقین چیزهایی را شامل می‌شود که متن به‌وسیله آن‌ها در صدد ذهنیت‌سازی است. تداعی، یادآوری مفاهیم و تعبیر ناگفته در یک متن است. در تلقین و تداعی، کنشگر به شکلی غیرمستقیم، افکار و ایده‌های ذهنی خاصی را در ذهن مخاطب ایجاد و با بیان ناگفته‌های مورد نظر خود، ذهنیت او را متأثر می‌کند (فرقانی، ۱۳۸۲: ۵۳-۵۲).

مولفه‌های اجماع و توافق در متن: ون‌دایک برای توضیح این مقوله می‌گوید که به‌عنوان مثال، دولت‌های غربی از طریق اطلاع‌رسانی، شهروندان خود را از عواقب نامطلوب و ناخوشایند مهاجرت آگاه می‌کنند. بدین ترتیب، نگرش شهروندان کشورهای غربی درباره مهاجرت تحت تاثیر قرار می‌گیرد. این نگرش‌ها می‌توانند نیت و انگیزه‌های مردم را برای عمل موردنظر دولت

تحت تاثیر قرار دهد تا یک ناخشنودی دسته جمعی علیه مهاجرت ایجاد شود، بدین ترتیب دولت مردان می‌توانند حمایت خود را، به پشتوانه اینکه دیگر پشتیبانی عمومی از سیاست‌های آزادمنشانه درباره مهاجرت وجود دارند، بردارند (ون‌دایک، ۱۳۸۲ به نقل از هوشیار، ۱۳۹۹: ۷).

گزاره‌های اساسی متن: گزاره‌ها عبارات یا جمله‌هایی هستند که معنای اساسی متن بر آنها تکیه دارد. یک متن از گسترش و بسط گزاره‌های اصلی آن به‌دست می‌آید. گزاره‌ها، پیام اصلی متن را در خود دارند (فرقانی، ۱۳۹۲: ۵۳).

در پژوهش حاضر، واحد انتخاب شده برای تحلیل گفتمان، متن است؛ چراکه کامل‌تر از جمله، بند، عبارت، صفحه، مصاحبه، خاطرات و سخنرانی می‌تواند مؤید گفتمان یک رسانه باشد. بر این اساس، خبرهای رسانه منتخب به‌عنوان متن انتخاب شدند و واحد ثبت، کلمه در نظر گرفته شد. در جدول زیر، عنوان و محور این گزارش‌ها نوشته شده و در بخش منابع و مآخذ آدرس دسترسی به آنها ارائه شده است.

جدول ۲. حجم نمونه منتخب از اخبار خبرگزاری اسپوتنیک فارسی

شماره	عنوان خبر منتخب	محور خبر	تاریخ انتشار
۱	لاوروف: قاتلان واقعی در کنار رژیم کی‌یف می‌جنگند	غرب	۲۰۲۲/۳/۳
۲	سخنرانی پوتین در شورای امنیت در باره اوکراین	ملی‌گرایان و نازی‌گرایان	۲۰۲۲ /۳/۳
۳	مسکو: هدف عملیات ویژه روسیه سرنگونی دولت فعلی اوکراین نیست	جمهوری‌های دونباس	۲۰۲۲/۳/۹
۴	فرماندار نیکولایف: نیروهای روسیه نمی‌خواهند به غیرنظامیان شلیک کنند و از شهر دور شدند	غیرنظامیان اوکراینی	۲۰۲۲/۳/۱
۵	منطقه لوهانسک از عملیات برای آزادی سرزمین‌های اشغال شده خبر داد	جمهوری لوهانسک	۲۰۲۲/۲/۲۴
۶	ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه گفت که اوکراین هرگز به عنوان تکیه‌گاهی برای تهدید روسیه عمل نخواهد کرد.	روسیه	۲۰۲۲/۳/۱۶

شماره	عنوان خبر منتخب	محور خبر	تاریخ انتشار
۷	زلنسکی: سامانه های هوایی در اختیار اوکراین قرار گیرد	زلنسکی	۲۰۲۲/۳/۱۶
۸	پوتین: آمریکا با پنهان شدن پشت روسیه تلاش می کند مردم خود را فریب دهد	آمریکا	۲۰۲۲/۳/۱۰
۹	عملیات ویژه روسیه به موقع بود و جان صدها هزار نفر را در کریمه و دونباس نجات داد	عملیات ویژه نظامی روسیه	۲۰۲۲/۳/۶
۱۰	قبل از عملیات ویژه چه تعداد سلاح وارد اوکراین شده است؟	کمک تسلیحاتی غرب به اوکراین	۲۰۲۲/۳/۵
۱۱	پوتین: استقرار احتمالی سلاح هسته‌ای در اوکراین آینده این کشور را زیر سوال می برد	سلاح هسته‌ای	۲۰۲۲/۳/۵
۱۲	وزارت دفاع روسیه ویدئوی عملیات نابود سازی ملی گرایان اوکراینی را منتشر کرد	ملی گرایان اوکراینی	۲۰۲۲/۳/۵
۱۳	رهبر اوکراین از ورود اولین نیروهای داوطلب خارجی به این کشور خبر داد	نیروهای داوطلب خارجی	۲۰۲۲/۳/۳
۱۴	پوتین خطاب به مردم اوکراین: قدرت را در دستان خود بگیرید	پوتین	۲۰۲۲/۲/۲۵

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش، گفتمان رسانه‌ای اخبار خبرگزاری اسپوتنیک فارسی درباره جنگ اوکراین واکاوی می‌شود.

ابتدا برای نمونه، خلاصه یک خبر از خبرگزاری مورد مطالعه، بر مبنای کارویژه‌های ون دایک و روش فرکلاف مورد ارزیابی قرار گرفته و سپس یافته‌های اصلی تمام اخبار بررسی شده در جدول‌های نهایی ذکر شده است.

خبر مذکور به شرح زیر است:

اوروف: قاتلان واقعی در کنار رژیم کی‌یف می‌جنگند

سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه اعلام کرد قاتلان واقعی در کنار رژیم کی‌یف می‌جنگند.

به گزارش اسپوتنیک، وزیر خارجه روسیه گفت: قاتلان واقعی در کنار رژیم

کی‌یف می‌جنگند... به گفته وی، غرب در تلاش است تا هرگونه منبع اطلاعاتی از

روسیه در مورد وضعیت اوکراین به‌ویژه در مورد نحوه رفتار گردان‌های ملی‌گرای

اوکراینی در هنگام عقب‌نشینی که مانند غارتگران و دزدان رفتار می‌کنند را ببندد...

مسکو اعلام کرده است که هیچ طرح اشغالگری ندارد و هدف این عملیات حفاظت از غیرنظامیان دونباس در برابر نسل‌کشی است...

تحلیل متن خبر فوق بر اساس کارویژه‌های ون دایک نشان می‌دهد که چیش هدفمند واژگانی نظیر صلح‌آمیز، تلاش، دقت و حفاظت دارای بار ارزشی مثبت و در مقابل چیش واژگانی منفی عموماً بر مرگبار بودن سیاست‌ها، نسل‌کشی، دزدی و غارت‌گری تاکید کرده است. همچنین افراد و نهادهای مطرح شده در متن به صورت مثبت عبارتند از: سرگئی لاوروف، روسیه، جمهوری‌های خلق دونباس و در مقابل افراد و نهادهای منفی مطرح شده در متن عبارتند از: رژیم کی‌یف، ملی‌گرایان اوکراینی و غرب.

متن در نحوه توصیف یا معرفی خود (ارزش‌های منتسب به خود)، از عزم روسیه برای نجات مردم منطقه دونباس صحبت کرده است؛ مسکو به صراحت اعلام کرده است که هیچ طرح اشغال‌گری ندارد و هدف این عملیات، حفاظت از غیرنظامیان دونباس در برابر نسل‌کشی است. وزارت دفاع روسیه تاکید کرد که این عملیات تنها زیرساخت‌های نظامی اوکراین را با تسلیحات با دقت بالا هدف قرار می‌دهد.

در نحوه توصیف یا معرفی دیگری (ارزش‌های منتسب به دیگری) از کمک غرب به اوکراین در نسل‌کشی مردم منطقه دونباس صحبت می‌کند. سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه اعلام کرد قاتلان واقعی در کنار رژیم کی‌یف می‌جنگند. گردان‌های ملی‌گرای اوکراینی در هنگام عقب‌نشینی مانند غارت‌گران و دزدان رفتار می‌کنند.

متن در استناد یا ذکر شواهد به مواردی نظیر وزیر امور خارجه روسیه، وزرات دفاع روسیه، ایالات متحده آمریکا و خبرگزاری اسپوتنیک اشاره می‌کند.

پیش فرض‌های متن: روسیه عملیات نظامی ویژه‌ای را برای دفاع از منطقه دونباس در ۲۴ فوریه آغاز کرد و وزارت دفاع روسیه تاکید کرد که این عملیات تنها زیرساخت‌های نظامی اوکراین را با تسلیحات با دقت بالا هدف قرار می‌دهد.

دلالت‌های ضمنی متن در بخش تلقین: متن درصدد ایجاد این ذهنیت است که ملی‌گرایان اوکراینی با مردم منطقه دونباس مثل غارتگران و وحشی‌ها رفتار می‌کنند. روسیه برای نجات مردم دونباس عملیات ویژه نظامی را آغاز کرد. متن به مصاحبه سرگئی لاوروف اشاره می‌کند و چنین القا می‌نماید که غرب و ایالات متحده آمریکا در قتل مردم دونباس شریک هستند. اما در



بخش تداعی، از اشارات متن چنین بر می‌آید که «رژیم کی‌یف» و غرب روسیه را مجبور کردند تا از مردم دونباس حمایت کند.

مؤلفه‌های اجماع و توافق در متن: عملیات نظامی تنها زیرساخت‌های نظامی اوکراین را با تسلیحات با دقت بالا هدف قرار می‌دهد. قاتلان واقعی یعنی غرب و آمریکا در کنار رژیم کی‌یف می‌جنگند. ایالات متحده و متحدانش کمک‌های نظامی و کمک‌های مرگبار به اوکراین را افزایش می‌دهند.

گزاره‌های اساسی متن: روسیه برای نجات مردم منطقه دونباس عملیات ویژه نظامی را آغاز کرده است. ملی‌گرایان اوکراینی با حمایت غرب برای روسیه تهدیدآمیز هستند.

همچنین ارزیابی خبر فوق بر اساس روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف نشان می‌دهد که خبر برای توصیف دولت اوکراین از واژگان منفی مانند مرگبار بودن سیاست‌ها، نسل‌کشی، دزدی و غارت‌گری استفاده کرده و به دنبال بازنمایی دولت اوکراین به‌عنوان یک «رژیم سیاسی فاقد مشروعیت» است. همچنین در بعد تفسیر، قطب‌بندی موجود در این خبر نشان می‌دهد که روسیه و غیرنظامیان دونباس، «ما» هستند و «دیگری» دولت اوکراین، ملی‌گرایان افراطی، غرب و آمریکا هستند. این خبر در سطح تبیین در پی بازنمایی این امر است که علت وقوع جنگ، نسل‌کشی و قدری دولت اوکراین، ملی‌گرایان افراطی در اوکراین و حامیان آنها یعنی غرب و آمریکا می‌باشد و نه روسیه. این خبر با طرح دالی مانند «روسیه هیچ طرح اشغالگری ندارد و هدف این عملیات حفاظت از غیرنظامیان دونباس در برابر نسل‌کشی است» چنین القاء می‌نماید که جنگ صرفاً برای حفاظت از غیرنظامیان صورت گرفته است.

در جدول زیر، یافته‌های تحلیل گفتمانی تمام نمونه آماری بر مبنای کارویژه‌های ون دایک آورده شده که به شرح زیر است.

جدول ۳. یافته‌های تحلیل گفتمانی خبرگزاری اسپوتنیک فارسی بر اساس روش ون دایک

گزیده مقوله‌های گفتمانی خبرگزاری اسپوتنیک فارسی در زمینه جنگ اوکراین	کارویژه‌های تحلیل متن	
امنیت. تامین. نازی‌زدایی. میلیتاریزه‌زدایی. نجات. حمایت. جمهوری‌های مردمی. پیشروی. عملیات ویژه. مسئولیت. امن. صلح‌آمیز. اقدام قاطع. آزادی. آزادسازی.	مثبت	نظام واژگان
تکیه‌گاه. تهاجم. قلدری. نسل‌کشی. رژیم. جنایتکاران. خونین. فریب. محاسبات اشتباه. مسدودسازی. سانسور. مرگبار. محدودیت. ملی‌گرایان افراطی. سیر انسانی. گوشت دم توپ. خارجی‌ها. قاتلان. غارتگران. دزدان. گروگان. معتادان	منفی	
روسیه. پوتین. دونباس. دونتسک. لوهانسک. ماریا زاخارووا. رئیس جمهوری خلق دونتسک. وزارت دفاع روسیه. وزیر امور خارجه روسیه. سرایان روسیه. فرماندار نیکولایف.	مثبت	افراد و نهاد های مطرح شده در متن
اوکراین. نازی‌ها. ملی‌گرایان اوکراینی. زلنسکی. کنگره آمریکا. غرب. بریتانیا. آلمان. لیتوانی. لهستان. اسلواکی. سوئد. فنلاند. اتریش. ناتو. نئونازی‌ها. وزیر دفاع اوکراین.	منفی	
ما امنیت روسیه و مردم خود را با اطمینان تامین خواهیم کرد. روسیه آماده است در جریان مذاکرات درباره وضعیت بی‌طرف اوکراین و غیرمیلیتاریزه کردن و نازی‌زدایی آن صحبت کند. هدف روسیه حمایت از افرادی است که به مدت هشت سال تحت قلدری و نسل‌کشی رژیم کی‌یف قرار گرفته‌اند. نیروهای مسلح ما فقط به زیرساخت‌های نظامیان و نیروهای نظامی آن حمله می‌کنند. هدف عملیات ویژه اشغال اوکراین نیست. افزایش قیمت انرژی تقصیر روسیه نیست. هدف عملیات ویژه سرنگونی دلت فعلی اوکراین نیست. مسکو هیچ طرح اشغال‌گری ندارد. عملیات نظامی ویژه به موقع اتفاق افتاد و طبق برنامه پیش می‌رود.	منتسب به خود	قطب‌بندی
رژیم کی‌یف در منطقه دونباس نسل‌کشی می‌کند. رژیم کی‌یف مسئول جنایت‌های خونین علیه مردم دونباس است. اوکراین از غرب سلاح‌های مرگبار دریافت می‌کند. رژیم کی‌یف به دنبال سلاح‌های هسته‌ای است. مزدوران خارجی تحت حمایت اوکراین از مردم به‌عنوان سیر انسانی استفاده می‌کنند. ملی‌گرایان اوکراینی مردم را گوشت دم توپ می‌کنند. نئونازی‌ها با خود مردم اوکراین نیز بدرفتاری می‌کنند. کشورهای غربی به همراه رژیم کی‌یف قاتلان واقعی هستند. اوکراین توسط باندمعتادان به مواد مخدر و نئونازی گروگان شده است.	منتسب به دیگری	



کارویژه‌های تحلیل متن		گزیده مقوله‌های گفتمانی خبرگزاری اسپوتنیک فارسی در زمینه جنگ اوکراین
استناد یا ذکر شواهد در متن		اسپوتنیک، رهبر روسیه، وزارت دفاع روسیه، زلنسکی، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه، رئیس جمهوری خلق دونتسک، سخنران‌های پوتین، وزارت دفاع روسیه، سرگئی لاوروف.
پیش‌فرض‌ها		رژیم کی‌یف در منطقه دونباس نسل‌کشی می‌کند، روسیه برای نجات مردم جمهوری‌های دونباس عملیات نظامی ویژه را آغاز کرده است. اوکراین تحت کنترل ملی‌گرایان افراطی و نئونازی‌هاست، روسیه به دنبال اجرای عدالت است، روسیه به دنبال حذف تهدیدهای خارجی و نجات مردم خود است.
دلالت‌های ضمنی	تلقین	آمریکا و غرب مردم اوکراین را قربانی نقشه‌های خود برای تضعیف روسیه کرده‌اند، دولت اوکراین در هشت سال گذشته با مردم منطقه دونباس به شکل وحشیانه رفتار کرده است، جنگ نتیجه محاسبات اشتباه دولت اوکراین است و روسیه مقصر نیست، حمله نظامی یک عملیات ویژه نظامی است و نه یک جنگ گسترده، هدف عملیات ویژه نظامی سرنگونی دولت اوکراین نیست، روسیه می‌خواهد با نئونازی‌ها و ملی‌گرایان افراطی مستقر در اوکراین بجنگد و نه با مردم اوکراین.
	تداعی	روسیه برای حذف ملی‌گرایان افراطی و نئونازی‌های مستقر در اوکراین راهی جز عملیات ویژه نظامی نداشت، زلنسکی بازیچه سیاست‌های غرب است، غرب با ارسال سلاح‌های مرگبار، جان مردم اوکراین را به خطر می‌اندازد، با حذف جنایتکاران جنگی و نئونازی‌ها، عملیات ویژه نظامی نیز پایان می‌یابد، روسیه یک کشور بزرگ و قدرتمند است و توانایی دفاع از سرزمین‌های خود را دارد.
	مؤلفه‌های اجماع و توافق	هسته‌ای کردن اوکراین، نقشه آمریکا و غرب برای جلوگیری از قدرت روسیه است، در صورت خلع سلاح شدن اوکراین، مسکو عملیات ویژه نظامی را متوقف می‌کند، ملی‌گرایان افراطی و نئونازی اوکراین دشمنان سرسخت روسیه هستند، مردم جمهوری‌های لوهانسک و دونتسک خواهان ملحق شدن به روسیه هستند، عملیات ویژه نظامی طبق برنامه پیش می‌رود، رژیم کی‌یف و غرب قاتلان واقعی هستند.
	گزاره‌های اساسی	دولت کی‌یف تحت کنترل ملی‌گرایان افراطی و نئونازی‌ها قرار دارد، عملیات ویژه نظامی از غیر نظامیان منطقه دونباس در برابر نسل‌کشی حفاظت می‌کند، نیروهای روسیه هیچ حمله‌ای به تاسیسات غیرنظامی و شهروندان اوکراین نمی‌کند، روسیه به دنبال آزادسازی سرزمین‌های اشغالی از دست نئونازی‌ها و ملی‌گرایان افراطی اوکراینی است، عملیات ویژه نظامی بهترین راه حل ممکن و به موقع آغاز شد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که براساس رویکرد ون دایک در تحلیل گفتمان، خبرگزاری اسپوتنیک فارسی، از واژه‌های با بار معنایی مثبت مانند میلیتاریزه‌دایی، حمایت و ... به معرفی روسیه پرداخته و در مقابل، اوکراین، غرب و آمریکا را با واژه‌های دارای بار منفی مانند نسل‌کشی، نئونازی‌ها و ... معرفی کرده است. اسپوتنیک فارسی در بازنمایی افراد و نهادها باز هم به صورت مثبت و منفی عمل کرده است. این خبرگزاری، افراد و نهادهای روسی مانند «روسیه، پوتین، ماریا زاخارووا و وزارت دفاع روسیه» را به صورت مثبت و افراد و نهادهای اوکراینی و غربی مانند «ملی‌گرایان اوکراینی، زلنسکی، کنگره آمریکا و بریتانیا» را به صورت منفی بازنمایی کرده است. همچنین این خبرگزاری متناسب با گفتمان خود، ارزش‌ها و صفات مثبت مانند «هدف روسیه حمایت از افرادی است که به مدت هشت سال تحت قلدری و نسل‌کشی رژیم کی‌یف قرار گرفته‌اند» به خود و ارزش‌ها و صفات منفی مانند «کشورهای غربی به‌همراه رژیم کی‌یف قاتلان واقعی هستند» را به دیگری یعنی اوکراین و حامیان آن نسبت داده است. این خبرگزاری روسی در اخبار خود، بیشتر به منابع روسی و یا طرفدار روسیه مانند «رهبر روسیه، وزارت دفاع روسیه، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه و رئیس جمهوری خلق دونتسک» استناد می‌کند. در رابطه با پیش‌فرض‌ها می‌توان گفت که پیش‌فرض «رژیم کی‌یف در جمهوری‌های دونباس نسل‌کشی می‌کند و روسیه برای نجات مردم منطقه دونباس عملیات نظامی ویژه را آغاز کرده است» از مهم‌ترین پیش‌فرض‌های این خبرگزاری است. اخبار خبرگزاری اسپوتنیک فارسی به دنبال تلقین این گزاره است که «آمریکا و غرب، مردم اوکراین را قربانی نقشه‌های خود برای تضعیف روسیه کرده‌اند و جنگ نتیجه محاسبات اشتباه دولت اوکراین بوده و روسیه مقصر نیست». همچنین اخبار این خبرگزاری چنین تداعی می‌کند که «روسیه برای حذف ملی‌گرایان افراطی و نئونازی‌های مستقر در اوکراین راهی جز عملیات ویژه نظامی نداشت و با حذف جنایتکاران جنگی و نئونازی‌ها، عملیات ویژه نظامی نیز پایان می‌یابد» و در رابطه با مولفه‌های اجماع و توافق می‌توان گفت که «هسته‌ای کردن اوکراین، نقشه آمریکا و غرب برای جلوگیری از قدرت روسیه است و مردم جمهوری‌های لوهانسک و دونتسک خواهان ملحق شدن به روسیه هستند» از مهم‌ترین مؤلفه‌های بازنمایی شده در اخبار خبرگزاری اسپوتنیک فارسی است. در نهایت این امر که «عملیات ویژه نظامی بهترین راه حل ممکن و به موقع آغاز شد»، از مهم‌ترین گزاره‌های اساسی بازنمایی شده در این خبرگزاری محسوب می‌شود.



همچنین بر مبنای روش تحلیل گفتمان فرکلاف، اخبار برگزیده شده خبرگزاری اسپوتنیک فارسی مورد بررسی قرار گرفت که یافته‌های آن در جدول زیر قابل مشاهده است:

جدول ۴. یافته‌های تحلیل گفتمانی خبرگزاری اسپوتنیک فارسی بر اساس روش فرکلاف

سطح گفتمانی	یافته گفتمانی خبرگزاری اسپوتنیک فارسی درباره جنگ اوکراین
توصیف	<p>خبرگزاری اسپوتنیک فارسی در توصیف «خود» از واژگان و مترادف‌هایی با بار مثبت نظیر امنیت، نازی‌زدایی، میلیتاریزه‌زدایی، نجات، حمایت، جمهوری‌های مردمی، عملیات ویژه و امثال آن‌ها استفاده کرده است، اما در توصیف اوکراین از چینش واژگان و مترادف‌هایی با بار منفی مانند تهاجم، قلدردی، نسل‌کشی، رژیم، جنایتکاران، خونین، فریب، محاسبات اشتباه، معتادان، ملی‌گرایان افراطی و ... بهره برده است. در واقع در متون خبری این خبرگزاری، دولت اوکراین به عنوان یک «رژیم سیاسی فاقد مشروعیت» با کلمات و عباراتی نظیر نئونازی‌ها، ملی‌گرایان افراطی، معتادان به مواد مخدر و ... توصیف شده است.</p>
تفسیر	<p>در سطح «تفسیر»، متون خبرگزاری اسپوتنیک فارسی به دنبال بازنمایی این امر است که حمله نظامی روسیه به اوکراین نتیجه نسل‌کشی‌های دولت اوکراین در منطقه دونباس، تحرکات هسته‌ای کی‌یف و توطئه ناتو علیه روسیه تلقی شده است. این خبرگزاری، جنگ را ذیل دوگانه‌سازی قرار می‌دهد. روسیه، بلاروس و منطقه دونباس را به عنوان «خود» و دولت اوکراین، ملی‌گرایان افراطی، نئونازی‌ها، ناتو، کشورهای غربی و آمریکا را به عنوان «دیگری» مطرح می‌نماید. همچنین اخبار این خبرگزاری با به کارگیری واژگانی مانند آزادسازی، تامین امنیت، نجات مردم، رفع تهدید بر حقانیت «خود» تاکید کرده است.</p>
تبیین	<p>در سطح «تبیین» در متون خبرگزاری مورد مطالعه، استفاده از عباراتی چون «آمریکا و غرب مردم اوکراین را قربانی نقشه‌های خود برای تضعیف روسیه کرده‌اند»، «دولت اوکراین در هشت سال گذشته با مردم جمهوری‌های دونباس به شکل وحشیانه رفتار کرده است»، «جنگ نتیجه محاسبات اشتباه دولت اوکراین است و روسیه مقصر نیست» و «حمله نظامی یک عملیات ویژه نظامی است و نه یک جنگ گسترده» گویای آن است که دولت روسیه و شخص پوتین برای رفع تهدید از کشور خود و نجات مردم جمهوری‌های دونباس راه دیگری چون «عملیات ویژه نظامی» نداشته است. همچنین این خبرگزاری با به کارگیری عباراتی چون «نیروهای روسیه هیچ حمله‌ای به تأسیسات غیرنظامی و شهروندان اوکراین نمی‌کنند»، «ملی‌گرایان افراطی و نئونازی اوکراین دشمنان سرسخت روسیه هستند» و «غرب با ارسال سلاح‌های مرگبار، جان مردم اوکراین را به خطر می‌اندازد»، به مخاطبان خود چنین القاء می‌نماید که روسیه با مردم اوکراین نمی‌جنگد، بلکه با ملی‌گرایان افراطی، نئونازی‌ها و حامیان آن‌ها یعنی آمریکا و غرب که جان اوکراینی‌ها را به خطر می‌اندازند، می‌جنگد.</p>

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که خبرگزاری اسپوتنیک فارسی با استفاده از واژگان دارای بار منفی، دولت اوکراین را یک «رژیم سیاسی فاقد مشروعیت» توصیف کرده است. این خبرگزاری در بخش تفسیر، جنگ را ذیل دوگانه‌سازی قرار داده و روسیه و طرفداران آن را به‌عنوان «خود» و اوکراین و حامیان آن مانند آمریکا و بریتانیا را به‌عنوان «دیگری» بازنمایی کرده است. همچنین در بخش تبیین، این خبرگزاری، به مخاطبان خود چنین القاء می‌نماید که روسیه با مردم اوکراین نمی‌جنگد، بلکه با ملی‌گرایان افراطی، نئونازی‌ها و حامیان آن‌ها یعنی آمریکا و غرب که جان اوکراینی‌ها را به خطر می‌اندازند، می‌جنگد.

نتیجه‌گیری

رسالت اصلی رسانه‌های خبری در انتقال سریع و آگاهی‌بخش اخبار و وقایع دنیا است که در این میان عرصه سیاسی از جمله اصلی‌ترین حوزه‌های توجه و تمرکز مطبوعات و رسانه‌ها به شمار می‌رود. به طور مشخص، جنگ از عرصه‌های مهم و تاثیرگذاری است که از یک سو مستقیم و غیرمستقیم با جامعه و شهروندان ارتباط دارد و از سوی دیگر، به واسطه همین تاثیرگذاری مورد توجه و علاقه رسانه‌ها است. جنگ به منزله بخشی از اقدامات دولت‌ها و قدرت‌های سیاسی می‌تواند در قالب‌های گفتمانی انعکاس یابد. جنگ روسیه و اوکراین که در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ آغاز شد نیز از این قاعده مستثنی نیست و رسانه‌های هر دو کشور درگیر جنگ تلاش دارند تا از طریق بازنمایی، گفتمان خود از جنگ را بسط دهند. تحلیل گفتمان اخبار خبرگزاری اسپوتنیک فارسی درباره جنگ روسیه و اوکراین از تاریخ ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ تا ۲۳ مارس ۲۰۲۲، گویای آن است که متون این خبرگزاری از لحاظ سبک واژگانی، افراد و نهادهای مطرح شده در متن، استنادها، پیش‌فرض‌ها، تلقین و تداعی‌ها، مؤلفه‌های اجماع و توافق و گزاره‌های اساسی از یک گفتمان مشخصی استفاده می‌کند. این خبرگزاری در انتشار اخبار خود به‌دنبال بازنمایی این موضوع است که آمریکا و غرب، مردم اوکراین را قربانی نقشه‌های خود برای تضعیف روسیه کرده‌اند. خبرگزاری اسپوتنیک فارسی معتقد است که دولت اوکراین در سال‌های اخیر با سیاست‌های نازی‌گرایی و ضدروسی خود، مردم روس تبار مناطق دونباس و دونتسک را قتل‌عام کرده و لذا بر ضرورت جلوگیری از گسترش نئونازی‌ها و ملی‌گرایان افراطی تاکید می‌کند. این خبرگزاری در اخبار خود چنین القاء می‌کند که سیاست‌های دولت اوکراین و پیروی آن از آمریکا و غرب، سبب اصلی جنگ ۲۴ فوریه است. همچنین، بررسی اخبار خبرگزاری اسپوتنیک فارسی بر مبنای روش تحلیل گفتمان فرکلاف نشان می‌دهد که گفتمان بازنمایی شده توسط این



خبرگزاری، یک «گفتمان دفاعی» است. این خبرگزاری، با استفاده از رویکردهای مطلوب خود برای ساخت قطب‌بندی، جنگ را ارزیابی کرده و در نهایت با استفاده از گفتمان دفاعی، بر ضرورت دفاع روسیه از خود در برابر آمریکا و غرب تأکید می‌کند. اسپوتنیک فارسی با طرح دال‌هایی چون هسته‌ای شدن اوکراین، توطئه آمریکا و غرب برای تضعیف روسیه، نسل‌کشی روس‌ها در منطقه دونباس و تهدید ملی‌گرایان افراطی و نئونازی‌ها برای روسیه، چنین بازنمایی کرده که امنیت روسیه در معرض تهدید قرار گرفته و روسیه به رهبری پوتین برای تأمین منافع و امنیت ملی خود و به عبارتی دیگر برای «دفاع از خود»، عملیات ویژه نظامی را آغاز کرده است. این پژوهش نشان می‌دهد که خبرگزاری اسپوتنیک فارسی با ارائه یک گفتمان دفاعی، سعی کرده تا مخاطبان فارسی زبان خود را قانع نماید که مسکو چاره‌ای جز جنگ با اوکراین نداشته و برای دفاع از امنیت ملی خود، وارد جنگ با اوکراین شده است. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داد که روسیه نه تنها در زمین به دنبال شکست دشمنان خود است، بلکه در تلاش است تا گفتمان رسانه‌ای خود را نیز غالب کند.

یافته‌های این پژوهش ضمن اینکه یافته‌های پژوهش نوری و هلال‌ات (۱۴۰۱) و سمیعی و فرحمند (۱۴۰۱) را تأیید می‌کند، با طرح «گفتمان دفاعی»، مکمل آن‌ها نیز است. البته این پژوهش در پارادایم تحقیقات کیفی انجام شده و بهتر است با توجه به پیشنهادها و پژوهشی ارائه شده، ابعاد مختلف این موضوع در زمان‌های مختلف مطالعه شود. همچنین یافته‌های این پژوهش در تقابل با یافته‌های پژوهش شکوهی (۱۴۰۱) است. یافته‌های پژوهش شکوهی نشان می‌دهد که پوتین در سه بعد بنیادین دچار سوء برداشت شده است. این سوء برداشت‌ها همراه با دو عامل پررنگ در فرهنگ راهبردی روسیه یعنی غرور و ترس موجب تسریع و توجیه جنگ با اوکراین شد، این در حالی است که یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که روسیه با گفتمان دفاعی، وارد جنگ با اوکراین شده است.

بر اساس یافته‌ها و نتایج این پژوهش، پیشنهادها و راهکارهای زیر برای عرصه دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران با محوریت رسانه‌های دیداری، شنیداری و مجازی برون‌مرزی صداوسیما ارائه می‌شود.

پیشنهاد‌های کاربردی و رسانه‌ای

- رسانه‌های برون‌مرزی در روایت جنگ روسیه و اوکراین، لازم است از دیدگاه مستقل جمهوری اسلامی ایران پیروی کنند. نباید برای افکار عمومی منطقه و جهان اینگونه بازنمایی شود که روایت ایرانی همان روایت روسی است.
- رسانه‌های روسی در تحریریه‌های خبری رسانه‌های برون‌مرزی ایران، مورد استناد هستند. رسانه‌های برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران باید گفتمان رسانه‌های روسی را شناسایی کرده و اخبار را بر مبنای گفتمان جمهوری اسلامی ایران پوشش دهند.
- گفتمان دفاعی روسی در جنگ با اوکراین در تقابل با گفتمان متجاوزانه آمریکا در جنگ‌های عراق و افغانستان تبیین شود.
- پیشنهاد می‌شود مجموعه برنامه‌ای در مورد منازعات گفتمانی روسیه و اوکراین در رسانه‌های شنیداری، دیداری و مجازی برون‌مرزی تولید و پخش شود. استفاده از کارشناسان خبره سیاسی و حقوقی در این زمینه ضرورت دارد.
- برگزاری نشست‌های تخصصی با محوریت رسانه‌های روسیه و نقش آن‌ها در جنگ اوکراین در واحدهای پژوهشی و خبری برون‌مرزی توصیه می‌شود.
- ایجاد فرصت‌های مطالعاتی برای پژوهشگران و دانشجویان علاقه‌مند به پژوهش در مورد تاکتیک‌ها و تکنیک‌های رسانه‌های روسیه اقدامی مفید خواهد بود.

پیشنهاد‌های پژوهشی

- پیشنهاد‌های پژوهشی زیر مبتنی بر مقاله حاضر قابل ارائه است:
- تفاوت‌ها و شباهت‌های گفتمان خبرگزاری ایرنا و گفتمان خبرگزاری اسپوتنیک فارسی در رابطه با جنگ روسیه و اوکراین
 - بازنمایی جنگ روسیه و اوکراین در رسانه‌های اوکراینی
 - شناخت تفاوت‌های گفتمان رسانه‌ای غربی و روسیه درباره مناطق دونباس و دونتسک
 - شناخت بعد سایبری جنگ روسیه و اوکراین

منابع و مأخذ

- ترابی اقدم، محمود و بختیاری، ته‌مینه (۱۴۰۱). محور مقاومت اسلامی در گفتمان رسانه‌های شبکه‌های خبری سی‌ان‌ان، یورونیوز و بی‌بی‌سی. *پژوهشنامه رسانه بین‌الملل*، ۷ (۲)، ۱۶۴-۱۲۹.
- خسروی نیک، مجید (۲۰۱۵). *گفتمان، هویت و مشروعیت: خود و دیگری در بازنمایی‌های برنامه‌های هسته‌ای ایران*. ترجمه نیلوفر آقا ابراهیمی (۱۳۹۷). قم: لوگوس.
- ذوالقدر، حسین (۱۳۹۱). نقش تلویزیون در فرایند جهانی محلی شدن: ارائه مدلی در نحوه انعکاس واقعیت از دریچه تلویزیون. *پژوهش‌های ارتباطی*، ۱۹ (۳)، ۱۵۷-۱۲۹.
- رضی، حسین و خلیلی، عابد (۱۳۹۲). مقایسه گفتمان‌های الجزیره انگلیسی و پرس تی وی در مورد پوشش خبری درگیری‌های سوریه. *مطالعات ماهواره و رسانه‌های جدید*، ۲ (۴)، ۷۰-۴۵.
- سمعی اصفهانی، علیرضا و فرحمند، سارا (۱۴۰۱). تبیین چرایی و چگونگی شکل‌گیری جنگ روسیه و اوکراین برپایه نظریه موازنه تهدید. *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱۲ (۳)، ۱۲۷-۱۰۱.
- شکوهی، سعید (۱۴۰۱). سوء برداشت‌های پوتین و جنگ ۲۰۲۲ اوکراین. *مطالعات اوراسیایی مرکزی*، ۱۵ (۲)، ۲۶۸-۲۸۸.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۰). *گفتمان و جامعه*. تهران: نشر نی.
- فرقانی، محمد مهدی (۱۳۸۲). *راه دراز گذار؛ تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران*. تهران: فرهنگ و اندیشه
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه گروه مترجمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قجری، حسینعلی و نظری، جواد (۱۳۹۲). کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی. تهران: جامعه‌شناسان.
- قره‌باغی، علی اصغر (۱۳۸۳). اندیشه: واژگان و اصطلاحات فرهنگ جهانی (۲۰) بازنمایی. *گلستانه*، ۵۸، ۳۷.
- کاظمی، عباس و فصیحی، آزاده (۱۳۸۶). بازنمایی زنان در یک آگهی تجاری تلویزیونی. *زن در توسعه و سیاست*، ۵ (۱)، ۱۵۳-۱۳۷.
- مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۸۷). *رسانه‌ها و بازنمایی*. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مهدی‌زاده، سید محمد و علیزاده، عبدالرحمان (۱۳۹۳). بازنمایی برکناری مرسی در اخبار تلویزیونی صداوسیما ج.ا.و بی بی فارسی. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۵ (۲۵)، ۲۴۲-۲۱۷.



- نوروزی، پژمان، هلالات، عماد و مقومی، امیررضا (۱۴۰۱). واکاوی جنگ روسیه و اوکراین از منظر هستی‌شناختی. *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۲۸ (۱۲۰). ۱۳۵-۱۵۸.
- نیک ملکی، محمد (۱۳۸۴). *تحلیل گفتمان اخبار شبکه ای العالم و الجزیره با تاکید بر رویدادهای عراق*. تهران: دانشگاه صدا و سیما.
- هوشیار، مهدی و گودرزی، محسن (۱۳۹۹). شیوه پوشش اخبار تشکیل ائتلاف دریایی آمریکا در خلیج فارس و دریای عمان (تحلیل گفتمان اخبار سایت‌های ایران اینترنت‌شنال و دویچه وله فارسی). *علوم خبری*، ۹ (۳۳)، ۱۰۴-۷۳.
- Elmusharaf, K. (2012). *Qualitative sampling techniques*. Training Course in Sexual and Reproductive Health Research, Gevena.
- Brayant, L (2021). *Stuart Hall & Theory of Representation the Media: Exploring Get Out anf Candyman*, scholar works. Arcadia. Edu.
- Chatterjee, D. (2014). *The BRICS card: strategy and diplomacy in Ukrainian crisis*. Journal of Peace Studies, 45(21), 3-4.
- Ekshi, H & Chrlik, H. (2011). *Discours Analysis*, Egitim Bilimleri, Turkey, Marmara University , No. 27.
- Fairclough, Norman (1989). *Language and Power*. Longman
- Gorbach, R. (2021). *Media coverage of Crimean referendum in the biggest Spanish newspapers*. La Vanguardia, El Pais , and El Mundo.
- Hall, S. (1997). *Cultural Representations and Signifying Preactices*, London, Open University Press.
- Isherwood, Lisa, Harris, David. (2014). *Radical Otherness: Sociological and Theological Approaches*, Routledge.
- Jorgensen, M & Phillips, L. (2002). *Discourrse Analysis as Theory and method*. London: SAGE.
- Kibry, P. (2022). *Why is Russia invading Ukraine and what does Putin want?* BBC News.
- Kuzio, T. (2019). *Russian stereotypes and myths of Ukraine and Ukrainain and why Novorossiya failed*. Communits and Post- Communist Studies, 52(4), 297-309.
- Miller, E.A. (2017). *To balance or not to balance: aligment theory and the commonwealth of independent state*. Routledge.
- Roy, Abhishek & Paul, Pomoy (2022). *Indian Televisual Vews Discourse on the Russia-Ukraine War*. DiscourseNet Collaborative Working Paper, no.8/2, <https://discourseanalysis.net/dncwps>.
- Stafford, R. and Amp, G.B. (2010). *The Media Students Book*, London: Routledge.
- sputnikarabic.ae (2023). Available at: sputnikarabic.ae/docs/index.html
- Tarique, Muhammad & Shaheen, Lubna (2023). *War Journalism Where Theres No War: Critical Discourse Analysis of Rusoo-Ukraine Conflict in Pakistani Elite Nationl Press*. Athens Journal of Mass Media and Communications, volume 9: 1-19.

- Tsygankov, A. (2015). Vladimir Putins last Stand: The Sources of Russias Ukraine Policy. *Post- Soviet Affairs*, 31(4), 279-303.
- Van Dijk, T.A. (2001). *Discours Analysis as Ideology analysis*, Christina Schaffner & Anital, Wenden (ends). Language & Peace, Dartmouth: Alders hot.
- Van Dijk, Teun Adrianus (2000). *Ethnik Minorities and the Vews Racism: A Discours Analysis Approach*, p.33-49, Buckingham, UK. Open University Press.

ضمیمه

اخبار مطالعه شده

- اسپوتنیک فارسی (۲۰۲۲/۳/۳). لاوروف: قاتلان واقعی در کنار رژیم کی‌یف می‌جنگند. قابل دسترس در:
<https://spnfa.ir/20220303/10309083.html>
- اسپوتنیک فارسی (۲۰۲۲/۳/۳). سخنرانی پوتین در شورای امنیت درباره اوکراین؟ قابل دسترس در:
<https://spnfa.ir/20220303/10315003.html>
- اسپوتنیک فارسی (۲۰۲۲/۳/۹). مسکو: هدف عملیات ویژه روسیه سرنگونی دولت فعلی اوکراین نیست. قابل دسترس در:
<https://spnfa.ir/20220309/10369163.html>
- اسپوتنیک فارسی (۲۰۲۲/۳/۱). فرماندار نیکولایف: نیروهای روسیه نمی‌خواهند به غیرنظامیان شلیک کنند و از شهر دور شدند. قابل دسترس در:
<https://spnfa.ir/20220301/10292351.html>
- اسپوتنیک فارسی (۲۰۲۲/۲/۲۴). جمهوری لوهانسک از عملیات برای آزادی سرزمین‌های اشغال شده خبر داد. قابل دسترس در:
<https://spnfa.ir/20220224/10228383.html>
- اسپوتنیک فارسی (۲۰۲۲/۳/۱۶). ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه گفت که اوکراین هرگز به عنوان تکیه‌گاهی برای تهدید روسیه عمل نخواهد کرد. قابل دسترس در:
<https://spnfa.ir/20220316/10436583.html>
- اسپوتنیک فارسی (۲۰۲۲/۳/۱۶). زلنسکی: سامانه‌های هوایی در اختیار اوکراین قرار گیرد. قابل دسترس در:
<https://spnfa.ir/20220316/10435845.html>
- اسپوتنیک فارسی (۲۰۲۲/۳/۱۰). پوتین: آمریکا با پنهان شدن پشت روسیه تلاش می‌کند مردم خود را فریب دهد. قابل دسترس در:
<https://spnfa.ir/20220310/10380936.html>
- اسپوتنیک فارسی (۲۰۲۲/۳/۶). عملیات ویژه روسیه به موقع بود و جان صدها هزار نفر را در کریمه و دونباس نجات داد. قابل دسترس در:
<https://spnfa.ir/20220306/10341834.html>
- اسپوتنیک فارسی (۲۰۲۲/۳/۵). قبل از عملیات ویژه چه تعداد سلاح وارد اوکراین شده است؟ قابل دسترس در:
<https://spnfa.ir/20220305/10334852.html>
- اسپوتنیک فارسی (۲۰۲۲/۳/۵). پوتین: استقرار احتمالی سلاح هسته‌ای در اوکراین آینده این کشور را زیر سوال می‌برد. قابل دسترس در:
<https://spnfa.ir/20220305/10334271.html>



اسپوتنیک فارسی (۲۰۲۲/۳/۵). وزارت دفاع روسیه ویدئوی عملیات نابود سازی ملی گرایان اوکراینی را

منتشر کرد. قابل دسترس در: <https://spnfa.ir/20220305/10327476.html>

اسپوتنیک فارسی (۲۰۲۲/۳/۳). رهبر اوکراین از ورود اولین نیروهای داوطلب خارجی به این کشور خبر

داد. قابل دسترس در: <https://spnfa.ir/20220303/10308065.html>

اسپوتنیک فارسی (۲۰۲۲/۲/۲۵). پوتین خطاب به مردم اوکراین: قدرت را در دستان خود بگیرید. قابل

دسترس در: <https://spnfa.ir/20220225/10248766.html>

تحلیل فنون ترجمه شفاهی همزمان در رسانه بر اساس الگوی جان پدرسن، مطالعه موردی: سخنرانی سیدحسن نصرالله در یادبود شهادت شهید سلیمانی

محمد رضا سعیدی^۱، مرتضی زارع برمی^۲

چکیده

زمان، مهم‌ترین چالش مترجم رسانه در ترجمه شفاهی همزمان سخنرانی‌ها است. سرعت گفتار سخنران، متن سخنرانی، دستور متفاوت زبان مبدأ از زبان مقصد و کیفیت دریافت صدای سخنران نیز به اندازه زمان می‌تواند برای مترجم رسانه چالش‌آفرین باشد؛ بنابراین موفقیت ترجمه شفاهی همزمان سخنرانی‌ها به سه عامل سرعت عمل، مهارت و خلاقیت مترجم بستگی دارد. مسأله پژوهش حاضر، تحلیل فنون ترجمه شفاهی همزمان سخنرانی‌ها در رسانه است. برای این منظور، سخنرانی ۱۵ دی ۱۳۹۸ (۵ ژانویه ۲۰۲۰) سیدحسن نصرالله و ترجمه های شفاهی همزمان و کتبی آن، انتخاب شده است. موضوع این سخنرانی، مرتبط با شهادت شهید قاسم سلیمانی و همراهانش است. فرایند ترجمه‌های یاد شده با روش توصیفی-تحلیلی در چارچوب الگوی جان پدرسن به بحث گذارده شده است. این الگو شامل شش راهبرد حفظ، تصریح، ترجمه مستقیم، تعمیم، جایگزینی و حذف است. نتایج پژوهش نشان داد که ناپایداری متن شفاهی در مقایسه با متن کتبی، لزوم تحویل فوری ترجمه به مخاطبان و تفاوت‌های دستوری زبان عربی از زبان فارسی، کاربست طبیعی زبان مقصد را در ترجمه شفاهی همزمان سخنرانی مذکور دشوار ساخته است. با این همه، بیان احساسی مترجم، خلاقیت وی در کاربست راهبردهای ترجمه و نیز انتقال مفاهیم کلیدی سخنرانی به زبان فارسی، فاصله گرفتن وی از زبان طبیعی را جبران نموده است.

کلیدواژه‌ها: رسانه، سیدحسن نصرالله، ترجمه، الگوی جان پدرسن، شهید سلیمانی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

۱. کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران. m.saeidi@std.du.ac.ir
۲. استادیار گروه مترجمی زبان عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران (نویسنده مسئول). m.zare@du.ac.ir

مقدمه

در رشته مطالعات ترجمه، این اتفاق نظر وجود دارد که «ترجمه‌ها هیچ‌گاه کاملاً شبیه متن اصلی نیستند. همیشه تغییر، خطا و تفسیرهای شخصی راهی به ترجمه باز می‌کنند» (Gentzler and Tymoczko, 2002: xvi). با این حال، تولید متنی که مخاطبان به سرعت و سهولت بتوانند آن را بفهمند، هدفی است که مترجمان در فرایند ترجمه متون به‌دنبالش هستند. تحقق این هدف در ترجمه سخنرانی‌ها اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است، زیرا مخاطبان جامعه مقصد، فقط چند ثانیه برای فهم اطلاعاتی که از طریق صفحه نمایش می‌شنوند یا از روی صفحه نمایش می‌خوانند، در اختیار دارند و اگر شنونده یا بیننده نتواند به سرعت، اطلاعات مزبور را متوجه شود، ممکن است علاقه خود را به شنیدن یا دیدن این اطلاعات از دست بدهد؛ بنابراین مترجم شفاهی همزمان، موظف است با استفاده از راهبردهای مبدأمحور یا مقصدمحور و بدون آنکه در انتخاب راهبردهای خود تعلل نماید، گفتار گوینده را به کاربران زبان جامعه مقصد ارائه دهد. در توضیح باید افزود که مترجم در ترجمه کتبی، زمان بیشتری برای کنار آمدن با موانع ترجمه و انتخاب واژگان و دستور مناسب در اختیار دارد. او می‌تواند برای رفع مشکلات مرتبط با دریافت مفهوم متن و یا معادل‌یابی مناسب برای واژگان از فرهنگ لغت، منابع آنلاین، منابع انسانی و مانند آن‌ها استفاده کند، در حالی که زمان ترجمه برای مترجم شفاهی همزمان، بسیار کوتاه و گاهی در حد چند ثانیه یا چند صدم ثانیه است؛ بنابراین او نمی‌تواند از منابع یاد شده کمک بگیرد. در اینجا مترجم شفاهی همزمان برای درک پیام گوینده به نوعی شم پیشگویی نیاز دارد، به این معنا که وی باید بتواند به شکل اکتسابی و با تکیه بر تمرین‌هایی که پیش‌تر انجام داده و مهارت‌هایی که کسب کرده، واژگان و ساختارهایی را که به‌دنبال هم می‌آیند، تا حدودی حدس بزند و به سرعت و بدون معطلی آن‌ها را بر اساس راهبردهای مبدأمحور یا مقصدمحور به زبان مقصد انتقال دهد.

در ادبیات مطالعات ترجمه تعاریف متفاوتی برای «راهبرد» ارائه شده است. به‌طور کلی، واژه راهبرد را می‌توان برای اشاره به رویکردی کلی در ترجمه متن و یا برای اشاره به تصمیمات جداگانه‌ای که در سطح کلمه، عبارت یا جمله گرفته می‌شود به‌کار برد. البته کاربرد این واژه در مفهوم دوم رایج‌تر است (اسکمل^۱، ۱۴۰۰: ۸۵). از نظر پدرسِن راهبرد ترجمه در واقع تصمیمی است که مترجم برای حل مشکلات ترجمه در نقاط بحرانی خاصی از متن در پیش می‌گیرد (Pedersen, 2005: 1). راهبردهای وی در ترجمه عبارت است از: الف) راهبردهای مبدأمحور:



حفظ، تصریح، ترجمه مستقیم؛ ب) راهبردهای مقصدمحور: تعمیم، جایگزینی؛ ج) راهبرد مستقل از مبدأمحوری و مقصدمحوری: حذف (Pedersen, 2005: 4).

ترجمه نوعی فعالیت است. اگر این فعالیت با موفقیت به پایان نرسد، نمی‌توان درباره آن نظریه درستی ارائه داد. در شرح فرایند ترجمه باید ترجمه‌های موفق مبنای کار قرار گیرد، در غیر این صورت، نظریه ترجمه هدف درستی را دنبال نخواهد کرد (لودهرر، ۱۳۹۶: ۶۳). بر همین اساس، مطالعه موردی پژوهش حاضر به‌طور هدفمند انتخاب شده است. ترجمه شفاهی همزمان سخنرانی ۱۵ دی ۱۳۹۸ (۵ ژانویه ۲۰۲۰) سیدحسن نصرالله که در یادبود شهادت سپهبد قاسم سلیمانی و همراهان وی ایراد شده (به مدت ۰۱:۲۱:۰۴) از جمله موارد موفق ترجمه در صداوسیما (شبکه خبر) است و می‌تواند به‌عنوان یک الگوی مناسب در شناخت معیارهای ترجمه شفاهی همزمان در نظر گرفته شود. ترجمه سخنرانی سیدحسن نصرالله هرچند در رسانه‌های داخلی صداوسیما صورت گرفته، اما با توجه به اینکه رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما نیز پیوسته با مسأله ترجمه سروکار دارند، واکاوی فنون ترجمه شفاهی همزمان برای این رسانه‌ها نیز مفید به نظر می‌رسد. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. سؤال‌های پژوهش عبارت است از:

۱- چالش‌های کاربست طبیعی زبان مقصد در ترجمه شفاهی همزمان چیست؟

۲- در چهارچوب الگوی جان پدرس، واکنش مترجم به چالش‌های ترجمه شفاهی همزمان سخنرانی ۱۵ دی ۱۳۹۸ سیدحسن نصرالله چیست؟

پیشینه پژوهش

جستجو در منابع کتابخانه‌ای از جمله کتابخانه ملی و کتابخانه‌های دانشگاهی، و نیز بانک‌های اطلاعاتی از جمله *magiran*، *arandoc* و *noormags* آشکار ساخت که تحلیل راهبردهای ترجمه شفاهی همزمان سخنرانی‌ها با استفاده از الگوی جان پدرس، تاکنون در یک اثر پژوهشی مستقل مورد توجه قرار نگرفته است؛ با این حال، فنون ترجمه‌های شفاهی همزمان و کتبی در بسیاری از پژوهش‌ها مبنای تحلیل بوده است که در اینجا به پنج مورد اشاره می‌شود.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان پژوهش	پژوهشگر(ان)	تاریخ انتشار	یافته‌ها
۱	تأثیر عناصر زبانی و فرازبانی در تفسیر کنفرانس ^۱	فلاح شاهرودی و تهرانی	۲۰۱۴	مجموعه‌ای از عوامل زبانی (دانش زبانی، ضرورت ترجمه اصطلاحات تخصصی، حفظ سبک سخنران)؛ فرازبانی (حرکت های بدن، تماس چشمی، سرعت گفتار، کیفیت صدا) و روان‌شناسی (ویژگی‌های سخنران و اضطراب مترجم) در ترجمه شفاهی تأثیرگذار است.
۲	نگاهی به چالش‌های ترجمه همزمان فارسی - عربی و برعکس	فقهی و سلمانی	۱۳۹۴	مترجم شفاهی همزمان در صورت ندانستن یا فراموشی معادل دقیق واژگان زبان مبدأ می‌تواند از روش توضیح محتوا استفاده کند؛ اگر مترجم معنای یک اصطلاح را نمی‌داند، باید از ترجمه‌اش صرف‌نظر کند؛ مترجم باید ثروت زبانی خود را با آموختن مترادف‌ها تقویت کند تا بدین‌وسیله از کاربرد واژگان تکراری بپرهیزد.
۳	طرحی برای آموزش ترجمه دیداری در کلاس‌های ترجمه شفاهی	شفیعی و همکاران	۱۳۹۷	لازمه داشتن کنش موفق در ترجمه‌های شفاهی و کتبی، برخورداری از نظام آموزش توانمندی است که توجه فراگیران را به روند یادگیری جلب کند و راهبردهای متنوع، مهارت‌های حل مسأله و چگونگی تصمیم‌گیری را به آن‌ها آموزش دهد.
۴	بررسی عملکرد حافظه کوتاه‌مدت در فرایند ترجمه شفاهی عربی به فارسی و بالعکس	قاسمی و همکاران	۱۴۰۰	استفاده از یادیارها، تقطیع اطلاعات، و تنظیم میزان صدای گوینده و مترجم برای به یادسپاری بهتر مطالب، در بهبود عملکرد حافظه کوتاه‌مدت مؤثر است.

ردیف	عنوان پژوهش	پژوهشگر(ان)	تاریخ انتشار	یافته‌ها
	(بررسی موردی ترجمه شبکه‌های العالم و خبر)			عدم تمرکز در شنیدن گفتار گوینده، عدم ذخیره‌سازی مناسب شنیده‌ها و تداعی ناقص مطالب، برای حافظه کوتاه‌مدت چالش‌آفرین است.
۵	تحلیلی بر راهبردهای مترجم شفاهی همزمان ایرانی بر اساس نظریه معادل‌های ترجمه: مطالعه گفتمان‌نماهای استنباطی و توالی	محمدی	۱۴۰۱	ترجمه یک نوع خاص از گفتمان‌نمای زبان مبدأ به چند گفتمان‌نما از زبان مقصد نشانه تنوع، پویایی، انعطاف‌پذیری، نوآوری‌های مختلف دستوری، معنایی، و منظورشناختی در ترجمه شفاهی همزمان است.

نوآوری پژوهش حاضر، به پنج عامل وابسته است: ۱- کاربست الگوی پدرس در تحلیل فنون ترجمه‌های شفاهی همزمان و کتبی؛ ۲- تحلیل دو ترجمه شفاهی همزمان و کتبی از یک سخنرانی؛ ۳- توضیح چالش‌های ترجمه شفاهی همزمان در مقایسه با ترجمه کتبی برای رسانه‌ها؛ ۴- مبنا قرار دادن استعداد و خلاقیت مترجم در موفقیت ترجمه؛ ۵- انتخاب سخنرانی ۱۵ دی ۱۳۹۸ سیدحسین نصرالله در یادبود شهادت سرداران و رزمندگان جبهه مقاومت از جمله شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی و شهید حاج ابومهدی المهندس.

۱. چارچوب نظری

۱-۱. بیگانه‌سازی و بومی‌سازی

در مطالعات ترجمه این که راهبرد ترجمه می‌تواند بیگانگی متن مبدأ را آشکار یا پنهان سازد، ایده‌ای دیرینه است. استفاده متداول از واژه‌های «بیگانه‌سازی» و «بومی‌سازی» در چنین مباحثی اهمیت نقش ونوتی را نشان می‌دهد (Venuti, 2008: 998). پدرس متأثر از ونوتی است (اسکمل، ۱۴۰۰: ۹۶)؛ با این حال، وی از واژگان ونوتی استفاده نمی‌کند، در الگوی پدرس واژه بیگانه‌سازی با «مبدأمحور» و واژه بومی‌سازی با «مقصدمحور» جایگزین شده است (همان: ۹۷-۹۶). ونوتی راهبرد بیگانه‌سازی را به‌عنوان جایگزینی اخلاقی برای سنت بومی‌سازی در ترجمه ادبی به زبان انگلیسی مطرح ساخته و معتقد است که مترجم «نویسنده را به وطن می‌آورد» یا «خواننده را به

خارج می‌فرستد» (Venuti, 2008: 15) تا بدین وسیله استدلال کند که ترجمه امکانی برای برقراری ارتباط مخاطبان با فرهنگ و زبان مبدأ فراهم می‌آورد. ونوتی مفاهیم یاد شده را از مقاله اشلایرماخر الهام گرفته است: «مترجم، نویسنده را تا حد امکان در آرامش رها می‌سازد و خواننده را به‌سوی او می‌برد یا خواننده را تا حد ممکن راحت می‌گذارد و نویسنده را به‌سوی او می‌برد» (Schleiermacher, 1813/ 2006: 49). انتخاب اول اشلایرماخر، روش بیگانه‌سازی است؛ انتخابی که کاملاً مورد حمایت ونوتی واقع شده و مترجمان را به برگزیدن آن، به‌عنوان ابزار «مقاومت» در برابر «قوم‌گرایی و نژادپرستی، و خودشیفتگی و امپریالیسم فرهنگی» فرامی‌خواند. ونوتی مفاهیم مذکور را مترادف با راهبرد بومی‌سازی می‌داند (Venuti, 2008: 16). بیکر^۱ (2010) از نظریه ونوتی به دلیل ناکامی آن در نمایاندن واقعیت ترجمه انتقاد می‌کند. او چنین استدلال می‌کند که مترجمان روش خاصی را (خواه بیگانه‌سازی، خواه بومی‌سازی) برای ترجمه متنی خاص انتخاب نمی‌کنند، بلکه برحسب مورد، دست به انتخاب‌هایی می‌زنند که برخی از آن‌ها ممکن است بیگانه‌سازی و برخی دیگر بومی‌سازی به حساب بیایند. انتقاد یاد شده در زمینه ترجمه شفاهی همزمان کاملاً مورد تأیید است، زیرا سرعت سخنرانی و لزوم هماهنگی مترجم با گفتار سخنران، فرصت هر شکل از انتخاب یا مصلحت‌اندیشی را از مترجم سلب می‌نماید.

۲-۱. الگوی جان پدرس

۱-۲-۱. راهبردهای مبدأمحور

حفظ: «این راهبرد اجازه می‌دهد عنصری از زبان مبدأ به زبان مقصد وارد شود» (Pedersen, 2005: 4). راهبرد حفظ با نگر داشتن ارجاع فرهنگی برون‌زبانی، بدون این که برای بهتر فهمیده شدن این ارجاع، چیزی بر آن بیفزاید، به‌عنوان مبدأمحورترین (بیگانه‌سازی کننده‌ترین) راهبرد شناسایی شده است (اسکمل، ۱۴۰۰: ۹۸-۹۷).

تصریح: در طبقه‌بندی پدرس، راهبرد تصریح به‌عنوان دومین راهبرد بیگانه‌ساز بعد از راهبرد حفظ قرار می‌گیرد. راهبرد تصریح مانند راهبرد حفظ مبتنی بر «ترجمه نکردن ارجاعات فرهنگی برون‌زبانی» است (Pedersen, 2005: 4). تمایز بین این دو راهبرد در آن است که در راهبرد تصریح، ارجاع فرهنگی برون‌زبانی با استفاده از «آشکارسازی» یا «افزودن» مشخص‌تر می‌شود (اسکمل، ۱۴۰۰: ۱۰۸)؛ راهبرد افزودن از زیرطبقه تصریح، شامل اضافه کردن اطلاعاتی



می‌شود که «در ارجاع فرهنگی برون‌زبانی به‌عنوان بخشی از معنا یا معنای ضمنی این ارجاع نهفته است» (Pedersen, 2005: 5). برای مثال، در گزارش THUGOCRACY مشخص شده است که Villiers-le-Bel منطقه‌ای در «حومه شهر» است، همچنین از نظر جغرافیایی در «شمال پاریس» قرار دارد. در گزارش CRIME POLICIES روزنامه‌نگار پا را فراتر گذاشته و جزئیات بیشتری را در اختیار خواننده قرار داده است: «منطقه کلیشی‌سوبوا^۱ در حومه پایتخت فرانسه، جایی که مهاجران و خانواده‌های فقیر بسیاری در شهرک‌های مسکونی با ساختمان‌های بلند زندگی می‌کنند و به خشونت جوانان معروف است» (Pedersen, 2005: 5).^۲

ترجمه مستقیم: این راهبرد را می‌توان این‌گونه توصیف کرد: «چیزی اضافه یا کم نمی‌شود. هیچ‌گونه کوششی برای انتقال معنای ضمنی به خواننده متن مقصد یا راهنمایی او صورت نمی‌پذیرد» (Pedersen, 2005: 5) پس از راهبردهای حفظ و تصریح، ترجمه مستقیم آخرین مورد از راهبردهایی است که با کمترین تغییر مواجه می‌شود (Pedersen, 2005: 9). در گزارش IMMIGRATION، روزنامه‌نگار نام سیاست مهاجرتی (مهاجرت انتخاب شده / immigration choisie) را از زبان فرانسه به‌طور مستقیم به «مهاجرت انتخاب شده / selected immigration» ترجمه می‌کند. در این مورد، استفاده از راهبرد ترجمه مستقیم، کمکی به توضیح مفهوم برای خواننده نمی‌کند، مخصوصاً که این راهبرد بیشتر «گرفته‌برداری» است تا این‌که ترجمه مستقیم «مبدل / Shifted» باشد (Pedersen, 2005: 9). پدرس معتقد است که راهبرد ترجمه مستقیم یا مبدأمحور است، اگر در آن گرفته‌برداری به‌کار رفته باشد یا مقصدمحور است اگر شامل ترجمه «مبدل» باشد. به‌کار بردن «selected immigration» برای اشاره به سیاست مهاجرتی فرانسه با توصیف «گرفته‌برداری در ترجمه مستقیم» همخوانی دارد؛ این همخوانی بر این اساس است که این ترجمه «نتیجه» یک ترجمه لفظ‌به‌لفظ است و ممکن است برای مخاطب متن مقصد نامتعارف به‌نظر برسد» (Pedersen, 2005: 9). ترجمه‌ای را که از «انتخابی / گزینشی / selective» به‌جای «selected» (برای «choisie» در نام فرانسوی این سیاست) استفاده می‌کند، می‌توان «ترجمه مستقیم مبدل» توصیف کرد، زیرا ارجاع فرهنگی برون‌زبانی را طوری ترجمه می‌کند که در زبان مقصد «جلب توجه نمی‌کند» (Pedersen, 2005: 9). چنین ترجمه‌ای به دو دلیل «کمتر جلب توجه می‌کند»؛ نخست این‌که

1. Clichy-sous-bois

۲. راهبرد افزودن به‌عنوان زیرطبقه راهبرد تصریح، منحصر به اسامی مکان‌ها نیست.

صفت مناسبی در آن به کار رفته است که با بافت مقصد همخوانی دارد («selective» چیزی که ویژگی آن انتخاب کردن است، در حالی که «selected» چیزی است که انتخاب شده است) و دوم این که «selective immigration» هم‌اکنون در زبان انگلیسی برای اشاره به سیاست مهاجرتی استرالیا به کار می‌رود. چه بسا که تصمیم روزنامه‌نگار برای استفاده از «ترجمه مستقیم گرت‌برداری شده» (selected immigration) به جای ترجمه مستقیم مبدا (selective immigration) تصمیمی ناآگاهانه بوده باشد؛ با وجود این، نتیجه‌ای که در ترجمه به دست آمده تا حدی بیگانه‌سازی شده است (اسکمل، ۱۴۰۰: ۱۱۲-۱۱۱).

۲-۲-۱. راهبردهای مقصدمحور

تعمیم: توضیحی که پدرسن برای راهبرد تعمیم می‌دهد، چنین است: «جایگزین کردن ارجاع فرهنگی برون‌زبانی که به چیزی خاص اشاره دارد با چیزی که کلی‌تر است» (Pedersen, 2005: 6). این راهبرد بر این اساس مقصدمحور است که ارجاع فرهنگی برون‌زبانی به طریقی تعدیل می‌شود که با متن مقصد همخوانی داشته باشد. این راهبرد با راهبرد تصریح در تضاد مستقیم است، زیرا تصریح شامل نگه داشتن ارجاع فرهنگی برون‌زبانی «به شکل ترجمه نشده» خود و مشخص‌تر کردن آن است (Ibid: 4). برای مثال، اصطلاح *quartiers sensibles* در گزارش *CRIME POLICIES* به *problem neighbors* ترجمه شده است (اسکمل، ۱۴۰۰: ۱۱۳): «سارکوزی که اواخر ماه مه به‌عنوان وزیر کشور بازگشت، این ماه کارزار جدیدی علیه جرم و جنایت به‌راه انداخت و به نیروی پلیس آموزش دیده دستور داد با ۲۵ محله مشکل‌ساز برخورد کنند» (همان). تصمیم به جایگزینی ارجاع فرهنگی برون‌زبانی در زبان فرانسه با ترجمه آن، به جای استفاده از کلماتی خاص در برگردان آن، باعث شده است که ارجاع فرهنگی برون‌زبانی در گزارش انگلیسی کلی‌تر بیان شود، زیرا با انجام این کار، ارجاع فرهنگی برون‌زبانی مورد نظر از واقعیت فرهنگ‌محوری که در محل اصلی وقوع خبر بر آن دلالت می‌کند، جدا می‌شود (همان).

جایگزینی: «این راهبرد شامل حذف ارجاع فرهنگی برون‌زبانی از متن مبدأ و جایگزین کردن آن با چیز دیگری است، خواه آن چیز، ارجاع فرهنگی دیگری باشد، خواه گفتن آن به بیانی دیگر که لزوماً حاوی ارجاع فرهنگی برون‌زبانی نیست» (Pedersen, 2005: 6). کاربرد جایگزینی از کاربرد تعمیم متمایز شده است، بر این اساس که ارجاع فرهنگی برون‌زبانی به‌خودی خود کلی‌تر است و



ترجمه «کلی‌تر» جایگزینی مناسب برای ارجاع فرهنگی نخواهد بود (اسکمل، ۱۴۰۰: ۱۱۶). پدرس دو نوع متفاوت از جایگزینی - «جایگزینی فرهنگی» و «دگرگویی»^۱ - را شناسایی می‌کند. در نوع فرهنگی آن، «ارجاع فرهنگی برون‌زبانی متن مبدأ حذف شده و با ارجاع فرهنگی برون‌زبانی دیگری جایگزین شده است» (Pedersen, 2005: 6). بازی با تعادل یا گرایش به جایگزینی، در واقع حمله به گفتمان اثر بیگانه است؛ بنابراین نام بیمارستان روانی معروف «Bedlam» در لندن که در یک اصطلاح انگلیسی از کنراد^۲ آمده است اگر به «Charenton» که بیمارستانی مشابه در فرانسه است ترجمه شود، متن مقصدی ایجاد می‌کند که تولیدکننده شبکه جدیدی از ارجاعات فرهنگی فرانسوی است (Berman, 2004: 287). نوع دگرگویی چنین تعریف می‌شود: «ترجمه‌ای که با آزادی عمل انجام می‌شود و در آن مترجم همواره نویسنده را مد نظر دارد تا هرگز محو نشود، اما آن قدر که به مفهوم مورد نظر نویسنده وفادار است از واژه‌های او متابعت نمی‌کند» (Dryden, 1989: 8). برای مثال، پسوندها و پیشوندهایی که معانی را در زبان انگلیسی ایجاد و منتقل می‌کنند، مانند employer/ employee, trainer/ trainee, payer/ payee اغلب معادل مستقیم و یکسانی در زبان‌های دیگر ندارند (Baker, 2011: 21).

۳-۲-۱. راهبرد مستقل از مبدأ محوری و مقصد محوری

حذف: راهبرد حذف «به‌تنهایی در گوشه‌ای می‌نشیند، زیرا به هیچ‌یک از این دو گروه [یعنی مبدأ محوری و مقصد محوری به صورت اختصاصی] تعلق ندارد» (Pedersen, 2005: 9).

۲. یافته‌های پژوهش

مترجم شفاهی همزمان، زبان گفتاری را ترجمه می‌کند؛ او در ترجمه همزمان حداکثر چند ثانیه از کلام سخنران تأخیر دارد؛ بنابراین فرصت ندارد که ترجمه خود را بازنگری نموده و اصلاح کند. مترجم کتبی، زبان مکتوب را ترجمه می‌کند؛ او گاهی ساعت‌ها و یا روزها برای انجام ترجمه و بازنگری و ویرایش آن، زمان دارد. این تفاوت، حاوی معانی ضمنی متعددی است که در قالب ۲۴ پاره‌گفتار^۳ به بحث گذارده شده است.

1. Paraphrase

2. Conrad

۳. پاره‌گفتارها کوچک‌ترین شکل گفتاری یا نوشتاری متن‌اند، و گفتمان‌ها و گفت‌وگوها، زنجیره‌ای از یک یا چند پاره‌گفتار به حساب می‌آیند. پاره‌گفتار همانی است که برخی از فیلسوفان زبان، نگاهت می‌نامند؛ یعنی زنجیره‌ای از نمادهایی که به کمک یک ابزار ایجاد ارتباط نگاهت شده باشند. برای نمونه، پاره‌گفتاری که در گفتار تولید شده

۲-۱. راهبرد حفظ

۲-۱-۱. حفظ راهبرد حفظ

ترجمه‌های شفاهی همزمان و کتبی عبارت «إن شاء الله» در پاره‌گفتار شماره یک با استفاده از راهبرد حفظ، صورت گرفته است.

جدول ۲. حفظ راهبرد حفظ

ترجمه کتبی	ترجمه شفاهی همزمان	پاره‌گفتار ۱
این شاء الله تعالی نمونه جدیدی از پیروزی خون بر شمشیر خواهد بود (همان ج).	الگوی جدیدی خواهد بود برای پیروزی خون بر شمشیر این شاء الله تعالی ^۱ (همان ب).	سیکون نمودجا جدیداً لانتصار الدم علی السیف / این شاء الله (نصرالله، ۱۳۹۸ الف).

عبارت «إن شاء الله» در ترجمه شفاهی همزمان و نیز در ترجمه کتبی با حفظ صورت و محتوا به زبان فارسی منتقل شده است. انتخاب راهبرد حفظ در اینجا انتخابی کاملاً صحیح و دقیق است، زیرا مفهوم عبارت «إن شاء الله» برای فرهنگ اسلامی-ایرانی کاملاً شناخته شده است و در فرایند انتقال آن، نیاز به انتخاب راهبردهای دیگر نیست. توضیح این نکته ضروری است که مترجمان می‌توانند در موارد مشابه نیز از راهبرد حفظ استفاده کنند.

۲-۱-۲. تبدیل راهبرد حفظ به جایگزینی

ترجمه شفاهی همزمان عبارت «سبحان الله» در پاره‌گفتار شماره دو با استفاده از راهبرد حفظ و ترجمه کتبی آن با استفاده از راهبرد جایگزینی، صورت پذیرفته است.

باشد، شکل نگاشته شده تعدادی آواست و پاره‌گفتاری که در نوشتار تولید شود، به شکلی نگاشته شده است که قابل رؤیت است. وقتی از زبان گفتاری سخن به میان آید، پاره‌گفتارها نوعاً و البته الزاماً مجموعه‌ای علامت به حساب می‌آیند که به صورت سیگنال از سوی گوینده برای شنونده، یا بهتر بگوییم، از سوی فرستنده برای گیرنده، در یک مجرای ارتباطی مناسب، ارسال می‌شود (لاینز، ۱۳۹۱: ۵۳-۵۵).

۱. شهادت حاج قاسم سلیمانی و همراهانش

جدول ۳. تبدیل راهبرد حفظ به جایگزینی

پاره‌گفتار ۲	ترجمه شفاهی همزمان	ترجمه کتبی
سبحان الله هو يوم الاربعاء اول يوم فى السنة الجديدة الميلادية الجديدة أتى لزيارتى، هو ليس لديه عمل لكن قال لى ليس لدى شىء لكن اتيت لكى اراك واسلم عليك ونتحدث (همان الف).	سبحان الله در سال اول ميلادى، اومد فقط اومد با من يك ديدارى كرد و صحبت كرديم و داشتيم درد و دل مى كرديم (همان ب).	عجيب است چهارشنبه، روز اول سال جديد ميلادى، بدون اين كه موضوع خاصى باشد آمد به ديدار من. گفت مطلب خاصى ندارم فقط آمده‌ام ببينمت و سلامى عرض كنم و گپى بزويم (همان ج).

مترجم شفاهی همزمان، با استفاده از راهبرد حفظ، عبارت «سبحان الله» را به «سبحان الله» ترجمه کرده است. به عبارت بهتر، وی متن اصلی را با حفظ صورت و محتوا به زبان مقصد منتقل ساخته است. مترجم کتبی در مواجهه با این تصمیم، راه دیگری را در پیش گرفته و به واسطه تشخیص اصطلاحی بودن عبارت «سبحان الله» در این بخش از سخنرانی ترجیح داده است که از راهبرد جایگزینی به جای حفظ استفاده کند؛ بنابراین وی «سبحان الله» را به «عجیب است» ترجمه کرده است. به نظر می‌رسد که راهبرد برگزیده مترجم کتبی در مقایسه با راهبرد برگزیده مترجم شفاهی همزمان بهتر باشد، زیرا راهبرد جایگزینی منجر به انتقال دقیق مقصود سخنران به مخاطبان شده است.

۲-۲. راهبرد تصریح

۲-۲-۱. حفظ راهبرد تصریح

ترجمه‌های شفاهی همزمان و کتبی واژه «مقدسات» در پاره‌گفتار شماره سه با استفاده از راهبرد تصریح، صورت گرفته است.

جدول ۴. حفظ راهبرد تصریح

پاره‌گفتار ۳	ترجمه شفاهی همزمان	ترجمه کتبی
هناك مشروع الهيمنة الاميركية الاسرائيلية على منطقتنا على مقدساتنا (همان الف).	يك طرح هيمنة أمريكايى اسرائيلى بر منطقه هست، هيمنه بر مقدسات اسلامى عربى است (همان ب).	يك پروژه وجود دارد به نام پروژه سلطه آمریکا و اسرائیل بر منطقه ما و اماکن مقدسان (همان ج).

مترجم شفاهی همزمان، واژه «مقدسات» را با استفاده از راهبرد تصریح هویتی به «مقدسات اسلامی عربی» ترجمه کرده است. مترجم کتبی نیز واژه مذکور را با استفاده از راهبرد تصریح

جغرافیایی به «اماکن مقدس» ترجمه نموده است. استفاده از یک راهبرد مشترک در اینجا نشانه همگرایی مترجمان شفاهی همزمان و مترجمان کتبی در انتخاب‌هایی است که صورت می‌دهند. با این حال، موضوع خلاقیت مترجمان حتی در وضعیت انتخاب‌های مشترک نیز به قوت خود باقی است. برای مثال، مترجم شفاهی همزمان در مقایسه با مترجم کتبی به تصریح هویتی مقدسات پرداخته و به همین دلیل نیز ترجمهٔ بهتری از مترجم کتبی ارائه کرده است.

۲-۲-۲. تبدیل راهبرد تصریح به حفظ

ترجمهٔ شفاهی همزمان واژه «الحسینیة» در پاره‌گفتار شمارهٔ چهار با استفاده از راهبرد تصریح و ترجمهٔ کتبی آن با استفاده از راهبرد حفظ، انجام گرفته است.

جدول ۵. تبدیل راهبرد تصریح به حفظ (۱)

ترجمهٔ کتبی	ترجمهٔ شفاهی همزمان	پاره‌گفتار ۴
می‌خواستند پنج هزار آدم را در حسینیه بکشند تا مطمئن شوند حاج قاسم سلیمانی را کشته‌اند (همان ج).	می‌خواستند پنج هزار نفر همراه حاج قاسم بکشند در حسینیه کرمان تا مطمئن بشوند که حاج قاسم کشته شده یا ترور شده (همان ب).	کانوا یریدون قتل ۵ آلاف إنسان فی الحسینیة لیضمنوا أنهم قتلوا الحاج قاسم سلیمانی (همان الف).

مترجم شفاهی همزمان در ترجمهٔ «الحسینیة» از راهبرد تصریح موقعیت مکانی استفاده نموده و واژهٔ یاد شده را به «حسینیة کرمان» ترجمه کرده است. او بدین‌وسیله مقصود سخنران را برای کاربران زبان مقصد کاملاً آشکار ساخته است. راهبرد انتخابی مترجم کتبی، متفاوت از راهبرد انتخابی مترجم شفاهی همزمان است؛ وی واژهٔ «الحسینیة» را بر اساس راهبرد حفظ و بدون تصریح محل ساختمان به «حسینیة» ترجمه نموده که به‌نظر می‌رسد باید در اینجا به راهبرد مترجم شفاهی همزمان متعهد می‌ماند.

ترجمهٔ شفاهی همزمان واژهٔ «البقاع» در پاره‌گفتار شمارهٔ پنج با استفاده از راهبرد تصریح و ترجمهٔ کتبی این واژه با استفاده از راهبرد حفظ، صورت گرفته است.

جدول ۶. تبدیل راهبرد تصریح به حفظ (۲)

پاره‌گفتار ۵	ترجمه شفاهی همزمان	ترجمه کتبی
آخر زیارات ساترفیلد کان یهدد المسوولین اللبنانین، معکم مهله ۱۵ یوم إذا منشآت للمقاومه فی البقاع لا تقومون یازالتها، لا یقوم حزب الله یازالتها سوف تأتی اسرائیل وتقصف وتدمر هذه المنشآت ونحن سنضع لبنان فی دائرة العقوبات و و (همان الف).	آخرین دیدار ستارفلت تهدید می‌کرد لبنانی‌ها، مسئولین لبنان را که پانزده روز وقت دارید. اگر، اگر پایگاه‌های مقاومت در جنوب لبنان در بقاع را از بین نبرید، اسرائیلی‌ها می‌آیند بمباران می‌کنند و لبنان وارد بحران جدیدی می‌شود و غیره (همان ب).	ساترفیلد در آخرین دیدارش مسئولان لبنان را تهدید می‌کند که ۱۵ روز فرصت دارید و اگر طی این مدت حزب‌الله تأسیساتش در بقاع را [که آمریکا معتقد بود برای ساخت موشک هستند] برنچینید، اسرائیل خواهد آمد و همه این تأسیسات را بمباران و نابود خواهد کرد و ما لبنان را در لیست تحریم قرار می‌دهیم و چه و چه (همان ج).

مترجم شفاهی همزمان، «البقاع» را بر اساس راهبرد تصریح موقعیت جغرافیایی به «جنوب لبنان ... بقاع» ترجمه کرده است. در مقابل، مترجم کتبی ترجیح داده است که «البقاع» را بر اساس راهبرد حفظ به «بقاع» ترجمه کند. به نظر می‌رسد که انتخاب راهبرد تصریح از سوی مترجم شفاهی همزمان در مقایسه با راهبرد برگزیده مترجم کتبی، تصمیم بهتری است، زیرا تعیین موقعیت جغرافیایی این منطقه می‌تواند به بهبود ارتباط بین سخنران و مخاطبانش کمک کند.

ترجمه شفاهی همزمان واژه «السفارة» در پاره‌گفتار شماره شش با استفاده از راهبرد تصریح و ترجمه کتبی آن با استفاده از راهبرد حفظ، صورت گرفته است.

جدول ۷. تبدیل راهبرد تصریح به حفظ (۳)

پاره‌گفتار ۶	ترجمه شفاهی همزمان	ترجمه کتبی
نقل السفارة من تل اویب الی القدس (همان الف).	منتقل کردن سفارت آمریکا از تل‌آویو به قدس (همان ب).	انتقال سفارت از تل‌آویو به قدس (همان ج).

مترجم شفاهی همزمان، واژه «السفارة» را با استفاده از راهبرد تصریح موقعیت جغرافیایی مکان به «سفارت آمریکا» ترجمه کرده است. مترجم کتبی در مواجهه با این تصمیم، ترجیح داده است که به دلیل قرینه‌های معنوی متن سخنرانی سیدحسن نصرالله از راهبرد تصریح صرف‌نظر نموده و از راهبرد حفظ استفاده کند؛ بنابراین وی «السفارة» را به «سفارت» ترجمه کرده است.

به نظر می‌رسد که راهبرد برگزیده مترجم شفاهی همزمان، در مقایسه با راهبرد برگزیده مترجم کتبی، حتی با وجود قرینه‌های معنوی، بهتر باشد، زیرا راهبرد تصریح به مخاطبان کمک کرده است که دریافت دقیقی از تعلق سفارت به کشور مبدأ داشته باشند.

۳-۲-۲. تبدیل راهبرد تصریح به ترجمه مستقیم

ترجمه‌های شفاهی همزمان و کتبی عبارت «نظام الجمهوریه الإسلامیه» در پاره‌گفتار شماره هفت با استفاده از دو راهبرد متفاوت، صورت گرفته است.

جدول ۸. تبدیل راهبرد تصریح به ترجمه مستقیم

پاره‌گفتار ۷	ترجمه شفاهی همزمان	ترجمه کتبی
الهدف الأعلى إسقاط نظام الجمهوریه الإسلامیه والهدف الأدنى، أقل شيء كان يتطلع إليه هو ما يسميه تغيير السلوك (همان الف).	هدف بزرگ این‌ها سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران بود و پایین‌ترین هدف‌شون که بهش نگاه می‌کردند ^۱ و همین جور تغییر رفتار (همان ب).	هدف اول ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی بود و پایین‌ترین هدفی که دنبال می‌کرد چیزی بود که اسمش را «تغییر رفتار» می‌گذاشت (همان ج).

راهبرد انتخابی مترجم شفاهی همزمان از راهبرد انتخابی مترجم کتبی در ترجمه عبارت «نظام الجمهوریه الإسلامیه» چندان بیگانه نیست، زیرا مترجم شفاهی همزمان با استفاده از راهبرد تصریح جغرافیایی، عبارت مذکور را به «نظام جمهوری اسلامی ایران» و مترجم کتبی، آن را بدون تصریح و بر اساس راهبرد ترجمه مستقیم به «نظام جمهوری اسلامی» ترجمه کرده است. به نظر می‌رسد که ترجمه عبارت متن اصلی به دلیل شهرتی که دارد، نیاز به تصریح‌سازی نداشته است.

۳-۲-۳. راهبرد ترجمه مستقیم

۱-۲-۳. حفظ راهبرد ترجمه مستقیم مبدل

ترجمه‌های شفاهی همزمان و کتبی عبارت «الجنرال الذی لا بدیل له» در پاره‌گفتار شماره هشت با استفاده از یک راهبرد مشابه، صورت گرفته است.

۱. ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا

جدول ۹. حفظ راهبرد ترجمه مستقیم مبدل

پاره‌گفتار ۸	ترجمه شفاهی همزمان	ترجمه کتبی
وبداً الكلام في اميركا «الجنرال الذي لا بدليل له» هذا تمهيد اعلامي وسياسي لا غتيالک (همان الف).	می‌گویند ژنرالی که بی‌بَدیل است و جایگزین ندارد مطمئن باشید این جنگ رسانه‌ای چیزی پشتش هست ^۱ (همان ب).	در آمریکا از شما به نام «سردار بی‌جایگزین» نام می‌برند و این زمینه‌سازی رسانه‌ای و سیاسی برای ترور شماست (همان ج).

مترجم شفاهی همزمان، عبارت «الجنرال الذي لا بدليل له» را بر اساس راهبرد ترجمه مستقیم مبدل که با هنجارهای دستوری زبان مقصد همخوانی دارد، ترجمه کرده است. مترجم کتبی ضمن تعهد به ترجمه مستقیم مبدل، واژه «الجنرال» را با استفاده از راهبرد جایگزینی به «سردار» ترجمه نموده و بدین‌وسیله رویکرد مقصدمحوری ترجمه خود را در مقایسه با ترجمه شفاهی همزمان کاملاً تقویت کرده است.

۲-۲-۳. تبدیل راهبرد ترجمه مستقیم به ترجمه مستقیم مبدل

ترجمه‌های شفاهی همزمان و کتبی عبارت «فی بغداد فی الكاظمية فی كربلاء فی النجف» در پاره‌گفتار شماره ۹ نه با استفاده از دو راهبرد متفاوت، انجام شده است.

جدول ۱۰. تبدیل راهبرد ترجمه مستقیم به ترجمه مستقیم مبدل (۱)

پاره‌گفتار ۹	ترجمه شفاهی همزمان	ترجمه کتبی
تشيع الشهداء الإيرانيين والعراقيين صفاً واحداً فی بغداد فی الكاظمية فی كربلاء فی النجف (همان الف).	تشيع را دیدید شهدای ایرانی و عراقی با همدیگر تشیع شدند در بغداد در کاظمین در كربلا در نجف (همان ب).	تشيع یکپارچه شهدای ایرانی و عراقی در بغداد، کاظمین، كربلا و نجف (همان ج).

مترجم شفاهی همزمان، عبارت «فی بغداد فی الكاظمية فی كربلاء فی النجف» را به صورت لفظبه‌لفظ ترجمه کرده است. روش لفظبه‌لفظ بیشتر از روش تحت‌اللفظی به رعایت هنجارهای دستوری زبان مبدأ مقید است. انتخاب مترجم کتبی در ترجمه عبارت مورد اشاره، استفاده از راهبرد ترجمه مستقیم مبدل است؛ بر این اساس که وی از ترجمه مکرر حرف «فی» به معنای

«در» خودداری ورزیده و متعاقب این تصمیم، ساختار دستوری عبارت متن اصلی را با هنجارهای دستوری زبان فارسی برابر ساخته است. ترجمه‌های شفاهی همزمان و کتبی پاره‌گفتار شماره ده با استفاده از دو راهبرد متفاوت، صورت پذیرفته است.

جدول ۱۱. تبدیل راهبرد ترجمه مستقیم به ترجمه مستقیم مبدل (۲)

ترجمه کتبی	ترجمه شفاهی همزمان	پاره‌گفتار ۱۰
قاسم سلیمانی به همه خط مقاومت مربوط است. قاسم سلیمانی به همه نیروهای مقاومت مربوط است (همان ج).	قاسم سلیمانی یعنی کل محور مقاومت قاسم سلیمانی یعنی همه قدرت‌های مقاومت (همان ب).	قاسم سلیمانی یعنی کل محور المقاومة قاسم سلیمانی یعنی کل قوی المقاومة (همان الف).

راهبرد برگزیده مترجم شفاهی همزمان در ترجمه متن مبدأ، لفظ‌به‌لفظ و راهبرد مطلوب مترجم کتبی، ترجمه مستقیم مبدل است. راهبرد ترجمه مستقیم مبدل هرچند بیش از رویکرد مستقیم با هنجارهای زبان مقصد همخوانی دارد و بر همین اساس، انتظار می‌رود که در جامعه کاربران زبان مقصد نیز بهتر پذیرفته شود، با این حال، در صورتی که ترجمه‌های شفاهی همزمان و کتبی پاره‌گفتار ده را ملاک اظهار نظر قرار دهیم، میزان اثربخشی ترجمه‌ای که بر اساس راهبرد ترجمه مستقیم صورت گرفته به‌وضوح بیشتر از ترجمه‌ای است که مترجم، آن را با هنجارهای دستوری زبان مقصد تطبیق داده است؛ بنابراین گرایش مطلق به مبدأمحوری یا مقصدمحوری در ترجمه نمی‌تواند به نتایج دلخواه منتهی گردد.

۲-۴. راهبرد تعمیم

۱-۴-۲. تبدیل راهبرد تعمیم به حفظ

ترجمه‌های شفاهی همزمان و کتبی واژه «ترامب» در پاره‌گفتار شماره یازده با استفاده از دو راهبرد متفاوت، صورت گرفته است.



جدول ۱۲. تبدیل راهبرد تعمیم به حفظ

پاره‌گفتار ۱۱	ترجمه شفاهی همزمان	ترجمه کتبی
فی العراق ما هو مشروع ترامب الحقیقی (همان الف)؟	در عراق طرح آمریکایی واقعی چی بود (همان ب)؟	پروژه واقعی ترامپ در عراق چه بود (همان ج)؟

مترجم شفاهی همزمان، واژه «ترامب» را بر اساس راهبرد تعمیم به «آمریکایی» ترجمه کرده است، اما انتخاب مترجم کتبی در ترجمه این واژه، استفاده از راهبرد حفظ است؛ بنابراین آن را به «ترامپ» ترجمه کرده است. به نظر می‌رسد که راهبردهای تعمیم و حفظ در اینجا نسبت به یکدیگر برتری نداشته باشند، زیرا هم «آمریکایی» و هم «ترامپ» در ترجمه‌های پاره‌گفتار یازده بیانگر یک هویت واحد و غیر قابل تفکیک از یکدیگر هستند.

۲-۴-۲. تبدیل راهبرد تعمیم به ترجمه مستقیم مبدل

ترجمه شفاهی همزمان عبارت «الانتخابات العراقية» در پاره‌گفتار شماره دوازده با استفاده از راهبرد تعمیم و ترجمه کتبی آن، با استفاده از راهبرد ترجمه مستقیم مبدل، انجام شده است.

جدول ۱۳. تبدیل راهبرد تعمیم به ترجمه مستقیم مبدل (۱)

پاره‌گفتار ۱۲	ترجمه شفاهی همزمان	ترجمه کتبی
الاتجاه السياسي العام الذي انتصر في الانتخابات العراقية (همان الف).	رویکرد اکثریت سیاسی که پیروز شد در انتخابات (همان ب).	جهت سیاسی کلی‌ای که در انتخابات عراق پیروز شد (همان ج).

مترجم شفاهی همزمان، ترکیب وصفی «الانتخابات العراقية» را بر اساس راهبرد تعمیم به «انتخابات» ترجمه کرده است، اما مترجم کتبی ترجیح داده است که ساختار مذکور را در فرایند ترجمه از وصفی به اضافی تغییر داده و آن را بر اساس راهبرد ترجمه مستقیم مبدل به «انتخابات عراق» ترجمه کند. لازم به توضیح است که مترجم به‌منظور دست یافتن به ترجمه پذیرفته در زبان مقصد، گریزی از تغییر ترکیب نداشته است. درباره برتر دانستن راهبرد برگزیده در ترجمه پاره‌گفتار دوازده نیز می‌توان گفت که راهبرد ترجمه مستقیم مبدل، بهتر از راهبرد تعمیم است، زیرا مقصود سخنران را کاملاً به مخاطبان فهمانده است.

ترجمه‌های شفاهی همزمان و کتبی عبارت «القوات الأميركية» در پاره‌گفتار شماره سیزده با استفاده از دو راهبرد متفاوت، صورت گرفته است.

جدول ۱۴. تبدیل راهبرد تعمیم به ترجمه مستقیم مبدل (۲)

پاره‌گفتار ۱۳	ترجمه شفاهی همزمان	ترجمه کتبی
خروج القوات الأمريكية من العراق (همان الف.)	خارج کردن آمریکایی‌ها از عراق (همان ب.)	خروج نیروهای آمریکا از عراق (همان ج.)

مترجم شفاهی همزمان، با استفاده از راهبرد تعمیم، «القوات الأمريكية» را به «آمریکایی‌ها» ترجمه کرده است. در مقابل، مترجم کتبی ترجیح داده است که عبارت مذکور در پاره‌گفتار سیزده را با استفاده از راهبرد ترجمه مستقیم مبدل به «نیروهای آمریکا» ترجمه کند. وی برای این منظور ترکیب وصفی متن مبدأ را به صورت ترکیب اضافی ترجمه کرده است. راهبردهای برگزیده مترجم شفاهی همزمان و مترجم کتبی در اینجا مزیتی بر یکدیگر ندارند، زیرا مقصود سخنران از طریق هر دو راهبرد، برای مخاطبان روشن شده است.

۳-۴-۲. تبدیل راهبرد تعمیم به جایگزینی

ترجمه‌های شفاهی همزمان و کتبی ماه قمری «کانون الثانی» در پاره‌گفتار شماره چهارده با استفاده از دو راهبرد متفاوت، انجام شده است.

جدول ۱۵. تبدیل راهبرد تعمیم به جایگزینی

پاره‌گفتار ۱۴	ترجمه شفاهی همزمان	ترجمه کتبی
إثنين كانون الثاني ... الخميس مساءً لیلة الجمعة (همان الف.)	دوم ماه میلادی ... شب جمعه (همان ب.)	شبانگاه پنج‌شنبه، دوم ژانویه ... شب جمعه (همان ج.)

تطبیق تاریخ‌ها و تشخیص معادل صحیح آن‌ها در زبان مقصد از جمله موارد چالش‌برانگیز در ترجمه است. بر همین اساس، در ترجمه‌های شفاهی همزمان و کتبی «کانون الثانی» شاهد تغییر راهبرد از تعمیم به جایگزینی هستیم. در توضیح باید افزود که مترجم شفاهی همزمان، «کانون الثانی» را به دلیل همزمان بودن ترجمه و عدم تشخیص معادل دقیق آن، به «ماه میلادی» تعمیم داده است، اما مترجم کتبی به دلیل فراهم بودن فرصت و نیز امکانات کمک ترجمه‌ای که همیشه در بهبود ترجمه‌ها مؤثر هستند، «کانون الثانی» را به «ژانویه» ترجمه کرده است.



۲-۵. راهبرد جایگزینی

۲-۵-۱. حفظ راهبرد جایگزینی

ترجمه‌های شفاهی همزمان و کتبی پاره‌گفتار شماره پانزده با استفاده از یک راهبرد یکسان، صورت گرفته است.

جدول ۱۶. حفظ راهبرد جایگزینی (۱)

پاره‌گفتار ۱۵	ترجمه شفاهی همزمان	ترجمه کتبی
ولا یسأل عن أحد بالدنيا كلها (همان الف).	اصلاً براش فرقی نمی‌کنه در همه دنیا براش پیشیزی اهمیت نداره (همان ب).	هیچ‌کس هم در تمام دنیا برایش فرقی نمی‌کنه (همان ج).

متن مبدأ در هر دو مورد، بر اساس راهبرد جایگزینی ترجمه شده است. استفاده مشترک از یک راهبرد علاوه بر این‌که نشانه شباهت مترجمان در گرفتن تصمیمات ترجمه‌ای مشابه است، مهارت آن‌ها را نیز در گزینش صورت‌هایی که با فرهنگ و ادبیات مقصد همخوانی بیشتری دارد عیان می‌سازد. برای مثال، مترجم شفاهی همزمان در پاره‌گفتار پانزده با استفاده از عبارت «دنیا براش پیشیزی اهمیت نداره» سخنران را نزد کاربران زبان مقصد برده و بیان او را کاملاً مقصدمحور ساخته است.

ترجمه‌های شفاهی همزمان و کتبی واژه «سقوط» در پاره‌گفتار شماره شانزده با استفاده از یک راهبرد مشابه، صورت پذیرفته است.

جدول ۱۷. حفظ راهبرد جایگزینی (۲)

پاره‌گفتار ۱۶	ترجمه شفاهی همزمان	ترجمه کتبی
لا یجوز أن ننهزم نتیجة سقوط قائد عظیم من قادتنا (همان الف).	به‌خاطر به خاک و خون افتادن یک فرمانده نباید شکست بخوریم (همان ب).	نباید به‌علت شهادت یکی از فرماندهان بزرگمان عقب‌نشینی کنیم (همان ج).

مترجم شفاهی همزمان، واژه «سقوط» را با استفاده از راهبرد جایگزینی به‌عبارت اصطلاحی «به خاک و خون افتادن» ترجمه کرده است. مترجم کتبی نیز با استفاده از راهبرد یاد شده، واژه مذکور را به «شهادت» ترجمه نموده است. سابق بر این اشاره شد که راهبرد مشترک در ترجمه

شفاهی همزمان و ترجمه کتبی، فرصت مناسبی در نقد ترجمه است که امکان بررسی میزان خلاقیت مترجمان را در ترجمه فراهم می‌آورد. برای مثال، در اینجا مترجم کتبی به واسطه انتخاب واژه «شهادت»، بهتر از مترجم شفاهی همزمان عمل نموده است، زیرا واژه «شهادت» در مقایسه با عبارت اصطلاحی «به خاک و خون افتادن»، بار ارزشی بیشتری داشته و احساس متفاوتی را در مخاطبان ایجاد می‌کند.

۲-۵-۲. تبدیل راهبرد جایگزینی به ترجمه مستقیم

ترجمه‌های شفاهی همزمان و کتبی عبارت «اتفاقاً نوویاً» در پاره‌گفتار شماره هفده با استفاده از دو راهبرد متفاوت، انجام شده است.

جدول ۱۸. تبدیل راهبرد جایگزینی به ترجمه مستقیم (۱)

پاره‌گفتار ۱۷	ترجمه شفاهی همزمان	ترجمه کتبی
ولا يستطيع أن يقول أنني فرضت اتفاقاً نوویاً جديداً على إيران (همان الف).	یا میتونه بگه من به ایرانی‌ها یک برجام جدید تحمیل کردم ^۱ (همان ب)؟	و نه می‌تواند بگوید من پیمان هسته‌ای جدیدی را بر ایران تحمیل کردم (همان ج).

ترکیب وصفی «اتفاقاً نوویاً» در ترجمه‌های شفاهی همزمان و کتبی با استفاده از دو راهبرد ناهمسان ترجمه شده است. مترجم شفاهی همزمان، آن را با استفاده از راهبرد جایگزینی به «برجام» ترجمه کرده و مترجم کتبی، آن را با استفاده از راهبرد ترجمه مستقیم به «پیمان هسته‌ای» ترجمه نموده است. به نظر می‌رسد که راهبرد جایگزینی به دلیل هماهنگی با فضای سیاسی-اجتماعی ایران، انتخاب بهتری از راهبرد ترجمه مستقیم است.

ترجمه شفاهی همزمان واژه «قتل» در پاره‌گفتار شماره هجده با استفاده از راهبرد جایگزینی و ترجمه کتبی آن، با استفاده از راهبرد ترجمه مستقیم، صورت گرفته است.

جدول ۱۹. تبدیل راهبرد جایگزینی به ترجمه مستقیم (۲)

پاره‌گفتار ۱۸	ترجمه شفاهی همزمان	ترجمه کتبی
قتل الحاج قاسم وابو مهدی (همان الف)	شهادت حاج قاسم (همان ب)	کشتن حاج قاسم و ابومهدی (همان ج).



هرچند ترجمه «قتل» به «کشتن» نشانه امانت‌داری مترجم کتبی است، اما خلاقیت مترجم شفاهی همزمان، به دلیل برگزیدن «شهادت» به جای «کشتن» موضوعی است که قطعاً می‌توان اصل امانت‌داری را به واسطه آن نادیده انگاشت.

ترجمه‌های شفاهی همزمان و کتبی عبارت «اداره ترامب» در پاره‌گفتار شماره نوزده با استفاده از دو راهبرد متفاوت، صورت پذیرفته است.

جدول ۲۰. تبدیل راهبرد جایگزینی به ترجمه مستقیم (۳)

پاره‌گفتار ۱۹	ترجمه شفاهی همزمان	ترجمه کتبی
سیدرک ترامب و/اداره ترامب آنهم فعلاً خسروا المنطقه وسيخسرون الانتخابات (همان الف).	ترامب خواهد فهمید کاخ سیاه خواهد فهمید که بله منطقه را کلاً از دست داده‌اند (همان ب).	ترامپ و دولت ترامپ می‌فهمند واقعاً منطقه را باخته‌اند و انتخابات را نیز خواهند باخت (همان ج).

مترجم شفاهی همزمان، عبارت «اداره ترامب» را با استفاده از راهبرد جایگزینی به «کاخ سیاه» ترجمه کرده است؛ «کاخ سیاه» در ادبیات انقلاب اسلامی، رویکردی کاملاً ایدئولوژیک یافته است. مترجم اگر به جای «کاخ سیاه» از «کاخ سفید» نام می‌برد، می‌توانستیم راهبرد مورد استفاده وی را از جایگزینی به تعمیم تغییر دهیم. مترجم کتبی در مواجهه با تصمیم مترجم شفاهی همزمان، ترجیح داده است که از راهبرد ترجمه مستقیم استفاده کند. به نظر می‌رسد که انتخاب وی در مقایسه با انتخاب مترجم شفاهی همزمان، هرچند از خلاقیت کمتری برخوردار است، اما مخاطبان را بدون درنگ، متوجه مقصود سخنران می‌سازد.

۳-۵-۲. تبدیل راهبرد جایگزینی به ترجمه مستقیم مبدل

ترجمه شفاهی همزمان عبارت «رأس السنة الميلادية» در پاره‌گفتار بیست با استفاده از راهبرد جایگزینی و ترجمه کتبی آن، با استفاده از راهبرد ترجمه مستقیم مبدل، انجام شده است.

جدول ۲۱. تبدیل راهبرد جایگزینی به ترجمه مستقیم مبدل

پاره‌گفتار ۲۰	ترجمه شفاهی همزمان	ترجمه کتبی
أن الاحتفال في رأس السنة الميلادية القادم سيكون في طهران (همان الف).	جشن کریسمس آینده در تهران خواهند داشت ^۱ (همان ب).	جشن آغاز سال نوی میلادی بعدی در تهران خواهد بود (همان ج).

۱. جان بولتون در فرانسه و در جشن‌های منافقین ایران برای آغاز سال نو حاضر شد و سخنرانی کرد و به آن‌ها این وعده را داد.

ترجمه عبارت «رأس السنه الميلاديه» به «کریسمس» نتیجه کاربست راهبرد تعمیم و ترجمه آن به «آغاز سال نوی میلادی» نتیجه استفاده از راهبرد ترجمه مستقیم مبدل است. واژه‌های «آغاز ... نو» عواملی هستند که راهبرد ترجمه کتبی را از تحت‌اللفظی بودن دور ساخته است. درباره بهتر بودن هریک از دو راهبرد مورد اشاره باید توضیح داد که متن مبدأ، میزبان یک تاریخ معین و یک وعده ویژه برای یک رویداد خاص است و تعهد به ترجمه دقیق آن، تنها در ترجمه کتبی دیده می‌شود؛ بنابراین مترجم کتبی به دلیل استفاده از راهبرد ترجمه مستقیم مبدل در مقایسه با مترجم شفاهی همزمان به ترجمه بهتری دست یافته است.

۲-۶. راهبرد حذف

۲-۶-۱. تبدیل راهبرد حذف به حفظ

ترجمه شفاهی همزمان پاره‌گفتار شماره ۲۱ با حذف عبارت «الحاج قاسم سلیمانی» صورت گرفته است. این حذف در ترجمه کتبی با استفاده از راهبرد حفظ، جبران شده است.

جدول ۲۲. تبدیل راهبرد حذف به حفظ

ترجمه کتبی	ترجمه شفاهی همزمان	پاره‌گفتار ۲۱
خود ترامپ و توییت‌های متعدّدش که در آن‌ها افتخار می‌کند که شخصاً دستور قتل حاج قاسم سلیمانی را صادر کرده (همان ج).	خود ترامپ با توییت‌های متعدّدش که افتخار می‌کرد که خودش که من کسی را من کسی بودم که فرمان ترور را دادم (همان ب).	ترامپ نفسه فی تغریداته المتعدده والّتی یفاخر فیها بانه شخصياً من أمر بقتل الحاج قاسم سلیمانی (همان الف).

صرف‌نظر از جمله‌بندی‌های مترجم شفاهی همزمان در ترجمه بند فوق از سخنرانی سیدحسن نصرالله، وی از اشاره به اسم «حاج قاسم سلیمانی» بازمانده است. مترجم کتبی بر اساس راهبرد حفظ نام اشخاص در فرایند ترجمه، عبارت «الحاج قاسم سلیمانی» را به صورت «حاج قاسم سلیمانی» ترجمه کرده و در متن مقصد آورده است. تغییر راهبرد ترجمه از حذف به حفظ، نشانه این است که مترجم کتبی از فرصت و مجال کافی برای بهبود ترجمه‌اش برخوردار است. با این حال، حذف برخی از عناصر متن مبدأ در فرایند ترجمه شفاهی همزمان به دلیل مهلت ناچیز مترجم در تحویل ترجمه به جامعه مقصد، موضوعی کاملاً طبیعی است.



۲-۶-۲. تبدیل راهبرد حذف به ترجمه مستقیم مبدل

ترجمه شفاهی همزمان پاره‌گفتار شماره ۲۲ با حذف جمله «هنا یأتی أبو مهدی المهندس كعامل أساسي فی هذا الحسم» انجام گرفته است. این حذف در ترجمه کتبی با استفاده از راهبرد ترجمه مستقیم مبدل، جبران شده است.

جدول ۲۳. تبدیل راهبرد حذف به ترجمه مستقیم مبدل (۱)

پاره‌گفتار ۲۲	ترجمه شفاهی همزمان	ترجمه کتبی
هنا یأتی قاسم سلیمانی كعامل أساسي فی هذا الحسم، هنا یأتی أبو مهدی المهندس كعامل أساسي فی هذا الحسم (همان الف).	اینجاست که قاسم سلیمانی می‌آید، عامل اساسی است در قاطعیت پایان داعش، پایه‌گذار پایان داعش بود (همان ب).	اینجا قاسم سلیمانی به‌عنوان عاملی اصلی برای این فیصله دادن از راه می‌رسد. اینجا ابومهدی المهندس به‌عنوان عاملی اصلی برای این فیصله دادن از راه می‌رسد (همان ج).

مترجم شفاهی همزمان از ترجمه عبارت «هنا یأتی أبو مهدی المهندس كعامل أساسي فی هذا الحسم» غفلت ورزیده و به‌جای آن در ترجمه عبارت «هنا یأتی قاسم سلیمانی كعامل أساسي فی هذا الحسم» با گفتن «پایان داعش، پایه‌گذار پایان داعش بود»، دچار متن‌افزایی شده است. در حالی که بهتر بود، به‌جای متن‌افزایی، به ترجمه گفتار گوینده می‌پرداخت. در مقابل، مترجم کتبی، ضمن جبران حذف و خودداری از متن‌افزایی، پاره‌گفتار مذکور را با استفاده از راهبرد ترجمه مستقیم مبدل که با هنجارهای دستوری زبان مقصد هماهنگی دارد به زبان فارسی برگردانده است. ترجمه شفاهی همزمان پاره‌گفتار شماره ۲۳ با حذف عبارت‌های «حتى أو لأبو مهدی المهندس لنقول فلنذهب و... هذا ونثأر منه ومنتقم منه» صورت گرفته است. این حذف در ترجمه کتبی با استفاده از راهبرد ترجمه مستقیم مبدل، جبران شده است.

جدول ۲۴. تبدیل راهبرد حذف به ترجمه مستقیم مبدل (۲)

پاره‌گفتار ۲۳	ترجمه شفاهی همزمان	ترجمه کتبی
لا يوجد عدل لقاسم سلیمانی حتى أو لأبو مهدی المهندس لنقول فلنذهب ونقاص هذا ونثأر منه ومنتقم منه (همان الف).	برابری نمی‌کند چیزی با قاسم سلیمانی که بتونیم قصاص کنیم (همان ب).	قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس هیچ هم اندازه‌ای ندارند که بگوئیم برویم آنها را قصاص و از آنها خون‌خواهی کنیم و انتقام بکشیم (همان ج).

مترجم شفاهی همزمان، از ترجمه بخش‌هایی از متن مبدأ بازمانده است. نقصان مذکور در ترجمه کتبی به واسطه کاربست راهبرد ترجمه مستقیم مبدل، جبران شده است. به این معنا که مترجم، متن اصلی را بر اساس هنجارهای دستور زبان مقصد ترجمه کرده است. حذف از جمله راهبردهای مرسوم در ترجمه شفاهی همزمان است و گریزی هم از آن نیست؛ با این حال، مترجم باید با تمرین مداوم و افزایش مهارت‌های شنیداری و بیانی خود، تا حد امکان، حذف عناصر متن مبدأ را در ترجمه کاهش دهد.

۳-۶-۲. تبدیل راهبرد حذف به جایگزینی

ترجمه شفاهی همزمان پاره‌گفتار شماره ۲۴ با حذف عبارت «الغزو الأخير» صورت گرفته است. این حذف در ترجمه کتبی با استفاده از راهبرد جایگزینی، جبران شده است.

جدول ۲۵. تبدیل راهبرد حذف به جایگزینی

ترجمه کتبی	ترجمه شفاهی همزمان	پاره‌گفتار ۲۴
همه ما آخرین شبیخون پمپو به لبنان را به یاد داریم (همان ج).	همه ما یادمان می‌آید که پمپو وقتی اومد به لبنان (همان ب).	وكلنا نتذكر الغزو الأخير لبومبيو إلى لبنان (همان الف).

مترجم شفاهی همزمان، از ترجمه عبارت «الغزو الأخير» بازمانده است، اما مترجم کتبی در ترجمه عبارت مذکور، خلاقیت نشان داده است؛ به این معنا که وی به عبارت عربی، اعتبار اصطلاحی بخشیده و سپس آن را با استفاده از راهبرد جایگزینی به «آخرین شبیخون» ترجمه کرده است.

نتیجه‌گیری

متن شفاهی ناپایدار است؛ بنابراین مترجم‌های شفاهی همزمان، معانی را به خاطر می‌سپارند، در واقع، آن‌ها خاطرهای از معانی بدون شکل را در حافظه خود ضبط می‌کنند و گفتار گوینده را کم و بیش از یاد می‌برند، این پدیده در ترجمه کتبی کم‌رنگ‌تر است، در مرحله بعد، آن‌ها برداشت خود از معانی بی‌شکل و نامنظم را همزمان با شنیدن سخن گوینده به صورت خودکار و تقریباً نظام‌یافته به زبان مقصد ترجمه می‌کنند. این موضوع نشان می‌دهد که آن‌ها آنچه را فهمیده‌اند به حافظه سپرده‌اند. در این بین، افرادی هم هستند که حافظه‌ای شگرف دارند، اما این مطلب به



معنای حفظ کردن و تداعی کامل واژگان زبان مبدأ که باید همزمان به زبان مقصد ترجمه شود، نیست. در اینجا ضروری است که ترجمه موفق در مقایسه با ترجمه ناموفق و نیز ترجمه آرمانی تعریف شود. ترجمه موفق ترجمه‌ای است که در آن خطای زبانی و اشتباه در روش کار ترجمه دیده نشود. مقصود از خطای زبانی روشن است و خطای روش ترجمه نیز به کارگیری بیش از حد مترادف‌ها است. مترجم‌ها در ترجمه شفاهی همزمان، برکنار از خطاهای زبانی و اشتباه‌های مکرر در روش ترجمه نیستند، زیرا آن‌ها به صورت همزمان با دو زبان متفاوت مواجه‌اند که باید با کمترین درنگ، یکی را به دیگری ترجمه کنند؛ بنابراین نوسان مترجم‌ها در تداعی معانی متن مبدأ، حذف‌های گریزناپذیر در ترجمه و نیز تداخل‌های دستوری دو زبان، موضوعی اجتناب‌ناپذیر است. ترجمه از چشم‌اندازی آرمانی، روندی است که در آن، انتقال محتوای مفهومی و عاطفی از زبانی به زبان دیگر صورت می‌پذیرد و این کار را مترجم‌های دوزبانه‌ای انجام می‌دهند که با گوینده متن مبدأ هم‌ذات‌پنداری می‌کنند و از واکنش‌های احتمالی مخاطبان آگاه هستند. از دیدگاه نظری، هیچ مانع زبانی، فرهنگی، سبکی، موضوعی یا واژه‌شناختی‌ای این کار را مختل نمی‌کند، اما در عمل، این شرایط مهیا نیست، زیرا مترجم‌ها با ضعف‌هایی روبه‌رو هستند که از سویی منحصر به خود آن‌ها است و از سوی دیگر وابسته به شرایط ترجمه شفاهی همزمان است. در توضیح این مطلب باید افزود که هیچ مترجم دوزبانه کاملی وجود ندارد و حتی کسانی که بر زبان اصلی تسلط دارند، نمی‌توانند گسترده واژگان یک زبان را به صورت کامل پوشش دهند. شرایط کار ترجمه شفاهی همزمان نیز همیشه مساعد و دلخواه مترجم‌ها نیست؛ برای مثال، همزمان بودن ترجمه، سرعت سخنرانی، میزان دور شدن گفتار سخنران از زبان فصیح (رسمی) و سلیس، کیفیت دریافت صدای سخنران، تفاوت‌های دستوری زبان مبدأ از زبان مقصد و ناپایداری متن شفاهی همواره می‌تواند مترجم‌ها را با چالش فاصله گرفتن از زبان طبیعی مواجه سازد. با این وصف، کاربست طبیعی زبان مقصد در ترجمه‌های شفاهی همزمان با درجه‌های مختلفی از موفقیت مواجه است.

الگوی پدرس در تحلیل ترجمه شفاهی همزمان، شامل سه راهبرد مبدأمحور (حفظ، تصریح، ترجمه مستقیم)؛ دو راهبرد مقصدمحور (تعمیم، جایگزینی)؛ و یک راهبرد مستقل از مبدأمحوری و مقصدمحوری (حذف) است. مترجم شفاهی همزمان سخنرانی ۱۵ دی ۱۳۹۸ سیدحسن نصرالله همانند مترجم کتبی این سخنرانی از هر شش راهبرد استفاده کرده است و در مجموع به دلیل شیوه بیان مناسب و خلاقیت در کاربست راهبردها موفق به انجام یک ترجمه مطلوب و

مخاطب‌پسند شده است. با این حال، مترجم در مقاطعی به دلیل مواجهه با چالش‌هایی نظیر ناپایداری متن شفاهی، زمان کوتاه تحویل ترجمه به مخاطبان، تفاوت‌های دستوری زبان عربی از زبان فارسی، تطبیق تاریخ‌ها و نیز فاصله گرفتن سخنران از زبان فصیح به ناچار از راهبرد حذف یا تعمیم عناصر متن مبدأ در فرایند ترجمه استفاده کرده است. راهبرد حذف به دلیل ایجاد آشفتگی‌های ساختاری در برخی از واحدهای متن ترجمه، باعث شده است که فهم و دریافت مضمون متن مبدأ برای کاربران زبان مقصد با قدری دشواری همراه گردد. در مقابل، مترجم کتبی به دلیل برخورداری از وقت و مجال کافی و نیز دسترسی به متن مکتوب سخنرانی موفق شده است که حذف‌ها و ناهماهنگی‌های ترجمه شفاهی همزمان را جبران کند. افزون بر این، مترجم کتبی در بسیاری از برش‌های ترجمه از راهبردهایی استفاده کرده است که متفاوت از راهبردهای برگزیده مترجم شفاهی همزمان است. این موضوع حاوی دو نکته است: نخست اینکه خلاقیت مترجم کتبی در کاربست راهبردهای ترجمه، به‌طور مطلق، بهتر از مترجم شفاهی همزمان نیست، زیرا واکاوی و تحلیل ترجمه‌های سخنرانی مذکور نشان داد که مترجم شفاهی همزمان در مواردی با وجود مواجهه با چالش‌هایی که سابق بر این اشاره شد، انتخاب‌های بهتری از مترجم کتبی داشته است؛ دوم اینکه در بسیاری از موارد با وجود انتخاب راهبردهای متفاوت از سوی مترجم شفاهی همزمان و مترجم کتبی، در نهایت ترجمه‌ای مطلوب از متن مبدأ صورت گرفته است.

پیشنهادهای کاربردی و رسانه‌ای

اساسی‌ترین عناصر ارتباط کلامی در فرایند انتقال معنا به دیگران عبارت است از: فرستنده، دریافت‌کننده و زبان. زبان نسبت به دیگر عناصر ارتباطی، جایگاه مهم‌تری در جریان‌سازی دارد، زیرا حاوی مقصود فرستنده است؛ بنابراین هرچه شرایط انتقال پیام از طریق زبان به مخاطبان بهتر باشد، فرایند جریان‌سازی با سرعت بیشتر و کیفیت مناسب‌تری محقق می‌شود. در شرایطی که مخاطبان با زبان فرستنده آشنا نباشند، مترجم ماهر و با تجربه می‌تواند نقش فرستنده را در جامعه مقصد بازی کند. بر همین اساس به رسانه‌ها پیشنهاد می‌شود که در استفاده از مترجم‌های شفاهی همزمان رویدادهای خبری، سه نکته را مد نظر قرار دهند:

۱- رسانه‌ها تا آنجا که ممکن است از مترجم‌های دوزبانه که زبان‌های مبدأ و مقصد زبان والدین آن‌هاست، استفاده کنند.



- ۲- مترجم‌هایی که زبان خارجی را در کشور میزبان آن زبان آموخته‌اند، هم‌سطح گروه نخست هستند و می‌توانند همانند آن‌ها در ترجمه از زبان مبدأ به زبان مقصد و نیز برعکس موفق باشند.
- ۳- مترجم‌هایی که کاملاً دوزبانه نیستند، یعنی زبان دوم آن‌ها از زبان مادری‌شان ضعیف‌تر است، اگر به زبان مادری خود ترجمه کنند، موفق‌تر خواهند بود.
- ۴- پیشنهاد می‌شود مترجم‌ها در شبکه‌های داخلی و برون‌مرزی صداوسیما در ترجمه همزمان، محتوای سخنرانی را با توجه به شناخت خود از سخنران و مسائل مد نظر وی حدس بزنند و کلید واژه‌های آن سخنران را از قبل آماده کنند تا هنگام ترجمه آمادگی ذهنی بیشتری داشته باشند.
- ۵- در ترجمه از زبان عربی به فارسی و برعکس به ویژگی‌های خاص هر زبان توجه ویژه شود از جمله اینکه جمله‌های اسمیه در زبان‌های عربی و فارسی به صورت کامل با یکدیگر منطبق نیست.

منابع و مأخذ

منابع فارسی و عربی

اسکمل، کلر (۱۴۰۰). *راهنمای ترجمه در اخبار جهانی*. مترجم قدرت حسنی. چاپ اول. دامغان: دانشگاه دامغان.

شفیعی، شیلان، توکلی، منصور، و وحید دستجردی، حسین (۱۳۹۷). *طرحی برای آموزش ترجمه دیداری در کلاس‌های ترجمه شفاهی*. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۲۲(۴۲)، ۱۰۳-۱۲۸. DOR: 20.1001.1.26767503.1397.22.42.4.0

فقهی، عبدالحسین، و سلمانی، حسین (۱۳۹۴). *نگاهی به چالش‌های ترجمه همزمان فارسی - عربی و برعکس*. *ادب عربی*، ۷(۲)، ۲۴۰-۲۲۳. doi: <https://doi.org/10.22059/jal.2016.58089>

قاسمی، محبوبه، ضیغمی، علی، و عسکری، صادق (۱۴۰۰). *بررسی عملکرد حافظه کوتاه‌مدت در فرایند ترجمه شفاهی عربی به فارسی و بالعکس (بررسی موردی ترجمه شبکه‌های العالم و خبر)*. *انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، ۱۷(۶۰)، ۵۲-۲۵. DOR: 20.1001.1.23456361.2021.17.60.2.5

لاینز، جان (۱۳۹۱). *درآمدی بر معنی‌شناسی زبان*. ترجمه کورش صفوی. چاپ اول. تهران. علمی.

لودرر، مارین (۱۳۹۶). *ترجمه در روزگار ما*. ترجمه فاطمه میرزا ابراهیم تهرانی با همکاری زهرا موسی خانی. چاپ اول. تهران: قطره.

محمدی، علی محمد (۱۴۰۱). *تحلیلی بر راهنمای مترجم شفاهی همزمان ایرانی بر اساس نظریه معادل‌های ترجمه: مطالعه گفتمان‌نماهای استنباطی و توالی*. *پژوهش‌های زبانشناختی در زبان‌های خارجی*، ۱۲(۱)، ۱۵۲-۱۳۲. doi: 10.22059/jflr.2021.329419.880

نصرالله، سیدحسن (۱۳۹۸ الف). *سخنرانی کامل سیدحسن نصرالله به مناسبت شهادت شهید سلیمانی و المهندس*. <https://www.aparat.com/v/ktXfP>

نصرالله، سیدحسن (۱۳۹۸ ب). *[ترجمه شفاهی همزمان] سخنرانی سیدحسن نصرالله در مراسم یادبود شهید سردار سلیمانی*. <https://telewebion.com/episode/0x1b6e024>

نصرالله، سیدحسن (۱۳۹۸ ج). *[ترجمه کتبی] سخنرانی سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان، در مراسم ختم سیدالشهدای خط مقاومت، سردار حاج قاسم سلیمانی و فرمانده شهید ابومهدی مهندس*. <https://moqawama.ir/?speech=981015&title=>

منابع انگلیسی

- Baker, M. (2010). Narratives of Terrorism and Security: "Accurate" Translations, Suspicious Frames. *Critical Studies on Terrorism*, 3(3), 364-374. doi: <https://doi.org/10.80/17539153.2010.521639>.
- Baker, M. (2011). *In Other Words: A coursebook on translation*. Second edition. London and New York: Routledge.
- Berman, A. (2004). Translation and the trials of the foreign. translated by L. Venuti. in L. Venuti (ed.), 276-289.
- Dryden, J. (1989). Metaphrase, Paraphrase and Imitation. in Andrew Chesterman (ed.) (1989), 7-12, (Originally appeared as *the Preface to Ovid's Epistles, Translated by Several Hands*, also in T. R. Steiner (1975), 68-72).
- Fallah Shahroudi, Z., & Tehrani, F. (2014). L'impact des éléments linguistiques et paralinguistiques en interprétation de conférence. *Recherches en Langue et Littérature Françaises*, 8(13), 41-65.
- Gentzler, E., & Tymoczko M. (2002). Introduction. in *Translation and Power*, edited by Gentzler, E., & Tymoczko, M., xi-xxviii, Amherst: University of Massachusetts Press.
- Pedersen, J. (2005). How is Culture Rendered in Subtitles?. in *Proceedings from Mutra 2005: Challenges of Multidimensional Translation*, Saarbrücken, 1-18.
- Schleiermacher, F. (1813/ 2006). On the Different Methods of Translating. in *The Transnational Studies Reader*, edited by Venuti, L., Abingdon, Routledge, 43-63.
- Venuti, L. (2008). *The Translator's Invisibility: A History of Translation*. Second ed. London: Routledge.



جایگاه ایران در ژئوپلیتیک کریدوری منطقه‌ای و بین‌المللی (با تأکید بر رویکردهای رسانه‌ای)

رحمت حاجی‌مینه^۱ و رسول محمودی یمین^۲

چکیده

موقعیت جغرافیایی ایران به دلیل قرارگیری بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا در جهان کم‌نظیر است. امروزه با توجه به ظهور قدرت‌های اقتصادی در آسیا و افزایش تبادلات بین کشورها در چند دهه اخیر، اهمیت این موقعیت سرزمینی و ایجاد کریدورها چندبرابر شده است. هدف این مقاله تبیین جایگاه ایران در کریدورهای منطقه‌ای و بین‌المللی و عوامل تأثیرگذار بر جایگاه ایران به خصوص کریدورهای رقیب یا کریدورهایی که توان تأثیرگذاری منفی بر کریدورهای منطقه‌ای ایران را دارند با تأکید بر نقش رسانه است. برای دستیابی به هدف موردنظر پژوهش با استفاده از روش توصیفی و تبیینی از منظر ژئوپلیتیک انتقادی دنبال شده است. فرضیه اصلی عبارت از این است که در کنار موقعیت راهبردی ایران در جغرافیای سیاسی منطقه، عوامل سه‌گانه داخلی (از جمله سیاست‌گذاری کلان)، منطقه‌ای (همکاری و رقابت منطقه‌ای) و بین‌المللی (ساختار آنارشیک و منافع هژمونیک) بر ارتقای مزیت نسبی جایگاه کریدوری ایران نسبت به کریدورهای رقیب تأثیرگذار هستند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که کریدورها عامل مؤثری در شکل‌دهی به جایگاه قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران هستند؛ اما این مزیت راهبردی دائماً در معرض تهدید کریدورهای رقیب و عوامل داخلی و منطقه‌ای قرار دارد. در رقابت کریدوری، اتکاء به امنیت، هزینه و زمان کم‌تر، مهم‌ترین مزیت‌های رقابتی کریدورهای منطقه‌ای ایران نسبت به کریدورهای رقیب است. از سوی دیگر با توجه به کارکرد رسانه‌ها خصوصاً رسانه‌های برون‌مرزی، آنها در تمام مراحل از برنامه‌ریزی، اجرا و پیاده‌سازی تا بهره‌برداری و مراقبت و نگهداری از کریدورها می‌توانند به‌عنوان ناظری فعال نقش تبیینی داشته باشند و با تأکید بر منافع جمعی نقش پر رنگی در همگرایی بین کشورهای منطقه در جهت فعال‌سازی کریدورها ایفاء کنند.

کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک انتقادی، کریدورهای منطقه‌ای و بین‌المللی، کریدورهای رقیب، رسانه‌های برون‌مرزی، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۱

۱. دانشیار روابط بین‌الملل، گروه حقوق، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
r.hajimineh@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد علوم ارتباطات، گروه ارتباطات، دانشکده ارتباطات و رسانه، دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران.
r.yamin202@gmail.com

DOI: 10.22034/IMRL.2024.431356.1219



مقدمه

کریدورها به‌عنوان شاه‌راه ارتباطی نقش اساسی در حیات و معاش هر کشور ایفاء می‌کنند. ایران به‌عنوان کشوری با سرزمین پهناور و موقعیت جغرافیایی ممتاز به لحاظ قرارگیری در مسیر ترانزیت کالا و تجارت بین‌المللی از دیرباز به‌عنوان پلی ارتباطی مطرح بوده؛ اما در چند سال اخیر با توجه به رشد اقتصادی کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا نظیر چین و هند، وقوع جنگ اوکراین و تغییر معادلات ژئوراهبردی روسیه و کشورهای آسیای میانه و تنش روزافزون کشورهای غربی به رهبری آمریکا با چین بر سر مسئله تایوان سبب حرکت سریع کشورها برای تنوع بخشیدن به مسیرهای کریدوری خود شده است به‌گونه‌ای که چین از یک دهه قبل پروژه «کمربند-راه» را که سه قاره را به هم پیوند می‌دهد طرح کرده و موقعیت جغرافیایی ایران سبب شده تا جایگاه مهمی در آن داشته باشد. کریدور شمال-جنوب هم با توجه به رویکرد روسیه قبل از جنگ و بعد از جنگ در شرق اروپا، اهمیت ژئوراهبردی‌اش بیش از پیش نمایان شد. کشورهای آسیای میانه و قفقاز جنوبی نیز به‌دلیل کمبود فضا در توسعه روابط تجاری از هرگونه فرصت برای توسعه روابط تجاری به‌خصوص در حوزه حمل‌ونقلی استقبال می‌کنند. در این راستا، موقعیت جغرافیایی ایران به‌عنوان نقطه تلاقی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا و با دسترسی به تنگه هرمز و نزدیکی به چند کانون مهم بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله کشورهای حوزه خلیج فارس، منطقه غرب آسیا، اوراسیا، آسیای جنوبی و آسیای غربی می‌تواند نقش کلیدی در پیوند این مناطق بازی کند. با توجه به رقابت شدید کشورهای مختلف در حوزه احداث کریدورها و اهمیت ژئوپلیتیکی کریدورها در قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی یک کشور از یک سو، و از سوی دیگر طبق تصریح برنامه هفتم توسعه، افزایش ترانزیت تا سطح سالانه ۳۰ میلیون تن در پایان برنامه و مدیریت یکپارچه ترانزیت و تسهیل همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی، تشکیل ستاد ترانزیت به ریاست وزیر راه و شهرسازی به منظور هماهنگی بین وزارت-خانه‌های دیگر در جهت بازنگری در مقررات و تسریع در فرایندهای ترانزیتی و توسعه و نگهداری کریدورهای ارتباطی داخلی و خارجی پیش بینی شده است (برنامه هفتم توسعه، ۶۷ تا ۶۸). به همین دلیل تلاش برای احداث کریدورها یک وظیفه‌ای ملی است که تمام سازمان‌ها باید در حد توان خود یاری‌گر این طرح باشند. رسانه و سازمان‌های رسانه‌ای از شمول این طرح خارج نیستند. رسانه‌ها از ابتدای پیدایش به‌عنوان ابزاری در خدمت صنعت و اقتصاد بوده‌اند و نظریات مختلف علمی سعی دارند تا رابطه بین این دو حوزه را تبیین نمایند؛ اما آنچه در این بین همواره بر آن تأکید شده نقش رسانه در رونق اقتصاد و صنعت است. رسانه‌ها با توجه به کارکردهایی که دارند می‌توانند



در زمینه‌های مختلف نظیر اطلاع‌رسانی، تبلیغات، آموزش و مطالبه‌گری بر صنعت حمل‌ونقل و ایجاد کریدورهای ارتباطی به‌عنوان یکی از ابعاد توسعه و صنعت اثرگذار باشند. بنابراین، شناخت جایگاه کریدوری ایران در منطقه غرب آسیا و تأثیر این کریدورها در معادلات جهان امر ضروری است تا با شناخت کریدورهای رقیب بتوان راهبرد مناسب در قبال کریدورهایی که منافع ملی را تحت شعاع قرار می‌دهند، طراحی کرد. لذا سؤال اصلی مقاله این است جایگاه ایران در ژئوپلیتیک کریدوری منطقه‌ای و بین‌المللی نسبت به کریدورهای رقیب با تأکید بر نقش رسانه چیست؟ سؤال‌های فرعی هم که در این مقاله به آن‌ها پرداخته شده است بر این اساس است که چالش‌ها و تهدیدهای پیش‌روی کریدورهای منطقه‌ای و بین‌المللی ایران چیست؟ کریدورهای رقیب و بازیگران حامی این کریدورها چه تهدیداتی برای جایگاه و منافع کریدوری ایران دارند؟ ظرفیت‌ها و پیشنهاددهای رسانه‌ای در جهت رقابت‌پذیر کردن ایران در مواجهه با کریدورهای رقیب چیست؟ در این راستا با استفاده از رویکرد توصیفی و تبیینی و منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی از چارچوب ژئوپلیتیک انتقادی بهره گرفته شد تا بتوانیم به شناخت جایگاه ایران در بین کریدورهای منطقه و جهان دست یابیم و عوامل تأثیرگذار بر جایگاه ایران در کریدورهای منطقه‌ای و بین‌المللی را با تأکید بر نقش رسانه شناسایی و تبیین نماییم. فرضیه اصلی هم عبارت از این است که در کنار موقعیت راهبردی ایران در جغرافیای سیاسی منطقه، عوامل سه‌گانه داخلی (ازجمله سیاست‌گذاری کلان)، منطقه‌ای (همکاری و رقابت منطقه‌ای) و بین‌المللی (ساختار آنارشیک و منافع هژمونیک) بر ارتقای مزیت نسبی جایگاه کریدوری ایران نسبت به کریدورهای رقیب تأثیرگذار هستند و رسانه در هر سه سطح نقش مهمی مبتنی بر اجماع‌سازی نخبگان داخلی، ترویج همکاری منطقه‌ای و آشکارسازی تهدیدات برآمده از کریدورهای رقیب دارد.

پیشینه پژوهش

در جدول ۱، تعدادی از پژوهش‌های جدید مرتبط با این مقاله آورده شده‌اند.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان	نویسندگان و سال	نتیجه اصلی
۱	بررسی سهم قابل‌جذب حمل‌جاده‌ای از بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی	پریسا بازدار (۱۴۰۰)	رابطه‌ی مستقیم و معناداری با ضریب ۰,۳۶ بین تولید ناخالص داخلی کشورهای ترکیه، عراق، افغانستان، آذربایجان، ترکمنستان، امارات و تقاضای ترانزیت در بخش حمل‌ونقل جاده‌ای کشور وجود دارد. همچنین نتایج

ردیف	عنوان	نویسندگان و سال	نتیجه اصلی
			متغیر فاصله جغرافیایی بیان می‌کند که رابطه منفی و معناداری با ضریب ۵,۲۷- بین فاصله جغرافیایی کشورهای مورد بررسی و تقاضای ترانزیت در بخش حمل‌ونقل جاده‌ای کشور وجود دارد.
۲	بررسی نقش موقعیت گذرگاهی در قدرت ملی، مورد مطالعه: کشور ایران	حافظانیا و همکاران (۱۴۰۰)	یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از موقعیت گذرگاهی ایران در افزایش قدرت کنترلی و نیز تأمین امنیت ملی نقش بسزایی دارد. همچنین باعث تولید شغل، افزایش درآمد و ارزآوری می‌شود که خود عامل رونق اقتصادی است.
۳	واکاوی نقش ژئوپلیتیکی ایران در کریدورهای بین‌المللی و ارائه مدل؛ ایران، هارتلند کریدوری جهان	نورعلی و احمدی (۱۴۰۱)	نتایج تحقیق نشان می‌دهد موقعیت هارتلندی ایران در نظام ژئوپلیتیک جهانی قرن بیست‌ویکم که بر منابع «جغرافیایی-سیاسی-اقتصادی» با محوریت کریدورها و بندرها متکی است، می‌تواند کارتهای بازی زیادی را در بازیهای قدرت منطقه‌ای و جهانی در اختیار ایران قرار دهد.
۴	تضعیف جایگاه ایران در کریدورهای بین‌المللی	مشفق (۱۴۰۱)	برای ارتقا نقش کریدوری ایران، تدوین برنامه راهبردی توسعه مسیرهای ترانزیتی مبتنی بر نقاط قوت و ضعف، افزایش تعاملات میان نهادهای درگیر در توسعه ترانزیت، همکاری و تعامل با کشورهای ذی‌نفع در یک کریدور، بررسی رقابت‌پذیری مسیرهای ترانزیتی ایران در راهگذرهای بین‌المللی، رقابتی کردن کریدورهای دریایی چابهار ضروری است.
۵	کریدور اقتصادی چین-پاکستان: چشم‌اندازها و چالش‌های آن برای ایران	شاه‌نواز منگی و همکاران (۲۰۲۱)	قرارگرفتن ایران در مسیر کریدوری، نقطه عطفی در تاریخ اقتصاد آن خواهد بود. این کشور می‌تواند با استفاده از مسیر سی‌پک به هند، چین و پاکستان، صادرات خود را به آرامی بازیابی کند. علاوه بر این، ایران می‌تواند تعادلی را در برابر نفوذ عربستان سعودی در منطقه مدیریت کند.
۶	فرصت‌ها و چالش‌های جدید برای کریدورهای حمل‌ونقل در قفقاز جنوبی در پرتو جنگ روسیه و اوکراین	مراد آقاییف (۲۰۲۳)	آسیب جنگ روسیه و اوکراین به بخش حمل‌ونقل، ایجاد و استفاده از مسیرهای جایگزین را ضروری کرده است. کاهش امنیت دریای سیاه به دلیل جنگ و بسته‌شدن فضای اروپا به روی روسیه مشکلاتی را برای کشورهای اروپا که از روسیه و دریای سیاه برای رسیدن به اروپا استفاده می‌کردند، ایجاد کرد. این کشورها در حال ارزیابی فرصت‌های جایگزین کریدورهای میانی و شمال-جنوب برای کریدور مسدود شده، هستند.



نوآوری اصلی این پژوهش تأکید بر تأثیر کربدورهای رقیب بر کربدورهای منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و همچنین نقش رسانه‌ها به‌خصوص رسانه‌های برون‌مرزی در جهت تقویت کربدورهای منطقه‌ای و بین‌المللی ایران بوده که در پژوهش‌های پیشین موردتوجه قرار نگرفته است.

چارچوب نظری: ژئوپلیتیک انتقادی

مفهوم ژئوپلیتیک که توسط حقوقدان سوئدی، رودولف کیلن^۱، ابداع شد، با یک دغدغه اجتماعی داروینستی برای چشم انداز بقای جوامع و دولت‌ها آمیخته شد. مطالعات ژئوپلیتیک زمانی که با رقابت‌های امپریالیستی ادامه دار، در کنار توسعه نهادی جغرافیا به‌عنوان موضوع دانشگاهی ترکیب شد، مجموعه‌ای از نویسندگان تأثیرگذار از جمله هالفورد مکیندر^۲، آلفرد ماهان^۳ و فردریش راتزل^۴ را به خود جذب کرد. بینش آنها در مورد سیستم جهان مدرن، نقش عوامل جغرافیایی مانند منابع و موقعیت، و چشم‌انداز قدرت‌های بزرگی مانند آلمان، بریتانیا، ایالات متحده و رقا به‌طور قابل‌توجهی دوام خود را ثابت کرده‌اند (Dodds and other, 2013). ژئوپلیتیک سنتی به مطالعه چگونگی تقویت یا تضعیف قدرت سیاسی توسط ترتیبات جغرافیایی (مرزها، ائتلاف‌ها، شبکه‌های فضایی، منابع طبیعی و غیره) می‌پردازد و بیانگر تصمیمات عملی رهبران سیاسی و اجتماعی با توجه به ترتیبات جغرافیایی است. اما ژئوپلیتیک انتقادی مفروضات مربوط به جهان پشت چنین تصمیماتی را بررسی می‌کند (Dijkink, 2009) و به‌طور کلی به قدرت نمی‌پردازد بلکه با روابط قدرت در مکان‌های خاص سروکار دارد (Kuus, 2010: 16). در واقع، ژئوپلیتیک انتقادی به‌عنوان یک زیرشاخه از جغرافیای انسانی، به بررسی مفروضات و شاخص‌های جغرافیایی می‌پردازد که در شکل‌گیری سیاست جهانی وارد می‌شوند. این امر را با بررسی رویه‌هایی انجام می‌دهد که توسط آن، بازیگران سیاسی، سیاست بین‌الملل را به فضای پیرامونی انسان پیوند می‌دهند و آن را به‌عنوان «جهانی» معرفی می‌کنند که با انواع خاصی از مکان‌ها مشخص می‌شود (Agnew, 2003: 2). به جای فهم نمادگرایی قدرت، گرایش به اغماض در مورد جنبه‌های مادی سیاسی و نمایش شکل‌گفتمان سیاسی سلطه در دولت‌های خاص دارد و درباره عملکردهای ژئوپلیتیکی حکومت‌ها تمایل کمتری نشان می‌دهد و به جای اتخاذ دیدگاه‌های واقعی به‌عنوان مباحث مورد مطالعه، تمایل به تخریب زمینه‌های گفتمان

1. Rudolf Kjellén
2. Halford John Mackinder
3. Alfred Mahan
4. Friedrich Ratzel

ژئوپلیتیکی دارد و برخلاف این تصور که جغرافیا به‌عنوان جایگاه اشیا و مکان‌ها استنباط می‌شود دارای دیدگاهی استدلالی است و عنوان می‌کند که جغرافیا صرفاً و تنها علم اشیا در مکان‌ها و جایگاه‌ها نیست. این اشیا، محصور در مباحث واقعی و اجتماعی‌اند و لذا قبل از اینکه جغرافیا به افکار انتقادی یا عملکردی نزدیک شود، تحلیل‌های متعددی را طلب می‌نماید (احمدی‌پور و بدیعی، ۱۳۸۱: ۵). وجود دو مفهوم هارتلند و موقعیت گذرگاهی در رابطه با نظریه ژئوپلیتیک انتقادی ارتباط جغرافیا و سیاست را به گونه‌ای واضح‌تر بیان می‌کند:

الف) هارتلند

اصطلاح «هارتلند» یک مفهوم قدیمی است که توسط هالفورد مکیندر^۱ استاد جغرافیای دانشگاه آکسفورد مطرح شد. این اصطلاح به‌عنوان یک مفهوم ژئوپلیتیکی می‌تواند به این معنی باشد که یک مکان یا فضای جغرافیایی از حیث نقش‌آفرینی سیاسی آن چنان قوی عمل کند که بتواند تأثیر جهانی داشته، یا سیاست‌های جهانی را تحت تأثیر قرار دهد و یا اینکه بر فرایند سیاسی جهان اثر بگذارد و به آنها شکل بدهد و یا اینکه مدعیان قدرت در مقیاس‌های جهانی، منطقه‌ای و محلی برای کنترل و تسلط بر آن به رقابت بپردازد تا بتواند سلطه و اقتدار خود را بر سیاست‌های کروی و جهانی یا منطقه‌ای نسبت به دیگران حفظ کند و ارتقا ببخشند؛ بنابراین مفهوم هارتلند به مفهوم فضای هارتلند هم به لحاظ اهمیت و نقش‌آفرینی سیاسی و هم به لحاظ تطبیق فضایی_مکانی در بستر زمان ثابت نبوده و متغیر است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۱).

جفری کمپ^۲، استراتژیست آمریکایی در سال ۱۹۹۷ میلادی منطقه جغرافیایی شامل ایران و کل حوزه خلیج فارس، یمن و عربستان سعودی در جنوب و بخش‌هایی از عراق، ترکیه، ارمنستان، جمهوری آذربایجان، گرجستان در شمال و شمال غربی، مجموعه دریای کاسپین بخش‌هایی از جنوب روسیه و قسمت‌هایی از سرزمین قزاقستان در شمال و بخش‌های از ازبکستان در شمال شرق را در یک بیضی قرار داد و بیان کرد که ۷۰ درصد ذخایر اثبات‌شده نفت و بیش از ۴۰ درصد ذخایر گاز طبیعی در این منطقه قرار دارد؛ از این رو این منطقه بیضی راهبردی، هارتلند جدید و هارتلند انرژی نامیده شد (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۳-۱۴). امروزه نیز با تغییر ابعاد رقابت قدرتی از ژئواستراتژی به سمت ژئوآکونومی و ژئوپلی‌نومی، قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های نوظهور هرکدام برای بازیگری موثر در جغرافیاهای کلیدی جهانی،

1. Halford Mackinder
2. Geoffrey Kemp



کریدورهای ژئوپلیتیکی را مدنظر قرار داده‌اند که بعد اقتصادی آن پر رنگ‌تر از سایر ابعاد است. در این رقابت قدرتی نوین، یک هارتلند کریدوری در جنوب غرب آسیا شکل گرفته است که توجه سیاست خارجی قدرت‌ها را به خود معطوف کرده است (نورعلی و احمدی، ۱۴۰۱: ۱۱۷۹).

ب) موقعیت گذرگاهی

استفاده از قلمرو ایران برای ترانزیت از قدمتی سه هزارساله برخوردار است، راه ابریشم، راه مروارید، راه شاهی و راه ادویه از جمله مسیرهای تاریخی هستند که در طول سالیان مورد استفاده بازرگانان و مسافران قرار گرفته است (احدی، ۱۳۹۲: ۱۵۴). ایران با توجه به شرایط جغرافیایی در یک موقعیت گذرگاهی قرار گرفته است و جغرافیا عامل مهمی در راهبرد کلان ایران است (Advaliani, 2017). با توجه به این که این موقعیت جغرافیایی از یک سو در منطقه دارای اهمیت است، بنابراین موقعیت ژئوپلیتیک محسوب می‌شود، و از سوی دیگر این موقعیت جغرافیایی در مقیاس جهانی نیز دارای اهمیت است بنابراین یک موقعیت ژئوراهبردی نیز به حساب می‌آید. اهمیت جغرافیای گذرگاهی ایران سبب شده تا کارکردهای متنوعی برای این موقعیت ترسیم شود از جمله:

کارکرد ارتباطی: فضای جغرافیایی ایران در محور شمال-جنوب دو عرصه جغرافیایی آب و خشکی را به هم پیوند می‌دهد و در مسیر عمومی ارتباط قاره‌های اروپا، آسیا، اقیانوسیه و به‌ویژه آسیای جنوبی و جنوب شرقی قرار دارد (حافظنیا و همکاران ۱۴۰۰: ۹۶ - ۹۷).

کارکرد اقتصادی: کشور ایران به دلیل اینکه در مسیر ترانزیت کالا و گذرگاهی جمهوری-های بالتیک، قفقاز، آسیای میانه و اسلاو قرار گرفته است، از موقعیت ممتاز و بی‌نظیری از نظر حجم ترانزیت برخوردار است.

کارکرد امنیتی: کارشناسان معتقدند از نظر امنیتی، عبور خط لوله صادرات نفت و گاز کشورهای حوزه از ایران، بر اساس اصل وابستگی متقابل، امنیت این کشورها را به امنیت ملی ایران پیوند خواهد زد و همسایگان ما ناچار خواهند شد در رفتار سیاسی خود ملاحظات امنیتی ایران را در نظر بگیرند (ساسانی، ۱۳۹۱).

کارکرد کنترلی: از گذشته تاکنون همواره شاهد این حقیقت بوده‌ایم که کشورهایی که به‌صورت گذرگاه بوده‌اند و به‌نوعی امکان تردد را برای کشورهای دیگر به وجود آورده‌اند چه تردد

زمینی، دریایی و هوایی و چه به صورت عبور فیبر نوری و مخابراتی، حالت کنترلی و فرادستی برای آن‌ها به وجود آمده است.

کارکرد ترانزیتی: کشور ایران در مرکز هاتلند جدید، همسایگی با ۱۵ کشور و دسترسی‌های راهبردی به آسیای میانه و قفقاز به عنوان پلی مطمئن میان اروپا و آسیا برای تحقق مبادله و ترانزیت کالا، نقش بسیار پراهمیتی را ایفاء می‌کند (حافظنیا و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۶ - ۹۷).

۱. کریدورهای هفتگانه و جایگاه ژئوپلیتیکی آنها

ایران، به عنوان یک پل ارتباطی بین آفریقا، اروپا و آسیا عمل می‌کند و پیوند دهنده هند و روسیه در کریدور شمال - جنوب، پیونددهنده آسیا و اروپا در کریدور شرق-غرب، پیوند دهنده آسیای میانه، قفقاز، ترکیه و اروپای غربی در کریدور تراسیکا، پیونددهنده جنوب شرقی آسیا به شمال غربی اروپا در کریدور جنوبی آسیا، پیوند دهنده اعضای اکو و همچنین کشورهای آسیای میانه به دریاهای آزاد و خلیج فارس در توافق نامه عشق‌آباد محسوب می‌شود. در واقع ایران در یکی از بهترین موقعیت‌های جغرافیایی جهان قرار دارد که ترکیبی از نقش‌های ژئوراهبردی، ژئواکونومیکی و ژئوترانزیتی را در منطقه جنوب غرب آسیا بازی می‌کند (نورعلی و احمدی، ۱۴۰۱: ۱۱۶۲). در یک دسته‌بندی کلی کریدورهای هفت‌گانه عبوری ایران در دودسته شمال به جنوب (دو کریدور) و شرق به غرب (پنج کریدور) قرار می‌گیرند:

۱-۱. کریدورهای شمال-جنوب

کریدورهای شمال-جنوب، مجموعه کریدورهای را شامل می‌شوند که آسیای میانه و قفقاز را به خلیج فارس، دریای عمان، هند و بالعکس وصل می‌کنند که عبارت‌اند:

۱-۱-۱. کریدور شمال-جنوب (INSTC)

کریدور استراتژیکی شمال-جنوب که با نام اختصاری (INSTC)^۱ شناخته می‌شود، کریدوری چندوجهی^۲ است که مناطق مختلف ترانزیتی جنوب آسیا، غرب آسیا، آسیای میانه، قفقاز، روسیه و شمال اروپا را به یکدیگر متصل می‌کند. این کریدور دارای چهار مسیر اصلی شامل مسیرهای

1. International North-South Transport Corridor

۲. حمل‌ونقل چند وجهی به معنی ترانزیت کالا با استفاده از دو یا چند وسیله نقلیه از قبیل کشتی، هواپیما، قطار و کامیون است.



غربی شامل (روسیه-گرجستان-ارمنستان-ایران-هند) و (روسیه-جمهوری آذربایجان-ایران-هند)، مسیر میانی یا ترانس کاسپین (روسیه-دریای کاسپین-ایران-هند) و مسیر شرقی (روسیه-آسیای میانه-ایران-هند) است. کریدور ترانزیتی شمال-جنوب توافقنامه‌ای بین دولتی بین سه کشور روسیه، هند و ایران است که در شهریور سال ۱۳۷۹ (سپتامبر ۲۰۰۰) منعقد و در سال‌های بعد، ترکیه، بلاروس، جمهوری آذربایجان و ارمنستان نیز به این پروژه پیوستند. مسیر اصلی گذرگاه بین‌المللی حمل‌ونقل شمال-جنوب، موسوم به گذرگاه شمال جنوب عبارت است از ۷۲۰۰ کیلومتر مسیر ترانزیتی شامل مسیرهای دریایی، ریلی و جاده‌ای که بخش عمده مسیرهای ریلی و جاده‌ای آن در ایران قرار دارد. طبق برآوردی که در سال ۲۰۱۴ با انتقال محموله‌هایی از بندر بمبئی هند به بندرآستارخان روسیه از مسیر بندرعباس و بندر انزلی و نیز بمبئی به باکو از مسیر بندرعباس صورت گرفته، به‌ازای هر محموله ۱۵ تنی، هزینه حمل‌ونقل ۲۵۰۰ دلار در مقایسه با مسیرهای سنتی کاهش پیدا می‌کند. همچنین مسیر ۱۱۶۰۰ کیلومتری هند برای دسترسی به اروپا از طریق کانال سوئز و یا مسیر ۱۸۵۰۰ کیلومتری از طریق کیپ‌تاون، به ۷۲۰۰ کیلومتر کاهش پیدا خواهد کرد. به لحاظ زمانی نیز مسیر گذرگاه، فاصله رسیدن کالا از روسیه به بمبئی را به ۲۲ روز می‌رساند که تقریباً نصف میزان زمان ۴۰ روز از مسیر سنتی کانال سوئز است (گزارش ویژه مرکز آینده‌پژوهی جهان اسلام، ۱۴۰۰).

پس از مناقشه روسیه و اوکراین و چالش‌های به وجود آمده ناشی از تحریم‌های غرب در پی انسداد مسیر دریای سیاه، مراودات هند با روسیه و کشورهای این حوزه دچار اختلال شده و دهلی‌نو در صدد یافتن راه‌های جایگزین برای حمل‌ونقل کالا بین این کشورهاست. از نظر کارشناسان مسیر کریدور حمل‌ونقل ریلی شمال-جنوب ارزان‌ترین، امن‌ترین و کوتاه‌ترین مسیر است که در مقایسه با مسیرهای سنتی از نظر مسافت و زمان حدود ۴۰ درصد کوتاه‌تر بوده و می‌تواند سبب کاهش ۳۰ درصدی هزینه‌ها شود (مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران، ۱۴۰۱: ۲۴).

۲-۱-۱. کریدور خلیج فارس به دریای سیاه

در سال ۲۰۱۶ میلادی، ایران ابتکار منطقه‌ای برای گسترش کریدور حمل‌ونقل و ترانزیتی خلیج فارس-دریای سیاه را ارائه کرد که علاوه بر خود ایران، ارمنستان، جمهوری آذربایجان، گرجستان، بلغارستان و یونان را نیز شامل می‌شود. این کریدور چندوجهی از خلیج فارس و جنوب ایران آغاز می‌شود، سپس به سمت شمال کشور رفته و در ارمنستان یا جمهوری آذربایجان ادامه

می‌یابد و از آنجا کالاها به بنادر گرجستان در دریای سیاه و در نهایت با عبور از دریای سیاه به بلغارستان، یونان و اتحادیه اروپا انتقال می‌یابد (حسینی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۵).

ایران با در نظر گرفتن پنج دلیل عمده از این کریدور ترانزیتی راهبردی حمایت می‌کند. نخست، رویکرد تهران برای ایجاد تنوع در مسیرهای ارتباطی خود با کشورهای همسایه بوده که محور آن «حمل و نقل چندوجهی» یعنی ترکیبی از مسیرهای دریایی، زمینی و ریلی است. در این راستا، ایران در نظر دارد بنادر خود واقع در دریای عمان و خلیج فارس در جنوب کشور را از طریق شبکه ریلی به بنادر دریای کاسپین در شمال کشور متصل کند. دلیل دوم، هدف ایران از ترکیب پروژه‌های ارتباطی متعدد افزایش منافع اقتصادی هر یک از مسیرهای ترانزیتی است. سومین دلیل تقویت روابط اقتصادی ایران و اتحادیه اوراسیا است. چهارمین موضوعی که ایران را به سمت توسعه کریدور حمل و نقل و ترانزیتی بین‌المللی خلیج فارس-دریای سیاه سوق می‌دهد، کاهش وابستگی خود به ترکیه با ایجاد یک مسیر جایگزین برای تجارت و ترانزیت به اروپا است. پنجمین دلیل، ایران برای ایجاد کریدور حمل و نقل خلیج-دریای سیاه به تحولات قفقاز جنوبی و جنگ قره‌باغ مربوط می‌شود. اگر ایروان و باکو بتوانند اختلافات خود را بر سر تفسیر ماده ۹ توافقنامه آتش‌بس ۹ نوامبر ۲۰۲۰ که به احیای چندین راه‌آهن منطقه‌ای دوران شوروی مربوط می‌شود، حل کنند، ایران می‌تواند شبکه ریلی خود را به ارمنستان و گرجستان متصل کند. اتصال ترانزیتی، یک پله مهم برای تحقق کامل کریدور خلیج فارس-دریای سیاه خواهد بود (مانا، ۱۴۰۲: ۹۶۵۷۸).

۲-۱. کریدورهای شرق-غرب

کریدورهای شرق به غرب، یک مجموعه کریدور است که از سمت شرق ایران به سمت غرب ایران و بالعکس جریان دارد؛ عبارت‌اند از:

۱-۲-۱. کریدور کمربند-راه

این ابتکار از دو بخش تشکیل شده است «کمربند-راه»، کمربند به شش راه سرزمینی در خشکی اشاره می‌کند که قرار است چین را به آسیای میانه، روسیه، جنوب آسیا و نیز اروپا پیوند دهد. راه هم به راهی دریایی اشاره می‌کند که هدفش اتصال بنادر چین به بنادر آسیای جنوب شرقی، جنوب آسیا، آفریقا، غرب آسیا و اروپاست. کریدور اقتصادی چین-مغولستان-روسیه، کریدور اقتصادی جدید پل اوراسی، کریدور چین-آسیای میانه-غرب آسیا، کریدور اقتصادی چین-پاکستان، کریدور اقتصادی بنگلادش-چین-هند-میانمار (Ramasamy, 2017)، کریدور چین-شبه‌جزیره هندوچین؛



علاوه بر ۶ کریدور ذکر شده راه ابریشم دریایی قرن بیست و یکم شامل آسیای جنوب شرقی، اندونزی، هند، شبه‌جزیره عربستان، سومالی، مصر و اروپا بوده و دریا‌های چین جنوبی، تنگه مالاکا، اقیانوس هند، خلیج بنگال، خلیج فارس و دریای سرخ را نیز شامل می‌شود.

با توجه موقعیت جغرافیایی، جایگاه ایران در ابتکار «کمربند-راه» در هر دو گونه شکلی خشکی و دریایی، اساسی و محوری است. این طرح می‌تواند تأمین‌کننده منافع ژئواستراتژیک، اقتصادی و امنیتی ایران در منطقه باشد؛ اما تلاش برای گنجانده شدن هر چه بیشتر ایران در این طرح مستلزم احداث و راه‌اندازی مسیرهای ارتباطی موردنیاز در راستای طرح ابریشم جدید است. افزایش ظرفیت حمل‌ونقل و سطح خدمات زیرساخت‌های ترانزیت داخلی ایران، تأثیر مثبتی بر کارایی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی دارد. توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل ایران با طرح «کمربند-راه» سازگاری بالایی دارد (Li and lei, 2023: 247).

۲-۱. کریدور اکو (پاکستان-ایران-ترکیه)

یکی از کریدورهای عبوری از خاک ایران، کریدور اکو است. سازمان اکو پنج کریدور ریلی تعریف کرده که همه آنها از ایران می‌گذرند. از جمله این کریدورها می‌توان به کریدور اسلام‌آباد-تهران-استانبول، قطار کانتینری آلمانی-بندرعباس و آلمانی-استانبول و کریدور ایران-افغانستان-تاجیکستان-قرقیزستان و چین اشاره کرد. حمل کالا توسط کشتی از استانبول به پاکستان حدود ۳۰ روز زمان می‌برد و کریدور اکو این زمان را به ۱۰ تا ۱۲ روز کاهش می‌دهد. از طرفی، پیش‌بینی می‌شود که با استفاده از این مسیر، هزینه‌های حمل نیز تا ۳۰ درصد کاهش یابد (روزنامه اقتصاد سرآمد، ۱۴۰۰: شماره ۱). ایران در دهه‌های گذشته شبکه ریلی خود را تا مرز رازی امتداد داده و به مرز ترکیه رساند، ترکیه نیز از مرز رازی به داخل خاک خود یک راه‌آهن احداث کرد، اما هیچگاه این خط را به شبکه ریلی سراسری خود وصل نکرد و آن را در ساحل دریاچه وان متوقف کرد؛ این در حالی است که آن سوی دریاچه وان به شبکه ریلی ترکیه وصل بوده و اتصال شبکه‌های ریلی ایران و ترکیه فقط نیازمند احداث یک خط ریلی به طول ۲۳۸ کیلومتر در حاشیه این دریاچه برای مرتبط کردن دو سوی آن است. طی مذاکرات دو طرف، ایرانی بارها درخواست احداث این حلقه را نموده و حتی پیشنهاد تأمین مالی این پروژه را نیز به طرف مقابل ارائه کرده؛ اما ترکیه بیشتر به دنبال بهره‌بردن از کریدورهای رقیب بوده و از احداث خط‌آهن این مسیر خودداری کرده است (روزنامه تجارت، ۱۴۰۰: شماره ۶).



۳-۲-۱. کریدور مقاومت (ایران-عراق-سوریه)

کریدور مقاومت یا کریدور ایران-عراق-سوریه یکی دیگر از دالان‌ها است که در امتداد کریدورهای شرق به غرب و بالعکس قرار دارد. این کریدور از دو منظر قابل بررسی است ابتدا می‌توان این کریدور را ادامه پروژه «کمربند-راه» دانست که از چین شروع، بعد از طی افغانستان به ایران سپس به عراق و سوریه و در نهایت به دریای مدیترانه ختم می‌شود. از این نظر، این کریدور را می‌توان مسیری برای ترانزیت و حمل نقل کالا به کشورهای عرب در غرب آسیا نیز در نظر گرفت با توجه به ظرفیت این کریدور کشورهای دیگر را نیز می‌تواند شامل شود یا حتی در نهایت می‌تواند از طریق عراق و عربستان به قاره آفریقا ختم شود. اما از منظر دیگر، کریدور ایران-عراق-سوریه را می‌توان یک کریدور راهبردی و حیاتی برای ایران در نظر گرفت که از تهران یا مشهد شروع بعد از طی عراق به سوریه و لبنان و سواحل دریای مدیترانه ختم شود. از این منظر این کریدور را می‌توان کریدور محور مقاومت نامید. چرا که چهار کشور ایران، عراق و سوریه و لبنان، محور مقاومت در منطقه خاورمیانه به لحاظ سیاسی و نظامی را در چند دهه اخیر تشکیل داده‌اند. این کریدور برای ایران و کشورهای دیگر آن، دارای اهمیت ژئوراهبردی و ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک است که می‌تواند تحریم یک‌جانبه غرب علیه این کشورها به خصوص ایران و سوریه را خنثی و کم اثر نماید. از منظر اقتصادی نیز کشورهای مقاومت شرکای اقتصادی ایران هستند. این کریدور می‌تواند نقش زیادی در تسریع صادرات و واردات کالا ایفاء کند. از بُعد گردشگری نیز این کریدور می‌تواند یک کریدور با ماهیت زیارتی محسوب شود که با جابه‌جایی مسافر و بین شهرهای مذهبی ایران-عراق-سوریه، نقش عمده‌ای در رونق گردشگری مذهبی داشته باشد.

۴-۲-۱. کریدور ریلی چین-قزاقستان-ترکمنستان-ایران-اروپا

این کریدور ریلی دومقصد دارد؛ نخست، اروپا که از آن به‌عنوان کریدور راه ابریشم نیز یاد می‌کنند. مسیر کشور چین، قزاقستان، ترکمنستان، ایران و ترکیه را در برمی‌گیرد و از طریق بنادر ترکیه و راه دریا به اروپا وصل می‌شود. همچنین این کریدور از مسیری دیگر از طریق جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان به دریای سیاه و اروپای شرقی ختم می‌شود. دوم، کشورهای حاشیه خلیج فارس که از آن نیز به‌عنوان کریدور خلیج فارس یاد می‌شود. این کریدور از چین شروع و بعد از طی مسیر کشورهای قزاقستان، ترکمنستان یا قزاقستان-



ازبکستان - ترکمنستان به ایران می‌رسد و از طریق کریدور شمال-جنوب راهی کشورهای خلیج فارس و بنادر ایران نظیر بندر عباس و امام خمینی (ره) می‌شود.

۵-۲-۱. کریدور تراسیکا

تراسیکا کریدوری بین‌المللی است که آسیا را به اروپا متصل می‌کند؛ این کریدور کشورهای بلغارستان، اوکراین، رومانی، مولداوی و ترکیه در حاشیه دریای سیاه و گرجستان، ارمنستان و جمهوری آذربایجان در منطقه قفقاز و ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان در آسیای میانه را شامل می‌شود. ایران نیز به‌عنوان چهاردهمین کشور عضو این کریدور شناخته شد. از آنجاکه ایران تنها مسیر جاده‌ای برای کریدور مزبور به شمار می‌آید، بنابراین از اهمیت ویژه‌ای در این طرح برخوردار است. با پیوستن ایران به این کریدور بین‌المللی، مسیر جنوبی این کریدور برای ارسال کالا از اروپا به کشورهای آسیای مرکزی و چین بهبود می‌یابد. این مسیر جدید، مسیر چین-جمهوری‌های آسیای میانه-جمهوری اسلامی ایران-ترکیه به اروپا را در برمی‌گیرد. در واقع تراسیکا به‌عنوان مسیری که کمترین هزینه و زمان را برای اتصال جمهوری‌های آسیای میانه به بازارهای جهانی و بنادر اروپایی دارد، معرفی شده است (ملک‌حسینی، ۱۴۰۰: ۹-۱۰). شاخه جنوبی این کریدور در ایران در نظر گرفته شده است که از مرز ترکمنستان وارد ایران و سپس از طریق مرز بازرگان وارد ترکیه و یا از مرز آستارا وارد جمهوری آذربایجان می‌شود.

۲. کریدورهای رقیب

در مقابل کریدورهای عبوری از ایران در سطح منطقه و بین‌المللی، کریدورهایی وجود دارند یا قرار است ایجاد شوند که در تعارض و رقابت با کریدورهای ایران قرار گرفته‌اند؛ به‌عبارت‌دیگر کریدورهای رقیب عبارت‌اند از کریدورهای که توانایی تأثیر منفی بر میزان و حجم ترانزیت و عبور و مرور از کریدورهای ایران را دارند. این کریدورها در زیر به‌صورت خلاصه آورده شده‌اند:

۱-۲. کریدور ترانس سبیری

راه‌آهن ترانس سبیری، یک شبکه گسترده از خطوط راه‌آهن است که از مسکو تا ولادی وستوک در ساحل خلیج آمو در شمال شرقی کشور روسیه امتداد دارد. این راه‌آهن بزرگ‌ترین خط راه‌آهن جهان است این کریدور شرق به غرب و بالعکس با توجه به تعداد شهرهای در مسیر و متصل کردن شرق آسیا به‌خصوص چین به اروپا نقش پررنگی در ترانزیت کالا و مسافر تا پیش از

شروع جنگ اوکراین برعهده داشته است؛ اما شروع جنگ در فوریه ۲۰۲۲ و تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا علیه روسیه، باعث از کارافتادن کریدور ترانس-سیبری به‌عنوان مهم‌ترین مسیر زمینی متصل‌کننده چین و اروپا شد؛ طبق آمار موجود تا پیش از جنگ مذکور، سالانه حدود ۱٫۵ میلیون کانتینر میان چین و اروپا از مسیر قزاقستان، روسیه و بلاروس عبور می‌کرد (ضیایی، ۱۴۰۱). مهم‌ترین دلیل این امر وجود زیرساخت‌های ریلی و جاده‌ای در روسیه از یک‌سو و از طرف دیگر درگیر نشدن در بوروکراسی اداری و مرزی به علت رد شدن کالا از یک کشور بوده است. تحریم‌های آمریکا و اروپا علیه روسیه سبب کاسته شدن اهمیت این مسیر در چرخه تجارت جهانی شده است.

۲-۲. کریدور ترانس کاسپین یا کریدور میانی

مسیر حمل‌ونقل بین‌المللی ترانس کاسپین که با نام کریدور میانی نیز شناخته می‌شود، ترکیه را به ساحل شرقی دریای کاسپین متصل می‌کند و ترانزیت کالا از آسیا به اروپا را تسهیل می‌کند. این مسیر که در امتداد مسیر ترانزیتی از چین به قزاقستان قرار دارد، بنادر آکتائو و قورق (قزاقستان) را از طریق دریای کاسپین به بندر باکو متصل می‌کند و سپس مسیر ریلی باکو-تفلیس-قارص به شبکه راه‌آهن ترکیه متصل شده و در نهایت از طریق بلغارستان به اروپا می‌رسد. به‌علاوه یک شاخه از این مسیر بدون ورود به ترکیه، از گرجستان و با گذر از دریای سیاه به اوکراین و کشورهای عضو اتحادیه اروپا منتهی می‌شود.

ایده اولیه اتصال زمینی و دریایی آسیای میانه و قفقاز، بدون عبور از خاک روسیه در سال ۱۹۹۳ در قالب کریدور حمل‌ونقل آسیا-قفقاز-اروپا موسوم به تراسیکا مطرح شد و مذاکرات دو و چند جانبه میان پنج جمهوری آسیای میانه، مغولستان، سه کشور قفقاز، ایران، ترکیه، مولداوی، بلغارستان، اوکراین و رومانی صورت گرفت که عملاً نتیجه بخش نبود. تنها پس از اعلام طرح بلندپروازانه چین در قالب کمربند-راه از یکسو و بحران اول اوکراین در سال ۲۰۱۴ از سوی دیگر بود که مذاکرات برای ایجاد یک مسیر زمینی از چین به اروپا، بدون عبور از روسیه میان ترکیه، گرجستان، جمهوری آذربایجان و جمهوری‌های آسیای میانه با جدیت پیگیری شد و در نهایت در قالب دالان ترانزیتی ترانس کاسپین یا کریدور میانی مورد توافق قرار گرفت.



۲-۳. کریدور ایمک (هند-عربستان-اروپا)

کریدور ایمک^۱ یا کریدور هند-غرب آسیا-اروپا از یک دهه گذشته به‌طور جدی در حال بحث بوده است؛ اما در اجلاس گروه جی بیست در ۲۰۲۳ که در دهلی هند برگزار شد، کشورهای عضو با امضای یک تفاهم‌نامه به سمت ایجاد این کریدور حمل‌ونقلی به‌طور جدی قدم برداشتند. در قالب این تفاهم‌نامه طرح تازه‌ای برای کریدوری جدید از هند به مقصد اروپا طراحی شده است. هدف از اجرای این پروژه تقویت امور تجاری، عرضه منابع انرژی و بهبود حوزه دیجیتال در کشورهای ذکر شده است. کارشناسان حوزه روابط بین‌الملل و سیاست و اقتصاد از این طرح به‌عنوان «تغییردهنده بازی^۲» یاد می‌کنند. آنها می‌گویند این کریدور اقتصادی که برای پیوند هند، غرب آسیا و اروپا طراحی شده است نقطه مقابل کریدور چینی «کمربند-راه» است (ابتکار، ۱۴۰۲: ۱۵۶۲۱). این کریدور شامل خطوط راه‌آهن و کشتیرانی است که از امارات متحده عربی، عربستان سعودی، اردن و سرزمین فلسطین اشغالی می‌گذرد. این کریدور از اساس در مقابله با طرح چین طراحی شده است. از اهمیت این کریدور بعد از شروع جنگ غزه در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ کاسته شده است.

۲-۴. کریدور سی‌پک (چین - پاکستان)

این گذرگاه که به انگلیسی «سی‌پک»^۳ نامیده می‌شود مجموعه‌ای از طرح‌های زیربنایی است که در حال حاضر با سرمایه‌گذاری چین در پاکستان در حال ساخت است. این طرح که در واقع یک شبکه ارتباطی منطقه‌ای است می‌تواند ارتباطات بین کشورهای منطقه را گسترش دهد. تارنمای رسمی این پروژه هدف از اجرای این کریدور را بهبود زندگی مردم پاکستان و چین از طریق ایجاد یک کریدور اقتصادی برای ارتباط دوجانبه، ساخت‌وساز، جستجو و بررسی سرمایه‌گذاری-های مشترک تجاری و اقتصادی، ترانزیت و ارتباط مردم دو کشور با یکدیگر معرفی می‌کند. برای دستیابی به هدف‌های فوق مأموریت زیر را تعریف کرده‌اند:

- سیستم‌های حمل‌ونقل و فناوری اطلاعات یکپارچه شامل جاده، راه‌آهن، بندر، هوا و کانال‌های ارتباطی داده.

- همکاری در زمینه انرژی

1. IMEC : India-Middle East-Europe Economic Corridor

2. Game changer

3. CPEC

- چیدمان فضایی، مناطق عملیاتی، صنایع و شهرک‌های صنعتی
- توسعه کشاورزی
- توسعه اقتصادی - اجتماعی (فقرزدایی، درمان پزشکی، آموزش، تأمین آب و آموزش حرفه‌ای)
- همکاری‌های گردشگری و ارتباط مردم دو کشور با یکدیگر
- همکاری در مناطق معیشتی
- همکاری‌های مالی
- توسعه منابع انسانی
- همکاری در زمینه علم و فناوری و فناوری اطلاعات (Cpec, 2023).

احداث شبکه‌های حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای از شمال شرق پاکستان تا جنوبی غربی این کشور تا گوادر و توسعه این بندر از مهم‌ترین طرح‌های کریدور سی پک است. کریدور سی پک علاوه بر فرصت‌ها و مزیت‌های موجود با چالش‌ها و تهدیدات امنیتی جدی نیز روبه‌رو است. این تهدیدات علاوه بر تأثیرات منفی بر طرح یکی از عوامل توجه پاکستان به این کریدور نیز محسوب می‌شود. همچنین جنوب آسیا یک مکان کلیدی در سیاست خارجی چین است. فرصت‌های اقتصادی در یکی از بزرگ‌ترین بازارهای جهان و همچنین دستیابی به منافع راهبردی که با دسترسی به اقیانوس هند حاصل می‌شود (Ahmed & other, 2019: 6). سبب اهمیت یافتن این کریدور شده است.

۵-۲. کریدور فرا افغان

گذرگاه فرا افغان (ترانس افغان) رقیب گذرگاه شمال-جنوب ایران محسوب می‌شود. این گذرگاه ریلی قرار است که در مسیر ازبکستان به شهرهای مزارشریف و کابل افغانستان و از آنجا به پیشاور و بندر گوادر پاکستان احداث شود. در مسیر ازبکستان به مزارشریف راه‌آهن احداث شده است کشور پاکستان درصدد است تا با ایجاد کریدورهای موازی و جایگزین، درآمد و سود عظیم ترانزیتی را به‌سوی خودشان سرازیر کنند. به همین منظور پاکستان به‌شدت در پی تجهیز یکی از بنادر خود است تا آنجا را جایگزین چابهار کند. حامیان پاکستان در این راستا، آمریکا، رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی، چین و عمان بودند بر همین اساس پاکستان کار مطالعاتی طرح گوادر را آغاز کرد.

قرار شد گوادر در ۴۶۰ کیلومتر کراچی نه‌تنها بار تجاری این بندر کهن پاکستانی را بکاهد؛ بلکه در قالب مطالعات طرح جامع به‌عنوان جایگزین برای همه بنادر خلیج فارس محسوب شده و



به امور تجاری و حمل‌ونقل جمهوری‌های آسیای میانه و حتی تجارت و حمل‌ونقل بپردازد و از بندر کراچی هم به‌عنوان حمایت‌کننده این طرح استفاده شود. مطالعات کارشناسان پاکستانی، آمریکایی و عربی نشان می‌دهد که در صورت سرمایه‌گذاری‌های لازم می‌توان موقعیت ترانزیتی ایران را تضعیف کند. آنها معتقد هستند بندر گوادر بهترین مکان در منطقه جهت جایگزینی چابهار است و با سرمایه‌گذاری و ساخت بنادر و اسکله‌های مناسب قابلیت پذیرش کشتی‌های بزرگ و تانکرهای نفتی را خواهد داشت (شرکت راه-آهن ج ا ایران، ۱۴۰۱).

۶-۲. کریدور خلیج فارس - عراق - ترکیه

پروژه رقیب دیگر، پروژه موسوم به جاده توسعه یا کریدور خلیج فارس-عراق-ترکیه است که در آن توسعه بندر عراقی فاو پیش‌بینی شده است. از این پروژه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین رقبای بنادر ایرانی و کریدور شمال-جنوب ایران نام‌برده می‌شود. این پروژه شامل یک کانال خشکی برای اتصال ریلی یا جاده‌ای جنوب عراق به ترکیه است. با تکمیل کامل این پروژه، فاو و در ادامه آن بصره، به ترکیه متصل شده و مسیر تجارت جدیدی با اروپا ایجاد می‌کند. در کنار سایر مسیرها، این کریدور از راه‌های اتصال خلیج فارس به دریای مدیترانه برای کاهش وابستگی به کانال سوئز خواهد بود. بر اساس پیش‌بینی‌ها این کریدور همانند دالان شمال-جنوب هزینه‌های انتقال کالا به اروپا را به نصف کاهش داده و زمان حمل‌ونقل را ۲۵ روز کاهش می‌دهد (ایرنا، ۱۴۰۲).

ترکیه به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی این کریدور از ایجاد این مسیر در کنار مسیرهای دیگر نظیر ترانس کاسپین حمایت می‌کند. دلیل اصلی حمایت ترکیه و بازیگران اروپایی و غربی از این کریدور در ابتدا به ظرفیت کریدور میانی یا ترانس کاسپین مرتبط می‌شود؛ زیرا ظرفیت این کریدور به‌اندازه‌ای نیست که بتواند با کریدور شمالی عبوری از خاک روسیه رقابت کند. همچنین این مسیر به دلیل خارج بودن از ژئوپلیتیک سیاسی و نظامی کشورهای چین و روسیه، کریدوری مناسب برای ایجاد مسیر مناسب برای انتقال گاز قطر به اروپا است. به همین دلیل اروپایی‌ها به یکی از حامیان توسعه این کریدور تبدیل شده‌اند. البته این پروژه برای کشور چین نیز از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. با تکمیل توسعه بندر گوادر در پاکستان، بندر فاو و در ادامه آن مسیر خشکی عراق می‌تواند کالاهای خود را بدون اتکا به کانال سوئز به کشورهای اروپایی صادر کند. عراق نیز با توسعه‌ی پروژه بزرگ بندر فاو و تکمیل زیرساخت‌های حمل‌ونقل این پروژه به‌عنوان رکن اساسی اقتصاد آینده کشور خود می‌نگرد. این پروژه در نهایت این ظرفیت را دارد که ترافیک حمل‌ونقل دریایی را از اروپای شمالی، مرکزی و جنوبی به کشور عراق منتقل کند.

کریدور «راه توسعه» و توسعه بندر فاو در حال حاضر به‌عنوان نقش راه توسعه ترانزیت عراق مطرح است به‌گونه‌ای که نخست‌وزیر عراق^۱ در چهارمین نشست کمیسیون عالی اجرای پروژه کریدور راه توسعه اعلام کرد «نمی‌توان پروژه بندر فاو را از بخش‌های مختلف پروژه کریدور «راه توسعه» دور دانست، زیرا این دو پروژه، به منزله یک ساختار واحد و ستون‌های آینده اقتصاد عراق خواهند بود» (ایرنا، ۱۴۰۲). به همین دلیل اجرایی‌شدن این پروژه بر کریدور مقاومت ترجیح داده شده است. همچنین با توجه به حامیان این کریدور و امکانی که این طرح برای اعمال قدرت از یک سو و کسب درآمد از سوی دیگر به کشور عراق می‌دهد. این پروژه از اهمیت بیشتری نسبت به کریدور مقاومت برخوردار گشته است البته اعمال نفوذ کشورهای غربی به‌خصوص امریکا در بین مسئولان عراقی برای عدم اجرایی‌شدن کریدور مقاومت را نیز نباید نادیده گرفت.

۷-۲. کریدور موسوم به زنگزور

کریدورهای عبوری از کشورهای پیرامونی ایران در منطقه غرب آسیا و آسیای میانه و قفقاز جنوبی در دو دسته قرار می‌گیرند: رقیب ترانزیتی صرف یا رقیب معطوف به تغییر وضعیت ژئوپلیتیک که در تضاد با منافع ملی هستند. منظور از کریدورهای گروه دوم که در تضاد با منافع ژئوپلیتیک و منطقه‌ای ایران قرار دارند، طرح‌هایی هستند که باهدف تغییرات مرزی و ژئوپلیتیکی طراحی شده‌اند و پیامدهای منفی در حوزه‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر برای ایران خواهند داشت. تا جایی که به گفته برخی تحلیلگران در این کریدورها، ترانزیت و تجارت هدف ثانوی است و عمدتاً اهداف امنیتی، تاریخی مبتنی بر توسعه ارضی دنبال می‌شود. در کانون این کریدورها، کریدور موسوم به زنگزور یا دالان تورانی ناتو قرار دارد که از سال ۲۰۲۰ پیگیری می‌گردد (کاظمی، ۱۴۰۱).

جمهوری آذربایجان یکی از کشورهای دارای موقعیت ژئوپلیتیکی است که در تقاطع مسیرهای حمل‌ونقل شمال- جنوب و شرق- غرب واقع شده است. در حال حاضر جمهوری آذربایجان به‌عنوان یکی از مسیرهای مهم حمل‌ونقل و لجستیکی شناخته می‌شود و در سال‌های گذشته همکاری با کشورهای اتحادیه اروپا در قالب طرح تراسیکا و کریدور میانی در این زمینه انجام داده و تلاش می‌کنند تا مسیرهای حمل‌ونقل بین‌المللی شرق- غرب و شمال- جنوب از خاک جمهوری آذربایجان عبور کنند.

۱. محمد شیاع السوداني



در کنار این نوع فعالیت‌ها که از منظر اقتصادی و ترانزیتی، طبیعی و عادی محسوب می‌شوند، پس از جنگ ۲۰۲۰ (جنگ دوم قراباغ) جمهوری آذربایجان به دنبال ایجاد کریدوری فراسرزمینی از جنوب ارمنستان چه از طریق سیاسی و چه نظامی، به نام زنگزور است، موضوعی که بلافاصله با واکنش ارمنستان و ایران و برخی از کشورها مواجه شده است؛ چرا که آنچه باکو و آنکارا دنبال می‌کنند، از دیدگاه منتقدان به معنی تجزیه جنوب ارمنستان در راستای اهداف پان‌تورانیستی می‌باشد. حال آن که استدلال مقامات جمهوری آذربایجان آن است که این منطقه در سال ۱۹۲۲ از سوی شوروری به ارمنستان واگذار شده اما از منظر حقوق بین‌الملل رویدادهای تاریخی که دستخوش تحولات بعدی در روابط بین‌الملل شدند، نمی‌توانند مبنای ادعای مالکیت شوند (کاظمی، ۱۴۰۱). مقامات ترکیه نیز در مواردی از این کریدور به‌عنوان راه لاجوردی نام برده‌اند. از طرف دیگر ایران معتقد است این کریدور به نوعی «دالان تورانی ناتو» است که با از بین بردن مرز ایران و ارمنستان (واگذاری استان سیونیک به جمهوری آذربایجان، تحت هر عنوان ولو به‌عنوان راه مواصلاتی) و اتصال جغرافیایی پان‌تورانیسم از ترکیه به جمهوری آذربایجان و آسیای مرکزی را ایجاد کرده و علاوه بر گسترش قوم‌گرایی و توسعه ناتو به منطقه در قالب «ناتوی ترکی»، معادلات انرژی و ترانزیتی منطقه را به ضرر ایران، روسیه و چین تغییر می‌دهد. ایران معتقد است راهگذر ارس، راهکار پایان دادن به طرح احداث کریدور زنگزور و پیامدهای منفی آن می‌باشد (کاظمی، ۱۴۰۱).

۳. مقایسه کریدورهای داخلی و خارجی

بر اساس نظریه ژئوپلیتیک مزیت طبیعی مکان‌های جغرافیایی بر شکل فضایی و رشد کشورها مؤثر است به همین دلیل می‌توان رقابت شدید برای ایجاد و بهره‌برداری از کریدورها در سطح منطقه و جهان شاهد بود. در مقابل کریدورهای هفت‌گانه منطقه‌ای و بین‌المللی که از مسیرها و مناطق مختلف ایران عبور می‌کنند، کریدورهای خارجی نیز وجود دارند که از سرزمین ایران نمی‌گذرند؛ ولی قدرت تأثیرگذاری منفی بر کریدورهای منطقه‌ای ایران را دارند که در جدول زیر فهرست این کریدورها و کریدورهای را که تحت تأثیر قرار می‌دهند، آورده شده است:

جدول ۲. مقایسه کریدورهای داخلی و رقیب

موقعیت جغرافیایی	حامی	رقیب (کریدور منطقه‌ای و بین‌المللی)	حامی	داخلی (کریدور منطقه‌ای و بین‌المللی)
شرق به غرب و بالعکس	روسیه - چین	کریدور ترانس- سیبریا	کشورهای آسیای میانه-چین - ایران	کریدور ریلی چین، قزاقستان، ترکمنستان، ایران به ترکیه
شرق به غرب و بالعکس	کشورهای آسیای میانه- چین ترکیه و کشورهای اروپایی، روسیه	کریدور ترانس کاسپین کریدور ترانس- سیبریا	چین آسیای میانه، - افغانستان - ایران	کریدور کمربند راه
شرق به غرب و بالعکس	هند - اروپا - آمریکا - کشورهای حوزه خلیج فارس، اسرائیل	کریدور هند- عربستان سعودی- اروپا	کشورهای آسیای میانه، قفقاز - ترکیه (امکان مشارکت ایران)	کریدور تراسیکا (کریدور میانی)
شرق به غرب و بالعکس	ترکیه، جمهوری آذربایجان، انگلستان و آمریکا	کریدور زنگزور (دالان تورانی ناتو)	کشورهای عضو اکو (ایران - پاکستان - ترکیه و ...)	کریدور اکو
شرق به غرب و بالعکس	ترکیه، عراق، عربستان سعودی	کریدور توسعه (خلیج فارس - عراق - ترکیه)	ایران - عراق - سوریه - لبنان	کریدور مقاومت
شمال به جنوب و بالعکس	ترکیه - عراق - عربستان	کریدور خلیج فارس - عراق - ترکیه	ایران - ارمنستان، گرجستان، هند، بلغارستان، یونان	کریدور اتصال خلیج فارس به دریای سیاه
شمال به جنوب و بالعکس	ترکیه - جمهوری آذربایجان - انگلستان، آمریکا، ترکیه، عراق، عربستان سعودی افغانستان، ازبکستان	کریدور زنگزور (دالان تورانی ناتو) کریدور خلیج فارس، عراق، ترکیه و ترانس افغان	هند، ایران، روسیه، آسیای مرکزی، ارمنستان و ج. آذربایجان	کریدور شمال - جنوب



کریدورهای منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و رقبای این کریدورها همه از امتیاز کاهش هزینه و زمان انتقال برخوردار هستند اساساً این دو مولفه ابتدایی‌ترین پیش‌نیاز برای احداث کریدورها است. رقابت در این دو بعد بر هزینه و زمان کمتر متمرکز است و امتیاز مهم بعد امنیت است که در کریدورهای مانند کریدور ترانس سبیری و کریدورمیانی به علت وجود جنگ یا در کریدور راه توسعه یا فرا افغان به علت وجود گروه‌های افراط‌گرا نسبت به دیگر کریدورها کمتر است. به صورت کلی امتیاز مثبت کریدورهای منطقه‌ای و بین‌المللی ایران در مقابل کریدورهای خارجی را می‌توان در سه مورد مهم در بحث ترانزیت خلاصه کرد:

۱. کاهش زمان: بزرگ‌ترین مزیت کریدورهای ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران، کاهش زمان انتقال کالا از مبدأ به مقصد است در صورتی که کریدورهای رقیب برای انتقال مجبور به دور زدن ایران یا استفاده از مسیرهای فرعی هستند. همین مسئله باعث طولانی شدن فرایند انتقال ترانزیت می‌شود.

۲. کاهش هزینه: با توجه به قیمت سوخت و هزینه‌های جانبی در ایران و وسعت سرزمینی، هزینه ترانزیت کالا و مسافر به مراتب نسبت به کریدورهای رقیب پایین‌تر است. به‌عنوان مثال عبور کالا از کریدور عرب مد یا ترانس کاسپین از طریق دریا و خشکی و عبور از کشورهای مختلف و مستلزم صرف هزینه‌های زیادی است که همه این عوامل سبب افزایش هزینه تمام شده نهایی می‌شوند.

۳. امنیت: کشور ایران و به تبع آن کریدورهای عبوری از آن یکی از امن‌ترین کریدورهای غرب آسیا هستند. در مقابل کریدورهای رقیب دائماً تحت تأثیر مسائل امنیتی و جنگ هستند. نمونه بارز آن می‌توان به کریدور ترانس سبیری و عرب مد (ایمک) که به ترتیب با جنگ اوکراین و جنگ غزه به طور کامل ناامن شده‌اند.

با وجود مزیت‌های فراوان، چالش‌ها و موانع زیادی در مسیر فعال‌سازی کریدورها و ارتقای ترانزیت در کشور وجود دارد که باعث شده سهم ایران از حمل کالا و مسافر ناچیز باشد. این موانع را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱- تحریم‌های بین‌المللی و آمریکا: تحریم‌های به‌عنوان مهم‌ترین عامل در عدم توسعه کریدورهای منطقه در چند دهه اخیر عمل کرده‌اند. تحریم بین‌المللی و به خصوص تحریم‌های آمریکا و اروپا باعث شده که کشورهای منطقه تمایل چندانی برای استفاده از کریدورهای ایران به علت ترس از تنبیه شدن توسط کشورهای غربی، نداشته باشند.

۲- امنیت: عدم وجود امنیت در کشورهای همسایه مانند افغانستان، پاکستان، عراق و با قفقاز همواره به عنوان یک مقوله منفی بر رشد توسعه کریدورهای ایران تأثیرگذار بوده به دلیل آنکه کریدورها، پروژه‌های چند ملیتی هستند و اختلال در یک کشور باعث اختلال در کل کریدور می‌شود.

۳- عدم سرمایه‌گذاری: با توجه به اینکه کریدورها یک پروژه فراملی و هزینه‌بر هستند برای توسعه نیز نیازمند به سرمایه‌گذاری مشترک کشورهای مختلف در مسیر و منتفع از طرح‌ها برای تشویق به استفاده از آن‌ها بعد از اجرایی شدن و کاهش ریسک بازگشت سرمایه است. متأسفانه در داخل کشور سرمایه‌گذاری چندان در کریدورها صورت نگرفته و در جذب سرمایه خارجی نیز موفقیت چندان حاصل نشده است.

۴- رویه‌های اداری: یکی دیگر از دلایل عدم توسعه کریدورهای ایران، عدم هماهنگی میان دستگاه‌های متولی صنعت ترانزیت است. مشکلات نرم افزاری مانند بالا بودن زمان انجام تشریفات مرزی ورودی و خروجی کالا از ایران، کمبود شرکت‌های حمل‌ونقل حرفه‌ای برای عبور دادن کالا با استفاده از مدل‌های حمل‌ونقل ترکیبی و... از موانع رشد ترانزیت کشور است.

نتیجه‌گیری

با توجه به ژئوپلیتیک منطقه غرب آسیا و اهمیت موقعیت جغرافیایی این نقطه از جهان و تأثیر آن در روابط پیچیده قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دیگر نمی‌توان فرصت بهره‌برداری از کریدورهای ترانزیتی را نادیده گرفت. کریدورها امروز یکی از مؤلفه‌های قدرت محسوب می‌شود و در اختیار بودن آن برای هر کشور می‌تواند قدرت مضاعفی در روابط بین‌الملل ایجاد کند که نه تنها بودن آن در سرزمین یک کشور می‌تواند قدرت آفرین باشد؛ بلکه کنترل کریدورهای مهم منطقه‌ای و بین‌المللی و یا ایجاد کریدورهای کانالیزه شده برای قدرت‌های رقیب جهت نظارت و اعمال قدرت و محدودیت بیش‌ازپیش اهمیت یافته است. منطقه غرب آسیا در سده اخیر به‌عنوان هارتلند انرژی جهان مطرح بوده؛ اما امروزه در کنار هارتلند انرژی، به‌عنوان هارتلند کریدوری نیز مطرح می‌شود و شاید بتوان گفت این منطقه به یک ابر هارتلند تبدیل شده است که مجموعه‌ای از هارتلندهای گوناگون را در خود جای داده است. در مرکز این ابر هارتلند، ایران قرار دارد. استفاده از این مزیت و برتری نسبت به رقبا با توجه به شرایط جغرافیایی می‌تواند هم در بعد داخلی مفید باشد به دلیل آنکه کریدورها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پایه‌ها برای رشد اقتصادی، ایجاد درآمدهای کلان ارزی و



خشی‌سازی تحریم‌ها مطرح بوده‌اند؛ تا بتوان با استفاده از کریدورها به سبب اقتصادی کشور تنوع بخشید و با بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و مدیریت صحیح کریدورها تحولی اساسی را در حوزه سرزمینی و منطقه‌ای ایران ایجاد کرد. در بعد خارجی هم ایجاد، راه‌اندازی و بهره‌برداری از کریدورها و ابتکاراتی از قبیل «ایران راه»، قدرت چانه‌زنی ایران در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی را افزایش می‌دهد و سبب بسط قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران می‌شود. البته دستیابی به این مزایا مستلزم غلبه بر چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله عدم سرمایه‌گذاری، راه‌اندازی و همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی، تحریم‌ها است. ظرفیت ترانزیتی منطقه با توجه به همه‌ی ظرفیت‌های موجود از محدودیت وزنی و ارزشی برخوردار است که اگر جذب و بهره‌برداری به‌موقع و سریع صورت نگیرد بازیگران دیگر منطقه با بهره‌برداری از کریدورهای خود مسیر تجارت کالا و خدمات را به نفع خود تغییر می‌دهند. در این راستا یکی از مهم‌ترین مسائلی که لازم است در گام نخست حل‌وفصل شود، تهیه نقشه راه با یک برنامه ملی برای جهت‌بخشی و تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری در توسعه کریدورهای ترانزیتی، مسافری شمال-جنوب و شرق-غرب بر اساس سناریوهای محتمل از تحولات آینده داخلی و بین‌المللی است.

وجود کریدورهای خارج از سرزمین ایران به‌عنوان رقیب از دو منظر اقتصادی و سیاسی قابل کنکاش‌اند. نخست؛ مهم‌ترین کریدورهای رقیب از جمله کریدور ترانس کاسپین و ایمک یا عرب مد با حمایت آمریکا و اروپا و به صورت کلی غرب جهت کانالیزه کردن مرادوات و تجارت کشورهای آسیایی از جمله چین طراحی و پیاده‌سازی شده‌اند. به همین دلیل شاید آن‌چنان که باید مورد حمایت کشورهای شرق قرار نگیرند یا به دنبال جایگزین و بدل آنها در جهت موازنه کریدوری و در ادامه موازنه قدرت باشند. این سیاست یک فرصت برای ایران برای بهره‌بردن هر چه بیشتر از ظرفیت کریدورهای منطقه‌ای خود است. همچنین اگر رفتار کشورها در طراحی کریدورهای مختلف جهت تنوع بخشیدن به راه‌ارتباطی خود به‌عنوان یک عمل منطقی دیده شود در این صورت ایران نیز با تأکید بر موضع اصولی خود مبتنی بر تغییرناپذیری مرزهای بین‌المللی و حفظ آن، می‌تواند با مشارکت و همکاری در اجرای طرح‌های پیرامونی جایگزین، هم منتفع از کریدورهای پیرامونی و هم تقویت‌کننده آنها باشد. دوم؛ منطبق بازار و بعد اقتصادی کریدورها سبب شده تا سه عامل سرعت انتقال، هزینه پایین و امنیت به‌عنوان مزیت‌های اساسی کریدورهای ترانزیتی ایران سبب خاص بودن جغرافیای ایران برای میزبانی از کریدورها باشد. به همین دلیل تلاش برای تقویت مزیت کریدورهای منطقه‌ای ایران باید سرلوحه هرگونه سیاست-

گذاری و مدیریت کلان این عرصه باشد تا بتوان با مشارکت و همکاری کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به نفع جمعی در این حوزه دست‌یافت.

با توجه به نظریه ژئوپلیتیک انتقادی، رسانه به‌عنوان یک بازیگر غیردولتی توانایی ایجاد فضای مشترک بین‌الذهانی و درنوردیدن مرزهای جغرافیایی را دارد. به همین دلیل رسانه می‌تواند به‌عنوان یک بازو در خدمت سازمان‌های متولی بهره‌برداری از کریدورها در سطح خرد به‌صورت کلی در خدمت پیاده‌سازی سیاست‌های کلان در حوزه حمل و ترانزیت باشد، بنابراین رسانه ملی به‌عنوان یک رسانه و با توجه به امکانات و استعداد‌های که دارد، می‌تواند هم در داخل و خارج از کشور و هم در قالب و نوع رسانه و هم در فضای مجازی کمک‌کننده به تقویت کریدورها باشد. در حوزه داخل با بهره‌بردن از شبکه‌های رادیو و تلویزیونی ملی و استانی می‌تواند اهمیت کریدورها را نزد عام و خاص افزایش دهد. با تبلیغ کریدورها و مزایای آنها برای کشور و سرمایه‌گذاران، آنها را به شرکت در این طرح ملی تشویق کنند و در نهایت بتوانند با نظارت بر اجرای کار در تمام مراحل و کمک به افشا و رفع موانع مؤثر واقع شود. همچنین با نظارت بر کریدورهای رقیب و فعالیت آنها، نقش اطلاع‌رسانی را بر عهده بگیرد. حوزه برون‌مرزی رسانه با توجه به بهره‌برداری از شبکه‌های گوناگون و به زبان‌های مختلف در این زمینه نقش ویژه‌ای را بر عهده دارد این حوزه باید تمام تلاش خود در جهت اقناع مردم و مسئولین کشورهای منطقه به خیر جمعی و نفع مشترک این کریدورها به کار ببرد و سعی نماید با طرح برنامه‌های کارشناسی، کشورهای منطقه را به تلاش مشترک و همگرایی در زمینه کریدورها تشویق نماید. همچنین تنها پرداخت مستقیم به بحث کریدورها در رسانه شرط نیست؛ بلکه کریدور ابعاد گوناگونی را شامل می‌شود و پرداخت به این ابعاد حرکت در راستای تقویت کریدورها است، توجه به تولید داخلی، وضعیت جمعیت، امنیت و مقولاتی از این دست به تقویت کریدورها منجر می‌شود؛ بنابراین تنها موقعیت جغرافیایی سبب اهمیت یک کریدور نیست؛ بلکه جمعیت در مسیر کریدور، صنایع و منابع در مسیر و... عامل مهم شمردن یک کریدور نسبت به کریدورهای دیگر است و رسانه با پرداخت به این ابعاد می‌تواند غیرمستقیم بر تقویت کریدورها تأثیر مثبت داشته باشد.

پیشنهاد‌های رسانه‌ای و کاربردی

الف) پیشنهادها برای رسانه‌های دیداری و شنیداری برون‌مرزی

- ۱) ایجاد کمیته هماهنگی بین رسانه ملی با سازمان‌های متولی کریدورهای ارتباطی ایران برای بررسی نیازهای رسانه‌ای حال و آینده آنها
- ۲) تولیدات رسانه‌ای مشترک منطقه‌ای با تأکید بر میراث مشترک جمعی نظیر زبان، فرهنگ و دین و...
- ۳) همکاری رسانه‌ای با کشور آسیایی حامی کریدورها نظیر چین، هند و...
- ۴) تأکید بر اشتراکات قومی و منطقه‌ای در بحث کریدورها در برنامه‌های تولیدی
- ۵) تأکید بر منافع جمعی کشورهای حوزه کریدوری
- ۶) تولید برنامه‌های گفتگو محور برای شناساندن اشتراک و ضرورت و اهمیت کریدورهای مشترک در مقابل کریدورهای رقیب
- ۷) معرفی کریدورهای رقیب و پیامدهای آنها در برنامه خبری و اقتصادی
- ۸) خبررسانی منظم از کریدورهای ارتباطی ایران در بخش‌های خبری مختلف شبکه‌های برون‌مرزی
- ۹) تشریح اهداف سیاسی و استکباری پشت پرده کریدورهای رقیب برای کشورهای دوست و همسو
- ۱۰) استفاده از ظرفیت پرس تی‌وی برای معرفی جایگاه و اهمیت کریدورهای منطقه‌ای و بین‌المللی ایران برای مخاطبان بین‌المللی.
- ۱۱) استفاده از ظرفیت شبکه‌های برون‌مرزی الکوثر، العالم، اردو، آذری و کردی، افغانی و... برای ارتباط با مردم در مناطق عبوری کریدورها
- ۱۲) تولید فیلم و سریال برای آشنا کردن و نزدیک کردن فرهنگ مردم کشورهای عضو کریدور به یکدیگر
- ۱۳) ساخت فیلم‌های مستند در خصوص کریدورها و تفاوت آنها با کریدورهای رقیب
- ۱۴) ابتکار «ایران راه» به‌عنوان طرح کلان ایران در حوزه دیپلماسی کریدوری، در رسانه مورد تأکید قرار گیرد.
- ۱۵) راه‌اندازی رادیو کریدور در رسانه ملی و اختصاص یک بخش ویژه به مباحث کریدوری در وب سایت‌ها و شبکه‌های تلویزیونی برون‌مرزی

ب) پیشنهادهای رسانه‌های اینترنتی، مجازی و شبکه‌های اجتماعی

برون مرزی

- ۱) استفاده از قالب‌های نوین رسانه‌ای مانند «عکس نوشت» و «پادکست» که قابلیت پخش در رسانه‌های مجازی را دارند.
- ۲) استفاده از اینفلوئنسرهای شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان واسطه جهت معرفی جاذبه‌های طبیعی کریدورها.
- ۳) استفاده از ظرفیت وبسایت شبکه‌های تلویزیونی برون مرزی.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- احمدی پور، زهرا، و بدیعی، مرجان (۱۳۸۱). ژئوپلیتیک انتقادی. *مدرس علوم انسانی*، ۶(۴)، ۱-۱۰.
- بازدار، پریسا (۱۴۰۰). بررسی سهم قابل جذب حمل جاده‌ای از بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی.
- برنامه هفتم توسعه (۱۴۰۲). انتشارات سازمان برنامه و بودجه کشور.
- بهبهانی، سیدعلی (۱۳۸۳). *پل پیروزی متفقین. ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر*، ۳(۲۴)، ۱۲-۱۶.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۹۳). خلیج فارس و نقش راهبردی تنگه هرمز. تهران: انتشارات سمت.
- حافظنیا، محمدرضا. احمدی نوحدانی، سیروس و نوری روستای، مهدی (۱۴۰۰). بررسی نقش موقعیت گذرگاهی در قدرت ملی، مورد مطالعه: ایران. *مجله پژوهش‌های جغرافیایی سیاسی*، ۶(۲)، ۸۶-۱۰۶.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۶). مفهوم جدیدی از هارتلند. *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۳(۲)، ۱-۶.
- حسینی، علی. عادل، فرشاد و هادوی، علی (۱۴۰۱). ارمنستان، حلقه مفقوده در کریدور بین‌المللی ترانزیت شمال-جنوب (INSTC). *مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام* (هسته مطالعات راهبردی کریدورها).
- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) (۱۴۰۲). «نخست‌وزیر عراق: پروژه بندر فاو، با کریدور راه توسعه بی ارتباط نیست»، کد خبر: ۸۵۲۴۶۰۸۶، قابل دسترس در: <https://irna.ir/xjNBr4>
- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) (۱۴۰۲). رقبای ایران در ترانزیت منطقه چه برنامه‌هایی دارند؟ کد خبر: ۸۵۱۴۰۷۳۸، قابل دسترس در: <https://irna.ir/xjMHY6>
- روزنامه ابتکار (۱۴۰۲). کریدورهایی که ایران را دور می‌زنند. کد خبر: ۱۵۶۲۱، قابل دسترس در: <https://ebtekarnews.com>
- روزنامه اقتصاد سرآمد (۱۴۰۰). راه‌اندازی مسیر ترانزیتی ریلی پاکستان- ایران- ترکیه. شماره ۱۲۴۵، ۴.

روزنامه تجارت (۱۴۰۰). ترکیه مانع اتصال راه آهن ایران به اروپا. شماره ۲۳۳۹، ۶. ساسانی، مهدی (۱۳۹۱). جایگاه ترانزیت در اقتصاد مقاومتی. *اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی*، دانشگاه علم و صنعت ایران.

شرکت راه‌آهن ج ا ایران (۱۴۰۱). قابل دسترس در:

<https://qom.rai.ir/page-showpagetemp/fa/0/show-form/1207-2>

کاظمی، احمد (شهریور ۱۴۰۱). دالان تورانی ناتو؛ توطئه مشترک ناتو و صهیونیسم بین‌المللی علیه ایران، روسیه و چین، قابل دسترسی در وب سایت احمد کاظمی به نشانی: ahmadkazemi.com کمپ، جفری و رابرت هارکاو (۱۳۸۳). *جغرافیای راهبردی غرب آسیا*. ترجمه مهدی حسینی متین، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی،

گزارش ویژه (۱۴۰۰). کریدورها؛ نیروهای بازدارنده. مرکز آینده پژوهی جهان اسلام، شماره ۶۹. ضیایی، علی (۱۴۰۱). توقف کریدور ترانس-سیبری در مناقشه روسیه و اوکراین و مزیت کریدور ایران برای تجارت، قابل دسترس در وب سایت خبرگزاری فارس به نشانی: <http://fna.ir/1oakn2> مانا (۱۴۰۲). ۵ دلیل اهمیت کریدور خلیج فارس-دریای سیاه برای ایران. شبکه اطلاع‌رسانی مستقل جامعه دریایی، کد خبر: ۹۶۵۸۷.

مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران (۱۴۰۱). کریدورهای منطقه‌ای و موقعیت ژئواکونومیک ایران. مشفق، زهرا (۱۴۰۱). تضعیف جایگاه ایران در کریدورهای بین‌المللی. *ماهنامه علمی امنیت اقتصادی*، ۱۰(۳)، ۲۷-۴۸.

ملک‌حسینی، سیدحسن (۱۴۰۰). مروری بر کریدورهای مهم تجاری ایران، انتشارات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان.

نورعلی، حسن و احمدی، سیدعباس (۱۴۰۱). واکاوی نقش ژئوپلیتیکی ایران در کریدورهای بین‌المللی و ارائه مدل؛ ایران، هارتلند کریدوری جهان. *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۵۴(۳)، ۱۱۶۱-۱۱۸۷.

منابع خارجی:

- Ahmed, Zahid Shahab. Rojratankiat, Silada and Taekasem, Soravis (2019). *The China-Pakistan Economic Corridor in Social Media: A Critical Discourse Analysis of Tweets from Pakistan*. Figueroa Press, Los Angeles.
- Agnew, J (2003). *Geopolitics: Re-visioning World Politics*. London: Routledge, 2nd edn.
- Avdaliani, Emil (2017). *Iran and the New Land Corridor*. BESA Center Perspectives Paper No. 690, December 19.
- Dijkink, G. (2009). Geopolitics and Religion. *International Encyclopedia of Human Geography*, 453-457.
- Dodds, Klaus. Kuus, Merje and Sharp, Joanne (2016). *The Ashgate Research Companion to Critical Geopolitics*. London and New York: Routledge.



- Kuus, Merje (2010). Critical Geopolitics. Oxford Research Encyclopedias, *International Studies*, 1-24.
- Li, jin and Lei Yang (2023). Development and Challenges of Iran's Railway Transportation Infrastructure Based on The Perspective of "The Belt and Road" Initiative. International Conference on Management Innovation and Economy Development (MIED 2023). Advances in Economics, Business and Management Research 260. Available at:
<https://www.atlantis-press.com/proceedings/mied-23/125991602>.
- Mangi, Shah Nawaz. Chachar, Ayaz Ahmed and Khurram Shaikh, Sadia (2021). china pakistan economic corridor: perspectives and challenges for iran. Biannual Research Journal Grassroots, 55(2), 198-209.
- Murad Aghayev (2023). New Opportunities and Challenges for Transportation Corridors in the South Caucasus in the Light of the Russian-Ukrainian War. (June 16, 2023). Available at:
SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4482389> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4482389>
- Ramasamy, Bala. Yeung, Matthew. Utoktham, Chorthip and Duval, Yann (2017). Trade and trade facilitation along the Belt and Road Initiative corridors. ARTNeT.

دیپلماسی عمومی قطر در جام جهانی ۲۰۲۲ با تأکید بر بعد رسانه‌ای*

الهه فهیمی نژاد^۱، مرتضی دوستی^۲، معصومه کلاته‌سیف‌ری^۳، بهناز صبوری^۴

چکیده

جام جهانی فوتبال یکی از مهمترین رویدادهای بین‌المللی است که طیف وسیعی از افکار عمومی را درگیر خود می‌سازد. کشورهای برگزار کننده این رویداد ورزشی بسیار مهم، سعی می‌کنند با فعال‌سازی ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی خود، و به‌ویژه در ذیل آن دیپلماسی رسانه‌ای، تصویر مطلوبی از کیفیت برگزاری این رویداد را در انتظار عمومی جهانیان قرار دهند. پژوهش حاضر با استفاده از مباحث نظری دیپلماسی عمومی و با هدف تبیین ابعاد دیپلماسی عمومی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر و شناسایی و طبقه‌بندی عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر بعد رسانه‌ای انجام شده است. روش انجام آن کیفی و در دو مرحله بوده است. مرحله اول، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و مرحله دوم دلفی بوده است. مقوله‌های پژوهش در قالب ۱۰۳ کد مفهومی و ۷ مقوله اصلی استخراج شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که عوامل مؤثر در دیپلماسی عمومی قطر در جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ را مقولات تسهیلات و زیرساخت‌ها، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی-فرهنگی، مدیریتی، رسانه و منابع انسانی تشکیل می‌دهد که در میان آن‌ها، دیپلماسی رسانه‌ای نقش بسزایی در نمایش قدرت نرم قطر ایفا کرده است. قطر توانست به‌واسطه دیپلماسی رسانه‌ای، ظرفیت‌های خود را در سازماندهی یک رویداد ورزشی بزرگ برای جهانیان روایت کند. درواقع، رسانه عامل کلیدی در نمایش سایر مقولات بوده است.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی عمومی، ورزش، قطر، جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲، دیپلماسی رسانه‌ای.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۲

*. این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره سایر نویسندگان بوده است.

۱. دانشجوی دکترای مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
elahefahiminejad401@gmail.com

۲. دانشیار گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسؤل)
dosti@umz.ac.ir

۳. دانشیار گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
msmrteam27@gmail.com

۴. دانشیار اقتصاد منابع طبیعی، کالج علوم دریایی و کشاورزی، دانشگاه سلطان قابوس، مسقط، عمان
b.saboori1@squ.edu.om

DOI: 10.22034/IMRL.2024.408313.1192

مقدمه

حکومت‌ها برای افزایش قدرت، ثروت، جایگاه و منزلت خود در میان ملل مختلف از ابزارهای متفاوتی استفاده می‌کنند (حسن‌پورقادی و دوستی، ۱۴۰۰: ۵۸۲). در این میان، ورزش به‌عنوان وسیله‌ای برای تقویت وجهه کشورها و مدیریت روابط خارجی (Skey, 2023: 758)، برندسازی ملی و دیپلماسی عمومی (Kobierecki and Kobierecki 2023: 10) در نظر گرفته می‌شود و می‌توان از آن به‌عنوان یکی از ابعاد دیپلماسی در سطح بین‌المللی و ابزاری قدرتمند برای ایجاد قدرت نرم^۱ مؤثر یاد کرد (بابایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱). به عبارت دیگر، حکومت‌ها در اجرای قدرت نرم از عرصه ورزش برای تأمین اهداف خود، به حداقل رساندن اصطکاک و تقویت روابط بین‌الملل نهایت بهره را می‌برند (Gundogan, 2023: 109). ورزش بدون شک ظرفیت کاهش درگیری در بین دولت‌های خواهان صلح را دارد (Kobierecki, 2023: 85).

میزبانی آبرورویادهای ورزشی^۲ نیاز به سرمایه‌گذاری‌های هنگفت و ظرفیت زیادی برای اصلاح آینده کشور و ایجاد میراث پایدار دارد (Serdar and Al-Ghamdi, 2021: 1) و باید به‌عنوان بخشی از راهبرد بلندمدت برای معرفی یک منطقه به گردشگران در نظر گرفته شود (Drapkin, et al., 2024: 11). برگزاری ابرورویادهایی مانند بازی‌های جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ قطر نیز می‌تواند تغییرات زیادی را در جهت بهبود وجهه کشور میزبان ایجاد کند (Kaplanidou, et al., 2016: 4104). در واقع دریافت میزبانی این رویداد مهم ورزشی بعد از مدت‌ها در منطقه غرب آسیا واجد اهمیت ویژه‌ای برای کشورهای این منطقه محسوب می‌شود. به دلیل این اهمیت، واکاوی ابعاد آن نیز مهم محسوب می‌شود.

منطقه غرب آسیا همواره محل رقابت چند قدرت منطقه‌ای آن، یعنی ایران، عربستان سعودی، ترکیه، مصر و عراق بوده است (خبیری و محمدی، ۱۳۹۶: ۸۸). این در حالی است که میزبان جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲، به‌عنوان قدرت منطقه‌ای محسوب نمی‌شود و انتخاب دولت قطر به میزبانی یکی از بزرگترین رویدادهای ورزشی جهان نظیر جام جهانی فوتبال (Exell and Rico, 2013: 670) جای نقد و بحث فراوان دارد. از طرفی دیگر متوسط رشد اقتصادی قطر در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱، ۱۵/۹٪ بوده است؛ این رشد شگرف کشور چین را

1. Soft Power

2. Mega Sport Events (MSE)



پشت سر گذاشته و رتبه ۱ را در بین ۱۸۲ کشور جهان اختصاص داده است (دانش‌فر، ۱۳۹۴: ۹). این موضوعی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

قطر میزبانی رویدادهای ورزشی مهم از قبیل مسابقات قهرمانی دو و میدانی، جام کنفدراسیون فوتبال آسیا، مسابقات قهرمانی هندبال مردان جهان، بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ قطر و از طرفی دیگر ایجاد زیر ساخت‌های مناسب، استفاده از فناوری‌های پیشرفته در قبل و حین و بعد از برگزاری بازی‌ها، حفظ سنت و فرهنگ ورزشی اصیل خود، مهاجرت ورزشکاران و مربیان نخبه به قطر، پیشرفت‌های به وجود آمده در زمینه ورزشی چه از لحاظ کسب امتیاز و چه از لحاظ مدیریت و برگزاری مسابقات به ویژه توجه به ورزش بانوان می‌تواند قدرت و مهارت کشور قطر را به جامعه بین‌المللی ورزش نشان دهد (Amara, 2005: 510-495). همچنین قطر میزبان بازی‌های آسیایی در سال ۲۰۳۰ خواهد بود و در طول این ادوار نشان داده است که در برگزاری این رویدادها بر دیپلماسی عمومی^۱ تأکید زیادی دارد.

دیپلماسی عمومی ابزاری برای سیاست خارجی دولت‌ها به‌شمار می‌رود تا به‌وسیله آن بتوانند اعمال قدرت کنند (موسوی، ۱۴۰۰: ۱۳۱-۱۳۰). هدف دیپلماسی عمومی اطلاع‌رسانی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی کشورها است (خسروی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

در دیپلماسی عمومی از حوزه‌ی جدیدی به نام دیپلماسی رسانه‌ای^۲ می‌توان یاد کرد (اردکانی‌فرد و حسینی‌پاکدهی، ۱۴۰۰: ۵۷). دیپلماسی رسانه‌ای شکلی از ارتباطات راهبردی شامل نشست‌های دیپلماتیک، مصاحبه‌های رسانه‌ای رهبران و دیپلمات‌ها، سخنرانی‌های عمومی و رسانه‌ای است که برای گروهی از مخاطبین در جهت دستیابی به اهداف سیاسی طراحی شده است (My Danh G. and Rolls, 2022: 321). بنابراین، می‌توان در حال حاضر، دیپلماسی رسانه‌ای را از حیث کمک به تأمین اهداف، منافع ملی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تعامل بین کشورها حائز اهمیت دانست (نقیب‌السادات و عودل‌الجانی، ۱۴۰۰: ۳۰۵). از این رو در حال حاضر دیپلماسی عمومی به ویژه بعد رسانه‌ای آن بسیار مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس نتایج گزارش شده توسط فیفا (fifa, 2022)، WFC 2022 پوشش رسانه‌ای بی‌سابقه‌ای داشته و مجوزهای لازم به رسانه‌های مختلف همچون تلویزیون، رادیو، موبایل و اینترنت در کشورهای گوناگون را داده است (Papanikos, 2023: 126).

در قرن بیست و یکم، نقش رسانه‌ها در جهان افزایش یافته است، به طوری که نفوذ زیادی در سیاست دارند و می‌توان از آن‌ها به‌عنوان منبع قدرت (Leka and Kosumi, 2017: 39) و یکی از تأثیرگذارترین ابزارها یاد کرد (اسماعیل‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰). بنابراین، نیاز به تقویت دیپلماسی عمومی به ویژه دیپلماسی رسانه‌ای، بیش‌تر احساس می‌شود (حقوق‌شناسی و اکبری، ۱۳۹۹: ۱۱۱ و ۱۱۲). دیپلماسی رسانه‌ای نوین به دلیل ویژگی‌های اجتماعی خود، می‌تواند به‌عنوان روشی مؤثر برای انتشار اطلاعات، تعامل با ایده‌ها، هویت‌سازی و رسیدن به اهداف در جامعه بین‌المللی تبدیل شود (Ying and Dong, 2022: 129). از ترکیب گفتمان رسانه‌ای و ورزش، راهبردی حاصل می‌آید که در دنیای امروزی برای بهبود روابط بین‌الملل بی‌نظیر است.

دولت قطر نیز به‌منظور تقویت وجهه خود، جنگ افکار عمومی و اطلاعاتی را از طریق الجزیره به راه انداخته و مواضع سختی را در ارتباطات بین‌المللی از خود نشان داد (Ying and Dong 2022: 132) و به واسطه قدرت گفتمانی و نفوذ الجزیره، مشروعیت و قدرت نرم خود را بسیار افزایش داده است (Zhang, 2018: 74) و از این ابررویداد ورزشی در جهت ایجاد تصویری بهتر از آنچه سیاست‌هایش ایجاد می‌کند، استفاده نموده است (Lo, 2023: 46-45). دوحه در سال ۲۰۰۰ به‌عنوان «کسل‌ترین مکان روی زمین» توصیف شد (Scharfenort, 2014: 79). این شهر ده سال بعد به‌عنوان پایتخت فرهنگی جهان عرب نام گرفت (Eggeling, 2021: 86) که نشان از تلاش قطر برای ساخت تصویر ذهنی مثبت در افکار عمومی می‌باشد. مسأله مهمی که باید ابعاد آن تحلیل شود، یکی از این ابعاد استفاده هوشمندانه قطر (و سایر کشورهای عربی) از ورزش برای تقویت جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود است. البته قابل ذکر است که ثروت قطر نقش مهمی در تغییر شکل روابط با جهان اطراف خود ایفا کرده است (Katyral, 2021: 7) که راهبرد و چگونگی استفاده از آن باید مدنظر قرار داد.

با توجه به مقدمه مذکور، نویسندگان این مقاله به‌دنبال شناسایی، تحلیل و تبیین ابعاد و عوامل مؤثر بر دیپلماسی عمومی جام‌جهانی ۲۰۲۲ قطر با تأکید بر بعد رسانه‌ای آن هستند.

پیشینه پژوهش

در خصوص دیپلماسی مقالاتی منتشر شده است که تعدادی از آن‌ها در جدول ۱ زیر آمده است.

جدول ۱. پیشینه تحقیق

ردیف	عنوان	نویسندگان	محور اصلی
۱	مدل سازی ساختاری زنجیره ارزش تولیدات رسانه‌ای در دیپلماسی رسانه‌ای ایران در قبال دنیای عرب	آزادی و همکاران (۱۴۰۱)	تأثیر شاخص‌های نوآوری، مشتری‌مداری، اعتبار برند، زیرساخت‌ها و فناوری، مدیریت، محتوا، پشتیبانی، مزیت رقابتی، کیفیت خدمات، ارزش آفرینی، بازاریابی، منابع انسانی و ارتباطات سازمانی بر دیپلماسی رسانه‌ای
۲	از قدرت نرم تا قدرت نامحسوس: مطالعه موردی قطر	تورز ^۱ (۲۰۲۱)	قطر با استفاده از قدرت نرم توانسته در نظام بین‌الملل قدم کند و نظام بین‌المللی را به نفع خود شکل داده است و سایر حکومت‌ها را ترغیب می‌کند تا با منافع خود همسو شوند.
۳	نقش رسانه‌های دیجیتال در مورد دیپلماسی در جهان	اسدی (۲۰۱۷)	دیپلماسی دیجیتال ابزار جدیدی در جهان برای تغییر نگرش و تأثیرگذاری بر افکار و باورهای مردم امروز بدون تهاجم و جنگ است. تأثیرات زیادی در شکل‌گیری تحولات اجتماعی و گفتگمانی دارند. بنابراین، توسعه برنامه‌های گفتگمانی با استفاده از رسانه‌های دیجیتال در مجامع داخلی و بین‌المللی می‌تواند در توسعه گفتگمان انقلاب اسلامی مؤثر باشد.
۴	ویژگی‌ها و تجربیات دیپلماسی رسانه‌ای معاصر: مطالعه موردی الجزیره در قطر	یانگ و دانگ ^۲ (۲۰۲۲)	ایجاد قدرت نرم محکم برای اجرای سیاست خارجه قطر توسط الجزیره با تقویت و تغییر برند عربی در زیرساخت‌ها، ایجاد یک شبکه ارتباطی جهانی و ترویج و تحول در رسانه‌های دیجیتال
۵	نقش خبری شبکه الجزیره در دیپلماسی رسانه‌ای قطر	رنجبرحیدری و همکاران (۱۳۹۴)	کشور کوچک قطر، به علت نداشتن منابع سخت افزاری، برای حفظ بقا و امنیت خود در تلاش است تا با پیروی از سیاست «برندسازی ملی» و شبکه الجزیره، وارد نظام بین‌الملل شود و سعی در پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود دارد.
۶	دیپلماسی رسانه‌ای؛	خرازی‌آذر	دسترسی بیش‌تر به رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های جهانی

1. Torres
2. Ying, Dong





ردیف	عنوان	نویسندگان	محور اصلی
	توان نوین راهبردی کشورهای	(۱۳۹۴)	گفتمان ساز، باعث قدرت بیش تر برای سیاستمداران و نخبگان سیاستمداران خارجی
۷	دیپلماسی رسانه‌ای چین در منازعات دریای چین جنوبی	لی و رولز ^۱ (۲۰۲۲)	اهمیت نقش رسانه در چین برای حفاظت از حاکمیت ملی، داشتن مذاکرات صلح آمیز، کمک به حل و فصل اختلافات در کوتاه مدت
۸	اثربخشی دیپلماسی رسانه‌ای با رویکرد توسعه گردشگری خارجی	قرائتی و همکاران (۱۴۰۰)	رابطه قوی دیپلماسی رسانه و صنعت گردشگری (سرمایه گذاری خارجی، تولید محتوای گردشگری سلامت، برند نمادهای شهری، قدرت نرم)
۹	تأثیر دیپلماسی رسانه‌ای بر تبادل فرهنگی کشورهای	شاه محمدی و قرائتی (۱۳۹۱)	تأثیر دیپلماسی رسانه‌ای بر فرهنگ پذیری، فرهنگ سازی و ارائه تصویر مطلوب در عرصه بین‌الملل
۱۰	تطور دیپلماسی در قطر: از بی طرفی محافظه کارانه تا نفوذ هوشمند	سرخیل (۱۳۹۵)	استفاده قطر از حوزه‌های جدید دیپلماسی مانند دیپلماسی اقتصادی، رسانه‌ای، آموزشی، داشتن برنامه‌هایی چون جذب سرمایه گذاری خارجی، تسهیل فضای کسب و کار، رونق گردشگری، دستیابی به علم و تکنولوژی روزآمد و تصویرسازی بین المللی
۱۱	قطر ۲۰۲۲: مواجهه با چالش های اقلیمی و میراث جام جهانی فوتبال	سوفوتاسیو ^۲ و همکاران (۲۰۱۵)	استفاده از فناوری‌های انرژی خورشیدی به صرفه برای تولید برق و خنک کننده
۱۲	سیاست چند برداری در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر: تحلیل روابط رسانه ای	لاریسو ^۳ و همکاران (۲۰۲۳)	استفاده از رسانه‌های اجتماعی و صحت سیاسی قطر برای رسیدن به اهداف خود
۱۳	هدایت قدرت نرم: جام جهانی قطر ۲۰۲۲، کارگران مهاجر و تصویر بین‌المللی	آل ثانی (۲۰۲۱)	جام جهانی ۲۰۲۲ در قطر به عنوان وسیله‌ای برای تغییر شکل برند ملی، مبارزه با وجهه منفی بین‌المللی، تقویت یکپارچگی، شفافیت و برابری در قطر، کاهش تبلیغات منفی ناشی از نقض حقوق بشر کارگران مهاجر در قطر عمل کرده است.

1. Le, T. M. D., and Rolls, M
2. Sofotasiou
3. Larisu



بررسی ادبیات پیشین نشان می‌دهد که امروزه دیپلماسی عمومی به ویژه در بعد رسانه اهمیت بسیاری برای دولت‌ها دارد و در دستور کار آن‌ها قرار گرفته است. بر اساس جستجوهای که توسط محقق در مورد پژوهش‌های مرتبط با جام جهانی ۲۰۲۲ قطر صورت گرفت، تاکنون تحقیقی جامع از منظر دیپلماسی عمومی و به‌ویژه در تلاقی با دیپلماسی رسانه‌ای در این خصوص انجام نشده است. همچنین لزوم توجه به مباحث مختلف دیپلماسی و موانع موجود در کشور ما نیز ضروری و مهم به نظر می‌رسد. از سوی دیگر دیپلماسی عمومی به ویژه در بعد رسانه‌ای و آرایه پیشنهادها و توصیه‌ها در این زمینه برای اجرای چنین سیاست‌هایی در ایران لازم است.

۱. چارچوب نظری

۱-۱. دیپلماسی

تعاریف زیادی برای دیپلماسی وجود دارد ولی تمام آن‌ها هدف مشخصی را دنبال می‌کند و آن‌هم «پیشبرد سیاست خارجی» است. در واقع دیپلماسی، کوششی است که یک بازیگر بین‌المللی برای مدیریت و حل و فصل اختلافات محیط بین‌الملل، از طریق کار با یک بازیگر بین‌المللی دیگر به کار می‌گیرد. مورگنتا^۱ معتقد است، دیپلماسی هنر مرتبط ساختن عناصر قدرت ملی به مؤثرترین شکل با آن دسته از ویژگی‌های شرایط بین‌المللی است که به منافع ملی مرتبط می‌شود. از این رو دیپلماسی در معنای سنتی آن اساساً شامل تعاملاتی است که بین حکومت‌ها و دولت‌ها جریان می‌یابد. بر اساس تعریفی مشابهی از دیپلماسی به‌عنوان تدوین‌کننده و محرر سیاست خارجی، مغز متفکر قدرت ملی است. بر این اساس، دیپلماسی دارای چهار وظیفه اساسی است که شامل تعیین اهداف خود با توجه به قدرت بالفعل و بالقوه، ارزیابی اهداف سایر کشورها، تعیین میزان سازگاری این اهداف و به کارگیری ابزار مناسب برای دستیابی با اهداف خود است (ساداتی، ۱۳۹۳: ۱۱۵-۱۱۴).

۱-۲. دیپلماسی عمومی

اصطلاح دیپلماسی عمومی برای اولین بار در سال ۱۹۶۵، از طرف ادmond گولویون^۲ با اشاره به ارتباطات و منافع ملی یک کشور از طریق برقراری ارتباط با مردم دیگر کشورها مطرح شد (Cull, 2009: 19). دیپلماسی عمومی عبارت است از طراحی و اجرای برنامه‌های راهبردی با

1. Morgenthau
2. Edmund Gullion

هدایت و حمایت دولت‌ها و با عاملیت مشترک بخش‌های دولتی و غیردولتی به‌منظور درک و شناخت، اطلاع‌رسانی و اعمال نفوذ بر توده‌های مردم سایر کشورها تا آن‌ها دولت متبوع خود را برای پشتیبانی از اهداف و منافع ملی کشور عامل ترغیب کند (هادیان و سعیدی، ۱۳۹۲: ۴۲).

دیپلماسی عمومی به‌دلیل گستردگی، پیچیدگی و چندوجهی بودن دارای ابعاد چندگانه است: در بعد اول، مدیریت ارتباطات روزانه شامل محتوی تصمیمات مربوط به سیاست خارجی و داخلی است. در واقع مدیریت اخبار همان «مدیریت ارتباطات» در زمینه‌ی موضوعات روز است. مدیریت اخبار دولت در قلب دیپلماسی عمومی دولتی قرار دارد و به رغم غیرآشکار بودن، زمینه‌هایی در این نوع فعالیت وجود دارد که در بلندمدت کمک شایانی به رابطه‌سازی می‌کنند. بعد دوم، ارتباطات راهبردی است که در آن مجموعه‌ای از موضوعات معمولی بسط می‌یابد که به مبارزات سیاسی یا تبلیغاتی شباهت بسیار دارد. در این مبارزات، رویدادها و ارتباطات نمادین به‌منظور مشخص کردن موضوعات اساسی یا پیشبرد سیاست دولت برنامه‌ریزی می‌شود. ارتباط راهبردی نیازمند همگرایی بسیار نزدیک‌تر سیاست و دیپلماسی عمومی است. دیپلماسی عمومی با استفاده از جذابیت‌های فرهنگی، روح ملت را به سمت خود می‌کشاند. برای همه ابعاد خود به‌طور مشخص فضایی را ایجاد می‌کند که بر اساس آن اقناع و جذب افکار عمومی ایجاد شود. بر این اساس لازم است همه ابعاد دیپلماسی به‌طور هماهنگ و منسجم عمل کنند (خسروی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۰). از مهمترین مسائل در دیپلماسی عمومی به دست آوردن اعتماد افکار عمومی است و در این رابطه از ملزومات اولیه شفافیت، اعتبار، هماهنگی و استمرار و پایداری است. عامل دیگر در تقویت دیپلماسی عمومی ارتقای فرهنگ مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی است. چنین تعهدی در آغاز باید در مقام‌های دولتی گسترش یابد. این امر می‌تواند اعتبار مورد نیاز خود برای اجرای موفق دیپلماسی عمومی را فراهم کند. علاوه بر شفافیت و پاسخگویی، عامل مهم دیگر در عرصه دیپلماسی عمومی تقویت صداقت عمومی است تا کشوری بتواند دیپلماسی عمومی موفق‌تری را در جهان پیش ببرد. علاوه بر مسائل مطرح شده باید توجه داشت دیپلماسی عمومی به خودی خود نمی‌تواند اعتماد عمومی را در بین مخاطبان خارجی بدست آورد، بلکه لازم است تا نوعی هماهنگی میان سیاست‌های کلی یک کشور با دیپلماسی عمومی آن وجود داشته باشد (خسروی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۱). شرط موفقیت دیپلماسی عمومی عبارت است از: شفافیت، اعتبار، هماهنگی، استمرار و پایداری، ارتقای فرهنگ و مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی، تقویت صداقت عمومی. علاوه بر این لازم است تا نوعی هماهنگی میان سیاست‌های کلی یک کشور با



دیپلماسی عمومی آن وجود داشته باشد. سیمون آنهولت^۱ شش شاخصه گردشگری، صادرات، سیاست خارجی و داخلی، سرمایه‌گذاری و مهاجرت، فرهنگ و میراث و مردم را برای ارزیابی دیپلماسی عمومی در نظر می‌گیرد. دیپلماسی عمومی با اهداف خود، ابزارها و برنامه‌هایی که در اختیار دارد وسیله‌ای است برای در اختیار گرفتن ذهن و قلب مردم؛ بنابراین دیپلماسی عمومی ابزار اصلی قدرت نرم در روابط بین‌الملل است (موسوی، ۱۴۰۰: ۱۳۱). یکی از وجوه شاخص دیپلماسی عمومی، دیپلماسی رسانه‌ای است.

۱-۲-۱. دیپلماسی رسانه‌ای

از ابزارهای دیپلماسی عمومی می‌توان به شبکه‌های ارتباطی در رسانه و برندسازی ملی اشاره کرد (موسوی، ۱۴۰۰: ۱۲۵-۱۲۴). دیپلماسی رسانه‌ای به استفاده از رسانه‌ها به منظور ارتقای سیاست خارجی اطلاق می‌شود. دیپلماسی رسانه‌ای به مجموعه سازوکارهایی اطلاق می‌شود که از طریق رسانه می‌توان بخشی از سیاست‌ها را بر مردم، احزاب، سیاستمداران، گروه‌ها، نهادها، سازمان‌های بین‌المللی و حتی دیگر دولت‌ها اعمال نمود و برای اجرای دیپلماسی رسانه‌ای از ابزارهای متفاوتی چون اینترنت، موبایل، رادیو، تلویزیون، فضای مجازی، مطبوعات استفاده کرد (شکری‌رفسنجانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۷۳).

۱-۳-۱. قدرت نرم

جوزف نای معتقد است که قدرت نرم، نظریه بنیادین دیپلماسی عمومی است. دیپلماسی عمومی شامل دو جزء دیپلماسی رسانه‌ای و فعالیت‌های آموزشی و تبادل فرهنگی است (شاه‌محمدی و قرائتی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). بر این اساس، قدرت نرم عبارت است از «توانایی یک دولت در رسیدن به اهداف مطلوب از طریق ایجاد جاذبه و کشش و نه با استفاده از قوه قهریه و زور». او اعمال قدرت نرم را با بسط و گسترش روابط بین‌متحدان و تعاملات فرهنگی امکان‌پذیر می‌داند و چنین سیاستی در نهایت منجر به محبوبیت دولت‌ها نزد افکار عمومی کشور مقصد می‌شود و باعث تصحیح وجهه بین‌المللی برای دولت‌ها می‌شود (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۶: ۲۲۸، میناوند و جعفری‌چکنی، ۱۳۹۸: ۷۴).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ رویکرد کیفی و شیوه آن مصاحبه بوده است. جامعه پژوهش شامل اساتید دانشگاه که سواد رسانه‌ای دارند و مجریان و خبرنگاران هستند. داده‌های پژوهش از طریق نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس و بر اساس مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته در حوزه دیپلماسی عمومی جام‌جهانی ۲۰۲۲ قطر جمع‌آوری شد و فرایند گزینش نمونه‌ها ادامه پیدا کرد تا هنگامی که در جریان کسب اطلاعات، هیچ داده جدیدی پدیدار نشد. به عبارتی، داده‌های پژوهش در ۱۶ مصاحبه که انجام شد، با ۱۳ مصاحبه به اشباع نظری رسید و ادامه مصاحبه‌ها صرفاً برای اطمینان از یافته‌ها انجام گرفت. ویژگی‌ها و مشخصات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان، معیارهای انتخاب مشارکت‌کنندگان و مباحث در مصاحبه‌ها در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

تحصیلات			جنسیت		گروه‌های نمونه		سن				تعداد
لیسانس	ارشد	دکتری	مرد	زن	استاد	مجری و خبرنگار	۶۰-۵۱	۵۰-۴۱	۴۰-۳۱	۳۰-۲۱	
۵	۶	۵	۱۵	۱	۴	۱۲	۲	۲	۷	۵	فرافرم
۳۱/۲۵	۳۷/۵	۳۱/۲۵	۹۳/۷۵	۶/۲۵	۲۵	۷۵	۱۲/۵	۱۲/۵	۴۳/۷۵	۳۱/۲۵	تعداد کل
معیار انتخاب افراد جامعه پژوهش											
آشنا بودن افراد با ادبیات رسانه‌ای در ورزش											
دارا بودن سابقه فعالیت رسانه‌ای در ورزش											
خبرنگاران و مجریان اعزامی به جام جهانی ۲۰۲۲ قطر											



در مرحله اول سه سؤال که با توجه به مطالعات انجام شده در این حوزه بدست آمده بودند، از صاحب‌نظران پرسیده شد و در طول مصاحبه با توجه به روند پرسش و پاسخ مصاحبه‌ها ادامه یافت. در مرحله دوم، برای شناسایی و طبقه‌بندی عوامل مؤثر از روش دلفی کلاسیک (به‌عنوان روش مکمل) در دو مرحله به شرح زیر استفاده شد: در مرحله اول از این روش، پنج نفر از بین متخصصانی که با آن‌ها مصاحبه (۱۶ نفر) انجام شده بود، در این امر ما را همراهی کردند. پس از ارسال پرسش‌نامه تهیه شده به آنها، از آنها خواسته شد تا دیپلماسی عمومی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر را براساس دو گزینه (موافق و مخالف) ارزیابی کنند. در پایان دور اول، پس از مقایسه مقادیر به‌دست آمده، هیچ یک از مقوله‌ها و کدهای باز حذف نشد. سپس بار دیگر پرسش‌نامه برای مرحله دوم ارسال شد که بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم ۵، موافقم ۴، بینابین ۳، مخالفم ۲، کاملاً مخالفم ۱) ارزیابی کنند. در مرحله دوم از این روش، با توجه به وضوح اولیه، پرسش‌نامه پس از بررسی باز هم مورد تأیید قرار گرفت. در نهایت هفت مقوله اصلی (تسهیلات و زیرساخت‌ها، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، مدیریتی، سیاسی، رسانه و منابع انسانی) با نمرات نزدیک به یک (۰/۹ نشانگر اجماع بسیار قوی و ۰/۷ نشانگر اجماع قوی است) برای ورود به این مطالعه انتخاب شدند.

جدول ۳. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در دلفی

صاحب‌نظران	مدرک تحصیلی	جنسیت	سن
خبرنگار	کارشناسی ارشد ارتباطات و تجربه حرفه‌ای در گزارش‌های ورزشی	مرد	۳۹
خبرنگار	کارشناسی ارشد ارتباطات و تجربه حرفه‌ای در گزارش‌های ورزشی	مرد	۴۲
استاد دانشگاه	دکتری مدیریت ورزشی	مرد	۳۱
خبرنگار	کارشناسی ارشد مدیریت رسانه‌های ورزشی (خبرنگار)	مرد	۳۳
خبرنگار	کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی (خبرنگار)	مرد	۲۶

لازم به ذکر است که ۵۹ کد باز از طریق مصاحبه با شرکت‌کنندگان و ۱۱ کد باز از طریق پیشینه پژوهش (که بیش‌تر در مورد مقوله اقتصادی بود). همچنین ۳۳ کد باز مصاحبه و پیشینه هم‌پوشانی داشت. در کل، ۱۰۳ کد به دست آمد.



نمودار ۱. روش تحقیق پژوهش

در این پژوهش برای بخش توصیفی از نرم‌افزار SPSS و برای تحلیل مصاحبه‌ها و استخراج و تجزیه و تحلیل کدها از نرم‌افزار مکس کیودا^۱ استفاده شد. به منظور بررسی روایی، از قابلیت باورپذیری (اعتبار)، انتقال‌پذیری و تأییدپذیری استفاده شده است. به این ترتیب، پژوهشگر برای بررسی قابلیت باورپذیری از دو کدگذار دیگر در کدگذاری چند نمونه مصاحبه جهت کسب اطمینان از یکسانی دیدگاه کدگذاران استفاده کرده است. قابلیت اعتماد کدگذاری برابر ۹۷٪ درصد به دست آمد که با توجه به اینکه بیشتر از ۶۰٪ بوده، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است. همچنین به منظور انتقال‌پذیری، دو متخصص که در پژوهش مشارکت نداشتند در مورد یافته‌های پژوهش مورد مشورت قرار گرفتند. برای بررسی قابلیت تأییدپذیری نیز از ثبت و ضبط تمامی مصاحبه‌ها و بررسی آن‌ها در زمان‌های مورد نیاز استفاده شده است. به منظور بررسی پایایی، کدگذاری موازی برخی مصاحبه‌ها محقق را یاری کرده‌اند. درصد توافق میان دو کدگذار از طریق ضریب پایایی اسکات محاسبه گردید. از آنجایی که میزان ضریب پایایی اسکات ۹۰ درصد به دست آمد، این عدد نشان‌دهنده اتکاپذیری بسیار بالای پژوهش است و می‌توان ابراز کرد که بین کدگذاران توافق بالایی وجود دارد.

1. Max QDA

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاکی از این است که مقوله‌ها در قالب ۱۰۳ کد مفهومی و ۷ مقوله اصلی قابل تبویب هستند. طبق جدول شماره ۴ یکی از اثرات دیپلماسی عمومی، مقوله‌ی تسهیلات و زیرساخت‌ها می‌باشد. همچنین هشت مفهوم: مرکز رسانه‌ای، امکانات و زیرساخت‌های خوب رسانه‌ای، داشتن فناوری به‌روز و پیشرفته، استفاده مجدد از فناوری‌های روز، ایجاد امکانات رسانه‌ای برای یک‌سری کشورها و ایجاد استودیو، ساخت استادیوم‌های مدرن و سیار، اینترنت پرسرعت، اینترنت رایگان و کارآمدی خطوط هواپیمایی کشور قطر بالاترین میانگین را نشان دادند. آزمون تی تک‌نمونه‌ای نشان داد که همه مفاهیم در مقوله تسهیلات و زیرساخت‌ها تأثیر مثبت و معنی‌داری دارند.

جدول ۴. نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای و کدگذاری و شکل‌دهی مقوله تسهیلات و زیرساخت‌ها

میزان تأثیر	انحراف معیار	میانگین	p	T	منبع	مفاهیم اصلی	مقوله‌های فرعی	مقوله‌ها
خیلی زیاد	۰/۲۰	۴/۸۱	۰,۰۰	۵۵/۱۷۴	P1, P2, P4, P5, P6, P7, P9, P11, P14	مرکز رسانه‌ای، امکانات و زیرساخت‌های خوب رسانه‌ای	زیرساخت	
خیلی زیاد	۰	۵	۰,۰۰	-	R3, R4, R5, P1, P2, P3, P4, P6, P7, P11	داشتن فناوری به‌روز و پیشرفته		
خیلی زیاد	۰	۵	۰,۰۰	-	R4, P4, P16	استفاده مجدد از فناوری‌های روز		
زیاد	۰/۳۳	۴/۴۳	۰,۰۰	۲۹/۶	P13, P16	تغییر در زیرساخت‌های شبکه‌ی بین‌اسپورت و نزدیک‌تر شدن به زبان بین‌المللی		
خیلی زیاد	۰/۲۰	۴/۸۱	۰,۰۰	۵۵/۱۷	P2, P3, P4, P5, P7	ایجاد امکانات		



میزان تأثیر	انحراف معیار	میانگین	P	T	منبع	مفاهیم اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم
زیاد						رسانه‌های برای یک‌سری کشورها و ایجاد استودیو		
زیاد	۰/۳۳	۴/۴۳	۰,۰۰	۲۹/۶	P10, P16	الگو شدن سیستم رسانه‌های قطر برای کشورهای پیشرفته همسایه		
زیاد	۰/۴۴	۳/۷۸	۰,۰۰	۱۷/۰۷	P16	ساخت هتل‌ها با شرایط مختلف برای بازیکنان و تماشاگران		
خیلی زیاد	۰	۵	۰,۰۰	-	R4, P4	ساخت استادیوم‌های مدرن و سیار		
خیلی زیاد	۰/۳۹	۴/۶۱	۰,۰۰	۲۶/۸	R2, P1, P2, P11, P14, P15	اینترنت پرسرعت	تسهیلات	
خیلی زیاد	۰/۴۶	۴/۶۰	۰,۰۰	۲۲/۴	R2, P2, P15	اینترنت رایگان		
زیاد	۰/۱۸	۴/۰۴	۰,۰۰	۴۹/۷۳	P14,	فاصله کم بین استادیوم‌ها باعث پوشش خبری بهتر شد		
زیاد	۰/۲۹	۴/۴۱	۰,۰۰	۳۴/۵۱	P2, P7, P12, P14	مترو و داشتن اینترنت در مکان‌های پرتردد		
زیاد	۰/۳۹	۴/۳۹	۰,۰۰	۲۵/۳۰	P1, P4, P14	امکان ارائه خدمات درست		
خیلی زیاد	۰/۲۰	۴/۸۱	۰,۰۰	۵۵/۲	P16	کارآمدی خطوط هوایی قطر		

*نرم ارزیابی اثر میانگین‌ها: کمتر از ۱/۵ خیلی کم، ۲/۵-۱/۵ کم، ۳/۵-۲/۵ متوسط، ۴/۵-۳/۵ زیاد، بیش‌تر از ۴/۵ خیلی زیاد.



طبق جدول شماره ۵ یکی از اثرات دیپلماسی عمومی، مقوله‌ی سیاسی می‌باشد. همچنین چهار مفهوم: خریداری باشگاه مطرح جهان برای ایجاد تصویر مثبت از قطر، به تصویر کشیدن ثروت قطر توسط رسانه‌ها و برگزاری گران‌ترین جام جهانی، داشتن دولتی کمک‌رسان و اهدای امکانات و زیرساخت‌ها و قدرت نرم ترسیم بالاترین میانگین را نشان دادند. آزمون‌تی تک‌نمونه‌ای نشان داد که همه مفاهیم در مقوله سیاسی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارند.

جدول ۵. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای و کدگذاری و شکل‌دهی مقوله سیاسی

مقوله‌ها	مقوله‌های فرعی	مفاهیم اصلی	منبع	T	p	میانگین	انحراف معیار	میزان تأثیر
سیاسی	ایدئولوژیکی	توجه رسانه‌ها به دغدغه‌های دینی و مذهبی	R4, P4, P13,	۱۷	۰,۰۰	۳/۶۲	۰/۴۸	زیاد
		داشتن قوانین سفت و سخت	R4, P4,P13,	۲۹	۰,۰۰	۴/۰۱	۰/۳۱	زیاد
		تصمیم‌گیری درست در مورد مسائل مذهبی مثل حجاب	R4,P13,	۲۵/۳	۰,۰۰	۴	۰/۳۵	زیاد
		پذیرش جهانی شدن و جهانی‌سازی	R5, P10,P13	۲۱	۰,۰۰	۴/۲۰	۰/۴۵	زیاد
		وجود محدودیت‌های قطر و حضور کم‌رنگ زنان غیرعرب	P11, P13	۱۶,۵	۰,۰۰	۴/۴۳	۰/۶	زیاد
		داشتن حواشی در میزبانی جام جهانی و ساخت برنامه‌های در غرب	P6, P8, P10, P11,P13	۲۵	۰,۰۰	۴/۰۳	۰/۳۶	زیاد
		حکومت غیر دموکراتیک	R3, R4, P11,	۱۹/۴	۰,۰۰	۴/۲۲	۰/۴۹	زیاد
		محدود کردن اخبار منفی	R4, P4, P7,P13, P11, P16	۱۹/۴	۰,۰۰	۴/۲۲	۰/۴۹	زیاد

میزان تأثیر	انحراف معیار	میانگین	p	T	منبع	مفاهیم اصلی	مفهوم‌های فرعی	مفهوم‌ها
خیلی زیاد	۰/۳۸	۴/۶۲	۰,۰۰	۲۷	P10, P13	خریداری باشگاه مطرح جهان (مثل پاری سن ژرمن) برای ایجا ۲۷د تصویر مثبت از قطر		
خیلی زیاد	۰/۳۸	۴/۶۲	۰,۰۰	۲۷	R4, P1, P7, P8	به تصویر کشیدن ثروت قطر توسط رسانه‌ها و برگزاری گران‌ترین جام جهانی		
زیاد	۰/۴۹	۴/۴۲	۰,۰۰	۲۰/۲۵	P13, P10, P13, P15, P16	تغییر برند عربی (الجزیره) به بین‌اسپورت و نزدیک‌تر شدن به زبان بین‌الملل		
خیلی زیاد	۰/۳۸	۴/۶۲	۰,۰۰	۲۷	P4, P16	داشتن دولتی کمک‌رسان و اهدا امکانات و زیرساخت‌ها		
زیاد	۰/۴	۴/۳۹	۰,۰۰	۲۴/۵	R6	برانگیختن احساس همبستگی ملی و پروپاگاندا		
زیاد	۰/۲۷	۴/۲۰	۰,۰۰	۳۴/۳	R4, P13	امیر قطر یک حامی سرسخت		
زیاد	۰/۲۷	۴/۲۰	۰,۰۰	۳۴/۳	, P16 P10, P13	استفاده از ابرستاره‌های جهانی در تیم‌های باشگاهی	قدرت نرم	
زیاد	۰/۳۵	۴	۰,۰۰	۲۵/۳	P3, P10, P13	امنیت بالای کشور قطر		

میزان تأثیر	انحراف معیار	میانگین	p	T	منبع	مفاهیم اصلی	مفروضه‌های فرعی	مفروضه‌ها
زیاد	۰/۷۱	۴	۰,۰۰	۱۲/۶۵	P3, P4, P10, P14, P13	دعوت افراد برجسته به ویژه سیاسیون و ستاره‌های ورزشی و کمک به روابط سیاست خارجه		
زیاد	۰/۴۳	۴/۴۲	۰,۰۰	۲۳/۲	P10, P13, P16	ارتباط قطر با کشورهای دیگر و استفاده از ستاره‌های ورزشی و غیرورزشی		
زیاد	۰/۸	۴/۲۳	۰,۰۰	۱۲/۱	R1, R2, R3, R4,	ورود سران سیاسی کشور به ورزشگاه‌ها در زمان مسابقات		
زیاد	۰/۷۱	۴	۰,۰۰	۱۲/۶۵	P10, P16	استفاده از قدرت نرم برای دیده شدن		
زیاد	۰/۷۳	۴/۰۳	۰,۰۰	۱۲/۴	R6, P16	اعتبار جایگاه کشور میزبان در جهان		
زیاد	۰/۷۴	۳/۸۴	۰,۰۰	۱۱/۵۵	R2, R4, P7,	قدرت نرم وسیله ترسیم مسیر توسعه زیرساختی کشور،		
خیلی زیاد	۰/۴۰	۴/۶۱	۰,۰۰	۲۵/۷۳	P10,	قدرت نرم ترسیم مسیر توسعه اجتماعی،		
زیاد	۰/۵۳	۴/۴۲	۰,۰۰	۱۸/۶	P10,	قدرت نرم ترسیم مسیر توسعه فرهنگی		

طبق جدول شماره ۶ یکی از اثرات دیپلماسی عمومی، مقوله‌ی مدیریتی می‌باشد. همچنین سه مفهوم داشتن اهداف کلان و فعالیت هدف‌مند، داشتن برنامه‌ریزی بلندمدت و مدیریت تماشاچیان و مهمانان از سراسر دنیا در کشوری که ابتدا و انتهای آن ۶۰ دقیقه بود، بالاترین میانگین را نشان داد. آزمون تی تک‌نمونه‌ای نشان داد که همه مفاهیم در مقوله مدیریتی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارند.

جدول ۶. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای و کدگذاری و شکل‌دهی مقوله مدیریتی

میزان تأثیر	انحراف معیار	میانگین	p	T	منبع	مفاهیم اصلی	میزان تأثیر
خیلی زیاد	۰/۴۱	۴/۶۱	۰,۰۰	۲۴/۷۸	R3, P4, P6, P8, P9, P10, P14	داشتن اهداف کلان و فعالیت هدف‌مند	مدیریتی
خیلی زیاد	۰/۲۶	۴/۸۱	۰,۰۰	۴۱/۲۴	R3, R4, P1, P2, P4, P6, P8, P9, P10, P14, P13	داشتن برنامه‌ریزی بلندمدت	
زیاد	۰/۴۱	۴/۳۹	۰,۰۰	۲۳/۶۰	P15,	مدیریت یکپارچه و منظم	
خیلی زیاد	۰/۳۸	۴/۶۲	۰,۰۰	۲۶/۹۴	P15	مدیریت تماشاچیان و میهمانان از سراسر دنیا در کشوری که ابتدا و انتهای آن ۶۰ دقیقه بود	
زیاد	۰/۴۷	۴/۴۳	۰,۰۰	۲۰/۹۱	P2, P3, P4, P13	سازماندهی در کارها و داشتن شبکه بسیار منسجم و منظمی چون بین‌اسپورت	
زیاد	۰/۵۶	۴/۲۳	۰,۰۰	۱۶/۸۷	P2, P14,	تعیین سطح دسترسی برای ID کارت‌ها و کنترل بهتر	
زیاد	۰/۵۶	۴/۲۳	۰,۰۰	۱۶/۸۷	R3, P1	داشتن کنترل در حیطه رسانه‌ای قبل و حین مسابقات	

میزان تأثیر	انحراف معیار	میانگین	p	T	منبع	مفاهیم اصلی	ردیف:
زیاد	۰/۰۰۴	۴/۰۲	۰,۰۰	۲۰/۰۱	P2, P3, P4, P5, P7, P11, P16	داشتن تفاوت در نحوه برخورد قطر با کشورهای مختلف	
متوسط	۰/۸۰	۲/۸۳	۰,۰۰۱	۷/۸۸	R4, P3, P5, P7, P16	تبعیض بین افراد ساکن قطر شهروند و غیرشهروند و سیستم برده‌داری	
متوسط	۰/۷۷	۲/۸۱	۰,۰۰۱	۸/۶۹	P2, P16	تحریم بعضی افراد که حتی بلیط بخرند	
متوسط	۰/۴۴	۳/۴۴	۰,۰۰	۱۷/۵۱	P11,	محدود کردن و کنترل بیش‌ازحد	
زیاد	۰/۲۲	۴/۲۳	۰,۰۰	۴۲/۵۰	R3, R4, P9,	تلاش رسانه‌ای قطر و هدایت و هماهنگی بین واحدهای مختلف	
زیاد	۰/۳۵	۴/۴۲	۰,۰۰	۲۵/۳۰	R3, p14	هماهنگی روابط بین‌المللی و برخورد با مشکلات	
زیاد	۰/۴۳	۴	۰,۰۰	۲۳/۱۷	P10, P13	ارتباط بین‌المللی مناسب با کشورهای جهان	
زیاد	۰/۳۵	۴/۴۲	۰,۰۰	۲۵/۳۰	P1, P4	توجه به خواسته‌های افراد رسانه	

طبق جدول شماره ۷ یکی از اثرات دیپلماسی عمومی، مقوله‌ی منابع انسانی است. همچنین دو مفهوم بهبود وضعیت جانی کارگران و بهبود وضعیت دستمزد کارگران کم‌ترین میانگین را نشان دادند. آزمون تی تک‌نمونه‌ای نشان داد که همه مفاهیم در مقوله منابع انسانی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارند.

جدول ۷. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای و کدگذاری و شکل‌دهی مقوله منابع انسانی

میزان تأثیر	انحراف معیار	میانگین	p	T	منبع	مفاهیم اصلی	نوع داده
زیاد	۰/۳۰	۴/۰۳	۰,۰۰	۲۹/۷	P1, P3, P4, P13	داشتن نیروی انسانی کارآمد	منابع انسانی
زیاد	۰/۳۰	۴/۰۳	۰,۰۰	۲۹/۷	P10,	وجود افراد صاحب‌نظر در رأس کنفدراسیون‌های ورزشی؛	
زیاد	۰/۳۴	۴/۰۴	۰,۰۰	۲۸/۲۰	P3, P5,	تعداد زیادی خبرنگار کارآمد	
زیاد	۰/۳۴	۴/۰۴	۰,۰۰	۲۸/۲۰	P3, P4	تعداد زیاد مجری کارآمد و مجرب	
زیاد	۰/۴۱	۴/۶۳	۰,۰۰	۲۵	R3, P4, P6, P9, P14, P10, P13	استفاده از نخبه‌های خارجی برای پیشبرد اهداف داخلی	
متوسط	۰/۳۲	۲/۹۸	۰,۰۰	۲۰/۸۶	P10, P15	بهبود وضعیت جانی کارگران	
متوسط	۰/۲۶	۲/۷۹	۰,۰۰	۲۳/۵	P10, P15	بهبود وضعیت دستمزد کارگران	
زیاد	۰/۴۶	۳/۶۳	۰,۰۰	۱۷/۷۳	P16	به تصویر کشیدن مهمان‌نوازی بسیار عالی در هتل‌ها توسط افراد لایق	

طبق جدول شماره ۸ یکی از اثرات دیپلماسی عمومی، مقوله‌ی اجتماعی- فرهنگی می‌باشد. همچنین چهار مفهوم تبدیل‌الجزیره به یکی از پربیننده‌ترین شبکه‌ها در غرب آسیا و جهان، برگزاری جام جهانی در یک کشور اسلامی و به تصویر کشیدن جهان اسلام، استفاده درست از ستاره‌هایی چون مسی برای به تصویر کشیدن فرهنگ قطری و کیفیت پخش عالی بالاترین میانگین را نشان دادند. آزمون تی تک‌نمونه‌ای نشان داد که همه مفاهیم در مقوله اجتماعی- فرهنگی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارند.

جدول ۸. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای و کدگذاری و شکل‌دهی مقوله اجتماعی-فرهنگی

میزان تأثیر	انحراف معیار	میانگین	p	T	منبع	مفاهیم اصلی	موضوعات
زیاد	۰/۲۶	۴/۲۱	۰,۰۰	۳۵/۴۵	R4, P3, P4, P8, P13, P15	گرفتن میزبانی‌های مختلف در قطر و وجود ستاره‌ها	اجتماعی-فرهنگی
خیلی زیاد	۰/۴۱	۴/۶۲	۰,۰۰	۲۴/۹	R4, P3, P10	تبدیل الجزیره به یکی از پر بیننده ترین شبکه‌ها در خاورمیانه	
زیاد	۰/۵۴	۳/۸۱	۰,۰۰	۱۶	R4, p3, P10	رکورددار از جهت تعداد شبکه‌های ورزشی	
زیاد	۰/۳۷	۴/۰۱	۰,۰۰	۲۴/۱۴	R3, P3, P4, P13	تغییر نگرش مردم به کشور قطر	
خیلی زیاد	۰/۴۱	۴/۶۲	۰,۰۰	۲۵	P8, P4, P15	برگزاری جام جهانی در یک کشور اسلامی و به تصویر کشیدن جهان اسلام	
زیاد	۰/۴۱	۳/۷۸	۰,۰۰	۲۰/۷	P15,	برگزاری جام جهانی با ممنوعیت مشروب و پوشش آزاد	
زیاد	۰/۲۷	۴/۲۰	۰,۰۰	۳۴/۳	P15,	به تصویر کشیدن سنت قطر در کنار تمدن جدید	
خیلی زیاد	۰/۴۱	۴/۶۲	۰,۰۰	۲۵	P3, P4, P8, P10, P13	استفاده درست و در زمان درست از ستاره‌هایی چون مسی برای به تصویر کشیدن فرهنگ قطری	
زیاد	۰/۲۷	۴/۲۰	۰,۰۰	۳۴/۳	P7, P10	تبدیل الجزیره به بین اسپورت برای برندینگ جهانی	
زیاد	۰/۵۴	۳/۸۱	۰,۰۰	۱۶	P7, P9	شبکه‌ی تلویزیونی الکاس و تحلیل مسابقات	
زیاد	۰/۳۵	۴	۰,۰۰	۲۵/۳	P9,	برگزاری کنفرانس‌های جامع و کامل	
زیاد	۰/۷۴	۴	۰,۰۰	۱۲/۳۶	P13, P15	حضور کم‌رنگ زنان غیر عرب	
زیاد	۰/۵۲	۴/۴۳	۰,۰۰	۱۹	P1, P5, P11	پوشش رسانه‌ای عالی	
زیاد	۰/۷۱	۴	۰,۰۰	۳۱/۶	P1, P11, P5, P14	امکان پخش زنده برای هر کشور	



میزان تأثیر	انحراف معیار	میانگین	p	T	منبع	مفاهیم اصلی	مقوله‌ها
خیلی زیاد	۰/۵۵	۴/۶۲	۰,۰۰	۱۸/۷۸	P1, P5, P11	کیفیت پخش عالی	
زیاد	۰/۲۴	۴/۴۲	۰,۰۰	۱۸/۶۱	P10, P13	خرید حق پخش لیگ‌های معتبر اروپایی	
زیاد	۰/۲۴	۴/۴۲	۰,۰۰	۱۸/۶۱	R4, P8, P10, P11	بحث توریسم و میزبانی و پخش ابر رویدادهای ورزشی در قطر	
زیاد	۰/۲۴	۴/۴۲	۰,۰۰	۱۸/۶۱	R3, P3, P4, P8	تمایل رسانه‌های قطری به نشان دادن تصویری متفاوت نسبت به پیشینه خود چه از لحاظ فرهنگی و چه ورزشی و	

طبق جدول شماره ۹ یکی از اثرات دیپلماسی عمومی، مقوله‌ی رسانه است. همچنین دو مفهوم: وجود کانال‌ها و صفحه‌های خبری در مورد جام‌جهانی قطر و تبلیغات مثبت در زمان درست و توسط اشخاص درست چون مسی بالاترین میانگین را نشان داد. آزمون تی تک‌نمونه‌ای نشان داد که همه مفاهیم در مقوله رسانه تأثیر مثبت و معنی‌داری دارند.

جدول ۹. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای و کدگذاری و شکل‌دهی مقوله رسانه‌ها

میزان تأثیر	انحراف معیار	میانگین	p	T	منبع	مفاهیم اصلی	مقوله‌های فرعی	مقوله‌ها
زیاد	۰/۴۵	۴/۲۰	۰,۰۰	۲۱	R5, P2, P7, P9, P12, P14,	نقش پررنگ رسانه‌های موبایلی	مجازی	رسانه
زیاد	۰/۴۵	۴/۲۰	۰,۰۰	۲۱	R3, R5, P2, P7, P9, P12, P14	فضای مجازی به‌عنوان یک شبکه مستقل و تأثیرگذار		
زیاد	۰/۸۹	۳/۸۰	۰,۰۰۱	۹	P2, P7, P12	داشتن اخبار لحظه به لحظه و بدون فیلتر		
زیاد	۰	۴	۰,۰۰	-	P2, P7	هر فرد یک شبکه مستقل و جداگانه		

مفروضه‌ها	مؤلفه‌های فرعی	مفاهیم اصلی	منبع	T	p	میانگین	انحراف معیار	میزان تأثیر
پخش و تبلیغات		استفاده از فناوری‌های اینترنتی	R3, R4, R5, P1, P2, P7, P9, P12, P14	۲۳/۱۷	۰,۰۰	۴/۴۲	۰/۴۳	زیاد
		وجود کانال‌ها و پیج‌های خبری در مورد جام جهانی قطر	P2, P7, P9, P12, P14	۲۵	۰,۰۰	۴/۶۲	۰/۴۱	خیلی زیاد
		تبلیغات مثبت از قطر و پوشش کاستی‌ها و ضعف‌های قطر در برنامه‌های رسانه‌ای	R4, P8, P10, P11, P15	۲۲	۰,۰۰	۴/۱۹	۰/۴۲	زیاد
		تبلیغات مثبت در زمان درست و توسط اشخاص درست چون مسی	P11, P13, P15	۲۴/۶	۰,۰۰	۴/۶۱	۰/۴۲	خیلی زیاد
		تبلیغات مثبت از انعطاف قطر در بحث مشروبات الکلی و حجاب و پذیرش جهانی شدن	P3, P10, P11, P15	۲۶/۵۴	۰,۰۰	۳/۹۹	۰/۳۴	زیاد
		تبلیغات درست و به موقع از امکانات و ... استادیوم‌ها و ...	P4, P7, P12	۲۲/۸	۰,۰۰	۴/۳۹	۰/۴۳	زیاد
		تفاوت و تبعیض در پخش مسابقات	P2, P3, P4, P5, P7, P11	۳۱/۹۲	۰,۰۰	۳/۷۹	۰/۲۶	زیاد
		سانسور شدید در بحث پخش به خاطر یک سری حواشی سیاسی	R4, P3, P4, P7, P11	۱۷/۶۷	۰,۰۰	۳/۱۸	۳/۲	متوسط
		اجازه فعالیت ندادن به بعضی رسانه‌ها و برخورد جدی با آن‌ها	P2, P3, P4, P5, P7, P11	۱۴/۲	۰,۰۰	۳/۳۹	۰/۵۳	متوسط

طبق جدول شماره ۱۰ یکی از مهم‌ترین اثرات دیپلماسی عمومی، مقوله‌ی اقتصادی می‌باشد. همچنین چهار مفهوم: گرفتن تبلیغات در دوره‌ی زمانی بازی‌ها، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها (هتل‌ها و ورزشگاه‌ها)، ایجاد مکان‌هایی برای گردهمایی هواداران، میدان‌های آموزشی و تمرین و استفاده از زیرساخت‌ها بعد از جام جهانی برای گردشگری و گردشگری ورزشی و تفریحی بالاترین میانگین را نشان می‌دهد. آزمون تی تک‌نمونه‌ای نشان داد که همه مفاهیم در مقوله اقتصادی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارند.

جدول ۱۰. نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای و کدگذاری و شکل‌دهی مقوله اقتصادی

میزان تأثیر	انحراف معیار	میانگین	p	T	منبع	مفاهیم اصلی	مقوله‌های فرعی	مقوله‌ها
زیاد	۰/۲۵	۴/۲۳	۰,۰۰	۳۷/۲۴	P7	درآمدزایی از طریق فروش حق پخش	خرد	اقتصادی (کسب و کار)
خیلی زیاد	۰/۵۳	۴/۶۱	۰,۰۰	۱۹/۳	R6	گرفتن تبلیغات در دوره زمانی بازی‌ها		
خیلی زیاد	۰/۵۲	۴/۶۲	۰,۰۰	۱۹/۸۱	R6	سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها (هتل‌ها و ورزشگاه‌ها)		
خیلی زیاد	۰/۵۳	۴/۶۲	۰,۰۰	۱۹/۳	R6	ایجاد مکان‌هایی برای گردهمایی هواداران، میدان‌های آموزشی و تمرینی		
خیلی زیاد	۰/۴۲	۴/۸۱	۰,۰۰	۲۵/۳۲	R6	استفاده از زیرساخت‌ها بعد از جام جهانی برای گردشگری و گردشگری ورزشی و تفریحی		
زیاد	۰/۴۱	۴/۰۳	۰,۰۰	۲۲/۰۵	R6	پشتیبانی اسپانسرها		
زیاد	۰/۴۴	۴/۲۲	۰,۰۰	۲۱/۵۳	R6	فروش کالاهای مربوط به بازی‌ها		

میزان تأثیر	انحراف معیار	میانگین	p	T	منبع	مفاهیم اصلی	مقوله‌های فرعی	مقوله‌ها
زیاد	۰/۴۵	۴/۲۰	۰,۰۰	۲۱	R6	افزایش شاخص سهام در کشور میزبان	کلان	
زیاد	۰/۲۲	۴/۲۱	۰,۰۰	۴۱	R7	کاهش نرخ بیکاری		
متوسط	۰/۲۲	۳/۱۹	۰,۰۰	۳۱/۵	R7	افزایش فرصت‌های کاری		
زیاد	۰/۴۳	۴/۲۳	۰,۰۰	۲۱/۷۳	P16	افزایش سرمایه‌گذاری در قطر		

طبق جدول شماره ۱۱، دبلماسی عمومی شامل: تسهیلات و زیرساخت‌ها، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، مدیریتی، رسانه و منابع انسانی می‌باشد. آزمون تی تک‌نمونه‌ای نشان داد که همه مفاهیم در مقوله دبلماسی عمومی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارند.

جدول ۱۱. نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای و کدگذاری و شکل‌دهی دبلماسی عمومی

ردیف	مقوله‌های اصلی	T	p	میانگین	انحراف معیار	میزان تأثیر
۱	تسهیلات و زیرساخت‌ها	۷۳/۳۲	۰,۰۰	۴/۵۸	۰/۱۴	خیلی زیاد
۲	سیاسی	۷۳/۴۵	۰,۰۰	۴/۲۲	۰/۱۳	زیاد
۳	مدیریتی	۳۹	۰,۰۰	۴/۱۰	۰/۱۱	زیاد
۴	منابع انسانی	۳۸/۹۸	۰,۰۰	۳/۷۷	۰/۲۲	زیاد
۵	اجتماعی-فرهنگی	۴۹/۹۱	۰,۰۰	۴/۲۳	۰/۱۹	زیاد
۶	رسانه‌ها	۴۸/۶۶	۰,۰۰	۴/۰۶	۰/۱۸	زیاد
۷	اقتصادی	۳۸/۲۷	۰,۰۰	۴/۲۹	۰/۰۵	زیاد

به طور کلی، با توجه به یافته‌های پژوهش میان هفت مقوله (شامل: تسهیلات و زیرساخت‌ها، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی-فرهنگی، مدیریتی، رسانه و منابع انسانی) و مفاهیم آن‌ها با دبلماسی عمومی قطر در جام جهانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. البته لازم به

ذکر است که میزان این رابطه و تأثیر آن با توجه به آزمون تی و میانگین‌های به دست آمده متفاوت است.

نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، تبیین ابعاد دیپلماسی عمومی جام‌جهانی ۲۰۲۲ قطر و شناسایی و طبقه‌بندی عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر بعد رسانه‌ای است. نتایج پژوهش نشان داد که مقوله‌ها در قالب ۱۰۳ کد مفهومی و ۷ مقوله اصلی قابل دسته‌بندی هستند. یکی از یافته‌های پژوهش نقش مقوله تسهیلات و زیرساخت‌ها در دیپلماسی عمومی است و این با نتایج آزادی و همکاران (۱۴۰۱)، سوفوتاسیو^۱ و همکاران (۲۰۱۵) و یانگ و دانگ (۲۰۲۲) همخوانی دارد. سرمایه‌گذاری برای ساخت استادیوم در بالاترین کیفیت، داشتن استادیوم‌های مدرن شامل استادیوم لوسیل، البیت، الجنوب، احمدین علی (الریان) و خلیفه در شهر دوحه که هر کدام بر اساس اصول پایداری معماری ساخته شده است، همچنین ساخت استادیوم سیار ۹۷۴ که به طور کامل از کانتینر(بارگننج)های حمل و نقل و واحدهای فولادی ساخته شده است و اولین ورزشگاهی در جهان است که می‌تواند برچیده شود از جمله این تسهیلات و زیرساخت‌هاست. خط هوایی قطر که به‌عنوان شریک رسمی خطوط هوایی فیفا شناخته شد و اکنون مشارکت‌های ورزشی بین‌المللی دارد، مترو سریع‌السیر و با امکاناتی چون اینترنت، داشتن مرکز رسانه‌ای قوی و به روز از دیگر مواردی است که می‌توان نام برد.

یکی از مقوله‌های پژوهش نقش عامل (مقوله) اقتصادی (کسب و کار) در دیپلماسی عمومی است و این با نتایج آزادی و همکاران (۱۴۰۱)، سرخیل (۱۳۹۵) و قرائتی و همکاران (۱۴۰۰) همخوانی دارد. میزبانی جام‌جهانی فوتبال ۲۰۲۲ یک فرصت اقتصادی بزرگ از نظر سرمایه‌گذاری و حضور کارآفرینان و سرمایه‌گذاران، مشارکت در کسب و کار، ایجاد شغل، درآمدزایی از فروش حق پخش تلویزیونی و همچنین به دست آوردن سود در بلند مدت با گرفتن میزبانی‌های مختلف و ورود گردشگران ورزشی می‌توان اشاره کرد. دولت قطر می‌تواند با استفاده از زیرساخت‌های ورزشی و قابلیت‌های مدیریتی برای جذب رویدادهای ورزشی و غیرورزشی آینده به اهداف اقتصادی و سیاسی این کشور کمک کند.



یکی از مقوله‌های پژوهش، نقش عامل (مقوله) اجتماعی-فرهنگی در دیپلماسی عمومی است و این با نتایج شاه‌محمدی و قراتتی (۱۳۹۱)، آل‌ثانی (۲۰۲۱) و سرخیل (۱۳۹۵) همخوانی دارد. دوحه با موفقیت از جام جهانی برای تقویت برند قطر در مدرن‌سازی و حفظ سنت‌های اجتماعی و فرهنگی استفاده کرد. ورزش یک ابزار ارتباطی قدرتمند است که ضمن آن می‌توان با به نمایش گذاشتن سنت‌های فرهنگی خود از جمله مهمان‌نوازی، حضور اشخاص حقیقی و حقوقی و استفاده از ستاره‌هایی چون مسی و ... برای بهبود روابط دیپلماتیک، ارتقاء فرهنگ‌سازی و جذب فرصت‌های سرمایه‌گذاری بهره برد.

یکی از مقوله‌های پژوهش نقش عامل (مقوله) سیاسی در دیپلماسی عمومی است و این با نتایج تورز (۲۰۲۱)، رنجبرحیدری و همکاران (۱۳۹۴)، خرازی (۱۳۹۴)، مای‌دنه و رولز (۲۰۲۲)، قراتتی و همکاران (۱۴۰۰)، شاه‌محمدی و قراتتی (۱۳۹۱)، آل‌ثانی (۲۰۲۱) و لاریسو و همکاران (۲۰۲۳) همخوانی دارد. کشور قطر با وجود ثروت فراوان سعی دارد تا نفوذ جهانی گسترده و عمیقی داشته باشد. در وب سایت دیپلماسی قطر^۱ هدف قطر آینده‌ای صلح‌آمیز، مرفه و پایدار برای مردم جهان می‌باشد. همچنین خریداری باشگاه مطرح جهان مثل پاری‌سن ژرمن برای ایجاد تصویر مثبت از قطر نقش بسزایی دارد. همچنین اهدا ورزشگاه سیار به کشورهای چون آفریقا برای کمک به ورزش آنان از نکات قابل توجه و رسانه‌ای بود. آبرویدادی چون جام جهانی به رهبران قطر این فرصت را می‌دهد تا تمایل خود را برای صلح، رفاه و ... با جهانیان در میان بگذارند و به یک بستر کلیدی برای ارتقای تصویر ملی یک کشور، تقویت روابط صلح‌آمیز و افزایش نفوذ منطقه‌ای و جهانی آن تبدیل شود.

یکی از مقوله‌های پژوهش، نقش عامل (مقوله) مدیریتی در دیپلماسی عمومی است و این با نتایج مای‌دنه و رولز^۲ (۲۰۲۲)، آل‌ثانی (۲۰۲۱) و سرخیل (۱۳۹۵) همخوانی دارد. چشم‌انداز ملی قطر این است که این کشور تا سال ۲۰۳۰ به یک جامعه پیشرفته تبدیل شود که این خود گواهی برای داشتن اهداف کلان و برنامه‌ریزی بلندمدت است و همچنین توانایی کار کردن با و به وسیله افراد کارآمد نشان از مدیریت درست و موفق است. توانایی کنترل و ایجاد امنیت بین تماشاچیان و مهمانان از مواردی بود که می‌توان نام برد و نشان از داشتن راهبرد مطلوب و برنامه‌ریزی مستمر برای تبلیغات و اطلاع‌رسانی و تغییر افکار عمومی می‌باشد.

یکی از مقوله‌های پژوهش، نقش عامل (مقوله) رسانه در دیپلماسی عمومی است و این با نتایج اسدی (۲۰۱۷)، زمانیان و همکاران (۱۴۰۱) و رنجبر حیدری و همکاران (۱۳۹۴)، سرخیل (۱۳۹۵) و لاریسو و همکاران (۲۰۲۳) همخوانی دارد. در حال حاضر رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های دیجیتال قدرت استثنایی در تأثیرگذاری بر افکار عمومی، بهبود وجهه کشور، داشتن تنوع و جذابیت‌های زیاد، تغییر و تحولات در تعامل و ارتباطات، سرعت گرفتن تحولات سیاسی و ... دارند. جام‌جهانی فوتبال به‌عنوان رویداد ورزشی بزرگ توانست توجه رسانه‌های جهانی را به خود جلب کند و کشور میزبان با استفاده از آن به اهداف مختلفی از جمله اقتصادی، سیاسی، ملی و فرهنگی دست یافت. همچنین داشتن تبلیغات درست و در بهترین زمان ممکن مثل بازی فینال و به تصویر کشیدن سنت‌ها، میراث و فرهنگ عربی توسط یونل مسی، به نمایش گذاشتن تسهیلات و زیرساخت‌هایی با فناوری روز دنیا و پوشش رسانه‌ای مناسب آن‌ها را می‌توان اشاره کرد. قطر توانست توانایی خود را در سازماندهی یک رویداد ورزشی بزرگ به‌لحاظ رسانه‌ای به نمایش بگذارد و زیرساخت‌های ورزشی و توانایی‌های مدیریتی خود را رسانه‌ای کند. نشان دادن تعامل و ارتباطات با خبرگان در قاره‌های مختلف از طریق رسانه‌ها نشان از سعی در پذیرفتن جهانی‌شدن و جهانی‌سازی از سوی قطر است. دولت قطر با استفاده از دیپلماسی عمومی در بعد رسانه‌ای توانست دیپلماسی عمومی در بعد غیررسانه‌ای (فرهنگی-اجتماعی، و ...) را به خوبی پوشش دهد. ترکیب دیپلماسی ورزشی با دیپلماسی رسانه‌ای در نمایش قدرت نرم قطر موفق بوده است.

یکی از یافته‌های پژوهش، نقش عامل (مقوله) منابع انسانی است و این با نتایج آزادی و همکاران (۱۴۰۱) و آل‌ثانی (۲۰۲۱) همخوانی دارد. داشتن نیروی انسانی کارآمد و استفاده از نخبگان خارجی برای پیشبرد اهداف قطر کمک کرد. نحوه برخورد مناسب کارمندان یا داوطلبان در هتل‌ها یا استادیوم‌ها و آموزش برای مناسب برخورد کردن با گردشگران از جمله زیرمقوله‌های مدیریت منابع انسانی است. از طرفی برخورد نامناسب و مهم نبودن جان کارگران و نداشتن دستمزد کافی ایراداتی بود که به آن‌ها وارد بود و قطر با استفاده از ورزش سعی کرد به یک‌سری مشکلات داخلی مثل کاستی‌هایی که در وضعیت جانی و دستمزد کارگران است، سرپوش گذاشت.

در نهایت شایان ذکر است اطلاعات به دست آمده از تحقیق حاضر حاکی از آن است که مقوله تسهیلات و زیرساخت‌ها بیش‌ترین تأثیر را در دیپلماسی عمومی قطر در جام جهانی ۲۰۲۲ دارد. داشتن فناوری‌های به روز و پیشرفته در بحث تسهیلات و زیرساخت‌ها، داشتن استادیوم‌های مدرن



و سیار نقش بسیار پررنگی در جام جهانی ۲۰۲۲ داشته است که به دلیل نمایش مناسب آن توسط رسانه‌ها، به‌عنوان یک ابزار قدرتمند در خدمت دیپلماسی عمومی قطر بود.

بنابراین، با توجه به نتایج پژوهش به‌نظر می‌رسد؛ میزبانی جام جهانی در کشوری که پیشینه فرهنگی زیادی ندارد و سابقه منفی خود در مسائل داخلی مانند برخورد با اقلیت‌ها، سرتاسر می‌تواند برایش سود، شهرت، کسب وجهه مثبت باشد. همچنین سطح رفاه و استانداردهای زندگی افراد بهتر از قبل می‌شود و یک حرکت بزرگ به سمت چشم‌انداز خود در ۲۰۳۰ می‌باشد. در واقع با استفاده از قدرت نرم و تطهیر ورزشی، توانست سرپوشی برای پیشینه‌ی منفی خود بگذارد و از ورزش به‌عنوان پلی برای ارتقای روابط دیپلماتیک و همکاری‌های بین‌المللی استفاده کرد. قطر با پیروی از راهبرد همه‌جانبه از جمله عوامل مدیریتی، انسانی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، تسهیلات و زیرساخت‌ها موفق شد چهره خود را به‌عنوان یک کشور پیشرو در غرب آسیا به نمایش بگذارد. در این نمایش، رسانه نقش کانونی داشت.

پیشنهادهای کاربردی و رسانه‌ای

- ایران شرایط بهتری از لحاظ آب و هوایی، گردشگری و منابع طبیعی، پیشینه فرهنگی، تنوع گونه‌های ورزشی و ... نسبت به قطر دارد، لذا بهتر است رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما بیش از پیش در معرفی ظرفیت‌های و رویدادهای ورزشی ایران فعال باشند.
- برگزاری جلسات کارشناسی با رسانه‌های قطر و به اشتراک‌گذاری دانش و تجربیات طرفین در بهبود دیپلماسی ورزشی و رسانه‌ای.
- مذاکره با رسانه‌های دولتی قطر برای دریافت و پخش مستندهای حرفه‌ای و جذاب در خصوص نحوه برنامه‌ریزی قطر برای میزبانی جام جهانی ۲۰۲۲ از شبکه‌های برون‌مرزی و داخلی صداوسیما.
- در برنامه‌های ورزشی العالم و الکوثر از کارشناسان قطری دعوت شود و از تجارب آنها در برگزاری رویدادهای جام جهانی ۲۰۲۲ و جام ملت‌های آسیا در ۲۰۲۴ بهره گرفته شود.

پیشنهادها برای تحقیقات آتی

- واکاوی دیپلماسی رسانه‌ای در تناظر با دیپلماسی ورزشی ایران و ارائه الگو (در این خصوص می‌توان دیپلماسی رسانه‌ای و ورزشی ایران را با قطر نیز مقایسه کرد).
- واکاوی نقش رسانه‌های برخط و دیجیتال در دیپلماسی ورزشی.

منابع و مأخذ منابع فارسی

- اردکانی فرد، زهرا، و حسینی پاکدهی، علیرضا (۱۴۰۰). تصویر «برند ملی» جمهوری اسلامی ایران در شبکه‌های برون مرزی پرس‌تی‌وی و العالم. *پژوهشنامه رسانه بین‌الملل*، ۲ (۶)، ۵۷-۸۸.
- آزادی، افشین، متانی، مهرداد، فلاح، علی، و قلی‌پور کنعانی، یوسف (۱۴۰۱). مدل‌سازی ساختاری زنجیره ارزش تولیدات رسانه‌ای در دیپلماسی رسانه‌ای ایران در قبال دنیای عرب. *مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ*، ۱۲ (۲)، ۱-۲۲.
- اسماعیل‌زاده، روح‌الله، نادریان‌چهرمی، مسعود، مطلبی، لنا، و قاسمی‌نژاد دهکردی، آتوسا (۱۴۰۱). تحلیل نقش سواد رسانه‌ای در توسعه اصول اخلاق حرفه‌ای ورزشکاران حرفه‌ای. *پژوهش‌های ارتباطی*، ۴ (۱۱۲)، ۹-۲۹.
- بابایی، محمد، سیمبر، رضا، سلیمانی کشایه، سجاد، و رضایی، مریم (۱۳۹۴). تاثیر دیپلماسی ورزشی بر قدرت نرم در نظام بین‌الملل. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۴ (۲۹)، ۱-۲۶.
- حسن پورقادی، رضا، و دوستی، مرتضی (۱۴۰۰). جایگاه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷. *مدیریت ورزشی*، ۱۳ (۲)، ۵۸۱-۶۱۶.
- حق‌شناسی، محمدمیر، و اکبری، کمال (۱۳۹۹). بایسته‌های محتوایی دیپلماسی رسانه‌ای ایران در مناطق روس زبان. *پژوهشنامه رسانه بین‌الملل*، ۵ (۶)، ۱۱۱-۱۳۵.
- خبیری، کابک، و محمدی، منوچهر (۲۰۱۷). تأثیر برج‌ام بر جایگاه ایران در معادلات غرب آسیا. *مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۰ (۳۷)، ۸۳-۱۰۴.
- خرازی آذر، رها (۱۳۹۴). دیپلماسی رسانه‌ای؛ توان نوین راهبردی کشورها. *مطالعات رسانه‌ای*، ۲ (۲۹)، ۱۱۳-۱۲۲.
- خسروی، افسانه، عنایتی شبکلانی، علی، و رزمجو، علی‌اکبر (۱۳۹۴). دیپلماسی عمومی جدید؛ بستر ساز قدرت دیپلماسی رسانه‌ای. *فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۷ (۲۲)، ۱۴۸-۱۲۵.
- دانش‌فر، محمدجواد (۱۳۹۴). معجزه اقتصادی قطر با استفاده از میدان پارس جنوبی. *همایش ملی تفکر بسیجی، پژوهش و اقتصاد مقاومتی*.
- رنجبر حیدری، وحید، فرجی، محمدرضا، و جمشیدی، ابراهیم (۱۳۹۴). نقش شبکه خبری الجزیره در دیپلماسی رسانه‌ای قطر. *سیاست جهانی*، ۴ (۱)، ۲۰۳-۲۳۵.
- ساداتی، سیدنصرالله (۱۳۹۳). دیپلماسی رسانه‌ای و نقش آن در روابط بین‌الملل. *رسانه*، ۹۶ (۲۵)، ۱۱۳-۱۳۰.

دیپلماسی عمومی قطر در جام جهانی ۲۰۲۲ با تأکید بر بعد رسانه‌ای ۳۳۳

سرخیل، بهنام (۱۳۹۵). تطور دیپلماسی در قطر: از بی‌طرفی محافظه‌کارانه تا نفوذ هوشمند. علوم سیاسی، ۱۲(۳۵)، ۱۵۶-۱۲۷.

شاه محمدی، عبدالرضا، و قرائتی، علی‌رضا (۱۳۹۱). تأثیر دیپلماسی رسانه‌ای بر تبادل فرهنگی کشورها. مطالعات رسانه‌ای، ۷(۴)، ۱۱۶-۱۰۵.

شکری‌رفسنجانی، انوشه، و ابراهیم، حسینی (۱۳۹۹). کارکرد دیپلماسی رسانه‌ای صدا و سیما ج. ا. برای تامین منافع ملی در دوران بحران کرونا. جستارهای سیاسی معاصر، ۱۱(۴)، ۲۶۷-۲۹۱.

عبدالله‌خانی. علی (۲۰۰۷). سه نسل - سه گفتمان در فرهنگ استراتژیک. مطالعات راهبردی، ۱۰(۳۶)، ۲۳۹-۲۵۹.

قرائتی، علیرضا، سلطانی‌فر، محمد، ارمغان، سیمین، صالحی، علی اکبر، و احمدزاده کرمانی، روح اله (۱۴۰۰). اثربخشی دیپلماسی رسانه‌ای با رویکرد توسعه گردشگری خارجی. مطالعات رسانه‌ای، ۱۶(۵۲)، ۸۳-۶۹.

موسوی، سیدمحمد (۱۴۰۰). واکاوی رابطه دیپلماسی عمومی و قدرت نرم در سیاست خارجی کشورها از منظر سازه‌نگاری. فصلنامه سیاست خارجی، ۳۵(۲)، ۱۳۴-۱۰۷.

میناوند، محمدقلی، و جعفری‌چگنی، عارف (۱۳۹۸). بایسته‌های همکاری مطلوب رسانه‌ای میان کشورهای فارسی زبان. پژوهش‌نامه رسانه بین‌المللی، ۴(۴)، ۸۸-۶۹.

نقیب‌السادات، عودلجانی (۱۴۰۰). دیپلماسی رسانه‌ای در شبکه اجتماعی توئیتر. مطالعات رسانه‌های نوین، ۷(۲۶)، ۳۲۴-۲۹۵.

هادیان، ناصر، و سعیدی، روح‌الامین (۱۳۹۲). از دیپلماسی عمومی سنتی تا دیپلماسی عمومی نوین: رویکردی هابرماسی. راهبرد، ۲۲(۳)، ۶۱-۳۳.

منابع انگلیسی

- Al Thani, M. (2021). Channelling soft power: the qatar 2022 world cup, migrant workers, and international image. *The International Journal of the History of Sport*, 38(17), 1729-1752.
- Amara, M. (2005). 2006 Qatar Asian Games: A 'modernization' project from above? *Sport in society*, 8(3), 493-514.
- Asadi, A. (2017). A Role of Digital Media on Discussing about the Diplomacy in the World. *Open Journal of Political Science*, 7(2), 267-275.
- Cull, Nicholas J. (2009). "Public Diplomacy before Gullion: The Evolution of a Phrase." in Nancy Snow and Philip M. Taylor (Eds.), *Routledge Handbook of Public Diplomacy*, London and New York: Routledge.
- Drapkin, I., Ivan, S., and Ilya, Z. (2024). Revisiting the Effect of Hosting Large-Scale Sport Events on International Tourist Inflows. *Journal of Sports Economics*, 25(1), 98-125.



- Eggeling, K. A. (2021). What is the "culture" in cultural diplomacy? Three responses from Qatar. *Økonomi & Politik*, 94(4).
- Exell, K., and Rico, T. (2013). 'There is no heritage in Qatar': Orientalism, colonialism and other problematic histories. *World Archaeology*, 45(4), 670-685.
- Fifa (2022). Media coverage, Available at: <https://www.fifa.com/fifa-world-cup-qatar-2022-commercial/media-coverage>.
- Gündogan, I. (2023). Where good intentions fail: The limits of sport diplomacy with the people's republic of china under the leadership of XI jinping. *Sports Law, Policy & Diplomacy Journal*, 1(1), 105-130.
- Kaplanidou, K. K., Al Emadi, A., Sagas, M., Diop, A., and Fritz, G. (2016). Business legacy planning for mega events: The case of the 2022 World Cup in Qatar. *Journal of Business Research*, 69(10), 4103-4111.
- Katyal A (2021). Top Bins: an exploration of Qatar's use of sport and capital to strengthen diplomatic visibility. *Athens Journal of Sports* 8(4): 271-278.
- Kobierecka, A., and Kobierecki, M. M. (2023). Public diplomacy and nation branding in action: Swiss Embassy's participation in the Night of Museums Event in Warsaw. *Place Branding and Public Diplomacy*, 1-14.
- Kobierecki, M. M. (2023). Olympic Truce during the Nagano Olympics: Between Diplomacy and Public Diplomacy of the International Olympic Committee. *The International Journal of the History of Sport*, 40(1), 85-103.
- Larisu, Z., Estrada, P. R., Ibnu, S., and Nurmansyah, M. (2023). Multivectorism politics in 2022 Qatar world cup: media relations analysis. *Jurnal Studi Komunikasi*, 7(1), 001-015.
- Le, T. M. D., and Rolls, M. (2022, June). China's Media Diplomacy in The South China Sea Disputes Case Studies of the Scarborough Shoal Stand-off and The Oil Rig Crisis. In *The Twelfth International Convention of Asia Scholars (ICAS 12)*, 1, 320-330. Amsterdam University Press.
- Leka, D., and Kosumi, B. (2017). The impact of Democracy in the Media and Public Opinion. *Acta Universitatis Danubius. Communicatio*, 11(2), 39-52.
- LO, A. A. (2023). Leveraging sports for public diplomacy outcomes: The case of Qatar's FIFA word cup 2022. *Anadolu Akademi Sosyal Bilimler Dergisi*, 5(1), 33-49.
- Papanikos, G. T. (2023). The Global Media Coverage of the 2022 Qatar World Football Cup. *Athens Journal of Sports*, 10(2): 119-132.
- Scharfenort, N. (2014). Off and running: Qatar brands for FIFA World Cup, and life beyond. *Under construction: Logics of urbanism in the Gulf region*, 71-87.
- Serdar, M. Z., and Al-Ghamdi, S. G. (2021). Resiliency assessment of road networks during mega sport events: The case of FIFA World Cup Qatar 2022. *Sustainability*, 13(22), 12367. 1-15.
- Skey, M. (2023). Sportswashing: Media headline or analytic concept? *International review for the sociology of sport*, 58(5), 749-764.



- Sofotasiou, P., Hughes, B. R., and Calautit, J. K. (2015). Qatar 2022: Facing the FIFA World Cup climatic and legacy challenges. *Sustainable cities and society*, 14, 16-30.
- Torres, J. I. C. (2021). Del poder blando al poder sutil: el caso de Catar. *bie3: Boletín IEEE*, 24, 91-107.
- Ying, J. I. A. N. G., and Dong, W. A. N. G. (2022). Characteristics and experiences of contemporary media diplomacy: A case study of Al Jazeera in Qatar. *Pakistan Journal of International Affairs*, 5(3).
- Zhang, X. (2018). Al-Jazeera and Qatar foreign policy: asset or liability? *tesi.luiss.it*

داوری مقاله

ردیف	معیار	توضیحات	امتیاز	حداکثر امتیاز
۱	تناسب عنوان و چکیده با محتوای مقاله و محورهای موضوعی نشریه			۵
۲	کیفیت طرح مقدمه			۱۰
۳	غنا و نوآوری پیشینه پژوهش و مبانی نظری و ارتباط منطقی آنها با سایر بخش‌ها			۱۰
۴	روش‌مندی و نظام‌مندی			۱۰
۵	تحلیل راهبردی مسئله، تجزیه و تحلیل داده‌ها، تبیین شاخص‌های رویکردی و رفتاری بازیگران			۱۵
۶	بازنمایی رسانه‌ای پدیده مورد مطالعه در رسانه‌های برون‌مرزی ایران یا رسانه‌های رقیب			۱۰
۷	بحث و نتیجه‌گیری			۱۰
۸	داشتن رویکرد رسانه‌ای در کل مقاله و دستیابی به یافته‌های کاربردی برای دستگاه‌های دیپلماسی عمومی کشور به‌ویژه رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما			۱۰
۹	رعایت قواعد علمی نگارش			۱۰
۱۰	اعتبار منابع و مأخذ			۱۰
	جمع امتیازها			۱۰۰

Qatar's Public Diplomacy Toward the 2022 FIFA World Cup: The Media Dimensions

Elahe Fahiminejad¹, Morteza Dousti², Masume Kalateh seifari³, Behnaz Saboori⁴

Abstract

The World Cup is one of the most important international events that engages a wide range of public opinion. The countries hosting this very important sports event try to use their public diplomacy capacities, especially media diplomacy to put a favorable image of the quality of this event in the public eye of the world. Using the theoretical aspects of public diplomacy, this research has been conducted to explain the dimensions of Qatar's public diplomacy throughout the 2022 World Cup and identify and classify the factors affecting it with an emphasis on media coverage. The method of doing research was qualitative which was done in two stages. The first stage was a semi-structured interview and the second stage was the Delphi method. Research categories have been extracted in the form of 103 conceptual codes and 7 main categories. The findings show that the effective factors in Qatar's public diplomacy in the 2022 FIFA World Cup were the categories of facilities and infrastructure, economic, political, socio-cultural, managerial, media and human resources, among which media diplomacy plays a significant role in the display of soft power. Through media diplomacy, Qatar managed to narrate its capabilities in organizing and hosting a major sports event in the world. The media has been a key factor in the presentation of other categories.

Keywords: Public Diplomacy, Sports, Qatar, World Cup 2022, Media Diplomacy.

1 PhD student in sports management, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran

2 Associate Professor, Department of Sports Management, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran (Corresponding Author).

3 Associate Professor, Department of Sports Management, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran

4 Associate Professor of Natural Resource Economics, College of Marine and Agricultural Sciences, Sultan Qaboos University, Muscat, Oman

Iran's Position in Regional and International Corridor Geopolitics (With an Emphasis on Media Approaches)

Rahmat Hajimineh¹, Rasul Mahmoudi Yamin²

Abstract

Iran, due to its situation between the three continents of Asia, Europe and Africa, has a unique geographical location in the world. Today, due to the emergence of economic powers in Asia and the increase of exchanges between countries in the last few decades, the importance of Iran's territorial position and the creation of corridors has multiplied. The purpose of this article is to explain Iran's position in regional and international corridors and the factors affecting Iran's position, especially rival corridors or corridors that have the ability to negatively affect Iran's geopolitical importance, emphasizing the role of the media. To achieve the desired goal, the research has been followed by using the descriptive and explanatory methods from a critical geopolitical perspective. The main hypothesis is that in addition to Iran's strategic position in the political geography of the region, three internal (including macro-politics), regional (regional cooperation and competition) and international (anarchic structure and hegemonic interests) factors promote the advantage. The relative positions of Iran's corridors compared to competing corridors are influential. The findings of the research show that the corridors are an effective factor in shaping Iran's regional and extra-regional power position; But this strategic advantage is constantly under threat from rival corridors and internal and regional factors. In corridor competition, reliance on security, cost reduction and time-saving are the most important competitive advantages of Iran's regional corridors compared to rival corridors. On the other hand, according to the function of the media, especially the overseas media, they can be present as an active observer in all stages from planning, execution and implementation to operationalisation and maintenance of the corridors. and by emphasizing the collective interests, play a colorful role in the convergence between the countries of the region in order to activate the corridors.

Keywords: Critical Geopolitics, Regional and International Corridors, Rival Corridors, IRIB World Service media, Iran.

1 Associate Professor of International Relations, Department of Law, Tehran East Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding author).

2 Master of Communication Sciences, Department of Communication, Faculty of Communication and Media, IRIBU, Tehran, Iran.

Simultaneous Interpretation Techniques in Media: An Analysis Based on Jan Pedersen's Model: S. H. Nasrallah's Commemoration Speech on the Martyrdom of General Soleimani, as a Case Study

Mohammad Reza Saeidi¹, Morteza Zare Beromi²

Abstract

Time is the most important challenge for media translators in simultaneous interpretation of speeches. Other challenges are the speaker's rate of speech, speech text, grammatical differences between the source and the target languages, and the quality of received voice. The success of simultaneous interpretation, therefore, depends on the interpreter's speed, skills, and creativity. This study aimed to analyze the techniques used in simultaneous interpretation of speeches in the media. To achieve this, Sayyed Hasan Nasrallah's speech on January 5, 2020, about the martyrdom of Lieutenant General Qasem Soleimani and his entourage was selected as the case study. Using Jan Pedersen's model, The study examined both the simultaneous interpretation and the written translation of the speech using descriptive-analytical method. The model includes six strategies: retention, specification, direct translation, generalization, substitution, and deletion. The results showed that the natural application of the target language in simultaneous interpretation was hindered by the instability of simultaneous interpretation compared to the speech text, the grammatical differences between Arabic and Persian languages, and the need to immediately deliver the interpretation to the audience. However, the interpreter's emotional expression and creativity in applying translation strategies, as well as conveying the key points of the speech into Persian, partially resolved this issue.

Keywords: Media, Sayyed Hasan Nasrallah, Translation, Jan Pedersen's Model, Shahid Soleimani.

1. M.A. in Arabic Language Translation, Faculty of Humanities, Damghan University, Damghan, Iran; m.saeidi@std.du.ac.ir

2. Assistant professor, Department of Arabic Language Translation, Faculty of Humanities, Damghan University, Damghan, Iran (corresponding author); m.zare@du.ac.ir

Representation of the Ukrainian war in Sputnik Persian news agency

Rasool Sharifi¹, Alireza Hosseini Pakdehi²

Abstract

Russia's war with Ukraine began on February 24, 2022, and brought the world in front of new realities. Since the end of World War II, there has been no such a major war between two neighbors in Europe. Different views and analyzes about the war between Russia and Ukraine have been presented by the media of both countries, and both countries are trying to represent their discourse about the war. Therefore, the aim of this research is to find out how Persian Service of Sputnik news agency represents the war between Russia and Ukraine in the first month of this war (i.e. February 24, 2022 to March 23, 2022) with Van Dyke and Fairclough's critical discourse analysis method on three levels. description, interpretation and explanation. The findings of this research show that the dominant discourse in the texts of Sputnik Persian news agency is a "defensive discourse". By presenting signs such as the nuclearization of Ukraine, the conspiracy of America and the West to weaken Russia, the genocide of Russians in the Donbas republic, and the threat of extreme nationalists and neo-Nazis to Russia, this news agency has represented that Russia's security is under threat and Russia under the leadership of Putin to provide It has started special military operations for its national security and interests, in other words for "self-defense".

Keywords: Russia-Ukraine War, Critical Discourse Analysis, Persian Sputnik, Representation.

1 . Ph.D student of Social Communication Sciences, Department of Communication, Faculty of Communication Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran (Responsible author). Sharifi1824@yahoo.com

2. Associate Professor, Department of Social Communication Sciences, Faculty of Communication Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. a.hosseini@atu.ac.ir

The Ukrainian Crisis and the Prospect of Convergence/Divergence in Europe (With Providing Media Solutions)

Seyed Mohammad Ali Taghavi¹

Abstract

The invasion of Ukraine by Russia on February 24, 2022, has had significant consequences in the international arena, particularly in Europe. For the first time since the Cold War, Russia has been considered a serious threat to Europe, prompting European countries to plan collective security and defense measures within the frameworks of both NATO and the European Union. However, rifts have occurred among EU countries over the best approach to confront Russia. This article explores the impact of the Ukrainian crisis on the process of convergence/divergence in Europe, using the economic-functional approach as the theoretical framework. The research method is historical, analyzing the sequence of events to identify causal relations. The findings suggest that the crisis has increased European countries' tendency towards more integration, particularly in defense and security issues. Finland and Sweden have been admitted to the NATO, and the organization has revised its collective defense programs. The EU has also become more eager to follow joint security and defense programs. However, the continuation of the Russian war against Ukraine may lead to divergences in the EU, as tensions over the export of Ukrainian grain have arisen between Ukraine and its Eastern European neighbors. So far, the EU has contained these tensions. It is recommended that IRIB Overseas media outlets cover various aspects of the Ukrainian crisis and point to the EU's double standards about the current crises in Ukraine and Palestine.

Keywords: Ukraine War, Convergence, European Union, NATO, Russia, Media.

¹ Associate Professor of Political Science, Culture and Communication Research Institute, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Analysis of the Fundamental Gap in the Rome Statute of the International Criminal Court Regarding the Starvation of Civilians in Non-International Conflicts

Yalda Naghizadeh¹, Seyyed Hesam Aldin Iesani², Seyyed Yaser Ziaee³

Abstract

In recent decades, there have been serious concerns about food insecurity and the “starvation of civilians” as a war strategy in armed conflicts. In this regard, the International Criminal Court has verified its jurisdiction over proceedings against the crime of “starving civilians” by the Rome Statute provisions concerning international armed conflicts. However, this crime has been neglected in non-international armed conflicts. To bridge this legal gap, based on the provisions of Act 123 in the Rome Statute of the International Criminal Court regarding the possibility of revising the statute, the propositions made by Switzerland were accepted in 2019 to insert a relevant law with the consensus of proponents. In this paper, a descriptive-analytical approach is adopted to determine the legal justifications for recognising this crime as a war crime in non-international armed conflicts and inserting it into the Rome Statute of the International Criminal Court. The most prominent finding of this study indicates that, with an emphasis on legal coherence in the regulations of international criminal law and the necessity of developing supportive coverage for civilians, the insertion of this rule into the Statute is an inevitable step to plug the existing normative gap. Furthermore, the effective power of the media to reflect facts and verify what goes on in the atmosphere of conflicts, especially in support of civilians, cannot be denied. Undoubtedly, the media and networks of the IRIB World Service play a key role in reflecting critical human conditions and crises in the region. Some media suggestions are presented at the end of this paper to enhance the IRIB World Service functions.

Keywords: Starvation, Non-International Conflicts, ICC, Media Suggestions.

1 PhD student in Public International Law, Department of Law, Faculty of Humanities, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2 Associated Professor, Department of Law, Hazrat-e-Masoumeh University, Qom, Iran (corresponding author).

3 Associate Professor, Department of International and Public Law, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran.

BBC Persian TV's Trust-Building Strategies and Techniques: A Case Study on the 60-Minutes News Program

Parviz Amini¹, Mahmoud Beheshti², Seyyedmohamadreza Fayazi³

Abstract

The focal point of the media for successful perception management and image-making is gaining the trust of the audience about its contents and messages. This research tries to clarify what strategies and techniques are being used by the "60 Minutes" News program, the main news section of BBC Persian TV network to build trust. Research was conducted with the qualitative content analysis method, and using the theories of news conceptualization and persuasion as a theoretical framework. The sample size included programs broadcasted during November and December of 2017. The findings of the research show that the 60 Minutes program uses strategies such as showing off its dominance on news in the media space, being a news reference, gaining more of the audience's news consumption, improving the quality of communication, establishing itself as a professional figure, developing news values, establishing a truth-seeking and fair image of itself and standing in the position of a public service media. Based on the theory of persuasion, the 60 Minutes program has gone through the stage of objective journalism and tries to reproduce its style in investigative journalism by establishing news leadership with a special look at the news source credibility and professionalism. Moreover, according to the image-making theory, the BBC Persian network is trying to build itself as a follow-up media and a public opinion watchdog.

Keywords: Trust Building, BBC Persian Network, Qualitative Content Analysis, 60 Minutes Program .

1 Assistant Professor, Department of Political Science and Islamic Revolution Studies, Faculty of Humanities, Shahid University, Tehran, Iran (corresponding author).

2 Master of Science in Social Communication, Department of Communication and Media, IRIB University, Tehran, Iran

3 Ph.D. student in media management, Department of Media Management, Faculty of Management and Economics, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Effective Procedures for the Application of Public Diplomacy of the Iranian Islamic Revolution in the IRIB World Service

Mohsen Sohani¹, Amir Hesam Eshaqi², Hassan Darzian Rostami³

Abstract

Today, powerful countries use media coverage to secure their interests and advance their foreign policy through political propaganda and shaping public opinion. In the same way, Iran pursues this policy at the regional and extra-regional level through the IRIB World Service media. according to this, the main purpose of this research is to explain the discourse-making signs and effective methods for the IRIB World Service media, by applying Iranian public diplomacy. The method of the research was mixed (qualitative-quantitative). The research tool in the qualitative part has been a semi-structured interview and in the quantitative part, structural equation analysis. For this purpose, the data was collected from questionnaires answered by 25 experts and was analyzed by SPSS and PLS software to model structural equations. The experts were selected by purposive sampling technique among the community of experts in the fields of diplomacy and media, who were also familiar with the theoretical concepts of the Islamic Revolution. Their number was based on the theoretical saturation criterion of the findings. The findings of the research showed that the factors of alienation, myth-making, hegemonizing, equivalence, deconstruction, marginalization, and highlighting are effective methods in the application of public diplomacy in the IRIB World Service radio and television networks, and the Islamic lifestyle, Muslim unification, Islamic compassion and wisdom, anti-arrogance, anti-secularist thoughts, and ignorance elimination are the signs of the discourse of the Islamic Revolution of Iran at the international level. The results of the analysis of structural equations confirm the interrelated use of these factors and components.

Keywords: Public Diplomacy, Media Diplomacy, IRIB World Service, Islamic Revolution Discourse

1 PhD student in Media Management, Department of Communication, Journalism and Media, Faculty of Social Sciences, Communication and Media, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

2 Faculty Member of Communication, Journalism and Media Department, Faculty of Social Sciences, Communication and Media, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author).

3 Faculty Member of Communication, Journalism and Media Department, Faculty of Social Sciences, Communication and Media, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

"Demoralization" as a Psychological Operation Tool: A Study of Iran International Page on Instagram

Hosein Hasani¹, Hossein Tadaion²

Abstract

The purpose of this article is to examine the topics used by “Iran International TV Network on Instagram to disappoint its users. Demoralization is a key method in psychological operations, and the media opposing the Iranian political system use it to discourage citizens from hoping for progress. Essentially, their goal is to create doubt about the efficiency of Iran's current political system. The study focuses on “Iran International TV” suggesting that one reason for its establishment was to serve as a channel for psychological operations. To analyze the contents published on the “TV network” page between April 9 and 30, 2023, the thematic analysis method introduced by Brown and Clark (2006) was used. The results showed that the TV emphasized economic conditions (inflation and production), migration, environmental issues, inefficiency of some managers, and economic corruption to discourage its audience. To counter this approach, the article proposes an explanatory approach, tailored to the characteristics of the target audience of IRIB World media.

Keywords: Demoralization, Psychological Operations, Iran International, Instagram, IRIB World Service

1 Assistant Professor of Culture, Art and Communication Research Institute (Corresponding Author).

2 Researcher at Art and Communication Research Institute.

Agenda Setting in Al Jazeera TV News Headlines: A Case Study of Iran and the United States' Presence in Iraq

Abolhasan Amin Moghadasi¹, Abdollah Hosseini², Zahra Izadi³

Abstract

News agenda setting involves prioritizing specific news stories to shape or change audience perceptions. Al Jazeera, like other media networks, uses agenda-setting in its news stories. This study examines Al Jazeera's use of this technique and how it reveals the network's ideological objectives and writing styles. Using a content analysis methodology to examine agenda-setting in Al Jazeera's headlines indicate that three news categories are repeatedly prioritized at the surface level of Al Jazeera's news agenda: political conflicts, economic corruption, and the presence of the Iranian and American forces in Iraq. The study also analyzed how the network reports on American and Iranian forces in Iraq from 2019 to 2023, and found that Al Jazeera tends to justify the presence of American forces in the region. In addition, Al Jazeera has used various methods to illustrate different ways of framing news stories. Based on statistical analysis, negative vocabulary accounted for 31.6% of all linguistic techniques, followed by interrogative structures at 22.4%, quotations at 11.2%, metaphorical expression at 9.6%, and references and historical reviews at 3.2%. A total of 8.8% of these articles were repeated.

Keywords: Al Jazeera Net, Agenda Setting, Iran, United States of America, Iraq.

1 Professor, Department of Arabic Language and Literature, Tehran University, Faculty of Literature and Humanities, Iran, Tehran.

2 Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Kharazmi University, Faculty of Literature and Humanities, Iran, Tehran.

3 PhD student of Arabic language and literature, Kharazmi University, Faculty of Literature and Humanities, Iran, Tehran (Corresponding Author). std_zahraizadi@khu.ac.ir.

The Media and the Coup: A Comparative Study on the Iranian and Turkish Press News Coverage of Iran's August 18, 1953, and the Turkish July 15, 2016 Coups

Mohammad Babae¹, Fereshteh Sabeti², Nima Rezaei³

Abstract

Studying the media's behavioral patterns towards important political changes, such as coups, is crucial due to its impact on public opinion and society. This article aims to compare the press news coverage of the August 19, 1953 coup in Iran, and the Turkish coup on July 15, 2016. The question is, how and to what extent did Iranian and Turkish press covered the coups? The research method is quantitative content analysis and the statistical population is news related to the coup that was published in three Iranian newspapers: Atash, Bakhtare Emrooz, and Ettela'at, and three Turkish newspapers: Zaman, Hürriyet, and Cumhuriyet, each with pro-government, critical, and neutral tendencies. The findings revealed that the selected press adopted no indifferent or neutral positions towards the events; they emphasized the people's role and the necessity of their participation, as well as condemning the foreign agents' role in the coup. Overall, the newspapers showed some common positions in support of the people and their anti-coup movements, due to the heavy political sphere. However, the Turkish selected press paid more attention to analyzing the event than the Iranian press, Perhaps due to the variety of views of the Turkish compared to the Iranian media, as well as the presence of new media providing information at the moment of the event..

Keywords: 19 August 1953 Coup, 15 July, 2016 Coup, Press, News Coverage, Iran, Turkish

1 Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University (Corresponding Author).

2 Master of Social Communication Sciences, Department of Social Communication, Faculty of Communication. Islamic Azad University, North Tehran branch.

3 Department of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, Kharazmi University.

The Strategic Narratives of the White House's Digital Diplomacy in X Social Media (Obama, Trump and Biden Administrations)

Saeedeh Moradifar¹, Asgar Safari²

Abstract

By setting up the @POTUS user account on X, US President Barack Obama wanted to lend importance to the goals of the United States' domestic and foreign policy in the international system. After Obama, Trump and Biden have also put a lot of effort into legitimizing their ideas and narratives in the international system through @POTUS based on their attitudes. But how did they express their goals and aspirations in the international system by creating narratives and presenting their achievements in X? To answer this question, this article uses qualitative content analysis to examine the two concepts of the national strategic narrative and the strategic narrative of the international system in the three accounts of @POTUS from May 2015 to June 2023. The findings show that this account tried to build a constructive role for US Administration as a flawless government "inside" and responsible "outside". The White House's national strategic narrative includes 8 categories (health care system, increasing economic growth, maintaining social order, promoting science, supporting sports, reducing crime, importance of the environment, and partisan battles) and the international system's strategic narrative includes 3 categories (maintaining position in the international system, upholding the values of liberal democracy, and dealing with the threats outlined). These categories did not have the same meaning for the three American presidents.

Keywords: Strategic narrative, Digital diplomacy, X Social media, President, White House.

1. Ph.D in International Relation, Department of Political Science, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding author).

2. Ph.D in International Relation, Department of Political Science, Faculty of Human Sciences, University of Guilan, Guilan, Iran.

Members of Editorial Board (in alphabetical order)

- **Dr. Hadi Ajili** Associate Professor at Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabai University (International Relations)
- **Dr. MohammadReza Dehshiri** Full Professor at Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs (International Relations)
- **Dr. Taher RoshandelArbatani** Full Professor at Faculty of management ,Tehran University (Media Management)
- **Dr. Ardeshir ZaboliZadeh** Associate Professor at IRIB University (Communication)
- **Dr. Ahmad ZabetiJahromi** Full Professor at the Radio and Television Faculty, IRIB University (Dramatic Arts)
- **Dr. Asghar Fahimifar** Associate Professor, Art Research Group, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University (Art Research and Television Studies)
- **Dr. Seyyed Mohamamd Marandi** Full Professor at Tehran University (North American Studies and English Literature)
- **Dr. Reza Mousazadeh** Full Professor at Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs (International Law)
- **Dr. Davood NematiAnaraki** Associate Professor at IRIB University (Communication)
- **Dr. Mohammad Hossein Ramezani Ghavamabadi** Associate Professor at Shahid Beheshti University (International Law)

IN THE NAME OF ALLAH



Scientific Publication of

International Media Research Letters

Volume 8, Issue 1, Serial Number 11, Spring and Summer 2023

Managing Director: **Dr. Ahmad Noroozi**

Deputy of Managing Director: **Dr. Ahmad Kazemi**

Editor-in-Chief: **Dr. Mohammad Gholi Minavand**

Executive Manager: **Dr. Mahmoud Torabi Aghdam**

Persian Editor: **Maryam Mohajeri and Behnam Khosravi**

English Editor: **Dr. Mohammad Gholi Minavand**

Layout: **Masoumeh Pourhejazi**

Graphic Designer: **Elahe Velayati**

Distribution Coordinator: **Soheila Nemati**

Publisher: **IRIB World Service Applied Researches Center**

Litography, Print & Binding: **Negaresh**

ISSN: ۲۷۸۰-۷۵۳۸

Editorial Office

**IRIB World Service Applied Researches Center, 5th Floor, IRIB
Office Building, in front of the Bilal Mosque, ValiAsr Ave, Tehran, Iran.**

P.C. 1999713113

Tel: 021-22167153

Websites: <http://imrl.arc.iriborg.ir/> and <http://arc.irib.ir>